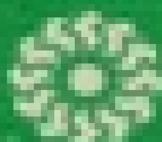
۹۶

ترجمه

بحار الأنوار

الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار

از محدث کبیر شیخ علامه محمد باقر مجلسی ره



ترجمه بحار الأنوار

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، 1037 - 1111ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392 -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.1 : 978-600-7150-67-2 ؛ ج.2 : 978-600-7150-68-9 ؛ ج.3 : 978-600-7150-69-6 ؛ ج.4 : 978-600-715070-2 ؛ ج.5 : 978-600-7150-71-9 ؛ ج.6 : 978-600-7150-72-6 ؛ ج.7 : 978-600-7150-73-3 ؛ ج.8 : 978-600-7150-74-0 ؛ ج.10 : 978-600-7150-76-4 ؛ ج.11 : 978-600-7150-83-2 ؛ ج.12 : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.13 : 978-600-7150-85-6 ؛ ج.14 : 978-600-7150-86-3 ؛ ج.15 : 978-600-7150-87-0 ؛ ج.16:978-600-7150-88-7 ؛ ج.17:978-600-7150-89-4 ؛ ج.18: 978-600-7150-90-0 ؛ ج.19:978-600-7150-91-7 ؛ ج.20:978-600-7150-92-4 ؛ ج.21: 978-600-7150-93-1 ؛ ج.22:978-600-7150-94-8 ؛ ج.23:978-600-7150-95-5

مندرجات : ج.1. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.2. کتاب توحید.- ج.3. کتاب عدل و معاد.- ج.4. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. 5. تاریخ پیامبران.- ج.6. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.7. کتاب امامت.- ج.8. تاریخ امیرالمومنین.- ج.9. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.10. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.11. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.12. کتاب آسمان و جهان - 1.- ج.13. آسمان و جهان - 2.- ج.14. کتاب ایمان و کفر.- ج.15. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.16. کتاب مواعظ و حکم.- ج.17. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.18. کتاب ادعیه.- ج.19. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.20.

کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.2 - 8 و 10 - 16 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP135/م3ب3042167 1392

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 3348985

ص: 1

اشاره

ترجمه

بحار الانوار

جلد 96

حج و عمره

ترجمه: گروه مترجمان

ص: 3

نام کتاب: ترجمه بحارالانوار، جلد 96

مولف: علامه محمد باقر مجلسی

مترجم: گروه مترجمان

ناشر: نهاد کتابخانه های عمومی کشور

آدرس نهاد: تهران بلوار کشاورز - خیابان فلسطین - کوچه شهید ذاکری شماره

ص: 4

فهرست

باب اول : چرا حج، حج نامیده شد؟

روایات:

1. معانی الأخبار: به امام باقرعلیه السلام گفتم: چرا حج را حج نامیده اند؟ امام در پاسخ فرمود: فلانی به سفر حج رفت، یعنی فلانی رستگار شد.(1)

2. علل الشرائع: مانند این حدیث را نقل کرده است.(2)

باب دوم : وجوب حج، فضیلت آن و مجازات ترک آن و برخی احکام حج

آیات:

- وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّه (3)

{و برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید.}

- وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِین (4)

1- . معانی الأخبار: 170 و در آن آمده است: فلانی حج کرد یعنی رستگار شد.
2- . علل الشرائع: 411
3- . بقره / 196
4- . آل عمران / 196

{برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است؛ البته بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد. و هر که کفر بورزد، یقیناً خداوند از جهانیان بی نیاز است. }

- وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیق (1)

{درمیان مردم برای ادای حج بانگ بر آور تا زائران پیاده و سواره بر هر شتر لاغری

که از هر راه دوری می آیند، به سوی تو روی آورند. }

روایات:

1. امالی صدوق: مشمعل اسدی نقل کرده است: سالی به سفر حج رفته بودم. پس از بازگشت از حج نزد امام صادق علیه السلام رفتم. امام پرسید: از کجا می آیی ای مشمعل؟ در پاسخ گفتم: جانم فدایتان باد، به سفر حج رفته بودم. امام فرمود: آیا می دانی پاداش حج گزار چیست؟ گفتم: نمی دانم، مگر این که شما به من بیاموزید. امام فرمود: هر گاه بنده، هفت دور به گرد این خانه طواف کند و دو رکعت نماز طواف بخواند و میان صفا و مروه سعی کند، خداوند سبحان شش هزار حسنه برای او می نویسد و شش هزار گناه او را می آمرزد و شش هزار درجه بر او می افزاید و شش هزار حاجت او را بر آورده می سازد و به همین اندازه برای آخرتش نیز ذخیره خواهد کرد. گفتم: جانم به فدایتان! اینها پاداش زیادی است! امام فرمود: آیا می خواهی به چیزی بیشتر و بالاتر از این پاداش، آگاهت کنم؟ گفتم: آری. امام فرمود: برآورده ساختن حاجت یک مؤمن، برتر است از سه حج... و تا ده حج برشمرد.(2)

1- . حج / 27
2- . امالی الصدوق: 493

2. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام می فرمود: حج گزاردن برتر از آزاد کردن ده برده است و تا هفتاد برده شمرد و دو رکعت نماز طواف برتر از آزاد کردن برده است.(1)

3. امالی صدوق: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: روزی رسول خداصلی الله علیه و آله همراه با یارانش نماز صبح را خواندند. سپس با آنان به گفتگو نشستند تا این که خورشید طلوع کرد. اصحاب پیامبر یکی پس از دیگری جز دو تن آنان برخاستند؛ یکی از انصار و دیگری ثقفی بود. سپس رسول خدا خطاب به آن دو فرمودند: دانستم که شما نیازی دارید که می خواهید درباره آن سؤال کنید، اگر بخواهید شما را از حاجتتان و آنچه در دل دارید، قبل از آنکه درباره آن از من سؤال کنید آگاه می سازم و اگر می خواهید، خود سؤالتان را مطرح سازید. آن دو شخص گفتند: ای رسول خدا، تو ما را از نیاز خود آگاه ساز؛ چرا که این امر کوری را زدوده و از شک و تردید دور ساخته و ایمان را استوارتر میسازد. رسول خدا فرمودند: اما تو ای برادر انصاری! تو از قومی هستی که دیگران را بر خود ترجیح می دهند. تو روستایی هستی و این شخص بادیه نشین است. آیا او را در جواب سؤال بر خود مقدم میداری؟ گفت: آری. رسول خدا فرمود: اما تو ای برادر ثقفی! نزد من آمده ای تا درباره وضو و نماز خود و همچنین ثواب آن دو از من سؤال کنی. بدان که چون دستانت را در آب زده و بگویی «بسم الله»،گناهانی که دستانت مرتکب شدهاند از بین خواهد رفت. چون صورتت را بشویی، گناهانی که چشمانت با نگاه و دهانت با الفاظ مرتکب شدهاند از بین میروند. چون ذراع - آرنج تا سر انگشتان - را بشویی، تمامی گناهان از سمت چپ و راستت محو می شوند. اگر سر و دو پایت را مسح بکشی، تمامی گناهانی را که توسط پاهایت مرتکب شده ای از بین می روند. این برای وضوی تو بود.

1- 3 . ثواب الأعمال: 44

چون رو به قبله به نماز بایستی و سوره فاتحه یا هر سوره دیگری را که خواندنش برایت میسر باشد بخوانی و سپس به رکوع روی و رکوع و سجود آن را به نحو کامل به اتمام رسانی، خداوند متعال تمامی گناهانی را که تا زمان ادای آخرین نمازت مرتکب شده ای خواهد بخشود. این هم برای تو در نمازت است.

اما تو ای برادر انصار، نزد من آمده ای تا درباره حج و عمره خود و پاداش آن دو از من سؤال کنی. بدان! وقتی که تو قصد سفر به حج کردی و بر مرکبت سوار شدی و«بسم الله» گفتی و مرکبت تو را به حرکت درآورد، مرکبت هیچ گامی بر زمین نگذاشته و گامی بر نداشته مگر این که در ازای هر گام، خداوند متعال برای تو حسنه ای می نویسد و گناهی را می بخشد.پس

چون احرام بستی و لبیک گفتی، باری تعالی در ازای هر لبیک برایت ده حسنه می نویسد و ده گناه تو را می زداید. هنگامی که خانه خدا را هفت دور طواف کنی، همین امر برایت نزد خداوند پیمان و یادی به جا خواهد گذاشت که از آن پس خداوند شرم می کند تو را عذاب کند. وقتی کنار مقام ابراهیم دو رکعت نماز بخوانی، خداوند به پاداش این دو رکعت نماز، دو هزار رکعت نماز مقبول برایت خواهد نوشت. و چون میان صفا و مروه هفت بار سعی کردی، پاداش آن نزد خداوند متعال همچون پاداش کسی است که از دیار خود پیاده به حج آمده، و یا همچون پاداش کسی است که هفتاد برده مؤمن را آزاد کرده است.

و چون تا زمان غروب آفتاب در عرفات ایستادی، اگر گناهانت به اندازه ریگ های صحرا و کف های دریا باشد، خداوند همه آنها را می آمرزد.

وقتی رمی جمرات کردی، خداوند با پرتاب هر سنگ، در عمر باقی مانده ات، ده حسنه برایت می نویسد. و چون سر را تراشیدی، خداوند در مقابل تراشیدن هر مویت، پاداشی در بازمانده عمرت می نویسد. و چون قربانی ات را سر بریدی یا شترت را نحر کردی، در ازای هر قطره خون آن، در بازمانده عمرت حسنهای داری. و چون هفت دورپیرامون خانه خدا طواف زیارت کردی و دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم خواندی، فرشتهای کریم و بزرگوار بر دوش تو می زند و می گوید: تمامی گناهان

گذشته ات بخشوده شدند. از هم اکنون تا صد و بیست روز آینده، اعمالت را از سرگیر.(1)

4 . ثواب الأعمال: امام باقر علیه السلام فرمود: اگر یک بار به حج روم، نزد من دوست داشتنیتر از آن است که برده ای را آزاد کنم، ... تا به دهبرده رسید و مانند آن و مانند آن ... تا به هفتاد برده رسید.و اگر مخارج زندگی اهل بیت مسلمان را تامین کنم و گرسنگی آنان را برطرف سازم و برهنگی آنان را بپوشانم و آبروی آنان را حفظ کنم، نزد من بسیار دوست داشتنی تر از آن است که بهیک حج، و حجی دیگر و حجی دیگر روم و تا ده حج شمرد و ... تا به هفتاد حج رسید.(2)

5. تفسیر علی بن ابراهیم: امام صادق علیه السلام در باره این آیه «مَنْ کانَ فِی هذِهِ أَعْمی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمی وَ أَضَلُّ سَبِیلا»(3)، {هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراهتر خواهد بود}این آیه در مورد کسی نازل شد که حج را آنقدر به تاخیر انداخت تا آنکه در گذشت و حج نگزارد، در نتیجه نسبت به فریضهای از واجبات خداوند کور گردید. (4)

6. تفسیر علی بن ابراهیم گوید: از امام صادق علیه السلام در باره کسی که توانگر باشد، اما به سفر حج نرفته باشد سؤال شد.حضرت فرمود: او از کسانی است که خداوند درباره آنان می فرماید: «و نحشره یوم القیامه أعمی»(5)، {و

روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم.} آن شخص پرسید: سبحان الله! نابینا؟ امام فرمودند: آری، خداوند وی را نسبت به راه حق کور کرده است.(6)

1- . امالی الصدوق: 549
2- . ثواب الأعمال: 127
3- . اسراء/ 72
4- . تفسیر علی بن ابراهیم: 386
5- . طه / 124
6- . تفسیر علی بن ابراهیم: 424

7. تفسیر علی بن ابراهیم: «ففرّوا الی الله»،(1)

{پس به سوی خدا بگریزید.} یعنی حج بگذارید.

8. تفسیر علی بن ابراهیم: پس می فرماید: «رب لولا أخرتنی إلی أجل قریب فأصدّق»، {پروردگارا، چرا تا مدتی بیشتر [اجل] مرا به تاخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟} یعنی به سفر حج روم.(2)

9. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام از پدر خود نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای حجگزار و عمرهگزار یکی از این سه ویژگی است. یا به وی گفته می شود: آنچه گذشته و باقی مانده - یعنی اعمال گذشته و در پیش رویت - بر تو بخشیده شده است. یا آن که به وی گفته می شود: هر آنچه از گناه در گذشته انجام داده ای بر تو بخشوده شده است، پس اعمالت را دوباره از سر گیر. و یا آنکه به وی گفته می شود: از خانواده و فرزندانت حفاظت شده است و این بهترین آن ویژگیهاست.(3)

10. الخصال: در موعظه پیامبرصلی الله علیه و آله به ابوذر آمده است: و حج گزاردن از بزرگترین امور است.(4)

11. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس دو بار به حج رود، همواره در راه مستقیم و نیکی است تا این که جان دهد.(5)

12. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: حج گزار وعمره گزار دو میهمان ویژه خداوند متعالند؛ پس تا زمانی که از سفر حج به سوی خانواده خویش باز گردد، همواره میهمان خداوند است. و دیگری شخصی است که مشغول نماز است و همواره

1- . ذاریات / 50
2- . تفسیر علی بن ابراهیم: 682
3- . قرب الاسناد: 1
4- . الخصال 2: 300-303
5- . الخصال 1: 39

در پناه خداوند است تا نمازش به پایان رسد. دیگری مردی است که به خاطر رضایت خداوند و در راه خدا برادر مؤمنش را دیدار می کند که در این صورت، خدا را در ثواب عاجل و خزائن رحمتش زیارت کرده است.(1)

13. الخصال: امام باقر علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حاجیان سه گونه اند و بیشترین بهره از آنِ کسی است که گناهان گذشته و آینده اش بخشوده شود و خداوند وی را از عذاب قبر در امان نگاه دارد. پس از او شخصی است که گناهان گذشته اش آمرزیده شود و باید در باقی مانده عمرش، عملش را از سر گیرد. پس از او کسی است که تنها خانواده و مالش حفظ می شوند.(2)

مؤلف:در باب دعائم اسلام و باب جوامع مکارم و نماز و باب فضیلت زکات و ابواب موعظهها و غیر آن، موضوع حج و تشویق بدان بیان گردید.

14. الخصال: رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام سفارش کرد: ای علی! از میان این امت ده نفر به خداوند سبحان کفر می ورزند: بسیار قتل کننده، ساحر، دیّوث، کسی که به حرام با زن از پشت نزدیکی کند، کسی که با حیوانات نزدیکی کند، همچنین کسی که با محرم خود زنا کند، کسی که جهت برپا کردن فتنه و آشوب تلاش کند و کسی که با اهل الحرب معامله سلاح کند، شخصی که مانع زکات گردد و شخصی که استطاعتی به دست آورد و بمیرد و به حج نرفته باشد.(3)

15. الخصال، اربعمائه: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: حج، جهاد هر انسان ضعیف و ناتوان است.(4)

16.

و فرمود:یک درهم خرج کردن در حج، معادل هزار درهم است.(5)

1- . الخصال 1: 83
2- . الخصال 1: 96
3- . الخصال 2: 217
4- . الخصال 2:412

5- . الخصال2: 421

17. و فرمود: حج گزار و عمره گزار، هر دو میهمان خداوندند و بر خداوند سبحان است که میهمان خویش را گرامی بدارد و با بخشش خود وی را پاداش دهد.(1)

18. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: بار سفر حج گزار و و ضمانت آن بر عهده خداوند متعال است. پس زمانی که او که وارد مسجد الحرام گردد، خداوند دو فرشته بر او می گمارد که طواف و نماز و سعی او را حفظ کنند. در شامگاه عرفه بر شانه او می زنند و می گویند: فلانی ! در آنچه گذشته است، یعنی اعمال گذشته ات، کفایت شدی.مراقب اعمال آینده ات باش.(2)

19. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: بنده مؤمن همین که شروع به تهیه وسایل سفرش کند، هیچ گامی را بر نمی دارد و نمی گذارد مگر این که خداوند متعال برای وی حسنه ای می نویسد. اگر سوار بر مرکبش شود، مرکب وی گامی را بر نمی دارد و فرو نمی گذارد مگر این که باری تعالی برای وی حسنه ای می نویسد و همچنین در صورتی که حج را در ماه ذی حجه، محرم و صفربه جا آورد، خداوند برای وی پاداشهای بسیاری در نظر می گیرد، و تا زمانی که که گناه کبیره ای مرتکب نشود، باری تعالی از بدیهای او چشم پوشی می کند.(3)

20. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر برای هر یک از شما به اندازه کوه ابو قبیس طلا باشد و آن را در راه خدا انفاق کند، پاداش آن برابر با سفر حج نخواهد بود؛ و هر درهمی که حج گزار در حج خرج کند، معادل با هزاران هزار درهم انفاق در راه خدا خواهد بود.(4)

21. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که فرد مسلمان به سوی حج روانه شود، خداوند متعال از او و خانواده اش مراقبت خواهد کرد، تا به مکانی

1- . الخصال 2: 430
2- . المحاسن برقی: 63
3- . المحاسن:63
4- . المحاسن: 64

برسد که باید در آن جا محرم شود. پس از آن خداوند دو فرشته بر او می گمارد که اعمال او را ثبت کنند و بر شانه او زده و بگویند: اعمال گذشته ات آمرزیده شد، پس اعمالت را از سرگیر.(1)

22. المحاسن: مردی نزد امام موسی بن جعفرعلیه السلام آمد. امام خطاب به وی فرمود: آیا حج گزاردی؟ آن شخص گفت: آری. امام فرمود: آیا می دانی به حج رفتن چه ثوابی دارد؟ آن شخص گفت: خیر. امام فرمود: کسی که حج گزارد و به دور کعبه طواف کند و دو رکعت نماز به جا آورد، خداوند برای وی هفتاد هزار حسنه می نویسد و هفتاد گناه او را می آمرزد و هفتاد هزار نیاز وی را شفاعت می کند و برای وی پاداشی به میزان آزاد کردن هفتاد برده، هر کدام به ارزش ده هزار درهم می نویسد.(2)

23. المحاسن: امام صادق علیه السلام میفرمود: مردم در منی گرد هم آیند، ندا دهنده ای فریاد بر می آورد: ای مردم! اگر میدانستید که نزد چه کسی آمدهاید، یقین میداشتید که بعد از گناهانی که برجانهادید، آمرزیده خواهید شد. خدای متعال می فرماید: بنده ای را که به وی روزی فراوانی دادم، اما هر چهار سال یک بار به زیارت من نیاید، محروم است.(3)

24. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر شأن کسی اقتضا کند که همه ساله به حج رود اما یک سال نرود، فرشتگانی که بر روی زمینند، به فرشتگانی که بر کوه ها هستند، می گویند: امسال صدای فلانی را نشنیدیم.آنها میگویند: به دنبال او بگردید. فرشتگان به دنبال آن شخص می گردند اما وی را نمی یابند. آنگاه می گویند: خدایا! اگر مانع او از حج گزاردن، قرض و بدهی است،آن را ادا کن و اگر بیماری است شفا ده و اگر تنگدستی است، او را غنی و توانگر ساز و اگر حبس است، نجاتش

1- . المحاسن: 64
2- . المحاسن: 64
3- . المحاسن: 71

بده و اگر کاری است، کارش را انجام بده. این در حالی است که مردم برای خود دعا می کنند؛ ولی آن فرشتگان برای جاماندگان از حج دعا می کنند.(1)

25. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که قصد حج کند و برایش وسایل مهیا گردد اما از آن محروم شود، پس به سبب گناهی از آن محروم شده است.(2)

26. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود:هر کس مرکبی برای سفر فراهم کند، همچون کسی است که اسب خود را در راه خدا آماده جنگ کرده باشد.(3)

27. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود:حج گزار تا زمانی که خود را به گناهی آلوده نکرده باشد، نورانیت حج همراه اوست.

28. فضائل: حدیره گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: جانم به فدایت. حج بهتر است یا صدقه؟ امام فرمود: این مسألهای است که در آن دو مسأله وجود دارد. امام پرسیدند: میزان مال چقدر است؟ آیا تا حدی است که صاحبش را به حج برساند؟ آن شخص گفت: نه. امام فرمودند: اگر مال تا اندازه ای باشد که صاحبش را به حج برساند، پس صدقه برابر با حج نخواهد بود، بلکه حج بهتر از صدقه است، اما در صورتی که مال کم باشد، صدقه بهتر است. گفتم: جهاد چطور؟ فرمودند: جهاد برترین اعمال پس از به جا آوردن فرائض در هنگام جهاد است و جهاد جز به همراه امام نیست. گفتم: زیارت چه؟ فرمود: زیارت پیامبر و زیارت اوصیا و زیارت حمزه و زیارت امام حسین علیه السلام در عراق. از امام پرسیدم: پاداش کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام رود چیست؟ امام فرمود: در رحمت پروردگار خویش فرو می رود و سبب جلب رضایت و خشنودی را فراهم می آورد و بدی از وی دفع می گردد و رزق و روزی بر او فراوان می شود و فرشتگان وی را بدرقه می کنند و

1- . المحاسن: 71
2- . المحاسن: 71
3- . المحاسن: 71 4. المحاسن : 71

لباسی از نور به تن می کند که به واسطه آن نگاهبانان او را می شناسند، از کنار هیچ یک از نگاهبانان عبور نمی کند مگر این کهاو را میخواند.

29. المحاسن: حسین بن خالد نقل کرده است که به امام موسی بن جعفر علیه السلام نامه نوشتم: چطور حج گزار از زمانی که موهای سرش را میتراشد، برایش گناه چهار ماه نوشته نمی شود؟ امام فرمود: خداوند متعال حرم خود رابرای مشرکین به مدت چهار ماه مباح کرده است. از این روست که می فرماید: پس ای مشرکان! چهار ماه دیگر با امنیت کامل در زمین بگردید.(1)

بنابراین برای مؤمنان زمانی که به دیدارش روند، گناهان چهار ماه آنان را می آمرزد و البته مؤمنان بر بخشش خداوند سزاوارترند.(2)

30. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مسافرت کنید تا تندرست بمانید و جهاد کنید تا صاحب غنیمت شوید و حج بگزارید تا بی نیاز گردید.(3)

31. فقه الرضا علیه السلام: بدان که حج فریضه ای از فرائض خداوند عز و جل است که برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد، لازم و واجب است و در طول عمر تنها یک بار واجب است و بر حج گزار وعده دستیابی به بهشت و بخشش از گناه داده است. ترک کننده حج، کافر نامیده شده و وعده آتش داده شده است. از آتش جهنم به خدا پناه می بریم.(4)

1- . توبه / 36
2- . المحاسن: 335
3- . المحاسن : 345
4- . فقه الرضا علیه السلام : 26

.32 روایت شده است: زمانی که حاجیان مناسک خود را انجام دادند، ندا دهندهای ندامی دهد: گناهان گذشته شما آمرزیده شده است، پس اعمال خود را از سر گیرید.(1)

.33 امام موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: به درستی که هیچ فردی از موافق یا مخالف در عرفات وقوف نمی کند، مگر آن که گناهان او آمرزیده شود. فردی به امام گفت: شاری (که یک دسته از خوارج نهروان هستند) و ناصبی هم وقوف به جا میآورند. حضرت فرمود: گناهان همه آمرزیده میشود، حتی اگر کسی از اینها به وضع گذشتهاش برنگردد، از گناه سابقش صرفنظر می شود. ولی همه آنها هنوز از عرفات بیرون نرفته، به کارهای سابق خود برمیگردند.(2)

.34 روایت شده: حج پذیرفته شده، از دنیا و هر آن چه در آن است بهتر است.(3)

.35 تفسیر العیاشی: از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: چرا بر حج گزار، گناه به مدت چهار ماه نوشته نمی شود؟ فرمود: خداوند سبحان مشرکان را امر کرده و فرمود: «فَسِيحُوا فِی الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُر»(4) {پس

ای مشرکان، چهار ماه دیگر در زمین بگردید.} و میهمانان خود را از آن باز نداشت.(5)

.36 تفسیر العیاشی: عبدالله بن یحیی کاهلی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام شنیدم که از حج یاد می کرد و می فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حج یکی از دو جهاد است. حج، جهاد ضعیفان است و ضعیفان ما هستیم. آگاه باشید که هیچ چیزی جز نماز، برتر از حج نیست. در حج - این جا - نماز هست؛ ولی

1- . فقه الرضا علیه السلام: 26
2- . فقه الرضا علیه السلام: 26
3- . فقه الرضا علیه السلام: 26
4- . توبه / 2
5- . تفسیر العیاشی 2: 75

در نماز شما، حج نیست. حج را وا نگذار، در حالی که توان انجام دادن آن را داری. آیا نمی بینی که موهایت در آن ژولیده می گردد و پوست بدنت چرکین می شود و نگاه به زنان در آن ممنوع شمرده شده است؟ ما که در اینجا و نزدیک هستیم و همواره آب نیز داریم، رسیدن به حج، برایمان جز با مشقت و سختی امکان پذیر نیست؛ پس شما که در شهرهای دور دست هستید، وضعتان چگونه است؟ نه شاه و نه رعیت، نمی توانند به حج برسند، مگر با رنج و مشقت و دگرگونی در غذا و آب و نیز باد یا آفتاب که او را یارای جلوگیری از آن نیست و این همان سخن خداوند است که می فرماید: «وَ تَحْمِلُ أَثْقالَكُمْ إِلى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَؤُفٌ رَحِيم»(1) {بارهای

شما را به شهری میبرند که جز با مشقت بدنها بدان نمی توانید برسید، قطعا پروردگار شما رئوف و مهربان است. }(2)

37. تفسیر العیاشی: اسحاق بن عمار نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: حج گزار هرگز گرفتار املاق نمی گردد. خطاب به امام گفتم: منظور از املاق چیست؟ امام فرمود: تنگدستی. سپس فرمود: «وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُم»(3) {به

خاطر تنگدستی فرزندان خود را نکشید، ماییم که به آنها و شما روزی می بخشیم. }(4)

38. تفسیر العیاشی: ابو بصیر نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَ مَنْ كانَ فِي هذِهِ أَعْمى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمى وَ أَضَلُّ سَبِيلا»(5)، {هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراهتر خواهد بود. } پرسیدم. امام در پاسخ فرمود: منظور شخصی است که حج واجب خود را با امروز و فردا

1- . نحل / 7
2- . تفسیر العیاشی 2: 254
3- . اسراء / 31
4- . تفسیر العیاشی 2: 289
5- . اسراء / 72

کردن به تأخیر می اندازد و با خود می گوید: امسال به حج می روم و سال دیگر می گوید امسال می روم تا این که مرگش فرا می رسد.(1)

39. تفسیر العیاشی: این حدیث را از امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز نقل کرده‌اند.(2)

40. تفسیر العیاشی: ابو بصیر از امام صادق علیه السلام درباره کسی پرسید که صد هزار (ثروت) داشت اما حج را آنقدر به تاخیر انداخت تا این که مرگش فرارسید و حج واجب را نگزارد. امام در پاسخ فرمود: ای ابو بصیر! آیا سخن خدای تعالی را نشنیده‌ای که میفرماید: «وَ مَنْ کانَ فِی هذِهِ أَعْمی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمی وَ أَضَلُّ سَبِیلا»(3)

{هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراهتر خواهد بود.} یعنی از دیدن یکی از واجبات و فرائض خداوند کور خواهد بود.(4)

41. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حج و عمره، فقر و گناهان را از بین می برند، آن گونه که دم آهنگری زنگار آهن را از بین می برد.(5)

42. تفسیر العیاشی: و از ایشان نقل کرده‌اند: مردی از بنی ثقیف و مردی از انصار نزد پیامبر آمدند. مرد ثقفی عرض کرد: ای رسول خدا، حاجتی دارم. رسول خدا فرمودند: برادر انصاری ات پیش از تو خواهان پاسخ به حاجتش است. سپس مرد ثقفی گفت: ای پیامبر خدا! من آماده سفرم و عجله دارم. آن مردی که از انصار بود گفت: من اجازه دادم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر می خواهی سؤالت را بپرس و در غیر این صورت من آغاز کنم. مرد ثقفی گفت: شما بگویید. پیامبر

-1 . تفسیر العیاشی 2: 305
-2 . تفسیر العیاشی 2: 305
-3 . اسراء / 72
-4 . تفسیر عیاشی: 2 306

5- . فقه الرضا علیه السلام 72 ، الفقیه 2: 134 ، الکافی 4: 255 با قدری اختلاف

فرمود: نزد من آمده ای تا درباره نماز و رکوع و سجود و وضو سؤال کنی. آن شخص ثقفی گفت: قسم به خدایی که تو را به حق به پیامبری مبعوث کرده است، بله همین طور است. پیامبر فرمود: به کمال وضویت را بگیر، و زانوهایت را با دستانت بگیر [رکوع کن] و پیشانی ات را به خاک بمال و نماز وداع کننده را بخوان.

سپس شخص انصاری گفت: ای رسول خدا، حاجت من!؟ پیامبر در پاسخ فرمودند: اگر می خواهی خود نیازت را بازگو، در غیر این صورت من سخن را قبل از این که حاجتت را بگویی آغاز کنم. آن شخص گفت: ای رسول خدا، شما بگویید. پیامبر فرمودند: نزد من آمده ای تا درباره حج و طواف و سعی میان صفا و مروه و انداختن سنگریزه به جمرات و تراشیدن سر و روز عرفه سؤال کنی. شخص انصاری گفت: قسم به خدایی که تو را به حق به پیامبری مبعوث کرده، بله همین طور است. پیامبر فرمودند: مرکبت هیچ گامی را بر نمی دارد مگر این که خداوند برایت حسنه ای می نویسد و هیچ گامی را فرو نمی گزارد مگر این که از

گناهان تو آمرزیده می شود و طواف کعبه و سعی میان صفا و مروه تو را پاک می کند، همچنان که مادرت تو را زاییده است و اگر رمی جمرات کنی، همین امر برایت در روز قیامت به منزله توشه ای است. تراشیدن هر مویی از سرت همچون نوری برایت در روز قیامت خواهد بود و روز عرفه خداوند به خاطر اعمال تو بر فرشتگان می بالد و فخر می فروشد، پس اگر در روز عرفه به اندازه ریگ های کف دریا و قطره های باران آسمان و تمام روزهای دنیا گناه داشته باشی، خداوند متعال تمامی گناهانت را خواهد بخشید، همچنان که فرموده است: بی تردید هیچ بنده‌ای نیست که وضو بگیرد و حجر الأسود را لمس کند و سپس دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم به جا آورد و آنگاه باز گردد و دستانش را بر کعبه قرار دهد و خداوند را حمد وسپاس گوید و از خداوند چیزی بخواهد، مگر این که خداوند آن را به وی می بخشد.(1)

ص: 25

1- . فقه الرضا علیه السلام: 72

43. مجالس: امام صادق علیه السلام میفرمود: بر شما باد زیارت این خانه، پس به آن عادت کنید، چرا که با عادت کردن شما به حج، گرفتاریهای دنیا و هراس های روز قیامت از شما دفع می گردند.(1)

44. مجالس: ابو کهمس نقل کرده است که خطاب به امام صادق علیه السلام گفتم: کدام اعمال پس از معرفت، از همه برتر است؟ امام در پاسخ فرمود: هیچ چیزی پس از شناخت و معرفت، برابر با نماز نیست؛ و پس از معرفت و نماز، هیچ چیز برابر با زکات نیست؛ و پس از زکات، چیزی برابر با روزه نیست؛ و پس از روزه، چیزی برابر با حج نیست. آغاز همه اینها معرفت ما و پایان آنها نیز معرفت ماست و هیچ چیز پس از آن، همچون بخشیدن دینار و درهم، برادری و همدردی را زیاد نمی کند، چرا که این دو همچون سنگی صاف و هموارند که به وسیله این دو، خداوند بندگان خود را با همین مواردی که برایت برشمردم می آزماید و من هیچ عملی را همچون پیوسته به حج رفتن ندیدم که بتواند به سرعت بی نیاز سازد و فقر را بزاید. همچنین نماز واجب نزد خداوند، برابر با هزار حج و عمره نیکو و پذیرفته شده است، و حج نزد خداوند سبحان، برتر از خانه ای مملو از طلاست، نه! بلکه برتر از کسی است که یک دنیا طلا و نقره داشته باشد که آن را در راه خداوند عز و جل انفاق کند... تا آخر روایت.(2)

45. به خط شهید - رحمه الله - نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمود: مبادا یکی از شما بخواهد برادرش را از سفر حج باز دارد، چرا که علاوه بر توشه بدی که در آخرت برای خود ذخیره خواهد کرد، در دنیایش نیز دچار فتنه و گرفتاری خواهد شد.

46. و امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که یک درهم در راه حج انفاق کند، بهتر از صد هزار درهمی است که در راه حق انفاق می کند.

1- . امالی الطوسی 2: 281
2- . مجالس شیخ طوسی 2: 305

47. همچنین روایت شده است که یک درهمی که در راه حج انفاق شود، برتر از دو هزار هزار درهمی است که به غیر از راه حج در راه خدا انفاق شود؛ و شخص حج گزار تا زمانی که در گناهی فرو نرفته است، همواره بر وی نورانیت حج است و هدیه حج از نفقه حج است.

48. و روایت شده است که شخص حج گزار از زمانی که از منزل خویش خارج می شود تا زمانی که باز گردد، به منزله طواف کننده در کعبه خواهد بود.

49. رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: هر انسانی در ازای نعمت داده شده مسؤول است مگر آن چه که در راه غزوه یا حج باشد.

50. دعوات راوندی: کعب نقل کرده است که خداوند سبحان از میان ماهها، ماه رمضان را برگزید، چرا که ماه رمضان آنچه را که میان آن رمضان و رمضان قبلی بوده میپوشاند. حج نیز مثل آن است؛پس بنده جان می سپارد در حالی که میان دو حسنه است: یکی حسنهای که انتظار آن را میکشد و دیگری حسنهای که آن را انجام دادهاست. هیچ یک از روزها نزد خداوند سبحان برتر و محبوبتر از ده روز ذی حجه نیست و هیچ شبی بهتر از شبهای آن نیست.

مؤلف: کامل آن در باب فضیلت شب جمعه است.

51. امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز است که در آخرت همراه با ثواب خود خواهد بود؛ حج که فقر را از بین می برد، صدقه که بلا و مصیبت را دفع می کند و نیکی که عمر را افزایش می دهد.

52. نهج البلاغه: امام علی علیه السلام فرمود: حج جهاد هر انسان ضعیف و ناتوان است.(1)

53. امام علی علیه السلام فرمود: خداوند حج خانه خویش را بر شما واجب نموده است، خانه ای که آن را قبله ای برای مردم قرار داده است؛ حج گزاران به سان

1- . نهج البلاغه شرح محمد بن عبده 1: 21

ورود چهار پایان در آن داخل می شوند، و مانند روی آوردن کبوتران، به سمت آن شتاب می ورزند. باری تعالی کعبه را نشانه تواضع و فروتنی بندگان در برابر عظمت خود و نشانه پذیرش آنان به شکوه و عزت خود قرار داده است و ازمیان بندگان خود شنوایانی را برگزیده که دعوتش را اجابت کرده و سخنش را باور داشته و در جایگاه پیام آوران و انبیای او ایستاده و خود را به سان فرشتگان طواف کننده گرداگرد عرش او کردهاند، در تجارتخانه عبادت خداوند، سودهای بسیاری کسب می کنند و به سرعت به سوی میعادگاه بخشش و آمرزش وی می شتابند. خدای سبحان، آن را برای اسلام پرچمی و برای پناه آورندگان، حرمی امن قرار داد. حج آن را فریضه قرار داد و حق آن را واجب کرد و ورود به آن رابر شما واجب ساخت؛ چنان که می فرماید: «وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ»(1)

{برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است؛ البته بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد. و هر که کفر بورزد، یقیناً خداوند از جهانیان بی نیاز است. } (2)

54. امام علی علیه السلام در وصیت خود هنگام وفات فرمود: خدا را خدا را درباره خانه پروردگارتان؛ تا زمانی که زنده اید آن را خالی مکنید. چرا که اگر حج خانه خدا ترک گردد، هرگز مهلت داده نخواهید شد.(3)

55. عده الداعی: امام باقر علیه السلام فرمود: حج گزار و عمره گزار دو میهمان ویژه خداوند هستند، اگر از خداوند درخواست کنند به آن دو می بخشد و اگر او را بخوانند درخواستشان را پاسخ میگوید و اگر کسی را شفاعت کنند، شفاعت آن دو را قبول می کند و اگر سکوت کنند و چیزی از خداوند نخواهند، باری تعالی در

1- . آل عمران / 97
2- . نهج البلاغه 3: 184
3- . نهج البلاغه 3: 86 این جزئی از وصیت امیر مومنان به دو فرزندش حسن و حسین است، زمانی که ابن ملجم ملعون بر وی ضربت زد.

ابتدا، خود بخشش به آنان را آغاز می کند و در ازای هر درهم، هزار درهم پاداش نصیبشان می گردد.(1)

56. عیون أخبار الرضا: امام رضا علیه السلام از پدران خود و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کردهاند که فرمود: بهترین اعمال در نزد خداوند عز و جل، ایمانی است که در آن هیچ شکی نباشد و جنگی است که در آن خیانت و اختلاس نباشد وحجی است که مقبول در گاه الهی باشد.(2)

57. امالی الطوسی: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: برترین چیزی که توسل کنندگان بدان متمسک می شوند، ایمان به خداست... تا جایی که فرمود: حج بیت الله الحرام از بین برنده قرض و نابود کننده گناه است.(3)

مؤلف: با اسناد بیان شد.

58. امالی الطوسی: ابو هریره نقل کرده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز عرفه، خداوند سبحان گناهان حج گزار بی ریا را می آمرزد و در شب مزدلفه، گناهان تاجران مخلص را می بخشاید و در روز منی، شتربانان را می بخشد و خداوند در کنار جمره عقبه هر درخواستی را پاسخ مثبت میدهد. پس هیچ یک از گویندگان لاالهالاالله در آنجا حاضر نمیشوند مگر آنکه گناهشان آمرزیده می شود.(4)

59. امالی الطوسی: امام صادق علیه السلام از پدران خویش نقل کرده است که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هرگز حج خانه پروردگارتان را ترک مکنید و مبادا تا مدت زمانی که شما زنده هستید از وجود شما خالی باشد، چرا که شما اگر حج

1- . عده الداعی: 94
2- . عیون أخبار الرضا 2: 94
3- . امالی الطوسی 1: 220
4- . امالی الطوسی 1: 316

خانه خدا را ترک گویید، مهلت داده نخواهید شد، و کمترین چیزی که رونده به حج به همراه خود باز میگرداند آن است که گناهان گذشتهاش آمرزیده شود. (1)

60. علل الشرائع، عیون أخبار الرضا: ابن خالد نقل کرده است که به امام موسی بن جعفرعلیه السلام گفتم: چرا برای حج گزار به مدت چهار ماه گناه نوشته نمی شود؟ امام فرمود: زیرا خداوند سبحان به مدت چهار ماه حرم خود را برای مشرکان مباح کرده است، همان جا که می فرماید: «فَسِيحُوا فِی الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُر» {پس ای مشرکان! چهار ماه دیگر در زمین بگردید.} پس، از اینجاست که گناهان مؤمنان حج گزار را به مدت چهار ماه بخشوده است.(2)

61. معانی الأخبار: امام باقر علیه السلام در باره آیه: «ففروا إلی الله إنی لکم منه نذیر مبین»، {پس به سوی خدا بگریزید که من از طرف او شما را بیم دهندهای آشکارم.} فرمود: حج خانه خدا کنید.(3)

62. معانی الأخبار: کلیب بن معاویه نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: پیروان تو می گویند: خانواده حج گزار و مال او در ضمانت خداوندند و خداوند در غیاب حج گزار به عنوان جانشین وی در خانواده اش می باشد. اما من گاهی می بینم که حج گزار زمانی که به سفر حج می رود، خانواده اش دچار حادثه و مشکل می شوند. امام فرمود: خداوند تنها جانشین وی در خانواده اش نسبت به کارهایی که حج گزار انجام می دهد است، نه درحوادثی که اگر وی خود حاضر می بود هرگز نمی توانست مانع آنها شود.(4)

1- . امالی الطوسی 2: 136
2- . عیون الأخبار2: 83
3- . معانی الأخبار: 122، الذاریات / 50
4- . معانی الأخبار: 407

63. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که سه بار حج بگزارد، هرگز دچار فقر و تنگدستی نخواهد شد. (1)

64. الخصال: حریز گفته است: هر کس سه بار پی در پی حج بگزارد سپس به حج رود یا نرود، به منزله کسی است که به سفر حج عادت کرده است.(2)

شیخ صدوق - أدام الله تأییده - گفته: سندآن دچار اضطراب است و من آن را تغییر ندادم، چرا که در نسخه من این گونه درج شده و حدیث، صحیح میباشد.

65. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم حج کعبه را واگذارند، وظیفه امام است که آنان را چه بخواهند و چه نخواهند، به حج وادار کند، زیرا که کعبه برای حج قرار داده شده است.(3)

66. علل الشرائع: عبد الرحمن بن ابی عبدالله گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: برخی از قصه پردازان میگویند: اگر شخصی حج واجبش را انجام دهد و پس از آن [به جای حج مستحبی] صدقه دهد و صله رحم کند، برای او بهتر است. امام علیه السلام فرمود: دروغ می گویند چرا که اگر مردم این چنین میکردند، کعبه ترک می شد. خداوند سبحان کعبه را وسیله بپا داشتن مصالح مردم قرار داده است.(4)

67. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم میفرمود: حج برتر از نماز و روزه است. نماز گزار تنها مدت زمان کمی از خانواده خویش جداست و فرد روزه دار تنها در مدت روشنایی روز؛ اما حج گزار جسم خویش را به رنج و سختی می افکند و خود را دل تنگ ساخته و مالش را انفاق می کند و مدت زمان طولانی از خانواده اش دور می گردد و در این مدت به یافتن مال و تجارت امیدی ندارد. پدرم می فرمود: چه کسی برتر از آن است که همراه با خانواده خویش به حج می آید در

1- . الخصال 1 : 74
2- . الخصال: 396
3- . الخصال: 452

4- . علل الشرائع: 452

حالی که مردم در سمت چپ و راست عرفات ایستادهاند؛ آنان را از فج - گردنه و گذرگاه - عبور میدهد و به همراهی آنان از خدای خویش درخواست کمک و مسئلت می کند.(1)

68. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام از حج یاد می کرد و می فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حج یکی از دو جهاد است. حج، جهاد ضعیفان است و ضعیفان ماییم. بدانید که هیچ چیز جز نماز در حج، برتر از حج نیست. زیرا اینجا (در حج) نماز هست؛ ولی در نماز، حج نیست. حج را ترک نکن، در حالی که توان انجام دادن آن را داری. آیا نمی بینی که موهایت در آن ژولیده می گردد و پوست بدنت چرکین می شود و نگاه به زنان در آن ممنوع شمرده شده است؟ ما که در اینجاییم و نزدیک هستیم و همواره آب نیز داریم، رسیدن به حج، برایمان جز با مشقت و سختی امکان پذیر نیست؛ پس شما که در شهرهای دور دست هستید، چه میکنید؟ نه پادشاه و نه رعیت جز با رنج و زحمت، نمی توانند به حج برسند. غذا و آب یا باد و آفتاب تغییر می کند و کسی را یارای جلوگیری از آن نیست و این همان سخن خداوند است که می فرماید: «وَ تَحْمِلُ أَثْقالَكُمْ إِلى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَؤُفٌ رَحِيم»(2) {بارهای

شما را به شهری می برند که جز با مشقت بدنها بدان نمی توانید برسید، قطعا پروردگار شما رئوف و مهربان است. }(3)

69. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم حج خانه خدا را رها کنند، عذاب بر آنان نازل خواهد شد و هرگز مهلت داده نمی شوند.(4)

70. ثواب الأعمال: امام صادق و امام باقر علیهما السلام نقل کردهاند که در وصیت امام علی علیه السلام آمده است: حجِ خانه پروردگار خویش را رها نکنید که

-1 . علل الشرائع: 456
-2 . نحل / 7
-3 . علل الشرائع: 457
-4 .علل الشرائع: 457

هلاک می شوید. همچنین فرموده است: کسی که به خاطر یکی از نیازهای دنیای خود حج را ترک کند، هرگز حاجتش برآورده نخواهد شد مگر این که به کسانی که سرهایشان تراشیده شده است بنگرد.(1)

71. المحاسن: ماننداین حدیث را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.(2)

72. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از دنیا برود اما حج واجب خویش را نگزارده باشد و علت آن حاجتی باز دارنده یا بیماری که به واسطه آن توان حج را نداشته باشد و یا حاکمی ستمگر که وی را از حج باز داشته باشد، نباشد، چه یهودی از دنیا رود یا نصرانی، فرقی نمی کند.(3)

73. المحاسن: مانند این حدیث را نقل کرده است.(4)

74. الخصال: ابن حازم نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره ثواب کسی که چهار بار به سفر حج رود پرسیدم. امام در پاسخ فرمود: ای منصور! کسی که چهار بار حج گزارد، فشار قبر هرگز به او نمی رسد و اگر از دنیا رود، خداوند سبحان تصویر سفر حج وی را به صورتی زیبا و بهترین وجهی که تاکنون مقابل چشمانش دیده است مجسم میکند، به گونه ای که در تاریکی قبرش نماز میخواند تا خداوند وی را از قبرش برانگیزد و پاداش تمامی نمازها از آن او خواهد بود و بدان یک نماز از آن نمازها، برابر با هزار رکعت از نماز دیگر انسان هاست.(5)

75. کتاب الغایات: این حدیث را نقل کرده است.(6)

1- . ثواب الأعمال: 212
2- 2. المحاسن: 88
3- . ثواب الأعمال: 212
4- . المحاسن: 88
5- . الخصال 1: 146
6- . کتاب الغایات: 97

76. الخصال: حضرمی گفته: به امام صادق علیه السلام گفتم: پاداش شخصی که پنج بار حج گزارد چیست؟ امام در پاسخ فرمود: کسی که پنج بار حج گزارد، خداوند هرگز او را عذاب نخواهد کرد.(1)

77. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ده بار به سفرحج رود، خداوند هرگز وی را بازخواست نخواهد کرد.(2)

78. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ده بار حج گزارد، دوزخ را نخواهد دید و دم و بازدم آن را نخواهد شنید.(3)

79. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که پنجاه بار سفر حج بگزارد، خداوند برایش شهری در بهشت عدن بنا خواهد ساخت که صد هزار قصر دارد و در هر قصر آن یک حوری از حوریان چشم درشت بهشتی و هزار همسر وجود دارد و دوستداران محمد صلی الله علیه و آله را در بهشت جای خواهد داد.(4)

80. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: هر مرکبی که سه سال سوار بر آن به حج روند، از نعمتهای بهشتی به حساب می آید. برخی هفت سال نیز روایت کرده اند.(5)

81. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: قطعا خداوند عز و جل حج گزار و خانواده و خاندان وی را میآمرزد و همچنین گناهان کسی را که حج گزار برای او در ماه های ذی حجه، محرم، صفر و ماه ربیع الاول و ده روز ربیع الآخر طلب مغفرت کند را خواهد بخشود.(6)

1- . الخصال 1: 196
2- . الخصال 2: 212
3- . الخصال 2: 93
4- . الخصال 1: 74
5- . الخصال 1: 74
6- . ثواب الأعمال 1: 42

82. دعائم الإسلام: برای ما روایت کردهاند که از امام علی علیه السلام درباره این سخن خدای عز و جل: «وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلا»(1) {برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است؛ البته بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد.} پرسیدند. امام فرمود: این درباره کسی است که رفتن به حج را رها کند، در حالی که بر رفتن به آن قادر است.(2)

83. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: آن چه که بر بندگان تنها یک بار در طول عمرشان واجب شده است، سفر حج است. خداوند سبحان به علت دوری مکان و سختی جان و اموال، تنها آن را یک بار واجب ساخته است. حج بر تمامی مردم واجب است مگر بر کسی که عذری داشته باشد.(3)

84. دعائم الإسلام: امام علی علیه السلام فرمود: زمانی که آیه: «وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ...»(4)

{برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است...} نازل شد، مؤمنان گفتند: ای رسول خدا ! آیا در هر سال واجب است؟ رسول خدا ساکت ماند. بار دیگر از پیامبر پرسیدند؟ ایشان فرمود: خیر و اگر می گفت آری، قطعا واجب می شد. پس خداوند این آیه را نازل فرمود: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْیاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ»(5)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را آزرده می کند مپرسید.}(6)

85. دعائم الإسلام: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره شخصی سؤال کردند که به علت تجارت یا قرض، حج را به تاخیر می انداخت. امام در پاسخ فرمود:

1- . آل عمران / 97
2- . دعائم الاسلام 1: 288
3- . دعائم الاسلام 1: 288
4- . آل عمران / 97
5- . مائده / 101

6- . دعائم الاسلام 1: 288

هیچ عذری برای او نیست. برای وی جایز نیست که حج را به تاخیر اندازد و اگر از دنیا رود، یکی از شرائع - واجبات - اسلام را ترک کرده است.(1)

86. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از دنیا برود اما حج واجب خویش را نگزارد و علت آن حاجتی باز دارنده یا بیماری که به واسطه آن توان حج را نداشته باشد و یا حاکمی ستمگر وی را از حج باز داشته باشد، نباشد، چه یهودی از دنیا رود یا نصرانی، فرقی نمی کند.(2)

87. دعائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال شد که حج نگزارد تا این که از دنیا رفت. امام فرمود: این شخص از جمله همان کسانی است که خداوند درباره آنان می فرماید:«وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ أَعْمی»(3) {در روز قیامت او را نابینا محشور می کنیم.} به امام گفتند: نابینا !؟ امام در پاسخ فرمود: آری ! خداوند وی را نسبت به راه خیر کور کرده است.(4)

88. دعائم الإسلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر امت من رفتن به خانه خدا را رها کنند، هرگز مهلت داده نخواهند شد.(5)

89. دعائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام درباره سخن خدای سبحان: «وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلا»(6) {برای

خدا حج آن خانه بر عهده مردم است؛ البته بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد.}، سؤال شد که منظور از استطاعت سبیل که خداوند فرموده چیست؟ امام از شخص سؤال کننده پرسید: مردم درباره آن چه می گویند؟ آن شخص گفت: توشه و وسیله سفر. امام فرمود: از پدرم علیه السلام درباره آن سؤال شد. در پاسخ فرمود: مردم در این صورت هلاک شوند.

1- . دعائم الاسلام 1: 288
2- . دعائم الاسلام 1: 289
3- . طه / 124
4- . دعائم الاسلام 1: 289
5- 4. دعائم الاسلام 1: 286

6- . آل عمران / 97

اگر برای شخصی جز توشه و مرکبی و برای خانوادهاش غذایی غیر از آن نباشد و برود و آنان را ترک کند، هلاک شدهاند. به امام گفته شد: پس استطاعت چیست؟ امام فرمود: توانایی جهت سفر و کافی بودن هزینه سفر به حج و بودن چیزی که نیاز خانواده را تامین کند و همچنین داشتن امنیت. آیا خداوند سبحان زکات را واجب نکرد و آن را قرار نداد مگر بر کسی که دویست درهم داشته باشد؟(1)

90. دعائم الإسلام: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره سخن خدای سبحان: «وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلا»(2) {برای

خدا حج آن خانه بر عهده مردم است؛ البته بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد.}پرسیدند. امام در پاسخ فرمود: این درباره کسی است که مالی دارد که بتواند با آن به حج رود. گفته شد: اگر در راه کسی وسیله ای پدیدار شد که با آن به حج رود اما شرم کند چه؟ امام فرمود: او از کسانی است که مستطیع است و چرا شرم کند؟ به حج رود اگر چه با مرکبی دمبریده باشد.(3)

91. دعائم الإسلام: از امام علی علیه السلام درباره کودکی که هنوز به سن بلوغ نرسیده و او را به حج می برند سؤال کردند. امام فرمود: او را کفایت نخواهد کرد و زمانی که به سن بلوغ رسد، باید به حج برود. همچنین زن زمانی که طفل باشد و او را به حج برند، این چنین است.(4)

92. دعائم الإسلام: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره مردی سؤال شد که این امر(تشیع) را نمیدانست و حج گزارد، اما خداوند بر او منت نهاد و بر این امر معرفت پیدا کرد. امام فرمود: حج وی کفایت میکند و اگر حج کند نزد من محبوبتر

1- . دعائم الاسلام 1: 289
2- . آل عمران / 97
3- . دعائم الاسلام 1: 289
4- . دعائم الاسلام 1: 289

است و اما اگر ناصبی معتقد باشد و حج گزارد، سپس خداوند با معرفت [به تشیع] بر او منت بگذارد، باید که حج گزارد. (1)

93. دعائم الإسلام: امام علی علیه السلام فرمود: اگر برده آزاد شود، باید به حج رود، البته در صورتی که بتواند به سوی آن راه یابد.(2)

94. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که برده حج گزارد، تا زمانی که برده و مملوک باشد کفایت میکند و اگر آزاد شود، باید حج گزارد و در حالی که برده باشد، حج بر او واجب نیست.(3)

95. دعائم الإسلام: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره کنیز امّالولد (صاحب فرزند) سؤال شد که صاحبش وی را به حج می برد سپس وی را آزاد می کند. آیا تکلیف از او ساقط است؟ امام فرمود: خیر. (4)

96. دعائم الإسلام: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وظیفه مردان است که زنان خود را به حج برند. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر نفقه از اموال زن باشد، نه اینکه مرد همسر خود را وادار کند که نفقه حج خودش را بپردازد. اما مرد همراه با همسر خویش به حج میرود تا همسرش واجب خویش را به جای آورد در حالی که نفقه از مال خود اوست.(5)

97. دعائم الإسلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زنی که طلاق گرفته، در صورتی که بخواهد می تواند در زمان عده خود به حج رود.(6)

1- . دعائم الاسلام 1: 289
2- . دعائم الاسلام 1: 290
3- . دعائم الاسلام 1: 290
4- . دعائم الاسلام 1: 290
5- . دعائم الاسلام 1: 290
6- . دعائم الاسلام 1: 290

98. دعائم الإسلام: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر شخصی دچار تنگدستی باشد و شخصی وی را به حج برد و سپس دستش باز شود، باید به حج رود.(1)

99. دعائم الإسلام: از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه: «وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْت»(2) {برای

خدا حج آن خانه بر عهده مردم است.}سؤال شد که آیا تنها حج بدون عمره منظور است؟ ایشان در پاسخ فرمود: خیر. بلکه منظور حج و عمره است چرا که هر دو از واجباتند و در ادامه سخن باری تعالی آمده است: «وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلّه»(3) {و

برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید.}و منظور از به پایان رساندن حج و عمره، ادای آن دو است.(4)

100. دعائم الإسلام: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: عمره یکی از واجبات است که همچون حج است، برای کسی که استطاعت و توان آن را دارد.(5)

101. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که تنها به خاطر خدا حج کند و قصد ریا و شهرت طلبی نداشته باشد، خداوند قطعا وی را خواهد بخشید.(6)

102. ثواب الأعمال: این حدیث را به سند دیگری نیز نقل کرده است.(7)

103. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: حج دو نوع است: حجی برای خدا و حجی برای مردم؛ کسی که تنها به خاطر خدا حج گزارد، خداوند پاداش

1- . دعائم الاسلام 1: 290
2- . آل عمران / 97
3- . بقره / 196
4- . دعائم الاسلام 1: 290
5- . دعائم الاسلام 1: 290

6- . ثواب الأعمال: 42
7- . ثواب الأعمال: 45

وی را بهشت قرار خواهد داد و کسی که به خاطر مردم به سفر حج رود، پاداش وی در روز قیامت بر مردم خواهد بود.(1)

104. ثواب الأعمال: ابن حازم نقل کرده است که خطاب به امام صادق علیه السلام گفتم: خداوند با حج گزاران چه می کند؟ ایشان فرمود: به خدا قسم همه آنان آمرزیده میشوند و هیچ یک از آنان را استثنا نمی کنم.(2)

105. ثواب الأعمال: امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: حج جهاد ضعیفان است و آنان پیروان ما هستند. (3)

106. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: امام زین العابدین علیه السلام می فرمود: حج و عمره بروید تا تندرست شوید و روزی هایتان زیاد گردد و ایمانتان استوار، تا بتوانید مخارج مردم و خانواده تان را تامین کنید. (4)

107. ثواب الأعمال: اسحاق بن عمار نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: من خود را آماده ساختهام که هر ساله خود یا یکی از افراد خانواده ام با دارایی من به سفر حج رود. امام از وی پرسید: آیا بر عزم خود مصمم هستی؟ وی گفت: آری. امام فرمود: اگر چنین کاری را انجام دهی، پس نسبت به فراوانی دارایی خود یقین داشته باش یا تو را مژده باد به فراوانی دارایی ات.(5)

108. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به محض این که حج گزار شروع به تهیه وسایل سفر خویش کند، هیچ گامی را بر نمیدارد و آن را بر زمین نمیگزارد مگر این که خداوند برای وی ده حسنه می نویسد و ده گناه وی را می بخشاید و ده درجه وی را بالا می برد. پس اگر سوار

1- . ثواب الأعمال: 45
2- . ثواب الأعمال: 45
3- . ثواب الأعمال: 45
4- . ثواب الأعمال: 42
5- . ثواب الأعمال 43

بر مرکب خویش گردد، مرکبش هیچ گامی را بر نمی دارد و فرو نمی گزارد مگر این که خداوند همان پاداش را برایش می نویسد و وقتی به گرد کعبه طواف کند، از گناهانش بیرون می رود و وقتی میان صفا و مروه سعی کند،از گناهانش بیرون می رود و وقتی در عرفات بایستد از گناهانش بیرون می رود و وقتی در مشعر حرام بایستد، از گناهانش بیرون می رود و وقتی رمی جمرات کند، از گناهانش بیرون می رود. رسول خدا تا چند مورد دیگر برشمرد که در تمامی آنها حج گزار از گناهان خویش بیرون می رود. ایشان فرمود: پس چگونه برایت میسر است که به چیزی دست یابی که حج گزار بدان دست می یابد؟(1)

109. ثواب الأعمال: مردی به امام زین العابدین علیه السلام گفت: شما جهاد در راه خدا و سختیهایی که داشت را ترک کردی و حج خانه خدا وآسانی آن را برگزیدی. امام در حالی که تکیه داده بود و به سخن وی گوش می داد، پس از شنیدن این سخنان در جای خود راست نشست و فرمود: وای بر تو، مگر سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حجه الوداع در هنگام غروب آفتاب نشنیدهای که فرمود: ای بلال! به مردم بگو که ساکت باشند و گوش فرا دهند. زمانی که مردم ساکت شدند، رسول خدا فرمود: پروردگار شما در چنین روزی بر شما منت نهاده و نیکوکاران شما را آمرزیده، و شفاعت نیکوکاران شما را در مورد بدکارانتان قبول کرده است. پس کوچ کنید در حالی که آمرزیدهاید و از نزد خود برای بدهکاران، رضایت و خشنودی را ضمانت نمود.(2)

110. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که از عرفات بازمیگشت، شخصی اعرابی در ابطح در مسیر وی قرار گرفت و خطاب به رسول خدا گفت: ای رسول خدا، من در راه خدا از موطن خویش خارج شده و قصد حج داشتم، اما برایم مانعی پیش آمد، درحالی که من مردی مرفه و

1- . ثواب الأعمال: 43
2- . ثواب الأعمال: 43

ثروتمندم. پس دستور فرما که با داراییام کاری کنم تا بتوانم به پاداش یک حج گزار برسم؟ - گفت:- در این هنگام رسول خدا به کوه ابوقبیس نگاهی انداخت و فرمود: اگر به اندازه کوه ابوقبیس طلای سرخ داشته باشی که آن را در راه خدا انفاق کنی، به ثوابی نمی رسی که حج گزار میرسد.(1)

111. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: حج گزارانی که از سفر حج باز می گردند، سه گونهاند: گروهی از آتش رهایی می یابند، گروهی دیگر از گناهانشان پاک می شوند، همچون روزی که مادرشان آن ها را به دنیا آورده و گروه دیگر خانواده و مالش حفظ می گردد. این حداقل و کمترین چیزی است که حج گزار با خود از سفر حج باز میگرداند.(2)

ص: 42

1- . ثواب الأعمال: 43
2- . ثواب الأعمال: 43

باب سوم : دعا برای طلب حج

روایات:

1. معانی الأخبار: عبدالله بن ابن فضل گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من بسیار مقروضم و توان رفتن به حج را ندارم، مرا دعایی بیاموز تا دعا کنم. امام صادق فرمود: در پایان هر نماز واجب خود بگو: پروردگارا بر محمد و خاندان او درود فرست و قرض دنیا و آخرت مرا ادا کن. به امام گفتم: دانستم که دین دنیای خویش را چگونه ادا کنم، اما دین آخرت را چگونه ادا کنم؟ ایشان فرمود: دین آخرت، رفتن به سفر حج است.(1)

2. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس هزار بار بگوید «ما شاء الله»، خداوند در همان سال وی را به سفر حج خواهد برد، اگر در همان سال سفر به حج را رزق وی قرار ندهد، آن را به تاخیر خواهد انداخت تا این که سفر حج را روزی وی سازد. (2)

3. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس هزار بار بگوید: «لا حول و لا قوه الا بالله»، خداوند سبحان حج را رزق و روزی وی قرار خواهد داد. اگر اجل وی نزدیک شده باشد، خداوند آنقدر آن را به تاخیر خواهد انداخت تا این که سفر به حج را روزی وی سازد.(3)

با خط شیخ محمد بن علی بن جباعی که خداوند او را رحمت کناد، دعای حج روایت شده که ایشان آن را در شب اول ماه مبارک رمضان میخواند، و ابوالفتح محمد

1- . معانی الأخبار: 175
2- . المحاسن: 42
3- . المحاسن: 42

بن علی کراجکی در کتاب روضه العابدین خویش که آن را برای فرزند خویش موسی به رشته تحریر در آورده، آورده است: پروردگارا تنها از تو درخواست بر آورده شدن حاجتم را دارم، برخی درخواستشان را از خلقت طلب می کنند، اما من تنها نیازم را از تو می طلبم.

منزهی تو و شریکی نداری، از تو می خواهم از روی فضل و احسان خویش بر محمد و خاندان وی صلوات فرستی و در این سال برایم راهی به سوی بیت الحرام قرار دهی و حجی نیکو و مقبول و خالص نصیبم گردانی که بدان وسیله چشمم را روشن کرده و رتبه و درجه من را بالا بری و این را روزی من سازی که چشمانم را بر گناهان ببندم و شرمگاهم را از گناه حفظ سازم و از تمامی اموری که تو بر من حرام کردهای دوری کنم، تا چیزی رابر طاعت تو و ترس از تو و عمل بدان چه که دوست می داری و ترک آن چه کراهت داری و مرا از انجامش نهی کردهای ترجیح ندهم و تمامی اینها را در گشایش و راحتی و تندرستی از سوی خویش،قرار ده و شکر گزاری در قبال نعمتهایت را قسمت من قرار کن. از تو می خواهم که مرگ مرا کشته شدن در راه خودت و زیر پرچم پیامبرت محمد و همراه با ولیّات صلوات الله علیهما قرار دهی و از تو مسئلت دارم که به واسطه من دشمنان خود و آخرین فرستاده ات را نابود سازی و مرا با خوار کردن هر کس که خواستی گرامی داری و خوار نکنی، به حق کرامت و بزرگواری یکی از اولیایت. خدایا برای من همراه با رسولت راهی قرار ده.آنچه خدا بخواهد برای من بس است و بر سید و سالار ما حضرت محمد آخرین فرستاده ات و اهل بیت مطهرش درود و صلوات فرست.

مؤلف: در کتاب الاقبال از ابو بصیر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: در شبهای ماه رمضان پس از نماز مغرب دعا کن و بگو: پروردگارا! تنها به وسیله تو و از تو حاجتم را می خواهم... تا این قسمت از دعا: همراه با رسولت در یک راه قرار ده.(1)

1- . الاقبال: 258

روایات:

1. امالی الصدوق: ابنابیالعوجاء نزد امام صادق علیه السلام آمد و در کنار امام در میان تعدادی از همتایانش نشست. وی به امام گفت: مجالس امانتند و هر کس که سؤال دارد باید سؤالش را بپرسد. آیا اجازه می دهی که سؤالم را مطرح سازم؟ امام فرمود: درباره هر چه می خواهی بپرس و سخن بگو. ابی العوجاء گفت: تا کی این خرمن ها را با پاهایتان می کوبید و به این سنگ پناه می آورید و این خانه ای را که از آجر و کلوخ ساخته شده می پرستید و همچون شتر رم کرده به گرد این خانه هروله کنان می چرخید؟ هر کس در این باره بیندیشد و فکر کند، در می یابد که این کار را شخصی بی خرد و بی فکر بنا نهاده است. پس تو سؤالم را پاسخ گو، چرا که تو رئیس این آیین به شمار می آیی و پدرت پایه و رکن اساسی آن محسوب می گردد. امام در پاسخ فرمود: بدون شک کسی که خداوند او را گمراه سازد و او را کوردل کند،حق را ناخوشایند دارد و هرگز گوارایش نخواهد بود و شیطان ولی و سرپرست وی خواهد شد و او را در معرض هلاکت وارد خواهد ساخت و هرگز از آن بیرون نخواهد آورد. این خانهای است که خداوند سبحان به واسطه آن بندگانش را فرمان به عبادت خویش داده تا از این طریق مقدار فرمانبری آنان را در آمدن به نزد خود بیازماید و ایشان را به تجلیل و زیارت آن ترغیب فرموده است.خداوند این مکان را جایگاهی برای انبیاء و قبلهای برای نمازگزارانش قرار داده است. در واقع آن، شعبهای از خشنودی و رضای اوست و راهی است که به غفران و آمرزش او منتهی می گردد و بر اوج کمال و کانون شکوه و عظمت وی استوار است. خداوند حدود دو هزار سال

قبل از هموار ساختن زمین - دحو الأرض - آن را آفرید و شایسته ترین شخص جهت فرمانبری و اطاعت از اوامر و پرهیز از نواهی و ممنوعات خداوند، همان خدایی است که پدید آورنده ارواح و صورت هاست.(1)

2. التوحید: همین حدیث را نقل کرده است.(2)

3. کنز کراجی: همین حدیث را نقل کرده است.(3)

4. الاحتجاج: همین حدیث را نقل کرده است.(4)

مؤلف: این حدیث به طور کامل در کتاب التوحید آمده است.(5)

5. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی زمانی که خواست توبه آدم را بپذیرد، جبرئیل را به سوی وی فرستاد. جبرئیل خطاب به آدم گفت: ای آدم! سلام بر تو که توانستی بر سختی و گرفتاری خود شکیبا باشی و از خطایت توبه کنی. خداوند سبحان مرا نزد تو فرستاده تا به تو اعمالی را یاد دهم که خداوند به واسطه آنها میخواهد تو را ببخشاید و توبه تو را بپذیرد. سپس جبرئیل دست آدم را گرفت و او را به سمت کعبه آورد. در این هنگام ابری از آسمان فرود آمد و جبرئیل خطاب به آدم گفت: با پایت هر جایی که این ابر بر تو سایه انداخت نشانی بگذار. سپس وی را به منی برد و آن را نشانه گذاشت و حرم را نشانه گذاشت، پس از آن که مکان کعبه را نشانه گذاشت. سپس وی را به عرفات آورد و او را بر معرّف ایستاند و خطاب به وی گفت: زمانی که خورشید غروب کرد، هفت بار به گناهت اعتراف کن. آدم این کار را هفت بار انجام داد و بدین جهت معرّف نامیده شد، چرا که آدم به گناه خود اقرار کرد و این موضوع را برای فرزندان خویش سنت قرار

1- . امالی الصدوق: 616
2- . التوحید: 199
3- . کنز الفوائد کراجی: 220
4- . الاحتجاج 2: 74
5- . التوحید: 199 - 200

داد که همچون پدر خویش به گناهان خویش اقرار کنند و در پیشگاه خداوند سبحان توبه کنند، آن گونه که پدرشان آدم توبه کرد. سپس جبرئیل به آدم فرمان خروج از عرفات داد و از کنار کوههای هفت گانه گذشت. پس از آن جبرئیل به وی دستور داد که در کنار هر کوه چهار بار تکبیر گوید و آدم چنین کاری را انجام داد. بعد از آنکه آدم این کار را به پایان رساند، به (جمع)مشعر رسید و یک سوم شب سپری شده بود.آدم نماز مغرب و عشاء آخر را در آنجا جمع کرد و بدین سبب آن جا جمع نامیده شد، زیرا که در آن جا دو نماز خویش را با هم خواند پس وقت تاریکی - عتمه - در آن شب، یک سوم شب در آن جا بود. سپس جبرئیل به وی دستور داد که در سرزمین مشعردراز بکشد. آدم هم چنین کرد و تا زمان طلوع سپیده دم دراز کشید. پس از آن جبرئیل به وی فرمان داد که بر کوه مشعر بالا رود و هنگام طلوع سپیده دم هفت بار به گناه خویش اقرار کند و از خداوند سبحان هفت بار درخواست آمرزش و توبه کند. آدم آن کار را آن چنان

که جبرئیل به وی دستور داده بود انجام داد و بلکه دو اعتراف قرار داد تا به صورت سنت در میان فرزندانش باقی بماند. پس هر یک از آنها که عرفات را درک نکرده اما مشعر را درک کرده، حج خویش را ادا کرده است. سپس آدم از سمت مشعر به جانب منی کوچ کرد و در نیمه روز به منی رسید. جبرئیل به آدم دستور داد که دو رکعت نماز در مسجد منی بخواند و به خاطر خدا قربانی کند تا از او بپذیرد و بداند که خدا توبه او را پذیرفته است و قربانی کردن در میان فرزندان او یک سنت شود. آدم قربانی کرد و خداوند آن را پذیرفت و بعد از آن آتشی از آسمان فرو فرستاد و قربانی آدم را گرفت. جبرئیل به او گفت: خداوند در حق تو لطف بسیار نمود، زمانی که اعمالی را به تو آموخت که به سبب آن توبه ات را پذیرفت و قربانی تو را قبول کرد. پس در راه خداوند سبحان به خاطر تواضع، موهای سرت را بتراش چرا که قربانی تو را پذیرفت؛ آدم نیز از روی تواضع برای خداوند سبحان، موهای سرش را تراشید. پس از آن جبرئیل دست آدم را گرفت و به سوی کعبه برد، پس به ناگاه ابلیس در جمره جلو وی نمایان شد و خطاب به آدم گفت: ای آدم چه می

خواهی؟ جبرئیل گفت: ای آدم، هفت سنگ به سوی وی پرتاب کن و همراه با پرتاب هر سنگ تکبیر بگو. آدم همان طور که جبرئیل به وی دستور داد، این چنین کرد و ابلیس رفت. در روز دوم جبرئیل دست آدم را گرفت و او را به جمره برد و ابلیس بار دیگر بر سر راه او نمایان شد. جبرئیل خطاب به آدم گفت: ای آدم، هفت سنگ به سوی وی پرتاب کن و همراه با پرتاب هر سنگ تکبیر بگو. آدم همان طور که جبرئیل به وی دستور داد، این چنین کرد و ابلیس رفت.سپس در جمره سوم بار دیگر شیطان ظاهر شد و به آدم گفت: چه می خواهی؟ جبرئیل گفت: ای آدم، هفت سنگ به سوی وی پرتاب کن و همراه با پرتاب هر سنگ تکبیر بگو. آدم همان طور که جبرئیل به وی دستور داد انجام داد و ابلیس رفت. شیطان در روز سوم و چهارم نیز این چنین کرد و جبرئیل به وی گفت:تو هرگز پس از این مقامی که به دست آوردهای، شیطان را نخواهی دید. پس از آن جبرئیل آدم را به سوی کعبه برد و به وی دستور داد که هفت دور به گرد آن طواف کند. آدم این کار را انجام داد و جبرئیل به او گفت: خدای سبحان گناهانت را بخشید و توبه ات را پذیرفت و همسرت را برایت حلال دانست. (1)

6. علل الشرائع: از امام صادق یا امام باقر علیهما السلام درباره آغاز و شروع طواف سؤال کردند. فرمود: خداوند سبحان زمانی که خواست آدم را بیافریند، خطاب به فرشتگان فرمود: «إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَه»(2)، {من در زمین جانشینی خواهم گماشت.} دو تن از فرشتگان خطاب به خداوند گفتند:«أَ تَجْعَلُ فِیها مَنْ یُفْسِدُ فِیها وَ یَسْفِکُ الدِّماء»(3)، {آیا

در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد؟ }پس از آن، حجابها میان آن دو فرشته و خداوند واقع شد درحالی که پیش از آن نور خداوند سبحان بر فرشتگان ظاهر و آشکار بود؛ اما پس از آن که حجاب میان باری تعالی و فرشتگان واقع گردید، دانستند که سخنشان خدا را آزرده ساخته

1- . علل الشرائع: 400
2- . بقره / 30
3- . بقره / 30

است. آن دو فرشته خطاب به دیگر فرشتگان گفتند: چاره ما چیست؟ و چگونه باید توبه کنیم؟ فرشتگان گفتند: چیزی از توبه به شما نخواهیم آموخت مگر این که به عرش پناه برید. - گفت: - به عرش الهی پناه بردند تا این که خداوند عزوجل توبه آن دو را پذیرفت و حجاب میان خدا و آن دو فرشته برداشته شد و خداوند سبحان دوست داشت که بدان گونه عبادت گردد؛ بدین سبب خانه خویش را در زمین آفرید و طواف به گرد خانه اش را بر بندگان مقرر نمود و بیت المعمور را در آسمان آفرید که هر روز هفتاد هزار فرشته بدان وارد میشوند که تا روز قیامت به سوی آن باز نخواهند گشت.(1)

7. علل الشرائع: شخصی نزد امام صادق علیه السلام رفت و خطاب به امام گفت: فدایت شوم! در باره این سخن خدای سبحان که می فرماید: «ن وَ الْقَلَمِ وَ ما یَسْطُرُون»(2)، {سوگند

به قلم و آن چه که می نویسند.} و همچنین این سخن خدای متعال که درباره ابلیس می فرماید:«فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرِینَ إِلی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم»(3)، {تو

از مهلت یافتگانی، تا روز و وقت معلوم.}مرا آگاه ساز. همچنین به من علت این امر را بگو که چگونه حج گزاردن بر مردم واجب شده است؟ امام رو به سوی آن شخص کرد و فرمود: قبل از تو هرگز این سؤال را کسی از من نپرسیده بود. خداوند سبحان زمانی که به فرشتگان فرمود: «إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَه» {من در زمین جانشینی خواهم گماشت.} فرشتگان از این سخن باری تعالی آزرده شدند و خطاب به خدا گفتند: بار الها! اگر می خواهی در زمین جانشینی قرار دهی، آن شخص را از ما قرار ده تا در میان آفریده هایت به طاعت و عبادت تو بپردازد. خداوند سبحان در پاسخ آنان فرمود: «إِنِّی أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ» {من چیزی می دانم که شما نمی دانید.} پس از آن فرشتگان گمان بردند که خداوند از این گفته آنان آزرده شده، در نتیجه به عرش

1- . علل الشرائع: 402
2- . قلم / 1-2
3- . حجر / 37-38

خدا پناه برده و به دور آن طواف می کردند. پس از آن خداوند دستور به ساختن خانه ای از مرمر داد که سقف آن از یاقوت سرخ باشد و استوانه های آن زبرجد باشد که هر روز هفتاد هزار فرشته به آن وارد شوند و پس از آن تا یوم الموقوت - روز معین - بدان وارد نشوند. فرمود: آن روز معین روزی است که در صور یک بار دمیده می شود و پس از آن، ابلیس میان صور اول و دوم میمیرد.(1)

8. علل الشرائع: امام رضا علیه السلام فرمود: علت حج میهمانی خداوند سبحان، افزایش روزی، آمرزش تمامی گناهان مرتکب شده است و نیز توبه بنده نسبت به گناهان گذشتهاش و آغاز عمل، پس از آن است. همچنان که در حج، خرج کردن دارایی، به زحمت و خستگی افکندن بدن و بازداشتن بدن ها از امور شهوانی و انواع لذات و نزدیکی به خداوند سبحان در قالب عبادات و خضوع و فروتنی و ذلت در پیشگاه او و بیرون آمدن در گرما، سرما، هنگام امنیت و ترس است و این که این کار دائمی و پایدار باشد و نیز برای بندگان از جانب خداوند سبحان چیزهایی است از جمله: منفعتها، اشتیاق و ترس به سوی خداوند، ترک قساوت و سنگدلی، بخل و خست، فراموشی ذکر خدا، ناامیدی، تجدید حقوق و بازداشتن

نفس از فساد و گناه و سود بردن کسانی که در شرق و غرب و دریا و خشکیاند،چه حج گزاران و چه غیر حجگزاران از جمله تاجر، بازرگان، فروشنده، خریدار، نویسنده و تهیدست و همچنین در رفتن به سفر حج، امکان برآورده ساختن نیازهای اهالی اطراف و مکان هایی که در آنها امکان گرد آمدن وجود دارد موجود است تا منافع و سودهای خویش رابا چشم خود ببینند. از این رو خداوند سبحان تنها یک بار حج را واجب ساخته که در واقع فرایض و واجبات را بر آن دسته از مردم که از لحاظ دارایی در سطح پایینی قرار دارند قرار میدهد که یکی از آن وظایف، حج است؛ سپس ثروتمندان را تشویق کرده است تا به اندازه طاقت خویش به حج روند.

1- . علل الشرائع: 401

صدوق - رضی الله عنه - گفته: این حدیث این گونه نقل شده است و امری که من بدان اعتماد دارم و به آن فتوا می دهم این است که حج بر اهالی جده، در هر سال واجب است.

مؤلف: در هر دو کتاب از فضل، مانند این حدیث نقل شده است.

9. علل الشرائع: ابن هشام گفت که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا خداوند بر بندگان خود تکلیف کرده که حج گزارند و به دور کعبه طواف کنند؟ امام در پاسخ فرمود: خداوند بندگان خود را به خاطر علتی خلق نکرد مگر تنها این که اراده انجام این کار را کرد و آن را انجام داد و آنان را تا مدت زمانی معین آفرید و آنها را به اطاعت و فرمانبری در دین و مصلحت در امور دنیوی خویش فرمان داد. در حج، گرد آمدن از شرق و غرب را قرار داد تا با یکدیگر آشنا شده و هم را بشناسند و هر قوم برای تجارت از سرزمین خود به سرزمین دیگر روند تا از این طریق کرایه دهنده و شتربان سود برند و نشانه ها و آثار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیک شناخته شود و همواره در اذهان باقی بماند و فراموش نشود. اگر هر قوم تنها به آنچه در شهر خویش داشتند متکی بودند، هلاک میگشتند و سرزمین آنان تباه می شد و به دست آوردن سود و کالا از بین میرفت و اخبار پوشیده میماند و هیچ کس از خبرها آگاه نمیگشت. پس این است سبب حج گزاردن.(1)

10. عیون أخبار الرضا، علل الشرائع: امام رضا علیه السلام درباره سبب طواف به دور کعبه فرمود: خداوند سبحان فرمود: «إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً قالُوا أَ تَجْعَلُ فِیها مَنْ یُفْسِدُ فِیها وَ یَسْفِکُ الدِّماءَ»(2) {من

در زمین جانشینی خواهم گماشت. گفتند: آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خونبها بریزد؟ }به خداوند سبحان این پاسخ را دادند، سپس دانستند که گناه کردند و پشیمان شدند و به عرش پناه بردند و از خداوند طلب آمرزش کردند. خداوند سبحان دوست داشت که این

1- . علل الشرائع: 405
2- . بقره / 30

چنین عبادت شود؛ بنابراین در آسمان چهارم خانهای را به موازات عرش بنا نهاد و آن را ضراح نامید. سپس در آسمان دنیا خانهای را به موازات ضراح بنا نهاد که به آن بیت المعمور میگویند. پس از آنکعبه را به موازات بیت المعمور بنا نهاد، سپس به آدم فرمان داد که به دور آن طواف کند و خداوند توبه آدم را پذیرفت و آن را تا روز قیامت در مورد فرزندانش جاری ساخت.(1)

11. علل الشرائع: ثمالی نقل کرده است که نزد امام محمد باقر علیه السلام رفتم، در حالی که ایشان بر دری که روبروی مسجد است نشسته بود و به مردمی که در حال طواف بودند مینگریست. سپس فرمود: ای ابا حمزه! اینان به چه چیز فرمان داده شدهاند؟ - گفت: - ندانستم که چه پاسخی دهم؟ امام فرمود: اینان دستور داده شدهاند که پیرامون این سنگها بگردند، سپس نزد ما آیند و دوستی و ولایت خویش را به ما اعلام کنند.(2)

12. علل الشرائع: محمد بن حسن همدانی نقل کرده است که به ذو النون بصری گفتم: ای اباالفیض، چرا موقف در مشعر قرار داده شد و در حرم قرار داده نشد؟ او گفت: کسی که همین مطلب را از امام صادق علیه السلام پرسیده بود، به من این گونه گفت: امام صادق فرمود: زیرا کعبه بیت الله و حجاب اوست و مشعر، در آن است. پس هرگاه زائران قصد بیت کردند، آن ها را در مقابل درآن نگاه میدارد تا به ایشان اذن دخول داده شود. سپس آنها را در حجاب دوم یعنی مزدلفه متوقف میکند و وقتی به طولانی شدن تضرع و زاری ایشان توجّه کند، به آنان فرمان میدهد که قربانیهای خویش را قربانی کنند. پس از آنکه قربانی کردند و اعمالی که موجب میشود از احرام بیرون آیند را انجام دادند و از گناهانی که بین ایشان و خالقشان حجاب شده بود پاک گردیدند، به آنها فرمان داد که با طهارت، بیت را زیارت کنند.راوی گفت: پرسیدم: چرا در ایّام تشریق روزه گرفتن مکروه است؟حضرت فرمود: زیرا حاجی ها

1- . عیون أخبار الرضا ع 2: 91، علل الشرائع: 406
2- . علل الشرائع: 406

زائر خدا و میهمانان او هستند و برای میهمان شایسته نیست نزد میزبان و کسی که او به زیارتش رفته، روزهدار باشد. عرض کردم: این که شخص به پرده کعبه چنگ زده و به آن می چسبد، چه معنایی دارد؟ حضرت فرمود: مثَل این شخص مَثل کسی است که میان او و دیگری جنایتی واقع شده، پس دامن او را میگیرد و از او تمنا میکند که جرم و گناهانش را ببخشد.

13. کنز کراجکی و مناقب ابن آشوب این حدیث را از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نقل کرده اند.(1)

14. تفسیر علی بن ابراهیم: امام صادق علیه السلام فرمود: آدم به مدت چهل روز سجده کنان در صفا ماند در حالی که به خاطر خروجش از بهشت و جوار خداوند سبحان می گریست. سپس جبرئیل نازل شد و گفت: ای آدم، چرا گریه میکنی؟ آدم گفت: چرا نگریم در حالی که خداوند سبحان مرا از جوار خویش بیرون کرد و در دنیا جای داد؟ جبرئیل گفت: ای آدم توبه کن. گفت: چطور توبه کنم؟ در این هنگام خداوند گنبدی از نور در جایگاه خانه خویش فرود آورد و نور آن به کوه های مکه تابید، پس آن حرم است. سپس خداوند به جبرئیل دستور داد که بر آن نشانهها قرار دهد. جبرئیل به آدم گفت: ای آدم از جایت برخیز؛ و در روز ترویه وی را بیرون آورد و به او فرمان داد که غسل کند و محرم شود.او در روز اول ذی قعده از بهشت رانده شد، سپس در روز هشتم ذی حجه جبرئیل آدم را به سمت منی برد و شب را در آن جا گذراند. هنگام صبح آدم را به سمت عرفات برد در حالی که زمانی که وی را از مکه بیرون برده بود، احرام و لبیک گویی را به او آموخته بود. در روز عرفه هنگام زوال (ظهر) لبیک گفتن را قطع کرد و به او دستور داد که غسل کند. زمانی که نماز عصر را خواند او را در عرفات نگه داشت و به آدم کلماتی را که از پروردگارش فرا گرفته بود یاد داد و آن کلمات این بود: «منزهی تو ای خدا! جز تو خدایی نیست.

1- . کنز الفوائد: 223، مناقب 2: 198

مرتکب بدی شدم و بدین طریق به خود ظلم کردم و به گناهانم اقرار کردم. پروردگارا! بر من ببخشای گناهم را که تو آمرزنده و مهربانی. منزه و یگانه ای تو. مرتکب بدی گشتم و به خود ظلم کردم و به گناهانم اقرار کردم. ای کسی که بهترین آمرزندگانی، مرا ببخشای. منزه و یگانه ای تو. مرتکب بدی گشتم و به خود ظلم کردم و به گناهانم اقرار کردم، پس مرا ببخشای، چرا که تو توبه پذیر و مهربانی.» پس آن قدر در عرفات باقی ماند تا این که خورشید غروب کرد. سپس دستانش را به سوی آسمان بالا برد، در حالی که عاجزانه به درگاه خدا می گریست. زمانی که خورشید غروب کرد، آدم را به سوی مشعر بازگرداند و شب را در آنجا ماند. هنگام صبح بر مشعر الحرام ایستاد و دعا کرد و خداوند توبه اش را پذیرفت. سپس به سمت منی رفت و جبرئیل به وی فرمان داد که موی سرش را بتراشد پس تراشید. پس از آن جبرئیل آدم را به سوی مکه حرکت داده و نزد جمره اولی برد. در آن جا ابلیس فراارویش ظاهر شد و خطاب به آدم گفت: کجا میروی ای آدم؟ جبرئیل به آدم فرمان داد که هفت سنگ به سوی او پرتاب کند و همراه با پرتاب هر سنگ تکبیر بگوید. پس این کار را انجام داد، سپس رفت و ابلیس در جمره دوم فراروی او ظاهر شد. جبرئیل به آدم فرمان داد که هفت سنگ به سوی او پرتاب کند و همراه با پرتاب هر سنگ تکبیر بگوید. پس از آن آدم رفت و بار دیگر ابلیس در جمره سوم در مقابلش نمایان شد و جبرئیل به او دستور داد که هفت سنگ به سوی او پرتاب کند و با پرتاب هر سنگ یک بار تکبیر بگوید. پس از آن ابلیس رفت و جبرئیل به او گفت: پس از این هرگز ابلیس را نخواهی دید. سپس جبرئیل آدم را به بیت الله الحرام برد و به او فرمان داد که هفت بار به دور آن طواف کند. سپس گفت:خداوند سبحان توبه ات را پذیرفت و همسرت را برایت حلال کرد. سپس گفت: زمانی که آدم حج گزارد و فرشتگان با او

در ابطح ملاقات کردند، خطاب به وی گفتند: ای آدم ! حجت مبرور و پذیرفته باد! ما قبل از تو به مدت دو هزار سال به گرد این خانه حج گزاردیم. (1)

15. تفسیر علی بن ابراهیم: حضرت ابراهیم علیه السلام در وادی شام زندگی میکرد. زمانی که هاجر برای او اسماعیل را به دنیا آورد، ساره

به غم و اندوهی شدید دچار شد؛ چرا که از ابراهیم فرزندی نداشت و ابراهیم را به خاطر هاجر همواره می آزرد. پس از آن اندوهگین شد و ابراهیم بدین خاطر به خدای خود شکایت کرد. خداوند به او وحی کرد که زن همچون دنده کج است، اگر رهایش کنی از آن بهره برده ای و اگر بخواهی راستش کنی، آن را می شکنی. سپس به وی فرمان داد که اسماعیل و هاجر را از وادی شام خارج کند. سپس گفت: پروردگارا! آنان را به کجا برم؟ خداوند فرمود: به حرم و جایگاه امنم. اولین قطعه ای که بر روی زمین آفریدم و آن مکه است. پس جبرئیل براق را برایش فرو فرستاد و هاجر، ابراهیم و اسماعیل بر آن سوار شدند. ابراهیم از کنار هیچ مکان زیبا و سرسبزی که در آن درخت، خرما و کشت و بذر بود نمی گذشت، مگر این که می گفت: ای جبرئیل، تا اینجا؟ تا بدین جا؟ جبرئیل می گفت: نه به راهت ادامه بده تا این که به مکه رسید و آن را در جایگاه کعبه قرار داد. ابراهیم به ساره قول داده بود که فرود نیاید مگر آن که به سوی او بازگردد. زمانی که به آن مکان رسیدند، در آن جا درخت بود. هاجر عبایی را که همراه داشت بر روی آن درخت انداخت و به زیر سایه آن رفتند. پس از آن که ابراهیم آنان را در آنجا جای داد و خواست که نزد ساره باز گردد، هاجر به او گفت: ای ابراهیم، چرا ما را در سرزمینی می گذاری که در آن آب و گیاه و همدمی نیست؟ ابراهیم علیه السلام فرمود: خدایی که به من دستور داده شما را در این مکان قرار دهم خود مراقب شماست. پس از آن ابراهیم از کنار آنان دور شد و زمانی که به کدا رسید - که آن نام کوهی در ذی طوی است - ابراهیم به آنان نگاهی انداخت و گفت: «إِنِّی

1- . تفسیر علی بن ابراهیم: 37

أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِیُقِیمُوا الصَّلاهَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَهً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ یَشْکُرُون»(1)، {پروردگارا !

من یکی از فرزندانم را در دره ای بی کشت نزد خانه محترم تو سکونت دادم. پروردگارا تا نماز را به پا دارند، پس دلهای برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده وآنان را از محصولات مورد نیازشان روزی ده، باشد که سپاسگزاری کنند. } سپس ابراهیم رفت و هاجر در آن جا باقی ماند. وقتی روز بالا آمد، اسماعیل تشنه شد و آب خواست. هاجر در وادی محل سعی ایستاد و ندا داد: آیا در این وادی همدمی هست؟ و از آن جا دور شد تا حدی که اسماعیل از مقابل چشمانش پنهان شده بود. هاجر از صفا بالا رفت و سراب وادی در مقابلش درخشید و گمان برد که آب است. پس از آن به درون وادی رفت و تلاش جستجو کرد و زمانی که به جایگاه «سعی» رسید، اسماعیل از تیررس چشمانش پنهان شده بود. سپس در منطقه صفا سرابی در مقابلش درخشید و به آن وادی رفت، در حالی که به دنبال آب می گشت. زمانی که اسماعیل از نظر هاجر ناپدید شد، هاجر بازگشت تا این که به صفا رسید و به آن نگاه کرد و این کار را هفت بار انجام داد. در دور هفتم، زمانی که بر مروه بود به اسماعیل نگریست و آب از زیر پایش پدیدار گشته بود. هاجر نشست و شن و ماسهها را به گرد آن جمع کرد و از آن جا که آب در جریان بود، هاجر با آن چه که اطراف آب قرار داده بود توانست آب را جمع کند. بدین سبب آن را زمزم نامیده شد. قبیله جُرهم در ذی المجاز و عرفات ساکن بودند. زمانی که آب در مکه آشکار شد، پرندگان و حیوانات وحشی به گرد آب جمع شدند. پس زمانی که دیدند پرندگان در آن مکان جمع شده اند، به دنبال آن پرندگان آمدند تا این که دیدند زن و کودکی در آن مکان در زیر سایه درختی نشستهاند و آب برای آن دو پدیدار شده است. پس خطاب به هاجر گفتند: تو کیستی و این کودک همراه تو کیست؟ اینجا چه می کنید؟ گفت: من کنیز ابراهیم خلیل

1- . ابراهیم / 37

الله هستم و این کودک فرزند اوست. خداوند به او فرمان داده که در این جا ما را فرود بیاورد.آن جماعت به هاجر گفتند: آیا به ما اجازه می دهی که نزدیک شما آییم؟ هاجر به آنان گفت: مگر این که ابراهیم بیاید؟ زمانی که ابراهیم در روز سوم هاجر را دید، خطاب به او گفت: در اینجا قومی از قبیله جرهم هستند که از تو میخواهند به آنان اجازه دهی که نزدیک ما آیند. آیا به آنان اجازه می دهی؟ ابراهیم گفت: آری و هاجر به آنها اجازه داد، پس نزدیک آمدند و خیمه خویش را بنا نهادند و هاجر و اسماعیل بدانها خوی گرفتند. پس زمانی که ابراهیم برای بار سوم آنها را دید، به کثرت مردمی که پیرامون آن ها جمع شده بودند نگریست و از این موضوع به شدت شادمان گردید. زمانی که اسماعیل راه رفتن را آموخت، هر از یک از افراد قبیله جرهم به اسماعیل یک و دو گوسفند بخشیده بودند و اسماعیل و هاجر به واسطه آنها زندگی می کردند. هنگامی که اسماعیل به سن بلوغ رسید، خداوند به ابراهیم دستور داد که کعبه را بنا نهد. ابراهیم عرضه داشت:پروردگارا، در کجا؟ خداوند فرمود: در همان قطعه از زمین که بر آدم قبه نازل کردم که حرم را به واسطه آن نورانی کرد. همواره همان قبهای که خداوند بر آدم نازل کرده بود پابرجا بود تا این که روزهای طوفانی زمان نوح فرا رسید. زمانی که دنیا غرق شد، خداوند آن قبه را برافراشت و همه دنیا جز محل بیت غرق شد و آن را بیت العتیق - خانه آزاد شده - نامیدند، چرا که آن مکان از غرق شدن رها شده بود. هنگامی که خداوند سبحان به ابراهیم فرمان داد که خانه اش را بنا نهد، نمی دانست که در کجا آن را بسازد. بنابراین خداوند جبرئیل را فرو فرستاد و جبرئیل برایش جایگاه کعبه را ترسیم کرد و خداوند ارکان و پایه های کعبه را از بهشت فرود آورد و سنگی که خداوند بر آدم نازل کرده بود، سفیدتر از برف بود؛ زمانی که دستان کافران آن را لمس کرد، آن سنگ سیاه شد. ابراهیم کعبه را بنا نهاد و اسماعیل سنگها را از منطقه ذی طوی حمل کرد و آن را در آسمان نُه ذرع بالا برد. سپس جایگاه سنگ را به او نشان داد و ابراهیم آن را از جایگاهش برداشت و در همان جایی گذاشت که هم اکنون در آن است و برایش دو

در، یکی به طرف مشرق و دیگری به طرف مغرب قرار داد. در غربی را مستجار می نامند و ابراهیم بر روی آن درخت و گیاه اذخر ریخت و هاجر نیز بر در آن پارچه ای که همراه داشت را انداخت و در زیر آن بودند. پس زمانی که ابراهیم کعبه را بنا نهاد و ساختن آن را به اتمام رسانید، ابراهیم و اسماعیل حج گزاردند و جبرئیل در هشتم ذی حجه، روز ترویه بر آن دو فرود آمد و گفت: ای ابراهیم! از جایت برخیز و با خود آب بردار؛ و آن زمان در منی و عرفات آب نبود، از این رو آن را ترویه نام نهاده اند. سپس جبرئیل، ابراهیم را به منی برد و در آن جا خوابید و به او همان کاری را یاد داد که به آدم یاد داده بود. زمانی که ابراهیم از ساختن خانه فارغ شد گفت: «رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِر» (1) {پروردگارا!

این سرزمین را شهری امن گردان و مردمش را هر کس از آنان که به خدا و روز واپسین ایمان بیاورد، از فرآورده ها روزی بخش. } گفت: از ثمرات قلبها روزی بخش، بدین معنا که آنان را نزد مردم محبوب گردان تا بدان ها گرایش یابند و به سوی او باز گردند. (2)

16. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام فرمود: امام علی علیه السلام فرمود: علت رمی جمرات آن است که چون جبرئیل مشاعر - محل های عبادت - را به ابراهیم نشان داد، به ناگاه ابلیس فراروی ابراهیم ظاهر شد. جبرئیل به آدم فرمان داد که او را بزنند. ابراهیم علیه السلام نیز هفت سنگ به سمت ابلیس پرتاب کرد. پس جبرئیل کنار جمره اول،به زیر زمین رفت و از جمره دوم در مقابل ابراهیم نمایان شد. ابراهیم با هفت سنگ دیگر او را راند. پس ابلیس به زمین فرو رفت و بار دیگر ابلیس در جمره سوم فراروی ابراهیم پدیدار گردید و با هفت سنگ دیگر او را زد و او به جایگاه خویش رفت. (3)

1- . بقره / 126
2- . تفسیر علی بن ابراهیم: 68
3- . قرب الاسناد: 68

17. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از موسی بن جعفر علیه السلام درباره سبب دست کشیدن بر حجر الاسود پرسیدم. فرمود: زیرا پس از آن که خداوند تبارک و تعالی از بندگان خویش پیمان گرفت و حجر الاسود را از بهشت فرا خواند و به آن فرمان داد، حجر الاسود میثاق و پیمان را بلعید و در خود فرو برد. پس وفاداران کسانی هستند که به بیعت خویش گواهی می دهند و نسبت به آن وفادارند.(1)

18. قرب الإسناد: از ایشان درباره سبب نامگذاری ترویه بدین نام پرسیدم؟ فرمود: در آن زمان در عرفات آب موجود نبود و حج گزاران آب را از مکه می آوردند و همدیگر را در روز ترویه ندا می دادند تا مردم آب با خود بردارند که آنان را سیراب کنند. بدین سبب این روز ترویه نامیده شد.(2)

19. قرب الإسناد: از ایشان درباره علت سعی میان صفا و مروه پرسیدم. امام در پاسخ فرمود: به خاطر سعی ابراهیم قرار داده شده است.(3)

20. قرب الإسناد: ازایشان درباره سبب وجوب لبیک گفتن پرسیدم که به چه دلیل واجب شده است؟ فرمود: چون ابراهیم زمانی که خداوند متعال فرمود: «وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا»(4)، {درمیان

مردم برای ادای حج بانگ بر آور تا پیاده به سوی تو روی آورند.} ندا سر داد و به گوش مردم رساند و بدین سبب مردم از هر سو با سر دادن ندای لبیک روی آوردند و بدین خاطر تلبیه قرار داده شد.(5)

21. قرب الإسناد: از وی درباره سبب رمی جمره پرسیدم. در پاسخ فرمود: از آنجا که ابلیس در مکان جمرات فراروی ابراهیم نمایان شد و ابراهیم او را با پرتاب سنگ راند، سنت بر این امر جاری شد.(6)

1- . قرب الاسناد: 105
2- . قرب الاسناد: 105
3- . قرب الاسناد: 105
4- . حج / 27
5- . قرب الاسناد: 105

6- . قرب الاسناد: 105

22. علل الشرائع: سلیمان بن مهران گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: رسول خدا چند بار حج گزارد؟ گفت: بیست بار. در هر سفر حجی که از مأزمین(1)

عبور می کرد، مخفیانه در آن جا فرود می آمد و ادرار می کرد. به امام گفتم: ای فرزند رسول خدا ! چرا در آن مکان فرود میآمد و ادرار می کرد؟ فرمود: زیرا آن اولین مکانی است که در آن بتها پرستیده شدند. همچنین بت هبل را که علی علیه السلام زمانی که بر شانه پیامبر صلی الله علیه و آله بالا آمد و آن را از پشت کعبه پایین انداخت، از سنگ این منطقه ساخته شده است. پس دستور داد تا آن را بر دروازه بنی شیبه دفن کنند و پس از آن بدین جهت ورود به مسجد از در شیبه سنت گردید. سلیمان گفت: به امام گفتم: پس چگونه است که گفتن تکبیر در آن جا فشار را ازبین می برد؟ امام فرمود: زیرا این سخن بندگان که می گویند: «الله اکبر» بدین معناست که خداوند بزرگتر از آن است که چنین بتهای تراشیدهای و خدایان معبودی در برابر او باشند. و ابلیس همراه با شیاطین خود، جایگاه حج گزاران را در آنجا سخت و تنگ می کند؛ اما زمانی که ابلیس تکبیر را می شنود، همراه با دیگر شیاطین از آن جا پرواز میکند و فرشتگان آنان را دنبال می کنند تا در گردابی سبز رنگ فرو می روند. گفتم: به چه دلیل برای کسی که حج اول اوست، وارد شدن به کعبه مستحب است، اما برای کسی که پیشتر حج گزارده، این امر مستحب نیست؟ ایشان فرمود: زیرا کسی که برای بار اول حج می گزارد، به حج خانه خدا فراخوانده شده است. پس باید به خانه ای وارد شود که بدان دعوت شده تا در آنجا وی را گرامی دارند. گفتم: به چه دلیل برای کسی که حج اول اوست، تراشیدن موی سر واجب است اما برای کسی که قبلا حج گزارده خیر؟ گفت: تا بدین صورت با نشانه آمنین علامتگذاری شود. آیا سخن خدای سبحان را نمی شنوی که می فرماید: «لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ إِنْ شاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لا تَخافُون»(2)، {شما بدون شک با خواست خدا در

-1 . مأزمین، مکانی میان عرفه و مشعر است.
-2 . فتح / 27

حالی که سر تراشیده و موی و ناخن کوتاه کرده اید، با خاطری آسوده در مسجد الحرام در خواهید آمد.} گفتم: چرا قدم گذاشتن در مشعر بر او واجب شده است؟ فرمود: تا بدین طریق، شایسته اوج بهشت گردد.(1)

23. علل الشرائع: فردی شامی از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید: آدم چند بار حج گزارد؟ امام فرمود: با پای پیاده هفتاد بار به حج رفت. در اولین حج خویش پرنده ای شکاری به نام صرد با خود داشت که او را به جاهای آب و چشمه راهنمایی می کرد.(2)

24. عیون اخبار الرضا: امام رضا علیه السلام فرمود: اگر کسی بگوید، چرا مردم به حج گزاردن امر شدهاند؟ گفته میشود: سبب آن، میهمانی خداوند سبحان، افزایش روزی، آمرزش تمامی گناهان مرتکب شده و نیز این که حج، توبه بنده نسبت به گناهان گذشتهاش است و از آن پس، عمل را از سرگیرد. همچنان که در حج، استخراج - خرج کردن دارایی - اموال، به زحمت و خستگی افکندن بدن و فارغ شدن از خانواده و فرزند، بازداشتن بدن ها از لذتها و بیرون آمدن در گرما، سرما، و این که در این کار دائمی و پایدار باشد، با خضوع و فروتنی و ذلت در پیشگاه او و نیز برای بندگان از جانب خداوند سبحان منافعی است در شرق و غرب زمین و کسانی که در دریا و خشکیاند، چه حج گزاران و چه غیر حجگزاران از جمله تاجر، بازرگان، فروشنده، خریدار، کاسب و تهیدست و کرایه دهنده و فقیر. همچنین در رفتن به سفر حج، امکان برآورده ساختن نیازهای اهالی اطراف و در مکان هایی که در آنها امکان گرد آمدن وجود دارد، موجود است. افزون بر آنچه که از آگاهی در امور دین و نقل اخبار مربوط به پیشوایان و ائمه در هر منطقه و ناحیه آن موجود است، همچنان که خداوند سبحان در این خصوص می فرماید: «فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ

1- . علل الشرائع: 449

2- . علل الشرائع: 594

لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ»(1)

{پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای کوچ نمی کنند تا [دسته ای بمانند] و در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را زمانی که به سوی آنان باز گشتند بیم دهند؛ باشد که آنان از کیفر الهی بترسند. }، «وَ لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُم»(2) {و برای این که منافع خویش را شاهد باشند }.

پس اگر بگویند: چرا مردم تنها به یک بار رفتن به سفر حج فرمان داده شده اند؟ در پاسخ آن گفته شده است: زیرا خداوند عزّ و جلّ وظایف و واجبات را بر تنگدستترین بندگان خود واجب کرده، چنان که میفرماید: «فما استیسر من الهدی»(3)، {آن چه از قربانی میسر است قربانی کند. } یعنی گوسفندی، تا قوی و ضعیف توان قربانی کردن آن را داشته باشند و همچنین باقی فرائض و واجبات را در حد ضعیفترین مردم واجب کرده که یکی از آنها حج است و سپس توانمندان را به اندازه توانشان به آن تشویق کرده است.

اگر گفته شود: چرا مردم به گزاردن حج تمتع مأمور شده اند؟ گفته می شود: آن به خاطر رحمت خدا و آسان گیری او و کاستن از گناهان است تا بندگان در احرام خویش سالم و بی گناه بمانند و این امر بر آنان طولانی نگردد تا دچار گناه و فساد شوند.و برای این که حج و عمره دو واجب باشند و عمره تعطیل نشود و باطل نگردد و برای این که حج، منفرد از عمره باشد و از یکدیگر جدا بوده و تمیز داده شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عمره نیز تا روز قیامت جزو حج محسوب شده و اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله قربانی را نمی برد و بر او جایز نبود که از احرام در آید تا این که قربانی به قربانگاه خود برسد، رسول خدا قطعا آن کار را انجام میداد، چنان که به مردم فرمان انجام آن را داد. و بدین سبب فرمود: اگر من این امر را از

1- . توبه/122 [1]
2- 2. حج / 28
3- 3. بقره / 196

پیشتر می دانستم، همان کاری را می کردم که به ایشان دستور دادم، اما من قربانی همراه خود آوردهام وبرای کسی که قربانی آورده، روا نیست که از احرام در آید مگر این که قربانی به محل خود برسد. سپس مردی پرسید: ای رسول خدا! آیا از احرام خارج شویم در حالی که از موهای ما آب جنابت میچکد؟! پیامبر فرمود: اما تو هرگز به آن ایمان نخواهی آورد. پس اگر شخصی بگوید: چرا زمان آن را دهم ذی حجه قرار دادهاند؟ در پاسخ گفته شده: زیرا برای خداوند سبحان خوشایند بود تا در ایام تشریق این گونه عبادت شود و اولین باری را که فرشتگان حج گزاردند و به گرد این خانه طواف کردند، همین زمان بود. پس تا روز قیامت، آن را سنت و زمان معینی قرار داد. اما سایر پیامبران چون آدم، نوح، ابراهیم، عیسی، موسی و محمد و دیگر پیامبران، در این زمان بود که حج گزاردند و این امر تا روز قیامت در میان فرزندانشان به شکل سنت گردید. پس اگر بگویند: چرا حج گزاران مأمور شدهاند که احرام ببندند؟ در پاسخ گفته شده: بدین علت که قبل از ورود به حرم خداوند عزوجل و امنیت او، فروتن و خاضع شوند و به هیچ یک از کارهای دنیا و زینت و لذت آن سرگرم نشوند و در هر آن چه قصد آن کردهاند، جدیت داشته باشند و با همه وجودشان به سویش روی آورند، اضافه بر این که در احرام، تعظیم خدای عز و جل و پیامبرش و تواضع و فروتنی برای خودشان است، آنگاه که قصد وارد شدن بر او میکنند، در حالی که به ثواب و پاداش الهی امیدوار، از عذابش ترسان و همراه با ذلت، فروتنی و تواضع به سوی او روی میآورند.(1)

مؤلف: در کتاب علل الشرائع پس از این سخن «میان آن دو تفاوت و جدایی باشد» آمده است: و این که طواف به گرد کعبه ممنوع نباشد، زیرا اگر محرم پیرامون خانه طواف کند، از احرام در آمده است مگر این که علتی داشته باشد؛ پس اگر حج تمتع نمیبود، حج گزار نمیتوانست که طواف کند؛ زیرا اگر طواف می کرد از احرام در

ص: 63

1- . عیون أخبار الرضا علیه السلام2: 121- 119

میآمد و احرامش باطل میگشت و قبل از ادای حج از آن بیرون می آمد. و برای این که قربانی کردن و کفاره بر بندگان واجب شود، پس ذبح میکنند و سر میبرند و به خداوند تقرب میجویند؛ تا اینکه ریختن خون و صدقه بر مسکین از بین نرود. اگر گفته شود: چرا زمان آن را دهم ذی حجه قرار داده اند و هرگز این تاریخ را به جلو و عقب نبردهاند...این حدیث تا انتهای آن تقریبا به همان شکلی که شرح آن گذشت، روایت شده است.(1)

25. قصص الأنبياء: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که آدم از عرفات بیرون رفت، فرشتگان با او دیدار کردند و به وی گفتند: ای آدم! حجت پذیرفته و مقبول باد، ما دو هزار سال قبل از تو بر این خانه حجگزاردیم.

26. قصص الأنبياء: امام باقر علیه السلام فرمود: پس از آن که آدم در هند فرود آمد، خداوند خانهای برایش بنا نهاد و به وی فرمان داد که هفت بار به گرد آن طواف کند و سپس به منی و عرفات بیاید و اعمال خویش را بدان شکل که خداوند به او امر کرده بود، انجام دهد. سپس از هند گام برداشت و جایگاه قدمهایش همان جایی است که عمران بر آن پا گذاشت و میان این گام و آن گام، بیابانی بی آب و علف است. سپس به سمت کعبه آمد و هفت دور گرد آن طواف کرد و آداب حج را انجام داد. پس آن گونه که خداوند وی را فرمان داده بود عمل کرد و خداوند توبه وی را پذیرفت و او را آمرزید. سپس آدم عرض کرد: پروردگارا! آیا فرزندان من را هم خواهی بخشید؟ خداوند فرمود: آری، هر کس را که به من و پیامبران من ایمان آورد.

27. قصص الأنبياء: امام باقر علیه السلام فرمود: آدم هزار بار با پاهایش به این خانه آمد و از هزار بار، هفتصد بار حج و سیصد بار عمره گزارد.

28. قصص الأنبياء: خداوند مسجد را به سبب کعبه و حرم را به علت مسجد حرام قرار داد و احرام را به خاطر حرم واجب کرد.

1- . علل الشرائع: 274 - 273

29. المحاسن: عبد الکریم حلبی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا باید بر حجر الاسود دست کشید؟ امام فرمود: هنگامی که خداوند از بنی آدم عهد و پیمان گرفت، حجر الاسود را از بهشت فرا خواند و به آن فرمان داد که میثاق را ببلعد. پس حجر الاسود آن را بلعید و این سنگ برای کسی که نسبت به عهد و پیمان وفادار باشد، به وفاداری گواهی می دهد. به امام گفتم: چرا باید میان صفا و مروه سعی کرد؟ امام فرمود: زیرا ابلیس در آن وادی فراروی ابراهیم نمایان شد، پس ابراهیم به سبب کراهت از سخن گفتن با وی، سعی کرد و آنجا جایگاه شیطان بود. گفتم: به چه علت باید در حج لبیک گفت؟ امام فرمود: زیرا زمانی که خداوند به ابراهیم فرمود: « وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِ»(1) {درمیان

مردم برای ادای حج بانگ بر آور. } ابراهیم بر فراز تپه ای رفت و ندا داد و از هر سو پاسخ شنید. به امام گفتم: چرا ترویه را بدین اسم نامگذاری کرده اند؟ امام فرمود: زیرا در آن زمان آب نبود و حج گزاران آب را از مکه با خود حمل می کردند و برخی همدیگر را صدا می زدند: آیا با خود آب برداشتید؟ بدین جهت این روز ترویه نامیده شد.(2)

30. السرائر: بزنطی این حدیث را به همین شکل نقل کرده است.(3)

31. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند آدم و نوح را برگزید و حواء را بر مروه فرود آورد. مروه را تنها بدین سبب به این اسم نامیده اند که زنی بر آن فرود آمد؛ بنابراین نام این کوه از نام زن برگرفته شده است و آن را نساء نامیدهاند، از این رو که آدم مونسی جز حواء نداشت و همچنین معرف نامیده شده، بدین سبب که آدم در آن به گناهان خویش اقرار کرد و جمع (مشعر) نامیده شده، چون آدم بین دو نماز مغرب و عشاء جمع کرد و ابطح نامیده شده، بدین جهت که آدم مأمور شد که تا طلوع صبح در بطحاء جمع دراز بکشد. سپس به آدم دستور داده شد که از کوه

1- . حج / 27
2- . المحاسن: 330
3- . السرائر: 480

جمع بالا رود و با طلوع خورشید به گناه خویش اعتراف کند و آدم این کار را کرد و آن را اقرار به گناه قرار داد تا در میان فرزندانش سنّت شود. پس از آن قربانی کرد و خداوند از آسمان به سوی او آتشی فرو فرستاد و قربانی آدم را گرفت.(1)

32. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: بدین سبب ترویه را بدین نام نامیده اند که جبرئیل در چنین روزی نزد ابراهیم آمد و گفت: ای ابراهیم ! برای خود و خانواده ات آب بردار و در آن زمان میان مکه و عرفات آب نبود. پس از آن جبرئیل ابراهیم را به محل وقوف عرفات برد و خطاب به وی گفت: به گناهانت اقرار کن و آیین عبادات خود را بشناس. بدین سبب آن موقف عرفات نامیده شد. سپس به او گفت: به مشعر الحرام نزدیک شو. بدین علت آنجا مزدلفه نامیده شد.(2)

33. تفسیر العیاشی: از امام باقر علیه السلام پرسیدند که آیا قبل از مبعوث شدن رسول خدا صلی الله علیه و آله به پیامبری، به سفر حج میرفتند؟ امام فرمود: آری! نمیدانند که مردم در آن زمان به سفر حج می رفتند؟! به شما خبر میدهم که آدم، نوح و سلیمان همراه با جنیان و انسانها و پرندگان به حج رفتند و موسی سوار بر شتری سرخ موی حج گزارد، در حالی که لبیک لبیک میگفت. چنان که خداوند متعال فرموده: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمِين»(3) {در

حقیقت نخستین خانه ای که برای عبادت مردم بنا نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک، و برای جهانیان مایه هدایت است. }(4)

مؤلف: کراجکی در کتاب کنز الفوائد خویش، بسیاری از اسبابی را که در کتاب علل الحج برشمرده، روایت کرده است.

1- . المحاسن: 336
2- . المحاسن: 366
3- . آل عمران / 96
4- . تفسیر العیاشی 1: 186

34. کنز الفوائد: امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مکانی نزد خداوند دوست داشتنی تر از مسعی نیست، زیرا در آن هر ستمگر و گردنکشی خوار و ذلیل می گردد.(1)

35. نهج البلاغه: هر مقدار مشکلات و آزمایشها بزرگتر باشد، ثواب و پاداش نیز بزرگتر خواهد بود. آیا نمی بینید که خداوند سبحان، پیشینیان را، از زمان آدم تا آخرین آنان، در این جهان با سنگهایی بی سود و زیان، که نه دیدن و نه توانی برای شنیدن دارند بیازمود و خانه مقدّس خود را از آنها ساخته و برای خویش برگزید، و آن را پایگاه استواری و رمز پایداری قرار داد. و آن را در سنگلاخترین مکانها و بی گیاهترین زمینها و کم فاصلهترین درهها و در میان کوههایی سخت و شنهایی نرم و چشمه هایی کم آب و روستاهایی پراکنده قرار داد، که نه شتر و نه اسب و نه گاو و گوسفند در آنجا رشد نکند و به حضرت آدمو فرزندانش فرمان داد تا به آن خانه روی آورند. و دلهای خود را به سوی آن روان سازند. پس، آن خانه، سرایی برای ره آورد سفرها و بارانداز کاروانها شد، از پهندشتهای خشک و تفتیده و بی آب و سبزه، و از شیب درّه های ژرف و جزیره های دریاها که از هم جدا و گسسته است، میوه های دلهای شیفته به شوق دیدار آنجا، بدان سو فرو افتد تا از روی خواری شانه هایشان را بلرزانند، تا پیرامون آن خانه لا اله إلاّ اللّه گویان طواف کنند، و غبارآلوده و ژولیده موی، شتابان گام زنند، و جامه ها را از تن خود در آورده و به سویی نهاده و با رها نمودن موی خویش، زیبایی خدا داده را زشت جلوه گر سازند، و بدینسان در امتحانی سخت و آزمایشی سترگ و پالایشی آشکار و عیان و رسا، فرمانبرداران را از نافرمایان جدا سازد. خداوند سبحان، آن را وسیله رحمت خود و گذرگاهی برای رسیدن به بهشت برین خویش ساخته است. و اگر حرم خود و عبادتگاههای بزرگ خویش را در باغستانها و جویبارها، و پهندشت راهوار و زمینی نرم و هموار با درختان انبوه و بسیار و میوهایی در دسترس، با ساختمانهایی پیرامونش به هم

1- . کنز الفوائد: 266

پیوسته، و روستاهایی تنگاتنگ هم، در میان کشتزارهایی از برترین گندمزارها و مرغزاری سرسبز و زمینهایی پر از گیاه و زیبا، و کشتگاههایی سبز و شاداب با چشم اندازی خیره کننده، در کنار گذرگاههای آباد می ساخت، در این صورت، پاداش حج گزاران بر اساس کمی و کاستی امتحان، اندک و کم می نمود. و اگر بنیاد و شالوده آن - که بر آن خانه و کعبه استوار است - همه از زمرّدی سبز و یاقوت سرخ فام، و نور و روشنی ساخته می شد، از راه یافتن شک و تردید در سینه ها میکاست و تلاش و کوشش شیطان، برای رخنه در جان انسان را به کناری می نهاد، و دغدغه و تردید از میان مردم رخت بر می بست. امّا خداوند بندگانش را به هرگونه امتحانی آزمایش می کند، و به شیوه های گوناگون به عبودیت و بندگی خویش فرا می خواند، و با همه گونه سختیها و دشواریها می آزماید، تا خودپسندی را از دلهایشان بزداید و بندگی و فروتنی را در جانهایشان جایگزین نموده بنشاند، تا اینها همه، درهای گشوده ای به سوی بخشش و کرامت او شوند، و زمینه همواری برای عفو و آمرزش او گردد.(1)

مؤلف: این حدیث به طور کامل و تمام در کتاب نبوت بیان گردید.

36. دعائم الاسلام: امام محمد باقر علیه السلام درباره این آیه که خداوند فرمود: «وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً قالُوا أَ تَجْعَلُ فِیها مَنْ یُفْسِدُ فِیها وَ یَسْفِکُ الدِّماءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ قالَ إِنِّی أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ»(2) {چون

پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت فرشتگان گفتند: آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد؟ و حال آن که ما با ستایش تو تو را تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم، فرمود: من چیزی می دانم که شما نمی دانید.} فرمود: فرشتگان با این گفته خویش به خاطر پرستیدن خدا بر او منت گذاشتند، و این سخن را برخی از فرشتگان که از حال جنیانی که قبل از آدم بودند، آگاه بودند، گفتند. پس از این گفته فرشتگان،

1- . نهج البلاغه 2: 170 – 173
2- . بقره / 30

خداوند از آن ها رویگردان شد و آدم را آفرید و به وی تمامی نامها را یاد داد و پس از آن به فرشتگان گفت: «أَنْبِئُونِی بِأَسْماءِ هؤُلاءِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ قالُوا سُبْحانَکَ لا عِلْمَ لَنا إِلَّا ما عَلَّمْتَنا إِنَّکَ أَنْتَ الْعَلِیمُ الْحَکِیمُ قالَ یا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُم»(1) {اگر

راست می گویید از اسامی این ها به من خبر دهید. فرشتگان گفتند: منزهی تو! ما را جز آن چه خود به ما آموخته ای هیچ دانشی نیست؛ تویی دانای حکیم. سپس فرمود:ای آدم، ایشان را از اسامی آنان خبر ده. و چون آدم ایشان را از اسمائشان خبر داد. } خداوند به فرشتگان گفت: برای آدم سجده کنید. پس آنان در حالی که سجده کرده بودند با خویشتن گفتند: گمان نمی کردیم که خداوند آفریده ای گرامیتر از ما بیافریند، در حالی که ما همسایه و نزدیکترین آفریده ها نسبت به او بودیم. سپس زمانی که سر خویش را بلند کردند خداوند خطاب به آنان فرمود: «إِنِّی أَعْلَمُ غَیْبَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ ما تُبْدُونَ وَ ما کُنْتُمْ تَکْتُمُون»(2) {من نهفته آسمان ها و زمین را می دانم و آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می داشتید میدانم. } یعنی آنچه را که با این گفته خویش آشکار کردند: {آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد و حال آن که ما با ستایش تو، تو را تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم. } و آنچه را که فرشتگان در خود پنهان ساخته بودند این بود که با خود گفتند: هرگز گمان نمی بردیم که خدا برتر از ما بیافریند، اما سپس دانستند که در اشتباه افتاده اند، بنابراین به عرش خدا پناه بردند و پیرامون آن به طواف پرداختند تا بدین طریق رضایت پروردگار خویش را جلب کنند و خدا از آنها خشنود و راضی گردید و به فرشتگان فرمان داد که در زمین خانهای بنا نهند تا هر یک از فرزندان آدم که مرتکب گناه شد، به دور آن طواف کند بدان سان که فرشتگان به گرد عرش الهی طواف می کردند تا خداوند از این طریق آنان را ببخشاید و از آن ها خشنود شود، همچنان که از فرشتگان خشنود گردید. پس جایگاه کعبه را به شکل خانهای بنا نهادند

1- . بقره / 31-33

2- . بقره / 33

که زمان طوفان بالا برده شد. پس آن در آسمان چهارم است که هر روز هفتاد هزار فرشته وارد آن می شوند و دیگر هرگز به سوی آن باز نمی گردند و ابراهیم بر همین بنا، کعبه را بنیان نهاد. زمانی که آدم دچار خطا شد و خداوند او را بر زمین فرود آورد، آدم به کعبه آمد و به گرد آن طواف کرد،همچنان که در آنجا دید، فرشتگان به گرد عرش هفت دور طواف کردند. سپس در کنار مستجار ایستاد و ندا داد: پروردگارا! گناهانم را بر من ببخش. پس از آن ندا آمد که ای آدم، بر تو بخشودم. آدم گفت: پروردگار من، آیا فرزندانم را نیز بخشیدی؟ ندا آمد که ای آدم! هر یک از اولاد و فرزندانت که همچون تو گناهان خویش را بدین جا آورد، آمرزیده می شود.(1)

37. دعائم الاسلام: امام علی علیه السلام فرمود: خداوند به ابراهیم وحی کرد که برایم در زمین خانهای بنا کن که مرا در آن عبادت کنی. ابراهیم از اجرای این فرمان درماند. پس از آن خداوند آرامش را بر ابراهیم فرود آورد و آن بادی بود که دو سر داشت که یکی از آنها دیگری را دنبال می کرد. آن باد بر پایه و ارکان کعبه ای که فرشتگان بنا نهاده بودند چرخید. سپس ابراهیم آن را بر هر چیزی بنا نهاد که آرامش در آن استقرار یافته بود. ابراهیم بنا میکرد و اسماعیل به دست وی سنگ میداد و پایه ها و ستون کعبه را می افراشت. زمانی که ابراهیم به جایگاه حجرالاسود رسید به اسماعیل گفت: برای ساختن اینجا سنگی به من ده، اما اسماعیل چیزی نیافت. ابراهیم به او گفت: برو و سنگی پیدا کن. اسماعیل رفت تا برایش سنگی بیاورد. سپس جبرئیل برای ابراهیم حجر الاسود را آورد.اسماعیل آمد در حالی که ابراهیم علیه السلام سنگ را در جایگاه آن گذاشته بود. اسماعیل خطاب به ابراهیم گفت: چه کسی برایت این سنگ را آورد؟ ابراهیم گفت: همان کسی که به بنای تو اکتفا نکرد؟ کعبه مدت زمانی اندک بدین شکل باقی ماند و سپس از بین رفت؛ پس عمالقه آن را بنا کردند. پس از آن برای مدت زمانی باقی بود و سپس منهدم شد. پس جُرهم

1- . دعائم الاسلام: 1: 291

آن را بنا کردند، سپس منهدم شد و قریش آن را بنا نهاد که در آن روز رسول خدا جوانی پاک بود که بر پایه اخلاق وارسته انبیاء بزرگ شده بود و به وی امین می گفتند. زمانی که به حجر الاسود رسیدند، هر یک از تیره ای از قبیله قریش خواستار آن شد که آن را بالا برد و در جایگاهش قرار دهد. در این باره دچار اختلاف شدند؛ سپس به توافق رسیدند که اولین شخصی که بدان جا وارد شود، میان آنان داوری کند و آن شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. سپس گفتند: او امین است که آمده است، او را نسبت به این امر آگاه سازید. پیامبر جامه خویش را از تن به در آورد و درخواست کرد که به او پارچه ای دهند. سپس سنگ را میان آن نهاد و فرمود: هر یک از آنان گوشهای از پارچه را بگیرند و با هم بلند کنند. پس از آن، تمامی آن اشخاص از داوری پیامبر خوششان آمد و این امر آنان را راضی و خشنود ساخت و چنان کردند تا این که سنگ در جایش قرار گرفت، و رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را در آنجا قرار داد.(1)

38. دعائم الاسلام: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: حجر الاسود همچون میثاق، و دست کشیدن به آن همچون بیعت است و زمانی که به آن دست می کشید، میگفت: خدایا! من امانتم را ادا کردم و به پیمانم پایبند ماندم، تا نزد تو گواهی داده شود که من به عهدم وفادار بودم. سپس آن حضرت علیه السلام به مردم نگاه کرد که طواف می کردند و باز میگشتند و فرمود: به خدا قسم! علاوه بر این امر، آنان به چیز دیگری نیز فرمان داده شدهاند. گفتند: ای فرزند رسول خدا! به چه مأمور شدهاند؟ فرمود: مأمور شدهاند، زمانی که از طواف خویش فارغ شوند، خودشان را به ما عرضه کنند.(2)

1- . دعائم الاسلام 1: 293
2- . دعائم الاسلام 1: 293

39. دعائم الاسلام: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: هیچ یک از راه های خداوند برابر با حج نیست، مگر شخصی که با شمشیرش در راه خدا جهاد می کند تا آن که به مقام شهادت نائل گردد.(1)

40. دعائم الاسلام: شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا! من فردی ثروتمندم و حج واجب را گزاردهام و شنیدهام که رفتن به سفر حج استحبابی چقدر ثواب و پاداش دارد؛ اما اگر من به میزان هزینه سفر حج یا بیش از آن صدقه دهم، برابر با ثواب رفتن به سفر حج می شود؟ امام نگاهی به کوه ابو قبیس انداخت و فرمود: اگر به میزان این کوه طلا و نقره صدقه دهی، به ثواب حج نمی رسی.(2)

41. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به گرد کعبه هفت دور طواف کند و دو رکعت نماز آن را به خوبی به جا آورد، آمرزیده شده است.(3)

42. دعائم الاسلام: از امام علی علیه السلام نقل کردهاند: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه وآله حجه الوداع خویش را گزارد، در عرفات ایستاد و رو به مردم کرد و سه بار فرمود: به کسانی که به میهمانی خداوند آمدهاند خوش آمد میگویم، کسانی که اگر از خدا چیزی بخواهند بدانها می بخشد و هزینه آنان را برایشان برجای میگذارد و در آخرت در ازای هر درهم، هزار حسنه برایشان قرار میدهد. سپس فرمود: ای مردم! آیا میخواهید به شما مژده بدهم؟ آنان گفتند: آری ای رسول خدا! ایشان فرمود: وقتی شب شود - در غروب روز عرفه - خداوند به خاطر اعمال اهل این موقف - عرفه - بر فرشتگان می بالد و می فرماید: ای فرشتگانم! به بندگان و کنیزانم بنگرید. از سراسر اطراف و کرانه های زمین، ژولیده و غبار آلود به نزد من آمدهاند.

1- . دعائم الاسلام 1: 293
2- . دعائم الاسلام 1: 294
3- . دعائم الاسلام 1: 293

آیا میدانید این بندگان چه میخواهند؟ فرشتگان می گویند؟ پروردگارا ! از تو آمرزش میخواهند. خداوند میفرماید: شما را گواه میگیرم که گناهان آنان را آمرزیدم، سپس آنان از جایگاهی که در آن ایستاده بودند باز میگردند، در حالی که گناهان گذشته ایشان آمرزیده شده است.(1)

43. دعائم الاسلام: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: ضمانت حج گزار مؤمن بر عهده خداست، اگر در سفر از دنیا رود، خداوند وی را وارد بهشت می کند و اگر او را به سوی خانواده اش باز گرداند، پس از رسیدن وی به منزلش، تا هفتاد شب برایش گناهی نمینویسد.(2)

44. دعائم الاسلام: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حج گزاران سه دستهاند: بیشترین نصیب سفر حج برای کسی خواهد بود که گناهان گذشته و آیندهاش آمرزیده شود. پس از آن شخصی است که گناهان پیشینش بخشوده شود و عمل از سر گیرد. سومین شخص که از سهم کمتری برخوردار است، کسی است که خانواده و مالش حفظ شوند.(3)

45. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: حجاج سه گونهاند: یک سوم از آنان از آتش آزاد میشوند که خداوند از آزادیشان باز نمی گردد. یک سوم آنان عمل خویش را از سر می گیرند، در حالی که گناهان گذشته آن ها را آمرزیده شده؛ و گروه آخر، مخارج آنان جایگزین میشودو خود و خانوادهشان سالم میمانند.(4)

1- . دعائم الاسلام 1: 293
2- . دعائم الاسلام 1: 294
3- . دعائم الاسلام 1: 294
4- . دعائم الاسلام 1: 296

46. دعائم الاسلام: امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از عمره تا عمره، کفاره گناهان بین آن دو است و حج مقبول پاداشش بهشت است و برخی از گناهان تنها با رفتن به عرفات آمرزیده می شود.(1)

47. دعائم الاسلام: و زمانی که به کاروان شتران حج گزاران می نگریست فرمود:هیچ گامی را بر نمیدارند مگر این که برایشان حسنهای نوشته می شود و هیچ گامی فرو نمی گزارند مگر این که گناهی از ایشان محو می گردد و هنگامی که اعمال و آداب حج خویش را به جا آورند به آنان گفته می شود: بنائی را بنا نهادید، پس آن را ویران نکنید و در آنچه انجام دادید کفایت شدید، پس آنچه را در پیش رو دارید، به نیکی انجام دهید.(2)

48. دعائم الاسلام: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند عز و جل به ابراهیم علیه السلام وحی نمود که: «أَنْ طَهِّرا بَيْتِىَ لِلطّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُود»(3)

{خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنید.} بر کعبه صد و هفتاد رحمت فرود آورد؛ شصت تای آن را برای طواف کنندگان، پنجاه رحمت را برای معتکفان، چهل تای آن را برای نمازگزاران و بیست تای آن را برای نگاه کنندگان قرار داد.(4)

49. دعائم الاسلام: امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که خواهان دنیا است، پس باید قصد این خانه کند؛ هرگز بنده ای نزد وی نیامد و چیزی از اموال دنیا و آخرت نخواست مگر آن که خداوند به او بخشید، یا برای آخرت خواست و خداوند برایش در آخرت ذخیره نمود. ای مردم! بر شما باد به سفر حج و عمره رفتن. پیوسته حج و عمره بگزارید، چرا که این دو گناهان را می

1- [1]. دعائم الاسلام 1: 294
2- . دعائم الاسلام 1: 294
3- . بقره / 125
4- . دعائم الاسلام 1: 294

شویند آن چنان که آب چرک را میشوید، و فقر را دور میسازند، بدان سان که آتش زنگار آهن را می برد.(1)

50. درّ المنثور: از تاریخ خطیب از یحیی بن اکثم نقل کرده است که در مجلس واثق گفت: وقتی آدم حج گزارد، چه کسی موی سر او را تراشید؟ فقیهان از دادن پاسخ درماندند. واثق گفت: من شخصی را میآورم که پاسخ شما را بدهد. سپس به دنبال امام هادی علیه السلام فرستاد. از امام در این باره پرسید. امام فرمود: پدرم از جدم از پدرش از جدش علیهم السلام نقل کرد که رسول خدا فرمود: جبرئیل مأمور شد که یاقوتی از بهشت پایین آورد. پس آن را از بهشت فرود آورد و به وسیله آن بر سر آدم دست کشید و موی آدم از سرش

فرو ریخت. پس تا آن جا که نور آن رسید، حرم شد.(2)

1- . دعائم الاسلام 1: 294
2- . درّ المنثور 1: 56

باب پنجم : کعبه و چگونگی بنا نهادنش و فضیلت آن

آیات:

- وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِىَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُود (1)

{و چون خانه کعبه را برای مردم محل اجتماع و جای امنی قرار دادیم و فرمودیم: در مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود اختیار کنید و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنید. }

-

وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْراهِيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْماعِيلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ* رَبَّنا وَ اجْعَلْنا مُسْلِمَيْنِ لَکَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَکَ وَ أَرِنا مَناسِكَنا وَ تُبْ عَلَيْنا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيم (2)

{و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه خدا [کعبه] را بالا می بردند می گفتند: ای پروردگار ما ! از ما بپذیر که در حقیقت تو شنوای دانایی.پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از نسل ما امتی فرمانبردار خود پدید آر و آداب دینی ما را به ما نشان بده و بر ما ببخشای که تویی توبه پذیر مهربان. }

-

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمِينَ فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِنا (3)

1- . بقره / 125
2- . بقره / 127
3- . آل عمران / 96

{در حقیقت نخستین خانه ای که برای عبادت مردم بنا نهاده شده همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان مایه هدایت است در آن نشانه هایی روشن است از جمله مقام ابراهیم است و هر که در آن آید در امان است. }

- جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَهَ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ الْهَدْیَ وَ الْقَلائِدَ ذلِکَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ أَنَّ اللَّهَ بِکُل شَیْ ءٍ عَلِیم (1)

{خداوند زیارت کعبه بیت الله الحرام را وسیله به پا داشتن مصالح مردم قرار داده و ماه حرام و قربانیهای بی نشان و قربانیهای نشاندار را نیز به همین منظور مقرر فرموده است، این جمله برای آن است تا بدانید خدا آن چه در آسمان ها و زمین است می داند و خداست که بر هر چیزی داناست. }

-

وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِیمَ مَکانَ الْبَیْتِ أَنْ لا تُشْرِکْ بِی شَیْئاً وَ طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ الْقائِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُود (2)

{و

چون برای ابراهیم جای خانه را معین کردیم بدو گفتیم: چیزی را با من شریک مگردان و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه دار. }

-

أَ لَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِأَصْحابِ الْفِیلِ أَ لَمْ یَجْعَلْ کَیْدَهُمْ فِی تَضْلِیلٍ وَ أَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْراً أَبابِیلَ تَرْمِیهِمْ بِحِجارَهٍ مِنْ سِجِّیلٍ فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَأْکُول (3)

{مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه کرد؟ آیا نیرنگشان را بر باد نداد؟ و بر سر آن ها دسته دسته پرندگانی «ابابیل» فرستاد. که بر آن ها سنگهایی از گل سخت می افکندند. و سر انجام خدا آنان را مانند کاه جویده شده گردانید. }

ص: 77

1- . مائده / 97
2- . حج / 26
3- . فيل / 1 -5

-

لِإِيلافِ قُرَيْشٍ إِيلافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتاءِ وَ الصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هذَا الْبَيْتِ الَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْف (1)

{برای الفت دادن قریش، الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان [خدا پیلداران را نابود کرد] پس باید خداوند این خانه را بپرستند، همان خدایی که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم دشمن آسوده خاطرشان کرد. }

روایات:

1. علل الشرائع: ابان بن تغلب نقل کرده است: پس از آنکه حجاج کعبه را خراب کرد، مردم خاک آن را میان خود تقسیم نمودند. پس از آنکه خواستند از نو بنا کنند، ماری از زمین بیرون آمد و از کار آنان جلوگیری کرد، تا جایی که ناکام ماندند و نزد حجاج رفتندو جریان را برای او بازگفتند. وی ترسید که از بنا و ساختن کعبه ممنوع شده باشد، پس بالای منبر رفت و مردم را فرا خواند و گفت: خدا پیدا کند بندهای را که بداند چاره آنچه ما به آن مبتلا شدهایم چیست و ما را از آن آگاه کند. ابان گفت: پیرمردی از جا برخاست و گفت: اگر چاره این کار نزد کسی باشد، او همان کسی است که دیدم به سوی کعبه آمد و اندازه آن را گرفت و رفت. حجّاج پرسید: او کیست؟ پیرمرد گفت: او علی بن الحسین است. حجاج گفت: او اصل و معدن آن است. پس کسی را محضر ایشان فرستاد. پس حضرت نزد او آمد و حجاج داستان را برای امام بیان کرد و این که حق تعالی وی را از ساختن کعبه منع نموده است. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: ای حجاج ! تو بنایی را که ابراهیم و اسماعیل ساخته بودند، منهدم کردی و خاک هایش را در جاده ریخته و سپس آنها را غارت کردی. گویا پنداشتی آنها میراث تو هستند. اکنون وظیفه تو آن است که به منبر رفته، به مردم بگویی: هیچکس از آنان نباشد که چیزی از خاک کعبه را برداشته،

1- . قریش / 1 - 3

مگر این که آن را برگرداند. مردم چنین کردند. حجّاج وقتی دید تمام خاک ها در یک جا جمع شد، حضرت علی بن حسین آمد و اساس و پایه بیت را نهاد و سپس فرمان داد آن را حفر کنند. راوی گوید: مار از ایشان گریخت و غایب شد و آنان پایه بیت را گود کردند تا به جایگاه ستون ها رسیدند. حضرت علی بن حسین به آنان فرمود: دور شوید. پس حضرت نزدیک آمد و با جامهای روی جایگاه ستونها را پوشانده و سپس گریست. آنگاه با دست خود خاک روی آنها ریخت. بعد کارگران را به حضور خواند و فرمود: ساختمان خود را بنا کنید. آن ها بنا را ساختند و وقتی دیوارها بالا آمد، فرمان داد که خاک ها را درداخل بنا بریزند؛ از این رو بیت مرتفع و بلند گردید، به طوری که باپله به داخل آن میرفتند.(1)

2. عیون اخبار الرضا: امام رضا علیه السلام خطاب به مردی گفت: چه مقدار از سکینه نزد شما موجود است؟ آن قوم نمی دانستند که منظور چیست؟ پس به امام گفتند: جانمان به فدایت! آن چیست؟ امام فرمود: بادی خوش بو که از بهشت می آید و صورت او چون انسان بوده و همراه پیامبران است و همان چیزی است که زمانی که ابراهیم کعبه را بنا نهاد، بر وی فرود آمد و جای ستونها را معین کرد و پایه و ارکان کعبه را بر آن نهاد.(2)

3. تفسیر العیاشی: همین حدیث را نقل کرده است.(3)

4. علل الشرائع: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: همانا قریش کعبه را خراب کردند، زیرا سیل از قسمت بالای مکه می آمد و وارد آن می شد، پس فرو ریخت.(4)

1- . علل الشرائع: 448
2- . عیون الأخبار 1: 312
3- . تفسیر العیاشی 2: 84
4- . علل الشرائع: 449

5. تفسیر العیاشی: زراره گوید: نزد امام صادق علیه السلام پشت به مقام ابراهیم نشسته بودم. امام صادق در حالی که زانوهای خود را بغل کرده و رو به قبله نشسته بود فرمود: نگاه کردن به کعبه عبادت است. سپس با دستش به کعبه اشاره کرد و فرمود: و نه محبوبتر از آن. خداوند هیچ نقطه ای را نزد خودش گرامیتر از این مکان نیافریده است. خداوند به خاطر کعبه بود که ماههای حرام را در کتاب خود قرار داد، زمانی که آسمان ها و زمین را آفرید؛ سه ماه متوالی و یک ماه جدا برای عمره.(1)

6. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند سبحان به ابراهیم علیه السلام دستور داد که حج گزارده و اسماعیل را همراه خود به حج برد و وی را ساکن حرم سازد. پس آن دو سوار بر شتری سرخ موی قصد حج کردند و تنها جبرئیل آن دو را همراهی می کرد. زمانی که به حرم رسیدند، جبرئیل به ابراهیم گفت: ای ابراهیم! فرود آیید و پیش از آن که داخل در حرم شوید، غسل کنید. پس آن دو از مرکب فرود آمدند و غسل کردند و جبرئیل به آن دو یاد داد که چطور برای احرام آماده شوند. ابراهیم و اسماعیل نیز آن چنان کردند. سپس جبرئیل به آنان فرمان داد و آن دو آماده حج شدند. جبرئیل به آنان امر کرد که همچون پیامبران چهار بار لبیک گویند. سپس آن دو را با خود سیر داد تا این که به باب الصفا رسیدند. از شتر خویش پایین آمدند و جبرئیل در بین آن دو ایستاد و رو به کعبه، تکبیر، حمد، تمجید و ثنا گفت و آن دو نیز تکرار کردند و همان کاری را کردند که جبرئیل کرد. سپس جبرئیل پیش آمد و آن دو نیز آمدند، در حالی که خداوند را ثنا می گفتند و تمجید می کردند تا این که به جایگاه حجر الاسود رسیدند. جبرئیل حجر الاسود را لمس کرد و به آن دو دستور داد تا آن را لمس کنند. هفت دور به گرد آن طواف کردند و سپس آندو را در جایگاه مقام ابراهیم ایستاند و دو رکعت نماز خواند و آنان نیز خواندند. سپس اعمال و مناسک آن دو را به آنان نشان داد و زمانی که آن دو مناسک خویش را

1- . تفسیر العیاشی 2: 88

انجام دادند، خداوند به ابراهیم فرمان داد که باز گردد و اسماعیل به تنهایی ماند و کس دیگری با او نبود. در سال بعد خداوند به ابراهیم اجازه داد که حج گزارد و کعبه را بنا نهد. اعراب نیز به حج می رفتند و کعبه با وجود آن که خراب شده بود، اما هنوز پایه ها و ارکان آن مشخص و معلوم بود. زمانی که مردم بازگشتند، اسماعیل سنگ ها را جمع کرد و آن ها را در درون کعبه ریخت. هنگامی که خداوند به ابراهیم اجازه داد که کعبه را بنا کند، ابراهیم جلو آمد و گفت: ای فرزندم! خداوند ما را به ساختن کعبه فرمان داده است. پس آن را آشکار کردند. آن زمان کعبه تنها به صورت یک ردیف سنگ سرخ بود. خداوند عز و جل به ابراهیم فرمان داد: بنای کعبه را بر همین پایه بگذار و چهار فرشته نازل کرد که سنگ ها را برای او جمع می کردند. ابراهیم و اسماعیل سنگ ها را می گذاشتند و فرشتگان سنگ ها را نزدیک آن دو میآوردند تا این که به دوازده ذراع رسید و برای آن، دو در قرار دادند که یکی برای ورود و دیگری برای خروج بود و برایش درگاه و دری از آهن گذاشت.

کعبه عریان بود، پس چون مردم در آن وارد شدند، زنی از حمیر آمد که اسماعیل زیبایی وی را پسندید و از خدا خواست او را به ازدواج وی درآورد. آن زن شوهر داشت و خداوند بر شوهرش مرگ را مقدر کرد. پس آن زن در سوگ شوهرش در مکه اقامت کرد و خدا این غم را از یاد او برد و او را با اسماعیل تزویج کرد. ابراهیم علیه السلام به حج آمد و او زنی سازگار بود. اسماعیل به طائف رفت تا برای خانوادهاش توشهای فراهم کند. پس زن او، پیرمردی غبارآلود را دید و پیرمرد از حال ایشان پرسید و به ویژه از حال اسماعیل پرسید و آن زن به او خبر داد که حال او خوب است. پیرمرد پرسید تو از کجایی؟ زن گفت: زنی از حمیر هستم. ابراهیم رفت و اسماعیل را ندید. ابراهیم یادداشتی نوشت و گفت: هر زمان که آمد ان شاء الله،آن را به شوهرت بده. اسماعیل آمد و زنش نوشته را به او داد. پس آن را خواند و گفت: میدانی آن پیرمرد که بود؟ گفت: دیدم که زیبا بود و به تو شباهت داشت. گفت: او پدرم بود. گفت: در مورد او چه بد شد! گفت: چرا؟ به چیزی از زیباییهای تو نگریست؟

گفت: نه، ولی ترسیدم کوتاهی کرده باشم. او که عاقل بود گفت: چرا بر این دو در، دو پرده یکی از اینجا و یکی از اینجا آویزان نمیکنید؟ گفت: باشد و دو پرده به طول دوازده ذرع درست کرده و بر دو در آویخت و زنش آن را پسندید و گفت: چرا برای کعبه لباسی نبافم و همه کعبه را با آن نپوشانیم، زیرا این سنگها ناهنجار هستند؟ اسماعیل گفت: باشد. پس زن در این کار شتاب کرد و پشم زیادی برای قومش فرستاد و از آنان خواست آنها را بریسند. امام صادق علیه السلام فرمود: پس برخی از برخی دیگر میخواستند تا بریسند. گفت: پس آن زن در این کار شتاب کرد و کمک گرفت. هرگاه از بافتن بخشی از پرده فراغت مییافت، آن را میآویخت.پس موسم حج فرا میرسید و یک طرف از کعبه باقی مانده بود. او به اسماعیل گفت: با این قسمت از کعبه که پردهای برای آن نداریم چه میکنی؟ پس آن را با برگهای نخل پوشاندند و موسم فرارسید و عربها مثل همیشه آمدند و چون نگریستند، آن را پسندیدند و گفتند: شایسته است برای آبادکننده این خانه قربانی کنیم و به وی اهدا کنیم؛ پس از آن زمان، قربانی کردن مرسوم شد. پس هر کدام از افراد عرب، چیزی آوردند از جمله برگ و اشیای دیگر تا آنکه چیز زیادی جمع شد. آن برگهای نخل را کندند و پوشش کعبه را تمام کردند و دو در بر آن نصب کردند. کعبه سقف نداشت، پس اسماعیل بر آن ستونهایی را نها، همچون ستون های چوبی که هم اکنون می بینید. سپس اسماعیل سقف آن را به وسیله شاخ و برگ پوشاند و گل اندود کرد.اعراب پس از گذشت یک سال آمدند و وارد کعبه شدند و بنای آن را دیدند و گفتند: شایسته است که سازنده این بنا پاداش بیشتری گیرد. سال بعد آن قدر قربانی برای اسماعیل آمد، در حالی که نمی دانست که با آن چه کند؟ خداوند سبحان به وی وحی کرد که آن را ذبح کن و با آن حج گزاران راطعام بده.

اسماعیل از کمبود آب به ابراهیم شکایت کرد. خداوند به ابراهیم علیه السلام وحی کرد که چاهی حفر کن که حاجیان از آن آب نوشند.جبرئیل فرود آمد و چاه حج گزاران یعنی همان زمزم را حفر کرد تا این که آب آن پدیدار شد. سپس جبرئیل

گفت: ای ابراهیم پایین برو! پس از او جبرئیل پایین آمد و گفت: ای ابراهیم! در چهار گوشه چاه بزن و بگو: بسم الله. ابراهیم بر گوشه آن قسمت از چاه که در کنار کعبه بود زد و گفت: بسم الله. پس چشمه ای سر برآورد. سپس بر گوشه دیگری زد و گفت: بسم الله و چشمهای جاری شد. سپس به گوشه سوم زد و گفت: بسم الله پس چشمهای جاری شد. پس بر گوشه چهارم زد و گفت بسم الله پس چشمهای جاری شد. جبرئیل گفت: ای ابراهیم بنوش و در آن برای فرزندت دعای فراوانی و برکت کن. ابراهیم و جبرئیل از چاه بیرون آمدند. جبرئیل به او گفت: ای ابراهیم، از این جا برو و پیرامون کعبه طواف کن. این چاهی است که به وسیله آن خداوند فرزندت اسماعیل را سیراب ساخته است. ابراهیم رفت و اسماعیل نیز او را همراهی کرد تا این که از حرم خارج شد. ابراهیم رفت و اسماعیل به حرم باز گشت و خداوند از زن حمیری فرزندی به وی عطا کرد که فرزند و عقبهای نداشت.

گفت: اسماعیل پس از او با چهار زن دیگر ازدواج کرد و از هریک از آنان صاحب چهار پسر شد. پس ابراهیم از دنیا رفت و اسماعیل او را ندید و از این امر آگاه نگردید تا این که در موسم حج، اسماعیل برای دیدن پدرش ابراهیم آماده شد. در این هنگام جبرئیل بر وی فرود آمد و به خاطر از دست دادن پدرش به وی تسلیت گفت. پس گفت: ای اسماعیل! مبادا به خاطر از دست دادن پدرت چیزی بگویی که خدا را خشمگین سازی. ابراهیم بندهای بود که خداوند او را فرا خواند و او اجابت کرد. و به او خبر داد که او نیز به پدرش خواهد پیوست. در آن زمان اسماعیل دارای پسر کوچکی بود که او را دوست میداشت و علاقه داشت که او وصی او باشد. اما خداوند این را نمی خواست و گفت: ای اسماعیل! وصی تو فلانی است. زمانی که اسماعیل از دنیا رفت، وصی خویش را فرا خواند و گفت: ای فرزندم! هر وقت مرگت

فرا رسید، همان کاری را انجام ده که من کردم. از آن جاست که هیچ امامی از دنیا نمی رود مگر این که خداوند خبر می دهد که چه کسی را وصی خود قراردهد.(1)

7. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند آدم هرگز مرتکب گناهی بزرگتر از این نخواهد شد که پیامبر و یا امامی را به قتل رساند و یا این که کعبه را که خداوند آن را قبلهای برای بندگان خویش قرار داده ویران کند و یا این که منی خویش را از راه حرام در زنی فرو ریزد.(2)

8. امالی صدوق، علل الشرائع: گروهی از یهودیان نزد رسول خدا آمدند و درباره برخی چیزها از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند. یکی از سؤالاتی که یکی از آن ها از پیامبر پرسید این بود که به چه علت کعبه را بدین اسم نامیدهاند؟ پیامبر فرمود: چون کعبه مرکز دنیا است.(3)

9. علل الشرائع: از امام صادق علیه السلام سؤال کردند: چرا کعبه را بدین اسم نامیدهاند؟ فرمود: بدین خاطر که چهار گوش است. گفته شد: به چه دلیل چهار گوش است؟ امام فرمود: بدین علت که در مقابل بیت المعمور است و آن نیز چهار گوش است. به ایشان گفته شد: برای چه بیت المعمور چهار گوش است؟ امام فرمود : چون در مقابل عرش است و عرش هم چهار گوش است. به امام گفتند: به چه دلیل عرش چهار گوش است؟ امام فرمود: زیرا کلماتی که اسلام بر اساس آنها استوار گشته چهار تاست: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر.(4)

10. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: تازمانی که کعبه برپاست، دین نیز پابرجا خواهد بود.(5)

1- . علل الشرائع : 586
2- . الخصال 2: 76
3- . علل الشرائع: امالی الصدوق 188، علل الشرائع: 398
4- . علل الشرائع: 398
5- . علل الشرائع: 396

11. علل الشرائع، عیون اخبار الرضا: امام رضا علیه السلام فرمود: علت این که کعبه در مرکز زمین قرار گرفته این است که از زیر آن زمین گسترده شده و هر بادی که در دنیا میوزد، از زیر رکن شامی خارج می شود. کعبه اولین نقطهای است که در زمین قرار داده شده و بدین علت در مرکز زمین قرار گرفته تا وجوب آن برای اهل شرق و غرب در این باره یکسان باشد. (1)

12. علل الشرائع: ابی خدیجه نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا کعبه را بیت عتیق نامیدهاند؟ فرمود: خداوند عز و جل حجر الاسود را از بهشت برای آدم فرود آورد. در آن زمان کعبه مرواریدی سفید رنگ بود. پس خداوند آن را به سوی آسمان بالا برد و پایه و اساس آن باقی ماند که در مقابل این خانه قرار دارد. هر روز هفتاد هزار فرشته بر آن وارد می شوند و دیگر به سوی آن باز نمی گردند. پس خداوند به ابراهیم و اسماعیل فرمان داد که خانه را بر همان ستون ها و پایه ها بنا نهند و بدین دلیل بیت العتیق نامیده شده که آن از غرق شدن رها شد.(2)

13. علل الشرائع: ابو حمزه ثمالی نقل کرده است که به امام باقر علیه السلام در مسجد الحرام گفتم: خداوند به چه دلیل کعبه را عتیق نام نهاده است؟ فرمود: هیچ خانه ای نیست که خداوند بر روی زمین بنا نهاده باشد مگر این که دارای صاحبی است و افرادی در آن سکونت دارند، غیر از این خانه، پس همانا در کعبه کسی ساکن نیست و تنها خداوند صاحب آنجاست که همان حرم است. امام فرمود: خداوند پیش از آفرینش جهان آن را آفرید. پس از آن زمین را خلق کرد و آن را از زیر کعبه گسترانید.(3)

14. علل الشرائع: محاربی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عز و جل روز غرق کردن قوم نوح، تمام زمین را به جز کعبه غرق کرد. در آن روز کعبه

1- . علل الشرائع: 396
2- . علل الشرائع: 398
3- . علل الشرائع: 399

عتیق نامیده شد، چرا که از غرق شدن نجات یافت. به امام گفتم: آیا به سمت آسمان بالا رفت؟ امام فرمود: خیر. آب هرگز به کعبه نرسید بلکه از آن دور گشت.(1)

15. قصص الأنبیاء: با اسناد آن به صدوق، مثل این حدیث را از محاربی نقل کرده است.(2)

16. علل الشرائع: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیده شد: چرا کعبه را بیت العتیق نام نهاده اند؟ امام فرمود: زیرا آن خانه آزاد از مردم است و هیچ کس مالک آن نبوده است.(3)

17. المحاسن: مثل این حدیث را حماد نقل کرده است.

18. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: بدین سبب آن را بیت العتیق نام نهاده اند، زیرا آن از غرق شدن رها شد و حرم نیز همراه با آن از غرق شدن آزاد گردید و آب از رسیدن به آن خودداری کرد.(4)

19. المحاسن: مثل این حدیث را علی بن نعمان نیز نقل کرده است.(5)

20. علل الشرائع: حنان گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا خانه خدا را بیت الله الحرام نام نهاده اند؟ امام فرمود: چون بر مشرکان حرام شد که وارد آن شوند.(6)

21. الخصال: امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمائه فرمود: هر گاه برای حج گزاردن به سوی خانه خداوند آمدید، به کعبه بسیار بنگرید. زیرا که برای خداوند عزوجل در کنار حرم خویش صد و بیست رحمت است، شصت رحمت آن را برای

1- . علل الشرائع: 399
2- . علل الشرائع: 399
3- . علل الشرائع: 399
4- . علل الشرائع: 399
5- . المحاسن : 336
6- . علل الشرائع: 398

طواف کنندگان، چهل رحمت آن را برای نماز گزاران و بیست رحمت را برای نگاه کنندگان به حرم خویش قرار داد.(1)

22. المحاسن: ابو بصیر مثل همین حدیث را نقل کرده است.(2)

23. علل الشرائع، عیون اخبار الرضا: یکی از شامیان از امیر المؤمنین علیه السلام درباره اولین نقطه ای که از زیر زمین در روزهای طوفانی گسترش یافت پرسید. امام فرمود: جایگاه کعبه بود و آن زبرجدی سبز رنگ بود.(3)

24. امالی الطوسی: پیامبرصلی الله علیه و آله فرمود: نگریستن به چهره علی بن ابی طالب، عبادت است و نگریستن به رخسار پدر و مادر از روی مهربانی و عطوفت، عبادت است و نگاه کردن به مصحف قرآن، عبادت و نیز نگاه کردن به کعبه، عبادت است.(4)

25. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام به نقل از پدر خویش فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام هر سال جهت پوشش پرده کعبه، شخصی را به عراق می فرستاد.(5)

26. علل الشرائع: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: هرگز جایز نیست که کسی بنای خانهاش را بالاتر از کعبه قرار دهد.(6)

27. علل الشرائع: حماد بن عثمان گوید: حضرت صادق را دیدم که از نشستن به حالت احتباء (هنگام نشستن، دست را دور زانو حلقه کردن) کراهت داشتند و می فرمودند: علت کراهت احتباء، تعظیم و بزرگداشت کعبه است.(7)

1- . الخصال 2: 408
2- . المحاسن: 69
3- . علل الشرائع: 595، عیون أخبار الرضا علیه السلام1: 244
4- . امالی الطوسی 2: 70
5- . قرب الاسناد: 65
6- . علل الشرائع: 446

7- . علل الشرائع: 446

28. الخصال، معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: برای خداوند عز و جل سه چیز مقدس وجود دارد: یکی کتاب اوست که حکم و نور او می باشد؛ و دیگری خانه اوست که آن را قبلهگاهی برای مردم قرار داده و هرگز از کسی نمی پذیرد که به قبله گاهی غیر کعبه توجه کند و سومی، عترت پیامبر شما صلی الله علیه و آله.(1)

29. الخصال : ابن عباس نیز همین حدیث را نقل کرده است.(2)

30. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: برای خداوند تبارک و تعالی پیرامون کعبه صد و بیست رحمت است: شصت رحمت از آن طواف کنندگان، چهل رحمت آن برای نمازگزاران و بیست رحمت آن برای نگاه کنندگان است.(3)

31. قصص الأنبیاء: امام صادق علیه السلام فرمود: محل فرود آدم علیه السلام بر کوهی در شرق سرزمین هند به نام باسم بود. سپس به وی فرمان داد که به سوی مکه سیر کند؛ پس زمین را برای او پیچید و بر هر بیابانی که عبور می کرد، گام می نهاد و در هیچ سرزمینی گام ننهاد مگر این که آنجا آباد و سرسبز شد. دویست سال به خاطر بهشت گریست. پس خداوند خیمه ای از خیمه های بهشتی را جهت آرام کردنش به او داد و آن را در مکه، در جایگاه کعبه قرار داد. آن خیمه از یاقوتی سرخ رنگ بود که دارای دو در شرقی و غربی ساخته شده از طلا و سه چراغ از طلای غیر مسکوک بهشتی بود که نور آن می درخشید. و رکن را فرود آورد و آن یاقوتی سپید رنگ از یاقوت های بهشتی بود و محل نشستن آدم بود که بر آن می نشست. خیمه آدم همواره در جایگاه خود بود تا این که خداوند وی را قبض روح کرد. پس آن را به سوی خود بالا برد و فرزندان آدم در جای آن، خانه ای از گل و سنگ ساختند که

1- . معانی الأخبار: 117، الخصال 1: 96
2- . الخصال 1: 96
3- . ثواب الأعمال: 44

همواره آباد بود و آن از غرق شدن نجات یافت و آب آن را خراب نکرد تا این که خداوند حضرت ابراهیم را مبعوث کرد.

32. قصص الأنبیاء: ابن عباس گوید: جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد و بر وی پوششی سبزرنگ بود که گرد و غبار روی آن نشسته بود. رسول خدا فرمود: این گرد و غبار چیست؟ جبرئیل گفت: فرشتگان مأمور به زیارت کعبه شدند و ازدحام کردند، و این غبار را فرشتگان با بال های خود ایجاد کردند.

33. المحاسن: امام صادق علیه السلام از پدر خویش نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نگریستن به کعبه از برابر آن، گناهان را کاملا از بین میبرد.(1)

34. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: ساده ترین چیزی که شخص نگاه کننده به کعبه به دست می آورد این است که خداوند سبحان به هر نگاه وی، حسنهای به او می بخشد و گناهی را از او محو می سازد و یک درجه او را بالا می برد.(2)

35. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به زیارت کعبه آید و حق و حرمت ما را همانند حق و حرمت کعبه بشناسد، از مکه خارج نمی گردد مگر این که گناهانش آمرزیده میشود و خداوند در آنچه برایش از امور دنیا و آخرتش مهم است،برایش کافی است.(3)

36. المحاسن: امام باقر علیه السلام فرمود: کعبه از تأثیری که از نفس مشرکان میگرفت، به خداوند سبحان شکایت کرد. سپس خداوند وحی کرد که ای کعبه آرام باش؛ چرا که من قومی را جایگزین آن ها خواهم ساخت که از شاخه های درختان

1- . المحاسن: 69
2- . المحاسن: 69
3- . المحاسن: 69

خلال درست کنند. زمانی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث کرد، به جبرئیل وحی کرد که به محمد، به مسواک زدن و خلال کردن دندان فرمان دهد.(1)

37. الخرایج و الجرایح: بعد از این که حجاج بن یوسف به علت نبرد با عبدالله بن زبیر کعبه را خراب کرد، آن را بازسازی کردند. زمانی که کعبه باز سازی شد و خواستند حجر الاسود را در جایگاهش قرار دهند، هر گاه یکی از علماء یا قضات و یا پارسایان آنان، آن سنگ را در جایگاه خود قرار می داد، می لغزید و میافتاد در مکان خویش استقرار نمی یافت. سپس امام زین العابدین آمد و آن را از دست آنان گرفت و نام خدا را بر زبان آورد و آن سنگ را در مکانش قرار داد و مردم تکبیر گفتند و بر زبان فرزدق این چنین جاری شد:

- آنگاه که برای استلام حجر الاسود آمد، آن سنگ از روی معرفت می خواست که آن دستان را خود نگاه دارد.(2)

38. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: بر یکی از سنگهای کعبه چنین نوشته شده بود: منم خدای جهانیان و صاحب بکه. روزی که آسمان ها و زمین و خورشید و ماه و دو کوه را آفریدم وهفت فرشته را پیرامون آن و کوه گماشتم، بکه را خلق کردم. و در سنگ دیگر نوشته شده بود: این همان بیت الله الحرام بکه است؛ خداوند از سه طریق، روزی اهالی آن را تامین می کند،گوشت و آب برای آنان برکت دارد و اولین کسی که آن را برگزید، ابراهیم بود.(3)

39. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام به نقل از پدر خویش فرمود: خداوند از تمامی زمین، مکه را برگزیده و از مکه بکه را برگزیده است. در بکه سراپرده ای از نور پوشیده از مروارید و یاقوت نازل کرد و سپس در میان آن سراپرده ها چهار ستون فرود آورد و بین آن ستون ها در چهار گوشه خانه، مرواریدی سفید

1- . المحاسن: 588
2- . الخرایج و الجرایح : 295
3- . تفسیر العیاشی 1: 187

رنگ قرار داد که طول آن هفت ذراع بود و در آن مروارید، نوری از نور آن سراپرده ها قرار داد که همچون چراغ بود و اصل ستون فرو رفته در خاک و نوک آن زیر عرش بود. ربع اول از جنس زمرد سبز، ربع دوم از جنس یاقوت سرخ، ربع سوم از جنس مروارید سپید و ربع چهارم از نوری درخشنده بود و خانه خدا بالاتر از زمین در میان آن ها فرود آمده بود. نور چراغ ها به جایگاه حرم میرسید و بزرگترین چراغدان آن مقام ابراهیم بود. تعداد چراغ ها به سیصد وشصت عدد میرسید. رکن حجرالاسود در رحمت الهی؛ رکن شامی،در بازگشت و توبه، ورکن شامی،در توسل جویی و رکن یمانی، در توبه و همان در خاندان محمد وپیروان آنان به طرف اینسنگ (حجر الاسود) بود. این سنگ حجت و دلیل آشکار خدا در زمین خویش بر بندگانش می باشد. زمانی که آدم بر زمین فرود آمد، بر کوه صفا هبوط کرد و بدین جهت خداوند برای آن نامی از اسم آدم مشتق ساخت؛ همان جایی که می گوید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَم»(1) {خداوند آدم را برگزید}. و حوا بر کوه مروه فرود آمد و خداوند نامی از نام زن برایش اشتقاق کرد. آدم همراه با آینه ای از بهشت فرود آمد. وقتی آدم نتواست آن آینه را در کنار مقام بیافریند(2)، در حالی که خود به آن تکیه می داد، از پروردگار خویش خواست که خانه اش را بر روی زمین پایین آورد؛ پس خداوند آن را پایین آورد و مساوی زمین قرار داد و آدم به آن تکیه می داد.ارتفاع آن از زمین هفت ذراع و طول آن بیست و پنج در بیست و پنج ذراع می رسید و چهار در داشت و سراپرده آن دویست ذراع در دویست ذراع بود.(3)

40. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند حجر الاسود را از بهشت فرود آورد و کعبه درّی سپید رنگ بود؛ پس خداوند آن را به سوی آسمان بالا

1- . آل عمران / 33
2- . در بحار و در مصدر اصلی حدیث این گونه آمده است(یخلق). بنا بر این در این عبارت تشویش آشکاری هست.
3- . تفسیر العیاشی 1: 39

برد و پایهاش باقی ماند که این ستون پیرامون این خانه را فرا گرفته است. امام فرمود: هر روز هفتاد هزار فرشته بدان وارد می گردند و هرگز از آن باز نمی گردند؛ پس خداوند به ابراهیم و اسماعیل فرمان داد که خانه را بر پایهها بنا نهند.(1)

41. تفسیر العیاشی: از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا قبل از این که رسول خدا به پیامبری مبعوث شود، مردم به حج می رفتند؟ امام فرمود: آری و این سخن شعیب در قرآن، خود تاییدی بر این گفته است که به موسی، زمانی که ازدواج کرد، فرمود:«علی أن تأجرنی ثمانی حجج»(2)، {به این شرط که هشت حج برای من کار کنی.} و نگفت: «ثمانی سنین» هشت سال. همچنین آدم و نوح حج گزاردند و سلیمان بن داود همراه با جن و انس و پرنده و باد، حج گزاردند و موسی سوار بر شتری سرخ موی حج گزارد، در حالی که لبیک لبیک میگفت. این خانه، چنان که خداوند فرموده است: «أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمِين»(3) {در حقیقت نخستین خانه ای که برای عبادت مردم بنا نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان مایه هدایت است.} و همچنین فرمود: «وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْراهِيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْماعِيل»(4) {و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه خداوند [کعبه] را بالا میبردند. همچنین در جای دیگر فرمود: «أَنْ طَهِّرا بَيْتِیَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُود»(5) {خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنید.} و خداوند حجر الاسود را برای آدم فرود آورد، و خانه بود.(6)

1- . تفسیر العیاشی 1: 60
2- . قصص / 27
3- . آل عمران / 96
4- . بقره/ 127
5- . بقره/ 125
6- . تفسیر العیاشی 1: 60

42. تفسیر العیاشی: ابو الورقاء نقل کرده است که به امام علی بن ابی طالب علیه السلام گفتم: اولین چیزی که خداوند از آسمان فرود آورد چه بود؟ امام فرمود: اولین چیزی که خداوند از آسمان به سوی زمین نازل کرد، همان خانهاش بود که در مکه است؛ خداوند آن را به صورت یاقوتی سرخ رنگ فرود آورد، اما قوم نوح فاسق شدند؛ بنابراین آن را بالا برد، چنان که می فرماید: «وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهِیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعِیل»(1) {و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه خداوند [کعبه] را بالا می بردند. }(2)

43. تفسیر العیاشی: ابان بن تغلب گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: معنای این سخن خداوند که می فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَهَ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنَّاس»(3) {خداوند کعبه بیت الله الحرام را وسیله به پا داشتن مصالح مردم قرار داده است. } چیست؟ امام در پاسخ فرمود: یعنی کعبه را برای برپا داشتن دین و معیشت آن ها قرار داده است.(4)

44. به خط شیخ شهید از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: کسی که به کعبه بنگرد در حالی که حق آن را به نیکی بشناسد، خداوند گناهش را می آمرزد و آن چه را بخواهد برایش فراهم می سازد.

45. همچنین روایت شده است: کسی که به کعبه بنگرد، همواره برایش حسنه نوشته میشود و گناهش آمرزیده میشود تا نگاهش را از آنجا برگرداند.

46. و روایت شده است که نگریستن به کعبه و نگاه به چهره والدین و قرآن حتی بدون خواندن آن، عبادت است. همچنین نگریستن به چهره عالم و خاندان پیامبر عبادت است.

1- . بقره/ 127
2- . تفسیر العیاشی 1: 60
3- . مائده / 97
4- . تفسیر العیاشی 1: 346

47. راوندی به خط خود نقل کرده است که امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند در زیر عرش خویش چهار پایه و ستون بنا نهاد و آن را ضراح نامید. سپس فرشتگان را فرو فرستاد و به آنان به ساختن خانهای در زمین، در مقابل آن و مانند آن و به اندازه آن فرمان داد. زمانی که طوفان شد، بیت بالا رفت، پس پیامبران حج میگزاردند در حالی که جای آن را نمی دانستند تا این که خداوند ابراهیم را در آن جای داد و مکانش را به وی نشان داد. پس آن را از پنج کوه به نام های حراء، ثبیر، لبنان، جبل الطور و جبل الحمر بنا نهاد. طبری گفته است: جبل الحمر کوهی در دمشق است.

48. در کتاب العلل محمد بن علی بن ابراهیم آمده است که شخصی یهودی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: درباره کلماتی که خداوند به ابراهیم یاد داد، آنگاه که کعبه را بنا نهاد، مرا آگاه کن. پیامبر فرمود: آری ! آن کلمات سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بود.

ص: 94

باب ششم : کسی که برای کعبه چیزی را نذر کند یا وصیّت کند و حکم اموال کعبه و پرده های آن

روایات:

1. علل الشرائع: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: قومی از مصر آمدند، پس یکی از آن ها از دنیا رفت و به شخصی وصیت کرد که هزار درهم در راه کعبه انفاق کند. زمانی که آن شخص به مکه آمد، در این باره سؤال کرد که مال را به دست چه کسی بسپارد و اهالی مکه بنی شیبه را معرفی کردند. آن شخص نزد قوم بنی شیبه رفت و آنان را از آن خبر آگاه کرد. آن قوم گفتند: ذمه آن از دوش تو برداشته شد، آن مال را به ما بده. آن مرد برخاست و از مردم پرسید و مردم وی را نزد ابوجعفر(امام باقر) فرستادند. امام فرمود: آن مرد نزدم آمد و در این باره از من سؤال کرد. به وی گفتم: کعبه از این مال بی نیاز است، به کسی بنگر که قصد این خانه کرده و در راه مانده یا آن که اموال خویش را از دست داده و مرکبش را گم کرده، و یا این که اکنون از بازگشتن به نزد خانواده خویش ناتوان است؛ آن مال را به این افرادی ده که برایت نام بردم. آن شخص گفت: آن مرد نزد قوم بنی شیبه رفت و آنها را از گفته امام آگاه کرد. آن قوم گفتند: او شخصی گمراه و بدعت گزار است؛ او علمی ندارد. ما به حق خداوند این خانه و حق چنین و چنان تو را قسم می دهیم که مبادا این سخن ما را به گوش وی رسانی. آن شخص گفت: نزد امام باقر علیه السلام آمدم و خطاب به وی گفتم: با بنی شیبه دیدار کردم و آنان را از گفته شما آگاه کردم. آن ها درباره شما چنین و چنان فکر می کنند و این که شما علمی در این باره نداری. سپس مرا به

خداوند سبحان قسم دادند که گفته آن ها را به شما نگویيم. امام فرمود: من تو را قسم می دهم، به همان کس که تو را قسم دادند، زمانی که نزد آنها رفتی بگويی: اگر عهده دار امور مسلمانان شوم، علم من اين است که دستهای آن ها را ميبريدم و بر پرده کعبه می آويختم، سپس آنها را برسکّو ايستاده نگاه ميداشتم و آنگاه دستور می دادم که ندا دهندهای فرياد برآورد: همانا اين افراد دزدان خانه خدايند! ايشان را بشناسيد.(1)

2. غيبه النعمانی: حديث فوق را با تغييری اندک نقل کرده است. که آن را در باب سيره قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف آورديم.

3. علل الشرائع: سعيد بن عمر جعفی از مردی از اهالی مصر نقل کرده است که گفت: برادرم مرا در مورد کنيزی که خنياگری شاداب و زيبا بود، وصيت کرد و او را هديهای برای بيت الله الحرام قرار داده بود. به مکه آمدم و درباره وی سؤال کردم. به من گفتند: او را به بنی شيبه بسپار و برخی چيز ديگری به من گفتند و در اين باره حرفهای متناقضی شنيدم. مردی از اهل مسجد به من گفت: آيا تو را به کسی که تو را در اين باره ارشاد کند راهنمايی کنم؟ گفتم: آری. او به پيرمردی که در مسجد نشسته بود اشاره کرد و گفت: او جعفر بن محمد است. از وی در اين باره سؤال کن. آن فرد گفت: به نزد امام رفتم و از ايشان سؤال کردم و داستان را برايش تعريف کردم. فرمود: همانا کعبه نميخورد و نميآشامد و هر چه که برای آن هديه آورند، بايد به زائران تحويل دهند. کنيز را بفروش و بر حجر بايست و فرياد بزن: آيا کسی است که بيزاد و توشه باشد؟ و آيا از ميان زائران کسی است که بدان محتاج باشد؟ پس زمانی که به نزد تو آمدند، از آنها سؤال کن و بهای آن را به آنان بده و ميانشان تقسيم کن. گفت: به ايشان گفتم: برخی از افرادی که از آنان سؤال کردم گفتند که آن را به بنی شيبه بدهم. فرمود: هشدار که اگر قائم ما قيام کند،آنان را ميگيرد و دستانشان را قطع کرده و آنان را ميچرخاند و می گويد: اينان دزدان خدايند.(2)

1- . علل الشرائع: 409
2- . علل الشرائع: 410

4. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به نزد امام باقر علیه السلام آمد و گفت: من کنیزی برای خدمت به کعبه اهدا کردم و در ازای آن پانصد دینار به من میدهند، نظرتان چیست؟ فرمود: آن را بفروش و پول آن را بگیر و بر این دیوار - یعنی سنگ - بایست و ندا ده و از آن به هر مسافر بی توشه و حج گزار نیازمند بده.(1)

5. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام از پدرش نقل کرده است که امام علی علیه السلام فرمود: اگر دو دره موّاج از طلا و نقره داشته باشم، هیچ چیز به کعبه اهدا نخواهم کرد، زیرا که به پرده داران میرسد نه به مستمندان.(2)

6. علل الشرائع: علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده است که از او در باره کسی که کنیزی را به کعبه اهدا کرده است پرسید. فرمود: مردی نزد پدرم آمد که کنیز خود را وقف کعبه کرده بود. پدرم به وی گفت: ارزش آن را حساب کن و او را بفروش و سپس به ندا دهندهای فرمان ده که بر سنگ بایستد و ندا سردهد که ای کسی که هزینه سفرش کم شده یا راهش را گم کرده یا این که غذایش تمام شده است، به نزد فلانی فرزند فلان شخص برو و به وی دستور ده که یک یک بدهد تا بهای کنیز پایان یابد.

7. علل الشرائع: برقی از پدر خود و او از برخی از اصحاب ما نقل کرده است که گفت: زنی رشتهای از نخ ریسیده شده به من داد و به من گفت: آن را به مکه ببر تا برای پوشش کعبه پرده بدوزند. ناپسند دانستم که آن را به

پرده داران کعبه بدهم چرا که آنان را میشناختم. زمانی که به مدینه رسیدم، نزد امام باقر علیه السلام رفتم و به او گفتم: جانم به فدایت! همانا زنی رشته ای از نخی ریسیده شده به من داد و فرمان داد تا آن را به مکه تحویل دهم تا برای پوشش در کعبه از آن استفاده شود و من کراهت داشتم که آن را به پرده داران بدهم. فرمود: با آنان عسل و زعفران بخر و

1- . علل الشرائع: 409

2- . علل الشرائع: 408

تربت قبر اباعبدالله علیه السلام را برگیر و با آب باران مخلوط کن و در آن قدری عسل و زعفران بریز و میان شیعه پخش کن تا بدان وسیله بیماران خود را مداوا کنند.(1)

8. المحاسن: پدرم از برخی اصحاب مانند این حدیث را نقل کرده است.(2)

9. قرب الإسناد: علی از برادرش موسی بن جعفر نقل میکند که از ایشان درباره مردی سؤال کردم که بهای فروش کنیز خود را هدیه کعبه قرار داده است. خطاب به وی فرمود: به ندا دهندهای فرمان ده که بر سنگ بایستد و ندا دهد: ای کسی که هزینه سفرت تمام شده یا راه بر تو بسته شده یا غذایت تمام شده! باید نزد فلان بن فلان بروی. و به او فرمان ده که به یکی پس از دیگری بدهد تا بهای کنیز تمام گردد. از ایشان درباره مردی سؤال کردم که می گوید: او چنین و چنان هدیه می دهد، چه چیزی بر عهده اوست؟ فرمود: اگر نذر نباشد، چیزی بر عهده او نیست.(3)

10. مناقب: عمر تصمیم گرفت که زیور و زینت کعبه را برگیرد. امام علی علیه السلام فرمود: قرآن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد در حالی که چهار مال وجود داشت: اموال مسلمانان که آنها را طبق دستور میان ورثه تقسیم نمود، فیء که آن را میان مستحقان آن تقسیم نمود، خمس که آن را در جایگاهش قرار داد و صدقات که آنها را در مواردش صرف کرد. در آن هنگام زیورهای کعبه بر آن بود و آن را به همان حال گذاشت، نه این که از روی فراموشی گذاشته باشد و نه این که جای آن بر او مخفی باشد، بنابراین تو نیز آن را بر همان حال که خدا و پیامبرش باقی گذاشتهاند باقی گذار. عمر گفت: اگر تو نبودی رسوا میشدیم. و زیورهای کعبه را به حال خود واگذاشت.(4)

1- . علل الشرائع: 410
2- . المحاسن: 500
3- . قرب الاسناد: 108
4- . مناقب ابن شهر آشوب 2: 189

11. فقه الرضا علیه السلام: امام صادق علیه السلام درباره مردی که قسم یاد کرده بود با خویشاوندی سخن نگوید فرمود: چیزی نیست و در طلاق یا عتق هم چیزی نیست.

12. حلبی گفت: از امام درباره زنی سؤال کردم که دارایی خود را هدیه به خانه خدا نمود، اگر متاع خود را به فلان کس دختر فلان کس به عاریه دهد و برخی از اعضای خانوادهاش بدون اجازه وی به دیگری عاریه دادند. فرمود: برای وی هدیهای نیست، چرا که هدیه تنها در صورتی است که خداوند برای کعبه قرار دهد و این آن چیزی است که اگر برای خدا قرار داده شد، باید به آن وفا کند؛ و هر آنچه که شبیه بدان باشد، و چیزی که اسم خدا در آن ذکر نمیشود هدیه به حساب نمی آید.(1)

13. و از ایشان درباره مردی که می گوید: بر من هزار شتر است و او مُحرم است به هزار حج، سؤال کردند. فرمود: این گامهای شیطان است. درباره مردی که میگوید: او برای یک حج محرم است فرمود: چیزی نیست. و میگوید: من این طعام را

هَدیه میدهم. فرمود: چیزی نیست، چرا که غذا هَدیه دادنی نیست. یا درباره شتر پس از نحر آن میگوید، آن را برای خانه خدا هدیه میدهد؟ فرمود: شتر تنها در حالی هدیه داده می شود که زنده باشد و زمانی که نحر شده و به گوشت تبدیل شد، اهدا نمی شود.(2)

14. نهج البلاغه: روایت شده است که در دوران عمر، از پوشش کعبه و کثرت آن سخن به میان آمد. قومی گفتند: اگر آن را بر گیری و سپاه مسلمانان را بدان مجهز سازی، پاداش بیشتری دارد و کعبه نیاز به زیور و زینت ندارد. عمر تصمیم بدین امر گرفت و از امام علی علیه السلام در این باره سؤال کرد. ایشان فرمود: قرآن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد در حالی که چهار مال وجود داشت: اموال مسلمانان که آنها را طبق دستور میان ورثه تقسیم نمود، فیء که آن را میان مستحقان آن تقسیم

1- . فقه الرضا علیه السلام: 58
2- . فقه الرضا علیه السلام: 59

نمود، خمس که آن را در مورد خود قرار داد و صدقات که آنها را در مواردش صرف کرد و در آن هنگام زیورهای کعبه بر آن بود و آن را به همان حال گذاشت، نه این که از روی فراموشی گذاشته باشد یا جای آن بر او مخفی باشد؛ بنابراین تو نیز آن را بر همان حال که خدا و پیامبرش باقی گذاشتهاند باقی گذار. عمر گفت: اگر تو نبودی رسوا میشدیم؛ و زیورهای کعبه را به حال خود واگذاشت.(1)

1- . نهج البلاغه 3: 218

روایات:

1. علل الشرائع: امام محمد باقر علیه السلام به نقل از پدران خویش فرمود: خداوند عز و جل به جبرئیل وحی کرد که من خداوند بخشنده مهربانم. همانا من به آدم و حوا به خاطر آنچه بر من شکایت آوردند رحم کردم، پس یکی از خیمه های بهشتی را فرود آور. از آن جا که آن دو به خاطر تنهایی و غربت می گریستند، بر آن دو رحم کردم. یکی از خیمه های بهشتی را در نزعه،(1)(بیابانی خالی از آب و گیاه) که مابین کوههای مکه قرار دارد نصب کن. نزعه همان جایگاه اصلی کعبه و پایه های آن است که فرشتگان الهی آن را پیش از آدم برافراشتند. جبرئیل برای آدم به اندازه جایگاه کعبه و ستون های آن خیمه ای فرود آورد و سپس آن را برافراشت. جبرئیل، آدم را از صفا و حواء را از مروه فرود آورد، و سپس آن دو را در خیمه ای گرد هم آورد. پایه ها و ستون خیمه از یاقوت سرخ ساخته شده بود، به گونه ای که نور و روشنایی آن یاقوت، تمامی کوههای مکه و پیرامون آن را روشنی می بخشید. نور ستون های حرم، امتداد و گسترش یافت تا جایی که امروز محدوده حرم برشمرده می شود و خداوند سبحان به احترام آن خیمه و ستون ها، آنجا را حرم قرار داد، چرا که آن خیمه و ستونها از بهشت به حساب می آیند. برای همین خداوند پاداش تمامی حسنات را در حرم خویش، چند برابر کرده است و جزای گناهان را دو برابر کرده

1- . نزعه جایگاه ریختن مو از شقیقه های پیشانی است و کنایه از جایگاه بی آب و علف است که به مکان ریختگی موی سر تشبیه شده است.

است. طنابهای خیمه را تا اطراف آن گسترش داد، تا حدی که انتهای آن ها به اطراف مسجد الحرام منتهی می گشت. و فرمود: میخ های آن از سنگ هایی از جنس طلای خالص بهشتی ساخته شده بود و طنابهای آن بافته شده از شاخه های درخت ارغوان بود. خداوند عزو جل به جبرئیل وحی کرد که هفتاد هزار فرشته بر خیمه فرودآور، تا آن را از شیطانهای نافرمان حفظ کنند و آدم را بدان انس بخشند و به نشانه تعظیم و بزرگداشت کعبه و خیمه، به دور آن طواف کنند. پس ملائکه فرود آمدند، در حالی که آن خیمه را از شیطان حفظ می کردند و هر روز و شب به گرد ستون های خانه و خیمه، مانند طواف خویش به گرد بیت المعمور در آسمان طواف می کردند. ارکان خانه کعبه در زمین، دربرابر البیت المعمور در آسمان است. سپس خداوند به جبرئیل فرمان داد که نزد آدم و حوا برو و آن ها را از محل پایههای خانها مدور کن. سپس فرمود: ارکان خانه ام را برای فرشتگان و برای خلقم یعنی فرزندان آدم بالا ببر. جبرئیل بر آدم و حوا فرود آمد و آن دو را از خیمه دور کرد و خیمه را از روی پایههای آن برداشت. سپس آدم را بر صفا و حوا را بر مروه فرود آورد. آدم گفت: ای جبرئیل ! آیا به خاطر خشم خدای سبحان ما را از هم دور کردی، یا این که این کار تو از روی تقدیر بود؟ جبرئیل گفت: این امر از روی خشم خداوند صورت نپذیرفت، بلکه از خداوند سبحان هیچ گاه به سبب کرده خویش سؤال نمی شود. ای آدم ! همانا این هفتاد هزار فرشته راخداوند را بر زمین فرود آورده است تا با تو انس گیرند و به گرد خیمه وستون های کعبه طواف کنند. این فرشتگان از خداوند درخواست کردند تا برای آنان در جای خیمه،خانهای را در محل نزعه مبارک،در برابر بیت المعمور بنا نهد تا به همان شکلی که در آسمان به گرد بیت المعمور طواف می کنند، در این جا نیز بچرخند. از این رو خداوند به من فرمان داد که تو را دور کنم و خیمه را بردارم. آدم گفت: ما هم به تقدیر خداوند عز وجل خرسندیم و اوامر او را اجرا می کنیم. سپس با حمل سنگی از صفا و مروه و سنگی دیگر از طور سینا و سنگی از جبل السلم - که در پشت کوفه قرار دارد - پایه های خانه را برافراشت. در این هنگام خداوند به جبرئیل فرمان داد که

آن خانه را بساز و کامل کن. جبرئیل به فرمان خداوند با کمک بالهای خویش چهارسنگ را از جای خود برکند و آن ها را دقیقاً درهمان مکانی که باری تعالی دستور داده بود، یعنی در جای ستونهای خانه ای که خداوند مقدر ساخته بود، قرار داد و علائم آن را نصب کرد. سپس به جبرئیل فرمان داد که آن را بنانهد و جهت ساختن آن از سنگ های کوه ابی قبیس استفاده کند و دو دروازه یکی در شرق و دیگری در غرب بسازد. پس از آن که جبرئیل آن بنا را به اتمام رساند، فرشتگان پیرامون آن خانه طواف کردند. زمانی که آدم و حوا دیدند که فرشتگان به گرد کعبه طواف می کنند، به راه افتاده و هفت دور به گرد آن طواف کردند و آن گاه برای پیدا کردن چیزی برای خوردن، خارج شدند.(1)

2. علل الشرائع: بزنطی نقل کرده است که از امام رضا علیه السلام درباره حرم و محدوده آن سؤال کردم که به چه علت برخی از مناطق آن نزدیکتر و برخی دورتر است؟ امام در پاسخ فرمود: خداوند سبحان زمانی که آدم را از بهشت فرود آورد، وی را بر کوه ابی قبیس اسکان داد. آدم به خاطر احساس تنهایی و نشنیدن آن چه را که در بهشت می شنید، نزد پروردگار خویش شکایت کرد. از این رو خداوند برای وی یاقوتی سرخ رنگ فرود آورد و در جایگاه خانه اش قرار داد. آدم به گرد آن طواف می کرد و نور آن یاقوت تا محدوده حرم می رسید. پس نشانهها معین شد و خداوند آن را حرم خویش قرار داد.(2)

3. عیون اخبار الرضا، علل الشرائع: به سند دیگری این حدیث را نقل کرده اند.(3)

4. علل الشرائع: این حدیث را از امام رضا علیه السلام نقل کرده است.(4)

1- . علل الشرائع: 420
2- . عیون اخبار1: 284
3- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 1: 285، علل الشرائع: 420
4- . علل الشرائع: 422

5. عیون اخبار الرضا: همین حدیث را از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده است.(1)

6. قرب الإسناد: همین حدیث را به شکل فوق نقل کرده است.(2)

7. قرب الإسناد: صفوان در حضور وی از امام رضا علیه السلام درباره مردی سؤال کرد که برده خویش را در حرم تنبیه کند؟ ایشان در پاسخ فرمود: امام باقر علیه السلام خیمه خویش را در محدوده حرم برپا می نمود؛ برخی از طناب آن را داخل حرم و برخی را بیرون از حرم نصب می نمود. زمانی که می خواست برخی از خدمتکاران خویش را تادیب کند، وی را از حرم بیرون می برد و در منطقه خارج از حرم تادیب می کرد.

مؤلف: در باب غسلها ذکر آن گذشت و انجام غسل جهت ورود به حرم خواهد آمد.

8. الخصال: امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمائه فرمود: ادای یک نماز در حرم برابر با هزار نماز در جای دیگر است.(3)

و همچنین فرمود: با شمشیر وارد حرم نشوید.(4)

9. علل الشرائع: حفص بن بختری نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درمورد مردی سؤال کردم که در بیرون حرم مرتکب گناه و جنایتی شده و سپس داخل در حرم می گردد. آیا در این صورت بر وی حد جاری می شود؟ امام فرمود: خیر، اما نباید به وی غذا و آب داد و همچنین با او سخن گفت و داد و ستد کرد. زمانی که با وی بدین گونه رفتار کنند، امید است که از حرم بیرون آید و حد بر وی جاری شود. در صورتی که در خود حرم جنایتی را مرتکب شود، در داخل حرم

1- . عیون الأخبار1: 285
2- . قرب الاسناد: 159 با قدری اختلاف
3- . الخصال 2: 421
4- . الخصال 2: 406

بر وی حد جاری خواهد شد؛ زیرا که چنین فردی حق و حرمتی برای حرم قائل نشده است. (1)

10. تفسیر علی بن ابراهیم: نیز همین حدیث را به شکل فوق نقل کرده است.(2)

مؤلف: برخی از اخبار در باب شکار بیان خواهد شد.

11. فقه الرضا علیه السلام: اگر از کسی حقی طلب داری و وی را در مکه یافتی، حق خویش را از وی طلب مکن و بر او سلام مکن، چرا که در این صورت وی را می ترسانی، مگر این که حق خویش را در حرم به وی داده باشی که در این صورت ایرادی بر تو وارد نیست که آن را در حرم بخواهی.(3)

12. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم نقل کرده است که از امام باقر علیه السلام درباره این گفته باری تعالی که فرموده: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً»(4)، {هر

که در آن وارد شود، در امان خواهد بود. } پرسیدم. امام در پاسخ فرمود: هر هراسناکی در آن، در امان خواهد بود؛ البته تا زمانی که حدی از حدود خداوند که باید اجرا شود، بر عهده او نباشد. به امام گفتم: آیا کسی که با خدا وپیامبرش بجنگد و در زمین فساد کند نیز در آن ایمن است؟ ایشان فرمود: وی همچون شخصی است که در راه کمین کند یا این که گوسفند یا چیز دیگری را بدزدد. در این صورت امام هرطور که بخواهد با وی رفتار میکند. از امام درباره شخص خائنی که داخل حرم می شود پرسیدم؟ امام فرمود: وی را نگیرند و به او دست نزنند؛ چرا که خداوند می فرماید: {هر که در آن وارد شود، در امان خواهد بود. }(5)

1- . علل الشرائع:444
2- . تفسیر علی بن ابراهیم: 98
3- . فقه الرضا علیه السلام: 33
4- . آل عمران / 97
5- . تفسیر العیاشی 1: 188 ، آل عمران / 97

13. تفسیر العیاشی: عبدالله بن سنان نقل کرده است که از امام صادق درباره این گفته خداوند که می فرماید: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً»(1) {هر

که در آن وارد شود، در امان خواهد بود.}پرسیدم که آیا منظور خداوند کعبه است یا حرم؟ ایشان فرمود: هر کسی از مردم به صورت پناهنده داخل در حرم گردد، در امان است. هر فردی از مؤمنان به داخل کعبه پناهنده شود، پس او از غضب خدا در امان است و هر حیوان وحشی اعم از درنده و پرنده ای که داخل حرم شود، از این که به وی حمله کنند یا آن که آن را آزار دهند در امان خواهد بود تا این که از حرم بیرون آید.(2)

14. تفسیر العیاشی: مثنی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً»(3) {هر

که در آن وارد شود، در امان خواهد بود}پرسیدم. امام در پاسخ فرمود: اگر سارقی در خارج از حرم دزدی کند و سپس وارد حرم شود، شایسته نیست که کسی وی را دستگیر کند، اما بایستی وی را از رفتن به بازار منع کرده و با وی داد و ستدی انجام ندهند و یا سخنی نگویند؛ پس زمانی که این چنین با وی رفتار کنند، امید است که از حرم بیرون آید و او را دستگیر کنند وسپس بر وی حد جاری سازند. اما در صورتی که در حرم مرتکب جنایتی شود، در همان جا بر وی حد جاری می شود؛ زیرا فردی که در حرم مرتکب جنایتی شود، در همان جا بر وی حد جاری خواهد شد.(4)

15. تفسیر العیاشی: از امام صادق درباره سخن باری تعالی که فرموده: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً»(5) {هر که در آن وارد شود، در امان خواهد بود.} سؤال کردند. ایشان در پاسخ فرمود: اگر بنده ای در بیرون از حرم مرتکب جنایتی شود و سپس به سمت

1- . آل عمران / 97
2- . تفسیر العیاشی 1: 189
3- . آل عمران / 97
4- . تفسیر العیاشی 1: 189
5- . آل عمران / 97

حرم فرار کند، شایسته نیست که وی را دستگیر کنند؛ بلکه باید او را از بازار رفتن و داد و ستد وخوراک و آشامیدنی منع کنند و با او حرف نزنند. زمانی که با وی این چنین کنند، امید است که از حرم بیرون آید و دستگیر شود. درصورتی که در حرم مرتکب جنایتی شود، در همان جا دستگیر خواهد شد.(1)

ص: 107

1- . تفسیر العیاشی 1: 126

باب هشتم : فضیلت مکه، نامها و علت آن و ذکر پاره ای از مواطن آن و حکم اقامت در آن و حکم خانههای آن

آیات:

- وَ إِذْ قالَ إِبْراهِیمُ رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ قالَ وَ مَنْ کَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِیلاً ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلی عَذابِ النَّارِ وَ بِئْسَ الْمَصِیر(1)

{وچون ابراهیم گفت: پروردگارا، این سرزمین را شهری امن گردان و مردمش را - هرکس از آنان که به خدا و روز واپسین ایمان بیاورد - از فراورده ها روزی بخش، فرمود: ولی هر کس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می کنم، سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش دوزخ می کشانم و چه بد سرانجامی است. }

- وَ صَدٌّ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ وَ کُفْرٌ بِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ إِخْراجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَکْبَرُ عِنْدَ اللَّه (2)

{بازداشتن در آن از راه خدا و کفر ورزیدن به او، بازداشتن از مسجد الحرام [حج] وبیرون راندن اهل از آنجا، نزد خدا گناهی بزرگتر است. }

- وَ ما لَهُمْ أَلَّا یُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَ هُمْ یَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ ما کانُوا أَوْلِیاءَهُ إِنْ أَوْلِیاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُون (3)

ص: 108

1- . بقره / 126
2- . بقره / 217
3- . انفال / 34

{چرا خداوند در آخرت عذابشان نکند،با این که آنان مردم را از زیارت مسجد الحرام بازمی دارند در حالی که ایشان سرپرست آن نباشند و سرپرست آن نیستند مگر متقین. }

- وَ إِذْ قالَ إِبْراهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِناً {إلى قوله} رَبَّنا إِنِّى أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِى بِوادٍ غَيْرِ ذِى زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِيُقِيمُوا الصَّلاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِى إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُون (1)

{ویاد کن هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا این شهر را ایمن گردان.... پروردگارا من یکی از فرزندانم را در دره ای بی کشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. پروردگارا تا نماز را به پا دارند، پس دلهای برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات مورد نیازشان روزی ده، باشد که سپاسگزاری کنند. }

- إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ الَّذِى جَعَلْناهُ لِلنَّاسِ سَواءً الْعاكِفُ فِيهِ وَ الْبادِ وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذابٍ أَلِيم (2)

{بی گمان کسانی که کافر شدند و از راه خدا و مسجد الحرام - که آن را برای مردم اعم از مقیم در آنجا و بادیه نشین، یکسان قرار داده ایم - جلوگیری می کنند، ونیز هر که بخواهد در آن جا به ستم از حق منحرف شود، او را از عذابی دردناک می چشانیم. }

- إِنَّما أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هذِهِ الْبَلْدَهِ الَّذِى حَرَّمَها(3)

{من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را که آن را مقدس شمرده، پرستش کنم. }

- أَ وَ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَماً آمِناً يُجْبى إِلَيْهِ ثَمَراتُ كُلِّ شَىْ ءٍ رِزْقاً مِنْ لَدُنَّا وَ لكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُون (4)

ص: 109

1- . ابراهیم / 35 و 37
2- . حج / 25
3- . نمل / 91

4- . قصص / 57

{آیا آنان را درحرمی امن جای ندادیم که محصولات هر چیزی - که رزقی از جانب ماست - به سوی آن سرازیر می شود؟ ولی بیشترشان نمی دانند.}

- أَ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنا حَرَماً آمِناً وَ يُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَ فَبِالْباطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَهِ اللَّهِ يَكْفُرُون (1)

{آیا ندیده اند که ما برای آنان حرمی امن قرار دادیم و حال آن که مردم از حوالی آنان ربوده می شوند؟آیا به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟}

- لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرى وَ مَنْ حَوْلَها(2)

{تا مردم مکه و کسانی را که پیرامون آنند، هشدار دهی.}

- لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَد(3)

{سوگند به این شهر، و حال آن که تو در این شهر جای داری.}

- وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِين (4)

{واین شهر امن و امان.}

روایات:

1. تفسیر علی بن ابراهیم: مکه را از این رو ام القری نامیده اند که آن اولین مکانی است که خداوند بر روی زمین خلق کرده است. چنان که می فرماید: « إِنَّ أَوَّلَ

1- . عنکبوت / 67
2- . حمعسق / 7
3- . بلد / 1-2
4- . تین / 3

بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبارَکا»(1) {خانه ای

که برای عبادت مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک، و برای جهانیان مایه هدایت است. }(2)

2. الخصال: امام موسی بن جعفر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند چهار شهر را از میان تمامی شهرها برگزیده است:«وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ وَ طُورِ سِینِینَ وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ» {سوگند به انجیر وزیتون وطور سینا و این شهر امن و امان. } و منظور از تین، مدینه و زیتون، بیت المقدس وطور سینین، کوفه و شهر امان، همان مکه است.(3)

3. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم چرا مکه را بکه نامیده اند؟ در پاسخ فرمود: زیرا مردم توسط دستهایشان همدیگر را هل می دادند - یعنی یکدیگر را می راندند - و این امر تنها در مسجدیکه پیرامون کعبه است اتفاق می افتد.(4)

4. تفسیر العیاشی: از آنجا که مردم توسط دستهایشان یکدیگر را هل می دهند، و این امر جز در مسجد پیرامون کعبه نیست.(5)

5. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: نامهای مکه پنج تاست که عبارتند از: ام القری، مکه، بکه و بساسه. از این رو مکه را بساسه (هلا ک کننده) نامیده اند، چون مردم در آن ستم می کردند، آنان را هلاک میکرد، یعنی بیرون می کرد و از بین می برد. و ام رحم نامیده اند، زیرا زمانی که مردم در آن معتکف می شدند، مورد رحمت باری تعالی قرار می گرفتند.(6)

1- . آل عمران / 96
2- . تفسیر علی بن ابراهیم: 515
3- . الخصال 1: 181
4- . قرب الاسناد: 104
5- . تفسیر العیاشی 1: 187
6- 2. الخصال 1: 226

6. عیون أخبار الرضا، علل الشرائع: امام رضا علیه السلام فرمود: مکه را از این رو مکه نامیده اند که مردم در آن سوت می زدند. و کسی را که قصد مکه می کرد، می گفتند: «قد مکا» و این همان سخن باری تعالی است که فرموده: «و ما کان صلاتهم عند البیت الا مکاء و تصدیه»(1)، {نمازشان

در خانه خدا جز سوت کشیدن و کف زدن نبود.} پس مکاء به معنای سوت زدن و تصدیه کف زدن می باشد.(2)

7. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: مکه را از این رو بکه نامیده اند که مردم در آن به حالت گریه درمیآیند.(3)

8. علل الشرائع: ابن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا مکه را بکه نامیده اند؟ امام در پاسخ فرمود: زیرا که مردم در مکه و اطراف آن گریه می کنند.(4)

9. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: محل کعبه، بکه و قریه، مکه است.(5)

10. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: بکه، جایگاه کعبه و مکه، حرم است و این همان سخن خداوند است که فرمود: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِنا» {هر کس در آن وارد شود ایمن است.}(6)

11. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام فرمود: بکه جایگاه کعبه و مکه تمام مکانی است که حرم آن را در بر گرفته است.(7)

1- . انفال / 35
2- . علل الشرائع: 397، عیون أخبار الرضا علیه السلام 2: 90
3- . علل الشرائع: 397
4- . علل الشرائع :397
5- . علل الشرائع: 397
6- . تفسیر العیاشی: 1: 187 آل عمران / 96
7- . تفسیر العیاشی 1: 187

12. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: مکه تمامی آبادی است و بکه، جایگاه سنگی است که مردم به یکدیگر فشار می آورند.(1)

13. علل الشرائع: امام باقر علیه السلام فرمود: مکه را از این رو بکه نامیده اند که مردان و زنان یکدیگر راهل میدهند. و زنان در جلو و دست راست و چپت و همراه با تو نماز می خوانند، و این امر در مکه ایرادی ندارد، اما در مکانهای دیگر کراهت دارد.(2)

14. علل الشرائع: حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدم که چرا مکه را بکه نامیده اند؟ امام در پاسخ فرمود: زیرا مردم یکدیگر را با دست هل میدهند.(3)

15. المحاسن: این حدیث را نقل کرده است.(4)

16. تفسیر العیاشی: حدیث فوق را نقل کرده است.(5)

17. عیون اخبار الرضا، علل الشرائع: مردی از اهالی شام از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید: چرا مکه را ام القری نامیده اند؟ امام فرمود: زیرا زمین از زیر آن گسترده شده است.(6)

18. علل الشرائع: حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام درباره «طائف» فرمودند: آیا می دانی برای چه طائف را طائف نامیده اند؟ راوی میگوید: عرض کردم: خیر. فرمود: حضرت ابراهیم علیه السلام به درگاه پروردگارش نالید و دعا کرد که حق جلّ و علا از تمام میوه ها به خانواده او روزی کند. پس خدای متعال قطعه زمینی را از اردن جدا کرد و آن زمین جلو آمد تا به بیت رسید و دور آن، هفت بار

1- . تفسیر العیاشی 1: 187
2- . علل الشرائع: 397
3- . علل الشرائع: 398
4- . المحاسن: 337
5- . تفسیر العیاشی 1: 187
6- . عیون الأخبار1: 241، علل الشرائع: 593

طواف کرد، سپس حق تعالی آن را در جایش مستقرّ کرد و از این جهت که دور بیت طواف کرده، به آن طائف گفته شد.(1)

19. قرب الإسناد: حدیث فوق را از امام رضا علیه السلام نقل کرده است. (2)

20. المحاسن: همین حدیث را به شکل فوق نقل کرده است.(3)

21. تفسیر العیاشی: مانند این حدیث را نقل کرده است.(4)

22. علل الشرائع: احمد بن محمّد از امام رضا علیه السلام نقل کرده که آن حضرت پرسید: آیا می دانی چرا طائف را طائف نام نهاده اند؟ عرض کردم: خیر. فرمود: برای این که وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام خدا را خواند که از تمام میوه ها به خانوادهاش روزی کند، حق تعالی به قطعه ای از اراضی اردن فرمان داد و آن زمین با میوه هایش حرکت کرد تا به بیت رسید. پس دور بیت طواف نمود. آنگاه باری تعالی به آنها امر فرمود، به همین مکان فعلی که موسوم به طائف است، برود و به جهت طوافی که پیرامون بیت نموده، به آن طائف گفتند.(5)

23. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: ابطح را از این رو ابطح نامیده اند که حضرت آدم علیه السلام مأمور شد که خود را در قسمت پست وادی جمع (مشعر)، به روی زمین افکند، ایشان این چنین کرد تا صبح طلوع کرد. پس از آن، به وی امر گردید بالای کوه جُمع رود. آنگاه مأمور شد بعد از طلوع آفتاب به گناهش اعتراف کند. پس آدم چنین کرد. در این هنگام حق تعالی از آسمان آتشی فرستاد و آن آتش قربانی او را گرفت. (6)

ص: 114

1- .علل الشرائع: 442
2- . قرب الاسناد: 104
3- . المحاسن: 340
4- . تفسیر العیاشی 1: 60
5- . علل الشرائع: 442
6- . علل الشرائع: 444

24. علل الشرائع: ابو صباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این فرموده خداوند متعال که می فرماید: «وَ مَنْ یُرِدْ فِیهِ بِإِلْحادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذابٍ أَلِیم»(1) {هرکه

بخواهد در آن جا به ستم از حق منحرف شود، او را از عذابی دردناک می چشانیم.} پرسیدم. امام در پاسخ فرمود: هر نوع ظلمی که شخص در مکه به خودش بکند، اعم از دزدی، ظلم به دیگری، یا هر نوع از انواع دیگر ظلم مرتکب شود، من آن را الحاد می دانم. از این رو وی باید از سکونت در حرم نهی گردد.(2)

25. علل الشرائع: گروهی از اصحاب این حدیث را به امام صادق علیه السلام نسبت داده اند که ایشان از اقامت در مکه کراهت داشت، بدین علت که رسول خدا را از آنجا بیرون راندند. فردی که در مکه اقامت کند، سنگدل می شود به طوری که هر کاری در جای دیگر میکند، در مکه نیز انجام میدهد.(3)

26. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که یکی از شما اعمال خویش را در مکه به انجام رسانید، سوار بر مرکب خویش گردد و نزد خانواده خود باز گردد، چرا که اقامت در مکه سبب سنگدلی می شود.(4)

27. علل الشرائع: امام باقر علیه السلام فرمود: شایسته نیست که انسان یک سال در مکه اقامت کند. به امام گفتم: پس چه کند؟ امام فرمود: به جای دیگری رود. هیچ کس حق ندارد که ساختمانی بالاتر و بلندتر از کعبه بنا نهد.(5)

28. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام از پدرشان نقل کردند که امام علی علیه السلام از اجاره کردن خانه های مکه کراهت داشتند. سپس آیه « سَواءً الْعاکِفُ

1- . حج / 25
2- . علل الشرائع: 345
3- . علل الشرائع: 446

4- .علل الشرائع: 446
5- . علل الشرائع: 446

فِیهِ وَ الْباد»(1) {کعبه را برای مردم اعم از مقیم در آن جا و بادیه نشین یکسان قرار دادیم. } را تلاوت کردند.(2)

29. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام به نقل از پدرشان فرمود که ایشان از امام علی علیه السلام نقل کرده اند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اهالی مکه را نهی می کرد از این که خانه های خویش را اجاره دهند یا این که بر درهای آن قفل نهند و این آیه را تلاوت کرد: «سَواءً الْعاکِفُ فِیهِ وَ الْباد»(3)

{کعبه را برای مردم، اعم از مقیم در آن جا و بادیه نشین، یکسان قرار دادیم }. سپس فرمود: این کار را اشخاصی همچون ابوبکر، معاویه، عمر، عثمان و علی علیه السلام تا زمان معاویه انجام دادند.(4)

30. تفسیر علی بن ابراهیم: «إن الذین کفروا و یصدون عن سبیل الله و المسجد الحرام الذی جعلناه للناس سواء العاکف فیه و الباد»(5)، {بی

گمان کسانی که کافر شدند و از راه خدا و مسجد الحرام که آن را برای مردم، اعم از مقیم در آن جا و بادیه نشین یکسان قرار داده ایم جلوگیری می کنند. } گفت: زمانی که

قریش مانع ورود رسول خدا به مکه شدند، این آیه نازل شد: «سَواءً الْعاکِفُ فِیهِ وَ الْباد» {آن را برای مردم، اعم از مقیم در آن جا و بادیه نشین یکسان قرار داده ایم. } و ایشان فرمود: این امر برای اهالی مکه و شهرهای دیگر یکسان است، و نباید از ورود آنان به حرم ممانعت کرد.(6)

31. علل الشرائع: حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این فرموده خداوند: «سَواءً الْعاکِفُ فِیهِ وَ الْباد»(7) {آن

را برای مردم، اعم از مقیم در آن جا و بادیه

1- . حج / 25
2- . قرب الاسناد: 65
3- . حج / 25
4- . قرب الاسناد: 52

5- . حج / 25
6- . تفسير على بن ابراهيم: 439
7- . حج / 25

نشین یکسان قرار داده ایم.}سؤال کردم. امام فرمود: سزاوار نیست که برای خانههای مکه در ساخته شود، زیرا حج گزاران بایستی در حیات خانه ها فرود آیند تا اعمال خویش را انجام دهند. اولین کسی که برای خانه های مکه در قرار داد، معاویه بود.(1)

32. علل الشرائع: امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: امام علی علیه السلام پس از این که از مکه هجرت کرد، دیگر هرگز در آن نخوابید تا این که خداوند عزو جل جان وی را گرفت. راوی گوید: به چه علت؟ امام فرمود: به سبب این که از خوابیدن در جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن هجرت کرده بود، کراهت داشت. نماز عصر خویش را در آن می خواند و سپس از مکه خارج می شد و در جای دیگری می خوابید.(2)

33. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: ذکر سبحان الله در مکه، معادل مالیات دو عراق است که در راه خدا انفاق شود.(3)

34. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: سجده کننده در مکه همچون کسی است که در راه خدا در خون خود غلطیده است.(4)

35. المحاسن: از امام صادق نقل کرده اند که امام سجاد علیه السلام فرمود: شخص خوابیده در مکه، همچون کسی است که در سرزمینهای دیگر در خون خود بغلطد.(5)

36. المحاسن: امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس قرآن را در مکه ختم کند، از دنیا نمی رود، مگر این که قبل از مرگش رسول خدا و جایگاه خویش را در بهشت ببیند.(6)

1- . علل الشرائع: 396
2- . علل الشرائع: 396
3- . المحاسن: 68
4- . المحاسن: 68
5- .المحاسن: 68
6- . المحاسن:: 69

37. ثواب الأعمال: امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که در مکه از یک جمعه تا جمعه دیگر یا کمتر یا بیشتر از این قرآن را ختم نماید و در روز جمعه قرائت قرآن را به پایان برساند، خداوند تمام پاداشها و حسناتی را که از اولین جمعه دنیا تا آخرین جمعه آن هست،برای او خواهد نوشت. و اگر درروز دیگر غیر جمعه قرائت قرآن را به پایان برساند، باز هم همین طور است.(1)

38. قصص الأنبیاء: امام صادق فرمود: نهصد پیامبر در مکه نماز خواندند.

39. کامل الزیارات: شخصی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: هر چه داشتم تبدیل به طلا و نقره کردم و بقیه چیزهایم را فروختم و با خود گفتم در مکه ساکن شوم. امام فرمود: این کار را نکن، زیرا اهالی مکه آشکارا به خداوند کفر می ورزند. آن مرد گفت: در حرم رسول خداصلی الله علیه و آله چطور؟ امام فرمود: اهالی آنجا از مکه بدترند. آن مرد گفت: پس کجا روم؟ امام فرمود: بر تو باد عراق و کوفه، زیرا که برکت از آن نشات گرفته وتا دوازده میلی آن می باشد،- این گونه و این گونه - یعنی از هر چهار طرف، و در کنار آن قبری است که هرگز شخص غمدیده و ستمدیده ای نزد آن نرفته، مگر این که خداوند غم و اندوه هایش را از وی زدوده است.(2)

40. المحاسن: معاویه بن عمار گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: میایستم و نماز میخوانم در حالی که زنی یا رهگذری رو بروی من نشسته؟ فرمود: اشکالی ندارد، بکّه نامیده شده است، چون در آن، مردان و زنان یکدیگر را هل میدهند.(3)

41. تفسیر العیاشی: ابو جعفرمنصور خلیفه عباسی خواست که تعدادی از خانه های اهالی مکه را بخرد تا به مسجد الحرام بیفزاید، اما مردم از فروختن خانه هایشان امتناع کردند. منصور آنان را تشویق کرد اما مردم باز هم خودداری

1- . ثواب الأعمال: 90
2- . کامل الزیارات: 169
3- . المحاسن: 337[3]

کردند. وی از این امر سخت دلتنگ شد. نزد امام صادق علیه السلام آمد و خطاب به امام گفت: من از اهالی مکه درخواست کردم تا خانه ها و آستانه هایشان را بفروشند تا به مسجد الحرام بیفزاییم، اما مردم ندادند و بدین سبب غم و اندوه بسیاری بر من چیره شد. امام فرمود: چرا این موضوع تو را ناراحت می سازد، در حالی که حجت تو بر آنان آشکار است. وی به امام گفت: برای آنان چه دلیلی بیاورم؟ امام فرمود: کتاب خدا. وی گفت: در کجای قرآن؟ امام فرمود: همین گفته خداوند که فرموده: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبارَكا»(1) {در

حقیقت نخستین خانه ای که برای عبادت مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک. } خداوند در این آیه خبر داده است که نخستین خانه همان است که در مکه بوده است. از این رو اگر آنان قبل از کعبه در آن جا مالکیت خانه هایشان را داشته اند، بنابراین آستانه ها متعلق به آنان است؛ و در صورتی که خانه خدا پیش از آنان بوده است، بنابراین آستانه کعبه متعلق به کعبه است. سپس منصور مردم مکه را فراخواند و با این دلیل بر آنان استدلال کرد. مردم به وی گفتند: هر کاری دوست داری انجام بده.(2)

42. تفسیر العیاشی: زمانی که مهدی پادشاه عباسی مسجد الحرام را گسترش داد، در گوشه مسجد خانه ای باقی ماند. از صاحبانش درخواست کرد که آن خانه را به وی دهند، اما آنان خودداری کردند. مهدی در این باره نظر فقها را جویا شد. تمامی فقها گفتند: هرگز سزوار نیست که چیزی را به غصب جزو مسجد الحرام کنند. علی بن یقطین به مهدی عباسی گفت: ای امیر مؤمنان ! اگر به موسی بن جعفر در این خصوص نامه ای بنویسی، راه چاره را به تو باز خواهد گفت. مهدی عباسی به والی مدینه نامه ای نوشت که از امام کاظم علیه السلام در این باره سؤال کند که اگر ما بخواهیم خانه ای را جزو مسجدالحرام کنیم اما صاحبش آن را ندهد، چه باید کرد؟ والی این موضوع را به امام کاظم علیه السلام گفت. امام فرمود: آیا باید حتما جواب

1- . آل عمران / 96
2- . تفسیر العیاشی 1: 185

دهم. گفت: آری چاره ای نیست. امام فرمود: بنویس: بسم الله الرحمن الرحیم، اگر کعبه بر مردم وارد شده است، پس بدون شک آنان نسبت به آستانه های خود سزاوارترند و اگر مردم بر آستانه کعبه فرود آمدهاند، کعبه به آستانه خود سزاوارتر است. زمانی که نامه به دست مهدی عباسی رسید، وی نامه را گرفت و بوسید و سپس دستور به ویرانی آن خانه داد. سپس صاحبان آن خانه نزد امام کاظم علیه السلام رفتند و از امام درخواست کردند تا نامه ای به مهدی بنویسد که قیمت خانه هایشان را بپردازد. امام در نامه ای به مهدی نوشت: به صاحبان آن خانه چیزی بدهد. مهدی نیز رضایت آنان را جلب کرد.(1)

43. تفسیر العیاشی: امام سجاد علیه السلام درباره این گفته ابراهیم که دعا کرد: «رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّه»(2) {پروردگارا !

این سرزمین را شهری امن گردان و مردمش را هر کس از آنان که به خدا و روز واپسین ایمان بیاورد، از فرآورده ها روزی بخش. } فرمود: حضرت ابراهیم علیه السلام ما و پیروان و دوستداران وصی خود را قصد کرده است. و در مورد این سخن خداوند که فرمود: «قالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلاً ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلى عَذابِ النَّارِ وَ بِئْسَ الْمَصِير»(3) {هر

کس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می کنم، سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش دوزخ می کشانم و چه بد سرانجامی است. } امام فرمود: مقصود خداوند کسانی از امت بود که وصیّ او را انکار کردند و از او پیروی نکردند و به خدا، این آیه اینگونه فرموده است.(4)

44. کتاب حسین بن سعید و نوادر: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به مدت یک سال در مکه اقامت کند، همچون اهل آن به حساب می آید.

45.مؤلف: در کتاب ارشاد القلوب و مشارق الانوار در حدیثی طولانی روایت شده است: در میان سؤالاتی که از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیده شد، یکی

1- . تفسير العياشى 1: 185
2- . بقره / 126
3- . بقره / 126
4- . تفسير العياشى 1: 59

این بود: جایگاه بکه نسبت به مکه کجاست؟ امام در پاسخ فرمود: مکه، اطراف حرم و بکه،محل کعبه است. آن شخص پرسید: چرا آن را مکه نامیده اند؟ امام فرمود: زیرا خداوند سبحان زمین را از زیر مکه گسترانیده است. آن مرد پرسید: چرا آن را بکه نام نهاده اند؟ امام فرمود: زیرا چشم ستمکاران و گناهکاران را گریانده است. آن شخص گفت: راست گفتی.(1)

در ارشاد القلوب آمده: زیرا گردن ستمکاران و گنهکاران را فشرده است. (2)

46. مجالس شیخ: امام صادق علیه السلام فرمود: مکه حرم ابراهیم علیه السلام، مدینه حرم محمد صلی الله علیه و آله و کوفه حرم علی بن ابی طالب علیه السلام است. علی علیه السلام از کوفه، آن چه را که ابراهیم از مکه و محمد از مدینه حرام ساختند، حرام کرده است.(3)

47. دعوات راوندی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در مکه به مدت یک روز بیمار شود، خداوند برایش به میزان شصت سال عبادت، عمل نیک می نویسد؛ و هر کس به میزان یک ساعت گرمای مکه را تحمل کند، به مقدار مسافت صد سال، آتش از وی دور می شود و بهشت به اندازه صد سال به او نزدیک می گردد.

48. عده الداعی: امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که در مکه از یک جمعه تا جمعه دیگر یا کمتر یا بیشتر از این مدت، قرآن را ختم نماید و در روز جمعه قرائت قرآن را ختم کند، خداوند تمام پاداشها و حسناتی را که از اولین جمعه دنیا تا آخرین جمعه آن هست برای او خواهد نوشت. و اگر در روزی غیر از جمعه قرائت قرآن را به پایان برساند، باز هم همین طور است. (4)

1- . مشارق انوار الیقین: 101
2- . ارشاد القلوب 2: 175
3- . مجالس شیخ طوسی 2: 284
4- . عده الداعی: 213

باب نهم : انواع حج، بیان واجبات و شرائط کلی آن

آیات:

- فَإِذا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَهِ إِلَی الْحَجِّ فَمَا اسْتَیْسَرَ مِنَ الْهَدْیِ فَمَنْ لَمْ یَجِدْ فَصِیامُ ثَلاثَهِ أَیَّام فِی الْحَجِّ وَ سَبْعَهٍ إِذا رَجَعْتُمْ تِلْکَ عَشَرَهٌ کامِلَهٌ ذلِکَ لِمَنْ لَمْ یَکُنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ اتَّقُوا اللّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ شَدِیدُ الْعِقاب (1)

{و چون

ایمنی یافتید، پس هر کس از اعمال عمره به حج پرداخت، باید آنچه از قربانی میسر

است قربانی کند و آن کس کهقربانی نیافت، باید در هنگام حج سه روز روزه بدارد و

چون برگشتید، هفت روز دیگر روزه بدارید؛ این ده روزتمام است. این حج تمتعبرای

کسی است که اهل مسجد الحرام (مکه) نباشد و از خدا بترسید و بدانید که خدا

سخت کیفر است. }

روایات:

1. تفسیر العیاشی: زراره گوید: از امام صادق علیه السلام درباره

این گفته خداوند که فرمود: «ذلِکَ لِمَنْ لَمْ یَکُنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ

الْحَرام» (2) {این حج

تمتع برای کسی است که اهل مسجد الحرام نباشد. }سؤال کردم. امام در پاسخ فرمود:

منظور اهالی مکه هستند که حج تمتع و عمره بر عهده آنان نیست. به امام گفتم: حد

و اندازه آن چقدر است؟ امام فرمود: 48 میل از نواحی مکه تا قبل از عسفان و ذات

عرق. هر کس ساکن این محدوده باشد، حاضر مسجدالحرام محسوب میشود.(3)

ص: 122

1- . بقره / 196
2- . بقره / 196
3- . تفسیر العیاشی 1: 93

{و

چون ایمنی یافتید، پس هر کس از اعمال عمره به حج پرداخت، باید آنچه از قربانی

میسر است قربانی کند و آن کس کهقربانی نیافت، باید در هنگام حج سه روز روزه

بدارد و چون برگشتید، هفت روز دیگر روزه بدارید؛ این ده روزتمام است. این حج

تمتعبرای کسی است که اهل مسجد الحرام (مکه) نباشد و از خدا بترسید و بدانید که

خدا سخت کیفر است. }

روايات:

1. تفسیر العیاشی: زراره گوید: از امام صادق علیه السلام درباره

این گفته خداوند که فرمود: «ذلِکَ لِمَنْ لَمْ یَکُنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ

الْحَرام»(1) {این حج

تمتع برای کسی است که اهل مسجد الحرام نباشد. }سؤال کردم. امام در پاسخ فرمود:

منظور اهالی مکه هستند که حج تمتع و عمره بر عهده آنان نیست. به امام گفتم: حد

و اندازه آن چقدر است؟ امام فرمود: 48 میل از نواحی مکه تا قبل از عسفان و ذات

عرق. هر کس ساکن این محدوده باشد، حاضر مسجدالحرام محسوب میشود.(2)

2. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند «حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرام»(3) {حاضر مسجد الحرام} فرمود: منظور کسانی است که بعد از میقاتها به طرف مکه، ساکنند و ازاهالی مسجد الحرام محسوب می شوند و حج تمتع بر عهده آنان نیست.(4)

3. تفسیر العیاشی: علی بن جعفر نقل از برادرش موسی علیه السلام نقل کرده است که از وی سؤال کردم:آیا اهل مکه می توانند از عمره تا حج، حج تمتع به جا آورند؟ امام در پاسخ فرمود: برای اهل مکه هرگز شایسته نیست که بین عمره و حج، تمتع به جا آورند و این همان معنای سخن باری تعالی است که فرمود: «ذلِکَ لِمَنْ لَمْ یَکُنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرام»(5) {این حج تمتع برای کسی است که اهل مسجد الحرام نباشد.}(6)

4. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: بر اهالی سرف(7) و مر(8) و همچنین اهالی مکه تمتع واجب نیست. چنان که خداوند فرموده است: «ذلِکَ لِمَنْ لَمْ یَکُنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرام»(9) {این برای کسی است که اهل مسجد الحرام نباشد}.

دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: حج بر سه نوع است: حج افراد و عمره مفرده که هر یک را که حج گزار بخواهد، جلوتر انجام می دهد. حج و عمره

1- . بقره / 196
2- . تفسیر العیاشی 1: 93
3- . بقره / 196
4- . تفسیر العیاشی 1: 94
5- . بقره / 196
6- . تفسیر العیاشی 1: 94
7- . مکانی است که برخی فاصله آن را تا مکه 6 میل و برخی تا دوازده میل دانسته اند.
8- . مُر: مکانی است که تا مکه پنج میل فاصله دارد.
9- . بقره / 196

قران که جدایی میان آن دو نیست. و این برای کسی است که قربانی آورده و داخل مکه شود و عمره به جا آورد و بر حالت احرام خویش باقی بماند تا از مکه برای حج خارج شود و حج گزارد. و سوم، حج تمتع که پس از عمره تا محرم شدن برای حج از لذتها بهرهمند میشود و این برترین نوع حج است و تنها برای کسی میسراست که با خودش حیوانی برای قربانی داشته باشد. به دلیل گفته باری تعالی که فرمود: «وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَکُمْ حَتَّی یَبْلُغَ الْهَدْیُ مَحِلَّه»(1) {تا قربانی به قربانگاه نرسیده، سرهای خود را متراشید}. کسی که حج تمتع به جا می آورد، در حالی که محرم است، به مکه وارد می شود، به گرد کعبه طواف کرده و میان صفا و مروه سعی می کند. وقتی این کار را انجام دهد، مقداری از موها و ناخن خویش را زدوده و از آن برای حج خویش باقی می گزارد و از احرام بیرون آمده و بار دیگر جهت گزاردن حج در مکه محرم می شود. سپس همچنان که باری تعالی فرموده، هر آنچه برایش از قربانی میسر شد، قربانی می کند.(2)

5. الهدایه: حج گزاران سه دستهاند: قارن، کسی که حج افراد گزارده، و کسی که از عمره تمتع وارد حج شود؛ و انجام عمره تمتع تا حج، برای اهل مکه و کسانی که مقیم آنند جایز نیست، و تنها حج افراد و قران برای آنان مجاز است، چنان که خداوند فرمود: «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَهِ إِلَی الْحَجِّ فَمَا اسْتَیْسَرَ مِنَ الْهَدْی»(3) {و اگربه علت موانعی بازداشته شدید(کسی که با تمتع بعد از عمره وارد حج شد)، آنچه از قربانی میسر است قربانی کنید.} و در ادامه فرمود: «ذلِکَ لِمَنْ لَمْ یَکُنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرام»(4) {این حج تمتع برای کسی است که اهل مسجد الحرام نباشد.} که منظور از {حاضری المسجد الحرام}اهالی مکه و کسانی هستند که 48 میل با مکه فاصله

1- . بقره / 196
2- . دعائم الاسلام 1: 291
3- . بقره / 196
4- . بقره / 196

دارند. کسانی که خارج از حد و مسافت فوق باشند، تنها حج تمتع را به جا آورند و خداوند غیر آن را قبول نمی کند.

پس زمانی که خواستی [از منزلت] خارج شوی، در ماه ذی قعده و ده روز گذشته از ماه ذی حجه، مویت را بلند کن و خانواده ات را به گرد خود جمع کن، دو رکعت نماز به جا آور، دستانت را بلند کن، خداوند را بسیار تمجید کن، بر محمد و خاندان وی درود فرست و بگو: پروردگارا! من امروز خود، دین،خانواده، مال و فرزندان خویش و تمامی خویشاوندان از شاهدان تا غائبان، و تمامی آنچه را بر من بخشیده ای، همه را به رسم ودیعه به تو می سپارم. زمانی که از منزل خود خارج شدی بگو: بسم الله الرحمن الرحیم، لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. زمانی که پاهایت را در رکاب مرکبت قرار دادی بگو: بسم الله و الله اکبر. زمانی که بر مرکبت قرار گرفتی و بر آن مستقر شدی، بگو: سپاس خدایی را که ما را به اسلام هدایت کرد و قرآن را به ما آموخت و با فرستادن محمد صلی الله علیه و آله برما منت نهاد. سپاس خدایی که این را برای ما مسخر نمود، در غیر این صورت ما هرگز بدان نزدیک نمی شدیم. قطعا ما به سوی پروردگار خویش باز می گردیم، سپاس خداوند را که خالق جهانیان است.(1)

6. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چهار روز مانده از ماه ذی قعده، زمانی که حجه الوداع را به جا آورد، از مدینه بیرون رفت تا این که به مسجد شجره رسید. پس در آنجا نماز خواند. سپس مرکب خویش را به حرکت در آورد تا آن که به بیداء رسید. سپس از آنجا لباس احرام پوشید و برای حج آماده شد. صد شتر فربه را همراه خود آورد و تمام مردم جهت انجام حج، لباس احرام به تن کردند در حالی که قصد عمره نداشتند و نمیدانستند تمتع چیست. تا این که رسول خدا داخل مکه شد، به گرد کعبه طواف کرد و مردم

1- . الهدایه:54

نیز همراه با ایشان طواف کردند. سپس پیامبر دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم خواند و بر حجر الاسود دست کشید. سپس به کنار چشمه زمزم رفت و از آن آب نوشید و فرمود: اگر بر امتم سخت نمی آمد، از آن به اندازه یک یا دو دلو آب میکشیدم. سپس فرمود: از همان جایی آغاز می کنم که خداوند آغاز کرده است. سپس بر کوه صفا رفت و هفت بار میان صفا و مروه سعی کرد. زمانی که سعی خویش را در نزد مروه به پایان رسانید، ایستاد و خطاب به اصحاب خویش به آنان فرمان داد تا از لباس احرام به در آیند و آن را عمره قراردهند؛ چرا که آن دستور خداوند بود. پس مردم نیز لباس احرام از تن در آوردند و پیامبر فرمود: اگر میخواستم آنچه را که انجام شد، از سر بگیرم، همان کاری را که به شما فرمان دادم، انجام می دادم؛ اما هرکس با خود قربانی آورده، نمی تواند از احرام خارج شود،چنان که باری تعالی می فرماید: «وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّه»(1) {تا قربانی به قربانگاه نرسیده، سرهای خود را متراشید.} در این هنگام سراقه بن مالک جعشم کنانی ایستاد و خطاب به رسول خدا عرض کرد: ای رسول خدا! دین ما را آن گونه به ما بیاموز که گویا امروز آفریده شده ایم. این دستور که فرمودی، ویژه امسال است یا برای همیشه؟ پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: این فرمانی است برای همیشه. در این هنگام یکی از حاضران گفت: از احرام خارج شویم، در حالی که از سر ما آب غسل میریزد؟! پیامبربه او فرمود:تو هیچ گاه به این حکم ایمان نخواهی آورد. علی علیه السلام از یمن به مکه وارد شد و حضرت فاطمه علیها السلام را دید، که از احرام خارج شده و بویی خوش به مشام علی علیه السلام رسید. پس به محضر پیامبرصلی الله علیه وآله رسید، در حالی که نسبت به فاطمه اعتراض داشت. پیامبر از وی پرسید: ای علی، با چه نیّتی لباس احرام به تن کردی؟ علی علیه السلام در پاسخ گفت: من با همان نیتی محرم شدم که پیامبرصلی الله علیه و آله محرم شده است.

1- . بقره / 196

پیامبر به او فرمود: پس تو نیز بر حالت احرام باقی بمان و پیامبر او را در قربانی شریک کرد و برای وی 37 شتر را قربانی کرد. سپس رسول خدا با دستان خویش 63 شتر را قربانی نمود و از هر شتر قدری برداشت و در دیگی قرار داد؛ سپس دستور به پخت آن داد. پیامبرصلی الله علیه و آله همراه با علی علیه السلام از آن خوردند و از آب گوشت سر کشیدند. پیامبر فرمود: اکنون ما همگی از اینها خوردیم. حج تمتع از قران که در آن قربانی همراه میآورد و همچنین از حج افراد برتر است. پیامبر فرمود: اگر شخصی از عمره بهره برد، هر آن چه از واجبات متمتع برعهده وی می باشد، انجام داده است. ابن عباس گفت:(این چنین)، عمره تا روز قیامت وارد حج گردید.(1)

7. علل الشرائع: حلبی نیز این سخن را بدین گونه نقل کرده است: برای همیشه و تا ابد.

8. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدادر حجه الوداع پس از فراغت از سعی صفا و مروه، در کنار مروه ایستاد و برای مردم خطبه خواند و پس از حمد و ستایش خدا به مردم فرمود: ای مردم، این جبرئیل است - و با دست به پشت سرش اشاره کرد - که به من فرمان میدهد: به شما فرمان دهم که هرکس با خود قربانی نیاورده، از احرام خارج شود و اگر من میخواستم آنچه را تاکنون انجام دادم، دوباره انجام بدهم، همان کاری را که به شما فرمان دادم، انجام می دادم، لیکن اکنون قربانی به همراه آورده ام و برای کسی که قربانی به همراه دارد، شایسته نیست از احرام خارج شود، مگر آن که قربانی به قربانگاه رسد. در این لحظه، سراقه بن مالک بن جعشم کنانی گفت: ای فرستاده خداوند، دین ما را آن گونه به ما بیاموز که گویا امروز آفریده شده ایم. این دستور که فرمودی، ویژه امسال است یا برای همیشه؟ پیامبردر پاسخ او فرمود: این فرمانی است برای همیشه. در این هنگام یکی

1- . علل الشرائع: 412

از حاضران گفت: از احرام خارج شویم، در حالی که از سر ما آب غسل میریزد؟ پیامبرصلی الله علیه وآله به او فرمود: تو هیچ گاه به این حکم ایمان نخواهی آورد.(1)

9. علل الشرائع: فضیل بن فیاض نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره اختلاف نظر مردم پیرامون حج پرسیدم و این که درباره حج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، برخی معتقدند: آن بزرگوار به نیت حج محرم گشت و برخی می گویند: ایشان به نیت عمره محرم گشت. برخی دیگر قائلند که آن حضرت به صورت قارن به راه افتاد و برخی دیگر بر این باورند که بدون نیت خاصی از میقات خارج گردید، اما در انتظار فرمان خدای عزوجل بود. امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: البته خدای عزوجل آگاه بود که حج پیامبر خدا در سال دهم، آخرین حجی است که وی انجام می دهد و بعد از آن، دیگر حجی برای آن حضرت وجود نخواهد داشت، لذا در آن سال حج و عمره را برای رسول خود جمع ساخت تا توأمان بودن حج و عمره، به عنوان سنتی برای امت او باقی بماند. به همین سبب چون پیامبر کعبه را طواف کرد و به سعی صفا و مروه پرداخت، جبرئیل به او فرمان داد که به مردم بگوید اعمال خود را عمره قرار دهند، به جز کسانی که قربانی به همراه آوردهاند که آنان در قید قربانی خواهند بود و طبق گفتار خداوند که می فرماید: «حَتَّی یَبْلُغَ الْهَدْیُ مَحِلَّه» {تا این که قربانی به قربانگاه برسد}، خروج از احرام برای آن ها روا نیست. به این ترتیب بود که عمره و حج برای پیامبرجمع گردید. البته پیامبرمطابق با همان نیت و سنتی از میقات به سوی مکه روان گشت که در میان اعراب اولیه جاری بود و مردم در آن دوران چیزی جز انجام حج (در ماه های حج) نمی شناختند. پیامبر در این خصوص به انتظار اوامر الهی بود، اما در عین حال می فرمود: مردم بر همان سنن پیشین خود هستند، مگر آنچه را که اسلام تغییر دهد و از آنجا که برای مردم انجام عمره در ماههای حج متداول نبود، آنگاه که پیامبرفرمود:

1- . علل الشرائع: 413

مناسک خود را عمره قرار دهید، این فرمان برای اصحاب آن حضرت سنگین و گران جلوه کرد؛ زیرا آنان سابقه ای از انجام مناسک عمره در ماه های حج نداشتند. این سخن رسول خداوند در زمانی بود که آنان را به فسخ حج دستور داده بود. سپس پیامبر فرمود: عمره را تا روز قیامت در حج داخل کردم - وسپس انگشتان خود را در هم فرو برد - که این امر به معنای دخول این دو در ماههای حج بود. به امام گفتم: آیا زمان جاهلیت به این امور بهایی می دادند؟ امام فرمود: اهالی جاهلیت از دین ابراهیم همه چیز را به جز ختنه، ازدواج و حج از بین بردند، پس آنان به این امور پایبند بودند و آن را از بین نبردند.(1)

10. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: حج به عمره، متصل می باشد،چرا که خداوند عز و جل می فرماید: «فَإِذا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَهِ إِلَی الْحَجِّ فَمَا اسْتَیْسَرَ مِنَ الْهَدْی»(2) {و برای خدا حجّ و عمره را به پایان رسانید، و اگر [به علت موانعی] بازداشته شدید، آنچه از قربانی میسّر است [قربانی کنید]. از این رو بر کسی شایسته نیست مگر این که حج تمتع گزارد، چرا که خداوند این امر را در کتاب و سنت رسول خویش نازل کرده است.(3)

11. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادرش علیه السلام درباره اهل مکه پرسید که آیا تمتع بر آنان جایز است؟ ایشان فرمود: خیرو این همان گفته خداوند است که فرمود: « ذلِکَ لِمَنْ لَمْ یَکُنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرام»(4) {این

برای کسی است که اهل مسجد الحرام (مکه) نباشد.}(5)

1- . علل الشرائع: 413
2- . بقره / 196
3- . علل الشرائع: 411
4- . بقره / 196
5- . قرب الاسناد: 107

12. امالی الطوسی: امام صادق علیه السلام از پدر خویش نقل کرده است که فرمود: ما بر جابر بن عبدالله انصاری وارد شدیم. گفتم: ما را از چگونگی حج رسول خدا صلی الله علیه و آله آگاه ساز. با دستانش به عدد نُه اشاره کرد و فرمود: پیامبر خدانه سال در مدینه اقامت کرد و حج به جا نیاورد تا آن که در سال دهم، در بین مردم اعلام کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد حج دارد. پس از آن جمعیت بسیاری از مردم روانه مدینه شدند، در حالی که همه میخواستند حج خویش را همراه با رسول خدا به اتمام رسانند و همان عمل ایشان را در حج انجام دهد. از این رو زمانی که پیامبر از مکه خارج شد، ما نیز همراه وی روان شدیم تا این که به ذا الحلیفه رسیدیم(1).

پس حدیث را ذکر کرد تا آنجا که علی علیه السلام با شتر پیامبر از یمن به مکه وارد شد و حضرت فاطمه علیها السلام را دید که از احرام خارج شده و لباسی رنگین به تن کرده و سرمه کشیده بود، پس امام بر وی خرده گرفت. فاطمه علیها السلام در جواب او فرمود: پدرم مرا امر کرده است که این چنین کنم. علی علیه السلام (زمانی که در عراق بود) میفرمود: به نزد رسول خدا رفتم در حالی که نسبت به فاطمه حالت سؤال و عتاب داشتم تا از وی درباره این گفته فاطمه که عمل خویش را بر اساس امر پدر خویش انجام داده بود سؤال کنم. پیامبر در پاسخ فرمود: فاطمه راست گفته است، راست گفته است.(2)

13. الخصال: امام باقر علیه السلام فرمود: حج گزاران بر سه گروهند: شخصی که حج افراد را با قربانی انجام دهد، شخصی که حج افراد را بدون قربانی انجام دهد، و شخصی که به عمره تا حج تمتع کند.(3)

1- . مکانی در فاصله 6 میلی مکه است
2- . امالی طوسی: 2:15
3- . الخصال 1: 96

14. عیون اخبار الرضا: در نامهای که امام رضا به مأمون نوشته، آمده است: تنها حج تمتع جایز است و حج قران و افراد که عامه آن را انجام می دهند، تنها برای اهالی مکه و حاضران در آن جایز است و برای دیگران جایز نیست.(1)

15. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: تنها حج تمتع جایز است و حج قران و افراد تنها برای کسانی جایز است که اهل مسجد الحرام باشند و احرام بستن قبل از رسیدن به میقات جایز نیست و همچنین تاخیر آن از میقات نیز جایز نمی باشد، مگر به دلیل بیماری یا تقیه. خداوند سبحان نیز فرموده است: «وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ»(2)

{حج و عمره را برای خدا به پایان برسانید.} که منظور از اتمام رساندن حج، دوری از فساد، فجور و جدال در حج است و گوسفند اخته شده برای قربانی جایز نیست، زیرا ناقص است، اماگوسفندی که تخم آن کوبیده شده باشد، در صورتی که غیر از آن پیدا نشود، جایز است.

و واجبات حج: احرام، گفتن لبیک چهارگانه به این صورت: «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، إن الحمد و النعمه لک و الملک، لا شریک لک» می باشد و طواف به گرد کعبه جهت ادای عمره، واجب است و خواندن دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم، واجب است. سعی میان صفا و مروه، واجب است. طواف حج، واجب است و طواف نساء، واجب است و خواندن دو رکعت نماز آن نزد مقام ابراهیم نیز واجب است. اما پس از آن، میان صفا و مروه سعی نمی شود. وقوف در مشعر، واجب است و قربانی کردن جهت حج تمتع، واجب است. همچنین وقوف در عرفه، سنت واجب است، و تراشیدن موی سر، سنت و رمی جمرات نیز سنت می باشند.(3)

16. تفسیر علی بن ابراهیم: هر کس تصمیم داشت حج تمتع را انجام دهد، بر وی واجب است که در هنگام احرام با خدا شرط بسته و بگوید: خدایا! می خواهم

1- . عیون أخبار الرضا ع 2: 124
2- . بقره / 196
3- . الخصال 2: 394

طبق کتاب تو و سیره پیامبرت با عمره تمتع به حج روم،پس اگر ناتوان شدم یا مانعی از اتمام حجم جلوگیری کرد، همان جاکه با تقدیر خودت که بر من مقدر کردی، مرا از حج بازداشتی، مرا از احرام خارج ساز. سپس در میقاتی که پیامبر تعیین کرده است، اینگونه تلبیه می گوید: «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد و النعمه لک و الملک، لا شریک لک»، لبیک با حج و عمره ای که اتمام و به پایان رساندن رساندن آن بر عهده توست.پس زمانی که به مکه وارد شد و به خانه های مکه نگریست، لبیک گفتن را قطع کند و هفت دور به گرد کعبه طواف کرده و نزد مقام ابراهیم دو رکعت نماز بخواند و هفت بار میان صفا و مروه سعی کند، سپس از احرام بیرون آید و از پوشیدن لباس و زنان و بوی خوش بهره می برد و تا روز ترویه همچنان بر حج مقیم می ماند. پس در روز ترویه، هنگام ظهر از کنار مقام برای حج محرم شود، سپس لبیک گویان به سمت منی خارج شده و همچنان لبیک گویان تا روز عرفه تا هنگام ظهر باقی می ماند. پس هنگامی که ظهر عرفه شد لبیک گفتن را ترک گوید و در عرفات وقوف میکند، در حالیکه دعا می کند و تکبیر، تهلیل و حمدو سپاس می گوید. زمانی که خورشید غروب کرد به مزدلفه بازگشته و شب را در آنجامی ماند، سپس زمان صبح بر مشعر الحرام وقوف میکند و دعا می کند، لا اله الا الله و تسبیح و تکبیر می گوید. سپس از مشعر الحرام به منی رفته و رمی جمره می کند و قربانی کرده و موهایش را می تراشد. اگر شخصی توانگر و غنی باشد، بر اوست که شتر قربانی کند و در صورتی از نظر مالی در وضعیت معمولی باشد باید یک گاو را قربانی کند؛ و اگر فقیر باشد، تنها ذبح یک گوسفند بر وی واجب است؛ و اگر قربانی پیدا نشد، واجب است که در مکه سه روز روزه بگیرد و زمانی که به منزل خویش باز گردد، هفت روز روزه بگیرد. پس این ده روزی را که روزه گرفته است، جایگزین قربانی می شود که بر عهده وی بوده است و این همان گفته خداوند است که

می فرماید: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ ثَلاثَهِ أَيَّامٍ فِی الْحَجِّ وَ سَبْعَهٍ إِذا رَجَعْتُمْ تِلْکَ عَشَرَهٌ كامِلَه»(1) {آن کس که قربانی نیافت، باید در هنگام حج سه روز بدارد و چون برگشتید هفت روز دیگر روزه بدارید. این ده روز تمام است.} البته این امر شامل کسانی می شود که مقیم مکه و یا از اهالی آن نباشند، اما اهالی مکه و کسانی که پیرامون آن، تقریبا در 48 میلی آن

هستند، حج تمتع بر عهده آنان نیست، بلکه حج افراد بر عهده آنان می باشد و این همان گفته خداوند است که فرمود: «ذلِکَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرامِ»(2)

{این حج تمتع برای کسی است که اهل مسجد الحرام نباشد.}

17. فقه الرضا علیه السلام: حداقل چیزی که حج واجب بدان پایان می پذیرد،احرام بستن با شرایط آن، لبیک گفتن، طواف کردن، خواندن نماز در کنار مقام ابراهیم، سعی میان صفا و مروه، و دو وقوف، کفارات، قربانی و طواف زیارت و طواف نساء است.(3)

حج گزاران بر سه قسمند: قارن، کسی که حج افراد می گزارد، و عمره تمتع تا حج؛ اهالی مکه و اطراف آن مجاز به انجام عمره تمتع تا حج نیستند و تنها می توانند حج قران و افراد را انجام دهند، چنان که خداوند فرموده است: «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَهِ إِلَی الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْی»(4) {پس

هر کس از [اعمال] عمره به حجّ پرداخت، [باید] آنچه از قربانی میسّر است [قربانی کند].} سپس فرمود: «ذلِکَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرام» {این حج تمتع برای کسی است که اهل مسجد الحرام نباشد.} که منظور اهل مکه و شهرهایی هستند که در 48 میلی آن قرار دارند؛ اما

1- . بقره / 196
2- . بقره / 196
3- . فقه الرضا علیه السلام: 26
4- . بقره / 196

کسی که در خارج از این محدوده قرار دارد، تنها باید حج تمتع به جا آورد، چرا که خداوند غیر از آن را قبول نخواهد کرد.(1)

18. السرائر: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا و اهل بیتش در مدینه به مدت ده سال اقامت کردند و حج نگزارد. سپس خداوند بر وی این آیه را نازل کرد: «أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیق»(2) {درمیان مردم برای ادای حج بانگ برآور تاً زائران پیاده و سوار بر هر شتر لاغری - که از هر راه دوری می آیند - به سوی تو روی آورند. } سپس به جارچیان فرمان داد تا با فریاد رسا و بلند اعلام کنند که در این سال پیامبر خدا و اهل بیتش علیهم السلام به حج خواهد رفت. سپس همه مردم مدینه و کوه نشینان و اعراب بادیه نشین از این امر آگاه شدند. سپس جهت انجام حج، رسول خدا صلی الله علیه و آیه و سلم و اهل بیتش گرد هم آمدند و تحت نظر اوامر پیامبر بودند، به گونه ای که هر آنچه پیامبر به آنان دستور می داد، آماده اجرا بودند و یا آن که هر آنچه پیامبر انجام می داد، آنان نیز اجرا می کردند. سپس چهار روز مانده از ماه ذی قعده، رسول خدا همراه با اهل بیت خود از مدینه خارج شدند و زمانی که به ذی الحلیفه رسیدند و وقت زوال خورشید شد (هنگام ظهر)، غسل کرد و از آنجا بیرون آمدتا این که به مسجد شجره رسید. نماز ظهر را در آن جا خواند و تصمیم به حج افراد گرفت. به راه افتاد، تا این که به بیداء رسید. در نزدیکی میل اول، مردم در حال سکوت، در دو ردیف صف کشیدند. پس پیامبر لبیک حج افراد را گفت و به راه افتاد و 66 شتر چاق را برای قربانی به همراه آوردند، تا این که روز چهارم ذی حجه به السلاح در مکه رسید، به گرد کعبه هفت بار طواف کرد و دو رکعت نماز کنار مقام ابراهیم خواند و سپس به کنار حجر الاسود رفت و بر آن دست کشید ودر ابتدای طواف خویش نیز بر آن دست کشیده بود. سپس خداوند فرمود: «إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ فَمَنْ

1- . فقه الرضا علیه السلام: 26
2- . حج / 27

حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما»(1) {در حقیقت صفا و مروه از شعائر خداست که یاد آور اوست؛ پس هر کس که خانه خدا را حج کند یا عمره گزارد، بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جا آورد. } سپس بر کوه صفا رفت. پس همان کاری را انجام داد که برایت گفتم، تا این که از انجام هفت بار فارغ شد. سپس جبرئیل نزد پیامبر آمد، در حالی که پیامبر در مروه بود. جبرئیل به پیامبر دستور داد به مردم فرمان دهد که جز کسانی که قربانی آوردهاند، مابقی از احرام خارج شوند. سپس شخصی به پیامبر گفت: آیا از احرام خارج شویم در حالی که هنوز مناسک خود را انجام نداده ایم؟ آن شخص عمر بود. پیامبر خطاب به عمر گفت: اگر من آن چه را تاکنون انجام داده ام، از اول انجام میدادم، همان کاری را که به شما فرمان دادم، انجام می دادم، لیکن اکنون قربانی به همراه آوردهام و برای کسی که قربانی به همراه دارد، شایسته نیست از احرام خارج شود، مگر آن که قربانی به قربانگاه رسد. در این لحظه، سراقه بن مالک بن جعشم کنانی گفت: ای فرستاده خداوند، این دستور که فرمودی ویژه امسال است یا برای همیشه؟ پیامبرصلی الله علیه و آله در پاسخ او فرمود: این فرمانی است برای همیشه، تا روز قیامت. سپس انگشتان خود را در هم فرو برد و سه بار فرمود: عمره در حج داخل گردید.(2)

1- . بقره / 158
2- . السرائر: 478

باب دهم : احکام کسی که حج تمتع گزارد

روایات:

1. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادرش علیه السلام نقل کرده است که از وی درباره شخصی پرسیدم که یک روز قبل از ترویه به مکه وارد شود و بخواهد در زمان حج در روز ترویه احرام بندد، اما قبل از عمره خود، مرتکب خطا شود. حکمش چیست؟ امام فرمود: چیزی بر عهده وی نیست، اما باید بار دیگر جهت ادای حج احرام بندد.(1)

2. گفت: از ایشان درباره شخصی که در ماه رجب حج عمره می گزارد و سپس به سوی اهل خویش بر می گردد، آیا برای وی شایسته است که اگر بخواهد حج گزارد، حج تمتع به جا آورد؟ امام فرمود: خیر، برابر با آن نیست.(2)

3. از او درباره شخصی سؤال کردم که جهت گزاردن حج تمتع آمده، اما قبل از گزاردن آن از لباس احرام بیرون آید، آیا حق خروج دارد؟ ایشان فرمود: خارج نمی شود تا این که برای حج احرام بندد و از طائف و نظیر آن عبور نکند.(3)

4. قرب الإسناد: بزنطی نقل کرده است که به امام رضا علیه السلام گفتم: جانم به فدایتان! چگونه حج می گزارید؟ امام فرمود: ما در زمانی تنگ که روزها در آن به سرعت می گزارد به مکه میآییم و حج افراد می گزاریم. به امام گفتم: جانم به

1- . قرب الاسناد: 104

2- . قرب الاسناد:106

3- . قرب الاسناد:106

فدایتان! خواستم بدانم که اگر حج گزار بخواهد حج تمتع بگزارد، باید چه کند؟ امام فرمود: قصد و نیت عمره کند و برای حج احرام بندد.(1)

5. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادرش علیه السلام درباره شخصی سؤال کرد که برای گزاردن حج تمتع به مکه آمده است و از احرام بیرون آمده، آیا می تواند بازگردد؟ ایشان فرمود: باز نمی گردد، مگر این که برای حج احرام بندد و از طائف و نظیر آن عبور نکند، از ترس این که حج را درک نکند. پس در صورتی که تمایل داشت به مکه باز گردد، باز می گردد و اگر بیم آن را داشت که حج را از دست بدهد، به راه خویش تا رسیدن به عرفات ادامه دهد.

6. عیون أخبار الرضا: بزنطی نقل کرده است که به امام رضا علیه السلام گفتم: امسال چه کردید؟ امام در پاسخ فرمود: در رجب عمره گزاردم و در ایام حج برای تمتع وارد مکه شدم. و هر گاه عمره گزارم، این چنین خواهم کرد.(2)

7. عیون أخبار الرضا: اگر هلال ماه ذی حجه پدیدار شد و ما در مدینه باشیم، نمیتوانیم جز برای حج احرام بندیم، چرا که ما در مسجد شجره احرام می بندیم که آن همان میقاتی است که رسول خدا تعیین نمود. شما وقتی از عراق بیایید و آنگاه هلال طلوع کند، پس شما میتوانید عمره بگزارید، چرا که ذات عرق و غیر آن فراروی شماست که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شما تعیین کرده است. پس فضل خطاب به وی گفت: آیا من که اکنون به گرد کعبه طواف کرده ام می توانم از زن و بوی خوش و غیره بهرهمند شوم؟ امام فرمود: آری. پس این موضوع را محمد بن جعفر علیه السلام به سفیان عیینه و اصحاب وی رسانید و به آنان گفت: فلان شخص چنین و چنان گفت پس سفیان آن را از ابوالحسن بد دانست! .(3)

1- . قرب الاسناد: 169
2- . عیون أخبار الرضا ع 2: 16
3- . عیون أخبار الرضا 2 : 16[3]

8. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مشعر الحرام را روز نحر کردن قربانی خود قبل از زوال خورشید درک کند، حج را درک کرده است و هر کس آن را در روز عرفه قبل از زوال خورشید درک کند، تمتع را درک کرده است.(1)

9. فقه الرضا علیه السلام: اگر کسی که عمره تمتع انجام داده، تا بعد از محرم شدن برای حج، کوتاه کردن موهای خویش را فراموش کند، ریختن خون (قربانی کردن) بر عهده وی می باشد. روایت شده است که او باید استغفار کند. اما اگر متمتع موهای سر خویش را در مکه بتراشد، در صورتی که نسبت به مناسک آگاهی نداشته باشد، گناهی بر گردن وی نیست.

اگر عمداً در سی روز اولیه از ماههای حج این عمل را انجام دهد، باز گناهی بر گردن وی نیست. اما اگر بعد از سی روزی اولی که موهایش را جهت گزاردن حج بلند کرده است، عمدا بدین کار اقدام کند، قربانی کردن بر وی واجب است. اگر کسی که عمره تمتع انجام داده، بخواهد از مکه خارج شده و به جاهای دیگر رود، چیزی بر عهده وی نیست، زیرا او با حج مرتبط است تا آنکه آن را انجام دهد، مگر در صورتی که بداند که وی هرگز حج را از دست نخواهد داد. اما اگر بداند و سپس از مکه خارج شود، و در همان ماهی که از مکه خارج شده بود، بدان بازگردد،نیاز به احرام مجدد برای ورود به مکه ندارد و اگر در ماه دیگر برگشت، باید برای ورود مجدد به مکه محرم شود.(2)

10. السرائر: از یکی از آن دو امام علیهما السلام درباره مردی سؤال کردند که از حرم برای انجام کاری خارج می شود و در همان روز باز می گردد. فرمود : ایرادی ندارد که بدون احرام داخل گردد.(3)

11. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام فرمود: انجام عمره همچون حج واجب است، زیرا باری تعالی در کتاب خویش می فرماید: «وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ

1- . علل الشرائع: 451
2- . فقه الرضا علیه السلام: 29-30

3- . سند این حدیث را در کتاب السرائر و المحاسن نیافتیم.

لِلَّهِ»(1)

{حج و عمره را برای خداوند به اتمام رسانید}. انجام عمره همچون حج واجب است و هر کس حج تمتع گزارد، کافی است و عمره در ماههای ادای عمره تمتع است.(2)

12. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: «وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ»(3)

{حج و عمره را برای خداوند به اتمام رسانید}. به امام گفتم: آیا اگر شخصی که قصد حج تمتع دارد، به جای آن عمره مفرده انجام دهد، کافی است؟ امام فرمود: آری. رسول خدا نیز این گونه امر کرده اند.(4)

13. رجال الکشی: عبدالله بن زراره گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: از جانب من بر پدرت سلام برسان و بگو: بر توباد به چهل و شش رکعت نماز. بر تو باد گزاردن حج و این که برای حج افراد محرم شوی و نیت به هم زدن آن را داشته باشی و وقتی به مکه آمدی و طواف و سعی کردی آن را به هم بزنی و حج افراد را بدل به عمره کنی و تا روز ترویه از احرام بیرون باشی؛ پس از آن احرام حج را از سر بگیری و به منی روی و در عرفات و مزدلفه حضور پیدا کنی. رسول خدا نیز این گونه حج گزارد و به اصحاب خویش دستور فرمود که آن چه را که در زمان احرام نیت کردهاند، فسخ کنند و حج را بدل به عمره کنند. رسول خدا بدین جهت بر احرام خویش باقی ماند که قربانی را که همراه خود آورده بود، به محل آن برساند. چرا که سائق (کسی که قربانی همراه آورده)، قارن است و قارن نباید از احرام بیرون آید تا قربانی به محل و جایگاهش برسد که محل آن همان محل ذبح در منی است. پس وقتی حج گزار بدانجا رسد از احرام بیرون آید و این همان چیزی است که در حج تمتع تو را بدان فرمان داده ایم. پس بدین امر همواره پایبند باش و مبادا که انجام آن

1- . بقره / 196
2- . تفسیر العیاشی 1: 87
3- . بقره / 196
4- . تفسیر العیاشی 1: 88

سینهات را به تنگ آورد و آنچه ابو بصیر برای تو آورده است، یعنی اقامه پنجاه و یک رکعت نماز و احرام جهت انجام حج تمتع و آنچه که ما بدان امر کردیم، این است که جهت انجام تمتع احرام بسته شود. برای اینها نزد ما تفاسیر و معانی بسیاری است که امکان بیانش برای ما و شما نیست و چیزی از آن با حق مخالفت و تضاد ندارد.(1)

14. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حج تمتع گزارد و به مکه آید، باید به گرد کعبه طواف کند و میان صفا و مروه سعی کند، سپس مقداری از موهای سر، سبیل، ریش و مقداری از ناخنهایش را کوتاه کند و مابقی را برای حجش باقی نهد. اگر تنها برخی از این موارد را کوتاه کند و مابقی را رها کند، کفایت میکند و اگر سرش را بتراشد، پس قربانی کردن و ریختن خون بر عهده وی می باشد. و در روز قربانی (عید) تیغ را روی سرش بکشد، همان گونه که شخص طاس انجام میدهد و اگر تا موقع محرم شدن برای حج، تقصیر را فراموش کرد، گناهی برگردن وی نیست و خداوند وی را می آمرزد.(2)

15. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: متمتع پس از طواف عمره نمی تواند طواف مستحبی انجام دهد تا این که تقصیر کند (مقداری از موی خود را کوتاه کند). وقتی متمتع تقصیر کرد، می تواند نزد زن خود رود. و اگر قبل از این که تقصیر کند به نزد زن خویش رود، باید قربانی کند و اگر زن خویش را ببوسد، باید قربانی کند.(3)

16. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حج تمتع انجام داده (متمتع)، وقتی از احرام بیرون آید، تا هر مقداری که بخواهد میتواند طواف مستحب انجام دهد، تا زمانی که برای حج محرم شود.(4)

1- . رجال الکشی 126-127
2- . دعائم الاسلام 1: 317
3- . دعائم الاسلام 1: 317
4- . دعائم الاسلام 1: 317

17. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: شایسته است که متمتع وقتی از احرام بیرون آمد، پیراهن به تن نکند، بلکه شبیه به محرمان باشد. همچنین برای اهل مکه شایسته است که غبار آلود و ژولیده باشند. (1)

18. دعائم الإسلام: از امام باقرعلیه السلام درباره متمتعی که روز ترویه به مکه می آید، سؤال کردند. امام در پاسخ فرمود: اگر قبل از ظهر به مکه بیاید، طواف کرده و از احرام بیرون آید. و هنگامی که نماز ظهر را خواند محرم شود و اگر در پایان روز به مکه آید، ایرادی ندارد که متمتع شود و همراه با مردم به منی رود. اما اگر روز عرفه به مکه بیاید، حج تمتع را از دست می دهد و باید آن را حج افراد قرار دهد.(2)

19. دعائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام درباره زنی که حج تمتع را انجام دهد اما پس از خروج از احرام، از حیض شدن خود بیم داشته باشد، سؤال شد. امام فرمود: برای حج احرام بندد و طواف کند و برای حج سعی کند و ایرادی ندارد که زن قبل از حج، طواف و سعی خود را جهت گزاردن حج انجام دهد. اگر قبل از طواف حج تمتع حیض شود،همراه با مردم به راه افتد و طواف خود را تا زمان پا ک شدن به تاخیر اندازد.(3)

20. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند «ذلِکَ لِمَنْ لَمْ یَکُنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرام»(4) {این حج تمتع برای کسی است که اهل مسجد الحرام نباشد.} فرمود: اهالی مکه و همچنین اشخاصی که مقیم مکه و مجاور هستند، نباید حج تمتع بگزارند. هر کس که برای انجام حج عمره در ماههای حج داخل در مکه گردد و تا زمان انجام حج در آن اقامت کند، وی متمتع می باشد، و اگر بازگردد، چیزی برای او نیست و آنچه انجام داده، عمره مفرده می باشد.

1- . دعائم الاسلام 1: 317
2- . دعائم الاسلام 1: 317
3- . دعائم الاسلام 1: 387
4- . بقره / 196

21. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس نیت انجام حج تمتع کرد، بر عهده وی است تا آن جا که برای وی میسر است قربانی کند، چنان که خداوند فرموده است گوسفند و بیش از آن. و آن کس که قربانی نیافت، باید در هنگام حج سه روز روزه بدارد. یک روز را قبل از روز ترویه و روز ترویه و روز عرفه، و هفت روز دیگر را زمانی که به سوی اهل خویش بازگشت روزه دارد. همچنین می تواند زمانی که در حج وارد شد، تا هر زمان که خواست روزه بگیرد. همچنین اگر سه روز روزه خویش را در ده روز اول بگیرد بسیار نیکوست و اگر در زمان حج روزه نگیرد، پس در راه روزه بدارد. اما اگر نداند و روزه نگیرد، وقتی به نزد خانواده خویش باز گشت، ده روز را روزه بدارد.(1)

22. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بهای گوسفند را نداشته باشد، باید روزه بدارد. اگر کسی توان پرداخت بهای آن را داشته باشد اما گوسفندی جهت قربانی کردن نیابد یا توان پرداخت بهای آن را تا آخر روز حرکت یا (یوم النفر)نداشته باشد، بایستی حتما روزه بدارد.(2)

23. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام در مورد شخص متمتعی که قربانی جهت ذبح نیابد و قبل از این که روزه بدارد از دنیا رود، فرمود: بازمانده وی باید به جای او روزه بگیرند.(3)

24. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: متمتع باید روزه خودش را به طور متوالی بگیرد و اگر به سبب بیماری یا غیر آن بین روزها فاصله انداخت، کفایت می کند، بدان شرط که همان تعدادی که خداوند سبحان فرموده است، روزه بگیرد.(4)

1- . دعائم الاسلام 1: 318
2- . دعائم الاسلام 1: 318
3- . دعائم الاسلام 1: 318
4- . دعائم الاسلام 1: 318

25. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بچهای را برای حج تمتع محرم کند، باید از طرف وی قربانی کند.(1)

26. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام درباره کسی که قصد انجام حج تمتع کرده است، فرمود: وقتی روز ترویه شد غسل کند و دو لباس احرام را به تن کند. سپس پابرهنه به مسجد الحرام آید، و اگر خواست، از روی استحباب هفت دور طواف کند و دو رکعت نماز به جا آورد و بنشیند تا نماز ظهر را بخواند. سپس به همان شکلی که از میقات احرام بسته بود، احرام بندد.ذزمانی که به رقطاء(2)

قبل از ردم(3)

رسید، شروع به لبیک گفتن کند. اهالی مکه و کسانی که در آن ساکنند، اما جزو اهل مکه به حساب نمی آیند نیز برای حج گزاردن باید از مکه احرام ببندند.(4)

1- . دعائم الاسلام 1: 318
2- . مکانی است در مکه که قبل از ردم قرار گرفته است
3- . مانعی است که سبب عدم ورود سیل به مسجد الحرام می گردد و آن را مدعی نام نهاده اند.
4- . دعائم الاسلام: 1: 319

باب یازدهم : احکام همراه آوردن قربانی

آیات:

- وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ لَکُمْ فِیها مَنافِعُ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ مَحِلُّها إِلَی الْبَیْتِ الْعَتِیق (1)

{هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت آن حاکی از پاکی دلهاست. برای شما در آن دامها تا مدتی معین سودهایی است؛ سپس جایگاه قربانی کردن آنها و سایر فرایض، در خانه کهن (کعبه) است. }

روایات:

1.علل الشرائع: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: إشعار را برای شتر نیکو دانستهاند. چرا که خداوند در ازای اولین قطره ای که از خون قربانی می ریزد، او را میآمرزد.(2)

2. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: هر شخصی که شتری را همراه آورد اما قبل از این که برای قربانی کردن به محل خود رسد یکی از اعضایش بشکند یا بمیرد یا هلاک شود، پس باید اگر میتواند آن را نحر کند و نعل قربانی را که به گردن حیوان آویخته بود، به خون بیالاید، تا اگر کسی از کنار آن قربانی عبور کرد، بداند که آن قربانی شده است، و در صورتی که بخواهد،بتواند از گوشت آن بخورد و

1- . حج / 33
2- . علل الشرائع: 434

اگر قربانی که عضوش شکسته است یا هلاک شده مضمون باشد، وظیفه اوست که به جای آن، قربانی دیگری بخرد. منظور از مضمون همان است که ادای آن در نذر یا غیر آن بر تو واجب است. اگر قربانی مضمون نباشد و تنها مستحب باشد، بر حج گزار واجب نیست که عوض قربانی را بخرد، مگر این که خود داوطلبانه بخواهد این کار را انجام دهد.(1)

3. علل الشرائع: از امام صادق علیه السلام در مورد قربانی سؤال شد که چرا به گردن شتر قربانی نعل آویزان میکنند یا آن را علامت گذاری میکنند؟ امام فرمود: تقلید نعل بدین جهت است که بداند قربانی شتر بوده است و صاحبش آن را از نعل آن بشناسد. اما اشعار شتر از آن جهت است که سوار شدن بر پشتش، بر صاحبش، از همان جایی که آن را اشعار کرده، حرام شده است و شیطان نیز نمیتواند با آن تماس پیدا کند.(2)

4. تفسیر علی بن ابراهیم: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تُحِلُّوا شَعائِرَ اللَّهِ وَ لَا الشَّهْرَ الْحَرام»(3)،

{ای کسانی که ایمان آورده اید، شعائر خداوند و ماه حرام را برخود حلال نکنید.} که منظور از ماه حرام ماه ذی حجه می باشد که جزء ماه های حرام است. « وَ لَا الْهَدْی» همان قربانی است که محرم آن را همراه می برد و در مورد این سخن خداوند«وَ لَا الْقَلائِد» فرمود: آن نعلی را که در آن نماز خوانده، به گردن آن میاندازد و منظور از «وَ لَا آمِّینَ الْبَیْتَ الْحَرام» کسانی هستند که حج می گزارند.(4)

مؤلف: برخی اخبار را در باب قربانی آوردیم.

5. فقه الرضا علیه السلام: اگر شخصی حاضر در مسجد الحرام باشد، حج افراد انجام میدهد و در صورتی که بخواهد، میتواند قربانی با خود ببرد و بر حالت احرام خویش باقی بماند تا این تمامی مناسک و اعمال را انجام دهد. بر کسی که حج

1- . علل الشرائع: 435

2- . علل الشرائع: 435

3- . مائده / 2
4- . تفسیر علی بن ابراهیم: 149

افرادمی گزارد و همچنین بر قارن، قربانی کردن واجب نیست مگر آنچه را که همراه آورده است.(1)

6. تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این فرموده خداوند: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُوماتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَج»(2) {حج

در ماههای معینی است، پس هر کس در این ماهها حج را بر خود واجب گرداند.} فرمود: منظور از «فریضه»، لبیک گفتن، اشعار و تقلید است. پس هر یک از موارد فوق را انجام دهد، حج را بر خود واجب کرده است.حج تنها در این ماهها واجب است، چنان که فرمود: حج در ماههای معینی است.(3)

7. تفسیرعیاشی: امام باقر علیه السلام فرمود: حیواناتی همچون شتر، گاو و گوسفند را قربانی می کنند. البته این امر تا زمانی که قربانی را تقلید نکردهای، واجب نیست و اگر قربانی را تقلید کنند، ذبح آن واجب می گردد.(4)

8. کتاب حسین بن سعید و نوادر: امام باقر علیه السلام فرمود: باید شتری نحر کند، اما نمی داند که کجا آن را قربانی کند؟ فرمود: قربانگاه در منی است و باید گوشت آن را میان نیازمندان تقسیم کند.(5)

9. کتاب حسین بن سعید و نوادر: امام صادق علیه السلام فرمود: شتر را در حالت نشسته اشعار می کنند، و در حال ایستاده نحر می کنند و از طرف راست کوهان اشعار می کنند.(6)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 29
2- . بقره / 197
3- . تفسیر العیاشی 1: 190
4- . تفسیر العیاشی 1: 88
5- . تفسیر العیاشی 1: 59
6- . تفسیر العیاشی 1: 72

باب دوازدهم : احکام پیاده رفتن به خانه خدا و حکم کسی که آن را نذر کرده است.

روایات:

1. قرب الإسناد: ابن بکیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ما می خواهیم پیاده به حج رویم. امام فرمود: پیاده نروید بلکه سوار بر مرکب به راه افتید. به امام گفتم: خداوند تو را سالم نگاه دارد، اما به ما خبر رسیده که حسن بن علی علیه السلام بیست بار باپای پیاده به حج رفت. امام در پاسخ فرمود: زمانی که حسن بن علی علیه السلام به حج رفت، کجاوه ها و مرکبها نیز همراه وی بودند.(1)

2. علل الشرائع: سلیمان نیز این حدیث را اینگونه نقل کرده است که مرکبها امام حسن علیه السلام را زمان رفتن به حج همراهی می کردند. (2)

3. قرب الإسناد: علی بن جعفر نقل کرده است که به همراه برادرم امام کاظم علیه السلام و در معیت خانوادهاش در چهار عمره حضور داشتم. در یکی از عمرهها بیست و شش روز و دیگری بیست و پنج روز و در دیگری بیست و چهار روز و دیگری بیست و شش روز پیاده رفت.(3)

4. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به چیزی بهتر از سکوت و رفتن با پای پیاده به حج، عبادت نشده است.(4)

1- . قرب الاسناد: 79
2- . علل الشرائع: 447
3- . قرب الاسناد: 122
4- . الخصال 1: 21

5. الخصال: امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمائه فرمود: خداوند به هیچ چیز بهتر از رفتن به حج با پای پیاده عبادت نشده است. نیکی را در کف پا و گردن شتران که دائما در حال رفت و بازگشتند طلب کنید.(1)

6. علل الشرائع: رفاعه بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که رفتن به حج با پای پیاده بهتر است یا سواره؟ امام در پاسخ فرمود: قطعاً سواره بهتر است، چرا که رسول خدا نیز سواره به حج رفت.(2)

7. علل الشرائع: ابن بکیر نیز این حدیث را به شکل فوق از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.(3)

8. علل الشرائع: ابو عمیر از رفاعه حدیث فوق را نقل کرده است.

9. علل الشرائع: سیف نجار نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: ما قبلا پیاده به حج می رفتیم، از نزد شما چیزی به ما رسیده، بگو که آن چیست؟ امام فرمود: مردم پیاده و سواره به حج روند. به امام گفتم: در این باره از شما سؤال نکردم. امام فرمود: درباره چه از من سؤال می کنی؟ به امام گفتم: انجام کدامیک از این دو امر نزد شما دوست داشتنیتر است؟ امام فرمود: این که سواره به حج روید برای من دوست داشتنیتر است، چرا که این امر باعث تقویت شما جهت عبادت و دعا میگردد.(4)

10. علل الشرائع: ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که ارزش پیاده رفتن به حج بیشتر است یا سواره؟ امام فرمود: اگر شخص توانگر باشد و پیاده به حج رود تا از نفقه خود بکاهد، پس سواره رفتن بهتر است.(5)

1- . الخصال 2: 423
2- . علل الشرائع: 446
3- . علل الشرائع:446
4- . علل الشرائع: 447
5- . علل الشرائع: 447

11. قرب الإسناد: یونس بن یعقوب نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: رونده به حج تا کجا باید پیاده رود و کی [پیاده روی او] پایان می یابد؟ امام فرمود: زمانی که از عرفات حرکت کردی.(1)

12. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به چیزی بهتر از سکوت و پیاده رفتن به حج عبادت نشده است.(2)

13. المحاسن: امام باقر علیه السلام فرمود: ابن عباس گفت: تا کنون بر چیزی تا این اندازه پشیمان نشدم، که چرا با پای پیاده به حج نرفتم. زیرا از رسول خدا شنیدم که فرمود: کسی که با پای پیاده به حج رود، باری تعالی برای وی هفت هزار حسنه از حسنات حرم می نویسد. به پیامبر گفتند: منظور از حسنات حرم چیست؟ حضرت فرمود: حسنه حرم، هزار هزار حسنه است. همچنین ایشان فرمود: فضیلت پیاده رفتن به حج، همچون فضیلت ماه شب بدر است و حسین بن علی علیه السلام پیاده به حج می رفت در حالی که مرکبش در پشت سرش حرکت می کرد.(3)

14. السرائر: عنسبه بن مصعب گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فرزندم مریض شد، پس نذر کردم که اگر بهبود یافت، با پای پیاده به مکه روم. بدین منظور به راه افتادم، تا این که به عقبه رسیدم، اما دیگر نتوانستم پیاده روم. ازین رو آن شب بر مرکب سوار شدم و زمانی که صبح شد، پیاده به راه افتادم تا این که به مقصد رسیدم. آیا چیزی بر عهده من است؟ امام فرمود: قربانی کن، چرا که این امر نزد من دوست داشتنیتر است. خطاب به امام گفتم: چه چیز در این باره برایم لازم است و چه چیز لازم نیست؟ امام فرمود: کسی که برای خداوند چیزی بر عهده خویش قرار دهد و تلاش خود را در این راه به کار بندد، چیزی بر عهده وی نیست. ابو بصیر گفت: در این باره از امام سؤال شد. وی فرمود: هر کس برای خدا چیزی بر عهده خویش

1- . قرب الاسناد: 75
2- . ثواب الأعمال: 162
3- . المحاسن:70

قرار دهد و تلاش خود را به کار بندد، چیزی بر عهده وی نیست و خداوند نسبت به بندگان خویش عذرپذیرتر است.

15. السرائر: حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: رفتن با پای پیاده به حج بهتر است یا سواره؟ امام در پاسخ فرمود: اگر شخص ثروتمند باشد و پیاده به حج رود، برای این که مخارج سفر را کمتر کند، سواره رفتن به حج بهتر است. حلبی گفت: از امام درباره شخصی که پیاده به حج می رود سؤال کردم که چه زمان پیاده روی او پایان می یابد؟ امام فرمود:وقتی رمی جمرات کند و بخواهد باز گردد، باید سواره بازگردد، چرا که پیاده روی وی پایان یافته است، اما اگر پیاده رود، ایرادی ندارد.(1)

16. فقه الرضا علیه السلام: عبدالرحمن بن ابی عبدالله نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که قسم یاد کرده است با پای پیاده به حج رود، اما در ماه ذی قعده به مکه وارد می شود. امام فرمود: حج خویش را به انجام نرسانیده است.(2)

17. فقه الرضا علیه السلام: از امام صادق علیه السلام درباره مردی که نذر کرده با پای پیاده به حج رود اما نتوانسته است این کار را انجام دهد سؤال شد. امام فرمود: سواره به حج رود.(3)

18. فقه الرضا علیه السلام: از امام صادق علیه السلام درباره مردی که نذر کرده است با پای پیاده به حج رود سؤال شد. امام در پاسخ فرمود: پیاده به راه افتد، اما اگر خسته شد، سوار شود.(4)

1- . سرائر: 480
2- . فقه الرضا علیه السلام: 59
3- . فقه الرضا علیه السلام: 59
4- . فقه الرضا علیه السلام: 59

19. فقه الرضا علیه السلام: محمد بن قیس نیز این حدیث را بدین شکل از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

20. فقه الرضا علیه السلام: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس نذر کند با پای پیاده به حج رود، اما در راه از راه رفتن عاجز شود، پس سوار شود و شتری را برای قربانی همراه برد. آنجا که خدا میداند او سعی خودش را به کار برده است.(1)

21. فقه الرضا علیه السلام: رفاعه نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره مردی پرسیدم که از جانب شخصی دیگر حج گزارده که مال و اموالی نداشته، و نذر کرده بود پیاده به حج رود. آیا این حج از حج نذری او کفایت میکند؟ امام فرمود: آری.

22. فقه الرضا علیه السلام: از امام صادق و امام باقر علیهما السلام سؤال شد: زمانی که شخصی قسم یاد کند که سواره به حج نرود یا این که نذر کند که سوار برمرکب به حج نرود، زمانی که خسته شد، سوار شود؟ فرمودند: رسول خدا کسانی را که با پای پیاده به حج می رفتند، بر مرکب خویش سوار می کرد.(2)

23. فقه الرضا علیه السلام: محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام درباره شخصی سؤال کردم که باید پیاده به خانه خدا رود، اما نمی تواند. امام فرمود: سواره به حج رود.(3)

باب سیزدهم : احکام استطاعت و شرائط آن

آیات:

ص: 151

1- . فقه الرضا علیه السلام : 59
2- . فقه الرضا علیه السلام : 60
3- . فقه الرضا علیه السلام : 60

- وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَیْرَ الزّادِ التَّقْوی (1)

{برای خود توشه برگیرید که بهترین توشه پرهیزگاری است. }

- مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلا (2)

{بر کسی که بتواند به سوی آن را ه یابد. }

روایات:

1. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: حج خانه خدا بر کسی که استطاعت و توان داشته باشد واجب است. منظور از استطاعت همان توشه و مرکب (وسیله سفر) و سلامتی است و این که انسان باید چیزی داشته باشد که پس از حج برای خانواده خویش به جا گزارد و همچنین پس از بازگشت از حج نیز چیزی داشته باشد.(3)

2. عیون اخبار الرضا: در نامه ای که امام رضا علیه السلام به مامون نوشته است آمده است: حج خانه خدا بر کسی که استطاعت داشته باشد واجب است. و منظور از استطاعت، توشه راه و وسیله سفر همراه با تندرستی است.(4)

3. علل الشرائع: از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند که فرمود: «وَ لِلَّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلا»(5)

{حج خانه خدا بر کسی که استطاعت داشته باشد واجب است. }سؤال کردند. امام فرمود:مردم چه می گویند؟ راوی گوید به امام گفته شد: توشه راه همراه با وسیله سفر. امام علیه السلام فرمود: از

1- . بقره / 197
2- . آل عمران / 97
3- . الخصال 2: 394
4- . عیون أخبار الرضا ع 2: 124
5- . آل عمران / 97

امام باقر علیه السلام در این باره سؤال کردند. فرمود: مردم هلاک میشوند. اگر برای آنان توشه و وسیله سفر به اندازه سیرکردن شکم باشد که با آن غذای خود را تامین کنند و از دیگر مردم بی نیاز باشند، به سوی حج میشتابند، پس توشه را از آنان غارت می کنند، بنابراین هلاک میشوند. به امام گفتند: منظور از سبیل چیست؟ امام فرمود: داشتن دارایی تا حدی که وقتی به حج رود، قدری را خرج کند و قدری را جهت قوت خانواده خویش باقی گذارد. آیا خداوند دادن زکات را واجب نکرد و پرداخت آن را تنها بر کسی که دویست درهم داشته باشد واجب نمود؟(1)

4. تفسیر العیاشی: این حدیث را نقل کرده است.(2)

5. قرب الإسناد: امام علی علیه السلام می فرمود: ایرادی ندارد که زنی مجرد همراه با قومی صالح و پرهیزکار به حج رود، در صورتی که محرم و همسری نداشته باشد.

6. توحید صدوق: محمد حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که از دنیا رفته و صد هزار درهم از خود به جا گذاشته، در حالی که حج نکرده از دنیا رفته است، آیا می توانسته حج گزارد؟ امام فرمود: آری همانا با مال و سلامتی خویش مستطیع بوده است.(3)

7. توحید صدوق: ابو بصیر نقل کرده است که به امام باقر علیه السلام گفتم: به مردی سفر حج عرضه شد اما شرم کرد، آیا وی کسی است که مستطیع است؟ امام فرمود: آری.(4)

8. توحید صدوق: از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند عزوجل که فرمود: «وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلا»(5)

{برای خدا حج آن

-1 . علل الشرائع: 453
-2 . تفسیر العیاشی 1: 192
-3 . توحید صدوق: 356

4- . توحید صدوق: 356
5- . آل عمران / 97

خانه بر عهده مردم است، البته برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد. } سؤال کردند. امام فرمود: این آیه برای کسی است که دارای مال و تندرستی باشد.(1)

9. توحید صدوق: محبوب بن علاء نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند که فرمود: {برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است، البته برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد. } سؤال کردم. امام فرمود: این درباره کسی است که از مال و سلامتی برخوردار باشد.

10. توحید صدوق: راوی گوید از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند که فرمود: «وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً»(2)

{برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است، البته برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد. } سؤال کردم. امام فرمود: منظور این است که تا آن اندازه مال و دارایی داشته باشد که بتواند به وسیله آن به حج رود. به امام گفتم: برای کسی که حج به اوعرضه شود اما شرم کند چه؟ امام فرمود: او از زمره کسانی است که مستطیع است.(3)

11. توحید صدوق: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به او سفر حج عرضه شود، هر چند سوار بر دراز گوشی دم بریده یا ناقص العضو باشد و از رفتن به حج ابا کند، او در زمره کسانی است که مستطیع است.(4)

12. توحید صدوق: از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند که فرمود: «وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً»(5)

{برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است، البته برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد. } سؤال کردند که

1- . توحید صدوق: 356
2- . آل عمران / 97
3- . توحید صدوق: 356
4- . توحید صدوق: 360
5- . آل عمران / 97

منظور چیست؟ امام فرمود: کسی که از لحاظ جسمی سالم است، راه حج امنیت لازم را دارد، توشه راه و مرکب برایش فراهم است.(1)

13. المحاسن: ابوبصیر نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: شخصی دارای مال و اموال بود، پس مالش از بین رفت؛ سپس حج به او عرضه شد اما شرم کرد که به حج رود. حکمش چیست؟ امام در جواب فرمود: کسی که سفر حج به او عرضه شود، پس از قبول آن شرم کند - هر چند سفر با درازگوشی دم بریده و ناقص العضو باشد - از زمره کسانی است که مستطیع است.(2)

14. المحاسن: عبدالرحیم قصیرنقل کرده است که حفص الاعور از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند که فرمود: «وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً»(3)

{برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است، البته برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد. } سؤال کرد - در حالی که من به سخنان آنان گوش می کردم - امام فرمود: منظور داشتن مال و دارایی و گشایش است. وی خطاب به امام گفت: اگر افراد ثروتمند باشند، مستطیع هستند؟ امام فرمود: آری. ابن سیابه گفت: از امام باقر به ما رسیده است که ایشان می فرمود: در گروه حج گزاران نوشته میشوند. اما امام صادق سخن ابن سیابه را قطع کرد و فرمود: پدرم می فرمود: حج گزاران نوشته میشوند، در شبی که خداوند فرمود: «فِيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيم»(4) {در

آن شب هر گونه کاری به نحوی استوار فیصله می یابد}. قصیر به امام گفت: اگر در آن شب نوشته نشود، مستطیع است؟ امام فرمود: خیر معاذ الله. سپس حفص سخن بر زبان راند و گفت: در هیچ چیز خصم شما نیستم. حقیقت این است.(5)

1- . توحید صدوق: 360
2- . المحاسن: 296
3- . آل عمران / 97
4- . دخان / 4
5- . المحاسن: 295

15. تفسیر العیاشی: از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند که فرمود: «وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً»(1) {برای

خدا حج آن خانه بر عهده مردم است، البته برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد. } سؤال کردند. امام در پاسخ فرمود: این در مورد کسی است که از دارایی و سلامتی برخوردار باشد، اگر آن مال را در راه تجارت به کار اندازد و امروز و فردا کند، پس توانایی حج کردن نیابد، اگر در این شرایط از دنیا رود، یکی از شرایع و واجبات اسلام را ترک کرده است چرا که حج را ترک کرده، در حالی که دارایی لازم جهت سفر به حج را داشته است. اگر کسی وی را فرا بخواند که او را به حج ببرد، اما شرم کند و این کار را انجام ندهد، هیچ راهی ندارد مگر این به راه افتد، هر چند سوار بر درازگوشی ناقص العضو باشد. این همان گفته خداوند سبحان است که فرمود: «وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ»(2)

{و هر کس که کفر بورزد، یقیناً خداوند از جهانیان بی نیاز است. } معاویه بن عمار به امام گفت: اما کسی که حج را ترک کند چه؟ امام فرمود: کفر ورزیده است؛ ایشان فرمود: چرا کفر نورزد، در حالی که یکی از شریعت های اسلام را ترک کرده است! خداوند سبحان می فرماید: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُوماتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِیهِنَّ الْحَجَّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجّ»(3) {حج

در ماههای معینی است. پس هر کس در این ماهها حج را بر خود واجب گرداند، بداند که در اثنای حج همبستری و گناه و جدال روا نیست. } و واجبات حج، لبیک، اشعار، و تقلید است. پس هریک از این ها را انجام دهد، حج را بر خود واجب نموده است. البته تنها در این ماههای خاص است که حج واجب شده است، چنان که باری تعالی فرمود: {حج در ماههای معینی است }.(4)

1- . آل عمران / 97
2- . آل عمران / 97
3- . بقره / 197
4- . تفسیر العیاشی 1: 190

16. تفسیر العیاشی: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند که فرمود: «وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً»(1) {برای

خدا حج آن خانه بر عهده مردم است، البته برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد.} سؤال کردند که منظور کیست؟ امام فرمود: کسی که از لحاظ جسمی سالم است و راه حج امنیت لازم را دارد، توشه راه و مرکب برایش فراهم است،از کسانی است که مستطیع است.(2)

17. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر میتواند مقداری از راه را پیاده رود و مقداری را سواره، پس این کار را انجام دهد.{و هر کس کفر ورزد.} امام فرمود: یعنی ترک کند.(3)

18. تفسیر العیاشی: زید شحام نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند که فرمود: «وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً»(4) {برای

خدا حج آن خانه بر عهده مردم است، البته برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد.}پرسیدم که منظور از راه چیست؟ امام فرمود: این که برای وی تا اندازه ای مال باشد که بتواند با آن به حج رود. به امام گفتم: اگر به او مقداری مال عرضه شود که با آن به حج رود اما شرم کند چه؟ امام فرمود: او از کسانی است که مستطیع است. امام فرمود: اگر می تواند که مقداری از راه را پیاده به حج رود و مقداری را سواره، پس این کار را انجام دهد. به امام گفتم: آیا این سخن خداوند که فرمود:{و هر کس کفر ورزد}آیا درباره حج است؟ امام فرمود: آری، این کفر نعمت هاست. و در خبر دیگر آمده: کسی که ترک کند.(5)

1- . آل عمران / 97
2- . تفسیر العیاشی 1: 192
3- . تفسیر العیاشی 1: 192
4- . آل عمران / 97
5- . تفسیر العیاشی 1: 193

19. تفسیر العیاشی: ابوبصیر نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند سبحان که فرمود: «مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلا» {البته برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد.}پرسیدم. امام فرمود: جهت رفتن به حج به راه افتد. اگر مرکبی ندارد پیاده به حج می رود. به امام گفتم: قادر نیست پیاده به حج رود. امام فرمود: پیاده رود و برخی از راه را سواره به حج رود. به امام گفتم: نمی تواند. امام فرمود: به قومی خدمت کند و همراه آنان به راه افتد.(1)

20. تفسیر العیاشی: عبدالرحمن بن حجاج نقل کرده است که از امام صادق درباره این گفته خداوند که فرمود: «وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً»(2) {برای

خدا حج آن خانه بر عهده مردم است، البته برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد.}سؤال کردم. امام در پاسخ فرمود: سلامتی جسم و داشتن اموال و دارایی. و بنا بر روایت حفص الاعور از امام، منظور داشتن توان جسمی و گشایش در مال است.(3)

21. فقه الرضا علیه السلام: اسحاق بن عمار از موسی بن جعفر علیه السلام پرسید: بر عهده شخصی بود که به حج واجب رود، اما زمانی که خواست به حج رود به وی گفتند: ابتدا ازدواج کن و سپس به حج برو. گفت: اگر قبل از این که به حج روم ازدواج کنم، برده من آزاد است. پس قبل از این که حج گزارد، ازدواج کرد. فرمود: برده او آزاد است. گفتم: در آزادی غلام خود، قصدش قربه الی الله نبوده است. فرمود: وی نذر طاعت و بندگی خدا را کرده است و حج گزاردن شایسته تر و واجبتر از ازدواج است. گفتم: یعنی حج او مستحبی است و نه واجب؟ گفت: اگر حج مستحب هم باشد به نوعی طاعت و بندگی خداست. پس برده اش آزاد است.(4)

ص: 158

1- . تفسیر العیاشی 1: 193
2- . آل عمران / 97
3- . تفسیر العیاشی 1: 193 با قدری تفاوت
4- . فقه الرضا علیه السلام: 59

22. فقه الرضا علیه السلام: امام صادق علیه السلام فرمود: در حج واجب هیچ گونه فرمانبری از زوج نیست و اگر حج واجب باشد، شخص با مال زکات، حج می گزارد.(1)

1. قرب الإسناد: حنان گوید: از امام صادق علیه السلام درباره فردی مسیحی پرسیدم که اسلام آورد و روزهای حج فرا رسید، اما ختنه نکرده است. آیا قبل از این که ختنه کند می تواند به حج رود؟ امام فرمود: خیر، از سنت آغاز کند.(2)

مؤلف: برخی از این اخبار را در باب حج برده و کودک آوردهایم.(3)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 72
2- . قرب الاسناد: 47
3- . قرب الاسناد: 47

باب پانزدهم : پاداش بخشیدن مالی به دیگری برای حج

روایات:

1. الخصال، عیون أخبار الرضا: امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس سه نفر انسان مؤمن را به حج برد، خویشتن را با بهایی از خداوند متعال خریده است، و خداوند از او نخواهد پرسید که مالش را از حلال به دست آورده است یا از حرام. شیخ صدوق در تفسیر این حدیث گفته: منظور امام از این سخن این است که خداوند به خاطر وجود شک و شبهه در مال و دارایی وی از او بازخواست نخواهد کرد و مدعیانش را با عوض دادن، راضی خواهد کرد. (1)

1- . عیون الأخبار1: 257، الخصال 1: 74

باب شانزدهم : وجوب حج در هر سال

روایات:

1. علل الشرائع: امام رضا علیه السلام فرمود: این که رفتن به حج تنها یک بار واجب شده بدین سبب است که خداوند واجبات خویش را بر اساس توان ضعیفترین مردم وضع نموده است، که از آن واجبات، یک بار سفرحج است و سپس خداوند توانگران را به حج گزاردن به اندازه توانشان ترغیب و تشویق نموده است.

شیخ صدوق - رحمه الله - گوید: این حدیث اینگونه نقل شده است. و آنچه که من بدان اعتقاد دارم و به آن فتوا می دهم این است که انجام حج بر اهل جده در هر سال واجب است.(1)

2. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: حج گزاردن بر اهالی جده در هر سال واجب است.(2)

3. علل الشرائع: از یکی از اصحاب ما نقل شده است که فرمود: حج در هر سال بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد واجب است.(3)

4. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در کتابی که نازل کرد فرمود: «وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» فِی كُلِّ عَامٍ «مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً» {برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است، البته برای کسی که بتواند به سوی او راه یابد}.(4)

1- . علل الشرائع: 405
2- . علل الشرائع: 405
3- . علل الشرائع: 405
4- . علل الشرائع: 405

باب هفدهم : حج کودک و برده

روایات:

مؤلف: برخی از اخبار آن پیشتر در باب وجوب حج و فضیلت آن گذشت.

1. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادرش علیه السلام نقل کرده است که از وی درباره برده متمولی سؤال کردم که مولایش به وی اذن رفتن به سفر حج داده، آیا قربانی کردن بر وی واجب است و این کار دارای اجر و پاداش می باشد؟ ایشان فرمود: آری، اگر آزاد شود، دوباره به حج رود.(1)

2. از وی درباره برهنه کردن کودکان برای احرام سؤال کردم که از کجاست؟ ایشان فرمود: پدرم کودکان را از فخ برهنه می کرد.(2)

3. گفت: از امام درباره احرام کودکان سؤال کردم و این که آیا آنان باید همچون مردان از انجام برخی کارها خودداری کنند؟ ایشان فرمود: محرم میشوند و از انجام اموری نهی میشوند که محرم حق انجام آن ها را ندارد و چیزی بر عهده آنان در این باره نیست.(3)

4. قرب الإسناد: فضل بن یونس گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کردم: کنیزکانم همراه من هستند، در حالی که من در مکه هستم، آیا به آنان فرمان دهم که در روز ترویه به حج روند، و آنان را همراه برم تا مناسک و اعمال حج

1- . قرب الاسناد: 104

2- . قرب الاسناد: 105

3- . قرب الاسناد: 105

را شاهد باشند یا این که به آنان اجازه دهم که در مکه بمانند؟ امام به من فرمود: اگر آنان را همراهت ببری بهتر است و اگر آنان را در مکه نزد شخص مطمئنی بگذاری، ایرادی ندارد؛ بر مملوک و برده تا زمانی که آزاد نشده اند، حج و عمره واجب نیست.(1)

5. المحاسن: از امام صادق علیه السلام درباره مردی که برده خویش را در شب عرفه آزاد کرده است سؤال شد. امام فرمود: حج برده از حج واجب او کفایت میکند و برای صاحبش پاداش آزاد کردن بنده و ثواب حج نوشته خواهد شد.(2)

6. نوادر راوندی: امام موسی بن جعفر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر پسر بچه ای ده بار حج گزارد و سپس به سن بلوغ رسد، وجوب حج در صورتی که مستطیع شود بر عهده وی می باشد.(3)

1- . قرب الاسناد:130
2- . المحاسن: 66
3- . نوادر راوندی : 52

باب هجدهم : حج نائب یا داوطلب نیابت از دیگری و حکم کسی که حج نگزارده از دنیا رود یا وصیت به حج کند

روایات:

1. احتجاج: حمیری در نامه ای به ناحیه مقدسه در مورد شخصی سؤال کرد که حیوانی را جهت قربانی برای شخصی که در حج حضور نیافته خریده و آن شخص از وی خواسته که در منی آن را قربانی کند، اما زمانی که خواسته قربانی را ذبح کند، نام آن شخص را فراموش کرده و قربانی را ذبح کرده است و پس از ذبح نام آن شخص به یادش آمده، آیا تکلیف از او ساقط است یا خیر؟ جوابی که به این سؤال داده شد این بود که ایرادی ندارد و تکلیف از صاحبش ساقط است.(1)

2. درباره شخصی سؤال شد که به نیابت از شخص دیگری به حج رود، آیا زمان احرام بستن نیاز دارد که نام شخصی را که به نیابت از وی به سفر حج رفته ذکر کند یا خیر؟ و آیا واجب است که برای کسی که به نیابت از وی به حج رفته و برای خود قربانی کند؟ یا تنها یک قربانی برای وی کافی است؟ به این سؤال جواب دادند که یک قربانی کافی است و اگر این کار را انجام ندهد، ایرادی ندارد.(2)

3. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم موسی بن جعفر علیه السلام درباره شخصی سؤال کردم که یک سوم از حج خویش را برای مرده و دو سوم آن را

1- . الاحتجاج 2: 304
2- . الاحتجاج 2: 305

برای شخص زنده ای قرار داده، آیا قبول است؟ فرمود: برای شخصی که از دنیا رفته آری اما برای فرد زنده خیر.(1)

4. قرب الإسناد: همو گوید: از برادرم علیه السلام درباره قربانی پرسیدم که ذبح کننده اشتباه کرده و نام غیر صاحبش را ذکر میکند، آیا در این صورت تکلیف از صاحب قربانی ساقط است؟ ایشان فرمود: آری، آن چیزی که وی نیت کرده صحیح است.(2)

5. قرب الإسناد: از امام صادق علیه السلام درباره شخصی که وصیت می کند از جانب وی به حج واجب روند، در حالی که از تمام دارایی وی تنها پنجاه درهم باقی مانده است سؤال شد. امام در پاسخ فرمود: به نیابت از وی از میقات های نزدیکی که رسول خدا تعیین کرده است، حج انجام دهند. (3)

6. فقه الرضا علیه السلام: اگر فردی وصیت کند که از جانب وی به حج روند و حج نگزارده باشد، از تمام دارایی اش به نیابت از اوحج گزارند. اگر به سفر حج رفته باشد از یک سوم دارایی اش، و در صورتی که دارایی وی تا اندازهای نباشد که به نیابت از وی از شهر او به حج روند، از هر جایی که فراهم میشود، به نیابت از وی حج گزارند. اگر شخص وصیت کند که یک سوم دارایی اش را در راه حج و آزاد کردن برده و دادن صدقه خرج کنند، وصیت او را انجام می شود. اما اگر یک سوم دارایی اش به اندازه ای نباشد که با آن به حج روند و برده ای را آزاد کنند و صدقه دهند، از حج آغاز کند، چرا که آن واجب می باشد و مابقی را به خواست خدا جهت آزاد کردن برده یا صدقه قرار دهند.(4)

1- . قرب الاسناد: 104
2- . قرب الاسناد: 105
3- . قرب الاسناد: 77
4- . فقه الرضا علیه السلام : 40

7. السرائر: جمیل گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا در هنگام نیاز و ضرورت، شخص می تواند از زکات به حج رود؟ امام فرمود: آری.(1)

8. السرائر: تعدادی از اصحاب ما گفتند: دو سال بعد از فوت ابی جعفر به ابی الحسن علیه السلام(2) گفتیم: مردی در راه سفر به حج از دنیا رفت. او وصیت کرد و گفت: برای من حج بگذار و هر چه باقی ماند، برای خودت باشد. اصحاب در این باره اختلاف نظر پیدا کردند؛ برخی از آنان گفتند: باید از میقاتی حج گزارده شود که چیز بیشتری برای او باقی بماند؛ اما برخی دیگر گفتند: از همان جایی که از دنیا رفته است باید حج را انجام دهند. امام فرمود: از همان مکانی که از دنیا رفته، باید به نیابت از وی حج گزارند.(3)

9. قرب الإسناد: زنی وصیت کرد که یک سوم دارایی خویش را برای صدقه و رفتن به حج به نیابت از وی و آزاد کردن بردهای قرار دهند، اما دارایی وی برای انجام این امور کافی نبود. در این باره از ابو حنیفه و سفیان ثوری سؤال کردند. هر یک از آن دو گفتند:به مردی مراجعه کن که توشهاش در راه حج تمام شده و او را کمک کنو به شخصی که تلاش کرده تا بتواند برده ای را آزاد کند ولی چیزی کم دارد تا بتواند آزاد کند و مابقی را صدقه بده. معاویه بن عمار در این باره از امام صادق سؤال کرد. امام در پاسخ فرمود: از سفر حج آغاز کن، چرا که رفتن به حج واجب است و هر آنچه را که باقی ماند در راه مستحبات قرار ده. این گفته امام به ابو حنیفه رسید و وی از سخن خویش باز گشت.(4)

10. غیبه النعمانی: حازم بن حبیب نقل کرده است که نزد امام صادق علیه السلام رفتم و به ایشان گفتم: خداوند شما را حفظ کند، والدین من هر دو از دنیا رفته

1- . السرائر: 408
2- . ظاهرا منظور امام جواد و امام هادی علیهما السلام هستند.
3- . السرائر: 485
4- . کافی: 7: 19، فقیه: 4: 156، تهذیب: 9: 221، استبصار:4: 135

اند و حج نگزاردهاند. خداوند سبحان رزق و روزی داده و نیکی کرده است. نظر شما درباره حج گزاردن به نیابت از آن دو چیست؟ امام فرمود: این کار را انجام ده، چرا که این امر به آنان آرامش می بخشد.(1)

11. غیبه نعمانی: حازم بن حبیب نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: پدرم که فردی گنگ بود، حج نگزارده از دنیا رفت، و من خواستم که به نیابت از وی به حج روم و صدقه دهم. نظر شما در این باره چیست؟ امام فرمود: این کار را انجام ده، چرا که ثواب آن به وی خواهد رسید.(2)

12. رجال الکشی: فضل بن هاشم هروی گوید: از فزونی تعداد دفعاتی که محمودی به سفر حج رفته، برای من گفته شد. پس از اوسؤال کردم که چند بار حج گزارده است؟ اما وی چیزی بر زبان نیاورد و گفت: الحمدلله به من رزق و روزی فراوانی داده شده. به وی گفتم: برای خود حج می گزاری یا این که به نیابت از دیگران به سفر حج می روی؟ گفت: به نیابت از دیگران. پس از انجام حج واجب، به نیابت از رسول خدا حج گزارده و آنچه که خداوند به من پاداش داده، برای اولیای وی قرار می دهم، و هر آن چه راثوابی از آن نصیب من شود، به مردان و زنان مؤمن می بخشم. به وی گفتم: در حج خویش چه می گویی؟ گفت میگویم: بار خدایا ! من برای رسول تو احرام کردم و پاداش تو و رسولت را به اولیای پاکت می دهم و جزا و پاداش از جانب آنان را به مردان و زنان مؤمنی که به کتابت و سنت پیامبرت باور دارند می بخشم... و تا آخر دعا را خواند.(3)

13. شهید نقل کرده است که در کتاب شیخ محمد بن علی جبعی به خط وی دیدم که امام صادق علیه السلام خطاب به مردی که به نیابت از شخص دیگری حج گزارده فرمود: برای وی ثواب و پاداش ده حج و همچنین آمرزش گناهان وی، پدر،

1- . غیبه النعمانی: 90
2- . غیبهالنعمانی: 91
3- . رجال الکشی: 430

پسر، دختر، برادر، عمه، دایی، و خالهاش نوشته می شود و خداوند گشایشگر کریم است.

14. کتاب زید النرسی: علی بن مزید گفت: مردی ارث و دارایی خویش را به من سپرد و مرا مأمور کرد که به نیابت از وی به حج روم. اما زمانی که از مقدار دارایی وی آگاه شدم، دریافتم که جهت رفتن به حج کافی نیست. در این باره از ابوحنیفه و دیگران سؤال کردم. ایشان گفتند: آن را صدقه بده. زمانی که به حج رفتم، در طواف با عبدالله بن حسن دیدار کردم و در این باره با او سخن گفتم. وی به من گفت: این شخص که در حجر(اسماعیل) ایستاده است، امام صادق علیه السلام است، از ایشان در این باره سؤال کن. علی بن مزید گفت: داخل حجر شدم و امام صادق علیه السلام را زیر ناودان دیدم، در حالی که روی خویش را به سمت کعبه کرده بود و دعا می کرد. سپس نگاه خویش را باز گرداند و مرا دید و فرمود: حاجتت چیست؟ به امام گفتم: جانم به فدایتان! من از اهالی کوفه و از دوستداران شما هستم. امام فرمود: این سخن را رها کن، حاجتت را بگو؟ گفتم: مردی از دنیا رفت و ارث و دارایی خود را به من سپرد و وصیت کرد که از جانب وی حج گزارم، اما زمانی که در مقدار دارایی وی نیک اندیشیدم، دریافتم که آن برای رفتن به حج کافی نیست. پیش از این از کسی در این باره سؤال کردم، به من گفتند که صدقه دهم. امام گفت: چه کار کردی؟ گفتم: صدقه دادم. امام فرمود: ضامن هستی، مگر این که آن مال تا اندازهای نباشد که بتوانی از مکه با آن حج گزاری؛ اما اگر مال به اندازهای باشد که بتوانی از مکه با آن حج بگزاری، پس تو ضامنی، اما اگر دارایی وی تا آن حد نباشد، ضامن نیستی.(1)

15. دعائم الاسلام: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: پدرم مردی کهنسال است و حج نگزارده، آیا میتواند شخصی را جهت رفتن به حج آماده سازد تا به نیابت از وی به حج رود؟ امام فرمود: آری.

-1 . اصل زید النرسی: 48

زنی از قبیله خثعم از رسول خدا پرسید که آیا می تواند از جانب پدرش به حج رود، زیرا پدرش مردی کهنسال است. رسول خدا فرمود: آری این کار را انجام ده. چرا که اگر دینی بر عهده پدرت باشد، تو آن را ادا کردی و کفایت می کند. اگر پیرمرد و پیرزنی زمین گیرشوند، فرزندانشان با استفاده از اموال و دارایی آنان، به نیابت از آنها حج گزارند. پیشتر در کتاب الصوم ذکرکردیم که در صورتی که آن دو قادر به گرفتن روزه نباشند، افطار کنند و هر روز یک فرد مسکین و بیچاره را اطعام دهند. زیرا آن دو چون شخصی هستند که از وی امید نمی رود چیزی را انجام دهد که قبلانتوانسته انجام دهد و شرایط آن دو نیز در این حالت چنین است.(1)

16. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام درباره شخصی که وصیت کرده بود پس از مرگش به نیابت از وی حج واجب گزارند فرمود: اگر هزینه حج را از ثلث اموالش تعیین کرده، باید از یک سوم آن هزینه کنند. اگر مبلغی تعیین نکرده باشد، از اصل مالش خرج کنند. در صورتی که وصیت کرده که به نیابت از وی حج گزارند اما خود حج واجب را انجام داده باشد، از ثلث دارایی وی خرج کنند و مردی به نیابت از وی به حج رود و اجر و پاداش او را بدهند، اما هر آنچه از نفقه باقی بماند، برای کسی است که کسی را برای حج فرستاده است. ایرادی ندارد که شخصی که خود تا کنون به حج نرفته، به نیابت از وی به حج رود، بلکه اگر به حج رفته باشد، برای او بهتر است. زن نمی تواند به نیابت از مرد به حج رود مگر این که غیر از آن زن شخص دیگری جهت انجام حج وجود نداشته باشد و یا این که آن زن از مردان جهت انجام عبادات و مناسک برتر و استوارتر باشد.(2)

17. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام: مردی را از طرف یکی از فرزندانش به حج فرستاده و پس همه آنچه را انجام میدهد را بر او شرط کرده و گفته است: اگر آنچه را شرط کردیم انجام بدهی، برای کسی که از طرف او حج گذاردی

-1 . دعائم الاسلام 1: 336
-2 . دعائم الاسلام 1: 337

حجی است و برای تو به خاطر آنکه به شرط وفا کردی و بدنت را به زحمت انداختی پاداشی است.

18. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که به نیابت از شخص دیگری به حج رود، بر عهده وی است که پس از انجام حج، هر چه قدر که بخواهد، برای خودش عمره و طواف انجام دهد.(1)

19. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود:کسی که به نیابت از دیگری حج میگزارد، به هنگام محرم شدن بگوید: «خدایا من به نیابت از فلانی حج می گزارم، پس از او بپذیر و مرا به خاطرانجام حج وی اجر و پاداش ده»(2)

1- . دعائم الاسلام 1: 337
2- . دعائم الاسلام 1: 337

باب نوزدهم : آداب آماده شدن برای حج و آداب خروج

روایات:

1. الخصال: امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمائه فرمود: اگر خواستید به حج روید، در خرید برخی از لوازم مورد نیاز که شما را در سفر یاری کند، پیشی گیرید، چرا که باری تعالی فرموده است: « وَ لَوْ أَرادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّه »(1)، {اگر

به راستی اراده بیرون رفتن داشتند، قطعا برای آن ساز و برگی تدارک می دیدند. }(2)

2. الخصال: امام باقر علیه السلام فرمود: درباره چهار چیز چانه زنی نمی کنند: خرید قربانی، کفن، برده، و کرایه سفر مکه.(3)

3. الخصال: در آنچه که پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به انجام آن وصیت نمود، همچون حدیث فوق است.(4)

4. امالی صدوق: امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که مالی را از چهار طریق به دست آورد، در چهار جا از وی پذیرفته نخواهد شد: کسی که مالی را از راه اختلاس، ربا، خیانت و سرقت به دست آورد، در زکات، صدقه، حج و عمره از وی

1- . توبه / 46
2- . الخصال 2: 408
3- . الخصال 1: 408
4- . الخصال 1: 166

پذیرفته نخواهد شد؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عز وجل سفر حج و عمره را از مالی که از راه حرام به دست آمده نمی پذیرد.(1)

5. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز در چهار چیز دیگر پذیرفتنی نیست. خیانت، اختلاس، سرقت و ربا، در حج، عمره، جهاد و صدقه پذیرفتنی نیست.(2)

6. المحاسن: امام صادق علیه السلام از پدر خویش نقل کرده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، زمانی که اسباب سفر خود را بر مرکبش قرار داد فرمود: این حجی است که در آن هیچ گونه ریا و شهرت طلبی نیست؛ سپس فرمود: هر کس آهنگ حج کند و در وسایل سفرش حتی یک عَلَم حرام باشد، خداوند حج وی را نخواهد پذیرفت.(3)

7. فقه الرضا علیه السلام: هر گاه قصد سفر حج داشتی، در ماه ذی قعده و ده روز از ماه ذی حجه موهای سرت را بلند کن و خانواده ات را به گرد خود جمع کن و دو رکعت نماز بخوان و خداوند عز و جل را تمجید کن و بر رسول خدا صلوات بفرست و سپس دستانت را به سوی آسمان بالا بر و بگو:«خدایا من امروز دین، جان،دارایی، فرزندان، و تمامی همسایگان و برادران مؤمن خویش را از شاهدان گرفته تا غایبان به تو می سپارم». زمانی که خارج شدی بگو: «با کمک و نیروی الهی خارج می شوم». سپس زمانی که پاهایت را در رکاب قرار دادی بگو: «به نام خدا، به خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله» و چون بر مرکب نشستی و در آن جای گرفتی بگو: «ستایش از آن خدایی است که ما را به سوی اسلام هدایت کرد و با ایمان بر ما منت نهاد و قرآن را به ما آموخت و با فرستاده خویش محمد صلی الله علیه و آله بر

ما منت گذارد. منزه است خدا ! منزه است آن که این وسیله را

1- . امالی الصدوق: 442
2- . الخصال 1: 146
3- . المحاسن: 88

در اختیارمان قرار داد در حالی که ما توان آن را نداشتیم. ما به سوی پروردگار خویش باز می گردیم و ستایش از آن پرودگار جهانیان است». و بر تو باد کثرت استغفار و گفتن تسبیح و لا اله الا الله و تکبیر و فرستادن درود بر محمد و خاندان محمد صلی الله علیه و آله و خوش رفتاری و خوش رویی با کسی که با تو همراه است و فروبردن خشم و کمی سخن گفتن و بر تو باد دوری از نزاع و جر و بحث.(1)

ص: 173

1- . فقه الرضا علیه السلام: 26

باب بیستم : آداب سفر حج بر مرکب ها و غیر آن و آداب مطلق سفر کردن

روایات:

1. معانی الاخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بر حیوانی سوار شود، سپس از آن بر زمین افتد و از دنیا رود، در آتش وارد می شود.

شیخ صدوق - رحمه الله - در تفسیر این حدیث گوید: عبارت فوق بدین معنی است که زمانی که مردم بر ستور و مرکبها سوار می شدند، وقتی یکی از آنان می خواست از مرکبش فرود آید، به علت این که دستش را به رحل و زین نمیگرفت، از مرکب میافتاد. از این رو مردم از این کار نهی شده اند تا مبادا یکی از آنان به طور عمد از مرکب بر زمین افتد و جان دهد و بدین طریق خود قاتل خویش گردد و مستوجب ورود به آتش شود. در واقع باید توجه داشت که این حدیث از سوار شدن بر مراکب نهی نمی کند، بلکه از افتادن بر روی زمین به علت دست نگرفتن به رحل و زین حیوان، نهی می کند. همچنین حدیثی که روایت شده، به این مضمون که هر کس سوار بر مرکب می گردد باید وصیت کند. این امر به معنای خودداری از سوار شدن بر مراکب نیست، بلکه منظور تنها امر به وصیت کردن می باشد، چنان که گفته اند: هر کس به قصد حج یا جهاد به راه افتد، باید وصیت کند و این امر به معنای نهی از جهاد و حج نیست. و مردم تنها بر ستوران بارکش سوار می شدند، و کجاوه ها جدید است و در دوره های گذشته شناخته شده نبود.(1)

1- . معانی الأخبار: 223

مؤلف: اخبار آن در بابهای رکوب و آداب سفر بیان گردید.

2. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: برای کسی که قصد خانه خدا کند اما در وی این سه ویژگی موجود نباشد، اهمیت و اعتنایی نمی باشد: تقوا و پارسایی که وی را از گناهان باز دارد، صبر و شکیبایی که به واسطه آن خشم خویش را کنترل کند و خوش رفتاری با کسانی که با وی همراه و هم سفر هستند.(1)

3. المحاسن: صفوان جمال گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: خانوادهام همراه من هستند و می خواهم به حج روم. آیا نفقه ام را به کمرم ببندم؟ امام فرمود: آری. پدرم می فرمود: حفظ خرجی و هزینه سفر، نشانه توانایی مسافر می باشد.(2)

4. المحاسن: ابویعفور نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ نفقه ای در نزد خداوند محبوب تر از نفقه رفتن به حج نیست، و در نظر او اسراف ناپسند است مگر برای حج یا عمره.(3)

5. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام بر مرکب خویش ده بار به حج رفت و هیچ گاه آن را با تازیانه نزد. یک سال مرکبش زانو زد، اما هرگز با تازیانه آن را نزد و آزار نداد.(4)

6. المحاسن: ولید بن صبیح به امام صادق علیه السلام می گفت: ابو حنیفه هلال ماه ذی حجه را در قادسیه دید و با ما در عرفه حضور یافت. امام علیه السلام دو بار فرمود: نماز وی صحیح نیست.(5)

7. المحاسن: حسین بن ابو العلاء گفت: همراه با بیست و اندی از مردان به قصد مکه به راه افتادیم و در هر مکانی که فرود می آمدیم، برای آنان گوسفندی ذبح می

1- . الخصال: 1: 97
2- . المحاسن: 69
3- . المحاسن: 359
4- . المحاسن: 361

5- . المحاسن: 362. یعنی با این سرعت حرکت نمی توانسته نمازهایش را صحیح و کامل بجا آورد.

کردم. زمانی که نزد امام صادق علیه السلام رفتم، ایشان خطاب به من فرمود: ای حسین، آیا مؤمنان را ذلیل می کنی؟ به امام گفتم: از این امر به خدا پناه می برم. امام فرمود: به من خبر رسیده که تو در هر منزلی گوسفندی برای آنان ذبح میکردی. پس گفتم: قصدی جز خدا نداشتم. فرمود: آیا نمی بینی که در میان آنان اشخاصی هستند که دوست دارند عمل تو را انجام دهند اما توان آن را ندارند، پس احساس حقارت میکنند. پس گفتم: از خداوندآمرزش می طلبم و دیگر به این کار باز نمی گردم. (1)

8. رجال الکشی: امام صادق علیه السلام فرمود: قنبر نزد امام علی علیه السلام آمد و گفت: این شخص حمله دار حج است که آمده و اکنون جلو در خانه است. امام فرمود: خداوند خانه اش را نزدیک نکند. او زیانزننده به حاجیان می باشد، چهارپایان را خسته می کند و حج گزار را میرماند، به نزد او برو و طردش کن. (2)

9. رجال الکشی: نزد امام صادق علیه السلام از ابوحنیفه که حمله دار حج بود سخن به میان آمد که در طی مدت چهارده شب به حج می رود. امام فرمود: او را نماز نیست. (3)

10. اعلام الدین: امام باقر علیه السلام خطاب به برخی از پیروان و شیعیان خویش که قصد سفر داشتند فرمود: هرگز وجبی با پای برهنه راه مرو، شب هنگام از مرکب خویش تنها در حالی فرود آی که پایت در کفش باشد. هرگز درشکاف ها ادرار نکن. هرگز گیاه و یا سبزه ای را مچش و بو مکن، مگر این که بدانی چیست. هرگز از مَشکی آب ننوش مگر این که بدانی در آن چیست، و تنها با کسی که او را می شناسی همراه شو و از کسی که نمی شناسی برحذر باش.

1- . المحاسن: 359
2- . رجال الکشی: 270
3- . رجال الکشی: 270

باب بیست و یکم : مجموعه آداب حج

آیات:

-

لَیْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقی وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُون (1)

{نیکی آن نیست که از پشت خانه ها درآیید، بل که نیکی آن است که کسی که تقوای خدا پیشه کند، و به خانه ها از در ورودی آن ها درآیید و از خداو بترسید، باشد که رستگار گردید.}

- وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ یَعْلَمْهُ اللَّهُ وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَیْرَ الزَّادِ التَّقْوی (2)

{و هر کار نیکی انجام می دهید، خدا آن را می داند، و برای خود توشه برگیرید که در حقیقت بهترین توشه پرهیزگاری است.}

- لَیْسَ عَلَیْکُمْ جُناحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّکُم (3) {بر شما گناهی نیست که در سفر حج از فضل پروردگارتان روزی خویش را بجویید.}

- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تُحِلُّوا شَعائِرَ اللَّهِ وَ لَا الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ لَا الْهَدْی وَ لَا الْقَلائِدَ وَ لَا آمِّینَ الْبَیْتَ الْحَرامَ یَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْواناً وَ إِذا حَلَلْتُمْ فَاصْطادُوا وَ لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوکُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا(4)

1- . بقره / 189
2- . بقره / 197
3- . بقره / 198
4- . مائده / 2

{ای کسانی که ایمان آوردید، حرمت شعائر خدا، ماه حرام و قربانی بی نشان و قربانیهای گردنبند دار و راهیان بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگار خود را می طلبند نگه دارید. و چون از احرام بیرون آمدید، می توانید شکار کنید و البته نباید کینه توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، شما را به تعدی وادارد. }

- ذلِکَ وَ مَنْ یُعَظِّمْ حُرُماتِ اللَّهِ فَهُوَ خَیْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ أُحِلَّتْ لَکُمُ الْأَنْعامُ إِلَّا ما یُتْلی عَلَیْکُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ حُنَفاءَ لِلَّهِ غَیْرَ مُشْرِکِینَ بِهِ {إلی قوله تعالی } وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ لَکُمْ فِیها مَنافِعُ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ مَحِلُّها إِلَی الْبَیْتِ الْعَتِیق (1)

{این است آنچه مقرر شده و هر کس مقررات خدا را بزرگ دارد، آن برای او نزد پروردگارش بهتر است، و برای شما دامها حلال شده است مگر آنچه بر شما خوانده می شود. پس از پلیدی بتها دوری کنید و از گفتار باطل اجتناب ورزید در حالی که گروندگان خالص به خدا باشید،نه شریک گیرندگان برای او. }

تا سخن باری تعالی که فرمود:

{و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت آن حاکی از پاکی دلهاست.برای شما در آن دامها تا مدتی معین سودهایی است، سپس جایگاه قربانی کردن آن ها در خانه کهن [کعبه] است. }

روایات:

1. مصباح الشریعه: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خواستی به حج روی، قبل از عزم بر سفر خویش، قلبت را از مشغولیت، دلواپسی و هرمانعی عاری ساز و تمامی امور خویش را به آفریدگارت واگذار و در حرکات و

1- . حج / 32- 30

سکنات خویش بر خدا توکل کن و در برابر قضا و تقدیر و حکم باری تعالی تسلیم شو و آن را بپذیر. دنیا و آسایش و مردم آن را واگذار و از حق و حقوقی که تو را نسبت به مخلوقات و آفریده ها وابسته می سازد، رها ساز. بر توشه، مرکب، دوستانت، نیرو، جوانی و اموال خود تکیه مکن، چرا که این ترس وجود دارد که آنها دشمن و وبال تو شوند. ایشان فرمود: هر کس ادعای رضایت و خشنودی خداوند را کند اما بر کسی غیر از وی تکیه کند، باری تعالی آن را برایش بسان دشمن و مصیبتی سخت قرار خواهد داد تا این را بداند که برای او و هر شخص دیگر، نیرو و چارهای نیست مگر با یاری و توفیق خداوند. بنابراین به سان کسی که امید بازگشت ندارد، خود را آماده کن، و با همراهان خود به نیکی رفتار کن و زمان فرائض و واجبات باری تعالی و سنتهای پیامبر وی و آنچه که می بایست از ادب، شکیبایی، شکر، شفقت و مهربانی، بخشش و ایثار توشه انجام دهی را به خوبی و همیشه مراعات کن. سپس با توبه خالص گناهانت را بشوی و لباس صدق، صفا، فروتنی و خضوع را بر تن کن و از هر آنچه که تو را از یاد خداوند و طاعت وی باز می دارد دوری کن. و همراه با اجابت و پاسخی خالصانه، صادقانه و پاک برای خداوند در دعایت لبیک بگو، در حالی که به دستگیره ای محکم چنگ می زنی.

قلبت را همراه با فرشتگانی که پیرامون عرش درطوافند همراه ساز، چنان که با دیگر مسلمانان به گرد کعبه به طواف می پردازی. به خاطر فرار از هوای نفس خود و پاک شدن از هر آنچه پیرامون تو توست هروله کن و با خروج به سمت منی از تمامی لغزشها و غفلتهای خود بیرون آی. هرگز آن چیزی را که برای تو حلال نیست و استحقاق آن را نداری،آرزو مکن. در عرفات به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف کن و بار دیگر عهد و پیمان خویش را نزد خداوند با اقرار به وحدانیتش تجدید کن. به خداوند تقرب جوی و در مزدلفه تقوا پیشه کن و روح خود را با بالارفتن از کوه تا ملاء اعلی به اوج رسان. گلوی هوای نفس و طمع ورزی را زمان قربانی کردن

ببر، و شهوات و خساست و پستی و اعمال زشت را موقع رمی جمرات رمی کن. عیوب آشکار و نهان را زمانی که مویت را میتراشی از خود دور کن و هنگام ورود به حرم، خود را در امان و حفظ و پوشش و حمایت خداوند در پیروی از خواستهات قرار ده. کعبه را زیارت کن در حالیکه به والا بودن مقام صاحب آن ومعرفت جلال و شکوه و قدرتش یقین داری. از روی رضایت به قسمت خدا و خضوع و فروتنی در برابر عزتش حجر الاسود را لمس کن و با طواف وداع، با آنچه غیر خداست وداع کن و با ایستادنت بر کوه صفا، روح و قلبت را برای دیدار با خدا، زمانی که با او دیدار میکنی صاف کن و در مروه دارای مروّت از جانب خدا باش و اوصافت در مروه پاک باشد. بر انجام شروط و حجت خویش و همچنین وفا کردن به عهودی که با پرودگارت تا زمان برپایی روز قیامت عهد کرده ای استوار و مقاوم باش. بدان که باری تعالی حج را واجب نکرد، و نسبت به دیگر عبادات آن را عبادتی خاص قرار نداد،چنان که فرمود: «برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است؛ بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد». همچنین پیامبر وی حج را درخلال مناسک و عبادات بر ترتیب آن چه وضع نموده، سنت قرار نداد مگر تنها برای آمادگی و در نظر داشتن مرگ، قبر، رستاخیز و قیامت. و سخن پیشینیان را از آنچه که اهل آن درباره ورود به بهشت ودخول در آتش، با مشاهده مناسک و آیین حج بیان داشته اند، از ابتدا تا انتها برای خردمندان تفصیل نمود.(1)

2. مجالس الشیخ: در محضر امام باقر علیه السلام از مردی یاد کردند. امام فرمود: اگر مردی از راه حرام مالی به دست آورد، حج و عمره و صله رحم از آن مال پذیرفته نمی شود و حتی باعث فساد و تباهی ناموس می گردد.(2)

1- . مصباح الشریعه: 17 -16

2- . مجالس شیخ: 2: 293

باب بیست و دوم : میقاتها و حکم کسی که احرام را از میقات، عقب یا جلو اندازد

روایات:

1. الاحتجاج: حمیری در نامه ای که به حضرت قائم علیه السلام می نویسد، در آن درباره مردی سؤال می کند که همراه وی بعضی افرادند که وی همواره با آنها حج میگذارد و ایناناز مسلخ احرام نمی بندند، پس آیا برای این مرد جایزاست که احرام خویش راتا ذات العرق به تاخیر اندازد و با آنان احرام بندد، زیرا از شهرت - به دوستی اهل بیت - می ترسد؟ یا این که برای وی جایز نیست مگر این که از مسلخ احرام بندد؟ به این سؤال پاسخ داده شد که وی از میقات خویش احرام بندد، لباس خود را بر تن کند و آهسته لبیک بگوید و زمانی که به میقات آنان رسید، (لبیک را) آشکار کند.

2. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از برادر خویش علیه السلام درباره احرام اهل کوفه و خراسان و مناطق همجوار آن، اهالی سند و مصر سؤال کردم که از کجاست؟ ایشان فرمود: احرام اهالی عراق از عقیق ذی الحلیفه و اهالی شام از جحفه، اهالی یمن از قرن المنازل، اهالی سند از بصره و یا همراه با مردم بصره می باشد.(1)

1- . قرب الاسناد: 104

3. و نیز گوید: درباره برهنه کردن خردسالان در احرام سؤال کردم که از کجاست؟ ایشان فرمود: پدرم آنان را از فخ برهنه می کرد.(1)

4. و همچنین گوید: از ایشان درباره مردی سؤال کردم که بستن احرام را ترک کرده تا این که به حرم رسیده است. حال باید چه کند؟ ایشان فرمود: به میقات اهل سرزمین خویش بازگردد و از آن جا که آنان محرم میشوند، وی نیز از آنجا احرام ببندد.(2)

5. و همچنین گوید: از ایشان درباره شخصی سؤال کردم که احرام بستن را رها کرده تا این که به حرم رسیده، آیا باید قبل از این که به حرم داخل شود احرام ببندد؟ ایشان در پاسخ فرمود: اگر این عمل خویش را از روی عدم آگاهی انجام داده، پس باید حتما مکان خویش را تعیین کند تا قضای آن را به جا آورد؛ این امر به خواست خدا برایش مجزی است و اگر به میقاتی بازگردد و از همان جایی احرام ببندد که اهالی بلاد وی از آن جا احرام می بندند، بهتر است.(3)

6. و گوید: از وی درباره حج تمتع سؤال کردم که احرام آن و همچنین بستن احرام برای حج از کجاست؟ ایشان فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای اهل عراق وادی عقیق را میقات قرار داد و برای اهل مدینه و مناطق نزدیک آن شجره و برای اهالی شام جحفه و برای اهالی طائف قرن المنازل و برای اهل یمن، یلملم را میقات قرار داد. بنابراین کسی حق ندارد از این میقات ها به غیر آن روی گردان شود.(4)

7. قرب الإسناد: ابن رئاب گوید: از امام صادق علیه السلام درباره میقات هایی که رسول خدا برای مردم تعیین کرده است سؤال کردم. ایشان در پاسخ فرمود: رسول خدا برای اهل مدینه ذالحلیفه را که همان شجرهاست میقات قرار

1- . قرب الاسناد: 104
2- . قرب الاسناد: 106
3- . قرب الاسناد: 105
4- . قرب الاسناد: 107

داد و برای اهل شام جحفه، اهالی یمن قرن المنازل و برای اهل نجد عقیق را میقات قرار داد.(1)

8. قرب الإسناد: ابن بکیر نقل کرده است که همراه گروهی از اهالی سرزمین خود عازم حج شدیم، و آنان خواستند که قبل از این که به عقیق برسند احرام بندند، اما من مانع شدم و گفتم: بستن احرام تنها از میقات است؛ سپس ترسیدم که مبادا آب نیابیم، پس چاره ای ندیدم جز این که با آنان احرام بندیم. وی گفت: نزد امام صادق علیه السلام رفتیم و ضریس بن عبد الملک خطاب به وی گفت: این شخص پنداشته که بستن احرام تنها ازعقیق مجاز است. امام فرمود: درست گفته. سپس فرمود: رسول خدا برای اهالی مدینه ذو الحلیفه، برای اهل شام جحفه، برای اهالی یمن قرن المنازلو برای مردم نجد عقیق را میقات قرار داده است.(2)

9. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: بستن احرام قبل از رسیدن به میقات سزاوار نیست، همچنین تاخیر از آن میقات جز برای بیمار یا به خاطر تقیه جایز نیست.(3)

10. عیون أخبار الرضا: امام رضا علیه السلام فرمود:وقتی هلال ماه ذی حجه پدیدار شود و ما در مدینه باشیم، نمی توانیم برای حج احرام بندیم، زیرا که ما از شجره احرام می بندیم که آن همان میقاتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین کرده است. شما وقتی از عراق بیایید و هلال پدیدار شود، میتوانید عمره به جا آورید زیرا که ذات عرق و غیر آن که در مقابل شماست، از مکانهایی است که رسول خدا به عنوان میقات تعیین کرده است. در این اثنا فضل به امام گفت: پس من که طواف کردهام می توانم متمتع شوم؟ امام فرمود: آری. محمد بن جعفر این سخن امام را به سفیان بن عیینه و یاران سفیان منتقل ساخت

1- . قرب الاسناد: 76
2- . قرب الاسناد: 81
3- . الخصال 2: 394

و به آنان گفت: فلان شخص به من چنین و چنان گفت و سپس او از ابی الحسن علیه السلام بدگویی کرد.(1)

11. عیون أخبار الرضا: در نامه ای که امام رضا علیه السلام به مامون نوشت آمده است: بستن احرام قبل از میقات جایز نیست.(2)

12. علل الشرائع: از امام صادق علیه السلام سوال شد: به چه علت رسول خدا از شجره احرام بست و از جای دیگر قبل از آن احرام نبست؟ امام فرمود: زیرا زمانی که ایشان را شبانه به معراج بردند و در مقابل شجره قرار گرفت، فرشتگان به گرد بیت المعمور، روبروی مکانهایی که همه به جز شجره میقات بودند، می چرخیدند. زمانی که پیامبر در مکانی که روبروی شجره بود قرار گرفت، ندایی آمد که ای محمد! پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داد: لبیک. ندا آمد: آیا تو را یتیم نیافتم و پناه دادم؟ آیا تو را گمراه نیافتم و هدایت کردم؟ پیامبر فرمود: حمد و نعمت و فرمانروایی از آن توست، هیچ شریکی برای تو نیست، لبیک. از این رو تنها از شجره و نه مکانهای دیگر احرام بست.(3)

13. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: بدان که از تمامیت حج و عمره این است که از میقاتهایی احرام بندی که پیامبر صلی الله علیه و آله تعیین کرده است. از آنها جز با حالت احرام عبور نکن. ایشان برای اهالی عراق بطن العقیق را میقات قرار داد، با وجود آن که در آن روز بطن العقیق از طرف عراق نبود و برای اهل طائف قرن المنازل، برای اهل مغرب، جحفه را که نزد ما مهیعه نوشته شده، برای مردم مدینه ذو الحلیفه و برای مردم یمن یلملم را میقات قرار داد. هرکس خانه اش بعد از این میقات ها به سمت مکه قرار گرفته باشد، منزلش میقات وی می باشد.(4)

ص: 184

1- . عیون الاخبار 2: 15
2- . عیون الأخبار 2: 124
3- . علل الشرائع: 433
4- . علل الشرائع: 434

14. علل الشرائع: ایوب خزاز گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: درباره عقیق برایم صحبت کن که آیا میقاتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین کرده یا این که مردم از نزد خود آن را ساخته اند؟ امام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای اهل مدینه ذو الحلیفه، برای اهل مغرب (شام) جحفه - که نزد ما مهیعه نوشته شده - برای اهل طائف قرن المنازل و برای مردم نجد عقیق را میقات قرار داد.(1)

15. علل الشرائع:معاویه بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مادرم همراه من است درحالی که بیمار است. امام فرمود: به وی بگو در پایان میقات محرم شود، چرا که رسول خدا برای اهل مدینه ذو الحلیفه، برای اهل مغرب (شام) جحفه را میقات قرار داد. وی گفت:پس مادرم از جحفه احرام بست.(2)

16. علل الشرائع: ابراهیم کرخی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که برای انجام حج در غیر از ماههای حج و میقات هایی که رسول خدا تعیین کرده، احرام بسته است؟ امام فرمود: احرام وی قابل اعتنا نیست، اگر تمایل دارد که به منزل خویش باز گردد، می تواند و من بر بازگشت وی ایرادی نمی بینم؛ اگر دوست دارد به راه خویش ادامه دهد، این کار را انجام دهد. وقتی به میقات رسید از همان جا محرم شود و آن را به عنوان عمره قرار دهد، چرا که این امر بهتر از بازگشت وی می باشد، زیرا که او محرم شدن برای حج را اعلام کرده است.(3)

17. معانی الأخبار: عبدالله بن عطاء گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: مردم از حضرت علی علیه السلام نقل می کنند که فرموده است: بهترین احرام آن است که در همان محل سکونت محرم شوی. امام باقر علیه السلام انکار کرد و

1- . علل الشرائع : 434
2- . علل الشرائع: 455
3- . علل الشرائع: 455

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ساکن مدینه بود و میقات او «ذوالحلیفه» بود، و بین این دو، شش میل فاصله است و اگر این، فضیلت بود، حضرت می بایست از مدینه محرم می گشت. این در حالی است که امام علی علیه السلام می فرمود: تا میقات خود، از لباس خود بهره جویید. (1)

18. المحاسن: میسر گوید: در حالی که رنگم پریده بود، بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. فرمود: از کجا احرام بستی؟ گفتم: از فلان مکان. - مکانی که از میقات های معروف و شناخته شده نبود. - فرمود: چه بسا خواستار خیری که پایش بلغزد. سپس فرمود: خوشحالی که نماز ظهر را در سفر چهار رکعت بخوانی؟ گفتم: خیر. فرمود: آن کار تو مانند این است. (2)

19. فقه الرضا علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم عراق عقیق را میقات قرار داد که اول آن مسلخ، وسط آن غمره و آخرش ذات عرق می باشد و اول آن افضل است. همچنین رسول خدا برای مردم طائف قرن المنازل، برای اهل مدینه ذو الحلیفه - که همان مسجد شجره می باشد - برای اهل یمن یلملم و برای اهالی شام مهیعه - که همان جحفه است - را میقات قرارداد. هر کس که خانه اش بعد از میقاتهای فوق - میان این میقات ها و مکه - باشد، بایستی از منزل خویش احرام بندد. همچنین بستن احرام قبل از رسیدن به میقات و پس از آن، جز به سبب بیماری یا تقیه جایز نیست. اگر شخص بیمار باشد یا این که تقیه پیشه کند، ایرادی ندارد که بستن احرام را تا ذات عرق به تاخیر اندازد.(3)

20. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: احرام از میقات هایی است که رسول خدا تعیین کرده است و پنج جا است؛ پیامبر برای مردم مدینه ذو الحلیفه - مسجد شجره - برای اهل شام جحفه، برای مردم یمن یلملم، برای مردم

1- . معانی الأخبار: 382
2- . المحاسن: 223
3- . فقه الرضا علیه السلام: 26

طائف قرن المنازل، و برای مردم نجد عقیق را میقات قرار داده است. این میقات ها برای مردمی است که در این مکانها زندگی می کنند و برای کسانی است که از بلاد دیگر آمده اند، بدین جهت که از اینها عبور میکنند. (1)

21. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: تمامیت حج و عمره به آن است که از میقات هایی احرام بندی که رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین کرده است. برای کسی سزاوار نیست که قبل از میقات احرام بندد، و اگر کسی قبل از میقات احرام بست و چیزی که احرامش را باطل می کند برایش پیش آمد، چیزی برعهده وی نیست، تا این که به میقات رسد و محرم شود. (2)

22. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس خوف از دست دادن ماه جهت عمره را داشته باشد، بر اوست که قبل از رسیدن به میقات احرام بندد. اگر در ماه رجب به قصد عمره به راه افتد و بداند که برای احرام به میقات نمی رسد، احرام را رها نکند تا این که برسد. در غیر این صورت عمره وی در ماه شعبان اتفاق می افتد. اما قبل از رسیدن به میقات احرام بندد تا عمره او در رجب باشد،چرا که ماه رجب بهتر بوده و همان است که قصد و نیت داشته است. (3)

23. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام درباره شخصی که بعد از مسجد شجره حرکت کرده است فرمود: از جایگاهی که میان مسجد شجره و جحفه قرار دارد محرم شود. (4)

24. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که به میقات آید و فراموش کند یا نداند که باید احرام بندد و از آنجا به سمت مکه عبور کند و سپس این امر را دریابد، اگر زمان و مهلت و همچنین توان بازگشت به میقات را داشته باشد، باز گردد و از آنجا احرام بندد. اما در صورتی که ترس از دست دادن

-1 . دعائم الاسلام 1: 297
-2 . دعائم الاسلام 1: 297
-3 . دعائم الاسلام 1: 297

4- . دعائم الاسلام 1 : 298

زمان انجام حج را داشته باشد و نتواند از جایگاه خویش باز گردد، پس اگر در مکه باشد و بتواند از حرم خارج شده و از بیرون حرم احرام بندد و سپس با حالت احرام وارد حرم شود، این کار را انجام دهد؛ در غیر این صورت، از همان مکان خویش احرام بندد.(1)

25. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که منزلش نسبت به مواقیت به مکه نزدیکتر باشد، از منزل خویش احرام بندد و بر وی واجب نیست که به سوی میقات به راه افتد.(2)

26. دعائم الاسلام: امام علی علیه السلام فرمود: از تمامیت حج و عمره این است که در همان محل سکونت محرم شوی. البته این امر برای کسی است که خانهاش بعد از میقات به طرف مکه باشد.(3)

27. الهدایه: اگر به یکی از میقاتهایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین کرده است رسیدی،(احرام ببند) رسول خدا برای اهل طائف قرن المنازل، برای مردم شام جحفه، برای مردم مدینه، ذو الحلیفه یعنی همان مسجد شجره و برای مردم عراق، عقیق را میقات قرار داد. ابتدای عقیق مسلخ، وسط آن غمره و پایان آن ذات عرق قرار دارد. سزاوار نیست که احرام را جز به خاطر بیماری، تا آخرین میقات به تاخیر انداخت؛ بلکه بستن احرام در ابتدای آن بهتر است.(4)

1- . دعائم الاسلام 1: 298
2- . دعائم الاسلام 1: 298
3- . دعائم الاسلام 1: 298
4- . الهدایه: 55- 54

باب بیست و سوم : ماههای حج و بلند کردن موها برای انجام حج

آیات:

- الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومات (1)

{حج دارای ماههای معینی است. }

روایات:

1. الخصال: امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از میان ماهها، چهار ماه را برگزید؛ رجب، شوال،ذی قعده وذی حجه.(2)

2. معانی الأخبار: زراره گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند که فرمود: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومات»(3) {حج در ماههای معینی است. }سؤال کردم که منظور چیست؟ امام در پاسخ فرمود: منظور ماه شوال، ذی قعده، ذی حجه است. در خبر دیگری از امام نقل شده که تنها ماه برای انجام عمره، رجب می باشد.(4)

3. قرب الإسناد: امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: هر کس قصد حج کند، وقتی که ده روز از ماه شوال گذشت، دیگر مویش را کوتاه نکند.(5)

1- . بقره / 197
2- . الخصال 1: 153
3- . بقره / 197
4- . معانی الأخبار: 293
5- . قرب الاسناد: 104

4. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که به قصد حج به راه افتادی، موهایت را در ماه ذی قعده و ده روز از ماه ذی حجه بلند کن.(1)

5. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومات»(2) {حج

در ماههای معینی است.} فرمود: منظور شوال، ذی قعده و ذی حجه است.(3)

6. تفسیر العیاشی: زراره از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که امام در تفسیر این آیه «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومات»(4) {حج

دارای ماههای معینی است.} فرمود: منظور ماه شوال، ذی قعده و ذی حجه است، و کسی نمیتواند در ماههای دیگر برای انجام حج احرام بندد.(5)

7. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این آیه که فرمود: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومات»(6) {حج

در ماههای معینی است.} فرمود: هلالها.(7)

8. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند که فرمود: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُوماتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَج»(8) {حج در ماههای معینی است، و هر کس در این ماهها حج را بر خود واجب کرد.} فرمود: منظور از فرض، وجوب حج، گفتن لبیک، اشعار، و تقلید است. پس هر یک را که انجام دهد، حج را بر خود واجب ساخته و حج واجب نمیشود مگر در همین ماههایی که خداوند فرمود: {حج در ماههای معینی است.} که این ماهها شوال، ذی قعده و ذی حجه هستند.(9)

1- . فقه الرضا علیه السلام : 26
2- . بقره / 197
3- . تفسیر العیاشی 1: 94
4- . بقره / 197
5- . تفسیر العیاشی 1: 94

6- . بقره / 197
7- . تفسیر العیاشی 1: 94
8- . بقره / 197
9- . تفسیر العیاشی 1: 94

باب بیست و چهارم : احرام و مقدمات آن از غسل و نماز و غیر آن

روایات:

1. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا غسل در چهارده مورد است: غسل میّت و غسل جنب و غسل کسی که میّت را غسل داده و غسل جمعه و غسل عید فطر و قربان و غسل روز عرفه و غسل احرام و غسل ورود به کعبه و غسل ورود به مدینه و غسل ورود به حرم و غسل زیارت، غسل شب نوزدهم و شب بیست و یکم و بیست سوم ماه رمضان. (1)

2. الخصال: امام باقر علیه السلام فرمود: غسل در هفده مورداست... تا بدین جا رسید که فرمود: زمان ورود به حرمین، روز احرام، روز زیارت، روز ورود به کعبه، روز ترویه، روز عرفه.(2)

مؤلف: در باب غسل طهارت، همه احکام آن بیان شده است.

3. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: از جمله غسلها: غسل جنابت، غسل حیض، غسل میت، غسل ورود به مکه، غسل ورود به مدینه، غسل زیارت، غسل احرام و غسل روز عرفه.(3)

4. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که وارد مسجد شجره شدی، آن را بر خود واجب کن. خطاب به امام گفتم: چه چیز واجب است؟ امام

1- . الخصال 2: 271

2- . الخصال 2: 284

3- . الخصال 2: 391- 390

فرمود: دو رکعت نماز می خوانی و سپس می گویی: «خدایا می خواهم عمره تمتع گزارم، پس هر جا که از رفتنم بازداشتی، مرا به آن تقدیرت که بر من مقدر ساختی از احرام در آور، سپس زمان که به میل آمدی، لبیک گو.»(1)

مؤلف: بعضی اخبار مربوطه در باب انواع حج و واجبات آن گذشت.

5. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند مسجدالحرام را به خاطر کعبه، حرام قرار داد و حرم را به خاطر مسجدالحرام و احرام را به خاطر حرم واجب کرد.(2)

6. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی بنی اسرائیل قربانی خود را آماده می کردند آتشی پدیدار می شد و قربانی هر کسی را که مورد قبول واقع شده بود می خورد. آنگاه خداوند متعال احرام را به جای آن گونه قربانی قرار داد.(3)

مؤلف: برخی از احکام مربوط به احرام همچون اشتراط وغیر آن در باب انواع حج بیان شد.

7. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که به میقات رسیدی غسل کن یا وضو بگیر و لباس احرام را بر تن کن. سپس شش رکعت نماز بخوان و در رکعت اول آن سوره حمد و «قل هو الله احد» و در رکعت دوم حمد و سوره، «قل یا ایها الکافرون»، را تلاوت کن. پس اگر زمان نماز واجب فرارسید، این شش رکعت نماز را قبل از نماز واجب بخوان و سپس نماز واجب را ادا کن.(4)

8. روایت شده است که بهترین زمانی که انسان محرم می شود، پس از نماز واجب است و پس از پایان آن احرام بندد تا عملش بهتر باشد. سپس در رکعت اول آن، زمانی که نماز واجب خود را ادا کردی، دستانت را بالا بر وخداوند را بسیار

1- . قرب الاسناد:58
2- . علل الشرائع: 415

3- . علل الشرائع: 415
4- . فقه الرضا عليه السلام: 26

ستایش کن و بر محمد و خاندان وی بسیار درود فرست و بگو: خدایا ! من می خواهم طبق کتاب تو و سیره پیامبرت با عمره تمتع، حج گزارم، پس اگر مانع و مشکلی مرا از انجام حج واداشت، همان جایی که در تقدیر قرار داده ای مرا از احرام خارج ساز. بار خدایا ! اگر امکان حج نصیبم نشد، پس انجام عمره را برایم میسر کن. سپس آهسته همان چهار تلبیه ای را که واجب هستند ادا می کنی.(1)

9. السرائر: امام باقر یا صادق علیهما السلام فرمود: غسل روزت برای شبت و غسل شبت برای روزت کفایت می کند.(2)

10. الهدایه: زمانی که به میقات رسیدی غسل کن و دو لباس احرام را بر تن کن و پس از غسل سرت را نپوشان و غذایی را که در آن بوی خوش باشد نخور. ایرادی ندارد که در هر زمانی که به میقات رسیدی احرام بندی، اما اگر پس از ادای نماز واجب محرم شوی بهتر است، و اگر وقت نماز واجب نبود، دو رکعت نماز احرام را ادا کن و در رکعت اول پس از سوره فاتحه، سوره توحید «قل هو الله احد» و در رکعت دوم پس از سوره فاتحه، سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخوان. اگر زمان ادای نماز واجب رسیده باشی، دو رکعت نماز احرام را ادا کن و سپس نماز واجب را بخوان و پس از آن احرام بند. زمانی که از نماز خویش فراغت یافتی خدا را شکر و ثنا کن و بر رسول خدا و خاندان وی درود فرست و سپس بگو: «پروردگارا، می خواهم به طریق کتاب و سنت پیامبرت بدان چه از انجام عمره و حج تمتع امر کرده بودی، عمل کنم؛ اگر برایم مشکلی پیش آمد که مرا از رفتن باز داشت، مرا بر آن تقدیرت که بر من مقدر داشتی از احرام در آور؛ بار خدایا، اگر انجام حج برایم میسر نشد، پس عمره را برایم میسر کن. مو، پوست، گوشت، خون، مغز و پی خود را از زنان، لباس و بوی خوش برای تو بر خود حرام می کنم، در حالی که از این طریق خشنودی تو و سرای آخرت را خواهانم.» یک بار گفتن این عبارت در وقت تلبیه گفتن، برای احرام کافی

1- . فقه الرضا علیه السلام: 26
2- . السرائر:482

است. سپس برخیز و با آرامش حرکت کن، زمانی که زمین زیر پاهایت - چه در حالت سواره و چه پیاده - یکسان شد، بگو: لبیک، خدایا لبیک ! لبیک، تو شریکی نداری لبیک. همانا ستایش، نعمت و پادشاهی از آن توست.شریکی نداری، لبیک.

این چهار لبیک از واجبات است که آن را آهسته ادا میکنی، پس میگویی: لبیک ای صاحب والایی ها، لبیک ای فرا خواننده به خانه امن، ای آمرزنده گناهان لبیک ! لبیک، از تو بیم دارند و به تو مشتاقند. لبیک،تو آغازگری و بازگشت انسانها به سوی توست. لبیک، تو بی نیازی و ما به تو نیازمند. لبیک ای شایسته تلبیه. لبیک ای صاحب جلال و اکرام لبیک.لبیک ای خدای آفریدگان لبیک. لبیک ای صاحب نعمت ها و دارای فضیلت نیکو و زیبا. لبیک ای برطرف کننده گرفتاری های بزرگ. لبیک منم بنده ات و فرزند دو بنده ات ای بزرگوار لبیک. لبیک، به وسیله محمد صلی الله علیه و آله و خاندان ویعلیهم السلام به تو تقرب می جویم، لبیک. این عمره حج تمتع برای توست لبیک. تمام کردن و رساندن آن بر توست، لبیک.

این عبارات را پس از ادای هر نماز واجب و مستحب، زمانی که مرکبت بر می خیزد، هنگامی که به بلندی می رسی یا به سوی وادی سرازیر می شوی، یا به سواره ای برخورد می کنی، یا زمانی که از خواب بر می خیزی، یا سوار بر مرکبت می شوی یا از آن پایین می آیی، در زمان سحر می گویی و هر چه بیشتر و تا می توانی بلند و آشکار گو. اگر برخی از این لبیک ها را نگویی بر تو ایرادی وارد نیست اما گفتن آنها بهتر است. بدان که گفتن چهار لبیکی که در ابتدا بود فریضه می باشد، چرا که این چهار لبیک توحیدند، و پیامبران نیز با گفتن آنان لبیک گفتند. ذی المعارج را زیاد بگو، زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز آن را زیاد میگفت. زمانی که به حرم رسیدی از چاه میمون(1) یا فخ(2) غسل کن، اما اگر از منزلت در مکه غسل کردی ایرادی ندارد.

ص: 194

1- . چاهی در نزدیکی مکه است که حدود یک فرسخ یا قدری بیشتر با آن فاصله دارد.
2- . چاهی در نزدیکی مکه که حدود یک فرسخ با آن فاصله دارد.

ورود به مکه

تلاش کن که با غسل وارد مکه شوی، زمانی که به خانه های مکه نگاه کردی لبیک گفتن را ترک کن. حد خانه های مکه، عقبه اهل مدینه یا موازی آن است. هر کس راه مدینه را در پیش گیرد زمانی که به عریش مکه - عقبه ذی طوی - نگاهش افتاد، لبیک گفتن را قطع کند.(1)

11. دعائم الاسلام: امام باقر علیه السلام درباره این آیه قرآن که فرمود: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُوماتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِیهِنَّ الْحَجَّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَج»(2) {حج در ماههای معین است پس هر کس در این ماهها حج را بر خود واجب گرداند، بداند که در اثنای حج همبستری و گناه و جدال روا نیست. } فرمود: منظور از ماههای معلوم، شوال، ذی قعده و ذی حجه است که در غیر از این ماهها، حج واجب نمی باشد.فرض شدن حج، لبیک گفتن،اشعار، و تقلید می باشد. پس هر کس که قصد حج کند و یکی از این امور را انجام دهد، حج را واجب کرده است. منظور از رفث، جماع (همبسترشدن)، فسوق (فحش) و جدال، گفتن عبارت «لا والله، بلی والله» و مفاخره (فخر فروختن) می باشد.(3)

12. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام از پدرش روایت کرده است که زمانی که پیامبر خدا حجه الوداع را انجام داد، وقتی به مسجد شجره رسید به مردم دستور داد موهای زیر بغل و شرمگاه خود را بزدایند و غسل کرده و لباس خود را از تن درآورند و سپس دو لباس احرام را بپوشد. یکی را بر کمرش ببندد و دیگری را بر پشتش بیاندازد.(4)

1- . الهدایه: 56- 54
2- . بقره / 197
3- . دعائم الاسلام 1: 298
4- . دعائم الاسلام 1: 298

13. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که قصد احرام کند، موی سبیل و ناخنهایش را کوتاه کند، البته ایرادی ندارد که از کدام یک شروع کند، اما بهتر است فراغ وی از آن، زمان زوال خورشید باشد. اگر بتواند، این زمان بهترین وقت جهت بستن احرام است، و اگر در هر زمان دیگری از روز یا شب احرام ببندد، ضرری بر وی وارد نیست.(1)

14. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام درباره زنان حائض و نفساء فرمود: همچون دیگران غسل کنند و لباس احرام بر تن کنند و هر کس قبل از رسیدن به میقات غسل کند، آن غسل از غسل احرام مجزی است.(2)

15. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام کسی را که قصد احرام کرده، از زدن عطری که بوی آن پس از احرام باقی بماند، و همچنین از این که محرم در حال احرام عطر به خود زند، یا پیراهن، شلوار، عمامه، شب کلاه، چکمه، جوراب ودستکش، نقاب و لباس دوخته پوشد، نهی کرده اند، همچنین از این که محرم سرش را بپوشاند. زن در احرام باید لباس بپوشد و سرش را بپوشاند. ولی لباس احرام را بر صورتش نیندازد و پارچهای روی سرش بیندازد. همچنین زن و شکار، تراشیدن مو و گرفتن ناخن و کشتن یا انداختن شپش و مانند آن از بدن یا لباس بر محرم حرام می باشد.

16. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بخواهد احرام کند، پس نماز بخواند و اگر نمازش را در زمانی که باید خوانده، پس از نمازش احرام ببندد و بعد از آن اگر خواست، نماز مستحب بخواند. اگر نماز مستحب را بعد آن خوانده، احرام ببندد و اگر در وقت نماز نباشد، نماز مستحب بخواند و محرم شود و سزاوار نیست که بدون خواندن نماز محرم شود، مگر این که نداند یا عذری داشته باشد. و

1- . دعائم الاسلام 1: 298
2- . دعائم الاسلام 1: 299

کسی که محرم شده و نماز نخوانده، چیزی بر عهده او نیست جز این که فضیلتی را ترک کرده است.(1)

17. دعائم الاسلام: امام علیه السلام فرمود: وقتی که محرم قصد احرام کرد، نیت کند و برای آنچه که برایش از حج یا حج مفرده یا عمره مفرده احرام می بندد، اگر همراه وی قربانی باشد، بگوید: خدایا! من می خواهم با عمره تمتع حج گزارم. یا بگوید: خدایا من می خواهم که حج را با عمره قرین سازم؛ و در صورتی که حج افراد باشد بگوید: من می خواهم به حج عمره روم؛ و اگر عمره گزار باشد می گوید: خدایا می خواهم طبق کتاب تو و سیره پیامبرت عمره انجام دهم. ای خدا و ای بیرون آورنده من از احرام، آنگاه که مرا با تقدیرت که بر من مقدر کردی، از ادامه عملم بازداشتی. پروردگارا من را بر این امر یاری رسان و آن را بر من آسان ساز و بپذیر. سپس هر دعایی را که خود دوست دارد می خواند و اگر آنچه را که از حج و عمره می خواهد انجام دهد، تنها نیت کند، بدون آن که بر زبان آورد، همان برایش کفایت می کند.(2)

18. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: برترین نوع حج، حج تمتع است و این همان حجی است که در قرآن آمده است. و رسول خدا نیز از فضیلت آن سخن گفته اند. آن حضرت در حجه الوداع همراه خود قربانی آورده بود. هنگامی که به مکه رسید و به گرد خانه خدا طواف کرد و میان صفا و مروه سعی کرد: بر او نازل شد، آنچه نازل میشد. پس فرمود: اگر قرار بود من آنچه را تاکنون انجام داده ام، انجام میدادم، با خود قربانی نمیآوردم و این را عمره قرار می دادم. هر کس که قربانی نیاورده، از احرام بیرون آید. پس مردم از از احرام بیرون آمدند و آن را عمره قرار دادند، جز کسانی که قربانی همراه داشتند. سپس در روز ترویه جهت انجام حج، از مسجدالحرام محرم شدند و این حج تمتع برای کسانی است که اهل حرم نباشند، آن

1- . دعائم الاسلام 1: 299
2- . دعائم الاسلام 1: 299

گونه که خداوند عز و جل فرموده است؛ زیرا اهل حرم نبودند و همان طور که خداوند فرموده است، اهالی حرم می توانند هر زمان که می خواهند عمره گزارند. خداوند این امر را برای کسانی که از مناطق دیگر وارد می شوند گشایش قرار داده و حج و عمره را در یک سفر قرار داد و این امر به خاطر رحم و لطف و احسان باری تعالی نسبت به بندگانش می باشد. (1)

19. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس حج تمتع بگزارد، هفت دور گرد کعبه طواف کند و دو رکعت نماز بخواند و میان صفا و مروه هفت بار سعی کند که از صفا آغاز و به مروه ختم کند، در این صورت عمره خویش را انجام داده است. پس باید از احرام خویش بیرون آید و از سر موها و ناخن هایش را کوتاه کند و مابقی را برای روزی که از احرام حج بیرون می آید، نگاه دارد و بدون احرام در مکه بماند. اما سزاوار است که اگر نزدیک وقت حج باشد، موهای وی همچون محرم غبار آلود باشد. در روز ترویه، زمانی که از مسجد الحرام محرم شود، همان کاری را کند که زمان محرم شدن در میقات انجام داده بود. و هر کس قربانی آورده و عمره و حج را با هم جمع کرده، از احرام بیرون نیاید، چنان که باری تعالی فرمود: «وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّی یَبْلُغَ الْهَدْیُ مَحِلَّه»(2) {تا قربانی به قربانگاه نرسیده، سر خود رانتراشید.}و هر کس بخواهد حج افراد انجام دهد، طواف کردن قبل از انجام حجبر وی واجب نیست.(3)

20. دعائم الاسلام: از امام سجاد علیه السلام روایت شده است که ایشان حج افراد انجام دادند. زمانی که به ذی طوی(4)

رسید راه به سمت منی را در پیش گرفت و

1- . دعائم الاسلام 1: 300
2- . بقره / 196
3- . دعائم الاسلام با قدری تفاوت 1: 300
4- . مکانی در نزدیکی مکه

وارد مکه نشد. هر کس بخواهد حج گزارد، طواف کرده و سعی کند (آن چنان که ذکر کردیم) و از احرام بیرون آید و هر زمان که خواست باز گردد. (1)

21. دعائم الاسلام: امام باقر علیه السلام فرمود: مردم پیشتر شتر وگاو و گوسفند را تقلید می کردند و جدیداً تقلید گاو و گوسفند را رها کرده اند و فرمود: با تسمه یا نخ، تقلید می کنند و در قلاده شترنعلی کهنه آویزان می کنند که در آن نماز خوانده اند، و زمانی که از پیش صاحبش گم شد، آن را از نعلش بشناسد و اگر گمشده یافت شد، شناخته شود که آن برای قربانی است.(2)

22. دعائم الاسلام: از امام صادق علیه السلام سؤال کردند: کسی که شتری همراه آورده، چگونه آن را نحر کند؟ امام در پاسخ فرمود: زمانی که از مکانی که در آن احرام کرده بازگشت، آن را اشعار کند ودر قسمت راست کوهان وی آهنی را فرو کند تا این که خون قربانی جاری شود و آن را تقلید و تجلیل - پوشاندن جُل - کند و همراه ببرد؛ زمانی که به بیداء رسید، اگر از مسجد شجره احرام بست، لبیک بگوید.(3)

23. دعائم الاسلام: امام علی علیه السلام شتر خود را جُل میپوشاند و جل آن را صدقه می داد.(4)

24. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام در خصوص این سخن باری تعالی «ذلِکَ وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ لَکُمْ فِیها مَنافِعُ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ مَحِلُّها إِلَی الْبَیْتِ الْعَتِیق»(5)

{این است فرائض خدا و هرکس شعائر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت آن حاکی از پاکی دلهاست. برای شما در آنها سودهای معینی است. سپس جایگاه قربانی کردن آن ها و در خانه کهن کعبه است.} فرمود: همان قربانی است که

1- . دعائم الاسلام 1: 300
2- . دعائم الاسلام 1: 301
3- . دعائم الاسلام 1: 301

4- . دعائم الاسلام 1: 301
5- . حج / 32-33

آن را بزرگ می دارد. اگر به سوار شدن بر پشت آن نیاز یابد، سوار بر آن شود، بدون آنکه با حیوان به خشونت رفتار کند؛ و اگر شیر داشته باشد، شیر آن را به آرامی بدوشد و آن را زخمی نکند.(1)

25. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام درباره این که قربانی در قربانگاه هلاک شود یا این که شکسته شود فرمود: آن چه نذر یا کفاره بوده، فدا کردن آن بر شخص مضمون است و اگر مستحبی بوده، چیزی بر وی نیست؛ و اگر مضمون باشد، زمانی که آن را ذبح کرد چیزی از گوشت آن را نخورد بلکه همه آن را صدقه دهد؛ اما در صورتی که مستحب باشد، از گوشت آن بخورد و اطعام کند و صدقه دهد.(2)

26. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام از پدرش نقل کرد که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که به بیداء رسید لبیک گفت و صدای خویش را بالا برد و فرمود: لبیک! ای خدا لبیک! لبیک لبیک! تو شریکی نداری لبیک! لبیک حمد و نعمت وفرمانروایی از آن توست؛ تو شریکی نداری؛ و بیش از این چیزی نگفت.(3)

27. دعائم الاسلام: اما برخی از اهل بیت نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از گفتن لبیک افزودند: لبیک ای صاحب والایی ها، لبیک ای فرا خواننده به خانه امن، ای آمرزنده گناهان لبیک! لبیک. از تو بیم دارند و به تو مشتاقند، لبیک ای صاحب جلال و شکوه و احسان، لبیک ای خدای آفریدگان. لبیک ای از بین برنده گرفتاری ها.(4)

چنین ذکرهایی در این باره بسیار زیاد است اما ذکر چهار تلبیه اول که سیره پیامبر به حساب می آید واجب است. البته هر کس که به ذکر خداوند بیفزاید و

1- . دعائم الاسلام 1: 301
2- . دعائم الاسلام 1: 302
3- . دعائم الاسلام 1: 302
4- . دعائم الاسلام 1: 302

خداوند را بزرگ دارد و تا آنجا که در توان دارد لبیک گوید و او را آن چنان که شایسته آن است ذکر کند، این امر فضیلت، نیکی و خیر است.(1)

28. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: بعد از آنکه محرم شدی، در پایان هر نماز واجب و مستحب خود، زمانی که مرکبت بر میخیزد، هنگام بالا رفتن از تپه و بلندی و زمانی که در دشتی سرازیر شدی یا با سوارهای برخورد کردی، در سحرگاهان و هنگامی که از خواب بر میخیزی، چه وضو داشتی یا نه، بسیار لبیک گوی.(2).

ص: 201

1- . دعائم الاسلام 1: 302

2- . دعائم الاسلام 1: 302

باب بیست و پنجم : لباس هایی که احرام در آن جایز است و آنچه جایز نیست و لباس هایی که پوشیدن آن برای محرم جایز است و آنچه جایز نیست

روایات:

1. الخرائج: حسن بن علی بن یحیی نقل کرده است: کنیزم برایم دو لباس بافته شده آماده ساخت و از من خواست که زمان احرام آن را بپوشم. به برده خود دستور دادم آن ها را در جامه دان قرار دهد. زمانی که به میقاتی رسیدم که میبایست در آن محرم شوم، آن دو لباس را خواستم تا بر تن کنم اما به یکباره در فکر فرو رفتم و گفتم: گمان نمی کنم که سزاوار باشد زمان احرام لباس ابریشمی بر تن کنم. از این رو پوشیدن آن دو لباس را رها کردم و زمانی که به مکه رسیدم نامه ای به اباالحسن علیه السلام نوشتم و برخی چیزهایی که همراه داشتم برایش فرستادم، اما فراموش کردم که از ایشان در این باره سؤال کنم که آیا جایز است محرم لباس ابریشم پوشد. زیاد انتظار من به درازا نینجامید تا این که جواب نامه ام و آنچه که در آن پرسیده بودم به دستم رسید. در پایین نامه نوشته بود: ایرادی ندارد که محرم لباس بافته شده بر تن کند.

2. السرائر: جمیل نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که محرم است و مجبور است لباس بپوشد، اما فقط یک قبا جهت پوشیدن به همراه داشته باشد، باید آن را وارونه کند، به گونه ای که قسمت بالای آن را پایین آورد و سپس بر

تن کند. از امام درباره زن سؤال کردم که آیا می تواند لباس حریر بر تن کند؟ امام فرمود: خیر.(1)

3. تفسیر العیاشی: امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: عمر در اولین سالی که خلیفه بود به حج رفت و در آن سال مهاجرین و انصار نیز به سفر حج رفتند. امام علی علیه السلام نیز در آن سال همراه با حسن و حسین علیهما السلام و عبدالله بن جعفر حج گزاردند. زمانی که عبدالله محرم شد، لُنگ و ردایی قرمز رنگ که با گِل سرخ اُخرا رنگ شده بود برتن کرد. سپس به راه افتاد و عمر در حالی که لبیک می گفت و برتن وی لنگ و لباسی بود و در کنار امام علی علیه السلام راه می رفت، به وی نگاه کرد. در این هنگام عمر از پشت سر آنان گفت: این بدعت در حرم چیست؟ امام علی علیه السلام به وی نگاه کرد و گفت: ای عمر! بر کسی شایسته نیست که سنت و سیره پیامبر را به ما یاد دهد. عمر گفت: راست گفتی ای اباالحسن، به خدا قسم نمی دانستم که شما با آنها هستید!(2)

4. کشف الغمه: مردی به امام رضا علیه السلام نامه ای نوشت و در آن درباره برخی مسائل سؤال کرد. و خواست که درباره پوشیدن لباس ابریشمی برای محرم و سلاح رسول خدا سؤال کند، اما فراموش کرد و بدین خاطر حسرت خورد. در جواب نامه وی آمده بود: پوشیدن لباس ابریشمی برای محرم ایرادی ندارد، و بدان که سلاح رسول خدا میان ما به منزله تابوت در میان قوم بنی اسرائیل است که با هرعالمی به هرجا رود، همراه است.(3)

5. رجال الکشی: عبدالله بن شاذانی نقل کرده است: از ریان بن صلت سؤال کردم و گفتم: من محرم هستم و چه بسا محتلم شوم، در حالی که لباسی برای گرم شدن، جز لباس دوخته شده، ندارم که بر تن کنم. به من گفت: از بزرگانی که همراه با

1- . السرائر: 480
2- . تفسیر العیاشی 2 : 38
3- . کشف الغمه 3: 132

ما در این قافله بودند، همچون اباعبدالله جرجانی و یحیی بن حماد در این باره سؤال کردی؟ گفتم: آری، سؤال کردم. گفت: نزد آنان چه یافتی؟ گفتم: هیچ چیز. ریان به فرزند خویش محمد گفت: اگر به کسب علم مشغول می شدند، برایشان بهتر بود از مشغول شدن به مسائلی که به آنان مربوط نیست - منظورش غلوّ بود -. سپس به فرزند خود گفت: این سؤال برای وی پیش آمده و آنان تنها او را به گفته های دیگران سپرده اند، و علمی نزد خودشان نیست تا به راه حق هدایتش کنند. فرزندم، اگر آن چه را که شنیدی برایت اتفاق افتاد، لباس احرامت را برتن کن و اگر با آن گرم نشدی، لباس دوختهات را تغییر بده و آن را به دور خود بپیچ. گفتم: چطور آن را تغییر دهم؟ گفت: لباست را بر تنت انداز و قسمت بالای آن را پایین بدنت قرار ده و قسمت پایین آن را طرف صورتت بگذار.(1)

6. قرب الإسناد: حنان نقل کرده است که نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم. مردی به نزد وی آمد و سؤال کرد که آیا محرم می تواند لباسی که در آن ابریشم به کار رفته به تن کند؟ امام لباس قرقبی(2)

را درخواست کرد و فرمود: من در این لباس محرم می شوم و در آن ابریشم است.(3)

7. الخصال: امام باقر علیه السلام فرمود: برای زن جایز است که در غیر از زمان احرام و نماز، لباس دیبا و حریر برتن کند.(4)

8. الاحتجاج: حمیری در نامه ای که به امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشت سؤال کرد که آیا مرد مجاز است در لباس خز محرم شود؟ به این سؤال این

ص: 204

1- . رجال الکشی: 458
2- . لباس سفید رنگ مصری که جنس آن از کتان قرقوب است.
3- . قرب الاسناد : 47
4- . الخصال 2: 375

گونه پاسخ داده شد: ایرادی ندارد و قومی صالح و نیک کردار نیز این عمل را انجام دادهاند.(1)

9. از ایشان درباره محرم سؤال کردند که آیا محرم مجاز است لنگ خود را با طناب از پشت به گردنش ببندد و سپس دو طرف آن را تا تهیگاهش بلند کند و آن دو را به دور کمرش جمع کند و گره بزند و دو طرف دیگر را از میان پاهای خود خارج سازد و تا لگنش بالا آورد و سپس دو طرف آن را به پهلوهایش ببندد تا همچون شلوار شود و هر آنچه آنجاست را پنهان سازد؟ زیرا لنگ اول را که ما میبستیم، اگر فردی با آن سوار بر شترش شود، آنچه آنجاست نمایان میشود و این که گفتیم پوشانندهتر است؟ پاسخ داد: جایز است انسان هرگونه که خواست لنگ خود را ببندد، اگر در آن قیچی و سوزن به کار نرفته باشد که آن را از حدّ لنگ خارج سازد و آن را به هیچ گونهای ندوخته باشد و گره نزده باشد و به همدیگر نبسته باشد. پس چون ناف و هر دو زانویش را پوشاند، همانا بر آن سنّت اجماع شده که در آن خلافی نیست، پوشاندن ناف و دو زانوست و دوستداشتنیتر نزد ما و بهتر برای همه آن است که آنطور که برای همگان شناخته شده است ببندد، ان شاء الله.(2)

10. از امام سؤال کردند که آیا جایز است که به جای گره زدن لباس، کش بر لباس بندند؟ امام فرمود: جایز نیست که پوشش روی لباس را با کش یا هر چیز دیگری محکم کنند.(3)

11. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم علیه السلام درباره محرم سؤال کردم که آیا برای وی شایسته است که که لباس رنگ شده به گل کاجیره یا معصفر بر تن کند؟ امام فرمود: در صورتی که در آن بوی خوش نباشد، ایرادی ندارد.(4)

-1 . الاحتجاج 2: 305
-2 . الاحتجاج 2: 306[2]
-3 . الاحتجاج 2: 307
-4 . قرب الاسناد : 104

12. ایشان فرمود: برای محرم شایسته نیست که لنگ خود را به دور گردنش ببندد، بلکه آن را دور گردنش بیندازد، اما گره نزند.(1)

13. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب جدم دیده ام که نوشته شده: محرم نباید ردای بلند و گشاد دکمه دار بر تن کند. از پدرم درباره آن سؤال کردم. ایشان فرمود: این کار را تنها به خاطر کراهت از این امر انجام می داده اند که مبادا فردی جاهل آن را بکشد، اما پوشیدن آن لباس برای فقیه بلا اشکال است.(2)

14. علل الشرائع: ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا محرم میتواند بر شکمش همیانی که خرجی اش در آن است ببندد؟ امام فرمود: از آن مطمئن گردد که با همان می تواند حجش را به اتمام رساند. (3)

15. المحاسن: یعقوب بن سالم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: همراه من درهم هایی است که بر روی آن ها عکس است در حالی که من در حال احرامم، آنها را در کیسه همیانم قرار میدهم و به کمر میبندم؟ امام فرمود: ایرادی ندارد، آیا آن خرجی و نفقه تو نیست که به واسطه آن تو را در کار خداوند کمک میکند؟(4)

1- . الاحتجاج 2 : 106
2- . علل الشرائع : 408
3- . علل الشرائع : 455
4- . المحاسن: 358

باب بیست و ششم : شکار و احکام آن

آیات:

- غَیْرَ مُحِلِّی الصَّیْدِ وَ أَنْتُمْ حُرُم (1)

{در حالی که نباید شکار را در حال احرام حلال شمارید. }

-

وَ إِذا حَلَلْتُمْ فَاصْطادُوا (2)

{و چون از احرام بیرون آمدید می توانید شکار کنید. }

- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَیَبْلُوَنَّکُمُ اللَّهُ بِشَیْ ءٍ مِنَ الصَّیْدِ تَنالُهُ أَیْدِیکُمْ وَ رِماحُکُمْ لِیَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ یَخافُهُ بِالْغَیْبِ فَمَنِ اعْتَدی بَعْدَ ذلِکَ فَلَهُ عَذابٌ أَلِیمٌ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَقْتُلُوا الصَّیْدَ وَ أَنْتُمْ حُرُمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْکُمْ مُتَعَمِّداً فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ یَحْکُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُمْ هَدْیاً بالِغَ الْکَعْبَهِ أَوْ کَفَّارَهٌ طَعامُ مَساکِینَ أَوْ عَدْلُ ذلِکَ صِیاماً لِیَذُوقَ وَبالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَ مَنْ عادَ فَیَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَ اللَّهُ عَزِیزٌ ذُو انْتِقامٍ أُحِلَّ لَکُمْ صَیْدُ الْبَحْرِ وَ طَعامُهُ مَتاعاً لَکُمْ وَ لِلسَّیَّارَهِ وَ حُرِّمَ عَلَیْکُمْ صَیْدُ الْبَرِّ ما دُمْتُمْ حُرُماً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ (3)

{ای کسانی که ایمان آوردهاید، خدا شما را به چیزی از شکار میآزماید که در دسترس شما و نیزههای شما آیند تا بداند چه کسی از خدا در باطن میترسد. پس هر کس بعد از این از حدود الهی تجاوز کرد، برای او عذابی دردناک است. صید دریا و ماکولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران بهره ای باشد، ولی

1- . مائده / 1
2- . مائده / 2
3- . مائده / 94- 96

صید بیابان، مادام که محرم می باشید بر شما حرام گردیده است و از خدایی که نزد او محشور می شوید پروا دارید.

روایات:

1. فقه الرضا علیه السلام: هر چیزی را که در حرم از روی عدم آگاهی و جهالت انجام دادی، در حالی که از احرام بیرون آمده ای یا این که محرم هستی؛ یا در حالی که محرمی، در بیرون از حرم انجام دادهای، انجام آن ایرادی ندارد مگر شکار که باید در ازای آن قربانی کنی. اگر از روی عمد شکار کنی، گناه بوده و قربانی کردن بر عهده توست و اگرچه بدانی یا ندانی، بر عهده توست که قربانی کنی. در صورتی که شکار تو شتر مرغ باشد، باید در ازای آن شتر قربانی کنی و اگر توان آن را نداری باید شصت مسکین را اطعام کنی و بر هر مسکین یک مد طعام دهی. اگر قادر به اطعام مسکینان نباشی باید هجده روزه بگیری و در صورتی که تخم شتر مرغ را خورده باشی، باید در ازای آن قربانی کنی. همچنین اگر پا روی آن گذاشته باشی - آن را زیر گرفته باشی - و در آن جوجهای در حال حرکت باشند، بایستی شتری نر را به تعداد جوجه شتر مرغها نزد شتران ماده بفرستی، هر آنچه که حاصل شود، قربانی خانه خداست. اگر شکار، گاو یا گورخر باشد، باید یک گاو قربانی کنی، در صورتی که توان آن را نداری بایدسی مسکین را اطعام کنی و در صورت عدم توانایی، باید نه روز را روزه بگیری. اگر شکار آهو باشد، باید در ازای آن یک گوسفند قربانی کنی، در صورت که توانایی آن را نداری باید ده بیچاره را اطعام کنی و در صورت عدم توانایی باید سه روز را روزه بگیری. در صورتی که آهویی را هدف قرار دهی و دست یا پایش را شکستی وآهو برود و تو ندانی که چه شده، باید قربانی کنی. اما اگر بعد از آن دیدی که می چرد و راه می رود، باید یک ربع ارزش آن را کفاره دهی. اگر شاخش را شکستی یا آن را زخمی کردی، مقداری غذا را به عنوان صدقه می دهی. اگر ملخی را بکشی باید خرماهای کوچک صدقه دهی و خرماهای کوچک از ملخ

بهتر است. در صورتی که تعداد ملخهای کشته شده زیاد باشد، باید گوسفند قربانی کنی. و در صورت شکار کبک نر و ماده، برای نر باید گوسفند قربانی کنی. اگر زنبوری را بکشی، به اندازه یک کف دست طعام را صدقه می دهی و در ازای شکار کبک یا بلبل یا گنجشک و همانند آن، باید گوسفند قربانی کنی. اگر یک ملخ را بخوری باید یک گوسفند قربانی کنی و همچنین اگر روباه یا خرگوش شکار کردی، باید یک گوسفند قربانی کنی. اگر مرغ سنگخوارهای را شکار کردی، باید یک بچه گوسفند را که از شیر گرفته شده و می چرد قربانی کنی. و اگر تخم پرندهای را بشکنی، قیمت آن را میپردازی. پس اگر پایت را روی آن بگذاری و در آن تخم ها جوجه باشند که در حال حر کتند، برتوست که به تعداد جوجه های ماده، بز نر نزد بز ماده بفرستی و هر چه به دست آمد را برای خانه خدا قربانی کنی. اگر موش دوپا و جوجه تیغی و سوسمار را شکار کنی، باید بزغاله ای را قربانی کنی و بزغاله از سوسمار بهتر است. بر محرم ایرادی وارد نیست که مار، عقرب، موش را بکشد یا زاغ را با سنگ براند. اگر شکارت شیر باشد، باید در ازای آن قوچ قربانی کنی. اگر در حالت احرام در بیرون از حرم شکار کنی، بر توست آن چنان که برایت شرح دادیم قربانی کنی. اگر در حرم شکار کنی در حالیکه از احرام بیرون آمده ای، پرداخت بهای شکار بر عهده توست، اگر آن را مورد هدف قراردادی. در حالی که در حرم محرم باشی، باید هم فدیه دهی و هم بهای آن را بپردازی. در صورتی که شکار پرنده باشد، باید به اندازه ارزش آن دانه بخری و با آن کبوتران حرم را دانه دهی. اگر حیوان را هدف قرار دهی، در حالی که در حرم محرم باشی، باید قربانی کنی. ارزش و بهای هر پرنده یک درهم است، اگر جوجه باشد باید قربانی کنی و نیم درهم بپردازی. اگر تخم پرنده را خورده باشی یا این که آن تخم کبوتر باشد نیز باید ربع درهم صدقه دهی. اگر شکار، مرغ سنگخواره باشد، باید در ازای آن یک بره که ازشیر گرفته شده و از گیاه چریده، قربانی کنی. اگر شکار پرنده نباشد، به مقدار ارزش آن صدقه میدهی و اگر جوجه باشد به مقدار نیم درهم و اگر تخم پرنده خورده باشی، به مقدار ربع درهم

صدقه می دهی. اگر کبوتران حرم را برانی و بازگردند، باید برای همه آنها یک گوسفند قربانی کنی، و اگر بازگشت کبوترها را نبینی، باید در ازای رماندن هر پرنده یک گوسفند قربانی کنی. زمانی که از ادای تمامی مناسک و عبادات فارغ شدی و خواستی خارج شوی، به مقدار یک درهم خرما صدقه می دهی تا آن کفاره کاستی و نقصان احرامت باشد که تو از آن بی خبری.(1)

2. فقه الرضا علیه السلام: اگر شکار کند، باید نظیر آنچه کشته است، از چهارپایان کفاره ای بدهد که نظیر بودن آن را دوتن عادل از میان شما تصدیق کنند و به صورت قربانی به کعبه برسد. اگر شکار وی شتر مرغ باشد، باید یک شتر قربانی کند. اگر نیافت، باید شصت مسکین و بیچاره را اطعام دهد. اگر نیافت، باید هجده روز را روزه بگیرد. اگر گورخر و یا گاو وحشی را شکار کند، باید یک گاو را قربانی کند، اگر نیافت، باید سی مسکین را طعام دهد و اگر نتوانست، باید نه روز را روزه بگیرد. اگر شکار پرنده باشد، باید یک گوسفند قربانی کند و اگر نیافت، باید ده مسکین را اطعام دهد، اگر نتوانست، باید سه روز را روزه بگیرد. اگر شکار، پرنده باشد، باید یک درهم، و اگر جوجه باشد باید نیم درهم و اگر تخم باشد که آن را شکسته یا خورده باشد، باید ربع درهم صدقه دهد.(2)

3. زمانی که محرم در حرم مرتکب چیزی از آنچه گفته شد گردد، کفاره او دو برابر است، یا معادل کفاره دوم روزه بدارد.

4. السرائر: از امام صادق علیه السلام سؤال کردند، آیا مرغ شاخدار از حرم خارج می شود؟ ایشان فرمود: آری، زیرا آن نمی تواند پرواز کند و فقط با شتاب پر می زند. از امام پرسیدم آیا محرم می تواند پشه و کک را در صورتی که آزارش دهند بکشد؟ امام فرمود: آری.(3)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 29
2- . فقه الرضا علیه السلام: 36
3- . السرائر: 480

5. المناقب: شتر مردی از انصار، لانه یک شتر مرغ را لگد کرد و تخمهای آن را شکست. وی نزد امام علی علیه السلام رفت و از وی در این باره سؤال کرد. امام فرمود: در ازای شکستن هر تخم، یک جنین ماده شتر یا ضراب - حاصل جفت گیری - آن، بر عهده توست. آن فرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و داستان را برای پیامبر ذکر کرد. رسول خدا به وی فرمود: درباره آنچه که شنیدی علی علیه السلام به تو گفت، بدان چه که بر تو آسانتر است بشتاب. در ازای هر تخم میتوانی یک روز را روزه بگیری یا یک فرد مسکین را اطعام کنی.(1)

6. تفسیر علی بن ابراهیم: امام جواد علیه السلام فرمود: زمانی که مأمون خواست دختر خویش را به همسری ایشان در آورد و بدین منظور علما را جمع کرده بود فرمود: اگر محرم در بیرون از حرم شکاری را بکشد و آن شکار از گروه پرندگان بزرگ جثه باشد، باید یک گوسفند قربانی کند. اگر در حرم پرنده را شکار کند، باید دو برابر کفاره آن را بپردازد. اگر جوجه ای را در بیرون از حرم بکشد، باید بره ای را که از شیر گرفته شده قربانی کند و پرداختن بهای آن بر عهده وی نیست، زیرا که در حرم نکشته است. اما اگر در حرم جوجه ای را بکشد، افزون بر قربانی کردن آن بره باید بهای آن را نیز پرداخت کند. اگر حیوانی را که محرم شکار کرده از حیوانات وحشی باشد، برای گورخر باید یک شتر قربانی کند. درباره شتر مرغ نیز این گونه است. اگر محرم توان آن را نداشت، باید شصت مسکین را اطعام دهد، اگر نتوانست باید هجده روز را روزه بگیرد. اگر شکار گاو باشد، باید در ازای آن یک گاو قربانی کند، در صورتی که نتواند، باید سی فرد بیچاره را طعام دهد و اگر نتوانست باید نه روز را روزه بگیرد. اگر شکار، آهو باشد باید یک گوسفند قربانی کند، اگر توان آن را

نداشت، باید ده فرد مسکین را اطعام کند، و در صورت عدم توانایی باید سه روز را روزه بگیرد. اگر محرم در حرم شکار کند، باید کفاره ای دو برابر دهد و باید قربانی به

1- . مناقب 2: 177

کعبه برسد و این حقی واجب است، و بر عهده محرم است که آن را نحر کند، در صورتی که در راه حج به منی، همان جایی که مردم نحر می کنند باشد. اگر در عمره باشد، قربانی را در مکه ذبح می کند و به اندازه بها و قیمت آن صدقه می دهد تا این که دو برابر شود. همچنین اگر خرگوشی را هدف قرار دهد، باید یک گوسفند قربانی کند و اگر کبوتری را بکشد باید به مقدار یک درهم صدقه دهد یا این که غذایی را برای کبوتران حرم خریداری کند. اگر جوجه آن را بکشد نیم درهم و در صورت شکستن تخم آن باید ربع درهم کفاره دهد. هر آنچه را که محرم از روی جهل و عدم آگاهی انجام داده، هیچ چیزی بر عهده وی نیست، مگر شکار که باید در ازای آن قربانی کند؛ چه آن را از روی جهل انجام دهد یا علم، از روی عمد باشد یا غیر عمد. هر آنچه را که برده انجام داده، کفاره آن بر عهده صاحبش می باشد، به همان اندازه که بر صاحبش کفاره آن واجب می باشد. همچنین هر آنچه که را خردسالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده انجام دهد، چیزی بر عهده وی نیست، و اگر از کسانی باشد که صید را تکرار کند، از زمره کسانی است که خداوند از وی انتقام می گیرد، و پرداخت کفاره بر عهده وی نیست، بلکه عذاب آن در آخرت خواهد بود. اگر محرم به شکار اشاره کند و آن را نشان دهد و کشته شود، باید قربانی کند، و کسی که بر شکار اصرار ورزد، علاوه بر این که باید قربانی کند، در آخرت نیز این کار برایش عذاب در پی خواهد داشت. اما کسی که از کرده خود پشیمان شود، پس از قربانی کردن دیگر چیزی بر عهده وی نیست. اگر شب هنگام از روی اشتباه

پرنده ای را در لانه اش هدف قرار دهد، گناهی بر وی نیست مگر این که از روی عمد انجام دهد. اگر در شب یا روز این کار را از روی عمد انجام دهد، باید قربانی کند و محرم حج باید قربانی خویش را در منی - همان جایی که مردم قربانی می کنند - ذبح کند. و محرم عمره، در مکه قربانی می کند.(1)

-1 . تفسیر علی بن ابراهیم: 169

7. الاحتجاج: امام جواد علیه السلام فرمود: اگر محرم شکاری را در بیرون از حرم بکشد و حیوان شکار شده از پرندگان بزرگ جثه باشد، باید یک گوسفند قربانی کند. اگر در حرم شکار کند، باید دو برابر کفاره آن را بپردازد. اگر جوجه ای را در بیرون از حرم بکشد، باید بره ای را که از شیر گرفته شده است قربانی کند. اگر جوجه را در حرم بکشد، باید علاوه بر قربانی کردن بره، بهای جوجه را نیز پرداخت کند. اگر شکار از زمره حیوانات وحشی همچون گورخر باشد، باید یک گاو و اگر شکار شترمرغ باشد، باید یک شتر و اگر آهو باشد باید یک گوسفند قربانی کند. اگر محرم هر یک از این حیوانات را در حرم بکشد، کفاره ای دو برابر بر عهده اوست تا این که قربانی به کعبه برسد. اگر محرم چیزی را شکار کند که باید به خاطر آن قربانی کند، و احرام وی برای انجام حج باشد، در منی قربانی کند. اما اگر احرام وی جهت انجام عمره باشد، باید در مکه قربانی کند. کفاره شکار بر عالم و جاهل یکسان است و شکاری که از روی عمد باشد، گناه بر آن نوشته میشود و دیگر در زمره خطا نیست. کفاره خطای انسان آزاد بر عهده خود او و برای برده بر عهده صاحبش می باشد. بر فرد خردسال کفاره ای نیست اما پرداخت آن بر بزرگسال واجب است. شخصی که پس از انجام گناه پشیمان می شود، پشیمانی اش عقاب آخرت را ساقط میکند و شخصی که بر گناه اصرار ورزد، عقاب وی در آخرت حتمی می گردد. (1)

مؤلف: این دو خبر طولانی را در ابواب احوال امام جواد علیه السلام آوردهایم.

8. تفسیر علی بن ابراهیم: امام زین العابدین علیه السلام فرمود: روزه گرفتن در ازای کفاره شکار واجب است. خداوند فرمود: «وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّداً فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْياً بالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعامُ مَساكِينَ أَوْ عَدْلُ ذلِكَ صِياما»(2) {هر

کس از شما عمدا آن را بکشد، باید نظیر آنچه کشته است از چهارپایان کفاره ای بدهد که نظیر بودن آن را دوتن عادل از میان شما تصدیق کنند و

1- . الاحتجاج 2: 243
2- . مائده / 95

به صورت قربانی به کعبه برسد یا به کفاره آن، مستمندان را خوراک بدهد یا معادلش روزه بگیرد.} امام فرمود: ای زهری، آیا می دانی چگونه باید برابر با آن روزه بگیرد؟ گفتم: خیر. امام فرمود: قیمت شکار را تعیین می کند، سپس بر اساس بهای گندم ارزش آن را حساب می کند، سپس آن را به صورت صاع وزن می کند و برای هر نصف صاع، یک روز روزه می گیرد... ادامه روایت.(1)

9. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم علیه السلام درباره مردی پرسیدم که تخم کبوتر را می شکند در حالی که در تخم ها جوجه در حال حرکت هستند، چه چیزی بر عهده اوست؟ ایشان فرمود: در ازای هر جوجه در حال حرکت باید گوسفندی صدقه دهد و اگر محرم باشد، باید گوشت آن را صدقه دهد. در صورتی که جوجه ها در تخم حرکت نکنند، باید در ازای بها و ارزش هر جوجه، یک ورق - برگ - یا شبیه آن را صدقه دهد یا این که دانه بخرد و برای کبوتران حرم بریزد.(2)

10. از ایشان درباره محرمی پرسیدم که تخم شترمرغی را که در داخل آن جوجه هایش در حال حرکت می باشند را شکسته است. ایشان فرمود: در ازای هر جوجه، باید شتری را در محل ذبح قربانی کند.(3)

11. وی نقل کرده است که از ایشان درباره مردان و زنان محرمی سؤال کردم که آهویی را خریدند و همه آنان از گوشت آن خورد ند، تکلیفشان چیست؟ ایشان فرمود: هر کس که از گوشت آهو خورده، باید قربانی کند؛ هر شخص باید به سهم خود و به طور جداگانه و کامل قربانی کند.(4)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم: 112
2- . قرب الاسناد: 104
3- . قرب الاسناد: 104
4- . قرب الاسناد: 107

12. گفت: از ایشان درباره مردی سؤال کردم که محرم است و به سمت شکاری تیراندازی کند و دست یا پایش را بشکند، اما شکار به راه خود ادامه دهد و محرم نداند که آهو چه شد؟ ایشان فرمود: در صورتی که شکار به راه خود ادامه دهد و آن شخص نداند که چه شده است، باید به طور کامل قربانی کند.(1)

13. گفت: از ایشان درباره مردی که در حال احرام شکاری را هدف قرار دهد و دست یا پایش را بشکند و سپس آن را رها کند تا بچرد و به راه خود ادامه دهد سؤال کردم. ایشان فرمود: باید قربانی کند. (2)

14. گفت: از ایشان درباره مردی سؤال کردم که پرنده ای را از مکه خارج و به کوفه وارد کند. ایشان فرمود: آن را به مکه باز می گرداند و اگر بمیرد، باید به اندازه بهای آن صدقه دهد.(3)

15. گفت: از ایشان سؤال کردم، آیا رواست که مردی کبوتر حرم را در بیرون از حرم شکار کند و سپس آن را در حرم وارد کند و بخورد؟ ایشان فرمود: خوردن کبوتران حرم در هیچ حال سزاوار نیست.(4)

16. گفت: از ایشان درباره گوشتی که در حرم خورده می شود سؤال کردم. ایشان فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشت شتر، گاو، گوسفند و مرغ را حرام نمی دانست.(5)

17. قرب الإسناد: یونس بن یعقوب نقل کرده است: به امام کاظم علیه السلام نامهای فرستادم که برادرم کبوترهایی را از مدینه خرید. ما آنها را همراه با خود به مکه بردیم و عمره گزاردیم. سپس کبوتران را به همراه خود از مکه به کوفه آوردیم.

1- . قرب الاسناد: 107
2- . قرب الاسناد: 107
3- . قرب الاسناد: 107
4- . قرب الاسناد: 117
5- . قرب الاسناد: 106

آیا در این باره چیزی بر عهده ماست؟ پس به فرستاده فرمود: آنها را از دست رفته میانگارم؛ به وی بگو: در ازای هر پرنده یک گوسفند قربانی کند.(1)

18. قرب الإسناد: بزنطی گوید: از امام رضا علیه السلام سؤال کردم، آیا کسی که به عمد شکار کند و کسی که از روی جهل و اشتباه این کار را انجام دهد یکسانند؟ ایشان فرمود: خیر. به امام گفتم: بر عهده فرد جاهل چیزی است؟ امام فرمود: آری.گفتم: جانم به فدایت! شخصی که از روی عمد شکار کرده، چه چیزی بر شخص جاهل اضافه دارد؟ فرمود: گناه! چرا که او دین خود را نیز به بازی گرفته است.(2)

19. علل الشرائع: علی بن جعفر گوید: از برادرم موسی علیه السلام درباره محرمی سؤال کردم که مجبور به خوردن شکار و مردار شود و گفتم: خداوند عز و جل خوردن شکار را حرام و مرده را حلال کرده است. ایشان فرمود: آن را می خورد و فدیه می دهد، چرا که مال خویش را خورده است.(3)

20. علل الشرائع: ابو یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام درباره شخصی سؤال کردم که محرم است و مجبور به خوردن شکار و مرده شود، از کدام یک بخورد؟ فرمود: از شکار بخورد. گفتم: خداوند خوردن شکار را بر وی حرام و مرده را بر وی حلال کرده است. فرمود: بخورد و فدیه دهد، چرا که فقط از مال خویش می خورد.(4)

21. علل الشرائع: منصور بن حازم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: محرمی که مجبور به خوردن شکار و مردار می شود، از کدام یک بخورد؟ ایشان فرمود: از شکار. گفتم: مگر خداوند خوردن مردار را برای فردی که ناگزیر به خوردن آن شود حلال نکرده است؟ ایشان فرمود: آری، اما آیا نمی بینی که وی فقط از مال

1- . قرب الاسناد: 131
2- . قرب الاسناد: 168
3- . علل الشرائع: 445
4- . علل الشرائع: 455

خویش می خورد، پس شکار را می خورد در حالی که باید قربانی کند. و نقل کرده اند که مرده را بخورد، چرا که خوردن مرده برایش حلال شده اما خوردن شکار برایش حلال نشده است.(1)

22. تفسیر العیاشی: ابن حازم نیز مانند روایت فوق را نقل کرده است.(2)

23. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش از امام علی علیهم السلام روایت فرمود: محرم می تواند درنده یا غیر آن را که بر وی یورش و حمله برد، بکشد: زنبور، عقرب، مار، عقاب، شیر، گرگ، و آن حیواناتی را که ترس حمله از جانب آنان می رود همچون حیوانات درنده و سگ هار را میتواند بکشد.(3)

24. علل الشرائع: از امام صادق علیه السلام درباره پرنده اهلی سؤال شد که پیش آید و داخل حرم شود. ایشان فرمود: به آن دست نزنند، زیرا که خداوند فرمود: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِنا»(4) {هر

کس در آن وارد شود، ایمن است. }(5)

25. حماد نیز همین روایت را به شکل فوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.(6)

26. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام در مسجد الحرام بود، به ایشان گفتند: پرندهای از پرندگان شکاری در مسجد است که هر یک از کبوتران حرم را که از کنار آن عبور کنند، می زند. امام در پاسخ فرمود: برایش دام گذارید و آن را بکشید، زیرا که در حرم مرتکب ستم شده است.(7)

1- . علل الشرائع: 455
2- . علل الشرائع: 445
3- . قرب الاسناد: 66
4- . آل عمران / 97
5- . علل الشرائع: 454
6- . علل الشرائع: 451

7- . علل الشرائع: 453

27. علل الشرائع: فضاله گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: درختی که ریشه آن در محدوده حرم و شاخه اش در خارج از حرم است؟ ایشان فرمود:شاخه اش به خاطر جایگاه ریشه اش حرام است.(1)

28. علل الشرائع: ابراهیم بن میمون گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی پر کبوتری از کبوتران حرم را کنده است. امام فرمود: به یک فرد مسکین با همان دستی که پر کنده، صدقه دهد، چرا که با همان دست، کبوتر را آزار داده است.(2)

29. علل الشرائع: عبدالرحمن بن حجاج گوید: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که بیرون از حرم شکار کند، در حالی که خود قصد حرم دارد و او در مسافت یک منزلی تا مسجد الحرام باشد. او شکار را در بیرون از حرم هدف قرار داده و شکار را همراه با تیر انداختن خود ببرد تا این که داخل حرم شود، سپس شکار بمیرد. آیا کفاره ای بر عهده وی می باشد؟ امام فرمود: بر وی کفاره ای نیست. در واقع این کارمثل کسی است که دامی را در بیرون از حرم تا کنار آن قرار دهد و شکاری در آن افتد و این سو و آن سو رود تا این که داخل حرم شود و بمیرد. بنابراین بر وی کفاره ای نیست زیرا وی دام را قرار داده و آن حلال است و آن جایی را که نشانه رفته، حلال می باشد و پس از این چیزی بر عهده وی نیست. گفتم: این نزد مردم، قیاس است. امام فرمود: من فقط چیزی را برایت به چیز دیگر تشبیه کردم تا آن را بفهمی.(3)

30. علل الشرائع: از امام صادق علیه السلام درباره شخصی سؤال شد که یکی از کبوتران حرم را ذبح کرده است. ایشان فرمود: باید قربانی کند. از امام سؤال شد: آن را بخورد؟ ایشان فرمود: خیر. سؤال شد: آن را دور اندازند؟ فرمود: در این صورت

1- . علل الشرائع: 453
2- . علل الشرائع: 453
3- . علل الشرائع: 453

باید یکی دیگر قربانی کند. از امام سؤال شد: پس چه کند؟ امام فرمود: آن را دفن می کند.

31. علل الشرائع: حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند که فرمود: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَیَبْلُوَنَّکُمُ اللَّهُ بِشَیْ ءٍ مِنَ الصَّیْدِ تَنالُهُ أَیْدِیکُمْ وَ رِماحُکُم»(1) {ای

کسانی که ایمان آورده اید، خدا شما را به چیزی از شکار که در دسترس شما و نیزه های شما باشد خواهد آزمود.} سؤال کردم. ایشان فرمود: شکار از همه جا بر ایشان گرد آید تا بدان ها نزدیک شوند وخداوند بدین طریق آنان را بیازماید.(2)

32. علل الشرائع: ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره محرمی سؤال کردم که به سمت آهویی نشانه رفته و دستش را هدف قرار داده و لنگ شده است. امام فرمود: اگر آهو بتواند بر آن راه رود و بچرد، چیزی بر عهده وی نیست اما اگر آهو برود و او نداند که شکار چه میکند، آن فرد باید قربانی کند زیرا که وی نمی داند، شاید آهو هلاک شده باشد.(3)

33. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که محرم شدی، از کشتن تمامی جانداران به جز مار، عقرب، موش، بپرهیز. اما موش را بکش زیرا مشک را پاره می کند و اهل خانه را از شدت عطش می کشد. اما عقرب، پس به درستی که نبی صلی الله علیه و آله دستش را به سوی حجرالاسود دراز کرد، پس عقربی او را نیش زد وآن حضرت فرمود: خدایت لعنت کند، نه مؤمن را وا می گذاری و نه فاجر را. و مار، اگر خواست تو را بگزد، او را بکش و اگر کاری با تو نداشت، تو هم با او کاری با او نداشته باش. سگ گزنده و حیوان درنده هر گاه قصد تو را کردند، پس اگر کاری با تو نداشتند، تو هم کاری با آنها نداشته باش. و مار سیاه خائن را در هر حال

1- . مائده / 94
2- . علل الشرائع: 456
3- . علل الشرائع: 457

بکش و کنه را از پشت شترت کنار بنداز. و فرمود: کنه از شتر نیست، بلکه کرم از آن است.

34. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: آذرخش به مؤمن آسیبی نمی رساند. مردی به امام گفت: ما دیده ایم که فلان شخص در مسجد الحرام نماز می خواند اما آذرخش وی را گرفت. امام فرمود: زیرا وی کبوتران حرم را هدف قرار می داد.(1)

35. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام از پدر خویش نقل کرده است که فرمود: امام علی علیه السلام درباره محرمی که از شترش کرم و کنه را کنار می زد، می فرمود: وی باید کفاره دهد.(2)

36. علل الشرائع: حلبی نقل کرده است فردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: از نظر شما می توانم کرم و یا کنه را از خود کنار بزنم؟ امام فرمود: آری، و حتی بچه های آنان را؛ زیرا از بلندی که نباید بالا بروند، بالا رفته اند.(3)

37. المحاسن: ابن حازم نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره شخصی سؤال کردم که مجبور به خوردن مردار شود، در حالی که می تواند شکاری بیابد؟ امام فرمود: شکار. آن شخص گفت که به امام گفتم: خداوند مردار را حلال کرده است، در صورتی که فرد ناچار به خوردن آن شود، اما شکار را حلال نکرده است. فرمود: این که از مال خود بخوری برایت دوست داشتنی ترست یا این که از مردار بخوری؟ آن شخص گفت: از دارایی ام. امام فرمود: آن شکار جزو دارایی توست زیرا باید در ازای خوردن آن فدیه بپردازی. آن شخص گفت: به امام گفتم: اگر مالی نداشته باشم چه؟ امام فرمود: زمانی که مالت را به دست آوردی آن را ادا می کنی.(4)

1- . علل الشرائع: 462
2- . قرب الاسناد: 52
3- . علل الشرائع: 457
4- . المحاسن: 317

38. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره آنچه که بیرون از حرم شکار شده و داخل حرم شده می فرمود: اگر داخل حرم شود نباید ذبح شود، زیرا خداوند عز و جل فرمود: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِنا» {هر کس در آن وارد شود ایمن خواهد بود. } (1)

39. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر شخص محرم کبوتری را بکشد، باید یک

گوسفند و اگر جوجه ای را بکشد، باید بره ای را قربانی کند. اگر بر روی تخم پا نهد و آن را بشکند، بایستی در ازای هر کدام یک درهم را در مکه و منی صدقه دهد و این همان گفته خداوند است که فرمود: «لَیَبْلُوَنَّکُمُ اللَّهُ بِشَیْ ءٍ مِنَ الصَّیْدِ تَنالُهُ أَیْدِیکُم»(2) {خدا شما را به چیزی از شکار که در دسترس شما و نیزه های شما باشد خواهد آزمود. } که منظور از {این که در دسترس شما باشد} تخم و جوجه و منظور از {و رماحکم } مادران بزرگسال می باشد.(3)

40. تفسیر العیاشی: از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند که فرمود: «لَیَبْلُوَنَّکُمُ اللَّهُ بِشَیْ ءٍ مِنَ الصَّیْدِ...»(4) {خدا شما را به چیزی از شکار خواهد آزمود. } سؤال کردند. امام فرمود: خداوند آنان را با حیوانات وحشی آزمود و از هرجا به نزد آنان آمدند.(5)

41. تفسیر العیاشی: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند که فرمود: «لَیَبْلُوَنَّکُمُ اللَّهُ بِشَیْ ءٍ مِنَ الصَّیْدِ تَنالُهُ أَیْدِیکُم»(6) {خدا شما را به چیزی از شکار که در دسترس شما و نیزه های شما باشد خواهد آزمود. } سؤال کردند. امام فرمود: در

1- . تفسیر العیاشی 1: 189
2- . مائده / 94
3- . تفسیر العیاشی: 342
4- . مائده / 94
5- . تفسیر العیاشی: 342
6- . مائده / 94

عمره حدیبیه، حیوانات وحشی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله گرد هم آمدند تا جایی که دست ها و نیزه ها به آنان میرسید تا از این طریق خدا آنان را بیازماید.(1)

42. در روایت حلبی در این باره آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: از هرجا شکار برای آنان گردآمد تا این که به آنان نزدیک شدند، به طوری که دستان و نیزه هایشان به آن ها میرسید تا از این طریق خداوند آنان را بیازماید.(2)

43. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «لا تَقْتُلُوا الصَّیْدَ وَ أَنْتُمْ حُرُمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْکُمْ مُتَعَمِّداً فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَم»(3) {در حالی که محرمید شکار را نکشید و هر کس از شما عمدا آن را بکشد، باید نظیر آن چه کشته است از چهارپایان کفاره ای بدهد.} فرمود: هر کس شترمرغی را نشانه و هدف قرار دهد، باید یک شتر قربانی کند و اگر گورخر یا مانندآن را هدف قرار دهد یک گاو، و اگر آهویی را نشانه رود باید یک گوسفند قربانی کند تا قربانی به کعبه برسد که انجام آن واجب است. اگر در حج باشد باید در منی، همان جایی که مردم قربانی می کنند ذبح کند و اگر در عمره باشد، باید در مکه ذبح کند و اگر خواست آن را ترک کند تا این که پس از آنکه بدان جا وارد شد، آن را

بخرد و آن را قربانی کند چرا که این برایش کفایت می کند.(4)

44. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْکُمْ مُتَعَمِّداً فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَم»(5) {هر کس از شما عمدا آن را بکشد، باید نظیر آنچه کشته است، از چهارپایان کفاره ای بدهد.} فرمود: به خاطر کشتن آهو

1- . تفسیر العیاشی: 343
2- . تفسیر العیاشی: 343
3- . مائده / 95
4- . تفسیر العیاشی: 343
5- . مائده / 95

باید یک گوسفند و برای کبوتر و پرندگان شبیه به آن اگرچه جوجه باشند، به تعداد آنها بره قربانی کند و به خاطر گورخر، گاو و برای شکار شترمرغ، شتر قربانی کند.(1)

45. تفسیر العیاشی: از ایوب بن نوح نقل کرده اند که: در ازای شکار یک شتر مرغ باید یک شتر و برای شکار گاو باید یک گاو قربانی کند.(2)

46. تفسیر العیاشی: زراره نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند که فرمود: «یَحْکُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُم» {نظیر بودن آن را دوتن عادل از میان شما تصدیق کنند.} سؤال کردم. امام فرمود: عدل همان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام پس از وی می باشد. سپس فرمود: این چیزی است که نویسندگان در آن اشتباه کرده اند. (3)

47. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم نقل کرده است که امام باقر علیه السلام در تفسیر این سخن خداوند «یَحْکُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُم» {نظیر بودن آن را دوتن عادل از میان شما تصدیق کنند.} فرمود: یعنی یک شخص، که منظورش امام است.(4)

48. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند«یَحْکُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُم» {نظیر بودن آن را دوتن عادل از میان شما تصدیق کنند.} فرمود: منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سپس امام پس از وی می باشد. اما اگر امام حکم کند، کفایت می کند.(5)

49. تفسیر العیاشی: زهری گوید: امام زین العابدین علیه السلام فرمود: گرفتن روزه به خاطر کفاره شکار واجب است. خداوند تبارک و تعالی فرمود: «وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْکُمْ مُتَعَمِّداً فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ یَحْکُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُمْ هَدْیاً بالِغَ الْکَعْبَهِ أَوْ

1- . تفسیر العیاشی: 343

2- . تفسیر العیاشی: 343

3- . تفسیر العیاشی 1: 343

4- . تفسیر العیاشی 1: 344

5- . تفسیر العیاشی 1: 344

كَفّارَهٌ طَعامُ مَساكِينَ أَوْ عَدْلُ ذلِکَ صِیاما»(1) {هر کس از شما عمدا آن را بکشد، باید نظیر آن چه کشته است، از چهارپایان کفارهای بدهد که نظیر بودن آن را دوتن عادل از میان شما تصدیق کنند و به صورت قربانی به کعبه برسد یا به کفاره آن مستمندان را خوراک بدهد یا معادلش روزه بگیرد. } امام فرمود: ای زهری، آیا می دانی چگونه باید برابر با آن روزه بگیرد؟ گفتم: خیر. امام فرمود: ارزش شکار را تعیین می کند، سپس بها و ارزش آن را بر اساس بهای گندم حساب می کند، سپس آن را به صورت صاع وزن می کند و برای هر نصف پیمانه، یک روز روزه می گیرد.

50. تفسیر العیاشی: هر کس که محرم باشد و چهارپایی را بکشد، در صورت کشتن شتر مرغ باید یک شتر، در ازای کشتن یک گورخر باید یک گاو و به خاطر کشتن یک آهو باید یک گوسفند قربانی کند که نظیر بودن آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق می کنند. و فرمود: عدل آنان این است که به آنچه نظر واقعیشان است حکم کنند. یا باید روزه بگیرد که خداوند تبارک وتعالی می فرماید: «هَدْیاً بالِغَ الْکَعْبَهِ» {تا قربانی به کعبه رسد. } و روزه برای کسی است که نتواند قربانی کند، پس سه روز روزه بگیرد؛ یک روز را قبل از روز ترویه، یک روز را در روز ترویه و روز دیگر را در عرفه. (2)

51. تفسیر العیاشی: عبدالله بن سنان نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدم، منظور خداوند از این سخن که فرمود: « فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ یَحْکُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُمْ هَدْیاً بالِغَ الْکَعْبَهِ أَوْ کَفّارَهٌ طَعامُ مَساکِینَ أَوْ عَدْلُ ذلِکَ صِیاما»(3) {باید نظیر آن چه کشته است از چهارپایان کفارهای بدهد که نظیر بودن آن را دوتن عادل از میان شما تصدیق کنند و به صورت قربانی به کعبه برسد، یا به کفاره آن مستمندان را خوراک بدهد یا معادلش روزه بگیرد. }چیست؟ امام فرمود: باید به

1- . مائده / 95
2- . تفسیر العیاشی 1: 344
3- . مائده / 95

کفاره ای که بر عهده اوست بنگرد؛ یا باید قربانی کند، یا این که ارزش و بهای آن را تعیین کند و با بهای آن غذایی بخرد و بیچارگان را خوراک بدهد و برای هر فرد مسکین یک مد طعام در نظر گیرد، و یا این که باید حساب کند چه مقدار از مستمندان را باید غذا دهد، و به همان تعداد روزه بگیرد. (1)

52. تفسیر العیاشی: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند {یا معادلش روزه بگیرد. } سؤال کردند. امام فرمود: منظور این است که ارزش قربانی را به مقدار طعام معلوم و معین سازد، سپس در ازای هر مد طعام، یک روز را روزه بگیرد. اگر تعداد مدهای غذا از دو ماه بیشتر شود، بیش از آن بر عهده وی نیست. (2)

53. از امام باقر یا صادق علیهما السلام نقل شده است که درباره این سخن {یا معادلش روزه بگیرد. } سؤال کردند. ایشان فرمود: مقدار بهای قربانی به هر میزان رسید، باید به اندازه آن صدقه دهد. در صورتی که نداشته باشد، باید به مقدار بهای آن روزه بگیرد؛ برای هر طعام مسکین، یک روز. (3)

54. تفسیر العیاشی: از امام باقر یا صادق علیهما السلام درباره این گفته خداوند«وَ مَنْ عادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْه» (4) {ولی

هر کس تکرار کند خدا از او انتقام می گیرد. } سؤال شد. ایشان فرمود: شخص محرمی روباهی را گرفت و آتش را به بینی روباه نزدیک کرد و روباه شروع به زوزه کشیدن کرد و از مقعدش حَدَث میکرد. اصحاب وی را به خاطر این کار نهی کردند و او روباه را پس از این کار رها کرد. پس از آن، وقتی این شخص در خواب بود، به ناگاه ماری آمد و در دبر وی رفت و

1- . تفسیر العیاشی 1: 345
2- . تفسیر العیاشی 1: 345
3- . تفسیر العیاشی 1: 345
4- . مائده / 95

کاری کرد که از مقعدش حدث کند، آن چنان که روباه را عذاب داده بود، سپس وی را رها کرد و رفت.(1)

55. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: شخص محرم زمانی که شکار را بیرون از حرم بکشد، باید کفاره آن را بپردازد و شکار را به شخصی مستمند صدقه دهد. و اگرعمل خود را تکرار کند و دوباره شکاری را بکشد، دیگر کفاره ای بر عهده وی نیست بلکه خداوند از وی انتقام خواهد گرفت.(2)

56. در روایت دیگری، امام درباره شخص محرمی که شکاری را هدف قرار دهد فرمود: باید کفاره دهد و اگر بار دیگر عمل خود را تکرار کند، از کسانی است که خداوند درباره آن ها فرمود:{خداوند از او انتقام می گیرد. } و کفاره ای بر عهده وی نیست.(3)

57. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این آیه «أُحِلَّ لَکُمْ صَیْدُ الْبَحْرِ وَ طَعامُهُ مَتاعاً لَکُم»(4) {صید

دریا و ماکولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما بهرهای باشد. } فرمود: منظور ماهی های شور است که می خورند. و فرمود: فرقی میان آن دو وجود دارد. هر پرنده ای که در جنگل و بیشه باشد و در خشکی تخم بگذارد و جوجه دهد، شکار خشکی به حساب می آید. و پرنده ای که در خشکی باشد و در دریا تخم گذارد و در خشکی جوجه دهد، شکار خشکی محسوب می شود. ولی پرنده ای که در خشکی باشد و در دریا تخم گذارد و در دریا صاحب جوجه شود، شکار دریا به شمار می آید.(5)

1- . تفسیر العیاشی 1: 345
2- . تفسیر العیاشی 1: 346
3- . تفسیر العیاشی 1: 346
4- . مائده / 96
5- . تفسیر العیاشی 1: 346

58. تفسیر العیاشی: زید شحام گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند که فرمود: «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعامُهُ مَتاعاً لَكُم»(1) {صید

دریا و ماکولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران بهره ای باشد.} سؤال کردم. ایشان فرمود: منظور همان ماهیهای شور است و آنچه از آنها تغذیه کنند. و اگر شور نباشد، پس متاع است.(2)

59. مناقب ابن شهر آشوب: قومی از حجاج از شام آمدند و در حالی که محرم بودند، به محلی از شنزار که شتر مرغ در آن تخم گذاشته بود رسیدند. سپس آن تخم ها را پختند و خوردند، سپس با خود گفتند: اشتباه کردیم که در حال احرام شکار کردیم.پس به مدینه آمدند و داستان را برای عمر تعریف کردند. عمر گفت: به نزد قومی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله روید و از آنان در این باره سؤال کنید تا در مورد شما حکم کنند. از گروهی از صحابه در این باره سؤال کردند اما آنان درمورد حکم اختلاف نظر داشتند. عمر گفت: اگر در این باره اختلاف نظر دارید، اینجا شخصی است که مأمور شده ایم در زمان اختلاف نظر به ایشان رجوع کنیم تا درباره آن داوری کند. سپس به دنبال زنی فرستاد که به وی عطیه گفته می شد و مرکبی را از وی به امانت گرفت و بر آن سوار شد و آن قوم را به راه انداخت تا نزد امام علی علیه السلام آمدند، در حالی که ایشان در چشمه ای بود. سپس علی علیه السلام به سوی وی رفت و به او گفت: چرا به دنبال ما نفرستادی تا نزد تو آییم؟ عمر گفت: برای حکم باید به نزد حاکم روند. سپس عمر داستان را برای علی علیه السلام تعریف کرد و ایشان خطاب به عمر فرمود: ایشان را امر کن تا شتر نری را نزد پنج شتر ماده جوان رها کنند تا آمیزش کند و پس از جفت گیری، تعداد بچههایی را که به دنیا میآیند قربانی کنند تا کفاره عمل آنها شود! عمرگفت: ای ابا الحسن! شتر ماده گاهی در وقت حمل، جنین خود را سقط می کند! امیرالمؤمنین فرمود: تخم هم گاهی

1- . مائده / 96
2- . تفسیر العیاشی 1: 346

فاسد می شود و جوجه نمیشود. عمر گفت: به خاطر این امر شده ایم که از تو سؤال کنیم! (1)

60. مناقب ابن شهر آشوب: صیادان کبکی را شکار کرده بودند و آن را برای عثمان و همراهانش آوردند. اما آنها از خوردنش خوداری کردند. عثمان گفت: ما این را شکار نکردهایم و دستور به شکار آن هم ندادهایم، پس خوردنش اشکالی ندارد. شخصی گفت: اما علی علیه السلام از خوردن آن کراهت دارد. عثمان به دنبال علی علیه السلام فرستاد. حضرت علیه السلام درحالی که عصبانی بود و بر بدنش اثر خبط - غذایی برای شتران - بود آمد، عثمان گفت: تو بسیار با ما مخالفت میکنی. علی علیه السلام فرمود: خداوند را یاد کنید! چه کسی از شما شاهد بود که قسمت فربه گورخر را برای پیامبر که احرام بسته بود آوردند اما او فرمود: ما احرام بستهایم، آن را به کسانی بدهید که از احرام خارج شدهاند؟ دوازده نفر از صحابه گواهی دادند. سپس فرمود: یاد کنید خدا را! چه کسی از شما شاهد بود که مردی پنج عدد تخم شتر مرغ را برای پیامبر صلی الله علیه و آله که در احرام بود آورد، اما پیامبر فرمود: ما در احرام هستیم آنها را به کسانی ده که در احرام نیستند؟ دوازده نفر از صحابه گواهی دادند. عثمان برخاست و وارد خیمه خود شد و کبک را به صیادان واگذار کرد (2).

61. کتاب حسین بن سعید و نوادر: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند که فرمود: «لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَیْ ءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنالُهُ أَيْدِيكُمْ وَ رِماحُكُم» (3) {خدا

شما را به چیزی از شکار که در دسترس شما و نیزه های شما باشد خواهد آزمود. } سؤال شد. امام فرمود: این امر در عمره حدیبیه اتفاق افتاد.

1- . مناقب 2: 286
2- . منافب آل ابی طالب1: 498، 503
3- . مائده/ 94

62. و فرمود: زمانی که محرم ملخی را بکشد، باید به میزان یک مشت طعام دهد و اگر بزرگ باشد باید گوسفندی قربانی کند.(1)

63. دعائم الاسلام: مردی از اصحاب امام صادق علیه السلام نزد ابوحنیفه رفت در حالی که وی در محفل خود به مردم فتوا می داد و اصحابش گرد وی بودند. آن شخص گفت: ای اباحنیفه! نظرت درباره محرمی که شکاری را هدف قرار دهد چیست؟ وی گفت: باید کفاره دهد. آن مرد گفت: چه کسی باید برکفاره آن حکم کند؟ ابوحنیفه گفت: دو نفر عادل. چنان که باری تعالی فرمود. آن شخص گفت: در صورتی که آن دو اختلاف پیدا کنند چه؟ ابوحنیفه گفت: از دادن حکم خودداری می کنند تا به اتفاق نظر برسند.آن مرد گفت: یعنی تو به تنهایی در خود نمی بینی که درباره شکاری نظر دهی که ارزش آن یک درهم باشد تا این که دیگری در این باره با تو به توافق نظر برسد، اما درباره خونها، و فروج - ناموس - و داراییها حکم می دهی؟ ابوحنیفه جوابی نیافت، جز آن که به اصحابش نگاه کند و بگوید: سؤال یک رافضی است.

در این سخن ابوحنیفه که گفت: از حکم کردن خودداری می کنند تا به اتفاق نظر برسند، بطلان حکم خود آنهاست. زیرا ما ندیده ایم که آنان درباره مساله و فتوایی به اتفاق نظر برسند مگر این که گروهی دیگر با آن مخالفت کنند. زمانی که اصحاب ابوحنیفه به فاسد بودن این حرف پی بردند گفتند: حکم و فتوایی که به بهای کمتری رأی داده باشد، پذیرفته می شود، زیرا آن دو بر کمتر متفق شده اند و این سخنی است که با دقت در آن، فسادش آشکار است؛ چرا که آنچه را که گفته اند، تنها بر اساس قیاس آنان می باشد. اگر بهای شکار به دینار یا درهم یا آنچه که در معنای این دو است باشد، یکی از آن دو می گوید: به ارزش پنج درهم و دیگری می گوید: ده درهم. پس گویی که آنان بر پنج درهم نزد خود توافق کرده اند و در واقع این امر اتفاق

1- . فقه الرضا علیه السلام: 71

نظر نیست، زیرا اگر پنج درهم کفاره دهد، این مقدار به نظر شخصی که برایش ده درهم به عنوان کفاره معین کرده، کفاره نیست،بعلاوه، کفاره شکار، به شکلهای متفاوتی از چهارپایان است؛ یاممکن است اطعام مستمندان و گرفتن روزه باشد که این امر چیزی نیست که بتوان بر سر آن برکمتر توافق کرد.زیرا زمانی تکلیف از هر نفر ساقط است که به اندازه آنچه مأمور شده کفاره بدهد،و اگر قومی در آن به اتفاق نظر برسند، قومی دیگر مخالفت ورزند و این امر برای کسی که در آن اندیشه کند و توفیق فهم آن را یابد، آشکار می باشد.(1)

64. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «وَ مَنْ عادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْه»(2) {ولی

هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می گیرد. } فرمود: هر کس که شکاری را بکشد و محرم باشد، بر وی حکم شود که مثل آن را کفاره دهد و اگر بار دیگر شکاری را بکشد، بر وی حکم نمی شود، و خداوند از او انتقام می گیرد.(3)

65. دعائم الاسلام: همچنین ایشان درباره این سخن خداوند «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَ أَنْتُمْ حُرُم» {ای کسانی که ایمان آوردید، در حالی که محرمید شکار را نکشید - تا بدین جا - معادلش روزه بگیرد. } فرمود: هر کس شکاری را هدف قرار دهد و محرم باشد، باید مثل آن را از چهارپا قربانی کند و اگر نتواند قربانی کند، باید به میزان ارزش آن صدقه دهد. اما این سخن خداوند که فرمود: {برابر با آن روزه بگیرد. } بدین معناست که در صورتی که فدیه و بهای آن را نیابد، معادل کفاره روزه بگیرد.(4)

66. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که محرم یا متمتع باشد و شکار کند ونتواند کفاره آن را پرداخت کند، روزه بگیرد، سپس اگر در زمان

1- . دعائم الاسلام 1: 306
2- . مائده / 95
3- . دعائم الاسلام 1: 307
4- . دعائم الاسلام 1: 307

روزه، گشایش و وسعت مال یابد و هنوز روزه خود را به اتمام نرسانده، چیزی بر عهده او نیست و کفاره وی اتمام یافته است.(1)

67. دعائم الاسلام: امام باقر علیه السلام درباره محرمی که شترمرغی را هدف قرار دهد فرمود: باید یک شتر قربانی کند که به کعبه برسد. اگر شتر پیدا نکرد، باید شصت مستمند را طعام دهد، و اگر توان آن را نداشت، هجده روز را روزه بگیرد.(2)

68. دعائم الاسلام: از امام صادق علیه السلام درباره جوجه شتر مرغی که قوم محرمی آنان را هدف قرار دادهاند سؤال شد. ایشان فرمود: باید در ازای هر جوجه که خورده اند، یک شتر قربانی کنند.(3)

69. دعائم الاسلام: امام علی علیه السلام درباره محرمی که تخم شترمرغ را خورده فرمود: باید به تعداد تخم های خورده شده، شتری نر را با ماده جفت گیری دهد و بچه های آن را قربانی کند؛ اما اگر بچه ای به وجود نیاید، بر عهده وی چیزی نیست، زیرا که تخم نیز این چنین است؛ برخی از آن سالم و برخی فاسد می باشد. اگر در میان تخم های شترمرغ جوجه هایی بیابند که روح در آن ها شکل نگرفته، باید شتر نر را با ماده جفت گیری دهند تا این که بدانند که آن شتر باردار شده، پس از فهم این امر، هر آنچه را که حاصل شد قربانی شود و هر آنچه که پس از جفت گیری سقط شد، ایرادی بر وی نیست، زیرا جوجه ها در تخم نیز این چنین هستند، برخی از آن ها کامل و برخی ناقصند. اما اگر جوجه هایی را که روح در آن ها شکل گرفته از بین ببرند، باید به تعداد آنها، شتر نر را با ماده جفت گیری دهند تا این که شتر ماده باردار شود و جنین آن در شکمش حرکت کند، سپس هر آنچه را که حاصل شده باید

-1 . دعائم الاسلام 1: 307
-2 . دعائم الاسلام 1: 307
-3 . دعائم الاسلام 1: 307

قربانی کند و آنچه که مرده، چیزی بر وی نیست، زیرا جوجه ها در تخم این گونه اند، برخی پوسته آن را شکافته و زنده بیرون می آیند و برخی در تخم می میرند.(1)

70. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام درباره محرمی که گورخر را هدف قرار دهد فرمود: باید جهت کفاره آن یک شتر قربانی کند، اگر نتواند باید شصت مستمند را اطعام کند و اگر نتواند، هجده روز را روزه بگیرد.(2)

71. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام درباره محرمی که گاوی وحشی را شکار کند فرمود: باید یک گاو اهلی قربانی کند. در صورتی که نتواند، باید شصت مستمند را اطعام کند و اگر نتوانست، نه روز را روزه بگیرد.(3)

72. و آن حضرت در باره محرمی که آهو را شکار کند، فرمود: کفاره آن گوسفند است و اگر نیافت، به ده مسکین صدقه بدهد و اگر نیافت، سه روز روزه بگیرد.

73. دعائم الاسلام: امام صادق فرمود: در ازای کشتار کفتار، باید یک گوسفند؛ خرگوش، یک گوسفند؛ کبوتر و پرندگان شبیه بدان، یک گوسفند کفاره دهد. همچنین باید در کشتن سوسمار، یک بزغاله نر؛ موش صحرایی، یک بزغاله نر؛ و جوجه تیغی، یک بزغاله نر کفاره دهد و برای شکار روباه نیز باید قربانی کند.(4)

74. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: در ازای خوردن تخم کبوتر و دیگر پرندگان شبیه به آن، باید یک گوسفند قربانی کند، همان طور که در مورد شتران، در ازای خوردن تخم شتر مرغ، شتر قربانی می کرد، که این موضوع را مفصلا بیان کردیم.(5)

1- . دعائم الاسلام 1: 308
2- . دعائم الاسلام 1: 308
3- . دعائم الاسلام 1: 308
4- . دعائم الاسلام 1: 308

5- . دعائم الاسلام 1: 308

75. امام صادق علیه السلام فرمود: در ازای خوردن جوجه کبوتر باید یک بره کفاره دهد.(1)

76. امام صادق علیه السلام درباره شکاری که گروهی آن را انجام دهند فرمود: هر یک از آنان باید به طور مجزا کفاره دهد.(2)

77. همچنین از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که فرمود: شایسته نیست که محرم چه در حلّ و چه در حرم به دنبال شکار برود و نباید بدان اشاره کند تا به خاطر اشاره او شکار شود.(3)

78. از امام صادق علیه السلام درباره محرمی سؤال کردند که مجبور به خوردن شکار یا مردار می شود، از کدام یک بخورد؟ امام فرمود: شکار را بخورد و در صورتی که توانست کفاره دهد.(4)

79. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر محرمی شکار را هدف قرار دهد و دست یا پایش را بشکند، اگر او را ایستاده رها کند تا بچرد، باید یک چهارم بهای آن را کفاره دهد و اگر شکار برود و او نداند که شکارچه کرده است، باید به طور کامل کفاره آن را بدهد.(5)

80. امام صادق علیه السلام فرمود: محرم نباید چیزی از شکار را چه تازه و چه خشک بخورد.(6)

81. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر محرم شکاری را هدف قرار دهد، باید کفاره آن را بدهد و آن را نخورد و اطعام نکند بلکه آن را دفن کند.(7)

ص: 233

1- . دعائم الاسلام 1: 308
2- . دعائم الاسلام 1: 308
3- . دعائم الاسلام 1: 308
4- . دعائم الاسلام 1: 308
5- . دعائم الاسلام 1: 309
6- . دعائم الاسلام 1: 309
7- .دعائم الاسلام 1: 309

و از امام علی علیه السلام نقل کرده اند که فرمود: هر کس کودکی را به حج برد و آن کودک شکاری را هدف قرار دهد، کفاره آن بر عهده کسی است که وی را به حج برده است.(1)

82. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر برده محرم شکاری را هدف قرار دهد، کفاره آن بر عهده صاحبش می باشد که وی را به حج برده، اما اگر برده محرم نباشد و صاحب وی نیز او را بدان دستور ندهد، چیزی بر عهده وی نیست.(2)

83. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر محرم در ازای آن شکاری که هدف قرار داده کفاره دهد، از کفاره چیزی را نخورد.(3)

84. امام صادق علیه السلام فرمود: بر محرم، زمانی که شکاری را بکشد، حکم می شود که آیا کشتن آن عمدی بوده یا اشتباهی.(4)

85. از امام صادق علیه السلام درباره محرمی که در شکار در منزلش باشد سؤال کردند. فرمود: ایرادی ندارد.(5)

86. امام علی علیه السلام درباره پرندگان کوچک همچون گنجشک، چکاوک و مانند آن فرمود: اگر محرم آن را هدف قرار دهد، باید یک مد طعام دهد.(6)

87. امام صادق علیه السلام محرم را ازشکار ملخ و خوردن آن در حال احرام نهی کرد. و فرمود: اگر محرم ملخ را از روی اشتباه بکشد یا مرکبش آن را زیر گیرد، بر عهده وی چیزی نیست اما اگر عمدا آن را بکشد، باید در ازای آن یک مشت طعام دهد.(7)

1- . دعائم الاسلام 1: 309
2- . دعائم الاسلام 1: 309
3- . دعائم الاسلام 1: 309
4- . دعائم الاسلام 1: 309
5- . دعائم الاسلام 1: 309
6- . دعائم الاسلام 1: 309

7- . دعائم الاسلام 1: 309

88. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مارمولک یا زنبوری را بکشد در حالی که محرم باشد؛در صورتی که این کار را از روی عمد انجام نداده باشد، چیزی بر عهده وی نیست، اما اگر از روی عمد بدین کار اقدام کند، به اندازه یک مشت باید اطعام کند. همچنین است اگر مورچه، مورچه کوچک، پشه، کنه و شپش را بکشد.(1)

89. امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا کشتن موش را در حرم و در حالت احرام مباح دانسته اند.(2)

90. امام صادق علیه السلام فرمود: ایرادی ندارد که محرم مگس، کرکس، قوش، موش، مار و عقرب و هر آنچه را که از حمله آن به خود بیم دارد و او را آزار می دهد، همچون سگ هار و دیگر درندگان و هر آنچه را که ترس یورش از جانب آنان می رود، بکشد.(3)

91. از ایشان نقل کرده اند که فرمود: شکار موجودات دریایی برای محرم و کسی که از احرام بیرون آمده حلال است، محرم از آن می خورد و توشه بر می گیرد.(4)

92. از امام صادق علیه السلام درباره پرندگان دریا سؤال شد. امام فرمود: هر پرنده ای که در بیشه و نیزار باشد و در خشکی تخم گذارد، از شکار خشکی به حساب می آید و آنچه از شکار خشکی، در خشکی است و در دریا تخم می گذارد و در دریا دارای جوجه می شود، از شکار دریاست.(5)

93. از امام صادق علیه السلام درباره مرغ شاخدار سؤال کردند. امام فرمود: جزو شکار به حساب نمی آید، شکار پرندگان شامل آن دسته است که پرواز کنند.(6)

1- . دعائم الاسلام 1: 310
2- . دعائم الاسلام 1: 310
3- . دعائم الاسلام 1: 310
4- . دعائم الاسلام 1: 310
5- . دعائم الاسلام 1: 310

6- . دعائم الاسلام 1: 310

94. از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که هر کس میخواهد کفاره شکار را دهد، اگر حج گزار باشد، باید کفاره خود را در منی ذبح کند و اگر عمره گزارد، در مکه آن را ذبح کند.(1)

95. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام از پدر خویش از امام علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: رسول خداصلی الله علیه و آله از این امر نهی فرمود که شکار مکه رمانده شود و درخت آن قطع شود و گیاه آن چیده شود. به جز درخت اذخر(2) و عصای چوپان. ایشان فرمود: پس هر کس را دیدید که گیاه حرم را بچیند یا درختی را قطع کند یا شکاری را درحرم برماند، بر شما حلال است که وی را برهنه کنید و پشت وی را در اندازه ای که حرام حرم را حلال شمرده، به درد آورید.(3)

96. امام صادق علیه السلام فرمود: به خاطر قطع درخت یا چیدن چیزی از حرم، باید به اندازه آن صدقه دهد.(4)

97. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر شخص غیر محرم شکاری را در حرم هدف قرار دهد، بها و ارزش آن بر عهده اوست.(5)

98. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس شکاری را در بیرون از حرم هدف قرار دهد و به آن اصابت کند و شکار را تا داخل حرم با خود حمل کند و به خاطر اصابت تیر وی بمیرد، چیزی بر عهده او نیست.(6)

99. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس حیوانی را شکار کند و آن را زنده وارد حرم کند، نگه داشتن آن بر وی حرام است و باید آن را رها کند. اگر در بیرون از

1- . دعائم الاسلام 1: 310
2- . إذخر به کسر همزه و خاء، گیاهی دارای برگهای پهن و خوش بو.
3- . دعائم الاسلام 1: 310
4- . دعائم الاسلام 1: 311
5- . دعائم الاسلام 1: 311 و که در آن آمده است: به چیزی که در حرم پیدا کرده ای دست مزن، بلکه آن را درسر جایش قرار ده تا کسی که آن را گم کرده بیاید و آن را بر دارد.

6- . دعائم الاسلام 1: 311

حرم آن را ذبح کند و سپس ذبح شده آن را با خود داخل حرم کند، چیزی بر عهده وی نیست.(1)

100. از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که درباره کسی که پرنده ای را از مکه بیرون برد تا به کوفه رسد، فرمود: وی باید آن پرنده را به داخل حرم باز گرداند.(2)

101. از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال شد که اگر وارد حرم شود و همراه وی شکار باشد، آیا می تواند شکار را با خود به بیرون از حرم برد؟ امام فرمود: خیر، اگر آن را داخل حرم آورد،نگه داشتن وی بر او حرام است.(3)

102. از امام نقل کرده اند که فرمود: چیزی را که در حرم یافته ای برندار و آن را در سر جای خود رها کن تا کسی که صاحبش است بیاید و آن را بردارد.(4)

103. از امام علی علیه السلام نقل کرده اند که زمانی که می خواست در حرم وارد شود غسل می کرد.(5)

104. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که برای انجام عمره و حج تمتع به مکه میرود، وقتی وارد حرم شد، لبیک گفتن را ترک کند و شروع به گفتن الله اکبر و لا اله الا الله کند.(6)

105. امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که حج گزار یا عمره گزار داخل مکه شد، باید مواظب وسایل سفر خویش باشد و سپس قصد مسجد الحرام کند و مستحب است که پابرهنه و با حالت آرامش و وقار وارد مسجد شود، و از در بنی شیبه که همان باب العراقین است داخل شود و تا آن جا که می تواند دعا کند.(7)

1- . دعائم الاسلام 1: 311

2- . دعائم الاسلام 1: 311

3- . دعائم الاسلام 1: 311

4- . دعائم الاسلام 1: 311

5- . دعائم الاسلام 1: 311
6- . دعائم الاسلام 1: 311
7- . دعائم الاسلام 1: 311

از اهل بیت علیهم السلام برای ما در این باره دعاهای متعددی روایت کرده اند که ذکر آن ها به درازا می انجامد و محدود به زمان خاصی نیست.(1)

106. از امام علی علیه السلام نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجه الوداع خویش، زمانی که وارد مسجد الحرام شد، از حجر الاسود آغاز نمود و بر آن دست کشید و سپس مشغول طواف گردید.(2)

1- . دعائم الاسلام 1: 312

2- . دعائم الاسلام 1: 312

باب بیست و هفتم : بوی خوش و روغن و سرمه و آرایش و انگشتر به دست کردن و حمام کردن و شستن سر و بدن و کیسه کشیدن برای محرم

روایات:

1. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم علیه السلام پرسیدم: برای محرم رواست که لباس زرد پر رنگ بر تن کند؟ ایشان فرمود: در صورتی که بوی خوش ندهد ایرادی ندارد.(1)

2. گفت: از ایشان پرسیدم: آیا رواست که مردی موی خود را در روز عید قربان قبل از تراشیدن با گیاه خطمی بشوید؟ در پاسخ فرمود: پدرم فرزند خویش را از این امر نهی می کرد.(2)

3. قرب الإسناد: یونس بن یعقوب گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: جانم به فدایت! مردی فالوده ای را که آمیخته با زعفران بوده، پس از رمی جمرات در حالی که هنوز حلق نکرده، خورده. امام فرمود: ایرادی ندارد.(3)

4. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که محرم می شوی خود را با روغنی که بوی مشک و عنبر میدهد، چرب نکن زیرا پس از احرام بویش در سرت باقی میماند. بلکه می توانی هر روغن دیگری که خواستی، زمانی که می خواهی

1- . قرب الاسناد: 104
2- . قرب الاسناد 1: 105
3- . قرب الاسناد: 123

احرام کنی بزنی، اما اگر احرام بستی، زدن روغن تا زمانی که از احرام بیرون آیی بر تو حرام است.(1)

5. علل الشرائع: حلبی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که از ایشان درباره زن محرمی که سرمه می کشد سؤال کردم. امام فرمود: سرمه نکشد. گفتم: سرمه سیاهی که بوی خوش ندهد چه؟ فرمود: کراهت از آن به خاطر زینتش می باشد. و فرمود: اگر ناچار شد استفاده کند، سرمه کشد.(2)

6. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: زن سرمه سیاه نکشد، چرا که سرمه سیاه نشانه زینت و آرایش است. (3)

7. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: محرم نباید در آینه نگاه کند زیرا که آن زینت است.(4)

8. احتجاج: حمیری در نامه ای به امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشت: آیا برای محرم رواست که جهت جلوگیری از بوی زیر بغلش از گیاه توتیا استفاده کند یا این که جایز نیست؟ ایشان نوشت: جایز است و توفیق از سوی باری تعالی است.(5)

9. عیون اخبار: ابن بزیع نقل کرده است که امام رضا علیه السلام را دیدم که محرم بود و انگشتر به دست کرده بود.(6)

10. علل الشرائع: حریز گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که آیا محرم می تواند ریحان را بو کند؟ فرمود: خیر.

1- . علل الشرائع: 451
2- . علل الشرائع: 456
3- . علل الشرائع: 456
4- . علل الشرائع: 458
5- . الاحتجاج : 313
6- . عیون الأخبار2: 17

باب بیست و هشتم : دوری از زنان برای محرم، و «فسوق» و «جدال» و ابطال حج

آیات:

- الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُوماتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَج (1)

{حج در ماههای معینی است، پس هر کس در این ماه ها حج را بر خود واجب گرداند، بداند که در اثنای حج همبستری و گناه و جدال روا نیست. }

- یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تُحِلُّوا شَعائِرَ اللَّه (2)

{ای

کسانی که ایمان آورده اید، حرمت شعائر خدا را نگه دارید. }

روایات:

1. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم علیه السلام درباه معنای رفث، فسوق و جدال در حج سؤال کردم. و اگر کسی آن ها را انجام دهد، چه بر عهده اوست؟ ایشان فرمود: منظور از رفث، هم خوابی با زنان، فسوق، گفتن دروغ و فخر فروشی و جدال، گفتن لا والله بلی والله است. هر کس با زنی همبستر شود باید در

1- . بقره / 197
2- . مائده / 2

ازای آن یک شتر و اگر نتواند یک گوسفند را قربانی کند. و کفاره جدال و فسوق، دادن چیزی به عنوان صدقه است، در صورتی که محرم باشد و آن را انجام دهد.(1)

2. گفت: از ایشان درباره مردی سؤال کردم که قبل از انجام طواف نساء عمداً با همسر خویش همبستر شود. ایشان فرمود: طواف کند و باید شتری قربانی کند.(2)

3. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عز و جل فرموده است: «وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّه»(3) {و

برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید.} و اتمام آن اجتناب از همبستر شدن با زنان، دروغ و فخر فروشی و گفتن لا والله بلی والله در حج است.(4)

4. علل الشرائع: ابوبصیر نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره مُحرمی که به ساق پا یا عورت زنی نگریسته و محتلم شده است پرسیدم. فرمود: باید یک شتر قربانی کند، اما من آن را به خاطر خروج منی از او قرار ندادم ، بلکه علّتش نگاه او به چیزی است که نگاه به آن حلال نیست.(5)

5. علل الشرائع: ابوبصیر نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره محرمی سؤال کردم که می خواهد عملی را انجام دهد اما دوستش به وی می گوید: تو را به خدا آن را انجام مده. ولی وی می گوید: به خدا قسم که آن را انجام خواهم داد و بارها قسم می خورد؛ آیا آنچه برعهده صاحب جدال است بر عهده وی نیز می باشد؟ امام فرمود: خیر، زیرا وی بدین طریق خواسته است برادر خویش را اکرام کند و آن امر در صورتی است که معصیت خداوند را انجام دهد. گفت: از امام درباره محرمی سؤال کردم که آهویی را هدف قرار دهد و به دست آن اصابت کند و بدین خاطر لنگ

1- . قرب الاسناد: 103

2- . قرب الاسناد: 107

3- . بقره / 196
4- . الخصال 2: 394
5- . علل الشرائع: 456

شود. امام فرمود: اگر آهو بتواند بر روی دست و پا راه رود و بچرد بر عهده وی چیزی نیست، اما اگر آهو برود و وی نداند که چه کرده، باید قربانی کند، زیرا که وی نمی داند، شاید مرده باشد.(1)

6. علل الشرائع: ابوبصیر نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: مردی به پای زنی نگاه کرد و دچار انزال شد. ایشان فرمود: اگر ثروتمند باشد باید یک شتر و اگر میانه باشد باید یک گاو و اگر فقیر باشد باید یک گوسفند قربانی کند. سپس فرمود: بدین خاطر این ها را بر وی واجب کردم که او بدان چه که بر وی حلال نیست نگاه کرد، نه بدین خاطر که دچار انزال شد.(2)

7. المحاسن: اسحاق نیز این حدیث را بدین شکل نقل کرده است.(3)

8. معانی الأخبار: شحام نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره رفث، فسوق و جدال سؤال کردم. ایشان فرمود: منظور از رفث، همبستر شدن با زنان، فسوق، کذب و دروغ است. آیا سخن خداوند را نشنیده ای که فرمود: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنْ جاءَکُمْ فاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَیَّنُوا أَنْ تُصِیبُوا قَوْماً بِجَهالَه»(4) {ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک وارسی کنید، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید.} و جدال، گفتن لاوالله بلی والله و ناسزا گفتن مرد به دیگری است.(5)

9. معانی الأخبار: عبدالله بن حلبی نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند بر مردمان شرطی کرده است و برای ایشان نیز بر خود شرطی فرموده است؛ پس کسی که به شرط خدا وفا کند، خداوند سبحاننیز به شرطی که بر خود فرموده است وفا خواهد فرمود. به امام گفتم: خداوند سبحان بر ایشان چه شرط

1- . علل الشرائع: 457
2- . علل الشرائع: 458
3- . المحاسن: 319
4- . حجرات / 6
5- . معانی الأخبار: 294

فرموده و ایشان بر خود چه شرط نموده اند؟ امام فرمود: اما آنچه بر ایشان شرط کرده این است که فرمود: «فَمَنْ فَرَضَ فِیهِنَّ الْحَجَّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَج»(1) {پس هر کس در این ماه ها حج را بر خود واجب گرداند، بداند که در اثنای حج، همبستری و گناه و جدال روا نیست} اما آنچه ایشان بر خود شرط فرمود: «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی یَوْمَیْنِ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ لِمَنِ اتَّقی»(2) {پس

هر کس شتاب کندو اعمال را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هر که تاخیر کند و اعمال را در سه روز انجام دهد، گناهی بر او نیست.} فرمود: باز می گردد و بر وی گناهی نیست. گفتم: هر کس با زنی جماع کند چه؟ فرمود: باید یک شتر قربانی کند. اگر زن نیز در شهوت مرد، وی را یاری کند، باید هر یک از آنان شتری را قربانی کنند، اما اگر زن از این امر اکراه داشت و از روی هوای نفس نبود، بر وی گناهی نیست. این دو از هم جدا می شوند تا مردم کوچ کنند و بروند، و این دو به همان مکانی باز گردند که در آنجا از آنها (این گناه) سر زد. گفتم: اگر به راه دیگری غیر از آن راه و به سرزمین دیگری رفتند، آیا در آنجا نزد هم بروند؟ فرمود: بلی. گفتم: اگر مرتکب فسوق شود چه؟ ایشان آن را بزرگ دانست و برای آن حدی قرار نداد و فرمود: استغفار کند و لبیک بگوید. گفتم: اگر مرتکب جدال شود چه؟ فرمود: اگر بیش از دو بار مجادله کند، مرتکب شونده آنکه بر حق بوده، باید گوسفندی را قربانی کند و طرفی که بر خطا بوده نیز باید گاوی را قربانی کند.(3)

10. المحاسن: همین حدیث را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است.(4)

ص: 244

1- . بقره / 197
2- . بقره / 203
3- . معانی الاخبار: 294
4- . المحاسن: 319

11. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام درباره محرمی که نزد همسرش رود در حالی که فراموش کرده، فرمود: گناهی بر وی نیست، وی همچون کسی است که در ماه رمضان چیزی خورد و فراموش کند که روزه بوده است.(1)

12. المحاسن: اسحاق بن عمار نقل کرده است که به امام موسی بن جعفر علیه السلام گفتم: چه می گویی درباره مردی که از احرام بیرون آمده و با کنیز محرم خود همبستر شود؟ امام فرمود: به من بگو، ثروتمند است یا فقیر؟ گفتم: از هر دو حالت آن مرا آگاه ساز. فرمود: آیا عالم بوده یا جاهل؟ گفتم: از هر دو حالت مرا آگاه کن. امام فرمود: آیا صاحبش وی را به بستن احرام فرمان داده یا این که خود بدون اجازه از وی محرم شده؟ گفتم: از هر دو حالت آن مرا آگاه ساز. امام فرمود: اگر ثروتمند و عالم باشد، سزاوار نیست که این کار را انجام دهد. اگر او کنیز را به بستن احرام فرمان داده باشد، وی باید یک شتر قربانی کند و اگر خواست یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند. اما اگر او کنیز را به بستن احرام فرمان نداده، چیزی بر عهده وی نیست چه فقیر باشد یا ثروتمند، اما اگر تنگدست باشد و به کنیز دستور احرام داده باشد، باید یک گوسفند قربانی کند یا روزه بگیرد یا اطعام کند.(2)

13. فقه الرضا علیه السلام: آنچه که حج را باطل ساخته و بار دیگر واجب می سازد، همبستر شدن محرم در حرم است و آنچه غیر از آن باشد، باید در ازای انجام آن کفاره داد.(3)

در زمان احرام خود، از دروغ و قسم، چه دروغ و چه راست - یعنی همان جدالی که خداوند از انجام آن نهی فرموده - پرهیز کن، و از شکار بپرهیز. جدال همان گفتن لا والله بلی والله است. اگر یک یا دو بار مجادله کنی و در حالی که راست گویی، بر تو گناهی نیست و اگر سه بار مجادله کنی در حالی که راست گویی، باید

1- . علل الشرائع: 455
2- . المحاسن: 310
3- . فقه الرضا علیه السلام: 26

یک گوسفند قربانی کنی. اگر یک بار مجادله کنی و دروغ گویی، باید یک گوسفند قربانی کنی، در صورتی که دوبار مجادله کنی و دروغ گویی، باید یک گاو قربانی کنی و اگر سه بار مجادله کنی و دروغ گویی، باید یک شتر قربانی کنی. فسوق همان کذب است، پس به خاطر آن از خداوند آمرزش خواه و به اندازه یک مشت طعام ده.رفث همان جماع و همبستری است، اگر محرم بودی و با زنی از شرمگاه او نزدیکی کردی، باید یک شتر قربانی کنی و سال دیگر حج گزاری و باید میان تو و همسرت تا زمانی که مناسک را انجام دهی جدایی افتد،و پس از آن در کنار هم جمع شوید. اگر هر دو، سال دیگر حج گزارید و به مکانی برسید که در آن با یکدیگر همبستر شدید، میان شما جدایی باشد تا این که بار دیگر مناسک را انجام دهید و سپس گرد هم آیید. اگر این بار از غیر آن راهی بروید که در سال اول در آن مرتکب گناه شده بودید، میان شما جدایی نیست. بر زن لازم است هر گاه مرد با او همبستر شد، یک شتر قربانی کند و اگر مرد او را مجبور کرد، مرد باید دو شتر قربانی کند و بر عهده زن چیزی نیست. اگر مرد با زن همبستر شود و دخولی صورت نگیرد، باید یک شتر قربانی کند و نیاز به گزاردن حج سال دیگر نیست. اگر مرد پس از وقوف خود در مشعر با وی همبستر شود، باید یک شتر قربانی کند و نیاز به انجام حج سال دیگر نیست.(1)

14. فقه الرضا علیه السلام: اما کفاره کسی که محرم باشد و با همسر یا کنیز خود همبستر شود، قبل از حضور در عرفات و مشعر، باید شتری را قربانی کند و بر وی انجام حج سال دیگر لازم نیست.(2)

15. السرائر: محمد بن مسلم نقل کرده است که از امام باقرعلیه السلام در مورد مرد محرمی سؤال کردم که می خواهد کاری را انجام دهد اما دوستش به وی می گوید: تو را به خدا قسم که آن را انجام مده. اما وی می گوید: به خدا قسم انجام خواهم داد. و بارها وی را قسم می دهد. آیا بر عهده صاحب جدال چیزی است؟ فرمود: خیر. وی

1- . فقه الرضا علیه السلام: 27
2- . فقه الرضا علیه السلام: 36

تنها با این عمل خود خواسته برادرش را اکرام کند و این امر به تنهایی در نزد خدا گناهی ندارد.(1)

16. تفسیر العیاشی: زراره، حمران و محمد بن مسلم نقل کرده اند که از امام صادق و امام باقر علیهما السلام درباره این سخن خداوند که فرمود: «وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّه»(2) {برای

خدا حج و عمره را به پایان برسانید.}سؤال کردیم. فرمودند: از تمامیت و اکمال حج و عمره این است که رفث و فسوق و مجادله نکند.(3)

17. تفسیر العیاشی: امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هر کس در حج مجادله کند، باید شش مستمند را اطعام کند، چه کاذب باشد یا صادق، برای هر مستمند نصف صاع. اگر بار دیگر مجادله کند، شخص صادق باید یک گوسفند و شخص کاذب باید گاو قربانی کند، زیرا خداوند عز و جل می فرماید: «فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِ» {در اثنای حج همبستری و گناه و جدال روا نیست.} منظور از رفث، جماع و همبستر شدن، منظور از فسوق، کذب و منظور از جدال، گفتن: لا والله بلی والله و فخر فروختن است.(4)

18. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «اِلْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُوماتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِیهِنَّ الْحَجَّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِ»(5)

{حج در ماههای معینی است، پس هر کس در این ماه ها حج را بر خود واجب گرداند، بداند که در اثنای حج همبستری و گناه و جدال روا نیست.} فرمود: منظور از رفث، جماع و منظور از فسوق، گفتن دروغ و ناسزاست. و جدال این است که مردی بگوید: لا والله بلی والله.(6)

1- . السرائر: 480
2- . بقره / 196
3- . تفسیر العیاشی 1: 88
4- . تفسیر العیاشی 1: 95
5- . بقره / 197

6- . تفسير العياشى 1: 95

19. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم نقل کرده است که از امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند: «فَمَنْ فَرَضَ فِیهِنَّ الْحَجَّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجّ»(1)

{پس هر کس در این ماه ها حج را بر خود واجب گرداند، بداند که در اثنای حج همبستری و گناه و جدال روا نیست. } پرسیدم. امام فرمود: ای محمد! خداوند بر مردمان شرطی کرده است و از برای ایشان نیز بر خود شرطی فرموده است؛ پس کسی که به شرط خدا وفا کند، خداوند سبحان نیز به شرطی که بر خود فرموده است وفا خواهد فرمود. به امام گفتم: خداوند سبحان بر ایشان چه شرطی فرموده و از برای ایشان بر خود چه شرطی نموده است؟

امام فرمود: اما آنچه بر ایشان شرط کرده این است که فرمود: {پس هر کس در این ماه ها حج را بر خود واجب گرداند، بداند که در اثنای حج همبستری و گناه و جدال روا نیست. } اما آنچه از برای ایشان بر خود شرط فرمود: «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی یَوْمَیْنِ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ لِمَنِ اتَّقی»(2) {پس

هر کس شتاب کندو اعمال را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هر که تاخیر کند و اعمال را در سه روز انجام دهد، گناهی بر او نیست. } و فرمود: باز می گردد در حالی که بر وی گناهی نیست.(3)

20. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر محرم سه بار پی در پی قسم راست بخورد مجادله کرده و باید قربانی کند و اگر یک بار قسم دروغ خورد مجادله کرده و باید قربانی کند.(4)

1- . بقره / 197
2- . بقره / 203
3- . تفسیر العیاشی 1: 95
4- . تفسیر العیاشی 1: 95

21. تفسیر العیاشی: از یکی از دو امام علیهما السلام درباره محرمی که به دیگری گوید: نه به جان خودم قسم! سؤال شد. امام فرمود: این جدال نیست، جدال تنها گفتن لا والله بلی والله است.(1)

22. دعائم الإسلام: از امام علی، امام حسن، امام حسین و امام زین العابدین، امام باقر و امام صادق علیهم السلام که صلوات خداوند بر آنان باد نقل کرده اند که فرمودند: شخص محرم باید از شکار، جماع، بوی خوش، پوشیدن لباس دوخته شده و تراشیدن سر و کوتاه کردن ناخن دوری کند و اگر عمدا و پس از این که محرم شود و قبل از این که در عرفه وقوف کند، جماع کند، حجش را باطل ساخته و بر او قربانی است و باید سال دیگر حج گزارد. اگر زن نیز محرم باشد و جماع با همسرش را قبول کند، بر هر دوی آنان این امر صدق می کند. اگر زن از انجام جماع اکراه داشته باشد یا این که در حالت خواب همسرش با وی جماع کند یا این که محرم نباشد، چیزی بر عهده زن نیست.(2)

23. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس با همسر خویش در زمان حج همبستر شود و نداند که انجام این امر جایز نیست، یا این که آن دو فراموش کرده باشند، چیزی بر عهده آن ها نیست.(3)

24. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مرد محرم با همسر خویش بدون نزدیکی با وی همبستر شود، باید یک شتر قربانی کند و انجام حج سال دیگر بر عهده وی نیست.(4)

25. امام علی علیه السلام فرمود: محرم نه ازدواج می کند و نه کسی را به ازدواج درمیآورد و اگر ازدواج کند، ازدواج وی باطل می باشد.(5)

1- . تفسیر العیاشی 1: 95
2- . دعائم الاسلام 1: 303
3- . دعائم الاسلام 1: 303
4- . دعائم الاسلام 1: 303
5- . دعائم الاسلام 1: 303

26. امام علی علیه السلام فرمود: اگر محرم با همسرش همبستر شود و دچار انزال گردد، باید قربانی کند، اما در صورتی که این عمل وی از روی شهوت و هوس نباشد، چیزی بر عهده وی نیست. اگر زنش را ببوسد و دچار انزال شود باید شتری قربانی کند و اگر به دیده شهوت به وی بنگرد و نگاه خویش را تا آن جایی ادامه دهد که دچار انزال شود، باید قربانی کند. (1)

27. امام علی علیه السلام درباره محرمی که با خود - در دل - از شهوت و هوس به زنان سخن گوید و سپس دچار انزال شود فرمود: چیزی بر عهده وی نیست. به امام گفتند: اگر با آلت خود بازی کند و دچار نعوظ و سپس انزال شود چه؟ امام فرمود: همچون شخصی است که جماع کند.(2)

28. امام علی علیه السلام فرمود: محرم همسر خود از مرکب بالا می برد و لباسش را بر او مرتب میکند و از روی لباس به وی دست می زند تا چیزی از او را درست کند و اگر این کار را از روی شهوت انجام دهد، باید قربانی کند.(3)

29. امام صادق علیه السلام فرمود: جدال، گفتن لاوالله بلی والله است. اگر محرم مجادله کند و این جمله را سه بار بگوید، باید قربانی کند.(4)

30. امام صادق علیه السلام درباره این سخن خدای عز و جل «وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ بِهِ أَذىً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُک»(5) {تا

قربانی به قربانگاه نرسیده سرهای خود را متراشید و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد و ناچار شود در احرام سر بتراشد، به کفاره آن باید روزه ای بدارد یا صدقه ای دهد یا قربانیای بکند. } فرمود: اگر محرم سر خود را بتراشد، می تواند به هر یک از این موارد که خواست کفاره دهد: یا

1- . دعائم الاسلام 1: 303
2- . دعائم الاسلام 1: 304
3- . دعائم الاسلام 1: 304

4- . دعائم الاسلام 1: 304
5- . بقره / 196

سه روز روزه بگیرد. یا بر شش مستمند صدقه دهد، و برای هر مستمند نصف صاع اختصاص دهد و یا گوسفندی قربانی کند.(1)

31. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر محرم بر سر یا ریشش دست کشد و بدین خاطر موی زیادی بریزد، چیزی بر عهده وی نیست.(2)

32. و فرمود: اگر محرم نیاز به حجامت پیدا کند، حجامت کند و اما مواضع و مکان حجامت را نتراشد.(3)

33. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر محرم تنها یک ناخن خود را کوتاه کند، باید مشتی از طعام صدقه دهد و اگر تمام ناخنهای خویش را کوتاه کند باید قربانی کند.(4)

34. و فرمود: اگر محرم عطر بزند باید صدقهای بدهد.(5)

35. از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که ایشان برای محرم در صورت نیاز، استفاده کردن از سرمه ای که سیاه نباشد و بوی خوش ندهد را مجاز دانسته اند. همچنین برای محرم، استفاده از مسواک و مداوا کردن با هرآنچه را که خوردنش حلال باشد و بوی خوش ندهد را مجاز دانسته اند. (6)

36. از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که ایشان برای محرم، رفتن در زیر سایه در کجاوه را در حال حرکت، جز به جهت بیماری، ناپسند دانسته اند. و زیر سایه رفتن را در صورت فرود آمدن از مرکب، مجاز دانسته اند.(7)

37. از امام علی علیه السلام نقل کرده اند که درباره محرمی که بیمار است اما از در آوردن لباس خود بیم دارد. فرمود: در لباس خویش محرم شود و فدیه دهد،

1- . دعائم الاسلام 1: 304
2- . دعائم الاسلام 1: 304
3- . دعائم الاسلام 1: 304
4- . دعائم الاسلام 1: 304

5- . دعائم الاسلام 1: 304
6- . دعائم الاسلام 1: 304
7- . دعائم الاسلام 1: 305

چرا که خداوند فرمود: «مِنْ صِیامٍ أَوْ صَدَقَهٍ أَوْ نُسُکٍ»(1) { باید روزه بدارد یا صدقه دهد یا قربانی کند}.(2)

38. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر محرم از روی جهل یا فراموشی لباس برتن کند چیزی بر عهده وی نیست.(3)

39. امام صادق علیه السلام فرمود: محرم دو لباس پاک و سفید بر تن کند، اگر نیافت ایرادی ندارد که لباس رنگی بر تن کند، در صورتی که بوی زعفران و ورس یا هر بوی خوش دیگری ندهد. همچنین زن محرم نمی تواند لباس رنگین و عطر آگین بر تن کند و ایرادی ندارد که زن محرم زیور آلات خویش را تا زمانی که آن را برای مردان آشکار نساخته، بر تن کند.(4)

40. اگر محرم نیازمند به پوشیدن سلاح شود، آن را بپوشد.(5)

41. امام صادق علیه السلام فرمود: ایرادی ندارد که محرم زمانی که سرپایی نیابد و نیازمند به کفش شود، کفشی که تا زیر برآمدگی پا را میپوشاند، بپوشد.

1- . بقره / 196
2- . دعائم الاسلام 1: 305
3- . دعائم الاسلام 1: 305
4- . دعائم الاسلام 1: 305
5- . دعائم الاسلام 1: 305

باب بیست و نهم : پوشاندن سر و صورت و رفتن به سایه و فرو رفتن در آب برای محرم

روایات:

1. الارشاد: محمد بن حسن از امام موسی کاظم علیه السلام در حضور رشید در مکه سؤال کرد: آیا برای محرم جایز است که مرکب و کجاوه اش بر او سایه افکند؟ امام کاظم خطاب به وی فرمود: اگر همراه با اختیار باشد جایز نیست. محمد بن حسن گفت: آیا برای وی جایز است که با اختیار زیر سایه رود؟ ایشان فرمود: آری. محمد بن حسن از این کلام به خنده افتاد و امام کاظم به وی گفت: آیا از سنت پیامبر به شگفت می آیی و آن را مسخره می کنی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله سایبان خود را در زمان احرامش باز کرد و در حالی که محرم بود، در زیر آن راه رفت. ای محمد! همانا احکام خداوند سبحان بر حسب قیاس نیست، هر کس برخی از آن احکام را با برخی دیگر قیاس کند، از راه راست منحرف شده است. در این هنگام محمد بن حسن از دادن جواب عاجز ماند و سکوت کرد.(1)

2. برای ابویوسف همراه با امام موسی کاظم علیه السلام در محضر مهدی خلیفه عباسی حادثه ای شبیه به موضوع فوق روی داد و آن این بود که امام کاظم از ابو یوسف سؤالی پرسید که وی جوابی برای آن نداشت. ابو یوسف خطاب به امام کاظم علیه السلام گفت: می خواهم درباره موضوعی از شما سؤال کنم. امام فرمود: بپرس. ابو یوسف گفت: در باره زیر سایه رفتن محرم چه میگویی؟ فرمود: درست

1- . الاحتجاج 2: 168

نیست. گفت: محرم خیمه ای را در زمین بزند و در آن رود؟ امام فرمود: آری می تواند. ابو یوسف گفت:فرق این با آن یکی چیست؟ امام فرمود: به نظر تو آیا زن حائض باید نمازش را قضا کند؟ گفت: خیر. امام فرمود:آیا باید روزهاش را قضا کند؟ ابویوسف گفت: آری. امام پرسید: به چه دلیل؟ ابو یوسف گفت: این امر این گونه آمده است. امام فرمود: این مورد نیز این چنین است. مهدی عباسی به ابویوسف گفت: ندیدم که کاری انجام داده باشی. ابویوسف گفت: ای امیر المؤمنین! مرا با دلیل محکم هدف قرار داد.(1)

3. احتجاج: حمیری در نامه ای به امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره محرمی سؤال کرد که سایبان برپا می کند؛ آیا می تواند چوبهای هودج یا کنیسه(2) را بر مرکب قرار دهد و دو طرف آن را بالا ببرد؟ به این سؤال پاسخ داده شد: اگر چوب را برافرازد، چیزی بر او نیست. و نیز در باره محرمی سؤال شد که صفحهای چرمی یا چیز دیگر را بلند میکند تا از باران در امان بماند و لباس و آنچه در محمل است خیس نشود؛ آیا این کار جایز است؟ پاسخ آمد: اگر در حال حرکت باشد و روی محمل چنین کند، باید قربانی کند.

4. قرب الإسناد: اسماعیل بن عبدالخالق نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: آیا فردی که روزه گرفته، می تواند سر خویش را در آب فرو برد؟ امام فرمود: نه او و نه محرم. فرمود: از برکه فلان قوم عبور کردم و در حالی که قوم محرمی دیدم که سر خود را در آب فرو می بردند، نزد آنان ایستادم و خطاب به آنان گفتم: شما کاری را انجام می دهید که برایتان مجاز نیست. از امام سؤال کردم که آیا

1- . الاحتجاج 2: 168

2- . کنیسه، چیزی است که در محمل قرار می داده اند و بر آن پارچه ایمی افکنده اند تا سوار به وسیله آن، خود را از تابش خورشید بپوشاند.

محرم می تواند در برابر خورشید خود را بپوشاند؟ فرمود: خیر، مگر این که پیرمرد سالخورده و فرتوت یا بیمار باشد.(1)

5. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش از امام علی علیهم السلام روایت فرمود: محرم زمان خواب و غبار، صورت خود را می پوشاند، در حالی که از جلوی موها بالاتر نرود و فقط صورت را بپوشاند.(2)

6. قرب الإسناد: امام رضا علیه السلام فرمود: ابو حنیفه خطاب به امام صادق علیه السلام گفت: به چه دلیل میان زیر سایه رفتن و داخل چادر رفتن محرم فرق گذاشته شده است؟ امام فرمود: سنت و احکام شرعی قیاس نمیشود.(3)

7. علل الشرائع: ابن مغیره نقل کرده است که به امام موسی بن جعفر علیه السلام گفتم: آیا می توانم در حال احرام،ازسایبان استفاده کنم؟ حضرت فرمود: نه گفتم: از سایبان استفاده می کنم وکفاره می دهم. حضرت فرمود: نه. پرسیدم: اگر مریض شدم، چه؟ فرمود: از سایبان استفاده کن و کفاره بده. سپس فرمود: آیا نمی دانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ حج گزاری نیست که خود را برابر خورشید، در حال گفتن لبیک، ظاهرسازد، مگر این که با ناپدید شدن خورشید در افق، گناهان او نیز از پرونده اعمالش ناپدید می شود.(4)

8. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادر خویش علیه السلام نقل کرده است که فرمود: از ایشان سؤال کردم که آیا بر محرم رواست که به خاطر آزار مگس لباس خویش را بر صورت خود اندازد و بخوابد؟ فرمود: ایرادی ندارد.(5)

1- . قرب الاسناد: 59
2- . قرب الاسناد: 65
3- . قرب الاسناد: 158
4- . علل الشرائع: 452
5- . قرب الاسناد: 105

9. قرب الإسناد: امام رضا علیه السلام فرمود: همانا امام باقر علیه السلام از کنار زن محرمی عبور کرد و دید آن زن با بادبزنی چهره خود را پوشانده است؛ آن حضرت با چوبدستی خود بادبزن را از صورت زن کنار زد.(1)

10. فقه الرضا علیه السلام: اگر محرم بر خود سایه بیفکند باید یک گوسفند قربانی کند یا معادل آن به مقدار سه روز روزه بگیرد.(2)

11. فقه الرضا علیه السلام: ابن بزیع از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است که مردی در حضور من از ایشان درباره محرمی که به جهت بیماری به سایه می رود سؤالی پرسید. ایشان فرمود: به زیر سایه می رود و فدیه می دهد. سپس فرمود: اگر آن را اراده کنیم به سایه می رویم و فدیه می دهیم. خطاب به ایشان گفتم: با چه چیزی؟ فرمود: گوسفند. گفتم: کجا آن را ذبح کنیم؟ فرمود: در منی.(3)

12. فقه الرضا علیه السلام: ابو بصیر نقل کرده است که از امام درباره زن محرمی سؤال کردم که آیا برایش سایبان بزنند؟ ایشان فرمود:آری. گفتم: مرد برای خودش سایبان بزند، در حالی که محرم است؟ فرمود: آری، اگر دچار سردرد است؛ و برای هر روز به میزان یک مد طعام صدقه دهد.(4)

13. فقه الرضا علیه السلام: امام صادق علیه السلام فرمود: مرد محرم بر قُبّه - مانند کجاوه - سوار نمی شود و زن محرم سوار می شود.(5)

1- . قرب الاسناد: 160
2- . فقه الرضا علیه السلام: 36
3- . فقه الرضا علیه السلام: 62
4- . فقه الرضا علیه السلام: 62
5- . فقه الرضا علیه السلام: 72

باب سی ام : حجامت و بیرون آوردن خون و زدودن مو و شکافتن زخم و مسواک زدن

آیات:

-

فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ بِهِ أَذىً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُک (1)

{هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد و ناچار شود در احرام سر بتراشد، به کفاره آن باید روزه بدارد یا صدقه دهد یا قربانی بکند. }

روایات:

1. علی بن جعفر گوید: از برادرم علیه السلام سؤال کردم: آیا برای محرم رواست که حجامت کند؟

ایشان فرمود: آری اما جا و نقطه مورد حجامت را نتراشد و آن را نبرد.(2) گفت: از ایشان درباره محرمی سؤال کردم که دارای جوشی است که وی را آزار می دهد، آیا برای او رواست که سر آن را بکند؟ فرمود: ایرادی ندارد.(3)

2. علل الشرائع: معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که به ایشان گفتم: محرم می تواند مسواک زند؟ فرمود: آری. گفتم: اگر خون بیاید، مسواک بزند؟ امام فرمود: آری این سنت است.(4)

1- . بقره / 196
2- . قرب الاسناد: 106
3- . قرب الاسناد: 106
4- . علل الشرائع: 408

3. فقه الرضا علیه السلام: هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد و ناچار شود در احرام سر بتراشد، به کفاره آن باید روزه بدارد یا صدقه دهد یا قربانی بکند. یک گوسفند قربانی کند و شصت مستمند را اطعام کند و برای هر فرد نصف صاع را اختصاص دهد، یا این که سه روز را روزه بگیرد.(1)

4. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند «فَمَنْ کانَ مِنْکُمْ مَرِیضاً أَوْ بِهِ أَذیً مِنْ رَأْسِه»(2) {هر

کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد.} فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی از کنار کعب بن عجره گذر کرد، وی محرم بود و شپشها از سرش پراکنده میشد. پیامبر خطاب به وی فرمود: آیا آفات سرت تو را آزار می دهد؟ گفت: آری. پس این آیه نازل گردید: {هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد و ناچار شود در احرام سر بتراشد، به کفاره آن باید روزه بدارد یا صدقه دهد یا قربانی بکند.} رسول خدا به وی فرمان داد تا موهای سرش را بتراشد و سه روز روزه بگیرد و به شش فرد مستمند، برای هر مستمند دو مد طعام دهد و یک گوسفند قربانی کند.(3)

5. امام صادق علیه السلام فرمود: هر جای قرآن حرف «أو» به معنای «یا» به کار رفته باشد، صاحب آن مختار است که یکی از آنچه را که در آن آمده، به اختیار خود برگزیند و هر کجا در قرآن «اگر نیافت» آمده، پس آن به عهده اوست.(4)

6. فقه الرضا علیه السلام: حماد نیز همین حدیث را نقل کرده است.(5)

7. مکارم اخلاق: امام باقر علیه السلام فرمود: بر محرم ایرادی نیست که مسواک زند.(6)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 36
2- . بقره / 196
3- . تفسیر العیاشی 1: 90
4- . تفسیر العیاشی 1: 90

5- . فقه الرضا علیه السلام: 62
6- . مکارم اخلاق 1: 53

باب سی و یکم : تمامی کفاره های احرام

روایات:

1. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادرش علیه السلام نقل کرده است که فرمود: در ازای هر کاری که تو را از حجت بیرون ساخت، قربانی به عهده توست و باید هر جا که خواستی، قربانی کنی.(1)

مؤلف: احکام کفارات در باب «آنچه که پرهیز از آن بر محرم واجب است از صید و غیره» گذشت.

2. علل الشرائع: هر کاری را که در حرم از روی جهل انجام دادی، در حالی که محرم باشی یا نباشی، یا این که در بیرون از حرم انجام دهی و محرم باشی، چیزی بر عهده تو نیست مگر شکار، که باید در ازای آن قربانی کنی؛ اگر از روی عمد بدان اقدام کنی، قربانی کردن و همچنین گناه آن بر عهده توست.(2)

1- . قرب الاسناد: 104
2- . علل الشرائع: 234

باب سی و دوم : سبب لبیک گفتن و آداب و احکام آن و قربانی کردن حضرت ابراهیم علیه السلام برای حج

آیات:

- وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللّهِ فِی أَیّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلی ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَهِ الْأَنْعام (1)

{در میان مردم برای ادای حج بانگ برآور تا زائران پیاده و سواره بر هر شتر لاغری که از راه دوری می آیند به سوی تو روی آورند تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی بر دامهای زبان بسته ای که روزی آنان کرده است ببرند.}

روایات:

1. علل الشرائع، خصال، امالی صدوق: مالک بن انس فقیه مدینه می گفت: وقتی من بر امام صادق علیه السلام وارد می شدم، حضرت من را احترام می کرد و برای من بالش می گذاشت و برای من ارزش و احترام قائل می شد و خطاب به من می فرمود: ای مالک! من تو را دوست دارم و من نیز بدین خاطر شاد می شدم و خداوند را سپاس می گفتم. مالک گفت: امام صادق علیه السلام همواره در یکی از این سه حالت بود؛ یا در حال روزه و یا نماز و یا در حال ذکر بود و از زمره بزرگترین عبادت

1- . حج / 27

کنندگان و از بندگان زاهد خداوند بود که همواره خشیت خداوند عز و جل برایشان حکمفرما بود. ایشان زیاد حدیث نقل می کرد و خوش مجلس و پر فایده بود. هنگامی که نام رسول خداصلی الله علیه و آله را بر زبان می آورد، رنگ چهره ایشان یک بار سبز و و بار دیگر زرد می شد، به گونه ای که حتی کسی که او را میشناخت، او را نمیشناخت. یکسال همراه امام صادق علیه السلام به سفر حج رفتم و وقتی که حضرت بر مرکب نشست، زمان احرام، هرگاه می خواست تلبیه را بر زبان جاری کند صدایش در گلو می شکست و نزدیک بود ایشان از روی مرکب به پائین بیافتد. به ایشان گفتم که یابن رسول الله! بگو! اینجا باید لبیک خود را بگوئید. حضرت فرمود: ای ابی عامر، من چگونه جرأت کنم که لبیک بگویم، در حالی که می ترسم جایگاهی داشته باشم که به من بگوید: لا لبیک و لا سعدیک.(1)

2. تفسیر علی بن ابراهیم: « وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیق»(2)، {در میان مردم برای ادای حج بانگ برآور تا زائران پیاده و سواره بر هر شتر لاغری که از راه دوری می آیند، به سوی تو روی آورند.} می گوید: شتر لاغر. گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که حضرت ابراهیم از ساختن کعبه فارغ شد، خداوند به او مأموریتداد تامردم را به حج فرا بخواند. حضرت ابراهیم فرمود: صدایم نمی رسد.خداوند فرمود: ندا دادن از توو رساندن از من. ابراهیم بر مقام که درآن زمان چسبیده به کعبه بود، بالا رفت. به امر خداوند ارتفاع مقام از کوه ها بلندتر شد و آن حضرت مردم را به حجّ فراخواند، در حالی که انگشتش را در گوش هایش فرو برد و روی به شرق و غرب کرد و گفت: ای مردم! انجام حج به سوی بیت العتیق بر شما واجب شده، پس دعوت پروردگار خود را اجابت کنید، و از زیر دریاهای هفت گانه گرفته و میان مشرق و مغرب تا انتهای زمین و صلب پدران و رحم مادران، دعوت وی را با سر دادن شعار «لبیک، اللهم لبیک» اجابت کردند. آیا

1- . علل الشرائع: 234، الخصال 1: 108، امالی الصدوق: 169
2- . حج / 27

آنان را نمی بینی که لبیک گویان می آیند؟ پس هر کس از امروز تا روز قیامت حج گزارد، از کسانی است که دعوت خدا را پذیرفته و این گفته خداوند «فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ»(1)

{در آن نشانه هایی روشن از جمله مقام ابراهیم است.} به معنای ندای ابراهیم بر مقام جهت انجام حج می باشد.(2)

3. تفسیر علی بن ابراهیم: «ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلاً مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ مِنْ شُرَكاءَ فِي ما رَزَقْناكُم»(3)،

{خداوند برای شما از خودتان مثلی زده است، آیا در آنچه که به شما روزی داده ایم، شریکانی از بردگانتان دارید؟} علت نزول آیه این بود که قریش و اعراب زمانی که حج می گزاردند لبیک می گفتند و لبیک آنان این گونه بود: «لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک، انّ الحمد و النعمه لک و الملک لاشریک لک» که همان تلبیه ابراهیم و دیگر پیامبران است. ابلیس در لباس پیرمردی بر آنان ظاهر شد و گفت: این تلبیه پیشینیان شما نیست. آنان گفتند: تلبیه آنان چه بود؟ ابلیس گفت: پیشینیان می گفتند: لبیک اللهم لبیک لا شریک لک «الا شریک هو لک»، مگر شریکی که برای توست. قریش از این سخن دوری جستند. ابلیس به آنان گفت: آرام باشید تا سخنم را به پایان برسانم. گفتند: سخنت چیست؟ ابلیس گفت: جمله «الا شریک هو لک تملکه و ما یملک الاّ ترون انّه یملک الشریک و ما ملکه» جز آنکه او شریک توست، تو مالک او می شوی اما او مالک تو نیست. آیا نمی بینید که وی مالک شریک است در حالی که شریک، مالک وی نیست. آنان به این امر راضی شدند و این تلبیه را تنها قوم قریش سر می دادند. زمانی که خدا رسول خویش را فرو فرستاد، این امر را بر آنان ناپسند شمرد و فرمود: این شرک است. سپس خدا آیه {خداوند برای شما از خودتان مثلی زده است، آیا در آنچه که به شما روزی داده ایم شریکانی از بردگانتان دارید که در آن مال با هم مساوی باشید.} را

1- . آل عمران / 96
2- . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: 439 با قدری اختلاف
3- . روم / 28

نازل کرد. یعنی این که آیا شما رضایت می دهید در آنچه که مالک آن هستید، برایتان شریک باشد؟ و اگر رضایت نمی دهید که در آنچه که مالک آن هستید شریک داشته باشید، پس چطور خشنود می شوید که برای مندر آن چه که مالکش هستم، شریک قرار دهید؟(1)

4. قرب الإسناد: حنان نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: زمانی که به مسجد شجره رفتی، فریضه به جای بیاور. گفت: به امام گفتم: چه فریضهای؟ فرمود: دو رکعت نماز می خوانی و سپس می گویی: پروردگارا! از تو می خواهم هر آنچه را که فرمان داده ای، یعنی تمتع به عمره تا حج را انجام دهم، پس اگر تقدیر تو مرا رسید - فوت کردم - مرا از احرام درآور، آنجا که تقدیرت مرا حبس میکند؛ و چون به یک میلی رسیدی، لبیک بگوی.(2)

5. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به بیداء در فاصله یک میل مانده به مکه رسید، شترش را نزدیکش آوردند و بر آن سوار شد. زمانی که شتر به راه افتاد، رسول خدا لبیک های چهارگانه را این چنین می گفت: «لبیک اللهم لبیک،لبیک لا شریک لک لبیک، ان الحمد و النعمه لک و الملک، لا شریک لک» سپس فرمود: اینجا خبیثها را فرو میبرد. فرمود: سپس مردم پس از آن بدان افزودند(زیاد شدند) که این امری نیکوست.(3)

6. قرب الإسناد: از امام صادق علیه السلام درباره لبیک گویی پیامبر سؤال شد فرمود: همان تلبیه هایی که مردم با آنان لبیک می گویند و ایشان عبارت «ذی المعارج»، ای صاحب والایی ها را زیاد تکرار می کرد.

7. قرب الإسناد: بزنطی نقل کرده است که از امام رضا علیه السلام پرسیدم: اگر خواستم احرام بندم چه کنم؟ امام فرمود: پس از ادای نماز واجب احرام بند و زمانی

1- . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: 499
2- . قرب الاسناد: 58
3- . قرب الاسناد: 59

که به بیداء رسیدی لبیک گو. گفتم: اگر از راه عراق محرم بودم چه؟ فرمود: زمانی که بر مرکبت سوارشدی لبیک گو.(1)

8. الخصال: در آنچه که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام سفارش نمود: زنان نباید با صدای بلند لبیک گویند.(2)

9. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: واجبات حج، احرام و گفتن این لبیک های چهارگانه است: لبیک ای خدا لبیک! تو شریکی نداری لبیک! ستایش، نعمت و فرمانروایی از آن توست، شریکی برای تو نیست.(3)

10. علل الشرائع وعیون اخبار الرضا: سلیمان بن جعفر نقل کرده است که از امام رضا علیه السلام درباره لبیک گفتن و علت آن سؤال کردم. ایشان فرمود: مردم زمانی که برای حج احرام بندند، خداوند تبارک و تعالی به آنان ندا داده و می فرماید: ای بندگان و کنیزکان من! شما را بر آتش حرام خواهم نمود، همانطور که شما به خاطر من احرام بستید. سپس مردم به خاطر اجابت خداوند که آنان را ندا داد، می گویند: لبیک، خدایا لبیک. (4)

11. علل الشرائع: عبید الله بن حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: به چه دلیل سنت لبیک گویی قرار داده شده است؟ فرمود: خداوند عز و جل به ابراهیم وحی نمود: «وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالا»(5) {در میان مردم برای ادای حج بانگ برآور تا زائران پیاده به سوی تو روی آورند.} ابراهیم ندا داد و مردم از هر راه دوری لبیک کنان اجابت کردند.(6)

1- . قرب الاسناد: 76
2- . الخصال 2: 287
3- . الخصال 2: 394
4- . علل الشرائع: 416
5- . حج / 27
6- . علل الشرائع: 416

12. علل الشرائع: شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: چرا لبیک گفتن را تلبیه نام نهاده اند؟ ایشان فرمود: ازین رو که اجابت است، چنان که موسی پروردگارش را چنین اجابت کرد.(1)

13. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت موسی از رمله مصر احرام بست، با حالت احرام از درههای منطقه روحاء عبور کرد، در حالی که زمام و افسار شترش از لیف بود. لبیک می گفت و کوه ها وی را اجابت می کردند.(2)

14. علل الشرائع: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: موسی بن عمران به حج رفت و هفتاد پیامبر وی را در درههایمنطقه روحاء همراهی می کردند و بر دوش آنان عبایی از جنس پنبه بود. ایشان می گفت: لبیک !بنده تو و فرزند دو بنده تو.(3)

15.علل الشرائع: هشام بن عبدالملک از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: موسی از صخرههای منطقه روحاء سوار بر شتری سرخ موی که افسار آن از لیف بود، عبور کرد در حالی که بر دوشش دو عبای پنبه ای بود و می فرمود: لبیک ای کریم و بخشنده لبیک ! یونس بن متی از درههای منطقه روحاء گذر کرد، در حالی که می گفت: لبیک ! ای برطرف کننده مشکلات بزرگ لبیک. عیسی بن مریم نیز از درههای منطقه روحاء عبور کرد، در حالی که می گفت: لبیک بنده ات و فرزند کنیزت لبیک. حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز ازدرههای منطقه روحاء عبور کرد، در حالی که عبارت لبیک ای صاحب والایی ها را تکرار می کرد.(4)

16. معانی الأخبا، عیون اخبار الرضا، علل الشرائع: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی که خداوند عز وجل موسی بن عمران را فرستاد و او را به عنوان همسخن برگزید و دریا را برایش شکافت و قوم بنی اسرائیل را نجات داد و به آنان

1- . علل الشرائع: 418
2- . علل الشرائع: 418
3- . علل الشرائع: 416
4- . علل الشرائع: 419

تورات و الواح را بخشید، جایگاه خود را نزد خداوند سبحان دید و خطاب به خدا عرضه داشت: خدایا! مرا به گونه ای اکرام کردی که تا کنون پیش از من کسی را این گونه گرامی نداشته ای. خداوند جل جلاله فرمود: ای موسی! آیا نمی دانی که محمد نزد من از تمام فرشتگان و آفریدگانم برتر است؟ موسی گفت: خدایا! اگر محمد نزد تو از تمامی آفریدگانت برتر است، اما آیا در میان خاندان پیامبران، از خاندان من ارجمندتر هست؟ خداوند جل جلاله فرمود: آیا ندانستی که برتری آل محمد بر تمامی خاندان پیامبران، به سان برتری محمد بر دیگر پیامبران است؟ موسی گفت: پروردگارا! اگر خاندان محمد از دیگر پیامبران برتر است، پس آیا در امتهای دیگر دیگر پیامبران، امتی برتر از امت من نزد تو وجود دارد؟ بر آنان ابر را سایه گستر کردی و گزنگبین و بلدرچین فرو فرستادی ودریا را برایشان شکافتی؟ باری تعالی فرمود: ای موسی! آیا نداستی که برتری امت محمد بر دیگر امت ها، همچون برتری من بر تمامی آفریدگانم است؟ موسی گفت: خداوندا! ای کاش آنان را می دیدم. خداوند عز و جل به وی وحی نمود که ای موسی، تو هرگز آنان را نخواهی دید و اکنون زمان ظهور آنان نیست، اما آنان را در بهشت عدن و فردوس همراه با محمد خواهی دید که از نعمت های آن بهره مند بوده و درآن غوطه ورند و از نیکی های آن نیز احساس شادی و خوشحالی می کنند. آیا دوست می داری که سخن آنان را به گوش تو برسانم؟ موسی گفت: بله ای خدای من. خداوند فرمود: در مقابل من برخیز و کمرت را محکم ببند، آن سان که برده ای ذلیل در مقابل فرمانروایی بزرگوار ایستد. موسی نیز این عمل را انجام داد و پروردگار ندا داد، ای امت محمد! پس تمامی کسانی که در صلب پدران و رحم مادرانشان بودند، پاسخ دادند: لبیک اللهم لبیک، شریکی برای تو نیست لبیک، همانا سپاس و نعمت و فرمانروایی از آن توست، شریکی برای تو نیست. گفت: خداوند عز و جل این اجابت را شعار حج قرار داد. سپس پروردگار ما عز و جل ندا داد: ای امت محمد! حکم من بر شما این است که رحمت من از غضبم و بخششم از مجازاتم پیشی گرفته است. قبل از این که مرا بخوانید، دعای شما را برآورده ساختم و قبل از این که

از من درخواست کنید به شما بخشیدم، هر کس از میان شما با سر دادن شعار لااله الا الله وحده لاشریک له و انّ محمدا عبده ورسوله به دیدار من بیاید، در حالی که در گفته خود صادق باشد، در کارهایش سزاوار پاداش باشد واین که علی بن ابی طالب علیه السلام برادر و جانشین پس از رسول خدا و ولیّ اوست، اطاعت وی لازم است همچنان که اطاعت محمد لازم بود. همانا پیشوایان برگزیده و پاک و مبارک وی نسبت به شگفتی های نشانه های خداوند و همچنین دلایل حجتهای خدا، پس از او اولیای اویند، او را داخل بهشت خواهم کرد، اگر چه گناهان وی به اندازه کفهای دریا باشد. فرمود: زمانی که خداوند سبحان محمد پیامبر ما صلی الله علیه و آله را فرستاد، فرمود: زمانی که تو را ندا دادیم، تو در کنار طور نبودی. امت تو از این کرامت برخوردارند. سپس خداوند عز و جل به محمد صلی الله علیه و آله فرمود: ای محمد! بگو: ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است. به خاطر آنچه که مرا به این فضیلت اختصاص دادی؛ و به امت او فرمود: شما بگویید: ستایش خدا را که پرودگار جهانیان است. به خاطر آن ما را به این فضیلت ها اختصاص داد.(1)

مؤلف: روایت به طور کامل در جاهای مختلف بیان گردید.

17. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام از پدران خود از امام علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: جبرئیل بر محمد صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت: ای محمد! اصحابت را به عج و ثج فرمان ده. منظور از عج بالا بردن صدا جهت لبیک گفتن و منظور از ثج قربانی کردن شتر است.(2)

18. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند عز و جل به ابراهیم و اسماعیل فرمان داد که کعبه را بسازند و ساخت آن به پایان رسید، خداوند به او فرمان داد که از یکی از ستون ها بالا رود و سپس بر مردم ندا دهد:هان! به سوی حج بشتاب! اگر ندا می داد، همه به حج شتابید، حج نمیگذاردند مگر انسان

1- . علل الشرائع: 417، عیون الأخبار1: 283
2- . معانی الأخبار: 223

هایی که در آن زمان خلق شده بودند، اما ایشان ندا داد: به سوی حج بشتاب! پس تمامی مردانی که در صلب پدران خویش بودند، لبیک گویان گفتند: لبیک ای فراخواننده به سوی خدا، لبیک ای فراخواننده به سوی خدا. پس هرکس ده بار لبیک گوید، ده بار حج گزارده و هر کس پنج بار گوید، پنج بار حج گزارده و هر کس بیش از این تعداد لبیک گوید، به همان تعداد حج گزارده و هر کس یک بار لبیک گوید، یک بار حج گزارده و هر کس لبیک نگوید، حج نگزارده است.(1)

19. علل الشرائع: امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند والا مقام، زمانی که به ابراهیم فرمان داد که در میان مردم برای انجام حج ندا دهد، وی بر مقام ایستاد و از آن بالا رفت تا این که در مقابل کوه ابو قبیس قرار گرفت و در میان مردم ندای حج داد. حضرت ابراهیم آن را به گوش تمامی کسانی که در صلب پدران و رحم مادران خود بودند، تا زمانی که قیامت برپا شود، رسانید.(2)

20. المحاسن: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در احرام خویش از روی اعتقاد خالص هفتاد بار لبیک گوید، خداوند هزار فرشته را بر آزادی وی از آتش دوزخ و برداشتن نفاق از دل او گواه می گیرد.(3)

21. فقه الرضا علیه السلام: سپس لبیک های چهار گانه را که جزو واجباتند آهسته می گویی:«لبیک! اللهم لبیک! لبیک لا شریک لک لبیک! إن الحمد و النعمه لک و الملک لا شریک لک» این چهار لبیک جزو واجباتند. سپس می گویی: لبیک ای صاحب والایی ها، لبیک ای کسی که آغاز می کنی و بازمیگردانی و بازگشت به سوی توست لبیک، لبیک ای فرا خواننده به خانه امن لبیک، لبیک ای کسی که گرفتاریهای بزرگ را برطرف می سازی لبیک، لبیک ای کریم لبیک! لبیک، بنده ات و فرزند دو

1- . علل الشرائع: 419
2- . علل الشرائع: 419
3- . المحاسن: 64

بنده ات فراروی توست لبیک، لبیک به وسیله محمد و خاندان وی به تو تقرب می جویم لبیک! و ذی المعارج - ای صاحب والایی ها - را بسیار بر زبان جاری کن.(1)

22. السرائر: ابن سنان نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره لبیک گفتن برای حج و وجوب آن و احرام بستن سؤال کردم. امام فرمود: آن همان لبیک گفتن است که زمانی که لبیک گوید، در حالی که متوجه است، هر آنچه را که بر محرم واجب است، بر وی واجب می گردد.(2)

23. تفسیر العیاشی: امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند سبحان به ابراهیم وحی نمود که از کوه ابو قبیس بالا رو و بر مردم ندا ده: ای گروه آفریدگان! همانا خداوند از میان شما کسی را که بتواند به سوی وی راه یابد، به انجام حج این خانه ای که در بکه است، در حالی که محرم است، به عنوان یک فریضه فرمان می دهد. فرمود: ابراهیم از کوه ابو قبیس بالا رفت و با صدای رسا و بلند خویش اعلام کرد: ای گروه آفریدگان! همانا خداوند از میان شما کسی را که بتواند به سوی وی راه یابد، به انجام حج این خانه ای که در بکه است، فرمان می دهد و انجام آن به عنوان فریضه و واجبی از سوی خداست. فرمود: خداوند نیز به ابراهیم در جهت رساندن صدایش یاری نمود تا این که توانست به گوش اهل شرق و غرب و میان آن دو، تمامی آنچه را که خدا مقدر ساخته بود، از کسانی که در صلب پدران خود به شکل نطفه و در رحم مادرانشان بودند، تا روز قیامت برساند. ای فضل، از اینرو گزاردن حج بر تمامی آفریدگان واجب شد؛ بنابراین لبیک گفتن از سوی حج گزار در ایام حج، همان اجابت ندای ابراهیم در آن روز جهت فرمان حج از سوی خدا می باشد.

24. به خط شیخ محمد بن علی الجباعی - رحمه الله - یافتم که ایشان به نقل از خط شهید - قدّس الله روحه - از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هر

1- . فقه الرضا علیه السلام: 27
2- . السرائر: 487

کس در زمان احرام خویش از روی اعتقاد خالص هفتاد بار لبیک گوید، (1)خداوند هزار فرشته را بر برائت وی از آتش دوزخ و برائت ازنفاق، گواه می گیرد.

1- . علل الشرائع: 419

باب سی و سوم : لبیک گفتن با صدای بلند و زمانی که باید لبیک گفتن قطع شود

روایات:

1. الخصال: امام باقر علیه السلام فرمود: بر زنان لازم نیست: بلند گفتن لبیک، هروله بین صفا و مروه، دست کشیدن بر حجرالاسود، ورود به کعبه و سر تراشیدن. تنها باید قدری از موی خود را کوتاه کنند... ادامه روایت.(1)

2. قرب الإسناد: بزنطی نقل کرده است که از امام رضا علیه السلام سؤال کردم که مرد محرمی که به عمره می رود، از کجا باید لبیک گفتن را قطع کند؟ امام رضا علیه السلام فرمود: زمانی که نگاهش به خانه های مکه افتاد، لبیک گفتن را قطع نماید.(2)

مؤلف: در باب انواع حج، احکام مربوط به آن بیان گردید.

3. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که لبیک می گویی، صدایت را جهت لبیک گفتن بالا بر و هر زمان که از تپه ای بالا رفتی یا به سوی دشتی فرود آمدی یا با سواره ای دیدار کردی یا هنگامی که از خوابت بلند شدی یا سوار بر مرکب شدی یا فرود آمدی و در سحرگاهان، لبیک گو. وقتی که راه مدینه را در پیش گرفتی، قبل از این که به یک میلی آن که در سمت چپ راه قرار دارد برسی، صدایت را جهت لبیک گفتن بالا بر و از میل جز لبیک گویان عبور نمی کنی. زمانی که خانه های مکه را دیدی، لبیک گفتن تمام میشود. حد خانه های مکه از عقبه المدینیین یا به موازات آن

1- . الخصال 2:373

2- . قرب الاسناد: 167

است، و هر کس راه مدینه را در پیش گیرد، زمانی که خانه های مکه که همان عقبه ذی طوی می باشد را ببیند، لبیک گفتن را قطع کند.(1)

4. السرائر: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که از تنعیم حج عمره گزارد، وقتی نگاهش به مسجدالحرام افتاد، لبیک گفتن را قطع کند.(2)

5. الهدایه: زمانی که خواستی وارد مسجد الحرام شوی، در حالی که پا برهنه ای، با آرامش و وقار از در بنی شیبه وارد شو، چرا که هر کس با فروتنی و تواضع بدان وارد شود، بخشوده می شود. زمانی که وارد مسجد الحرام شدی به کعبه نگاه کن و بگو: سپاس خداوندی را که تو را عظمت بخشید و عزت داد و تکریم نمود و محل اجتماعی برای مردم و سرزمین امن و مبارک و هدایتی برای جهانیان ساخت. سپس به حجر الاسود نگاه کن و دستانت را بالا بر و خداوند را سپاس و ثنا گو و بر

محمد وخاندان وی درود بفرست و از خداوند بخواه که از تو بپذیرد. سپس بر حجر الاسود دست بکش و در هر دور آن را ببوس، اگر نتوانستی از آن شروع و بدان ختم کن. اگر نتوانستی با دست راستت بر آن بکش و آن را ببوس و بگو: خداوندا ! امانت خود را ادا کردم و به عهد و پیمانم وفا نمودم تا برای من بر وفای به عهدم گواه باشی. بار خدایا ! به خدا ایمان آوردم و به جبت، طاغوت، لات،عزی، پرستش شیطان و عبادت بتها و پرستش هر آنچه غیر خدا که نظیر او خوانده شود، پشت کردم. اگر نتوانستی همه این را بگویی، مقداری از آن را بگوی، سپس هفت دور به گرد خانه طواف کن و زمانی که به در کعبه رسیدی بگو: خدایا ! گدای تو به درگاه تست، مستمند تو به سوی تو روی آورده، براو تصدق نما و بهشت را نصیبش کن. و در طواف خویش می گویی: خدایا ! تو را با آن نامی می خوانم که با ذکر آن بر سینه آب به سان راه رفتن بر جاده های زمین گام می نهند. تو را با نام حفظ شده و پنهانت می خوانم و از تو می خواهم، به حق آن نام اعظمت اعظمت که اگر به آن خوانده شوی اجابت می کنی، و اگر از تو درخواست شود، می بخشی، بر محمد و

1- . فقه الرضا علیه السلام: 27
2- . السرائر: 480

خاندان وی صلوات فرستی و با من این چنین کنی. زمانی که مقابل ناودان رسیدی بگو: خدایا! من را از آتش نجات ده و روزی حلالت را بر من زیاد کن و شر بدکاران عرب وعجم و شر بدکاران جن و انس را از من دور کن. و سپس در حالی که عبور می کنی می گویی: خدایا به تو محتاج و نیازمندم، از تو بیمناک و به تو پناهنده ام، پس جسمم را دگرگون مساز و اسم مرا تغییر مده و من را با دیگری عوض نکن. زمانی که به رکن یمانی رسیدی آن را در بر بگیر و ببوس و در هر دور بر محمد و خاندان وی صلوات بفرست و میان آن و رکنی که حجرالاسود درآن قرار دارد بگو: خدایا در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از آتش سوزان جهنم محفوظ بدار.

چون در دور هفتم رسیدی، در مستجار که آخر کعبه کمی به رکن یمانی مانده، دستانت را بر روی کعبه باز کن و گونه و شکم خود را بر کعبه بچسبان و بگو: خدایا این خانه خانه توست و بنده بنده توست و این مکان کسی است که از آتش به تو پناه آورده است. و میگویی: در آستانه تو قدم نهادم، پس با بخشش خود از من پذیرایی کن و هر آنچه را که میان من وتوست ببخش، از آفریده هایت بینیازم کن. و آنچه را که خواستی دعا کن، سپس آنچه را که از گناهان انجام داده ای قصد کرده و می گویی: خدایا! عمل و کرده ام کم است، پس آن را دوچندان کن و از آنچه که از کار من درباره آن آگاهی داری و بر بندگانت پنهان است، ببخشای. سپس از ترس آتش به خدا پناه می بری و هر دعایی که برای خود خواستی طلب می کنی و رکنی را که حجر الاسود در آن است را لمس کن و بدان نیز ختم کن. اگر نتوانستی این کار را انجام دهی ایرادی ندارد و اما باید از حجر الاسود شروع کنی و بدان نیز ختم کنی و می گویی: خدایا! به آنچه که روزی من ساخته ای مرا قانع کن و آنچه را که به من بخشیده ای، بر من مبارک ساز. (1)

1- . الهدایه: 56

باب سی و چهارم : آداب دخول حرم و ورود به مکه و ورود به مسجدالحرام، و مقدمات طواف همچون غسل و غیر آن

روایات:

مؤلف: غسلها در باب احرام و استحباب ورود از در بنی شیبه، در باب اسباب حج گذشت.

1. ثواب الأعمال: مسلم بن جعفر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که مردی بر ایشان وارد شد. امام علیه السلام از او پرسید: آیا به قصد حج آمدی؟ آن شخص گفت: آری. امام خطاب به او فرمود: آیا ثواب حج گزار را می دانی؟ آن شخص گفت: نمی دانم، جانم به فدایتان. امام فرمود: هر حج گزار زمانی که به مکه قدم نهد، همراه با تواضع و فروتنی وارد شود و زمانی که داخل در مسجد الحرام شود، گامهای خود را از ترس خداوند عز و جل کوتاه کند، و به گرد خانه خدا طواف کند و دو رکعت نماز بخواند، خداوند سبحان هفتاد هزار حسنه برایش می نویسد و هفتاد گناه وی را می آمرزد و تا هفتاد درجه وی را بالا می برد و در هفتاد هزار نیاز وی را شفاعت می کند و برایش آزادی هفتاد هزار برده، هر برده به ارزش ده هزار درهم در نظر می گیرد.(1)

1- . ثواب الأعمال: 44

2. المحاسن: امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس با آرامش وارد مکه شود، گناهش آمرزیده می گردد.(1)

3. المحاسن: ابان بن تغلب نقل کرده است که با امام صادق علیه السلام در ایله - جایی میان مکه و مدینه - بودم. زمامی که امام به حرم رسید، غسل کرد و کفشهایش را به دستش گرفت و سپس پابرهنه وارد حرم شد. ابان گفت: من نیز همان کاری را انجام دادم که امام انجام داد. امام فرمود: ای ابان! هر کس کاری مانند آنچه که از من دیدی، با تواضع و فروتنی برای خدا انجام دهد، باری تعالی صد هزار گناه وی را می آمرزد و برایش صد هزار حسنه نوشته می شود و صدهزار نیاز وی را بر آورده می سازد.(2)

4. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: بنگرید، وقتی که به وادی مکه قدم نهادید، لباس های کهنه تان را بپوشید که هیچ کس بدون هیچ تکبّری در دل، به مکّه فرو نیامد، مگر اینکه آمرزیده شد.(3)

5. مؤلف: به خط برخی از بزرگان دیدم که ایشان از خط شهید - قدس الله روحه - و وی از امام باقر علیه السلام حدیث فوق را بدین شکل نقل کرده اند و در آن این عبارت را افزوده اند: خداوند برای وی صد هزار مقام بنا می نهد و صد هزار نیاز وی را بر آورده می سازد. سپس فرمود: هر کس با آرامش وارد مکه شود گناهش آمرزیده می گردد، بدین معنا که بدون تکبر و غرور بدان وارد شود، و هر کس پابرهنه و همراه با خشوع و وقار به مسجد الحرام وارد شود، خداوند گناه وی را خواهد بخشود.

6. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که به حرم رسیدی، قبل از این که به مکه وارد شوی غسل کن و با شادمانی، و با آرامش و وقار گام بردار. زمانی که وارد مکه شدی

1- . المحاسن: 67
2- . المحاسن: 67
3- . المحاسن: 68

و به خانه نگاه انداختی بگو: سپاس خداوندی را که تو را عظمت بخشید و عزت داد و تکریم نمود و محل اجتماعی برای مردم و سرزمین امن و مبارک و هدایتی برای جهانیان ساخت. سپس پابرهنه به مسجد وارد شو، در حالی که آرامش و وقار بر تو حاکم باشد. و اگر همراه با قومی بودی و از مرکبشان مراقبت کردی تا طواف و سعی کنند، بیشترین ثواب را از میان آنان از آن خود کرده ای. و از در بنی شیبه به مسجد وارد شو و بگو: به نام خدا و به خدا و به آیین رسول خدا، سپس به گرد خانه طواف می کنی و از رکن حجر الاسود آغاز می کنی و سپس بگو: خداوندا! امانت خود را ادا کردم و به عهد و پیمانم وفا نمودم تا برای من بر وفای به عهدم گواه باشی. بار خدایا! به خدا ایمان آوردم و به جبت، طاغوت، لات، عزی، هبل و بتها و پرستش بتها و شیطان و پرستش هر آنچه غیر خدا که نظیر او خوانده شود، پشت کردم. خداوند سبحان از آنچه که می گویند والاتر و بزرگ ترست.(1)

7. تفسیر العیاشی: حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: آیا زمانی که زنان قصد خانه خدا کنند، غسل کنند؟ ایشان فرمود: آری! خداوند عز و جل فرمود: «أَنْ طَهِّرا بَيْتِیَ لِلطّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُود»(2) {خانه

مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگانم پاکیزه کنید} بر بنده سزاوار است که وارد نشود مگر این که پاک باشد و عرق و رنجش و پریشانی از وی شسته شود و پاک گردد.(3)

8. السرائر: رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار روز مانده از ذی قعده از مدینه خارج شد و چهار روز رفته از ذی حجه از بالای مکه از عقبه المدنیین وارد شد و از پایین آن بیرون رفت.(4)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 27
2- . بقره / 125
3- . تفسیر العیاشی 1: 59
4- . السرائر: 487

باب سی و پنجم : واجبات طواف وآداب آن

روایات:

1. قرب الإسناد: سعدان بن مسلم نقل کرده است که امام موسی کاظم علیه السلام را دیدم که بر حجر الاسود دست کشید و سپس طواف کرد.تا این که دور هفتم شد. به وسط خانه خدا چسبید و ملتزم را که شیعیان بدان می چسبند رها کرد و دستانش را بر کعبه گشود و

قدری درنگ کرد و سپس به سمت حجر الاسود رفت و بر آن دست کشید و پشت مقام ابراهیم نماز خواند. و بار دیگر بازگشت و بر حجر الاسود دست کشید و به راه افتاد تا این که در دور هفتم طوافش به ملتزم رسید. به مقابل وسط خانه خدا آمد و دستانش را گشود و بر حجر الاسود دست کشید و دو رکعت پشت مقام ابراهیم نماز خواند. سپس برحجر الاسود دست کشید و طواف کرد تا این که دور هفتم شد. به وسط خانه چسبید، سپس حجرالاسود را استلام کرد و دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم خواند و بار دیگر به سمت حجر الاسود رفت ومیان حجر الاسود و در کعبه را دست کشید. سپس قدری درنگ کرد و بار دیگر به سمت حجر الاسود رفت و هشت رکعت نماز خواند و آخرین دیدار وی با کعبه در زیر ناودان بود. دستش را گشود و دعا کرد و قدری ایستاد، سپس از در حناطان بیرون رفت تا این که به ذو طوی رسید و مقابلش مدینه قرار داشت.(1)

مؤلف: بعضی از آداب در باب نماز طواف بیان خواهد شد.

1- . قرب الاسناد: 131

2. الخصال: در آنچه که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام سفارش کرد: بر زنان دست کشیدن بر حجر الاسود لازم نیست.(1)

مؤلف: در باب بالا بردن صدا جهت لبیک گفتن، با سندی دیگر از امام باقر علیه السلام نیز مانند این حدیث نقل شده است.

3. الخصال: امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمائه فرمود: در کنار ملتزم به گناهان خویش اعتراف و اقرار کنید، چه گناهانی که به یاد دارید و چه گناهانی که فراموش کرده اید.پس بگویید: خدایا! آنچه را که نگاهبانان تو از گناهان ما حفظ کرده اند و ما آن ها را فراموش کرده ایم بر ما ببخش. همانا هر کس در این مکان به گناهانش اقرار کند و آن ها را بشمارد و به یاد آورد و از خداوند طلب بخشش کند، بر خداوند است که وی را بیامرزد.(2)

4. عیون الاخبار: محمد بن سعد نقل کرده است که همراه با امام رضا علیه السلام زمان طواف همراه بودم. زمانی که روبروی رکن یمانی رسیدیم، ایستاد و دستانش را بالا برد و گفت: خداوندا! ای صاحب و خالق سلامتی، ای روزی دهنده تندرستی! ای نعمت دهنده و منت گذارنده و احسان کننده به عافیت بر من و تمامی بندگانت! ای مهربان و بخشاینده دنیا و آخرت! بر محمد و خاندان وی صلوات فرست و عافیت و کمال آن و همچنین شکر بر عافیت و تندرستی در دنیا و آخرت را روزی ما ساز، ای مهربانترین مهربانان.(3)

5. علل الشرائع: از امام باقر علیه السلام درباره طواف پرسیده شد که آیا مرد باید در آن بدود؟ امام فرمود: رسول خدا زمانی که به مکه آمد و میان وی و مشرکان، پیمانی بود که آن را می دانید، به مردم فرمان داد که توان خود را نشان دهند و فرمود: بازوان خود را بیرون اندازید و خود نیز بازوان خود را از قبایش خارج ساخت. سپس

1- . الخصال 2: 287
2- . الخصال 2: 408
3- . عیون الأخبار2: 16

به دور کعبه رمله کرد[به حالت دویدن رفت] تا بدان ها نشان دهد که خستگی به آنها نرسیده است. بدین خاطر است که مردم رمله کنان می روند و من راه می روم. و علی بن الحسین علیه السلام نیز راه می رفت. (1)

6. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: در غزوه حدیبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله با اهالی مکه به مدت سه سال صلح کرد و سپس داخل شد و عبادات خویش را انجام داد. سپس رسول خدا بر گروهی از اصحاب خود که در آستانه کعبه نشسته بودند عبور کرد. پس فرمود: اینان اقوام شمایند که بر سر کوه ها هستند و شما را نمی بینند تا در شما ضعف و سستی ببینند. امام فرمود: آنان برخاستند و کمرشان را محکم بستند و دستانشان را به کمر خود گذاشتند و سپس دویدند.(2)

7. اکمال الدین: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام سجده خویش در این مکان، در حالی که با دست خویش به حجر زیر ناودان اشاره می کرد، گفت: بنده کوچکت و خواهان تو در پیشگاه توست، از تو چیزی را می خواهد که غیر تو قادر به دادن آن نیست.(3)

مؤلف: آن را با چند سند در باب کسانی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدند، آوردیم.

8. فقه الرضا علیه السلام: هفت دور طواف می کنی در حالی که فاصله گامهایت را به یکدیگر نزدیک کرده و در هر دور بر حجر الاسود دست می کشی. در صورتی که نتوانستی، با دستت بدان اشاره کن و زمانی که به در خانه رسیدی بگو:خواهنده تو، بینوای تو، و بنده کوچک تو در پیشگاه توست، نیازمند تو در ساحت تو فرود آمده، پس بهشتت را بر وی تفضل فرما. زمانی که مقابل ناودان رسیدی بگو:پروردگارا ! مرا از آتش نجات ده و شر بدکاران عرب و عجم را از من دور ساز و مرا در زیر سایه

1- . علل الشرائع: 412
2- . علل الشرائع: 412
3- . اکمال دین: 260

عرشت قرار ده و شر هر شرور و شر هر بدکار از جن و انس را از من دور ساز. در طواف خویش می گویی: پروردگارا! تو را به آن نامت می خوانم که با آن بر امواج آبها راه می روند، همان گونه که بر جاده های زمین گام می نهند، و به حق نام پنهان و اندوخته ات و همچنین با آن نام اعظم اعظمت که اگر تو را با آن بخوانند پاسخ می دهی و اگر از تو خواسته شود می بخشی. از تو می خواهم که بر محمد و خاندان وی درود فرستی و مرا بخشوده و برمن رحم کنی و اعمالم را بپذیری، همان طور که از ابراهیم، دوست و یاورت، و موسی هم سخنت و عیسی روحت و محمد دوستت پذیرفتی. زمانی که به رکن یمانی رسیده بر آن دست بکش چرا که یکی از دروازه های بهشت در آن است که از زمان گشایش تا کنون بسته نشده است. سپس از آنجا به گوشه مسجد مقابل این رکن اشاره کرده و می گویی: ای رسول خدا! بر تو درود می فرستم و میان رکن یمانی و سنگ حجرد الاسود می گویی: خدایا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش سوزان محفوظ دار. هرگاه دور هفتم بودی در کنار مستجار بایست و پرده های کعبه را بگیر و خداوند را بسیار دعا کن و بر آن پافشاری کن و اصرار ورز و نیازها و حاجتهای دنیا و آخرت را از او بخواه، چرا که خدا نزدیک و اجابت کننده است. (1)

9. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی علی بن الحسین علیه السلام به ملتزم رسید عرضه داشت: «خدایا! نزد من اشتباهات و گناهان بسیاری است، در حالی که نزد تو به مقدار بسیار زیادی رحمت و مغفرت وجود دارد، ای کسی که دعاهای منفورترین بندگانت را مستجاب و برآورده ساخت، زمانی که گفت: «أَنْظِرْنِی إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ»(2)

{خدایا! تا روزی که انسانها بر انگیخته شوند به من مهلت ده.}حاجتم را برآورده ساز و با من این چنین کن.»(3)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 27
2- . اعراف / 14
3- . تفسیر العیاشی 2: 241

10. المناقب: طاووس فقیه نقل کرده است که امام سجاد علیه السلام رادر حجر دیدم که نماز می خواند و این چنین دعا می کرد: «بنده کوچکت در خانه توست، اسیرت در پیشگاه توست،درمانده ات در پیشگاه توست، خواهنده ات در خانه توست، از آنچه که بر تو پوشیده نیست به تو شکایت می کند.» و همچنین در خبر آمده است که مرا از درت مران.(1)

11. المناقب: اصمعی نقل کرده است که شبی پیرامون کعبه طواف می کردم. به ناگاه جوانی خوش سیما را دیدم که بر دوش وی دو عبا بود. در حالی که وی پرده های کعبه را گرفته بود می گفت: چشم ها به خواب رفتند و ستارگان فرو رفتند، در حالی که تو همچنان خداوند زنده و پابرجایی.پادشاهان دروازه های خود را بسته اند و نگاهبانان خود را بر آن گماشته اند، در حالی که در خانه تو به روی خواهندگان باز است. به نزد تو آمده ام تا با دیده لطف و رحمتت به من بنگری، ای مهربان ترین مهربانان. سپس این اشعار را خواند:

- ای کسی که دعای درمانده را در تیرگیها اجابت می کنی، ای برطرف کننده و ازبین برنده مصیبت و تنگدستی و بیماری؛

- زائرانت همگی به گرد خانه ات به خواب رفته اند، درحالی که تنها تو ای قیوم، نخوابیده ای؛

- پروردگارا تو را دعایی می کنم که بدان فرمان داده شده ام، پس تو نیز به حق این خانه و حرم خویش، بر گریه من جود و احسان کن؛

- اگر انسان خطا کار به عفو و بخشش تو امید نداشته باشد، پس چه کسی با نعمت های خود بر گناهکاران رحم می کند؟

این شخص را دنبال کردم؛ پس دیدم که ایشان حضرت زین العابدین علیه السلام است.(2)

1- . مناقب 3: 289

2- . المناقب 3: 290

12. کشف الغمه: نضر بن کثیر نقل کرده است که من با سفیان بن ثوری به نزد امام صادق علیه السلام رفتیم. خطاب به امام گفتم: می خواهم به بیت الحرام روم، پس به من دعایی بیاموز. امام فرمود: زمانی که به حرم رسیدی، دستت را بر دیوار قرار ده و بگو: ای سبقت گیرنده به سوی فانی شونده، ای شنونده صدا، ای پوشاننده گوشت بر استخوان، پس از مرگ. سپس هر دعایی که خواستی بکن. (1)

13. گفته شده: امام حسن علیه السلام به رکن چسبید و عرضه داشت: «خدایا! به من نعمت دادی اما من را شاکر نیافتی، مرا آزمودی اما شکیبا نیافتی، و هرگز نعمت خود را به خاطر ترک شکر نگرفتی و مصیبت و سختی را به خاطر ترک صبر ادامه ندادی. خدایا از جانب کریم جز کرم و بخشش انتظار نمی رود.»(2)

14. مؤلف: نضربن کثیر نقل کرده است که من و سفیان ثوری پس از گذشت شصت یا هفتاد سال نزد جعفر بن محمد علیه السلام رفتیم. به وی گفتم: من می خواهم به بیت الحرام روم، مرا دعایی بیاموز. امام فرمود: زمانی که به بیت الحرام رسیدی، دستت را بر دیوار قرار ده و بگو: ای سبقت گیرنده به سوی فانی شونده، ای شنونده صدا، ای کسی که پس از مرگ بر استخوان گوشت میپوشانی. سپس هر دعایی که خواستی بکن. سفیان خطاب به امام چیزی گفت که من نفهمیدم. امام فرمود: ای سفیان - یا ای ابوعبدالله - اگر آنچه را که دوست داری به تو رسید، پس «الحمدلله» را بسیار تکرار کن، و اگر آنچه را که از آن اکراه داری به تو رسید، جمله «لا حول و لا قوه الا بالله» را بسیار گو و اگر رزق و روزی کمی به تو رسید، بسیار استغفار کن.

15. اعلام الدین دیلمی: طاووس یمانی گفت: در دل شب مردی را دیدم که خود را به پرده های کعبه آویخته بود و می گفت:

- هان! ای کسی که در هر نیاز و حاجت به تو امید می رود، از مصیبت و تنگدستی به تو شکایت کردم، پس شکوه ام را بشنو.

1- . کشف الغمه 2: 414
2- . کشف الغمه 2: 414

- هان ای امید من! تو برطرف کننده سختی و مصیبت های منی، پس تمامی گناهانم را ببخش و نیازم را برطرف کن.

- توشه من بسیار کم است، آن را تا حدی نمی بینم که با آن به تو رسم، آیا به خاطر توشه ام بگریم یا به خاطر دوری راهم؟

- اعمال زشت و قبیحی را مرتکب شده ام، در میان مردم کسی همچون گناهان من را مرتکب نشده است.

- ای نهایت و اوج آرزوها، آیا مرا با آتش خود می سوزانی؟ پس در این صورت، امید و ترسم از تو کجاست؟

طاووس گفت:خوب نگاه کردم و دیدم که وی علی بن الحسین علیه السلام است. به ایشان گفتم: ای فرزند رسول خدا! این بی تابی برای چیست؟ در حالی که تو فرزند رسول خدایی و برای تو چهار خصلت و ویژگی است: رحمت خداوند، شفاعت جدت رسول خدا، و این که تو فرزند ایشانی و کودکی کم سن و سالی. امام فرمود: ای طاووس! من در کتاب خدا نگریسته ام اما هیچ یک از چیزهایی که تو می گویی در آن ندیده ام. خداوند سبحان می فرماید: «وَ لا یَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضی وَ هُمْ مِنْ خَشْیَتِهِ مُشْفِقُون»(1)

{جز برای کسی که خدا رضایت دهد شفاعت نمی کنند و خود از بیم او هراسانند.} اما این که می گویی من فرزند رسول خدا هستم، پس خداوند تبارک و تعالی می فرماید: « فَإِذا نُفِخَ فِی الصُّورِ فَلا أَنْسابَ بَیْنَهُمْ یَوْمَئِذٍ وَ لا یَتَساءَلُونَ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوازِینُهُ فَأُولئِکَ

---

(1) نفس المصدر ج 2 ص 414.

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 96، ص: 199

1- . انبیاء / 28

هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوازِینُهُ فَأُولئِکَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِی جَهَنَّمَ خالِدُون»(1) {پس

آنگاه که در صور دمیده شود، دیگر آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد و از حال یکدیگر نمی پرسند. پس کسانی که کفه میزان اعمال آن ها سنگین باشد، ایشان رستگارانند و کسانی که کفه میزان اعمالشان سبک باشد، آنان به خویشتن زیان زده و همیشه در جهنم می مانند. } اما این گفته تو که من کودکم، من دیده ام که هیزم های بسیار و فراوان، تنها به وسیله کودکان شعله ور می شود، سپس امام گریست تا این که از هوش رفت.

16. الهدایه: جاهایی که در آن دعای خاصی خوانده نمی شود عبارتند از: نماز خواندن بر جنازه، در قنوت، مستجار، صفا و مروه، وقوف در عرفات و اقامه دو رکعت نماز طواف.(2)

17. کتاب زید النرسی: علی بن مزید بیاع سابری نقل کرده است: امام صادق علیه السلام را در حجر، زیر ناودان دیدم که رو به کعبه ایستاده بود، در حالی که دستانش را باز کرده و میگفت:«پروردگارا! بر ضعف و کم بودن نیرو و توانم رحم کن. خدایا بر من، از رحمت خویش مضاعف نازل کن و از روزی پربارت بر من فروریز و شر فاسقان جن و انس و عرب و عجم را از من دور کن. خدایا! روزی فراوان نصیب من ساز و بر من سخت مگیر، خدایا بر من رحم کن و مرا عذاب مکن و از من خشنود باش و خشم مگیر، تو شنونده دعایی و نزدیک و اجابت کننده ای.»(3)

1- . مؤمنون / 101-102
2- . الهدایه: 40
3- . کتاب زید النرسی: 48

باب سی و ششم : علت های طواف،فضیلت طواف، انواع آن و آنچه از آن واجب است و سبب دست کشیدن بر ارکان و این که طواف برتر است یا نماز و تعداد طواف مستحب

آیات:

- وَ طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ (1)

{خانه ام را برای طواف کنندگان پاکیزه دار. }

- وَ لْیَطَّوَّفُوا بِالْبَیْتِ الْعَتِیق (2)

{و بر گرد آن خانه کهن طواف به جای آورند. }

روایات:

1. قرب الإسناد: بزنطی نقل کرده است که از امام رضا علیه السلام سؤال کردم که برای فرد مقیم در مکه، طواف بهتر است یا نماز؟ ایشان فرمود: نماز.(3)

2. الخصال: در آنچه که پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را بدان سفارش کرده آمده است: ای علی! همانا عبدالمطلب در زمان جاهلیت پنج سنت بنا نهاد که خداوند برای وی در اسلام جاری نمود... و حدیث بدین جا رسید که ایشان

1- . حج / 26
2- . حج / 29
3- . قرب الاسناد: 170

فرمود: طواف نزد قریش تعداد معینی نداشت تا اینکه عبد المطلب آن را هفت دور قرار داد، و خداوند نیز آن را در اسلام جاری نمود.(1)

مؤلف: در چند جا با سندی دیگر، مانند آن در تفسیر سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: من فرزند دو ذبیح هستم، گذشت.

3. الخصال: ابان از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: آیا برای رسول خدا تعداد طواف معین و شناخته شده بود؟ فرمود: رسول خدا در شب و روز ده بار طواف هفت دور می کرد: سه بار اول را در ابتدای شب و سه بار دیگر را در انتهای شب و دو بار آن را زمان صبح و دوبار بعد از ظهر، و بین آن استراحت می کرد.(2)

4. الخصال: علی بن عبدالعزیز از پدر خویش نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: یک سال چند روز می باشد؟ ایشان فرمود: 360 روز که شش روز آن را خداوند عز و جل به آفرینش دنیا اختصاص داد و این امر از اصل سال کم شد. از این رو سال 354 روز شد. مستحب است که هر شخص زمان اقامت خویش در مکه به تعداد روزهای سال، 360 هفت دور طواف کند. اگر قادر به این امر نبود، 360 دور طواف کند.(3)

5. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: مستحب است که هر هفته 360 بار طواف هفت دور انجام دهی. اگر نتوانستی، پس آنچه که از طواف توانستی انجام بده.(4)

6. علل الشرائع: از امام زین العابدین علیه السلام سؤال شد: به چه علت طواف را هفت دور قرار داده اند؟ فرمود: زیرا خداوند تبارک و تعالی خطاب به ملائکه فرمود: «إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً» {من در روی زمین جانشینی خواهم گماشت.} آنان به خداوند گفتند: «أَ تَجْعَلُ فِیها مَنْ یُفْسِدُ فِیها وَ یَسْفِکُ الدِّماءَ» {آیا در آن کسی را

1- . الخصال 1: 221
2- . الخصال 2: 216
3- . الخصال 2: 389

4- . الخصال 2: 390

می گماری که فساد انگیزد و خون ها بریزد؟} خداوند فرمود: «إِنِّی أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ» {من چیزی را می دانم که شما نمی دانید.} و خداوند که نور خود را از آنان پنهان نمی داشت، به مدت هفت هزار سال نور خود را از فرشتگان پنهان داشت. در نتیجه آنان هفت هزار سال به عرش خدا پناه بردند، و خداوند نیز بر آنان رحم کرد و توبه اشان را پذیرفت و بیت المعمور را که در آسمان چهارم قرار دارد، برای آنان قرار داد و آن را محل اجتماع و امن قرار داد و بیت الحرام را زیر بیت المعمور قرار داد و آن را محل اجتماع و امنی برای مردم قرار داد. از این رو طواف به مقدار هفت دور بر هر طواف کننده واجب شد، یعنی در ازای هر هزار سال، یک دور.(1)

7. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: مردی از کنار پدرم عبور کرد، در حالی که وی طواف می کرد. دستش را بر شانه های ایشان زد و گفت: از تو درباره سه خصلت که غیر از تو و فردی دیگر، کسی آن ها را نمی داند سؤال می کنم. ایشان ساکت ماند تا این که از طواف خارج شد. سپس وارد حجر شد و دو رکعت نماز به جا آورد، در حالی که من نیز با ایشان بودم. زمانی که نمازش به پایان رسید ندا داد: فردی که سؤال پرسید کجاست؟ آن شخص آمد و روبروی ایشان نشست و امام فرمود: بپرس. آن شخص درباره «ن وَ الْقَلَمِ وَ ما یَسْطُرُونَ {قسم به قلم و آنچه که می نویسد} سؤال کرد. امام پاسخ وی را داد و آن شخص گفت: درباره فرشتگان برایم صحبت کن که زمانی که به خداوند پاسخ دادند، خدا برایشان خشم گرفت و در نهایت چگونه آنان را بخشود؟ امام فرمود: فرشتگان به مدت هفت سال به گرد عرش طواف کردند، در حالی که خدا را دعا می کردند و ازاو طلب آمرزش می کردند و از خداوند می خواستند که از گناه آنان درگذرد. خداوند پس از گذشت هفت سال، فرشتگان را بخشود. آن شخص گفت: راست گفتی. سپس آن فرد خطاب به امام گفت: درباره این که چگونه خداوند از آدم خشنود شد برایم صحبت کن. امام فرمود: همانا آدم در هند

-1 . علل الشرائع: 406

فرود آمد و از پروردگار خویش این خانه را درخواست کرد، خداوند نیز به وی فرمان داد که به سمت آن آید و هفت دور به گرد آن طواف کند. سپس به منی و عرفات آید و تمامی عبادات و مناسک خویش را انجام دهد.پس آدم از هند آمد و جایگاه پاهایش یعنی همان جایی که بر آن قدم می نهاد، آبادی و عمران بود، و مابین هرگام تا گام دیگرش، صحراهای بی آب و علف بود. سپس به خانه خدا آمد و هفت دور به گرد آن طواف کرد و وظایف دینی خویش را آن گونه که خداوند به وی دستور داده بود، انجام داد. خداوند توبه وی را پذیرفت و گناهش را بخشود. فرمود: طواف آدم زمانی که فرشتگان به گرد عرش به مدت هفت سال طواف کردند، قرار داده شد. جبرئیل گفت: ای آدم، گوارای وجودت باد، گناهانت بخشوده شد و قبل از تو سه هزار سال پیش به گرد این خانه طواف کردم. آدم گفت: خدایا ! گناهان من و فرزندانم را ببخش. خداوند فرمود: آری، هر یک از آنان که به من و فرستادگانم ایمان آورد. آن شخص گفت: راست گفتی و رفت.پدرم فرمود: این جبرئیل است که نزد شما آمده تا به شما علائم و نشانه های دینتان را بیاموزد.(1)

8. الخصال: امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمائه فرمود: زمانی که به عنوان حج گزار به سوی خانه خدا رفتید، به خانه خدا بسیار نگاه کنید، زیرا که برای خداوند عز و جل صد و بیست رحمت در خانه اش موجود است که شصت تای آن برای طواف کنندگان، چهل تای آن برای نمازگزاران و بیست تای آن برای نگاه کنندگان است.(2)

9. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: پیرامون کعبه برای خداوند تبارک و تعالی صد و بیست رحمت وجود دارد که شصت تای آن برای طواف

1- . علل الشرائع: 407
2- . الخصال 2: 408

کنندگان، چهل تای آن از آن نمازگزاران و بیست تای آن برای نگاه کنندگان به آن است.(1)

10. ثواب الأعمال: مردی نزد امام صادق علیه السلام رفت. امام خطاب به وی فرمود: به سفر حج آمدی؟ گفت: آری. امام علیه السلام پرسید: آیا ثواب حج گزار را می دانی؟ گفت: جانم به فدایتان، نمی دانم. فرمود: کسی که به حج رود، با فروتنی و تواضع داخل مکه شود، و زمان ورود به مسجدالحرام از ترس خداوند عز و جل گامهایش را کوتاه کند، و به گرد خانه طواف کند و دو رکعت نماز بخواند، خداوند برای وی هفتاد هزار حسنه می نویسد و هفتاد هزار گناه وی را می آمرزد و تا هفتاد هزار درجه وی را بالا میبرد و در هفتاد هزار حاجت، وی را شفاعت می کند و برایش آزاد کردن هفتاد هزار برده در ازای آزاد کردن هر بنده، ده هزار درهم محاسبه می کند. (2)

11. ثواب الأعمال: اسحاق بن عمار نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: ای اسحاق! هر کس به گرد این خانه یک بار طواف کند، خداوند برایش هزار حسنه می نویسد و هزار گناه وی را محو می کند و تا هزار درجه وی را بالا برده و هزار درخت در بهشت برایش می کارد و برایش پاداش آزاد کردن هزار برده را می نویسد و تا زمانی که به ملتزم رسد، خداوند برایش هشت دروازه بهشت را می گشاید و به وی گفته می شود: از هر کدام که خواستی وارد شو. گفت: به امام گفتم: جانم به فدایتان: تمامی این پاداش ها برای کسی است که طواف کند؟ فرمود: آری. آیا می خواهی به ثوابی والاتر از این تو را آگاه کنم؟ گفتم: آری. فرمود: هر کس که نیاز برادر مؤمن خویش را برآورده سازد، خداوند برایش طواف و طوافی دیگر می نویسد ...و تا ده طواف برشمرد.(3)

1- . ثواب الأعمال: 44
2- . ثواب الأعمال: 44
3- . ثواب الأعمال: 45

12. قصص الأنبياء: امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که آدم علیه السلام کعبه را بنا نهاد و به گرد آن طواف کرد فرمود: خدایا! برای هر عاملی اجر و پاداشی است، خدایا من وظیفه خود را انجام دادم. به آدم گفته شد: ای آدم نیازت را بخواه. آدم عرضه داشت: خدایا! گناهم را ببخش. به آدم گفته شد: گناهانت بر تو بخشوده شد ای آدم. آدم گفت: و گناهان فرزندان پس از خودم؟ گفته شد: ای آدم، هر کس که به گناهان خویش در این جا همچون تو اقرار کند، آمرزیده می شود.(1)

13. قصص الأنبیاء: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که آدم به گرد کعبه طواف کرد و به ملتزم رسید، جبرئیل به او گفت: در این جا به گناهانت اقرار کن. آدم ایستاد و عرض کرد: خدایا، برای هر عاملی پاداشی است و من به وظیفه ام عمل کردم، اجر و پاداش من چیست؟ خداوند به وی وحی نمود: ای آدم، هر کدام از فرزندان تو بدین جا بیاید و به گناهانش اعتراف کند، بخشوده می شود.

14. قصص الأنبیاء: امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت اسماعیل مادر خویش را در حجر دفن نمود و به گرد وی دیواری کشید تا کسی بر قبر وی پا نگزارد.

15. فقه الرضا علیه السلام: مستحب است که انسان زمان اقامت خویش در مکه، سیصد و شصت بار و هر بار هفت دور، به تعداد روزهای سال به گرد کعبه طواف کند. اگر نتوانست، سیصد و شصت دور طواف کند.(2)

16. زمانی که مرد طواف نساء را انجام ندهد، زنان بر وی حلال نمی شوند، تا این که طواف را انجام دهد. همچنین بر زن جایز نیست که تازمانی که طواف نساء را انجام نداده، همبستر شود.(3)

-1

-2 . فقه الرضا علیه السلام: 27

-3 . فقه الرضا علیه السلام: 30

17. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: من همراه با پدرم علیه السلام طواف می کردم که مردی بلند قد و خشن که بر سر خود عمامه ای گذاشته بود به سمت ما آمد و گفت: سلام ای فرزند رسول خدا. پدرم جواب سلام وی را داد.آن شخص گفت: می خواستم درباره مسائلی از شما سؤال کنم که تنها یک یا دوتن از آن ها آگاهند.- امام فرمود:- زمانی که پدرم طواف خویش را انجام داد به داخل حجر رفت و پس از اقامه دو رکعت نماز فرمود: هان اینجا ای جعفر! سپس به آن مرد رو کرد و فرمود: گویی تو غریبی؟ آن فرد گفت: آری! درباره این طواف مرا آگاه کن که به چه صورت و به چه خاطر است؟ امام فرمود: زمانی که خداوند به فرشتگان فرمود: «إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً قالُوا أَ تَجْعَلُ فِیها مَنْ یُفْسِدُ فِیها» {من در زمین جانشینی خواهم گماشت. فرشتگان گفتند: آیا در آن کسی را می گماری که فساد انگیزد؟ } تا آخر آیه. این سخن کسانی از آنها بود که نافرمانی میکردند. از این رو خداوند به مدت هفت سال خود را از آنان پوشانید [کنایه از عدم توجه به ایشان]. سپس فرشتگان به عرش پناه بردند در حالی که می گفتند: لبیک ای صاحب والایی ها لبیک، تا این که خداوند توبه آنان را پذیرفت. زمانی که آدم مرتکب گناه شد، به گرد خانه طواف کرد تا این که خداوند از وی پذیرفت. آن شخص گفت: راست گفتی.پدرم گفت: راست گفتی! وی تعجب کرد. گفت: از آیه «ن وَ الْقَلَمِ وَ ما یَسْطُرُونَ» {نون، قسم به قلم و آنچه که می نویسد.}مرا آگاه ساز. گفت: نون نهری در بهشت، سفیدتر از شیر است. فرمود: خداوند به قلم فرمان داد، پس به آنچه که بوده و می باشد جاری شد. آن قلم در مقابل اوست و هر چه را که بخواهد بر آن میافزاید و هر آنچه بخواهد میکاهد و آنچه او خواست میباشد و آنچه را نخواست نمیباشد.آن شخص گفت: راست گفتی. پدرم از این گفته مرد که گفت راست گفتی تعجب کرد. آن شخص گفت: از این گفته خداوند «وَ الَّذِینَ فِی أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُوم» {در اموال آنان حقی معین است.} مرا آگاه ساز که این حق معلوم چیست؟ امام فرمود: همان چیزی است که فرد از دارایی خود بیرون میآورد و از زکات نیست،پس برای مصیبت دیده و صله

می باشد. گفت: راست گفتی. - فرمود: - پدرم از این گفته وی تعجب کرد.و فرمود: سپس آن مرد برخاست. پدرم فرمود: آن مرد را نزد من بیاور.فرمود: به دنبال وی گشتم اما او را نیافتم.(1)

18. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: همراه با پدرم در حجر بودیم، زمانی که وی ایستاده بود و نماز می خواند، مردی به نزد وی آمد و در کنار او نشست. زمانی که نماز وی پایان یافت، بر پدرم سلام کرد و گفت: من درباره سه چیز از تو سؤال دارم که تنها تو و شخصی دیگر آن را می داند. امام فرمود: چه چیز؟ آن شخص گفت: مرا آگاه ساز که به چه سبب طواف پیرامون کعبه لازم شده است؟ ایشان فرمود:زمانی که خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان دستور داد که بر آدم سجده کنید، فرشتگان گفتند: «أَ تَجْعَلُ فِيها مَنْ يُفْسِدُ فِيها وَ يَسْفِکُ الدِّماءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ قالَ إِنِّی أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ» {آیا کسی را در آن می گماری که فساد انگیزد و خون ها بریزد حال آنکه ما با ستایش تو، تو را تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم. خداوند فرمود: من چیزی می دانم که شما نمی دانید.} سپس بر آنان خشم گرفت و فرشتگان درخواست کردند که توبه کنند، پس خداوند به آنان فرمان داد که به گرد ضراح که همان بیت المعمور است طواف کنند و در آن مکث کنند؛ و هفت سال به گرد آن طواف می کردند و از خداوند به خاطر گفته خویش طلب آمرزش می کردند. سپس خداوند توبه آنان را پذیرفت و آنان را بخشود و این اصل طواف بود. سپس خداوند بیت الحرام را به محاذات ضراح قرار داد، تا هر کساز بنی آدم که گناه کرده، توبه کند و پاک شود. آن شخص گفت: راست گفتی. سپس دو سؤال را همچون سؤال اول ذکر کرد. آن گاه مرد برخاست. گفتم: ای پدر، این مرد کیست؟ فرمود: فرزندم این خضر علیه السلام است.(2)

1- . تفسیر العیاشی 1: 29

2- . تفسیر العیاشی 1: 30

19. امام زین العابدین علیه السلام درباره این گفته خداوند که فرمود: «وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً قالُوا أَ تَجْعَلُ فِیها مَنْ یُفْسِدُ فِیها وَ یَسْفِکُ الدِّماء» {چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت. فرشتگان در جواب خداوند گفتند: آیا در آن کسی را می گماری که فساد انگیزد و خون ها بریزد؟ } فرشتگان این امر را درباره آفریدگان گذشته یعنی جنّ پسر جنّ گفتند؛ و گفتند: «وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَک» {ما با ستایش تو، تو را تنزیه می کنیم و به ستایشت می پردازیم. } پس فرشتگان به خاطر عبادت خداوند بر وی منت نهادند، از این رو خداوند از آنان روی گرداند، و سپس تمامی اسامی را به آدم آموخت و به فرشتگان فرمود: {از اسامی اینان به من خبر دهید. } و فرشتگان گفتند: {هیچ دانشی نزد ما نیست. } خداوند فرمود: {ای آدم! اینان را از اسامی شان باخبر ساز و آدم آن ها را باخبر ساخت. } سپس خداوند به آنان فرمود: {بر آدم سجده کنید. } فرشتگان سجده کردند و در سجده خود گفتند: گمان نمی کردیم که خداوند آفریدگانی ارجمندتر از ما بیافریند. ما خزانه داران و همسایگان خدا و نزدیک ترین آفریدگان به او هستیم، زمانی که سرشان را بالا آوردند، فرمود: {خداوند آنچه را که شما در پاسخ خود آشکار و آن ه را که پنهان کردید، می داند. } این گمان که خداوند آفریدگانی ارجمندتر از آنها نمیآفریند. وقتی فرشتگان فهمیدند که اشتباه کرده اند، به عرش خدا پناه بردند. آنان گروهی از فرشتگان و همان کسانی بودند که گرد عرش بودند و تمامی فرشتگانی که گفتند: گمان نمی کردیم که خداوند آفریدگانی ارجمندتر از ما بیافریند نبودند؛ همان کسانی بودند که به سجده کردن بر آدم مأمور شدند. آنان به عرش پناه بردند، در حالی که با دستان خود گفتند - و امام با انگشتش که آن را می چرخانید اشاره کرد - و آن فرشتگان تا روز قیامت به گرد عرش می چرخند. زمانی که آدم مرتکب اشتباه شد، خداوند این خانه را برای آن دسته از فرزندان آدم علیه السلام قرار داد که زمانی که

مرتکب اشتباه شوند، نزد وی آیند و بدان پناه برند، آن گونه که فرشتگان به عرش پناه بردند. زمانی که آدم بر روی زمین فرود آمد، به گرد

خانه طواف کرد، زمانی که به مستجار رسید، به خانه خدا نزدیک شد و دستانش را به سوی آسمان بالا برد و گفت: خدایا !مرا ببخش. ندا آمد: تو را بخشودم. آدم عرضه داشت: خدایا فرزندانم چه؟ فرمود: ندا آمد که ای آدم! هر یک از فرزندان تو که نزد من آید و به گناه خویش در این مکان اقرار کند، او را می بخشم.(1)

20. کتاب الامامه و التبصره: امام صادق علیه السلام از پدران خود نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زینت ایمان اسلام است، آن چنان که زینت کعبه طواف می باشد.

ص: 294

1- . تفسیر العیاشی 1: 30

باب سی و هفتم : احکام طواف

روایات:

1. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از برادر خویش علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که به گرد کعبه طواف می کند در حالی که محتلم بوده، و در حال طواف به یاد میآورد. ایشان فرمود: طواف خویش را قطع کند و بدان چه که تا کنون طواف کرده اعتنایی نکند.(1)

2. گوید: از ایشان درباره مردی سؤال کردم که به گرد خانه طواف میکند و یادش میآید که وضو نگرفته، باید چه کند؟ ایشان فرمود: طواف خویش را قطع کند و بدان چه که تا کنون طواف کرده اعتنایی نکند و باید وضو بگیرد.(2)

3. گفت: از ایشان درباره مردی سؤال کردم که طواف را ترک یا این که طواف واجب را فراموش کند تا این که وارد کشور خویش شود و با همسرش همبستر شود، باید چه کند؟ ایشان فرمود: قربانی اش را بفرستد، اگر طواف را در حج ترک کرده، باید یک شتر در حج و اگر در عمره ترک کرده، یک شتر در عمره؛ و کسی را وکیل کند تا آنچه را ترک کرده، از طرف او طواف کند.(3)

1- . قرب الاسناد: 104
2- . قرب الاسناد: 104
3- . قرب الاسناد: 107

4. قرب الإسناد: امام رضا علیه السلام فرمود: اگر شخصی بدون وضو به گرد خانه طواف کند، به طواف خویش اعتنایی نکند و همانند کسی است که طواف نکرده است.(1)

5. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از برادر خویش علیه السلام سؤال کردم: آیا رواست که شخصی دو و سه طواف انجام دهد و میان آنها با نماز فاصله ایجاد نکند و سپس در پایان طواف همه نمازهایش را بخواند؟ فرمود: ایرادی ندارد، اما در هر دو رکعت از نماز خود سلام دهد.(2)

6. گفت: برادرم را دیدم که دو و سه دور هفتتایی به طور پیوسته طواف می کرد، و در مستجار می ایستاد و در هر دور دعا می کرد و به سوی حجرالاسود می رفت و بر آن دست می کشید و سپس طواف می کرد.(3)

7. گفت: یک بار برادرم را دیدم که طواف کرد و فردی از قوم بنی عباس با وی همراه بود و ایشان به طور پیوسته بدون این که بایستد، سه طواف هفت دور انجام داد. زمانی که طواف سوم به پایان رسید و آن شخص عباسی از وی جدا شد، مدتی میان در کعبه و حجر ایستاد، سپس به راه افتاد و قدری ایستاد و این کار را سه بار انجام داد.(4)

8. قرب الإسناد: ابن رئاب نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که هنگام طواف خسته می شود، آیا می تواند استراحت کند؟ ایشان فرمود: آری استراحت کند، سپس بر می خیزد و طواف واجب خود یا غیر آن را تمام میکند. وفرمود: این کار را در سعی و تمامی مناسکش انجام می دهد.(5)

1- . قرب الاسناد: 174

2- . قرب الاسناد: 105

3- . قرب الاسناد: 106

4- . قرب الاسناد: 107

5- . قرب الاسناد: 77

9. فقه الرضا علیه السلام: اگر فراموش کردی و طواف واجب را هشت دور انجام دادی، بر آن شش دور دیگر نیز بیفزای و نزد مقام ابراهیم دو رکعت نماز طواف بخوان، سپس میان صفا و مروه سعی کن. پس از آن به سمت مقام می آیی، و در پشت آن دو رکعت نماز طواف به جا می آوری. بدان که واجب، همان طواف دوم است و دو رکعت اول نماز جهت طواف واجب و دو رکعت اخیر جهت انجام طواف اول، و طواف اول مستحب است. اگر شک کردی و ندانستی که هفت دور طواف کرده ای یا هشت دور و در حال طواف هستی، بنا را بر هفت قرار ده و یک دور را کم کن و آن را قطع کن. اگر ندانستی که شش دور طواف کرده ای یا هفت دور، با انجام یک دور دیگر آن را کامل کن.(1)

اگر چیزی از طواف را فراموش کردی و پس از آنکه میان صفا و مروه سعی کردی، آن را به یاد آوردی، پس بنا را بر اساس آنچه که طواف کرده ای قرار ده، و طواف خود را در خانه خدا به پایان برسان. اگر چهار دور یا کمتر از چهار دور طواف کرده بودی، طواف را بار دیگر تکرار کن و اگر همه طواف را فراموش کردی و پس از این که سعی کردی، آن را به یاد آوردی، هفت دور طواف کن و دو رکعت نماز بخوان و بار دیگر میان صفا و مروه سعی کن. اگر خواندن دو رکعت نماز را در پشت مقام ابراهیم فراموش کردی، سپس به یاد آوردی در حالی که سعی می کنی،آن را تمام کن و دو رکعت نماز بخوان و تکرار سعی بر تو لازم نیست.(2)

زمانی که زن موقع طواف حائض شود، از مسجد خارج می شود. اگر سه دور طواف کرده باید طواف را تکرار کند و اگر چهار دور طواف کرده، همان جا توقف کند و زمانی که پاک شد، آنچه را که از طواف باقی مانده انجام دهد؛ و در مسجد حرکت نکند تااین که تیمم کند و از آنجا خارج شود.

1- . فقه الرضا علیه السلام: 27
2- . فقه الرضا علیه السلام: 28

همچنین اگر مرد زمان انجام طواف دچار بیماری شود، تا حدی که نتواند طواف را به اتمام رساند، خارج شود و بار دیگر طواف خود را به طور کامل انجام دهد،اگر از نیمه طواف (سه دور و نیم) عبور نکرده بود، اما اگر از نیمی از طواف عبور کرده بود، باید بنا را بر اساس آنچه که تا آن زمان طواف کرده بگذارد. (1)

10. السرائر: جمیل نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که نمی داند آیا هفت دور طواف کرده یا هشت دور؟ ایشان فرمود: دو رکعت نماز بخواند. گفتم: اگر هشت دور طواف کرده باشد چه؟ امام فرمود: به آن هشت دور، شش دور دیگر بیفزاید، سپس دو رکعت نماز می خواند. از تعداد رکعات سؤال شد که چگونه آن نمازها را بخواند؟ آیا همه آن نمازها را جمعاً بخواند و به چه صورت؟ فرمود: دو رکعت نماز واجب می خواند و به صفا و مروه می رود، زمانی که از سعی خویش میان آن دو فارغ شد، باز گردد و برای هر هفت دور، دو رکعت نماز بخواند.(2)

11. السرائر: از امام صادق علیه السلام درباره فردی سؤال شد که به گرد کعبه سه دور از طواف واجب خود را انجام دهد و سپس کعبه را خلوت یافت و وارد آن شد. امام فرمود: طواف خود را نقض کرده و بر خلاف سنت عمل کرده و باید آن را بار دیگر انجام دهد.(3)

12. السرائر: حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره مردی که طواف زیارت خود را تا یوم النفر به تاخیر اندازد سؤال کردم. فرمود: ایرادی ندارد، اما تا زمانی که طواف زیارت و طواف نساء را انجام نداده، زنان بر وی حلال نیستند.

1- . فقه الرضا علیه السلام: 30
2- . السرائر: 480
3- . السرائر: 480

13. السرائر: امام باقر علیه السلام فرمود: قرانی بین دو هفت دور طواف واجب و مستحب نیست، و قرانی میان دو روزه و همچنین قرانی میان واجب و مستحب وجود ندارد.(1)

14. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست که به گرد این خانه هفت بار طواف کند و دو رکعت نماز بخواند، و طواف و نمازش را به خوبی انجام دهد، مگر این که خداوند گناهش را می بخشاید.(2)

15. امام صادق علیه السلام فرمود: طواف از ارکان حج است، و هر کس به عمد طواف واجب را ترک کند، حجی برای او نیست.(3)

16. امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد الحرام شد، از رکن آغاز کرد و بر آن دست کشید، سپس از سمت راست آن گذشت در حالی که کعبه در سمت چپ وی بود، هفت دور به گرد آن طواف کرد، سه دور را دوید و چهاردور را راه رفت.(4)

17. امام صادق علیه السلام فرمود: دویدن هنگام طواف بر عهده زنان نیست.(5)

18. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دو رکن دست می کشید، یکی رکنی که در آن حجر الاسود قرار داشت و دیگری رکن یمانی بود که زمان طواف هنگامی که از کنار آن دو عبور می کرد بر آن ها دست می کشید.(6)

19. امام صادق علیه السلام فرمود: سخن گفتن هنگام طواف ایرادی ندارد، اما خواندن دعا و قرآن بهتر است.(7)

1- . السرائر: 486
2- . دعائم الاسلام 1: 312
3- . دعائم الاسلام 1: 312
4- . دعائم الاسلام 1: 312
5- . دعائم الاسلام 1: 312

6- . دعائم الاسلام 1: 312
7- . دعائم الاسلام 1: 312

20. از اهل بیت برای ما دعاهای مختلفی در طواف روایت کرده اند و هیچ کدام از آنها واجب نیست، اما در عین حال آنان به دعا کردن زمان طواف ترغیب کردهاند و بهترین زمان آن را موقعی دانسته اندکه طواف کننده میان رکن حجر الاسود و در کعبه باشد.(1)

21. از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که فرد بیمار و علیل را طواف دهند، و هر کس که نمی تواند راه رود را بر دوش حمل کنند. اگر توانست قدری پایش را بر زمین بکشد و در صفا و مروه بایستد، این کار را انجام دهد. ایشان فرمود: طواف فرد حامل و شخص محمول، ثواب و پاداش دارد.(2)

22. از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند که ایشان طواف کردن با کفش را برای طواف کننده مجاز و خالی از اشکال دانسته و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار بر مرکب در حالی که عصایی در دستش بود، طواف کرد و زمانی که از کنار رکن عبور می کرد، عصای خود را بر آن می کشید.(3)

23. امام باقر علیه السلام فرمود: طواف نیست مگر با طهارت، و هر کس بدون وضو طواف کند، بدان طواف اعتنایی نکند؛ و اگر طواف مستحب را بدون وضو انجام دهد و سپس وضو بگیرد و پس از طوافش دو رکعت نماز بخواند ایرادی ندارد، اما طواف واجب تنها با وضو مجزی است.(4)

24. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که برایش مشکلی پیش آید، مثل این که بینی وی دچار خونریزی شود یا دچار رنجوری و کسالت یا مشکلی شبیه بدان شود که به سبب آن طوافش را قطع کند و سپس باردیگر به طواف خویش باز گردد، در صورتی که پیشتر نیمی از طواف یا بیشتر از آن را انجام داده باشد، طواف خویش

1- . دعائم الاسلام 1: 312
2- . دعائم الاسلام 1: 313
3- . دعائم الاسلام 1: 313 المحجن: عصای سرکج و خمیده
4- . دعائم الاسلام 1: 313

را بر اساس آنچه که قبلا انجام داده بنا نهد و اگر به میزان کمتر از نیمه طواف خویش را انجام داده باشد، در حالی که طواف واجب باشد، هر آنچه را که قبلا انجام داده رها کند و از ابتدا طواف خود را آغاز کند.(1)

25. امام صادق علیه السلام فرمود: زن حائض و نفساء و مستحاضه در تمامی مواقف حج وقوف میکنند و مناسک خویش را انجام می دهند، به جز طواف به گرد خانه خدا و سعی میان صفا و مروه و ورود به مسجد. زمانی که پاک شدند، اعمالی را که نتوانسته اند انجام دهند، ادا کنند.(2)

26. امام صادق علیه السلام فرمود: برای کسی که زمان طواف خسته شده، استراحت کردن ایرادی ندارد.(3)

27. امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که وقت نماز شد و مردم در طواف بودند، طواف خویش را قطع کنند و نماز بگزارند، سپس هر آنچه که از طواف برایشان باقی مانده را انجام دهند.(4)

28. از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که ایشان قطع کردن طواف را به خاطر کارهای نیک مجاز دانسته اند و این که کسی که طوافش را قطع کرده، باز گردد. از این رو اگر طواف وی مستحب باشد، بنا را بر اساس آنچه که پیشتر طواف کرده بگذارد.(5)

29. امام صادق علیه السلام درباره کسی که نیمی از طواف یا بیش از آن را انجام داده و سپس بیمار شده فرمود: امر میکند تا کسی از طرف او،آنچه را که از طوافش باقیمانده است ادا کند. اگر به مقدار کمتر از نیمی از طواف خود را انجام داده،

1- . دعائم الاسلام 1: 313
2- . دعائم الاسلام 1: 313
3- . دعائم الاسلام 1: 313
4- . دعائم الاسلام 1: 313
5- . دعائم الاسلام 1: 313

اگر بهبودی یافت، هفت دور طواف کند یا این که وی را حمل کرده و طواف دهند،یا این که اگر خود نتواند هفت دور طواف کند، هفت دور به نیابت از وی طواف کنند.(1)

30. و فرمود:هر گاه وقت ادای نماز واجب فرارسیده باشد، قبل از انجام طواف، نماز خود را شروع کند.(2)

31. از امام صادق علیه السلام درباره کسی که طواف واجب را انجام داده اما نمی داند که شش دور طواف کرده یا هفت دور،سؤال شد؟ ایشان فرمود: بار دیگر طواف خویش را انجام دهد. به ایشان گفته شد: از طواف خارج شده و وقتش گذشته است.فرمود: چیزی بر عهده وی نیست و اگر شش دور طواف کند و گمان کند که هفت دور طواف کرده اما بعد مشخص شود، باید یک دور طواف کند. اگر در طواف خویش بیفزاید و هشت دور طواف کند، بدان شش دور دیگر بیفزاید و سپس چهار رکعت نماز بخواند، که در این صورت برای وی دو طواف می باشد: طواف واجب و مستحب.(3)

32. امام صادق علیه السلام فرمود: طواف باید از پشت حجر اسماعیل انجام شود و هر کس که داخل حجر شود، بار دیگر طواف کند.(4)

33. از اهل بیت که درود خدا بر آنان باد، دعاهای مختلفی برای خواندن کنار ملتزم روایت کرده اند که ذکر آن ها به درازا می انجامد و هیچکدام واجب نیست. ملتزم در پشت کعبه و روبروی ناودان است که طواف کننده در دور هفتم بدان می چسبد و تا آن جا که بتواند دعا می کند و به گناه خود نزد خداوند عز و جل اعتراف می کند و از وی طلب آمرزش می کند.(5)

-1 . دعائم الاسلام 1: 313
-2 . دعائم الاسلام 1: 314
-3 . دعائم الاسلام 1: 314
-4 . دعائم الاسلام 1: 314
-5 . دعائم الاسلام 1: 314

34. از امام باقر علیه السلام برای ما روایت کرده اند که ایشان این کار را انجام می داد و یاران و اصحاب وی را که همراهش بودند از خود دور می کرد و با خداوند تعالی راز و نیاز می کرد و از وی درخواست مغفرت می کرد و آنچه را که برای آن طلب مغفرت میکرد، نام میبرد.

استلام حجر الاسود، بوسیدن آن است، اگر بتواند بدان برسد یا لمس کردن آن با دست و یا اگر نتوانست اشاره کردن بدان است، و در کنار آن تا آنجا که توانست دعا کند و دست کشیدن بر حجر الاسودبر زنان لازم نیست و به مردان جهت آن فشار نیاورند.

35. امام باقر علیه السلام فرمود: طواف هفت دور به گرد کعبه است و دور از رکن حجر اسود و چرخیدن به دور خانه و حجر تا رسیدن به همان رکنی است که از آن شروع کرده است.وقتی که این چنین هفت دور طواف کرد، دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم بخواند.(1)

و مستحب است که در هر رکعت نماز خود سوره «قل یا ایها الکافرون» و «قل هو الله احد» را بعد از سوره حمد بخواند، سپس از در صفا خارج شود و میان صفا و مروه هفت دور سعی کند، از صفا آغاز و به مروه ختم کند، در حالی که برود و بازگردد. و هر کس خواندن دو رکعت نماز طواف را فراموش کند آن دو را قضا کند و اگر از مکه خارج شود،هر جا به یادش آمد، آن دو رکعت نماز را بخواند.(2)

36. و فرمود: اگر توانستی که پس از خواندن دو رکعت نماز طواف به زمزم بروی و از آب آن بر سرت بریزی، این کار را انجام ده.(3)

37. امام صادق علیه السلام فرمود: دو طواف را با یکدیگر متصل نکن مگر این که فراموش کنی و بر اول بیفزایی.

1- . دعائم الاسلام 1: 314
2- . دعائم الاسلام 1: 315
3- . دعائم الاسلام 1: 315

38. از امام حسن و امام حسین علیهما السلام که درود خدا بر آن دو باد روایت شده است که پس از نماز عصر طواف کردند و به حالت ایستاده از آب زمزم نوشیدند.(1)

39. از امام صادق علیه السلام سؤال شد که اگر کسی پس از طلوع فجر یا هنگام عصر به مکه وارد شود، آیا می تواند طواف کند و دو رکعت نماز طوافش را بخواند؟ فرمود: آری در صورتی که طواف واجب باشد و اگر طواف مستحب باشد، در این دو زمان، دو رکعت نماز طواف خویش را تا زمانی که موعد نماز نرسیده نخواند.

40. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر پس از سعی و پس از خواندن دو رکعت نماز طواف شروع به سعی کند بهتر است و اگر سعی را به علتی به تاخیر اندازد و میان سعی و طواف فاصله اندازد، ایرادی بر وی نیست و فرمود: قبل از طواف وارد سعی نشود و اگر وارد شد، پس از آن طواف کند و دوباره سعی کند.(2)

41. کتاب زید النرسی: نرسی گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که انگشتر خود را زمان طواف جهت حفظ آن به انگشت دیگر انتقال دهد. امام فرمود: ایرادی ندارد، چرا که او می خواهد تعداد آن را حفظ کند.(3)

1- . دعائم الاسلام 1: 315
2- . دعائم الاسلام 1: 315
3- . زید النرسی: 55

باب سی و هشتم : طواف نساء و احکام آن

روایات:

1. السرائر: حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که زیارت (طواف) خود را تا روز حرکت (یوم النفر) به تاخیر اندازد. فرمود: ایرادی ندارد، اما زنان بر وی حلال نیستند، مگر این که خانه خدا را زیارت کند و طواف نساء را انجام دهد.(1)

2. گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که فراموش کرده طواف نساء را انجام دهد تا این که به نزد اهل خویش بازگردد. ایشان فرمود: فردی به نیابت از وی بدان جا فرستاده شود و به نیابت از وی طواف کند، اگر قبل از این که به نیابت از وی طواف کنند از دنیا برود، ولیّ وی به نیابت از وی طواف کند.(2)

ص: 305

1- . سرائر: 480

2- . السرائر: 480

باب سی و نهم : احکام نماز طواف

روایات:

1. قرب الإسناد: ازدی نقل کرده است: خارج شدم تا طواف کنم در حالی که در کنار امام صادق علیه السلام بودم؛ تا این که ایشان طواف خویش را به پایان رسانید، سپس رو به ستون خانه خدا و حجر کرد و دو رکعت نماز خواند. شنیدم که در سجده خویش می فرمود: «چهره ام را از روی بندگی و بردگی به سمت تو قرار دادم و به حق به حق، تنها معبود تویی، اول، قبل از هر چیز و آخر، پس از هر چیز، این منم که مقابل توام، اختیارم به دست توست، پس گناهانم را ببخش چرا که گناهان بزرگ را جز تو کسی نمی بخشد،پس گناهان من را ببخش چرا که من خود به گناهانم اقرار می کنم و غیر از تو کسی گناهان بزرگ را دفع نمی کند.» سپس ایشان سرش را از سجده بلند کرد در حالی که چهره اش از فرط گریه خیس شده بود تا حدی که گویی آن را در آب فرو برده بود.(1)

2. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادر خویش علیه السلام نقل کرده است که از ایشان درباره مردی سؤال کردم که پس از طلوع فجر طواف می کند و دو رکعت نماز را بیرون از مسجد می خواند؟ فرمود: در مکه نماز می خواند و از آن خارج نمی شود، مگر این که فراموش کند و خارج شود، پس هر زمان که به مسجد بازگشت، در هر ساعتی که دوست داشت، دو رکعت نماز طواف می خواند.(2)

1- . قرب الاسناد: 19
2- . قرب الاسناد: 97

3. گفت: از ایشان درباره مردی سؤال کردم که هفت دور یا دو تا هفت دور طواف کند و دو رکعت آن را نمی خواند تا این که برای وی روشن می شود که هفت دور طواف کرده، آیا برای وی رواست؟ فرمود: خیر، دو رکعت نماز مربوط به هفت دور اول طواف را می خواند و سپس هر چه قدر دوست داشت طواف کند.

4. الخصال: امام باقر علیه السلام فرمود: چهار نماز است که انسان در هر ساعت آن را می خواند: یکی نمازی که فراموش کرده ای، پس هر زمان که آن را به یاد آوردی ادا می کنی. خواندن دو رکعت نماز طواف واجب، نماز کسوف و نماز میت، این چهار نماز را انسان در تمامی ساعات میتواند می خواند.(1)

5. الخصال: امام باقر علیه السلام فرمود: هفت مورد دعای مخصوصی ندارد: نماز خواندن بر میت، قنوت، مستجار، صفا، مروه،

وقوف در عرفات، دو رکعت نماز طواف.(2)

6. علل الشرائع: یحیی ارزق نقل کرده است که به ابا الحسن علیه السلام گفتم: من چهار طواف کردم،هر کدام هفت دور و خسته شدم، آیا می توانم رکعات نماز آن را نشسته بخوانم؟ فرمود: خیر. گفتم: پس چگونه انسان نماز شب خود را زمانی که خسته شد یا زمانی که سستی در خودیافت، نشسته می خواند، اما در اینجا جایز نیست؟ فرمود: درست است که نشسته طواف کنی؟ گفتم: خیر. فرمود: پس ایستاده بخوان.

7. قرب الإسناد: حماد بن عیسی نقل کرده است که امام موسی کاظم علیه السلام را دیدم که نماز صبح را خواند و پس از این که سلام داد، برخاست و داخل طواف شد و پس از سپیده دم و قبل از غروب خورشید، دو هفت دور طواف کرد. سپس از در بنی شیبه خارج شد و به راه افتاد و نمازی نگزارد.(3)

1- . الخصال 1: 169
2- . الخصال 2: 113
3- . قرب الاسناد: 125

8. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که از هفت دور طواف خود فارغ شدی، به سوی مقام ابراهیم برو و دو رکعت نماز طواف بخوان و در هر رکعت سوره فاتحه و «قل یا ایها الکافرون» و «قل هو الله احد» را بخوان. جایز نیست که دو رکعت نماز طواف عمره را جایی جز در پشت مقام و در همان زمان بخوانی. ایرادی ندارد که دو رکعت نماز طواف نساء و غیر آن را هر جای مسجد الحرام که خواستی بخوانی.(1)

9. تفسیر العیاشی: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردند که فراموش کرده نماز خود را نزد مقام ابراهیم، بعد از طواف حج یا عمره بخواند. ایشان فرمود: اگر در آن مکان یعنی مکه باشد، دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم بخواند، زیرا که باری تعالی می فرماید: «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِیمَ مُصَلًّی»(2) {در

مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود اختیار کنید.} و اگر از آن مکان کوچ کرده و رفته، به وی امر نمی کنم که باز گردد.(3)

10. تفسیر العیاشی: حلبی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که از ایشان درباره مردی سؤال کردم که طواف واجب را زمان انجام حج و یا عمره به جا آورده اما ندانسته که باید نزد مقام ابراهیم علیه السلام نماز بخواند. ایشان فرمود: نماز بخواند حتی پس از چند روز، زیرا خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِیمَ مُصَلًّی»(4) {در

مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود اختیار کنید.} (5)

11. الهدایه: امام صادق علیه السلام فرمود:در هفت جا خواندن «قل هو الله احد» و «قل یا ایها الکافرون» را فرو مگذار و از جمله آنها نماز طواف و دو رکعت احرام را برشمرد.(6)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 27
2- . بقره / 125
3- . تفسیر العیاشی 1: 58
4- . بقره / 125
5- . تفسیر العیاشی 1: 58

6- . الهدايه: 38

12. و شیخ صدوق رحمه الله می گوید: اگر خواندن نمازی را که در تمامی اوقات ادا می کنی، فراموش کردی، زمانی که یاد آوردی، آن را بخوان، و از این دسته، نماز کسوف، نماز میت و دو رکعت احرام و دو رکعت طواف است.(1)

13. دلائل الامامه: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: علی بن الحسین علیه السلام بعد از نماز، در سجده شکر عرضه میداشت:«ای کریم! مسکین تو در پیشگاه توست، ای کریم، نیازمند تو زائر تو، حقیر تو در آستانه توست.»(2)

مؤلف: شاید این دعا برای سجده شکر پس از ادای نماز طواف یا خواندن نماز در این مکان به جهت مناسبت با لفظ دعا باشد. و شاید امام زین العابدین علیه السلام این دعا را به گروهی از کسانی که طالب آن بوده اند، پس از پایان طواف خود نزد کعبه فرموده است.

1- . الهدایه: 38
2- . دلائل الامامه: 295

باب چهلم : فضیلت حجر الاسود و علت استلام آن و استلام دیگر ارکان

روایات:

1. علل الشرائع: ابو سعید خدری نقل کرده است که عمر در زمان خلافتش حج گزارد. زمانی که طواف را آغاز کرد، مقابل حجر الاسود قرار گرفت و از کنار آن عبور کرد، و بر آن دست کشید و آن را بوسید و گفت: تو را می بوسم، در حالی که می دانم که تو سنگی هستی که نه زیان می رسانی و نه سود، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به تو قدرشناس و مهربان بود و اگر من نمی دیدم که ایشان تو را می بوسد، هرگز تو را نمی بوسیدم. گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام در میان حج گزاران حضور داشت و فرمود: آری، به خدا قسم که آن سود و زیان می رساند. گفت: از کجا این سخن را گفتی ای ابو الحسن؟ امام علی علیه السلام فرمود: از کتاب خداوند تبارک و تعالی. عمر گفت: گواهی می دهم که تو نسبت به کتاب خدا دارای علم و آگاهی هستی، اما کجای کتاب؟ امام فرمود: این سخن خداوند عز و جل که فرمود: «وَ أَشْهَدَهُمْ عَلى أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلى شَهِدْنا»(1) {هنگامی

را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا گواهی دادیم.} و تو را آگاه می سازم که خداوند سبحان زمانی که آدم را آفرید، بر پشت وی دست کشید و نسل آدم را از

1- . اعراف / 172

صلب وی زنده و به صورت ذرِه بیرون آورد و بدانان عقل داد و بر آنان مقرر داشت که او پروردگار و آنان بنده اویند و فرزندان آدم به ربوبیت خدا اقرار کردند و به بندگی خود گواهی دادند. خداوند عز و جل می دانست که فرزندان آدم در عبودیّت، در منازل مختلفی هستند، از این رو نامهای بندگانش را در برگی نازک نوشت و این سنگ آن روز دارای دوچشم و زبان و دو لب بود. خطاب به سنگ فرمود: دهانت را باز کن، و سنگ دهانش را باز کرد و خداوندآن برگ را در دهان او گذاشت. سپس خطاب به سنگ فرمود: هر کس که با تو وفا کرد، به وفاداری او در روز قیامت بر وی شهادت بده. زمانی که آدم فرود آمد و سنگ همراه با وی بود، آدم سنگ را در جایگاه خویش از این رکن قرار داد و فرشتگان قبل از این که خداوند متعال آدم را خلق کند، به حج خانه خدا می آمدند. و سپس آدم حج گزارد و پس از او، نوح نیز حج گزارد. سپس خانه خراب شد و پایه هایش از بین رفت و سنگ را در کوه ابو قبیس به امانت گذاشت. زمانی که ابراهیم و اسماعیل خانه را بازسازی کردند و پایه هایش را بنا نهادند و با وحی خداوند عز و جل، سنگ را از کوه ابوقبیس بیرون آوردند، آن را در جایی از این ستون قرار دادند که امروز است و آن از سنگ های بهشتی است و زمانی که فرود آمد، همچون سپیدی رنگ مروارید و روشنی نور یاقوت بود، اما دستان کافران و اهل شرک که سنگ را با عتیرههای خود(1) لمس می کردند، آن را سیاه کرد. عمر گفت: ای ابوالحسن! در میان امتی که تو در آن نباشی، زنده نمانم.(2)

2. علل الشرائع: عبدالله بن سنان نقل کرده است که زمانی که ما در طواف بودیم، مردی از آل عمر از نزدیک ما عبور کرد و مرد دیگری دست وی را گرفت و حج را استلام کرد، سپس مرد عمری بر سر مردی که دستش را گرفته بود فریاد زد و

1- . عتایر ج عتیره: گوسفندی که اعراب برای خدایان خود در ماه رجب ذبح می کردند.عتایر به معنی مردگان یک قبیله نیز میباشد.
2- . علل الشرائع: 49

به درشتی خطاب به او گفت: حج تو باطل شد، همانا سنگی را که بر آن دست می کشی نه زیانی می رساند و نه سود. عبدالله بن سنان گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: جانم به فدایتان! آیا سخن این فرد از آل عمر را خطاب به کسی که بر حجر الاسود دست کشید نشنیدی؟ ایشان فرمود: وی بدان چه که باید دچار شود دچار شد. امام فرمود: آن شخص چه گفت؟ گفتم: به او گفت: ای بنده خدا حج تو باطل شد و سپس افزود: این چیزی که تو استلام می کنی، سنگی است که نه سود می رساند و نه زیان. امام صادق علیه السلام فرمود: دروغ گفت، دروغ گفت، دروغ گفت.در روز قیامت، حجر الأسود زبانی تیز و گویا دارد و با آن، به وفاداری کسانی که او را استلام نموده و بدین وسیله به عهد خود وفا کرده اند، شهادت می دهد. سپس فرمود:وقتی حق تعالی آسمان ها و زمین را آفرید، دو دریا ایجاد کرد؛ یکی شیرین و دیگری تلخ و شور. تربت آدم علیه السلام را از دریای شیرین آفرید، سپس از دریای تلخ بر آن پاشید. بعد آدم را سرشت. آنگاه آن را همچون پوست مالید، سپس هر چه خدا خواست رهایش کرد و وقتی خواست در آن روح بدمد، او را به صورت شبح و تمثالی سر پا نگهداشت، بعد مشتی از کتف راستش گرفت، بلافاصله اجزای ریزی چون مورچه از آن خارج شدند. سپس فرمود:. فرمود: اینان به بهشت بروند و سپس یک مشت از کتف چپش گرفت و فرمود: اینان نیز به سوی آتش بروند. سپس خداوند عز و جل اصحاب یمین و یسار را به سخن گفتن واداشت. اهل یسار گفتند: خدایا! چرا برای ما آتش را آفریدی در حالی که هنوز حق را بر ما روشن نکردی و بر ما رسولی نفرستادی؟ خداوند عز و جل فرمود: زیرا که می دانم شما به سوی آن رهسپارید و به زودی شما را می آزمایم. سپس خداوند به آتش فرمان داد و شعله ور شد. سپس فرمود: تمامی شما در آتش فرو روید، اما من آن را برشما سرد و بی آسیب می کنم. آنان گفتند: پروردگارا! ما از تو پرسیدیم چرا برای ما آتش آفریدی و مقصودمان از این پرسش، فرار از آن بود؟! اگر به اصحاب یمین نیز این فرمان را بدهی، داخل آن نمی شوند. خداوند به آتش فرمان داد گرم و افروخته شود. پس از

آن، به اصحاب یمین فرمود داخل آتش شوند و آنها همگی وارد آتش شدند، پس آتش بر ایشان سرد و سلامت شد. خداوند به تمامی آنان فرمود: آیا پروردگار شما نیستم؟ اصحاب یمین از روی میل گفتند:آری و اصحاب شمال از روی کراهت گفتند: آری. سپس از تمامی آنان عهد و پیمان گرفت و ایشان را بر خویشتن شاهد قرار داد. امام فرمود: حجر الاسود در آن زمان در بهشت بود، خداوند عز و جل آن را از بهشت خارج کرد و میثاق با تمامی آفریدگان را در خود فرو برد و این همان سخن خداوند است که فرمود: «وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُون»(1) {هر

که در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و همه به سوی او باز گردانده می شوند.} پس زمانی که خداوند عز و جل آدم را در بهشت ساکن کرد و وی نافرمانی کرد، خداوند سنگ را از آنجا فرود آورد و در ستون خانه اش قرار داد و آدم را از بهشت بر صفا فرود آورد و به مقداری که خدا خداست در آن جا درنگ کرد. سپس آدم سنگ را در آن خانه دید و آن را شناخت و به یاد عهد و پیمانش افتاد. پس شتابان به سوی آن آمد و بر روی آن افتاد و بر آن چهل روز گریست و از خطایش توبه کرد و از نقض پیمان خود اظهار پشیمانی کرد. امام فرمود: بدین خاطر مأمور شده اید که زمانی که بر سنگ دست کشیدید بگویید: خدایا امانت خود را ادا کردم و به پیمانم وفا کردم، تا روز قیامت برای من بر وفای به عهد گواهی دهی.

3. علل الشرائع: ابن عباس که از وهب نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی که همراه با عایشه به دور کعبه طواف می کرد، هنگام دست کشیدن بر حجر الاسود خطاب به وی فرمود: ای عایشه! اگر پلیدی ها و ناپاکی های جاهلیت بر این سنگ منتقل نشده بود، در این صورت انسان به واسطه آن از آفت و بلا شفا می یافت و هیأتی همچون هیأت همان روزی که خداوند آن را فرود آورد پیدا میکرد،

1- . آل عمران / 83

و

حتما آن را خداوند بدان شکلی که برای اولین بار نازل کرد درمی آورد. همانا آن در اصل یاقوتی سپید بود که از یاقوت های بهشت به حساب می آمد، اما خداوند عز و جل به خاطر معصیت نافرمانان، زیبایی آن را تغییر داد وبنیاد آن را از سردمداران و ظالمان پنهان داشت، چرا که هرگز بر اینان شایسته نیست که به چیزی که پیدایش آن از بهشت بوده بنگرند، چه این که هر کس به چیزی که آغاز و پیدایش آن از بهشت بوده بنگرد، بهشت بر وی واجب می شود. و همانا رکن، دست راست خداوند در زمین است و خداوند حتما آن را در روز قیامت بر می انگیزد در حالی که برایش زبان و دو لب و دو چشم خواهد بود و در آن روز سنگ را با زبانی گویا و گشاده به سخن خواهد آورد تا در حق کسی که امروز چنان که شایسته است بر آن دست کشیده، شهادت دهد. استلام حجر، بیعت است برای کسی که زمان بیعت با رسول خدا صلی الله علیه و آله را درک نکرده است. وهب نقل کرد که رکن و مقام دو یاقوت از یاقوت بهشتند که به این دنیا آمده و بر کوه صفا فرود آمدند و نور آن دو برای اهل زمین از شرق تا غرب را روشنی بخشید، همان گونه که در شب تار، چراغ فروزان روشنایی میدهد.آنها اضطراب و نگرانی را بر طرف میکنند و به آنها انس گرفته میشود خداوند این دو را مبعوث خواهد کرد، در حالی که از نظر عظمت و بزرگی، همچون کوه ابوقبیس بوده و برای هر کسی که آنها را استلام کرده و بدین وسیله تجدید عهد نموده، شهادت به وفاداری می دهند. سپس نور و درخشندگی از آنها رفع گردید و حسنشان تغییر داده شد و همان جایی که هستند، قرار داده شدند.(1)

4. علل الشرائع: حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: به چه دلیل بر حجر الاسود دست می کشند؟ فرمود: زیرا پیمان های آفریدگان در آن است.(2)

1- . علل الشرائع: 427
2- . علل الشرائع 1: 423

5. در حدیثی دیگر فرمود: زیرا که خداوند عز و جل زمانی که پیمان های بندگان را گرفت، به حجرالاسود فرمان داد و آن پیمان ها را بلعید و آن برای کسانی که به عهد خود وفا کردند، گواه می باشد.(1)

6. عیون اخبار الرضا، علل الشرائع: ابن سنان نقل کرده است که امام رضا علیه السلام فرمود: سبب دست کشیدن بر حجر الاسود این بود که خداوند تبارک و تعالی زمانی که پیمان های فرزندان آدم را برگرفت، سنگ آن را بلعید و از آن جا بود که مردم را به وفا کردن به آن میثاق مکلف ساخت و از آن جاست که در کنار سنگ گفته می شود: امانت خود را ادا کردم و به پیمانم وفا کردم تا برای من بر وفای به عهد گواهی دهی.(2)

7. و از آن جمله است سخن سلمان - رحمه الله - که فرمود: حجرالاسود روز قیامت همچون کوه ابو قبیس میآید، در حالی که برای وی زبان و دو لب باشد تا برای هر کس که به عهد خود وفا کرده گواهی دهد.(3)

8. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به گرد خانه طواف کنید و بر رکن دست کشید، چرا که آن دست خداوند در زمین است که به واسطه آن با بندگان خود دست می دهد.(4)

شیخ صدوق - که خداوند از او خشنود باد - گفت: معنای دست خداوند همان راهی است که مؤمنان را از آن به بهشت می برد و بدین جهت امام صادق علیه السلام فرمود: این همان دروازه ماست که از طریق آن به بهشت وارد می شویم و بدین خاطر فرمود: همانا در آن دری از درهای بهشت است که از زمان گشوده شدن بسته نشده و

1- . علل الشرائع: 423
2- . علل الشرائع: 424، عیون أخبار الرضا علیه السلام 2: 91
3- . علل الشرائع: 424
4- . علل الشرائع: 424

در آن نهری از بهشت وجود دارد که در آن اعمال و کردار بندگان انداخته می شود و این همان رکن یمانی است نه رکن حجر.(1)

9. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا ارواح، لشکری بسیج شده و آماده اند و هر یک از آن ها که در میثاق با یکدیگر آشنا شده باشند، در اینجا نیز انس میگیرند و هر کدام که در میثاق آشنا نشده باشند در اینجا با هم اختلاف کنند و میثاق در این حجر الاسود است. اما به خدا قسم که برای این سنگ دو چشم و دو گوش و یک دهان و زبان گویا و فصیح است، و همانا رنگ آن از شیر سپیدتر بود، اما گنهکاران و منافقان بر آن دست می کشند و بدین شکلی درآمد که اکنون می بینید.(2)

10. علل الشرائع: راوی گوید: از امام صادق علیه السلام در باره ملتزم پرسیدم و این که به چه چیزی ملتزم می شود و چه چیزی را در التزامش ذکر می کند؟ امام فرمود: در کنار حجر، نهری از بهشت جاری است که در هر پنجشنبه اعمال بندگان را در آن می اندازند.(3)

11. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عز و جل حجر الاسود را آفرید، سپس از بندگان خود تعهد گرفت و خطاب به سنگ فرمود: آن را ببلع و مؤمنان تجدید میثاق میکنند.(4)

12. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: عمر بن خطاب از کنار حجر الاسود عبور کرد و گفت: به خدا قسم می دانیم که تو سنگی هستی که نه زیان می رسانی و نه سود، اما ما دیده ایم که رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را دوست می داشت، و بدین جهت ما نیز تو را دوست می داریم. امیر المؤمنین علیه السلام به او فرمود: چطور این گونه سخن می گویی ای فرزند خطاب؟ به خدا قسم که روز قیامتی

1- . علل الشرائع: 424
2- . علل الشرائع: 426
3- . علل الشرائع: 424
4- . علل الشرائع: 424

که حتمی است، خداوند آن سنگ را بر می انگیزد در حالی که دارای زبان و دو لب خواهد بود و بر کسی که به پیمان خود وفا کرده شهادت می دهد. و آن، دست خدا در زمین است که به واسطه آن با آفریدگان خود بیعت می کند. عمر گفت: خداوند ما را در سرزمینی که علی بن ابی طالب در آن نیست، باقی نگذارد.(1)

13. علل الشرائع: ابان بن تغلب نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می دانی که مردم چرا حجر الاسود را می بوسند؟ گفتم: خیر. فرمود: همانا آدم علیه السلام به خاطر تنهایی خود در زمین به خداوند شکایت کرد و جبرئیل نازل شد و یاقوتی از بهشت فرود آورد که آدم، زمانی که از کنار آن در بهشت عبور میکرد، با دو پایش بر آن میزد و زمانی که سنگ را دید شناخت، پس شتافت و آن را بوسید. از این جا این سنت جاری شد که مردم حجر الاسود را میبوسند.(2)

14. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: حجر الاسود سپیدتر از شیر بود، اگر پلیدی ها و آلودگی های جاهیلت بر آن نرسیده بودند، هیچ بیماری بر آن دست نمی کشید مگر این که شفا می یافت.(3)

15. علل الشرائع: عبدالله بن ابی یعفور نقل کرده است که امام صادق علیه السلام حجرالاسود را ذکر کرد و فرمود: آگاه باش. همانا برای آن دوچشم و یک بینی و زبان است و سپیدتر از شیر بود.البته مقام هم، همین منزلت و موقعیّت را داشت.(4)

16. علل الشرائع: برید العجلی نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: چگونه است که مردم بر حجر الاسود و رکن یمانی دست می کشند، اما بر دو رکن دیگر دست نمی کشند؟ حضرت فرمود: عباد بن صهیب بصری نیز از من همین سؤال را کرد و من به او گفتم: به خاطر آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله تنها این دو

1- . علل الشرائع: 426
2- . علل الشرائع: 426
3- . علل الشرائع: 427
4- . علل الشرائع: 428

را استلام کردند و آن دو رکن دیگر را مسّ نکردند. بر مردم لازم است آنچه را که رسول الله انجام دادند، انجام دهند و به زودی به تو خبر خواهم داد، غیر آنچه را که به عباد خبر دادم و آن این است که: حجر الأسود و رکن یمانی در طرف راست عرش هستند و حق تبارک و تعالی امر کرد آنچه را که در طرف راست عرش است استلام شود.

برید گفت: پرسیدم، چگونه شد که مقام ابراهیم در سمت چپ عرش قرار گرفت؟ حضرت فرمود: به خاطر آن که برای حضرت ابراهیم در قیامت مقامی است و حضرت محمّد نیز در قیامت مقامی دارند. مقام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در طرف راست عرش و مقام ابراهیم علیه السلام در جانب چپ واقع است، از اینرو، مقام ابراهیم در قیامت، در جای خودش که چپ عرش باشد، قرار دارد و روی عرش پروردگار رو به جلوست نه رو به پشت.(1)

17. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: در حالی که ما در طواف بودیم، به ناگاه مردی گفت: به چه علت بر این دو رکن - حجر الاسود و رکن یمانی - دست می کشند و برآن دو رکن دیگر دست نمی کشند؟ فرمود: زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این دو دست می کشید، اما بر آن دو دست نمی کشید. پس چیزی را که رسول خدا به آن نپرداخته، تو نیز نپرداز.(2)

18. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به رکن غربی رسید، رکن خطاب به ایشان گفت: ای رسول خدا! آیا من نیز یکی از پایه ها و ارکان خانه پروردگار تو نیستم؟ چرا بر من دست نمی کشند؟ پیامبر بدان نزدیک شد و خطاب به رکن فرمود:آرام بگیر، سلام بر تو باد، تو مهجور و کنار گذارده نیستی.(3)

1- . علل الشرائع: 428
2- . علل الشرائع: 428
3- . علل الشرائع: 429

19. علل الشرائع: بکیر بن اعین نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: به چه علت خداوند حجر را در رکنی که اکنون در آن است قرار داده و آن را در جایی دیگر قرار نداده است؟ چرا آن را می بوسند و به چه علت از بهشت خارج شده است؟ سبب آن که میثاق بندگان در آن قرار داده شده و در غیر آن قرار داده نشد چیست؟ جانم به فدایت ! مرا از این امر آگاه ساز، زیرا که فکر من در این باره دچار شگفتی است. ابن بکیر گفت که امام فرمود: پرسیدی و در سؤال خود پافشاری کردی و جزئیات را جویا شدی، پس بفهم و قلبت را فارغ ساز و گوشت را شنوا کن تا تو را به اذن خدا آگاه سازم. همانا خداوند تبارک و تعالی حجر الاسود را که گوهری قیمتی بود، از بهشت به سوی آدم برد و به سبب گرفتن پیمان، در آن رکن قرار داده شد و این امر بدین خاطر بود که زمانی که از پشت فرزندان آدم نسل و ذریه آنان را برگرفت، خداوند از آنان در همان جا عهد و پیمان گرفت و در همان جا پروردگارشان بر ایشان نظر کرد و در همین مکان فرشته ای بر صاحب الامر نازل میشود و این فرشته یعنی جبرئیل، اولین کسی است که در این مکان با قائم علیه السلام بیعتمی کند. قائم علیه السلام پشت خویش را به این مکان تکیه می دهد و آن رکن، حجت و دلیلی بر قائم و شاهدی بر کسی است که در آن مکان به عهد خود عمل کرده و به پیمانی که خداوند از بندگانش گرفته پایبند بوده است. اما بوسیدن و لمس آن به خاطر عهد و همچنین تجدید پیمان و میثاق و بیعت می باشد، تا بندگان عهدی را که در زمان میثاق از آنان گرفته، ادا کنند. از این رو هر سال به نزد آن می آیند تا آن پیمان و عهد خود را ادا کنند. آیا نمی بینی که می گویی: امانت خود را ادا کردم و به پیمانم وفا کردم تا برای من بر وفای به عهد گواهی دهی. به خدا قسم جز شیعه ما کسی آن عهد را ادا نمی کند و آن پیمان و میثاق را کسی جز شیعه ما حفظ نکرده است. همانا پیروان ما به نزد سنگ می آیند و آنان را می شناسد و تصدیق می کند، اما غیر از پیروان ما، زمانی که به سوی حجر می روند، آنان را نشناخته و تکذیب می کند؛ چرا که غیر از شما این پیمان را نگاه نداشته و به خدا قسم که تنها

برای شما شهادت می دهد و بر آنها به خدا قسم، بر کینه، انکار و کفر شهادت می دهد که آن حجت و دلیلی رسا از سوی پروردگار بر ایشان در روز قیامت است؛ دارای زبانی ناطق و گشاده و دو چشم در شکل نخستین خود می باشد؛ مردم او را می شناسند و انکار نمی کنند؛ بر کسی که به عهد خود وفا کرده و بر تجدید میثاق و پیمان و حفظ عهد و پیمان و ادای امانت شهادت میدهد و بر هر کسی که ناسپاسی و انکار کرده و پیمان خود را فراموش کرده، به کفر و انکار گواهی می دهد. اما علت این که خداوند سنگ را از بهشت خارج کرد؛ آیا می دانی که سنگ در آن جا چه بود؟ گفت: گفتم، خیر. امام فرمود: فرشته ای از بزرگترین فرشتگان نزد خداوند عز و جل خدا بود. زمانی که خداوند از فرشتگان پیمان گرفت، اولین کسی که به خداوند ایمان آورد و اقرار کرد، آن فرشته بود. از این رو خداوند وی را به عنوان امین خود بر تمامی آفریدگانش برگزید، و پیمان را به او خوراند و آن را نزد او به ودیعت گذاشت و از آفریدگان خواست تا در هر سال نزد وی، پیمان و عهدی را که خدا از آنان گرفته تجدید کنند. سپس آن را همراه با آدم در بهشت قرار داد، تا پیمان را به یاد او آورد و در هر سال نزد وی تجدید میثاق کند. اما زمانی که آدم نافرمانی کرد از بهشت بیرون شد و خداوند عهد و پیمانی را که از او و فرزندانش برای محمد صلی الله علیه و آله و جانشین وی گرفته بود، از یادش برد و او را مات و مبهوت قرار داد. و زمانی که توبه آدم را پذیرفت، آن فرشته به درّی سپید تغییر شکل داد و آن را از بهشت به سوی آدم که آن زمان در هند بود انداخت. زمانی که آدم آن را دید بدان انس گرفت در حالی که آن را تنها تا حد یک گوهر گران قیمت می شناخت. سپس خداوند عز و جل آن را به سخن آورد و گفت: ای آدم! مرا می شناسی؟ آدم گفت: خیر. گفت: بله، شیطان بر تو چیره شده و ذکر پروردگارت را از یادت برده و سپس به همان شکلی مبدل شد که آن زمان در بهشت به همراه آدم بود. به آدم گفت: عهد و پیمان تو کجاست؟ آدم به سوی آن شتافت و پیمان را به یاد آورد و گریست و تسلیم شد و آن را بوسید و بار دیگر عهد و پیمان خود را تجدید کرد. سپس خداوند عز و جل آن را به شکل سنگ

ص: 320

گوهر، دری سپید رنگ و صاف و درخشان مبدل ساخت و آدم به خاطر شکوه و عظمتش، آن را بر دوش خود حمل کرد و زمانی که خسته می شد، جبرئیل آن را حمل می کرد تا این که آن سنگ را به مکه رسانید. در مکه همواره با آن انس می گرفت و هر شب و روز تجدید پیمان می کرد. سپس خداوند عز و جل زمانی که جبرئیل را بر زمین خود فرود آورد و کعبه را بنا نهاد، در آن مکان میان رکن و در کعبه فرود آمد و در همان جا بر آدم زمانی که از وی پیمان گرفت ظاهر شد. در همان جا فرشته میثاق را بلعید و بدین خاطر در آن رکن قرار داده شد. سپس آدم را از جایگاه خانه خدا به سوی صفا و حوا را به سوی مروه فرستاد و سنگ را در رکن قرار داد. پس خداوند را تکبیر و ثنا گفت و او را تمجید کرد، بدین خاطر تکبیر گفتن روبروی رکنی که در آن حجر از سمت صفا قرار دارد، سنت شد. خداوند عز و جل عهد و پیمان خود را نزد آن به ودیعه گذاشت و تنها به آن فرشته خوراند. زمانی که خداوند عز و جل برای خود به ربوبیت و برای محمد به پیامبری و برای علی بر جانشینیپیمان گرفت، گوشت تن فرشتگان لرزید و اولین کسی که به سرعت اقرار کرد همان فرشته بود، و در میان آنان هیچ کدام نبود که نسبت به محمد و خاندان وی علیهم السلام تا این حد دوست داشته باشد. بدین جهت خداوند عز و جل از میان آنان آن فرشته را برگزید و میثاق را به او خوراند، و روز قیامت می آید در حالی که دارای زبانی گشاده، چشمی ناظر و بینا می باشد، تا برای هر کس که به پیمان خود در آن مکان وفا کرده و میثاق خود را حفظ نموده، گواهی دهد.(1)

20. قصص الانبیاء: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند آدم علیه السلام را پایین آورد، آدم در هند فرود آمد و حجرالاسود نیز در کنار وی پایین آورده شد که یاقوتی سرخ در آستانه عرش بود. زمانی که آدم آن را دید، شناخت، پس به روی آن افتاد و آن را بوسید. پس آن را به نیکی پذیرفت و به سوی مکه حمل کرد.

ص: 321

1- . علل الشرائع: 429

زمانی که از سنگینی آن خسته می شد، جبرئیل به جای وی حجر الاسود را حمل می کرد و زمانی که جبرئیل به نزد وی نمی آمد، دلگیر و ناراحت می شد. بدین خاطر به جبرئیل شکایت کرد و جبرئیل به او گفت: اگر دچار ناراحتی شدی، بگو:«لا حول و لا قوه الا بالله».

21. در روایتی نقل شده است که کوه ابوقبیس گفت: ای آدم! همانا از تو نزد من امانتی است. پس مقام و حجر را که در آن روز دو یاقوت سرخ بودند، به سوی وی فرستاد.

22. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا فرمود: بر رکن دست کشید، چرا که آن دست خداوند بر زمین است که به واسطه آن با بندگانش، همچون دست دادن بنده یا مرد دست می دهد، و بر هر کس که به پیمان خود وفا کند، گواهی می دهد.(1)

23. بصائر الدرجات: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به رکن غربی رسید از آن عبور کرد. رکن به رسول خدا گفت: ای رسول خدا! من دور از خانه پروردگارت نیستم، چرا بر من دست نمی کشی؟ امام فرمود: پیامبر به رکن نزدیک شد و فرمود:آرام بگیر، سلام بر تو باد، مهجور و کنار گذارده نشدهای.(2)

24. المحاسن: از امام صادق یا باقر علیهما السلام درباره بوسیدن حجر الاسود سؤال کردند. پس فرمود: حجر الاسود گوهری سپیدرنگ در بهشت بود و آدم آن را می دید. زمانی که خداوند عز و جل آن را بر زمین فرود آورد، آدم نازل شد و شتابان آن را بوسید. و خداوند تبارک و تعالی آن را سنت قرار داد.(3)

1- . المحاسن: 65
2- . بصائر الدرجات: 147
3- . المحاسن: 337

25. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند تبارک و تعالی از بندگان خود پیمان گرفت، به حجر الاسود فرمان داد و آن، پیمان ها را در خود فرو برد. بدین جهت گفته می شود: امانت خود را ادا کردم و به پیمانم وفا کردم تا برای من بر وفای بر عهد گواه باشی.(1)

26. الخرائج: ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه نقل کرده است: زمانی که در سال 339 قمری در سفر حج وارد بغداد شدم - همان سالی که قرمطیان حجر الاسود را به جای خود در کعبه منتقل نمودند - بزرگترین دغدغه و نگرانیام این بود که شخصی را که حجر الاسود را در جای خود می نهد، ببینم. چرا که داستان وی در کتاب ها آمده که حجر الاسود را حجت خدا در زمان، بر جای خود قرار خواهد داد؛ همان طور که در زمان حجاج، امام سجاد آن را در جایش قرار داد تا این که استقرار یافت. به شدت بیمار شدم، به گونه ای که از جان خود بیمناک بودم.آنچه را که قصد کرده و در نظر داشتم مهیا نشد. از این رو شخصی را با نام ابن هشام به عنوان نائب و جانشین خود گرفتم و به وی نامه دربسته و مهرشده ای دادم که در آن، از مدت عمر خودم و این که آیا مرگ من در این بیماری خواهد بود، سؤال کردم. خطاب به آن فرد نائب گفتم: از تو می خواهم که این نامه را به دست کسی رسانی که سنگ را در جایش قرار می دهد و جواب نامه گرفته شود. تو را بدین منظور نائب خویش گرفته ام. ابن هشام گفت: چون به مکه رسیدم و عزم بر آن شد که حجر الاسود را به جای نخست خود بازگردانند، مقداری پول به خدمتگزار خانه خدا دادم، به گونه ای که توانستم در جایی قرار بگیرم که کسی را که حجر الاسود را در جای خود می نهد ببینم وکسی را هم از آنها همراه با خود قرار دادم که مانع از ازدحام و فشار مردم بر من شود.پس هر زمان که کسی می خواست حجر الاسود را در جایش نهد، به خود می لرزید و آرام و قرار نمی گرفت. سپس جوانی گندمگون و خوشرو آمد و سنگ را برداشت و در جایش

1- . المحاسن: 340

نهاد و سنگ در جای خود قرار گرفت، به گونه ای که گویی از جای خود جدا نشده است. صداها بدین خاطر بالا رفت. سپس آن فرد جوان برگشت تا از در بیرون رود و من از جایم برخاستم و به دنبال وی به راه افتادم و مردم را از سمت چپ و راست خود به کنار می راندم، تا جایی که گمان بردند من مجنون و دیوانه ام. مردم بر من راه را می گشودند و چشم از وی بر نمی داشتم تا آنکه از مردم جدا شد و فاصله گرفت. من به دنبال وی شتابان راه می رفتم در حالی که او به آرامی راه می رفت، اما به او نمی رسیدم. زمانی که به جایی رسیدم که جز من کسی وی را نمی دید، ایستاد و روبه من کرد و فرمود: آنچه را که همراه داری به من بده.من نیز نامه را به وی دادم و ایشان بدون این که بدان نگاه کند فرمود: به او بگو: از این بیماری نترس، مرگ تو بعد از سی سال دیگر است. اشک بر چشمان من جاری شد و دیگر نتوانستم حرکت کنم و ایشان مرا ترک کرد و بازگشت. ابوالقاسم گفت: ابن هشام من را از این جمله امام آگاه کرد. زمانی که سال 67 قمری فرا رسید، ابوالقاسم بیمار شد و شروع به محاسبه اعمال خود و بستن توشه خود برای قبرش نمود. وصیت خود را نوشت و در این باره جدیت داشت. به وی گفته شد: این ترس به خاطر چیست؟ ما امیدواریم که خداوند به تو سلامت عطا فرماید؛ بیماری تو ترسناک نیست !؟ گفت: این همان سالی است که در آن ترسانده شدم. و در همان بیماری در گذشت.

27. منذر ثوری نقل کرده است که از امام باقر علیه السلام درباره حجر الاسود سؤال کردم. ایشان فرمود: سه سنگ هستند که از بهشت فرود آمده اند: حجر الاسود که ابراهیم آن را به امانت گرفت، مقام ابراهیم و سنگ بنی اسرائیل. امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند این سنگ سپید را که از کاغذ هم سپیدتر بود،به ابراهیم به عنوان امانت سپرد، اما به خاطر گناهان فرزندان آدم سیاه گشت.(1)

1- . تفسیر العیاشی 1: 59

28. تفسیر العیاشی: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: به چه دلیل بر حجر الاسود دست می کشند؟ ایشان فرمود: زمانی که خداوند از فرزندان آدم پیمان گرفت، حجر الاسود را از بهشت فرا خواند و به آن فرمان داد و آن میثاق را بلعید و بر کسی که به عهد خویش وفا کرده باشد، گواهی می دهد.(1)

29. تفسیر العیاشی: امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: عمر در سال اولی که خلیفه بود، حج گزارد. در آن سال مهاجران و انصار نیز به سفر حج رفتند و امام علی علیه السلام در آن سال همراه با امام حسن و حسین علیهما السلام و عبدالله بن جعفر حج گزارد. فرمود: زمانی که عبدالله بن جعفر احرام بست، در حالی که لنگ و ردایی قرمز رنگ معطر به گل سرخ بر تن کرده بود، آمد. عمر به وی نگاه کرد، در حالی که لبیک می گفت و لنگ و ردایی بر تن داشت و در کنار امام علی علیه السلام راه می رفت. عمر از پشت سر آنان گفت: این بدعت در حرم چیست؟

امام علی علیه السلام خطاب به عمر فرمود: ای عمر! بر کسی شایسته نیست که سنت پیامبر را به ما بیاموزد. عمر گفت: راست گفتی ای ابا الحسن. به خدا قسم ندانستم که شما هستید. فرمود: این امر یکی از مواردی بود که در سفر حج آنان اتفاق افتاد. زمانی که داخل مکه شدند، طواف کردند. عمر حجر الاسود را لمس کرد و گفت: به خدا قسم من می دانم که تو تنها یک سنگ هستی که نه زیان می رسانی و نه سود، و اگر نبود که رسول خدا بر تو دست کشیده، من نیز بر تو دست نمی کشیدم. امام علی علیه السلام خطاب به وی فرمود: دست نگاهدار ای ابا حفص. رسول خدا صلی الله علیه و آله جز برای امری که می دانست، بر آن دست نکشید و اگر قرآن را خوانده بودی، تفسیرآن را چنان که غیر تو دانسته، فرا می گرفتی که آن سود و زیان می رساند. دارای دو چشم و دو لب و زبانی گویاست و بر هر کس که به پیمان خود وفا کرده گواهی می دهد. عمر خطاب به امام علی علیه السلام گفت: کجای کتاب خدا آمده

-1 . تفسیر العیاشی 2: 39

است ای ابا الحسن؟ امام فرمود: این گفته خداوند تبارک و تعالی که فرمود: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلی أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا»(1) {و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند چرا.} زمانی که بندگان بر ربوبیت وی و بندگی خود اقرار کردند، خداوند از آنان پیمان گزاردن حج به سوی بیت الحرام را گرفت. سپس پوستی رقیق تر از آب آفرید و خطاب به قلم فرمود: وفای به عهد آفریدگان من را به خانه ام بنویس و قلم نیز وفای به عهد فرزندان آدم را در پوست نوشت و سپس به حجر الاسود گفته شد: دهانت را باز کن و پوست را فروبرد و خطاب به سنگ گفت: حفظ کن و بر بندگانم بر وفای به عهد گواه باش. سپس سنگ فرود آمد در حالی که مطیع امر خدا بود. ای عمر! آیا این گونه نیست که زمان دست کشیدن بر حجر الاسود می گویی: امانتم را ادا کردم و به پیمانم وفا نمودم تا تو بر وفای به عهد من گواه باشی. عمر گفت: خدایا! آری. امام علی فرمود: به آن ایمان بیاور.(2)

30. الهدایه: سپس به نزد حجر الاسود می آیی و آن را می بوسی، یا بر آن دست می کشی، یا آنکه بدان اشاره می کنی.(3)

مؤلف: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حجر الاسود دست راست خدا بر زمین است، هر کس بخواهد با آن دست دهد، و این گفته مجاز است؛ منظور این است که این سنگ یکی از راه های نزدیکی به خداوند تبارک و تعالی می باشد و هر کس بر آن دست کشد و آن را مس کند، به فرمانبری خدا نزدیک شده و همچون کسی است که بدان چسبیده یا ملازم آن شده است. و امام از طریق استعمال مجاز و وسعت آن، دست را در اینجا به جای فرمانبری به کار برده که به واسطه آن بندگان به خداوند

1- . اعراف / 172
2- . تفسیر العیاشی 2: 38
3- . الهدایه: 58

سبحان تقرب می جویند. زیرا عادت عرب بر این است که زمانی که یکی از آن ها بخواهد به دوستش نزدیک شود، به خاطر ایجاد حس صمیمیت وانیس بودن، ترجیح میدهد که دست دهد و دست خود را در دست دوستش اندازد. پیشتر دانستیم که نزدیکی بر ذات او محال است؛ از اینرو می بایست که مراد از آن، نزدیکی به فرمانبری و خشنودی خداوند باشد و زمانی که امام علیه السلام دست را ذکر می کند، به دنبال آن، دست دادن را می آورد تا حق فصاحت را ادا کند و به بالاترین درجه بلاغت رسد.

ص: 327

باب چهل و یکم : حطیم و فضیلت آن و دیگر مکان های برگزیده شده از مسجد

آیات:

-

أَ جَعَلْتُمْ سِقایَةَ الْحاجِّ وَ عِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ جاهَدَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ لا یَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّه (1)

{آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند کار کسی پنداشته اید که به خدا و روز واپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد کند؟ نه این دو نزد خدا یکسان نیستند. }

- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِکُونَ نَجَسٌ فَلا یَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرامَ بَعْدَ عامِهِمْ هذا(2)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، حقیقت این است که مشرکان ناپاکند، پس نباید از سال آینده به مسجد الحرام نزدیک شوند. }

-

وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ الَّذِی جَعَلْناهُ لِلنَّاسِ سَواءً الْعاکِفُ فِیهِ وَ الْبادِ(3)

{و مسجد الحرام که آن را برای مردم اعم از مقیم در آنجا و بادیه نشین یکسان قرار داده ایم. }

1- . توبه / 19
2- . توبه / 28
3- . حج / 25

روایات:

1. امالی الطوسی: ثمالی نقل کرده است که امام زین العابدین علیه السلام خطاب به ما فرمود: آیا می دانید کدام نقطه از زمین برتر است؟ گفتیم: خدا، رسول و فرزند او آگاه ترند. امام فرمود: برترین نقطه آن است که میان رکن و مقام واقع شده است. اگر کسی به اندازه عمر نوح در میان قومش، یعنی نهصد و پنجاه سال عمر کند و تمام این مدت روزها روزه بگیرد و شب ها را در آن محل به نماز و قیام بگذراند، سپس بدون ولایت ما خدا را ملاقات کند، هیچ سودی به حال وی نخواهد داشت.(1)

2. علل الشرائع: معاویه بن عمار نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره حطیم سؤال کردم. ایشان فرمود: میان حجر الاسود و در کعبه واقع شده. سؤال کردم که چرا آن را حطیم نام نهاده اند؟ فرمود: زیرا مردم در آنجا یکدیگر را فشار می دهند.(2)

3. ثواب الأعمال: میسر نقل کرده است که نزد امام باقر علیه السلام بودم. ایشان فرمود: آیا می دانید کدام نقطه از زمین نزد خدا با فضیلت تر است؟ پس فرمود: آن مکّه است که خداوند آنجا را حرم خود و خانه اش را در آنجا قرار داد. سپس فرمود: آیا می دانید کدام نقطه از مکه محترم تر است؟ و فرمود: آن مسجد الحرام است. سپس پرسید: آیا می دانید کدام نقطه در مسجدالحرام نزد خدا محترم تر است؟ ایشان فرمود: و آن بین رکن اسود و مقام ابراهیم و در کعبه، حطیم اسماعیل است که در آن گوسفندانش را نگه داری میکرد و در آن نماز می خواند. به خدا سوگند اگر کسی در آن مکان پایش را بکشد، شب ها را تا صبح نماز خوانده و روزها را تا شب روزه بگیردولی حق و احترام ما اهل بیت را نداند، خداوند هیچگاه عملی از او را نمی پذیرد

1- . امالی الطوسی 1:131
2- . علل الشرائع: 400

مؤلف: احکام کامل این باب را همراه با دیگر اخبار در باب شرط پذیرش اعمال با ولایت آوردیم.

4. فقه الرضا علیه السلام: در حجر بسیار نماز بخوان و به زیر ناودان برو و نزد آن بسیار دعا کن. در حجر در فاصله دو ذراع از کعبه نماز بخوان که آنجا جایگاه شبر و شبیر فرزندان هارون علیه السلام است. و اگر توانستی که تمامی نمازهای خود را در حطیم بخوانی این کار را انجام ده، زیرا که آن برترین نقطه بر روی زمین است و حطیم میان در کعبه و حجر الاسود است و همان مکانی است که در آن، خداوند توبه آدم را پذیرفت. پس از آن، خواندن نماز در حجر و پس از آن در رکن عراقی و خانه خدا برتر است، که همان مکانی است که مقام ابراهیم از زمان ابراهیم تا زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن قرار داشته و پس از آن، نماز خواندن در پشت مقام در جایی که اکنون هست، و هر چه نزدیک به خانه خدا باشد، بهتر است.(1)

5. السرائر: حلبی نقل کرده است که زمانی که از امام درباره حجر پرسید. امام فرمود: شما آن را حطیم می نامید. آنجا مکان گوسفندان اسماعیل بوده و مادرش در آن جا دفن گردید و دوست نداشت که بر آن پا نهند. سپس به گرد آن حصاری کشید و قبر پیامبران نیز در آنجاست.(2)

6. السرائر: داود الحضرمی نقل کرده است: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که کجای مکه برای نماز خواندن برای مکه برتر است؟ فرمود: نزد مقام اول ابراهیم، چرا که آن مقام ابراهیم و اسماعیل و محمد صلی الله علیه و آله است.(3)

7. به خط شیخ محمد بن علی جبعی به نقل از خط شهید یافتم که ایشان نقل کرده اند که امام صادق علیه السلام فرمود: اگر برایت فراهم شد که همه نمازهای واجب و غیر واجبت را در حطیم بخوانی، بخوان، چرا که برترین نقطه روی زمین بوده

1- . فقه الرضا علیه السلام: 28
2- . السرائر: 480
3- . السرائر: 485

و میان در کعبه و حجر الاسود واقع شده و همان مکانی است که در آن خداوند، توبه آدم را پذیرفت. پس از آن، نماز خواندن در حجر برتر است و پس از حجر، میان رکن عراقی و در کعبه برتر می باشد و همان مکانی است که مقام در آن بوده است. پس از آن، پشت مقام، همان جایی که اکنون است، اما هرچه به کعبه نزدیک تر باشد بهتر است. هر کس تنها یک نماز در مسجد الحرام بخواند، خداوند تمامی نمازهایی را که پیشتر ادا کرده و در آینده تا زمانی که بمیرد میخواند، خواهد پذیرفت. خواندن یک رکعت نماز در آن برابر با صد هزار نماز است و همین که مردم در منی جای گرفتند، ندا دهنده ای از جانب خدای عز و جل ندا می دهد: اگر خواهان رضایت من هستید، همانا من راضی شدم.

8. الهدایه: سپس به نزد مقام ابراهیم رو و دو رکعت نماز بخوان و روبروی آن بایست و در رکعت اول سوره «قل هو الله احد» و در رکعت دوم سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخوان. سپس تشهد را بخوان و خداوند را حمد و ستایش گوی و بر محمد و خاندان وی درود بفرست و از او بخواه که از تو بپذیرد، آن دو رکعت همان نماز واجبند و مکروه نیست که در هر ساعاتی از روز که خواستی، در زمان طلوع خورشید و غروب، آن را بخوانی. همانا وقت آن زمان فراغت یافتن از طواف است، البته زمانی که هنگام خواندن نماز واجب نباشد، اما اگر زمان خواندن زمان واجب باشد، از آن آغاز کن و سپس دو رکعت نماز طواف بخوان.(1)

باب چهل و دوم : علت مقام و محل آن

روایات:

1- . الهدایه: 58

1. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند به ابراهیم وحی کرد که در میان مردم برای ادای حج بانگ برآور. ابراهیم سنگی را که اثر گامهایش در آن است - مقام را - فراروی کعبه و چسبیده به آن در همین جایی که اکنون در آن قرار دارد، گذاشت. سپس بر آن ایستاد و با رساترین صدای خویش، آنچه را که خداوند به وی فرمان داده بود اعلام کرد. زمانی که آن سخن را گفت، سنگ نتوانست تحمل کند و دو پای ابراهیم در آن فرو رفت. سپس ابراهیم پاهایش را از سنگ بیرون آورد. زمانی که تعداد مردم زیاد شد و به شر و بلا گراییدند، به دور آن ازدحام کردند و تصمیم گرفتند که آن را در همان مکانی قرار دهند که امروز در آن قرار دارد تا مطاف برای طواف کنندگان خالی گردد. زمانی که خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد، ایشان آن را به همان مکانی که ابراهیم سنگ را در آن قرار داده بود بازگرداند. همواره در آن بود تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت و در زمان ابوبکر و اوایل حکومت عمر در همان جا قرار داشت. سپس عمر گفت: مردم پیرامون این مقام در فشار و ازدحام هستند، کدام یک از شما جایگاه آن را در جاهلیت می دانید؟ مردی گفت: من آن را اندازه گرفته ام.گفت: آیا اندازه آن پیش توست؟ گفت: آری. گفت: پس آن را بیاور. سپس فرمان داد که مقام را به آنجا برند. پس برداشتند و و به همان مکانی بازگردانند که اکنون در آن است.(1)

2. قصص الانبیاء: روایت شده است که کوه ابوقبیس گفت: ای آدم ! همانا نزد من برای تو امانتی است، سپس حجر و مقام را به او داد که آن دو در آن روز دو یاقوت قرمز بودند.

ص: 332

1- . علل الشرائع: 423

3. تفسیر العیاشی: ابن سنان نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداند متعال که فرمود: «فِیهِ آیاتٌ بَیِّنات»(1) {در آن نشانه های روشنی است.} سؤال کردم. ایشان فرمود: منظور مقام ابراهیم است، زمانی که بر آن ایستاد، گامهایش در سنگ اثر گذاشت، و همچنین حجر و منزل اسماعیل می باشد.(2)

1- . آل عمران / 97
2- . تفسیر العیاشی 1: 187

باب چهل وسوم : علتهای سعی و احکام آن

آیات:

- إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَإِنَّ اللَّهَ شاكِرٌ عَلِيم (1)

{در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست که یادآور اوست، پس هر که خانه خدا را حج کند یا عمره گزارد بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد و هر که افزون بر فریضه کار نیکی کند پس همانا خداوند حق شناس و داناست. }

- يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تُحِلُّوا شَعائِرَ اللَّه (2)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، حرمت شعائر خدا را نگاه دارید. }

مؤلف: بعضی از اخبار در باب نماز طواف گذشت.

روایات:

1. الخصال: در آنچه که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام وصیت کرده آمده است: هروله کردن میان صفا و مروه بر عهده زنان نیست.(3)

مؤلف: مانند آن را در باب آشکار کردن صدا جهت لبیک گفتن، از امام باقر علیه السلام آوردیم.

ص: 334

1- . بقره / 158
2- . مائده / 2
3- . الخصال 2: 287

2. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: صفا را بدین خاطر صفا نامیده اند که چون آدم که برگزیده خدا بود بر آن فرود آمد، بر این کوه نامی از اسماء آدم گذارده شد خداوند فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحا» {همانا خدا آدم و نوح را برگزید.} و حوا بر کوه مروه فرود آمد و مروه را از این رو مروه نامیدند، که زنی بر آن فرود آمد. پس برای این کوه، یکی از نامهای زن گذارده شد.(1)

3. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود:چون ابراهیم علیه السلام اسماعیل را در مکه جا گذاشت، کودک تشنه شد. میان صفا و مروه درختی بود. مادرش خارج شد تا آن که بر صفا ایستاد و گفت: آیا در این دشت انیسی هست؟ کسی پاسخش نداد. رفت تا به مروه رسید و گفت: آیا در این وادی همدمی هست؟ پاسخی نشنید. به صفا بازگشت و همان را گفت و این کار را هفت بار انجام داد. از این رو خداوند آن را سنت قرار داد. جبرئیل نزد هاجر آمد و پرسید: کیستی؟ گفت: مادر فرزند ابراهیم. گفت: به چه کسی شما را سپرده است؟ گفت: حال که چنین می گویی، هنگامی که خواست برود به او گفتم: ای ابراهیم ! ما را به که می سپاری؟ گفت: به خدای متعال. جبرئیل گفت: شما را به کسی سپرده است که شما را بس است. مردم از مکه عبور نمی کردند و از آن دوری می گزیدند، چون در آن آب نبود. کودک با پای خود به زمین زد و زمزم جوشید. هاجر از مروه به سوی کودک بازگشت، در حالی که آب جوشیده بود. هاجر شروع کرد به جمع کردن خاک در اطراف آب، از ترس این که مبادا آب جاری شود و اگر آن را واگذاشته بود، آب جاری می شد. فرمود: چون پرندگان آب را دیدند بر گرد آن جمع شدند. کاروانی از یمن از آنجا گذشت. چون کاروانیان پرندگان را دیدند، گفتند: پرندگان جز پیرامون آب جمع نشده اند. نزد آنان آمدند و به آنان آب دادند و کاروانیان به آنها غذا دادند. خداوند به

-1 . علل الشرائع: 431

این وسیله روزی ایشان را جاری ساخت.پس کاروانها از مکه عبور می کردند و از طعام به آنان می دادند و از آب سیراب می شدند.(1)

4. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: سعی میان صفا و مروه بدین جهت واجب شد که ابلیس بر ابراهیم ظاهر شد و جبرئیل به ابراهیم فرمان داد که به ابلیس حمله کند و شیطان نیز از وی گریخت. از این رو سنت هروله جاری شد.(2)

5. علل الشرائع: حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: به چه علت سعی میان صفا و مروه واجب شده است؟ ایشان فرمود: زیرا شیطان در وادی برای ابراهیم ظاهر شد، پس سعی کرد و آن منازل شیاطین است.(3)

6. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: نزد خداوند تبارک و تعالی هیچ پرستشگاهی محبوب تر از محل سعی نیست؛ زیرا هر ستمکار و کینه توزی در آن خوار می گردد.(4)

7. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: نزد خداوند هیچ مکانی محبوب تر از محل سعی نیست، زیرا هر ستمکاری در آن خوار و ذلیل می شود.(5)

8. علل الشرائع: علی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که سعی خود را قبل از صفا، از مروه آغاز کرده است. ایشان فرمود: باید بار دیگر تکرار کند. آیا نمی بینی که اگر وی زمان گرفتن وضو در ابتدا از سمت چپ خود آغاز کند؛ نظرم این است که باید بار دیگر وضو بگیرد.(6)

1- . علل الشرائع: 432
2- . علل الشرائع: 432
3- . علل الشرائع: 433
4- . علل الشرائع: 433
5- . علل الشرائع: 433
6- . علل الشرائع: 581

9. تفسیر علی بن ابراهیم: «ان الصفا و المروه من شعائر الله فمن حج البیت اواعتمر فلا جناح علیه ان یطوف بهما»،(1) {در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست (که یادآور اوست) پس هر که خانه خدا را حج کند یا عمره گزارد، بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد. } همانا قریش بتهای خویش را میان صفا و مروه قرار داده بودند و زمان سعی بر آن ها دست می کشیدند. زمانی که کار رسول خدا صلی الله علیه و آله به غزوه حدیبیه کشید و مانع ورود ایشان به مکه شدند و برای پیامبر شرط کردند که در سال بعد مسجد الحرام را جهت ورود ایشان خالی کنند تا عمره خود را سه روزه انجام دهند، و سپس از آن بیرون آیند، زمانی که زمان انجام حج عمره در سال هفتم هجرت فرا رسید، ایشان به مکه رفت و فرمود: بتهای خود را از میان صفا و مروه بردارید تا سعی کنم. پس آن بتها را برداشتند و ایشان میان صفا تا مروه را سعی کرد و بتها برداشته شده بود و مردی از مسلمانان باقی ماند که سعی نکرده بود. زمانی که رسول خدا سعی خود را به پایان رسانید، قریش بتها را به میان صفا و مروه بازگرداند و فردی که سعی نکرده بود نزد رسول خدا آمدو گفت: بار دیگر قریش بتها را به میان صفا و مروه باز گرداند و من سعی نکردم. سپس خداوند آیه «إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما» {در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست (که یادآور اوست) پس هر که خانه خدا را حج کند یا عمره گزارد بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد. } را نازل کرد و بتها در آن دو مکان بود. (2)

10. المحاسن: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا خطاب به مردی از انصار فرمود: زمانی که میان صفا و مروه سعی کنی، برای تو نزد خداوند پاداش کسی

1- . بقره / 158
2- . تفسیر علی بن ابراهیم القمی: 54

است که با پای پیاده به سفر حج رفته و همچون اجر کسی است که هفتاد برده مؤمن را آزاد کرده است.(1)

11. فقه الرضا علیه السلام: سپس به سوی صفا که میان دو استوانه زیر چراغدان ها قرار دارد می روی، چرا که آن همان راه پیامبر به سوی کوه صفا بود. پس از صفا آغاز کن و در آن بایست، به گونه ای که روبه کعبه باشی، سپس هفت تکبیر گوی و خداوند را حمد و سپاس کن و بر محمد و خاندان وی درود فرست و برای خود و والدینت و مؤمنان دعا کن. سپس پای پیاده به سوی مروه برو، زمانی که به حد سعی رسیدی - دو نشان سبز -، هروله کن سعی کن و تا جایی که در توان داشتی بگو: خدایا! مرا ببخش و بر من رحم کن و از آنچه که می دانی درگذر، زیرا که تنها تویی که عزیزترین و گرامی ترینی. زمانی که حد سعی را گذراندی، هروله کردن را ترک کن و با آرامش، طمانینه و وقار گام بردار و برای خدا بسیار تسبیح، تکبیر، لا اله الا الله، تمجید و حمد و ثنا گوی و بر رسول خدا درود فرست تا این که به مروه برسی، پس از آن بالا رو و همان ذکری را که در صفا گفتی بر زبان آور، در حالی که روبروی کعبه باشی. سپس از آن پایین بیا تا این که به صفا رسی و این کار را هفت بار انجام ده؛ ایستادن تو بر صفا چهار بار و بر مروه چهار بار باشد و سعی میان این دو هفت بار؛ از صفا آغاز می کنی و به مروه ختم می کنی. سپس موی سرت را از اطراف و همچنین ابروها و ریشت را کوتاه کن و از هر چه که به خاطر آن احرام بسته بودی بیرون آمده ای.(2)

12. اگر فراموش کردی و بین صفا و مروه چهارده دور سعی کردی، بر تو گناهی نیست و اگر شش دور سعی کردی و تقصیر کردی، سپس بعد از آن به یاد آوردی که تو شش بار سعی کرده ای، بر توست که یک دور دیگر سعی کنی. اگر با همسرت همبستر شدی و تقصیر کردی، بر توست که یک دور دیگر سعی کنی و یک

1- . المحاسن: 65
2- . فقه الرضا علیه السلام: 27

گاو را قربانی کنی. اگر هشت بار سعی کردی، بر توست که سعیات تکرار کنی و اگر نه بار سعی کردی، چیزی بر عهده تو نیست و دلیلی فقهی آن نیز این امر است که اگر هشت بار سعی کردی و از مروه آغاز کرده و بدان ختم نمودی، این امر خلاف سنت است و اگر نه بار سعی کردی، از صفا آغاز و به مروه ختم کردهای.(1)

13. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند «إِن الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما»(2)

{در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست که یادآور اوست پس هر که خانه خدا را حج کند یا عمره گزارد بر او گناهی نیستکه میان آن دو سعی به جای آورد. } بدین معناست که بر وی ایرادی نیست که میان آن دو سعی انجام دهد.(3)

14. تفسیر العیاشی: عاصم بن حمید نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره نزول این گفته خداوند که فرمود: «إِن الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما»(4) {همانا صفا و مروه از شعایر خداست و بر کسی که میان آن دو سعی انجام دهد گناهی نیست} پرسیدم و به امام گفتم: این آیه خاص است یا عام؟ امام فرمود: این آیه به منزله این سخن خداوند است که فرمود: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنا مِنْ عِبادِنا»(5) {سپس

این کتاب را به آن بندگان خود که آنان را برگزیده بودیم به میراث دادیم. } پس هر یک از مردم که در میان آنان وارد شود، به منزله آنان است. خداوند می فرماید: «وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً»(6) {و

کسانی که از خدا و پیامبرش اطاعت کنند در زمره کسانی خواهند

1- . فقه الرضا علیه السلام: 28
2- . بقره / 158

3- . تفسير العياشى 1: 69
4- . بقره / 158
5- . فاطر / 32
6- . نساء / 69

بود که خدا ایشان را گرامی داشته، یعنی با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند }.(1)

15.تفسیر العیاشی: از برخی از اصحاب روایت شده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که آیا سعی میان صفا و مروه یک سنت است یا امری واجب؟ فرمود: واجب است. گفتم: آیا خداوند نفرمود: «فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما» {بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد. }؟ ایشان فرمود: این در عمره القضا بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشرکان شرط کرد که بتها را از صفا و مروه بردارند، پس مردی از اصحاب پیامبر،سرش به کاری گرم شد تا این که بتها بازگردانده شدند. به نزد رسول خدا آمدند و از ایشان در این باره سؤال کردند و به ایشان گفته شد: فلان کس طواف نکرده و اکنون بتها را بدان جا آورده اند. سپس خداوند عزوجل این آیه را نازل کرد: «إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما» {در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست که یادآور اوست. پس هر که خانه خدا را حج کند یا عمره گزارد، بر او گناهی نیستکه میان آن دو سعی به جای آورد. } یعنی زمانی که بتها در صفا و مروه بودند.(2)

16. تفسیر العیاشی: حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا سعی میان صفا و مروه واجب شده است؟ فرمود: ابلیس در نظر ابراهیم در وادی ظاهر شد و ابراهیم به دلیل این که صحبت کردن با وی را ناپسند دانست، سعی کرد و آنجا منزل شیاطین بود.(3)

17. گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا بر صفا و مروه بت ها قرار داشتند. زمانی که مردم حج گزاردند نمی دانستند که باید چه کنند؟ سپس خداوند این

1- . تفسیر العیاشی 1: 70 نساء / 69
2- . تفسیر العیاشی 1: 70
3- . تفسیر العیاشی 1: 70

آیه را نازل کرد، مردم سعی می کردند در حالی که بت ها بر جای خویش بودند. زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله حج گزارد، آن ها را دور انداخت.(1)

18. الهدایه: از کوه صفا بالا برو و بر بلندای آن بایست تا این که خانه خدا را ببینی و رو به گوشه ای کن که حجرالأسود در آن است و حمد و ثنای خدا گوی و تا آنجایی که در خاطر داری و می توانی، نعمت ها و آزمایشها و نیکی های خدا را که در حق تو کرده، یاد آور و سه بار می گویی: تنها معبود خداست، هیچ شریکی برای وی نیست، سلطنت و ستایش برای اوست، می میراند و زنده می کند و بر هر چیزی قادر و تواناست. سپس از صفا پایین بیا و در حالی که پشت خود را آشکار کرده ای بگو: ای خداوند بخشش، ای کسی به عفو فرمان داد، ای کسی که نسبت به عفو و بخشش شایسته تری، ای کسی که عفو و بخشش را دوست می دارد، ای کسی که بر عفو پاداش می دهد، مرا ببخش ببخش ببخش. ای بخشنده، ای کریم، ای نزدیک ای دور، بر من نعمتهایت را بازگردان و مرا جهت فرمانبری و خشنودی خویش به کار گیر. سپس پیاده پایین بیا، در حالی که با آرامش و وقار باشی تا این که به مناره که همان کناره محل سعی است بیایی، سپس تا آنجایی که می توانی سعی کن و بگو: به نام خدا و به خدا و خداوند بزرگتر است. و بر محمد و خاندان وی درود فرست و بگو: خدایا! ببخش و رحم کن و از آنچه که می دانی درگذر و تو گرامی ترین و عزیزترینی. تا آن که به محل زقاق العطارین یا همان کوچه عطارها رسی و زمانی که از محل سعی گذشتی بگو: ای صاحب منت و کرم و فضل و بخشش ونعمت، بر محمد و خاندان وی درود بفرست و گناهانم را بر من ببخش، چرا که گناهان را تنها تو می بخشی. سپس با آرامش و وقار راه برو تا به مروه رسی و از آن بالا می روی تا کعبه برای تو آشکار شود و بر آن، همان کاری را انجام ده که در صفا انجام دادی. سپس از آنجا به سوی صفا پایین بیا، زمانی که نزدیک زقاق العطارین رسیدی،تا

1- . تفسیر العیاشی 1: 71

آنجایی که می توانی سعی کن تا به مناره اول که نزدیک صفاست برسی و میان آن دو هفت بار سعی کن و ایستادن تو بر صفا چهار بار و بر مروه چهار بار می باشد و سعی میان این دو هفت بار است که از صفا شروع می کنی و به مروه ختم می کنی.(1)

19. دعائم الاسلام: امام باقر علیه السلام درباره این گفته خداوند فرمود: «إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما» {در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست که یادآور اوست. پس هر که خانه خدا را حج کند یا عمره گزارد، بر او گناهی نیستکه میان آن دو سعی به جای آورد. } فرمود: سعی میان این دو واجب است و این گفته خداوند عز و جل بیان این امر است؛ و اگر در ترک سعی میان آن دو گناهی بود و یا این که ترک سعی مجاز بود می فرمود: گناهی بر وی نیست که میان آن دو سعی به جا نیاورد، اما زمانی که فرمود: گناهی بر وی نیست که میان آن دو سعی به جا آورد، می دانست که آنان سعی میان آن دو را گناه می دانستند و اینچنین بود. انصار برای بت منات، هلهله و شادمانی می کردند و بت منات در مقابل منطقه قدید بود، و از سعی میان صفا و مروه دچار حرج و زحمت بودند. زمانی که اسلام آمد، از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره سؤال کردند و خداوند این آیه را نازل کرد: {در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست که یادآور اوست. پس هر که خانه خدا را حج کند یا عمره گزارد، بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد. } (2)

20. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان سعی میان صفا و مروه را ذکر کرد و فرمود: از در صفا بیرون می روی و بر کوه صفا بالا می روی و از آن پایین می آیی و بر کوه مروه بالا می روی. سپس همین طور به صفا هفت بار باز

1- . الهدایه : 59

2- . دعائم الاسلام 1: 315

می گردی و از صفا آغاز و به مروه ختم می کنی و هر زمان که از صفا و مروه بالا رفتی، تا آنجا که می توانی دعا می کنی و هر گاه میان آن دو راه رفتی، دعا می کنی.(1)

21. از اهل بیت علیهم السلام در این باره برای ما دعاهای بسیاری را روایت کرده اند و دعاهای آنان در این باره کم نیست. هیچ کدام آن فرض و واجب نیست.

22. فرمود: و به هنگام سعی کردن بین صفا و مروه، هر گاه از بطن الوادی [بین دو ستون سبز رنگ] عبور کرد، شروع به دویدن کند و بر زنان دویدن نیست.(2)

ص: 343

1- . دعائم الاسلام: 1: 316

2- . دعائم الاسلام 1: 316

باب چهل و چهارم : فضیلت مسجدالحرام و احکام آن و فضیلت نماز در آن و بینالحرمین

آیات:

- وَ ما کانَ صَلاتُهُمْ عِنْدَ الْبَیْتِ إِلَّا مُکاءً وَ تَصْدِیَةً فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ (1)

{و نمازشان در خانه خدا جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به سزای آنکه کفر می ورزیدید، این عذاب را بچشید. }

روایات:

1. قرب الإسناد: اسماعیل بن عبدالخالق گوید: از امام صادق علیه السلام درباره خوابیدن در مسجد الحرام سؤال کردم؟ فرمود: آیا مردم چاره دیگری غیر از خوابیدن در مسجد الحرام دارند؟ و فرمود: ایرادی ندارد. به امام گفتم: باد از انسان خارج می شود. فرمود: ایرادی ندارد.(2)

2. الخصال: امام علی علیه السلام فرمود: بار سفر بسته نمی شود مگر برای سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد رسول خدا و مسجد کوفه.(3)

ص: 344

1- . انفال / 35
2- . قرب الاسناد: 60
3- . الخصال 1: 94

3. الخصال: امیر المؤمنین در حدیث اربعمائه فرمود: خواندن یک نماز در حرمین برابر با خواندن هزار نماز است.(1)

مؤلف: در باب طواف وداع از امام رضا علیه السلام خواهد آمد که خواندن یک نماز در مسجد الحرام برتر از خواندن نماز در غیر آن به میزان شصت سال و ماه است.

4. امالی الطوسی: امام رضا علیه السلام از پدران خود از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرمود: چهار مکان از زمره قصرهای بهشتی در دنیا برشمرده می شوند: مسجد الحرام، مسجد الرسول، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه.(2)

5. ثواب الأعمال: امام رضا از پدران خویش از امام باقر علیهم السلام نقل کرده است که فرمود: خواندن یک نماز در مسجدالحرام، برتر از خواندن صدهزار نماز در دیگر مساجد است.(3)

6. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام از پدران خویش و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود: خواندن یک نماز در مسجد من نزد خداوند برابر با ده هزار نماز در دیگر مساجد است، جز مسجد الحرام که خواندن نماز در آن برابر با صد هزار نماز است.

7. ثواب الأعمال: وشاء نقل کرده است که از امام رضا علیه السلام سؤال کردم: آیا فضیلت خواندن نماز در مسجد الحرام و مسجد النبی یکسان است؟ فرمود: آری خواندن نماز در آن دو، برابر با هزار نماز است.

8. کامل الزیارات: مرازم نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره فضیلت خواندن نماز در مسجد الرسول سؤال کردم. ایشان فرمود: رسول خدا فرمود:خواندن یک نماز در مسجد من برابر با خواندن هزار نماز در غیر آن است و

1- . الخصال 2: 421
2- . امالی الطوسی 1: 379
3- . ثواب الأعمال: 28

خواندن یک نماز در مسجد الحرام برابر با خواندن هزار نماز در مسجد من است.سپس فرمود: همانا خداوند مکه را فضیلت داده و قسمتی از آن را به قسمت دیگر. خداوند تبارک و تعالی فرمود: «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِیمَ مُصَلًّى» {از مقام ابراهیم برای خود نمازگاهی اختیار کنید.} و فرمود: همانا خداوند برخی از اقوام را برتری داده و در کتاب خود به پیروی از امر آنان و دوست داشتنشان فرمان داده است.(1)

9. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام خطاب به ابن ابی یعفور فرمود: در مسجد رسول خدا بسیار نماز بخوان، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خواندن نماز در مسجد من همچون خواندن هزار نماز در مسجد دیگر است به جز مسجد الحرام. همانا خواندن نماز در مسجد الحرام برابر با هزار نماز در مسجد من است.(2)

10. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: مکه حرم خدا و رسول وی و علی علیهما السلام است، خواندن نماز در آن برابر با صدهزار نماز و یک درهم در آن برابر با صدهزار درهم است. مدینه حرم خدا و رسول او و حرم علی امیر مؤمنان علیه السلام است،خواندن نماز در مسجد مدینه برابر با ده هزار نماز و یک درهم آن برابر با ده هزار درهم است. کوفه حرم خدا و رسول وی و حرم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است که خواندن نماز در مسجد آن برابر با هزار نماز است.(3)

1- . کامل الزیارات: 21
2- . کامل الزیارات: 21
3- . کامل الزیارات: 29

باب چهل و پنجم : فضیلت زمزم، علل، نامها و احکام آن و فضیلت آب ناودان

روایات:

1. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله جهت حجه الوداع به راه افتاد. زمانی که وارد مکه شد، به گرد کعبه طواف کرد و دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم به جا آورد و بر حجر الاسود دست کشید و سپس نزد چشمه زمزم آمد و از آب آن نوشید و فرمود: اگر بر امتم سخت نمی شد، از آب آن یک یا دو دلو می کشیدم.(1)

مؤلف: احکام کامل آن در باب انواع حج است.

2. امام صادق علیه السلام فرمود: زمزم سپیدتر از شیر و گواراتر از شهد بود و بر زمین روان بود، سپس بر آب ها تعدی کرد و خداوند آن را خشک نمود و در زمین فرو برد و به سوی آن چشمه ای از صبر جاری ساخت.(2)

3. المحاسن: ابن فضال نیز همین حدیث را نقل کرده است.(3)

4. علل الشرائع: در حضور امام صادق علیه السلام سخن از آب زمزم به میان آمد. ایشان فرمود: از زیر حجر چشمه ای به سوی زمزم جاری است. هرگاه آب چشمه غالب گردد، آب زمزم شیرین می شود.(4)

1- . علل الشرائع: 412
2- . علل الشرائع: 412
3- . المحاسن: 573
4- . علل الشرائع: 415

5. المحاسن: ابن فضال نیز همین حدیث را روایت کرده است.(1)

6. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به نزد گروهی آمد، در حالی که آنان با دلو از زمزم آب می کشیدند. فرمود: کاری که شما انجام می دهید، عملی نیکو است، اگر ترس از این نبود که آن را به زور بگیرند، همراه با شما از آن آب می کشیدم. از آن دلوی کشیدند و رسول خدا آن را گرفت و از آب آن نوشید.(2)

7. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: نامهای زمزم عبارتند از: قدمگاه جبرئیل، چاه اسماعیل، چاه عبدالمطلب، زمزم، بره، مضنونه، رواء، شبعه، طعام مطعم و شفاء سقم.(3)

8. الخصال: امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمائه فرمود: نگاه کردن از بالا به چاه زمزم بیماری را از بین می برد. از آن قسمت آب که در نزدیکی رکنی است که حجر الاسود در آن واقع شده بنوشید، چرا که در زیر سنگ چهار نهر بهشتی وجود دارد: فرات، نیل، سیحان و جیحان که دو رود می باشند.(4)

9. امام علی علیه السلام فرمود: زمزم را از این رو سقایه نامیده اند، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان داد که از طائف کشمش آورند تا در حوض زمزم انداخته شود، چرا که آب آن تلخ بود و ایشان خواست که تلخی آن را از بین برد، بنابراین زمانی که کهنه شد از آن ننوشید.(5)

10. الخصال: در آنچه که رسول خدا صلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام سفارش کرد: ای علی! همانا عبدالمطلب در زمان جاهلیت پنج سنت را وضع

1- . المحاسن: 573
2- . علل الشرائع: 599
3- . الخصال 2: 221
4- . الخصال 2: 18
5- . الخصال 2: 423

کرد که خداوند برای او در اسلام به اجرا گذاشت: زنان پدران را بر پسران حرام کرد و خداوند آیه «وَ لا تَنْکِحُوا ما نَکَحَ آباؤُکُمْ مِنَ النِّساء»(1) {با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده اند نکاح مکنید. }را نازل کرد. و گنجی یافت و خمس آن را جدا کرده و آن را صدقه داد و خداوند آیه «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَه»(2)

{بدانید که هر چیزی را که به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خداست. } را نازل کرد. زمانی که زمزم را حفر نمود آن را سقایه الحاج نام نهاد و خداوند آیه «أَ جَعَلْتُمْ سِقایَةَ الْحاجِّ وَ عِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ»(3)

{آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند کار کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده } را نازل کرد و برای قتل، کفاره دادن صد شتر را به اجرا گذاشت و خداوند عز و جل آن را در اسلام اجرا ساخت و طواف نیز نزد قریش عدد و اندازه ای نداشت و عبدالمطلب در میان آنان هفت دور طواف را جاری ساخت و خداوند آن را در اسلام به اجرا گذاشت.(4)

حسن بن فضال از پدرش از امام رضا علیه السلام مانند آن را نقل کرده و کامل آن در احوالات عبد المطلب میباشد

11. المحاسن:

امام باقر علیه السلام از پدر خویش نقل کرده است که امام علی علیه السلام فرمود: آب زمزم بهترین آب بر روی زمین است و بدترین آب بر روی زمین آب برهوت است که در حضرموت واقع شده که تشنگان کفار هنگام شب بدانجا روند.(5)

1- . نساء / 22
2- . انفال / 41
3- . توبه / 19
4- . الخصال 1: 221
5- . المحاسن: 573

12. المحاسن: امام باقر علیه السلام از جانب پدر خود نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آب زمزم برای هر بیماری نوشیده شود، برای آن شفاست.(1)

13. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: آب زمزم شفای هر دردی است. راوی گوید: و گمان می کنم که فرمود: از هر نوع بیماری که باشد. (2)

14. المحاسن: امام صادق علیه السلام از پدر خویش نقل کرده است که رسول خدا زمانی که در مدینه بود، درخواست می کرد که از آب زمزم برایش سوغات آورند.(3)

15. المحاسن: امام صادق علیه السلام می فرمود: زمانی که از آب زمزم نوشیدی بگو: خدایا آن را بر من دانشی سودمند و روزی وسیع و شفا از هر بیماری و درد قرار ده. امام رضا علیه السلام زمانی که از آب زمزم نوشید فرمود: به نام خدا و ستایش و شکر برای خداست.(4)

16. المحاسن: ابن جبله نقل کرده است که مردی از برادران ما در مکه از درد و ناراحتی شکایت داشت تا این که در بستر مرگ افتاد. در راه به امام صادق علیه السلام برخوردم و فرمود: ای صارم، فلانی چه کرد؟ گفتم: وی را به همان حال مرگ رها کردم. فرمود: اما اگر من جای تو بودم، از آب ناودان به او می نوشاندم. صارم گفت: از هر کس درخواست کردیم، اما نیافتیم. در این حال بودیم که ابری بالا رفت و رعد و برق زد و باران بارید. من نیز نزد یکی از کسانی که در مسجد بود رفتم و به

1- . المحاسن: 573
2- . المحاسن: 573
3- . المحاسن: 574
4- . المحاسن: 574

وی درهمی دادم و جامی گرفتم، سپس از آب ناودان برداشتم وآب را آوردم و به آن فرد خوراندم. از نزد وی نرفتم تا این که آب را نوشید و بهبود یافت.(1)

17. فقه الرضا علیه السلام: امام صادق علیه السلام از رسول خدا نقل کرده اند که فرمود: آب زمزم برای هر بیماری که نوشیده شود، مایه شفاست.(2)

18. و در حدیثی دیگر روایت شده است که فرمود: آب زمزم برای هر کس که آن را به کار برد، شفا بخش است.(3)

19. روایت کرده اند که آب زمزم سبب شفای هر درد و بیماری و امان از هر نوع حزن و ترس است.(4)

20. طب الائمه: اسماعیل بن جابر نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: آب زمزم سبب شفا از هر بیماری است و گمان می کنم که فرمود: از هر نوع بیماری که باشد، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آب زمزم برای هر بیماری که نوشیده شود، تاثیر گذار است.(5)

21. الهدایه: اگر توانستی از آب زمزم بنوشی، قبل از این که به طرف صفا خارج شوی این کار را انجام ده، و زمانی که می نوشی می گویی: خدایا آن را بر من دانشی سودمند و روزی وسیع و سبب شفا از هر بیماری و درد قرار ده.(6)

1- . المحاسن: 574
2- . فقه الرضا علیه السلام: 46
3- . فقه الرضا علیه السلام: 46
4- . فقه الرضا علیه السلام: 46
5- . طب الائمه: 52
6- . الهدایه: 58

باب چهل و ششم : بستن احرام حج و رفتن به منی و از آنجا به عرفات

روایات:

1. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که روز ترویه فرا رسید غسل کن و جامه های احرامت را بر تن کن و با پای برهنه همراه با آرامش و وقار به مسجد الحرام وارد شو و در کنار مقام ابراهیم نماز ظهر و عصر خود را بخوان و پس از نماز عصر احرام خود را ببند و اگر خواستی، پس از ظهر جهت انجام حج افراد ببند و می گویی:پروردگارا من می خواهم که آنچه را از انجام حج به من فرمان داده ای، بر طبق قرآن تو و سیره پیامبرت ادا کنم، پس اگر مانعی از انجام حجم جلوگیری کرد، مرا هر جا که به تقدیرت از رفتن باز داشتی، از احرام در آور. و همان گونه که در عمره لبیک گفتی، اینجا نیز لبیک گو. سپس در حالی که آرامش و وقار بر تو باشد، به سمت منی برو و در راه خدا را بسیار ذکر کن. زمانی که به ابطح رسیدی، صدایت را جهت لبیک گفتن بالا ببر. زمانی که به منی رسیدی، شب را در آن بمان و بامداد در آن نماز بخوان و از آنجا به سمت عرفات برو و در راه بسیار لبیک گو. زمانی که ظهر شد - یا کمی مانده به ظهر - غسل کن و نماز ظهر و عصر را با یک اذان و اقامه بخوان.(1)

2. الهدایه: موهای سر و ریشت را از اطراف کوتاه کن و موهای سبیلت را برچین و ناخنهایت را کوتاه کن و قدری از آن را برای حج بگذار، سپس غسل کن. زمانی که این کار را انجام دهی، از هر چه که به خاطر آن احرام بسته ای، بیرون

1- . فقه الرضا علیه السلام: 28

آمده ای. سپس هر چه قدر که خواستی به گرد خانه طواف مستحب کن. زمانی که روز ترویه فرا رسید غسل کن و دو جامه احرامت را بر تن کن و پابرهنه به مسجد داخل شو، در حالی که بر تو آرامش و وقار باشد. سپس به گرد خانه هفت دور، هر قدر که خواستی طواف مستحب کن و بعد دو رکعت نماز جهت طواف خود در کنار مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل بخوان و بنشین تا ظهر شود. سپس نماز واجب خود را بخوان و سپس همان را بگو که زمان بستن احرام در عقیق گفتی. سپس خارج شو، در حالی که آرامش و وقار بر تو باشد، زمانی که به رقطاء قبل از ردم رسیدی، لبیک گو. زمانی که به ردم رسیدی و بر ابطح مشرف شدی، صدایت را به گفتن لبیک بالا بر تا این که به منی رسی و در حالی که روبه منی ایستاده ای می گویی: خدایا ! تنها به تو امید دارم و تو را می خوانم، پس من را به آرزویم رسان و عملم را بر من اصلاح کن. زمانی که به منی رسیدی بگو: خدایا این مناسک که از جمله مناسک و عباداتی است که به واسطه آن بر ما منت گذاشته ای. از تو می خواهم که با آنچه بر اولیای خود منت گذاشتی، بر من منت نهی، چرا که من فقط بنده تو ام و در اختیار تو هستم. سپس در آن، نماز عصر و مغرب و عشاء و صبح را بخوان.(1)

3. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: مردم در روز ترویه یا همان هشتم ذی حجه از مکه به سوی منی به راه می افتند و بهتر، پس از خواندن نماز ظهر است و می توانند سپیده دم یا بعداز ظهر تا شب به راه افتند و ایرادی ندارد که در شبِ روز ترویه به سوی منی به راه افتند. برای کسی که بتواند در حج پیاده راه برود، فضیلت است و اگر مرکبی بیاید، سوار شدن بر آن فضیلت است و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز سواره بدانجا رفت.(2)

1- . الهدایه: 60

2- . دعائم الاسلام 1: 319

4. امام صادق علیه السلام فرمود: بر امام شایسته است در روز ترویه - که روز هشتم ذی حجه می باشد-، نماز ظهر را در منی بخواند و مردم در شب عرفه در منی بخوابند و در روز عرفه به سوی عرفات حرکت کنند.(1)

5. از امام علی علیه السلام روایت شده است که رسول خدا روز عرفه زمان سپیده دم از منی به راه افتاد و نماز ظهر را در عرفات خواند و تا زمان طلوع خورشید از منی خارج نشد.(2)

6. از امام علی علیه السلام برای ما روایت کرده اند که ایشان روز عرفه غسل می کرد.(3)

7. از امام علی روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله روز عرفه در نمره فرود آمد و نمره مکانی است که رسول خدا خیمه خود را در آن زد و در آنجا اقامت کرد و زمانی که خورشید متمایل شد، فرمان کوچ داد. پس به راه افتاد تا این که به بطن الوادی رسید و ایستاد و با مردم صحبت کرد. سپس بلال اذان داد ونماز ظهراقامه شد و سپس نماز عصر را خواند و میان آن دو، نماز دیگری نخواند. سپس بر مرکب سوار شد و زمانی که به موقف رسید، لبیک گفتن را قطع کرد تا این که خورشید غروب کرد.(4)

8. امام صادق علیه السلام فرمود: همه جای عرفات جای وقوف است و برترین جای آن دامنه کوه می باشد و امام از پایین آمدن و وقوف در اراک نهی نمود و فرمود: کوه ها برترند.(5)

1- . دعائم الاسلام 1: 319
2- . دعائم الاسلام 1: 319
3- . دعائم الاسلام 1: 319
4- . دعائم الاسلام 1: 319
5- . دعائم الاسلام 1: 320

9. امام صادق علیه السلام فرمود: مردم در عرفه وقوف میکنند، دعا می کنند و آرزو می کنند و از فضل خداوند تا جایی که بتوانند طلب می کنند تا این که خورشید غروب کند. و هر کس به سبب بیماری بیهوش شود و در آن موقف وقوف کند، برایش کفایت می کند. ایشان فرمود: وقوف بدون طهارت در عرفات شایسته نیست.(1)

10. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بزرگترین گناه اهل عرفات برای کسی است که بازگردد و گمان کند که آمرزیده نخواهد شد.(2)

11. اهل بیت که درود خدا بر ایشان باد برای ما روایت کرده اند که دعاهای روز عرفه بسیار است و در این باره دعای خاصی نیست، اما شایسته است که بسیار دعا کند و انسان تا بتواند، برای دنیا و آخرت خود از خداوند بخواهد.(3)

1- . دعائم الاسلام 1: 320
2- . دعائم الاسلام 1: 320
3- . دعائم الاسلام 1: 320

باب چهل و هفتم : وقوف در عرفات، فضیلت، علل و احکام آن و روانه شدن از آن

آیات:

- فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرام (1)

{پس چون از عرفات کوچ نمودید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید. }

- ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (2)

{پس از همان جا که انبوه مردم روانه می شوند، شما نیز روانه شوید و از خداوند آمرزش خواهید که خدا آمرزنده مهربان است. }

روایات:

1. امالی الصدوق: امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: گروهی از یهود نزد رسول خدا آمدند و عالمترین آنان، سؤالاتی را از آن حضرت پرسید. یکی از سؤالاتی که از پیامبر پرسید این بود: مرا آگاه کن که به چه علتی خداوند پس از خواندن نماز عصر فرمان داده که در عرفات وقوف کنند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عصر همان زمانی است که آدم از فرمان خداوند خود نافرمانی کرد و خداوند عز و جل نیز بر امتم وقوف و تضرع و راز ونیاز و دعا کردن را در مکانی که یکی از محبوب ترین مکانها نزد اوست، واجب نمود و بهشت را بر آنان ضمانت کرد و زمانی

1- . بقره / 198
2- . بقره / 199

که مردم از آن باز می گردند، همان ساعتی است که آدم از پروردگار خویش کلماتی را فرا گرفت و خداوند توبه وی را پذیرفت، زیرا که او توبه پذیر و مهربان است. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به کسی که مرا به حق به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاده است، برای خدا در آسمان دری است که بدان گفته می شود: در رحمت، در توبه، در برآورده ساختن نیازها، در لطف و گشایش، در احسان، در بخشش، در کرم، در عفو و بخشش. کسی در عرفات حضور نمی یابد مگر این که در آن زمان از خداوند لیاقت و شایستگی داشتن این صفات را نزد خداوند می یابد. همانا برای خداوند عز و جل صد هزار فرشته است که به همراه هر فرشته، صد و بیست هزار فرشته است و برای اهل عرفات از جانب خدا رحمتی است که آن را بر اهل عرفات نازل می کند و زمانی که از عرفات بازگشتند، خداوند فرشتگان را شاهد می گیرد که اهل عرفات را از آتش نجات دهد و بهشت را بر ایشان واجب می گرداند و ندا دهنده ای فریاد بر آورد: باز گردید در حالی که بخشوده و آمرزیده شده اید، مرا خشنود ساختید و من نیز از شما راضی گشتم. آن فرد یهودی گفت: راست گفتی ای محمد.(1)

2. تفسیر علی بن ابراهیم: امام صادق علیه السلام فرمود: مردی از پدرم پس از بازگشتن از موقف سؤال کرد: آیا به نظر تو خداوند تمامی این آفریدگان خود را ناامید می سازد؟ پدرم فرمود: هیچ یک از مردم از مؤمن گرفته تا کافر در این مکان وقوف نکرد، مگر این که گناهش بخشوده شد، اما آنان در بخشش خود در سه منزل جای می گیرند:مؤمنی که خداوند گناهان گذشته و پیش روی وی را بخشوده و از آتش نجات می دهد و همان گفته خداوند است که فرمود: «وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النَّار»(2) {و

برخی از آنان می گویند: پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا کن و ما را از عذاب

1- . امالی الصدوق: 187
2- . بقره / 201

آتش دور نگه دار.} و دسته دیگر مؤمنی است که خداوند گناهان گذشته وی را بخشوده است و به وی گفته می شود: در عمر باقیمانده ات نیکی کن و همان گفته خداوند است که فرمود: «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی یَوْمَیْنِ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ لِمَنِ اتَّقی»(1) {پس هر که شتاب کند و اعمال را در دو روز انجام دهد،، گناهی بر او نیست و هر که تاخیر کند و اعمال را در سه روز انجام دهد گناهی بر وی نیست،.این اختیار برای کسی است که از محرمات پرهیز کرده باشد.} یعنی گناهان بزرگ؛ و اما عامه می گویند: {پس هر که شتاب کند و اعمال را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هر که تاخیر کند و اعمال را در سه روز انجام دهد، گناهی بر وی نیست.این اختیار برای کسی است که از محرمات پرهیز کرده باشد.} یعنی از شکار. آیا نمی بینی که خداوند تبارک و تعالی شکار را پس از این که حلال کرده بود حرام کرد؟ چنان که فرمود: «وَ إِذا حَلَلْتُمْ فَاصْطادُوا» {چون از احرام بیرون آمدید شکار کنید.} و طبق تفسیر عامه می فرماید: زمانی که از احرام بیرون آمدید از شکار پرهیز کنید. و اما اگر فرد کافری در این موقف بایستد، به عنوان زیبایی حیات دنیا، خداوند در صورتی که از شرک توبه کند، گناهان پیشین او را می بخشد و اگر توبه نکند،خداوند در دنیا اجر و پاداش آن را به وی می دهد و از ثواب این موقف وی را محروم نمی کند و این همان گفته خداوند است که فرمود: «مَنْ کانَ یُرِیدُ الْحَیاةَ الدُّنْیا وَ زِینَتَها نُوَفِّ إِلَیْهِمْ أَعْمالَهُمْ فِیها وَ هُمْ فِیها لا یُبْخَسُونَ أُولئِکَ الَّذِینَ لَیْسَ لَهُمْ فِی الْآخِرَهِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ ما صَنَعُوا فِیها وَ باطِلٌ ما کانُوا یَعْمَلُون» {کسانی که زیور حیات دنیا و زیور آن را بخواهند، جزای کارهایشان را در آنجا به طور کامل به آنان می دهیم و در آنجا به آنان کم داده نخواهد شد. اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود و آنچه در آنجا کرده اند به هدر رفته و آنچه انجام می داده اند باطل گردیده است.}(2)

1- . بقره / 203
2- . تفسیر علی بن ابراهیم القمی: 60، هود / 15

3. قرب الإسناد: حماد بن عیسی نقل کرده است که امام صادق علیه السلام را در موقف دیدم که بر استری سوار بود، در حالی که از سمت چپ خود به سوی موسم، دستان خویش را به سمت آسمان بالا گرفته بود، تا این که بازگشت و در موقف نبی صلی الله علیه و آله بود و پشت دستانش به سوی آسمان بود و لحظه به لحظه انگشتان سبابهاش را حرکت میداد.(1)

4. قرب الإسناد: علی بن یقطین نقل کرده است که امام صادق علیه السلام را دیدم که حج گزارده و در موقف ایستاده بود. زمانی که مردم بازمیگشتند، هل دادند و امام صادق از استری که بر آن سوار بود بر زمین افتاد. والی که مردم را در آن سال - سال 104 هجری - مردم را به موقف آورده بود، امام را شناخت. پس بر بالای سر امام ایستاد و امام خطاب به وی فرمود: نایست، اگر امام توسط مردم هل داده شود،نباید وقوف کند. آن فردی که در آن سال مردم را به موقف آورده بود، اسماعیل بن علی بن عبدالله بن عباس بود.(2)

5. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام از پدر خویش نقل کرده است که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روز عرفه، زمانی که خورشید غروب کرد، دعا کرد و آخرین کلام وی این دعا بود، در حالی که چشمانش از فرط گریه خیس شده بود: «خدایا ! از فقر و تنگدستی، درهم ریختگی امور و از شر آنچه که در شب و روز روی می دهد به تو پناه می برم. ذلت و خواری من به عزت و شکوه تو و وجه فانی من به چهره باقی تو پناه آورده. ای برترین کسی که از تو درخواست کنند و بخشنده ترین کسی که می بخشد و مهربان ترین کسی که از او طلب رحمت میشود، مرا زیر پوشش رحمتت قرار بده و لباس عافیت خود را بر من بپوشان و از من شر تمامی آفریدگانت را دفع کن.»(3)

1- . قرب الاسناد: 22
2- . قرب الاسناد: 8
3- . قرب الاسناد: 12

6. قرب الإسناد: علی بن یقطین نقل کرده است: برای ما روایت شده بود که در سال صد و چهل هجری، بهترین فرد مردم رابه موقف میآورد. در آن سال به حج رفتم اما به ناگاه دیدم که اسماعیل بن علی بن عبدالله بن عباس ایستاده است. گفت: بدین خاطر غمی شدید بر ما وارد شد، به خاطر آنچه که به ما روایت شده بود. طولی نکشید که امام صادق علیه السلام سوار بر استر خود ظاهر شد، پس بازگشتم تا به یارانم مژده دهم و سپس گفتیم: این بهترین کسی است که از او برای ما روایت شد. زمانی که شب شد و بر امام وارد شدیم، اسماعیل به امام صادق علیه السلام عرض کرد: چه می گویی ای ابا عبدالله، قرص ماه پایین آمد. امام صادق علیه السلام استر خویش را راند و به او گفت: آری. و به دنبال ایشان اسماعیل بن علی نیز مرکب خویش را راند و هنوز دور نشده بودند که امام صادق علیه السلام از استر نر یا ماده خویش بر زمین افتاد و اسماعیل بالای سر وی ایستاد تا این که سوار شد و امام سرش را به سوی وی بالا گرفت و فرمود: همانا اگر امام توسط مردم هل داده شود، نباید جز در مزدلفه وقوف کند. پس اسماعیل بدان سمت توجه داشت تا این که امام صادق بر استر خود سوار شد و به وی پیوست.(1)

7. قرب الإسناد: امام رضا علیه السلام نقل کرده است که امام باقر علیه السلام می فرمود: هیچ نیکوکار و بدکاری در کوههای عرفات دعا نمی کند مگر اینکه خدا دعایش را می پذیرد. دعای نیکوکاران را در حوائج دنیا و آخرت و دعای بدکاران را در کار دنیا می پذیرد.(2)

مؤلف: چنان که پیشتر در باب نماز طواف بیان شد، امام باقر علیه السلام فرمود: در هفت جاست که دعای ویژه و زمانداری ندارد که یکی از آنها وقوف در

ص: 360

1- . قرب الاسناد: 75
2- . قرب الاسناد: 166

عرفات است(1) و غسل کردن در باب احرام و برخی احکام نیز در باب انواع حج گذشت.

8. الخصال: امام باقر علیه السلام فرمود: همانا علی بن الحسین علیه السلام در روز عرفه به قومی که از مردم درخواست کمک می کردند، نگریست و فرمود: وای برشما ! آیا درچنین روزی از غیر خدا درخواست می کنید؟ همانا در چنین روزی امید می رود حتی جنین بانوان حامله از رحمت الهی برخوردار گردیده و خوشبخت گردند. (2)

9. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که در عرفات وقوف کردی، به تپه ها که همان کوه ها هستند نزدیک شو، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حج اصحاب اراک صحیح نیست، یعنی کسانی که در کنار اراک وقوف می کنند.(3)

10. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «ذلِکَ یَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَ ذلِکَ یَوْمٌ مَشْهُود»(4) {آن روز روزی است که مردم را برای آن گرد می آورند و آن روز روزی است که جملگی در آن حاضر شوند. } فرمود: منظور از {مشهود} روز عرفه است و منظور از {مجموع له الناس} روز قیامت است.(5)

11. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند عز و جل «وَ شاهِدٍ وَ مَشْهُود»(6) {و قسم به گواه و مورد گواهی}فرمود: منظور از {شاهد} روز جمعه و {مشهود} روز عرفه است.(7)

1- . الهدایه: 40
2- . الخصال 2: 294
3- . علل الشرائع: 455
4- . هود / 103
5- . معانی الاخبار: 298
6- . بروج / 3
7- . معانی الاخبار: 298

12. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: {شاهد} روز جمعه و {مشهود}روز عرفه و {موعود} روز قیامت است.(1)

13. معانی الأخبار: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «وَ شاهِدٍ وَ مَشْهُود»(2) {و قسم به گواه و مورد گواهی} سؤال شد. ایشان فرمود: {شاهد} روز عرفه است.(3)

14. معانی الأخبار: ابرش کلبی از امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل که فرمود: «وَ شاهِدٍ وَ مَشْهُود»(4) {و قسم به گواه و مورد گواهی.} سؤال کرد. امام فرمود: به تو چه گفته شده؟ ابرش گفت: گفته اند: {شاهد} روز جمعه و {مشهود} روز عرفه است. امام باقر فرمود: این چنین که به تو گفته اند نیست. {شاهد} روز عرفه و{مشهود} روز قیامت است. آیا در قرآن نمی خوانی که خداوند عز و جل فرمود: «ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود»(5)، {آن روز روزی است که مردم را برای آن گرد می آورند و آن روز روزی است که جملگی در آن حاضر شوند.}(6)

15. معانی الأخبار: امام باقر یا امام صادق علیهما السلام درباره این سخن خداوند عز و جل«وَ شاهِدٍ وَ مَشْهُود»(7) {و قسم به گواه و مورد گواهی} فرمود: {شاهد} روز جمعه و {مشهود} روز عرفه و {موعود} روز قیامت است.(8)

-1 . معانی الاخبار: 299
-2 . بروج / 3
-3 . معانی الاخبار: 299
-4 . بروج / 3
-5 . هود / 103
-6 . معانی الاخبار: 299
-7 . بروج / 3
-8 . معانی الاخبار: 299

16. علل الشرائع: معاویه بن عمار نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که چرا عرفات را عرفات نام نهاده اند؟ ایشان فرمود: جبرئیل روز عرفه ابراهیم را بیرون آورد و زمانی که ظهر شد، جبرئیل به وی گفت: ای ابراهیم! به گناهت اعتراف کن و مناسک خود را بشناس. پس به دلیل این گفته جبرئیل که گفت: اعتراف کن و ابراهیم اعتراف کرد، عرفات نام گرفت.(1)

17. المحاسن:ثعلبه نیز همین حدیث را از معاویه بن عمار نقل کرده است.(2)

18. علل الشرائع: حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا روز ترویه را ترویه نام نهاده اند؟ فرمود: چون در عرفات، آب نبود و حاجیان برای نوشیدن آب، آن را از مکّه می آوردند وبه همدیگر می گفتند: آب برداشتید؟ آب برداشتید؟ از این رو، آن روز، روز ترویه نام گرفت.(3)

19. المحاسن: ابن ابی عمیر نیز همین حدیث را روایت کرده است.(4)

20. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که حج گزار وارد مکه شود، خداوند عزوجل دو فرشته را وکیل می کند که برای او طواف، نماز و سعیاش را بنویسند و هنگامی که در عرفات وقوف کند، بر شانه راست او زده و سپس می گویند: گناهان گذشتهات بخشیده شد، بنگر که در آینده چگونه خواهی بود.(5)

21. ثواب الأعمال: عبدالله بن سلیمان نقل کرده است که وقتی روز عرفه فرا می رسید، امام باقر علیه السلام هیچ گدا و فقیری را رد نمی کرد.(6)

22. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: علی بن الحسین علیه السلام فرمود: آیا ندانستی که در غروب روز عرفه خداوند با فرشتگان به آسمان دنیا فرود

1- . علل الشرائع: 436
2- . المحاسن: 335

3- . علل الشرائع: 435
4- . المحاسن: 336
5- . ثواب الأعمال: 43
6- . ثواب الأعمال: 128

می آید و سپس می فرماید: «به بندگانم بنگرید! ژولیده و غبار آلوده نزد من آمده اند، به سوی آنها رسولی از پشتِ پشت فرستادم، از من میخواهند و مرا میخوانند. من شما را شاهد می گیرم که بر من سزاست که امروز پاسخشان را بدهم، بدکارانشان را به خاطر نیکوکارانشان بخشیدم و از نیکوکارانشان پذیرفتم، پس روانه شوید در حالی که آمرزیده اید.» سپس به دو فرشته فرمان می دهد که در مازمین بایستند، یکی از این طرف و دیگری از آن طرف و می گویند: خدایا! به سلامت دار به سلامت دار. پس تقریبا هیچ بر زمین افتاده و - دست و پا- شکستهای دیده نمی شود.(1)

23. کتاب حسین بن سعید و نوادر: معاویه بن عمار نیز این حدیث را به همین شکل نقل کرده است.(2)

24. المحاسن: راوی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: هر کس که از مازمین عبور کند و در دلش کبر و غروری نباشد، خداوند وی را می آمرزد. گفتم: منظور از کبر چیست؟ فرمود: این که مردم را خوار و تحقیر می کند و حق را نادیده می گیرد. و فرمود: دو فرشته ای که در مازمین بر وی گمارده شده اند می گویند: خدایا! به سلامت دار، به سلامت دار.(3)

25. فقه الرضا علیه السلام: روز عرفه قبل از ظهر غسل کن.(4)

26. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که به منی آمدی، شب را در آنجا بخواب و نماز صبح را در آنجا بخوان و در مسیر بسیار لبیک گو. زمان ظهر یا کمی قبل آن غسل کن و نماز ظهر و عصر را همراه با یک اذان و دو اقامه بخوان، سپس به موقف بیا و دعای آن را بخوان و در دعا و راز و نیاز خود تلاش کن و ایستاده و نشسته درخواست و التماس کن تا این که خورشید غروب کند. پس از غروب کوچ کن، در

1- . المحاسن: 65
2- . فقه الرضا علیه السلام: 72
3- . المحاسن: 66
4- . فقه الرضا علیه السلام: 28

حالی که می گویی: تنها معبود خداست. و مبادا که قبل از غروب روانه شوی که در این صورت باید قربانی کنی، و نماز مغرب و عشاء آخر را در شب عید نخوان مگر در مزدلفه، هرچند یک چهارم از شب گذشته باشد. (1)

27. تفسیر العیاشی: زید شحام نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند که فرمود: «ثمّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النَّاس» (2) {پس از همان جا که انبوه مردم روانه شوند، شما نیز روانه شوید. } سؤال کردم. فرمود: آنان قریش بودند که می گفتند: ما نسبت به خانه خدا از دیگر مردم سزاوارتریم و تنها از مزدلفه روانه می شدند، سپس خداوند دستور داد که از عرفه روانه شوند. (3)

28. تفسیر العیاشی: رفاعه نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند که فرمود: «ثمّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النَّاس» (4) {پس از همان جا که انبوه مردم روانه شوند، شما نیز روانه شوید. } پرسیدم. فرمود: همانا اهل حرم بر مشعر الحرام وقوف میکردند و مردم در عرفات وقوف می کردند و روانه نمیشدند تا زمانی که اهل عرفات بر آنان نمایان شوند و مردی که کنیه اش ابو سیار بود و الاغی چابک داشت، از اهل عرفات سبقت می گرفت و زمانی که بر آنان نمایان می شد می گفتند: این ابوسیار است و سپس روانه میشدند. خداوند به آنان فرمان داد که در عرفات وقوف کنند و از آنجا روانه شوند. (5)

29. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «ثمّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النَّاس» (6) {پس از همان جا که انبوه مردم روانه شوند، شما نیز روانه شوید. } فرمود: منظور ابراهیم و اسماعیل است. (7)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 28
2- . بقره / 199
3- . تفسیر العیاشی 1: 96
4- . بقره / 199
5- . تفسیر العیاشی 1: 97
6- . بقره / 199

7- . تفسير العياشى 1: 97

30. تفسیر العیاشی: راوی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند که فرمود: «ثمّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النَّاس»(1) {پس از همان جا که انبوه مردم روانه شوند، شما نیز روانه شوید. } سؤال کردم. فرمود: قریش زمان جاهلیت از مزدلفه روانه میشدند و می گفتند: ما نسبت به خانه خدا از دیگر مردم سزاوارتریم، سپس خداوند به آنان فرمان داد که از جایی که مردم از عرفات کوچ می کنند، کوچ کنند.(2)

31. امام صادق علیه السلام فرمود: همانا قریش از جمع(3) و قبیله مضر و ربیعه از عرفات روانه میشدند.(4)

32. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: ابراهیم، اسماعیل را به موقف برد و از آنجا روانه شدند، و از این رو مردم نیز از آنجا روانه میشدند تا وقتی که تعداد قریش زیاد شد. گفتند: از جایی که مردم روانه شدند ما روانه نمیشویم و قریش از مزدلفه روانه میشدند و نمی گذاشتند که مردم همراه با آنان روانه شوند مگر از عرفات. زمانی که خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث کرد، به او فرمان داد از جایی که مردم روانه میشدند روانه شود و منظور از مردم، ابراهیم و اسماعیل بود.(5)

33. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند«ثمّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النَّاس»(6) {پس از همان جا که انبوه مردم روانه شوند، شما نیز روانه شوید. } فرمود: ایشان اهل یمن هستند.(7)

1- . بقره / 199
2- . تفسیر العیاشی 1: 97
3- .جَمْع: مشعر الحرام که نزدیکترین موقف به مکه مشرفه است.
4- . تفسیر العیاشی 1: 97
5- . تفسیر العیاشی 1: 97
6- . بقره / 199
7- . تفسیر العیاشی 1: 98

34. تفسیر العیاشی: زراره نقل کرده است که از امام باقر علیه السلام درباره این گفته خداوند متعال که فرمود: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»(1){زینت خود را پیش هر مسجدی برگیرید.} سؤال کردم. فرمود: شامگاه عرفه است.(2)

35. تفسیر امام عسکری علیه السلام: سخن خداوند متعال که فرمود: «فاذا افضتم من عرفات»، {پس چون از عرفات کوچ نمودید} تا بدین جا که فرمود: «والله سریع الحساب»،(3){و

خدا زود شمار است.} امام فرمود: خداوند تعالی به حج گزاران فرمود: «فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ» {پس چون از عرفات کوچ نمودید} و به مزدلفه رسیدید «فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ» {خدا را در مشعر الحرام یاد کنید.} با نعمتهایش و فرستادن درود بر محمد سرور پیامبران و بر علی سرور برگزیدگان «وَ اذْكُرُوهُ كَما هَداكُمْ» {همان گونه که شما را هدایت کرد، خدا را به یاد آورید.}به خاطر دین و ایمان به رسول خدا او را به یاد آورید «وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ» {اگرچه شما پیشتر از بیراهان بودید.} از دین او، قبل از این که شما را به دین خود هدایت کند،، گمراه بودید «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفاضَ النَّاسُ» {پس از همان جا که انبوه مردم روانه می شوند، شما نیز روانه شوید.} از مشعر الحرام بازگردید، از همان جایی که مردم از جمع بازگشتند، که منظور از مردم در اینجا حج گزار است به غیر قریش، زیرا که قبیله قریش از جمع روانه نمیشدند {و از خداوند آمرزش خواهید، چرا که خدا آمرزنده و مهربان است} برای توبه کنندگان {چون آداب ویژه حج خود را به جای آوردید} همان آدابی را که در حج برای شما سنت شده {همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، خدا را به یاد آورید.} خداوند را با نعمتهای وی که نزد شماست و احسان او به شما در آنچه که شما را در ایمان به پیامبری محمد صلی

1- . اعراف / 31
2- . تفسیر العیاشی 2: 13
3- . بقره / 203 - 198

الله علیه و آله سرور آفریدگانش و همچنین ایمان به جانشینی علی علیه السلام برادرش در دین اسلام توفیق داده، یاد کنید، {همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید} به واسطه همان اعمال و مفاخری که آنان را به یاد می آورید {یا با یادکردنی بیشتر.} این امر را به اختیار خود آنان گذاشت و آنان را ملزم نساخت که خدا را از پدران خود بیشتر یاد کنند، هر چند نعمتهای خداوند بر آنان بیشتر و بزرگتر از نعمتهای پدرانشان است. سپس خداوند عز و جل فرمود: {و از مردم کسی است که می گوید: پروردگارا، به ما در همین دنیا عطا کن.} یعنی اموال و خوبی های دنیا را {و حال آنکه برای او در آخرت نصیبی نیست} بهره و سودی نیست، زیرا که وی به خاطر آن کوششی نکرده و در آن خیری طلب نمی کند. {و برخی از آنان می گویند: پروردگارا در این دنیا به ما نیکی عطا کن}یعنی نعمت ها و خوبی های آن را {در آخرت نیز نیکی عطا کن} از نعمت های بهشتی آن {و ما را از عذاب آتش دور نگه دار.} یعنی ما را از عذاب آتش نجات ده، درحالی که آنان به خداوند ایمان می آورند و در فرمانبری و طاعت وی تلاش می کنند و از معاصی وی دوری می جویند، اینان هستند که این دعا را با این وصف می خوانند، {آنانند که از دستاوردشان بهره ای خواهند داشت} از ثواب آنچه که در دنیا و آخرت به دست آورده اند {و خدا زود شمار است.} زیرا که کاری وی را از کاری دیگر و همچنین به حساب کسی رسیدگی کردن، وی را از محاسبه شخص دیگری باز نمی دارد. زمانی که او به حساب کسی رسیدگی کند، در آن حالت به حساب همه رسیدگی می کند، و حساب همگان با اتمام حساب یک نفر صورت می پذیرد و این مانند گفته خداوند است که فرمود: {آفرینش و بر انگیخته شدن شما در نزد ما، جز مانند آفرینش یک تن نیست.} آفرینش یک نفر وی را از آفریده دیگرش باز نمی دارد و همچنین برانگیختن کسی نیز وی را از برانگیختن شخص دیگری باز نمی دارد.

امام زین العابدین علیه السلام در حالی که در عرفات وقوف کرده بود، خطاب به زهری فرمود: از نظر تو امسال تعداد زائران چقدر است؟ زهری گفت: چهار میلیون

و پانصد هزار نفر(1) حج گزارند، که همگی با صرف اموال خویش خانه خدا را قصد کرده اند و با ناله و صدایشان او را می خوانند. امام به او فرمود: اگرچه ضجه و ناله زیاد است، اما حج گزاران راستین بسیار اندکند. زهری گفت: همه آنان حج گزارند، آیا کمند؟ امام فرمود: ای زهری، صورتت را نزدیک من بیاور. زهری نیز آن را نزدیک امام آورد و امام با دستش بر چهره او دست کشید؛ سپس فرمود: نگاه کن و سپس خود به مردم نگریست. زهری گفت: تمامی خلق را میمون دیدم، در میان آن ها انسان نمی بینم مگر از هر ده هزار نفر تنها یک نفر را. امام فرمود: ای زهری، نزدیک بیا! و نزدیک امام شدم و دستانش را بر صورت من کشید و سپس فرمود:حالا نگاه کن! به مردم نگاه کردم. زهری گفت: تمامی آفریدگان را خوک دیدم. سپس امام خطاب به من فرمود: صورتت را نزدیک من بیاور و من نیز صورتم را نزدیک ایشان بردم و دستش را بر صورت من کشید، پس به ناگاه همه آنان را گرگ دیدم، جز آن افراد خاص از مردم را که تعدادشان اندکبود. به امام گفتم: ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت،همانا نشانه هایت مرا به تعجب واداشت و شگفتیهایت مرا حیران کرد. فرمود: ای زهری، جزگروهی اندک که تو میان این جمعیت انبوه می بینی، حج گزار نیستند. سپس خطاب به من فرمود: دستت را بر صورتت بکش و من این کار را انجام دادم و بار دیگر آنان در چشم من همچون بار اول به شکل مردم ظاهر شدند. سپس امام فرمود: هر کس حج گزارد و پشتیبان یاوران ما باشد و از دشمنان ما دوری کند و خویشتن را بر فرمانبری از ما آماده سازد و سپس در این موقف حاضر شود در حالی که آنچه را که خداوند از امانت ما به گردن او گذاشته، به حجر الاسود تسلیم کند و بر پیمان ما که او را ملزم کرده، وفادار باشد. او همان حج گزار است و دیگران همان کسانی هستند که دیدی. ای زهری، پدرم از جدم رسول الله صلی الله علیه و آله برایم نقل کرده است که ایشان فرمود: منافقان و دشمنان محمد و علی علیهما السلام و

1- . این عدد برای جمعیت آن زمان نمی تواند صحیح باشد.(مترجم)

دوستداران بدخواهان آن دو، حج گزار نیستند، بلکه مؤمنان مخلص و حامیان و دوستداران محمد و علی علیهما السلامو دشمنان بدخواهان آن دو حج گزارند. همانا این انسانهای مؤمن و طرفدار ما، و مخالفان دشمنان ما هستند که نور چهره آنان در عرصه های روز قیامت به اندازه دوست داشتن ما میتابد. نور و روشنایی برخی از آنان تا مسیر سیصد هزار سال می تابد که آن تمامی مسافت آن عرصه هاست و نور برخی از آنان به میزان مسافت بین این مقدار است که بر اساس اندازه دوست داشتن ما و دشمنی با دشمنان ما، نور برخی از دیگری بیشتر است. اهل عرصه ها اعم از مسلمان و کافر، آنان را می شناسند که دوستدار ما و دارای تولّی و تبرّی هستند و به هر یک از آنان گفته می شود: ای ولی خدا! در این عرصه ها به هر کس که در دنیا به تو خوبی کرده یا سختی را از تو دوش تو برداشته، یا این که تو را زمانی که ستم دیده ای یاری رسانده، یا این که دشمن تو را رانده یا در کاری به تو نیکی کرده بنگر، چرا که تو شفاعت کننده او هستی؛ اگر از مؤمنان محق و سزاوار باشد، در شفاعت وی نسبت به نعمت های خداوند بر او افزوده می شود و اگر از گنهکاران باشد، شفاعت او جهت بخشش گناه گنهکار کافی است و اگر از کافران باشد، به اندازه احسانش از عذاب او کاسته می شود و گویی این پیروان ما هستند که در این عرصه ها به سان باز و شاهین می پرند و به کسانی که در دنیا به آنان نیکی کرده، به سان فرود آمدن باز و شاهین که بر گوشت ها حمله می برند، بر آنان فرود می آیند و آنها را به چنگ می آورند و می ربایند و همچنین از سختی های عرصات، کسانی را که به آنان در دنیا نیکی کرده اند، از روی زمین بر می گیرند و آنان را به سوی بهشت بالا می برند.(1)

36. مردی به امام زین العابدین علیه السلام گفت: ای فرزند رسول خدا! ما زمانی که در عرفات و منی وقوف کنیم و خداوند را ذکر کنیم و او را بزرگ داریم و بر محمد و خاندان پاک و طیبه وی درود فرستیم، پدرانمان را نیز به خاطر مفاخر و فضایل و اعمال نیکوی آنها به یاد می آوریم و با به یاد آوردن آنان می خواهیم حقوق

1- . تفسیر العسکری علیه السلام: 257

آنان را ادا کنیم. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: آیا شما را بدان چه که در ادای حقوق آنان مفیدتر و پربارتر است آگاه نسازم؟ گفتند: آری ای فرزند رسول خدا. امام فرمود: برتر و شایستهتر از ذکر آنان این است که بر خویشتن ذکر توحید خدا و شهادت و ذکر محمد رسول خدا و شهادت دادن بر این که او سرور و سالار پیامبران و همچنین ذکر علی علیه السلام ولی خدا و شهادت به این که او سرور جانشینان است و ذکر امامان پاک از خاندان پرهیزکار محمد را از سر گیرید و این که آنان بندگان مخلص خدایند و خداوند عز و جل در شامگاه روز عرفه و بامداد روز منی بر فرشتگان بلند مرتبه خود به خاطر واقفان در عرفات و منی، فخر و مباهات می کند و به فرشتگان می گوید: این بندگان و کنیزان منند، در حالی که از سرزمین های دوردست ژولیده و غبارآلود در اینجا حاضر شده اند. از شهوات، زاد و بوم و دوستان خود به خاطر جلب رضایت من دوری جسته اند. هان! به قلوب آنها و درون آن بنگرید، چرا که ای فرشتگانم، چشمان شما را جهت نگریستن و باخبر شدن از درون آن ها قوت بخشیده ام؛ امام فرمود: پس فرشتگان از قلوب آنان مطلع میشوند و می گویند: خدایا بر آن ها آگاه شدیم و برخی از آن ها بسیار سیاه و آلوده است، تا حدی که همچون دود جهنم از قلوب آنان بالا می رود. سپس خداوند می فرماید: اینان همان سیه روزان و بیچارگانند که «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعا» {تلاش آنان در دنیا تباه شد،در حالی که می پندارند نیکی می کنند}، آنان قلبهای تهی از خوبی ها و طاعاتند، بر گناهان و محرمات مصرند، اعتقاد دارند که کسانی را که ما خوار کردیم باید بزرگ داشت و کسانی را که ما بزرگ کردیم و ارج نهادیم، باید خوار کرد. اگر اینچنین نزد من حضور یافته باشند، قطعا به شدت عذابشان خواهم کرد و حساب آنان را طولانی خواهم ساخت. آنها قلبهایی است که اعتقاد داشتند، محمد فرستاده خدا به خدا دروغ بست یا این که در اعطای مقام به برادر خویش و جانشینش به جای محبوبترین بندگان خدا و بر عهده گرفتن اداره امور حکومتی به بیراهه رفت، تا این که امنیت را جهت برپایی دین در نجات هلاک شدگان و تنعم جاهلان و هشدار به غافلان دیدند، همان کسانی که بدترین مرکب جهنم، مرکب

آنهاست.سپس خداوند عز و جل می فرماید: ای فرشتگان من! بنگرید. و فرشتگان نگاه می کنند و می گویند: خدایا! بر قلبهای گروه دیگر آگاهی یافتیم و آن ها سفید و روشنایی بخش بود، تا حدی که نور آن ها به سمت آسمان ها و موانع بالا می رفت و آن ها را می شکافت، تا جایی که در کنار ساق عرشت مستقر شود، ای رحمان. خداوند عز و جل می فرماید: اینان همان انسان های خوشبختند که اعمال آنان مورد قبول خدا واقع شده و از تلاش آنان در حیات دنیا تشکر کرده است. همانا آنان در دنیا به نیکی رفتار کرده اند، قلبهای آنان مملو از نیکی هاست و در بردارنده طاعات و خو گرفته به رستگاری ها و بزرگی هاست. باور می دارند کسانی را که ما بزرگ داشتیم بزرگ دارند و کسانی که را که طرد کردیم تحقیر کنند. اگر اینچنین نزد من آمده باشند، کفه اعمال نیک آنان را در ترازوی اعمالشان سنگین خواهم ساخت و کفه اعمال بدشان را در ترازوی اعمالشان سبک خواهم ساخت و نور آنان را بزرگ خواهم داشت و در خانه کرامت خویش و رحمت همیشگی ام جای خواهم داد. آن ها قلبهایی هستند که باور داشتند که محمد فرستاده خدا در تمامی گفته هایش صادق، درتمامی اعمالش شایسته و سزاوار و در تمامی ویژگی های فضیلت، بارز است. و رسول خدا صلی الله علیه و آله در به جا گذاشتن علی علیه السلام به عنوان امام و عالم بر دین خدا به درستی عمل کرده و امیر مؤمنان را به عنوان امام هدایت خویش و حافظ سختی ها برگزید. حقیقت آن است که بدان فرا خوانده و راه درست و حکمت همان چیزی است که به سوی آن اشاره و راهنمایی کرده و انسان خوشبخت کسی است که ریسمان خود را به ریسمان وی رسانده و بیچاره و هلاک شده کسی است که از زمره ایمان آورندگان و گوش به فرمانان او خارج شود. بهترین مرکب ها که به سوی بهشت رهسپارند، مرکب ایشان است، از آن ها به والاترین غرفه های بهشتی وارد میکنیم و از شراب مهر کرده از دستان ندیمان و غلامان، آنان را سیراب می کنیم. در خانه امن دوستان محمد صلی الله علیه و آله پیامبرشان که مایه زینت اهل اسلام است قرار می دهیم و آنان را در زمره پیروان علی علیه السلام، همان فرد بزرگوار و سالار گرد هم می آوریم و بدین خاطر آنان را از مالکان باغ های پر نعمت، و ماندگار در زندگی

سالم و نعمتی همیشگی قرار می دهیم. گوارای وجودشان به سزای آنچه که بدان باور داشتند و آن را گفتند، به واسطه فضل و بخشش خداوند کریم و بخشایشگر، بدان چه که کسب کردند، دست یافتند.(1)

37. عده الداعی: روایت شده است که برخی از گناهان هستند که تنها در عرفات و مشعر الحرام بخشوده می شوند. خداوند تبارک و تعالی فرمود: «فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرام» {پس وقتی که از عرفات روانه شدید، خداوند را در مشعر الحرام یاد کنید.}(2)

38. امام رضا علیه السلام فرمود: هیچ کسی در آن کوه ها وقوف نکرد مگر این که دعایش مستجاب شد، اما برای مؤمنان،در آخرتشان و برای کفار در دنیایشان مستجاب می شود.(3)

39. امام سجاد علیه السلام در روز عرفه به مردانی که دست نیاز به سوی دیگران دراز می کردند فرمود: اینان بدترین آفریدگان خدایند، مردم به خدا روی آورده و اینان به مردم روی آورده اند.(4)

40. الهدایه: سپس به سوی عرفات برو و در حالی که روبه آنجایی، می گویی: خدایا به سوی تو رو کردم و به تو تکیه کردم و سخنت را باور کردم و فرمانت را پیروی کردم و خشنودی تو را خواستم و از تو می خواهم که پایان مرا مبارک گردانی و حاجتم را برآورده سازی و مرا امروز در زمره کسانی قرار دهی که از من برترند و تو به آنها میبالی. سپس لبیک گویان به سوی عرفات به راه می افتی، زمانی که به عرفات رسیدی، در نمره نزدیک مسجد خیمه بزن، چرا که رسول خدا صلی الله علیه وآله خیمه و چادر خویش را در آنجا برپا کرد. زمان ظهر لبیک گفتن را قطع کن و باید لااله الا الله و حمد و ثنای خداوند را بگویی، سپس غسل کن و نماز ظهر و عصر

1- . تفسیر امام عسکری علیه السلام 259 - 258
2- . عده الداعی: 35
3- . عده الداعی: 35
4- . عده الداعی: 70

را همراه با یک اذان و دو اقامه بخوان و تنها بدین منظور نمازت را زود می خوانی و بین دو نماز جمع می کنی تا دلت جهت دعا کردن فارغ و آسوده باشد، چرا که آن روز روز دعا و درخواست است. و در آنچه که در کتاب دعای موقف آمده از گفتن لااله الا الله تا حمد و ثنای خدا، دعا کن و او را بخوان، ان شاء الله. مبادا که قبل از غروب خورشید از آنجاروانه شوی که در این صورت باید قربانی کنی.پس زمانی که خورشید غروب کرد، رهسپار شو.(1)

41. کتاب زید النرسی: امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ کس را از میان مردم از نیکوکاران و ستمکاران گرفته،تا مؤمنان و کافران ندیده ام که جز با رحمت و مغفرت خداوند از موقف بازگردند. بر کافر آنچه که در آن سال انجام داده بخشوده می شود، و اعمال پیشین و آنچه که بعد انجام می دهد بخشوده نمی شود. و برای مؤمنان پیرو ما، تمامی آنچه که در مدت زمان عمر خود انجام داده و تمامی اعمالی را که در انجام حج پس از بازگشت به نزد خانواده خود انجام می دهد، یعنی از روزی که در همان سال نزد آنان می رود بخشوده می شود. سپس به او گفته می شود: آمرزیده شدی و از آلودگی پاک و مبرا شدی، پس رو کن و عمل را از سر گیر. و گناهانی را حج گزار در طی مدت عمرش مرتکب شده بر او بخشوده شد و در اعمالی که از سر می گیرد گناهی نوشته نمی شود و این بدین خاطر است که عصمت خداوند به وی رسیده، بدین خاطر هرگز گناه کبیره ای مرتکب نمی شود، و آن دسته از گناهان که کبیره نیستند آمرزیده می شود.(2)

42. امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند عز و جل از زمان ظهر تا زمان مغرب به اهل عرفه می نگرد و تا زمانی که مردم کوچ کنند، خداوند دو فرشته در مقابل راه بین عرفه و مشعر می گمارد که در کنار تنگهای که دیدی ندا سر می دهند:

1- . الهدایه: 60
2- . زید النرسی: 49

خدایا! به سلامت دار به سلامت دار. و خداوند به سوی آسمان بالا می رود(1) و می فرماید: آمین آمین خدای جهانیان. بدین خاطر هیچ بر زمین افتاده و شکسته ای را نمی بینی.(2)

43. الغایات: امام صادق علیه السلام فرمود: کدام گناه اهل عرفات از همه بزرگتر است؟ ایشان فرمود: کسی که از عرفات بازگردد و گمان کند که آمرزیده نشده است.(3)

ص: 375

1- . در ارتباط این قسمت با قسمت قبلی روایت آشفتگی به نظر می رسد چون آنجا سخن از نزول دو فرشته است اما اینجا می گوید صعود خدا! و همچنین معنا ندارد خداوند بگوید: آمین ای خدای جهانیان!. به هر حال صرف نظر از این اشکالات و بنا بر فرض صدور از معصوم، هر چه که ظاهرش جسمانیت خداوند متعال باشد به دلایل قطعی مبنی بر تنزّه خداوند از جسمانیت، باید تأویل شود.(مترجم)
2- . زید النرسی: 54
3- . الغایات: 84

باب چهل و هشتم : وقوف در مشعر الحرام، فضیلت، علل و احکام آن و روانه شدن از آن

آیات:

- فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْكُرُوهُ كَما هَداكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ(1)

{پس چون از عرفات کوچ نمودید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید و یادش کنید که شما را که پیشتر از بیراهان بودید فرا راه آورد. }

روایات:

1. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام در حدیث ابراهیم علیه السلام فرمود: همانا جبرئیل علیه السلام او را به موقف آورد، پس در آنجا اقامت کرد تا خورشید غروب نمود. سپس ابراهیم علیه السّلام را از آن جا بیرون برد و به او گفت: ای ابراهیم: به طرف مشعر الحرام کوچ کن !بدین سبب مشعر الحرام را مزدلفه خواندند.(2)

2. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: مزدلفه را به این خاطر مزدلفه نامیده اند که حج گزاران از عرفات به سویش کوچ می کنند.(3)

1- . بقره / 198
2- . علل الشرائع: 436
3- . علل الشرائع: 436

3. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: مزدلفه را بدین جهت جمع خوانده اند که آدم علیه السّلام در آن بین نماز مغرب و عشاء را جمع نمود.(1)

4. شیخ صدوق فرمود: پدرم - که خداوند از او راضی باد - در نامه خویش به من فرمود: مزدلفه را ازین رو جمع نامید ه اند که در آن، نماز مغرب و عشاء همراه با یک اذان و دو اقامه خوانده میشود.(2)

5. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: مردم زمان جاهلیت می گفتند: ثبیر طلوع کن - منظورشان خورشید بود - تا کوچ کنیم. و رسول خدا بدین خاطر از مشعر روانه می شد که آنان با تاختن اسب و دواندن شتر روانه می شدند.پس رسول خدا با آرامش و وقار و آسایش کوچ کرد و با یاد خدا و آمرزش خواهی و جاری ساختن ذکر خدا بر زبانش روانه شد.(3)

مؤلف: در باب علل حج بیان شد.

6. سلیمان بن مهران نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: چه شده که فرود آمدن به مشعر بر مکلف واجب گشت؟ فرمود: به آن سبب که مستوجب قرار گرفتن در وسط بهشت شود.

7. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که به مزدلفه یا همان جمع آمدی، نماز مغرب و عشای خود را با یک اذان و دو اقامه بخوان و سپس نمازهای مستحب خود را برای نماز مغرب، پس از عشا بخوان. مزدلفه را از این رو جمع نامید ه اند که در آن نماز مغرب و عشاء با یک اذان و دو اقامه جمع می شود. زمانی که شب را به صبح رساندی، نماز بامدادت را بخوان و همچون وقوفت در عرفات، وقوف کن و خداوند را بسیار بخوان. زمانی که خورشید بر کوه ثبیر طلوع کرد، از آنجا به منی کوچ کن و

1- . علل الشرائع: 437

2- . علل الشرائع: 437

3- . علل الشرائع: 444

مبادا که قبل از طلوع خورشید از منی و قبل از غروب از عرفات کوچ کنی، که در این صورت باید قربانی کنی.(1)

8 . روایت شده است که امام رضا علیه السلام طلوع صبح و هنگامی که در زمین جای پای شتران و آثار سم اسبان آشکار می شد، از مشعرالحرام کوچ می کرد. هنگامی که به وادی محسّر رسیدی، حدود صد قدم، با شتاب حرکت کن و اگر بر مرکبی سواری، آن را اندکی به حرکت وادار.(2)

9. رجال الکشی: یعقوب الاحمر نقل کرده است که در نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم. زراره بر امام وارد شد و گفت: همانا حکم بن عیینه از پدر شما نقل کرده است که فرمود: نماز مغرب را قبل از مزدلفه بخوان. امام صادق علیه السلام خطاب به وی فرمود: من در آن اندیشه کرده ام،پدر من هرگز این را نفرموده وحکم به پدرم دروغ بسته است. زراره خارج شد و می گفت: من فکر نمی کنم حکم بر پدرش دروغ بسته باشد.(3)

10. رجال الکشی: ابراهیم بن عبدالحمید نیز همین قول را یعنی حکم بن عتیبه بر پدرم دروغ بسته را نقل کرده است.(4)

11. الهدایه: زمانی که خورشید غروب کرد رهسپار شو و زمانی که به کثیب الاحمر در سمت راست راه رسیدی بگو: خدایا ! بر موقفم رحمت آور و عملم را پاکیزه دار و دینم را سلامت دار و اعمالم را بپذیر. زمانی که به مزدلفه یا همان جمع رسیدی، در آن نماز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه بخوان و مغرب و عشاء را نخوان مگر در مزدلفه، هرچند ربعی از شب گذشته باشد و در مزدلفه بخواب. پس زمان سپیده دم نماز بامداد را بخوان و در دامنه کوه وقوف کن تا این که خورشید بر

1- . فقه الرضا علیه السلام: 28
2- . فقه الرضا علیه السلام: 28
3- . رجال الکشی: 141
4- . رجال الکشی: 182

ثبیر طلوع کند، زیرا که وقوف کردن در آن واجب است. سپس خدا را ستایش کن و لااله الا الله و سبحان الله بگو و او را تمجید کن و تکبیر گو و خدا را آن گونه که شایسته آن استثنا گو و بر محمد صلی الله علیه و آله درود فرست. سپس مدت زمان باقیمانده را که میان خودت و طلوع خورشید بر ثبیر باقی مانده، برای خودت دعا کن. زمانی که خورشید طلوع کرد و شتر جای پایش را در حرم دید به راه بیفت. به وادی محسر که رسیدی،حدود صد قدم، با شتاب حرکت کن و همان چیزی را بگو که در زمان سعی در مکه گفتی.(1)

12. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند « ثُمَّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النّاسُ» {پس از همان جا که انبوه مردم روانه می شوند، شما نیز روانه شوید و از خداوند آمرزش خواهید که خدا آمرزنده مهربان است. } فرمود: قریش در زمان جاهلیت از مزدلفه کوچ می کردند و می گفتند: ما از دیگر مردم به خانه خدا سزاوارتریم. سپس خداوند به آنان فرمان داد که از همان جایی کوچ کنند که مردم کوچ کرده اند، یعنی از عرفات.(2)

13. از امام علی علیه السلام نقل شده است که رسول خدا زمانی که خورشید غروب کرد از عرفات بازگشت.(3)

14. از امام صادق علیه السلام درباره زمان کوچ کردن از عرفات سؤال شد. ایشان فرمود: زمانی که خورشید غروب کرد هر کس که قبل از غروب خورشید کوچ کرده، باید یک شتر قربانی کند.(4)

15. و فرمود: زمانی که از عرفات کوچ کردی، در حال آرامش و وقار کوچ کن و همراه با آمرزش خواهی کوچ کن، زیرا که خداوند می فرماید: {پس از همان جا که

1- . الهدایه : 61
2- . دعائم الاسلام 1: 320
3- . دعائم الاسلام 1: 320
4- . دعائم الاسلام 1:321

انبوه مردم روانه می شوند، شما نیز روانه شوید و از خداوند آمرزش خواهید که خدا آمرزنده مهربان است. } و در رفتن میانه رو باش و آرامش داشته باش و تند متاز، آن گونه که بسیاری از مردم آن را انجام می دهند. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که از عرفات بازمیگشت، شتر خود را متوقف می کرد به گونه ای که سر شتر به جلوی کجاوه می خورد و در حالی که با دست راست خویش اشاره می کرد می فرمود: ای مردم! آرام، آرام. پس هر زمان که به یکی از کوه ها می رسید، افسار شتر را شل می کرد تا بالا رود تا این که به مزدلفه رسید. و سنت وی باید پیروی شود.(1)

16. امام علی علیه السلام فرمود: زمانی که رسول خدا از عرفات بازگشت، رفت تا این که به مزدلفه رسید، سپس نماز مغرب و عشا را با یک اذان و دو اقامه جمع کرد.(2)

17. از امام باقر صلوات الله علیه درباره خواندن نماز مغرب و عشا در شب مزدلفه قبل از رسیدن به مزدلفه سؤال کردند. ایشان فرمود: خیر، هر چند یک سوم شب گذشته باشد و هر کس این کار را به عمد انجام دهد، باید قربانی کند.(3)

18. و فرمود: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خواند و بین نماز مغرب و عشاء را جمع کرد، به پهلو دراز کشید و نماز شب نخواند و خوابید، سپس هنگام طلوع سپیده دم برخاست.(4)

19. و فرمود: در مزدلفه دربطن الوادی در نزدیکی مشعر الحرام پایین بیا و کوه و برکه ها را پشت سر نگذار.(5)

1- . دعائم الاسلام 1: 321
2- . دعائم الاسلام 1: 321
3- . دعائم الاسلام 1: 321
4- . دعائم الاسلام 1: 321
5- . دعائم الاسلام 1: 321

20. و فرمود: حد میان منی و مزدلفه، محسر و حد عرفات، مابین مازمین تا دورترین موقف است.(1)

21. و فرمود: هر کس حج گزارد و عمداً شب مزدلفه یا لیله النحر را در مزدلفه نخوابد، باید شتری قربانی کند.(2)

22. و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله اجازه داد هنگام شب، بارها و زنان و ضعیفان را زودتر از بقیه، از مزدلفه به سوی منی ببرند.(3)

23. از ایشان روایت شده است که رسول خدا زمانی که نماز صبح را در عید قربان خواند، بر شتر خود سوار شد تا این که به مشعر الحرام رسید، پس از آن بالا رفت و رو به قبله ایستاد و تکبیر و تهلیل و توحید خدا را گفت و وقوف کرد تا این که سپیده دم کاملا آشکار شد. سپس قبل از طلوع خورشید حرکت کرد.(4)

24. و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همه جای عرفه و مزدلفه موقف است و همه جای منی قربانگاه است.(5)

25. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر قزح وقوف کرد، قزح همان کوهی است که بر روی آن بنا هست.(6)

26. امام صادق علیه السلام فرمود: بر امام موسم حج، مستحب است که بر روی آن وقوف کند.(7)

27. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از جمع (مشعر) کوچ کند، قبل از آنکه مردم کوچ کنند - به جز اشخاص ضعیف و کسانی که بار سنگین دارند و زنان که

1- . دعائم الاسلام 1: 322
2- . دعائم الاسلام 1: 322
3- . دعائم الاسلام 1: 322
4- . دعائم الاسلام 1: 322
5- . دعائم الاسلام 1: 322
6- . دعائم الاسلام 1: 322

7- . دعائم الاسلام 1: 322

به آنان اجازه داده شده - اگر از روی عمد بدین کار اقدام کرده باید قربانی کند و اگر از روی جهل انجام داده، ایرادی بر او نیست.(1)

28. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس نداند و در مزدلفه وقوف نکند و بدون وقوف در عرفات به منی برود، باید بازگردد و وقوف کند.(2)

29. امام صادق علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که از مزدلفه کوچ کرد، آرام می رفت و می فرمود: ای مردم! آرام، آرام. تا این که بر وادی محسر ایستاد و سپس بر شترش زد و شتر دوید تا این که از آنجا خارج شد و سپس به راه رفتن اول خود بازگشت. فرمود: در بطن محسر سعی کردن واجب است و فرمود: رسول خدا به راه افتاد تا این که به جمره عقبه رسید و هفت سنگ به سمت آن پرتاب کرد.(3)

30. و فرمود: روز حج اکبر، روز عید قربان است.(4)

1- . دعائم الاسلام 1: 322
2- . دعائم الاسلام 1: 322
3- . دعائم الاسلام 1: 322
4- . دعائم الاسلام 1: 323

باب چهل ونهم : فرود آمدن در منی و علل آن، احکام رمی جمرات و علل آن

روایات:

1. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل به حضور ابراهیم رسید و به او گفت: ای ابراهیم آرزو کن. بدین سبب منی نامیده می شود و مردم آن را منی نام نهادند.(1)

2. علل الشرائع: معاویه بن عمار نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا خیف را خیف نام نهاده اند؟ فرمود: از این رو آن را خیف نام نهاده اند که از وادی منا بلندتر است و هر چه که از وادی بلندتر باشد خیف نام دارد.(2)

3. المحاسن: پدرم از صفوان همین حدیث را نقل کرده است.(3)

4. علل الشرائع، عیون اخبار الرضا: ابن سنان نقل کرده است که امام رضا علیه السلام فرمود: سببی که به خاطر آن منی را منی نام نهاده اند این است که جبرئیل در آنجا به ابراهیم گفت: ای ابراهیم! از پروردگارت هر چه می خواهی درخواست کن. ابراهیم در دل از خدای خود درخواست کرد که به جای پسرش اسماعیل، خداوند

1- . علل الشرائع: 435
2- . علل الشرائع: 436
3- . المحاسن: 340

برایش قوچی به عنوان قربانی قرار دهد، و فرمان دهد که آن را ذبح کند،پس خواسته او برآورده شد.(1)

مؤلف: برخی از موارد مرتبط با رمی جمرات در باب انواع حج گذشت.

5. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش از امیرالمؤمنین علیهما السلام نقل کردهاند که فرمود: برای فردی که مریض است، به نیابت از وی رمی جمرات می کنند و کودک نیز سنگریزه را می دهد و پرتاب می شود.(2)

6. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادرش علیه السلام نقل کرده است که فرمود: همراه با پدرم در منی بودیم و به جمره عقبه آمد و مردم را دید که کنار آن ایستاده اند.پس به غلام خود که سعید نام داشت فرمود: در میان مردم ندا ده، همانا امام صادق علیه السلام می فرماید: اینجا مکان ایستادن نیست، پس سنگ پرتاب کنید و بروید؛ و سعید ندا داد.(3)

7. گفت: از امام درباره جمره عقبه سؤال کردم که آیا کسی که در روز اول رمی می کند، آنجا میماند؟ فرمود: در اولین روز نمیماند. باید رمی جمرات کند وبازگردد.

8. قرب الإسناد: امام رضا علیه السلام درباره شیوه رمی جمرات فرمود: ازبطن الوادی آن را پرتاب کنید و همه آنها را از سمت راست خود قرار دهید و به بالای جمره پرتاب مکن و باید سنگریزه ها همچون بند انگشت باشد و فرمود: از سنگ های سیاه و سفید و قرمز بر ندار. ازسنگ های خال دار بردار و سنگریزه ها را بر انگشت شصت قرار می دهی و با پشت انگشت اشاره آن ها را پرتاب می کنی. همچنین ایشان فرمود: در کنار دو جمره اول بایست، اما کنار جمره عقبه نایست.(4)

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام 2: 91، علل الشرائع: 435
2- . قرب الاسناد: 71
3- . قرب الاسناد: 106
4- . قرب الاسناد: 158

9. قرب الإسناد: امام رضا علیه السلام فرمود: رمی جمرات نکن، مگر زمانی که پاک باشی.(1)

10. علل الشرائع: علی بن جعفر از برادر خویش موسی علیه السلام نقل کرده است که از ایشان درباره رمی جمرات سؤال کردم که به چه علت قرار داده شده است؟ فرمود: زیرا ابلیس ملعون در محل جمرات بر حضرت ابراهیم ظاهرشد و ابراهیم وی را با سنگ زد و این امر سنت شد. (2)

11. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: اولین کسی که رمی جمرات کرد، آدم علیه السلام بود. و فرمود: جبرئیل نزد ابراهیم رفت و به او گفت: ای ابراهیم پرتاب کن، و او به سمت جمره عقبه سنگ پرتاب کرد، بدین خاطر که ابلیس در آنجا بر ابراهیم ظاهر شد.(3)

12. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که مردم در منی جمع شوند، ندا دهنده ای ندا دهد که ای مردم! اگر می دانستید که در آستانه چه کسی فرود آمده اید، پس از بازگشتن یقین می داشتید که آمرزیده می شوید. سپس خداوند تبارک و تعالی می فرماید: همانا بنده ای که روزی اش را پربار ساختم، اگر هر چهار سال یک بار بر من وارد نشود، محروم است.(4)

13. المحاسن: امام رضا علیه السلام نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که فرد از منی کوچ می کند، فرشته ای دستش را میان شانه های او قرار داده و به او می گوید: عمل خود را از سر گیر.(5)

1- . قرب الاسناد: 174
2- . علل الشرائع: 437
3- . علل الشرائع: 437
4- . المحاسن: 66
5- . المحاسن: 66

14. المحاسن: امام صادق علیه السلام درباره رمی جمر ات فرمود: برای حج گزار با هر سنگی که پرتاب کند، گناه کبیرهمهلکی از وی کاسته می شود.(1)

15. فقه الرضا علیه السلام: سنگریزه های جمرات را از هر کجا که خواستی بردار.(2)

16. روایت شده است که بهترین جایی که از آن سنگریزه برداشته می شود مزدلفه است و این که سنگریزه ها به اندازه بند انگشت و خال دار باشند. آنها را تمیز بشوی و از آنها که یک بار پرتاب شده، برداشته نشود. در روز عید قربان در جمره عقبه هفت سنگریزه پرتاب میکنی، در حالی که در میان وادی روبه قبله می ایستی، به گونه ای که میان تو و جمره ده گام باشد، نه پانزده گام. و در حالی که رو به قبله می ایستی و سنگریزه ها در دست چپ توست می گویی: پروردگارا ! اینها سنگریز ه های من است، آنها را برای من در نزد خود بشمار و همراه عملم به سوی خود بالا بر. سپس یکی از آن ها را برمی گیری و از رو به رو سنگ می زنی و از بالای آن نمی زنی. با هر سنگریزه که پرتاب می کنی تکبیر می گویی. در روز دوم و سوم و چهارم، در هر روز بیست و یک سنگ پرتاب می کنی، به سوی جمره اول هفت سنگ و سپس می ایستی و دعا میخوانی و به جمره دوم نیز هفت سنگ پرتاب می کنی و در کنار آن می ایستی و دعا میخوانی. به سمت جمره عقبه هفت سنگ پرتاب می کنی و در کنار آن نمی ایستی. اگر ندانستی و بالعکس سنگ پرتاب کردی، بار دیگر جمره دوم و جمره عقبه را رمی کن و اگر از دست تو سنگریزه ای رها شد، آن را از هر جای حرم که خواستی برگیر و از سنگهایی که پرتاب شده نگیر و اگر به همراه تو بیماری است که نمی تواند رمی جمرات کند، او را به جمره ببر و به او فرمان ده که با دست خودش به جمره سنگ بزند و اگر دست او

شکسته یا بسته بود یا این که فردی ضعیف و بی عقل بود که نه می توانست خارج شود و نه حمل شود، پس تو به نیابت از وی سنگ

1- . المحاسن: 67
2- . فقه الرضا علیه السلام: 28

پرتاب کن. اگر ندانسته به جمره اول هفت سنگ و به جمره دوم شش سنگ و به جمره سوم سه سنگ زدی، پس به جمره دوم یک سنگ بزن و رمی جمره سوم را تکرار کن.چنانچه از نیمه رمی نگذشته بودی، رمی جمره سوم را از اول تکرار کن و زمانی که از نیمه گذشته بودی، بنا را بر همان بگذار و زمانی که به جمره اول تا قبل از نیمه سنگ زدی بر توست که بار دیگر به سوی آن و مابعد آن از ابتدا پرتاب کنی. و زمانی که در روز چهارم رمی جمرات کردی به مکه برو و رمی جمرات بر تو از اول روز تا زمان ظهر آزاد است.(1)

17. و روایت شده است که از اول روز تا آخر آن می توان رمی جمرات کرد و بهترین زمان آن نزدیک به ظهر است و برای افرادی که در روز میترسند و زنان، رمی جمرات در شب جایز است. پس اگر رمی کردی و در محمل افتاد و از آنجا بر زمین افتاد، آن رمی کافی است. اما اگر در محمل ماند، مجزی نیست و باید یک سنگ دیگر پرتاب کنی.(2)

18. الهدایه: سپس به سوی منی برو تا رمی جمرات کنی و اگر دوست داشتی که سنگی را که پرتاب می کنی از مزدلفه برداری، انجام می دهی و اگر دوست داشتی که سنگریزهها را از منزلت در منی برداری، از این جهت، دستت باز است، پس آن را بشوی و نزد آخرین جمره برو که همان جمره عقبه است و از روبرو به سوی آن هفت سنگ پرتاب کن و از بالای آن مزن و فاصله میان تو و جمره ده یا پانزده ذرع باشد، در حالی که روبروی قبله ایستاده ای و سنگریزه در دست چپ توست، می گویی: خدایا اینها سنگریزه های من است، آنها را برای من به شمار آور و همراه عملم به سوی خودت بالا بر. و همراه با پرتاب هر سنگ می گویی: الله اکبر، خدایا شیطان رانده شده را از من دور کن، خدایا به کتاب و سنت تو و سیره پیامبرت باور دارم،خدایا آن را حجی پاداش یافته و عملی پذیرفته و تلاشی سپاس یافته و گناهی

1- . فقه الرضا علیه السلام: 28
2- . فقه الرضا علیه السلام: 29

آمرزیده شده قرار ده. و سنگ ها باید به اندازه بند انگشت باشد، همچون سنگ های آبگون یا مانند این ها.پس زمانی که نزد چادرت آمدی و از رمی جمرات بازگشتی بگو: خدایا! به تو اطمینان کردم و بر تو توکل کردم، پس همانا بهترین پروردگار تو هستی و چه خوب مولا و یاوری هستی.(1)

19. دعائم اسلام: امام باقر علیه السلام فرمود: مستحب است که سنگریزه ها از مزدلفه برداشته شود.(2)

20. امام صادق علیه السلام فرمود: سنگریزه ها را از مزدلفه برگیر و اگر از منی برداشتی، تو را کفایت می کند.(3)

21. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان سنگریز ه هایی را برای پرتاب جمع می کرد که هر یک از آنها به اندازه بند انگشت بود. مستحب است که سنگ ها به رنگ آبی یا خال دار باشد و مکروه است که سنگ هارا بشکنی، چنان که بسیاری از مردم آن را انجام می دهند. سپس آن را بشوی و اگر نشستی و پاک بود، ایرادی ندارد.(4)

22. از او روایت شده است که فرمود: غسل کردن جهت رمی جمرات مستحب است.(5)

23. امام صادق علیه السلام فرمود: در هر جمره هفت سنگ پرتاب می شود و از بالای وادی زده می شود و جمره طرف راست قرار داده می شود و از بالای جمره نزن و همراه با پرتاب هر سنگ تکبیر گو و پس از فراغ از رمی جمرات بایست و بدان چه که برایت تقسیم شده دعا کن و سپس بار دیگر به سمت منزل خود در منی

1- . دعائم الاسلام: 1: 323
2- . دعائم الاسلام: 1: 323
3- . دعائم الاسلام: 1: 323
4- . دعائم الاسلام: 1: 323
5- . دعائم الاسلام: 1: 323

برو و سنگی را که پرتاب شده، تو پرتاب نکن و اگر نتوانستی سنگریزه بیابی، ایرادی ندارد که از نزدیک جمره بر گیری.(1)

24. امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از مزدلفه آمد، در روز عید قربان از کنار جمره عقبه عبور کرد و هفت سنگ به سوی آن پرتاب کرد، سپس در منی اقامت کرد و این امر سنت است. سپس در ایام تشریق در هر سه روز و زمان ظهر جمرات را رمی می کنی که این عمل بهتر است و می توانی از اول تا آخر روز رمی جمرات کنی و سنگریزه ها را جز در حالت طهارت نزن و کسی که بدون وضو و طهارت رمی جمرات کند، ایرادی بر او نیست.(2)

25. از امام صادق علیه السلام نقل کردهاند که رسول خدا صلی الله علیه و آله رمی جمرات را برای چوپانان در شب مجاز دانسته و فرمود: کسی که نتواست در روز رمی جمرات کند، اگر خواست، در شب آن را انجام دهد.(3)

26. از ایشان روایت شده است که رسول خدا پیاده رمی جمرات می کرد و هر کس سواره رمی جمرات کند، ایرادی بر او نیست.(4)

27. و فرمود: هر کس رمی جمرات را ترک کند، بار دیگر انجام دهد.(5)

28. و فرمود: در روز عید قربان به سوی جمره کبری که همان جمره عقبه است،در بازگشت از مزدلفه سنگ پرتاب می کنند و در ایام تشریق در هر سه روز،جمرات رمی می شود، از جمره صغری آغاز می شود و سپس میانه و در آخر کبری. (6)

1- . دعائم الاسلام: 1: 323
2- . دعائم الاسلام: 1: 323
3- . دعائم الاسلام: 1: 324
4- . دعائم الاسلام: 1: 324
5- . دعائم الاسلام: 1: 324
6- . دعائم الاسلام: 1: 324

29. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس جمره ای را از جمره دیگر پیش اندازد، باید بار دیگر رمی کند.(1)

30. امام علی علیه السلام فرمود:برای مریض به نیابت از وی رمی جمرات می شود.(2)

31. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در کوچ شتاب ورزید و آن را در دو روز انجام داد، آنچه را که نزد او از سنگریزهها باقی مانده، در منی رها کند.(3)

32. از امام علی علیه السلام روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله،زمانی که در روز عید قربان به جمره عقبه سنگ زد، به قربانگاه آمد و فرمود: اینجا قربانگاه است و همه جای منی قربانگاه می باشد و قربانی خود را ذبح نمود و مردم در جایگاه خودشان ذبح کردند.(4)

1- . دعائم الاسلام: 1: 324
2- . دعائم الاسلام: 1: 324
3- . دعائم الاسلام: 1: 324
4- . دعائم الاسلام: 1: 324

باب پنجاهم : قربانی و واجب بودن آن بر متمتع و سایر قربانیها و حکم آنها

آیات:

فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَهِ إِلَی الْحَجِّ فَمَا اسْتَیْسَرَ مِنَ الْهَدْیِ فَمَنْ لَمْ یَجِدْ فَصِیامُ ثَلاثَهِ أَیَّامٍ فِی الْحَجِّ وَ سَبْعَهٍ إِذا رَجَعْتُمْ تِلْکَ عَشَرَهٌ کامِلَهٌ ذلِکَ لِمَنْ لَمْ یَکُنْ أَهْلُهُ حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرامِ (1)

{پس هر کس عمره و حج تمتع انجام داد بایدآنچه از قربانی میسر است قربانی کند و آن کس که قربانی نیافت، باید در هنگام حج سه روز روزه بدارد و چون برگشتید، هفت روز دیگر روزه بدارید. این ده روز تمام است این حج تمتع برای کسی است که اهل مسجد الحرام (مکه) نباشد. }

- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تُحِلُّوا شَعائِرَ اللَّهِ وَ لَا الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ لَا الْهَدْیَ وَ لَا الْقَلائِد(2)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، حرمت شعایر خدا و ماه حرام و قربانی بی نشان و قربانی های گردنبند دار را نگه دارید. }

- جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَهَ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ الْهَدْیَ وَ الْقَلائِد(3)

1- .بقره / 196
2- . مائده / 2
3- . مائده / 97

{خداوند زیارت کعبه بیت الله الحرام را وسیله به پا داشتن مصالح مردم قرار داده و ماه حرام و قربانی های بی نشان و قربانی های نشان دار را نیز به همین منظور مقرر نموده است. }

- وَ یَذْکُرُوا اِسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلی ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَهِ الْأَنْعامِ فَکُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِیرَ(1)

إلی قوله تعالی

وَ لِکُلِّ أُمَّهٍ جَعَلْنا مَنْسَکاً لِیَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلی ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَهِ الْأَنْعامِ (2)

إلی قوله تعالی

وَ الْبُدْنَ جَعَلْناها لَکُمْ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ لَکُمْ فِیها خَیْرٌ فَاذْکُرُوا اسْمَ اللَّه عَلَیْها صَوافَّ فَإِذا وَجَبَتْ جُنُوبُها فَکُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْقانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ کَذلِکَ سَخَّرْناها لَکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ لَنْ یَنالَ اللَّهَ لُحُومُها وَ لا دِماؤُها وَ لکِنْ یَنالُهُ التَّقْوی مِنْکُمْ کَذلِکَ سَخَّرَها لَکُمْ لِتُکَبِّرُوا اللَّهَ عَلی ما هَداکُمْ وَ بَشِّرِ الْمُحْسِنِین (3)

{و نام خدا را در روزهای معدودی به خاطر نعمتهایی که از چهارپایان روزی آنها کرده، بر زبان جاری کنند. پس از اینها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید. }

تا بدین جا که فرمود:

{برای هر امتی مناسکی قرار دادیم تا نام خدا را به خاطر نعمتهایی که از چهارپایان روزی آنها کرده، بر زبان آورند. }

تا این سخن خداوند که فرمود:

1- . حج / 34
2- . حج / 28
3- . حج / 37 - 36

{و شتران فربه را برای شما از جمله شعائر خدا قرار دادیم در آنها برای شما خیر است، پس نام خدا را بر آنها در حالی که بر پای ایستاده اند ببرید و چون به پهلو در غلتیدند از آنها بخورید و به تنگدست سائل و به بینوای غیر سائل بخورانید. این گونه آنها را برای شما رام کردیم، امید که شکرگزار باشید. هرگز نه گوشتهای آنها و نه خونهایشان به خدا نخواهد رسید ولی این تقوای شماست که به او می رسد. این گونه خداوند آنها را برای شما رام کرد تا خدا را به پاس آنکه شما را هدایت نموده به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را مژده باد. }

روایات:

1. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام فرمود: قربانی شامل شتر، گاو و گوسفند است و واجب نیست مگر این که بر گردن آن آویخته شود، بدین معنا که اگر بر گردن آن چیزی آویخت، قربانی کردن آن واجب می شود و فرمود: منظور از «فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْىِ» {بایدآنچه از قربانی میسر است قربانی کند. } گوسفند است. (1)

2. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند «فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْىِ»(2) {و

اگر به علت موانعی بازداشته شدید، آنچه از قربانی میسر است قربانی کنید. } فرمود: قربانی کردن یک گوسفند و شتر و گاو بهتر است.(3)

3. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر از انجام عمره تا حج بهره مند شدی، باید آنچه از قربانی میسر است، یا شتر یا گاو یا گوسفند قربانی کنی. اگر نتوانستی، باید همان طور که خداوند فرموده، روزه بگیری.(4)

1- . تفسیر العیاشی 1: 88
2- . بقره / 196
3- . تفسیر العیاشی 1: 89
4- . تفسیر العیاشی 1: 90

4. امام صادق علیه السلام فرمود: بر رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه تمتع نازل شد، در حالی که ایشان پس از فراغت از سعی بر کوه مروه بود.(1)

5. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَهِ إِلَی الْحَجِّ فَمَا اسْتَیْسَرَ مِنَ الْهَدْی»(2) {پس هر کس عمره و حج تمتع گزارد، بایدآنچه از قربانی میسر است قربانی کند.} فرمود: باید یک قوچ چاق باشد و اگر نیافت، باید یک گوساله را قربانی کند و قوچ بهتر است. اگر نیافت بره ای کوچک را قربانی کند و در غیر این صورت، هرچه از قربانی که میسر شد.(3)

6. کتاب حسین بن سعید و نوادر: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردی قربانی گمشده ای بیابد، باید در روز عید قربان و روز دوم و سوم اعلام کند، سپس در شامگاه روز سوم، آن را از طرف صاحبش ذبح کند.(4)

7. منتخب البصائر: داود رقی نقل کرده است که بعضی از خوارج از من درباره این گفته خداوند تعالی که فرمود: «مِنَ الضَّأْنِ اثْنَیْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَیْنِ» إِلَی قَوْلِهِ «وَ مِنَ الْإِبِلِ اثْنَیْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَیْن» {از گوسفند دو تا و از بز دو تا} تا این سخن او {و از شتر دو و از گاو دو تا} سؤال کردند که خداوند چه چیزی از آن را حلال و چه چیزی را حرام کرده است؟ فرمود: در این باره چیزی نمی دانستم. پس از این که حج گزاردم به نزد امام صادق علیه السلام رفتم و گفتم: جانم به فدایت! همانا مردی از خوارج از من در مورد فلان چیز سؤال کرد. ایشان فرمود: خداوند عز و جل در منی قربانی کردن بره و بز اهلی را حلال کرده و بز کوهی را حرام کرده و این همان سخن اوست که فرمود: {از گوسفند دو تا و از بز دو تا.} همچنین خداوند عز وجل در منی قربانی کردن شتر عراب را حلال و بخاتی را حرام کرده است و در منی قربانی کردن

1- . تفسیر العیاشی 1: 91
2- . بقره / 196
3- . تفسیر العیاشی 1: 91
4- . فقه الرضا علیه السلام: 72

گاو اهلی را حلال و گاو کوهی و وحشی را حرام کرده و این همان گفته اوست که فرمود: {و از شتر دو و از گاو دو تا. } داود رقی گفت: به نزد دوستم بازگشتم و او را از این پاسخ آگاه ساختم و گفت: این سخن را شتر از حجاز آورده است.(1)

8. عده الداعی: امام صادق علیه السلام فرمود: قانع، آن فقیری است که درخواست می کند و معتّر، دوست تو می باشد.(2)

9. الهدایه: سپس قربانی خود را در صورتی که شتر یا گاو بود،از او بخر، در غیر این صورت، قربانی خود را یک قوچ نر و چاق قرار ده،اگر نیافتی، یک گوسفند که بیضه آن را کوبیده باشند و اگر نیافتی، یک بز نر را قربانی کن. اگر نیافتی هر آنچه که برایت میسر شد. و شعائر خداوند را بزرگ دار و پوست و گردنبند و جُل آن را به قصاب نده بلکه آن را به عنوان صدقه بده و چیزی از آن را به سلاخ مده. زمانی که قربانی خود را خریدی رو به قبله بایست و آن را نحر کن یا سر ببر و بگو: رویم را به سمت کسی نموده ام که آسمان ها و زمین را آفرید، پیرو آیین حنیفم و از مشرکان نیستم. نماز، عبادت، زندگی، و مرگم برای خداوند جهانیان است که شریکی ندارد،به این فرمان مأمور شده ام و از مسلمانانم. خدایا از تو و به خاطر تو، به نام خدا، الله اکبر. پروردگارا از من بپذیر. سپس ذبح کن و شتر را نحر کن و تا زمانی که نمرده، سر آن را جدا نکن. سپس از آن بخور و صدقه بده و به هر کس که خواستی هدیه بده و آنگاه موی سرت را بتراش.(3)

10. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام از جانب پدران خود نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله قربانی خود را در منی در مکان ذبح، ذبح کرد و

1- . اختصاص: 54
2- . عده الداعی: 46
3- . الهدایه: 62

فرمود: اینجا محل نحر و سر بریدن است و همه منی قربانگاه است و به مردم فرمان داد و آنان قربانیان خود را در منی در کنار چادرشان ذبح کردند.(1)

11. امام صادق علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را نیز در قربانی خود که صد شتر بود شریک نمود. رسول خدا با دستان خود شصت و سه شتر را نحر کرد و به علی فرمان داد و او بقیه شتران را نحر کرد.(2)

12. امام صادق علیه السلام فرمود: بر انسان مستحب است که اگر می تواند، قربانی خود را به دست خود ذبح کند. اگر نتوانست دستش را روی دست قصاب بگذارد و اگر نتوانست بر سر آن بایستد تا این که آن را نحر کند یا ذبح کند و در آن هنگام خدا را تکبیر گوید.(3)

13. امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «وَ الْبُدْنَ جَعَلْناها لَكُمْ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيها خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْها صَوافَّ فَإِذا وَجَبَتْ جُنُوبُها فَكُلُوا مِنْها»(4) {و شتران فربه را برای شما از جمله شعائر خدا قرار دادیم، در آنها برای شما خیر است، پس نام خدا را بر آنها در حالی که بر پای ایستاده اند ببرید و چون به پهلو در غلتیدند از آنها بخورید. } فرمود: منظور از صواف، صف بستن و به ردیف ایستادن آنهاست زمانی که برای نحر کننده صف می بندند، ایستاده و بسته شده بر سه دست و پا نحر می شوند و این سخن خداوند که فرمود: {چون به پهلو در غلتیدند. } یعنی بر زمین افتادند. فرمود: و همچنین رسول خدا قربانی خود را که شتر بود ایستاده نحر کرد، اما گوسفند و گاو را بر زمین می خوابانند و ذبح می کنند و این سخن خداوند که فرمود: {پس نام خدا را بر آنها ببرید. }یعنی زمان نحر و ذبح «بسم الله الرحمن الرحیم»

1- . دعائم الاسلام 1: 324
2- . دعائم الاسلام 1: 324
3- . دعائم الاسلام 1: 325
4- . حج / 36

بگویید. و کمترین چیز آن است که بگوید: به نام خدا؛ و مستحب است که زمان ذبح قربانی و نحرآن دسته که نحر می شود بگویی: رویم را به سمت کسی نموده ام که آسمان ها و زمین را آفرید، پیرو آیین حنیفم و از مشرکان نیستم. نماز، عبادت، زندگی و مرگم برای خداوند جهانیان است که شریکی ندارد، به این فرمان مأمور شده ام و از مسلمانانم. خدایا از تو و به خاطر تو، به نام خدا.(1)

14. امام صادق علیه السلام فرمود: قربانی مسلما ن را جز مسلمان ذبح نکند.(2)

15. از ایشان نقل شده است که امام شریک شدن در قربانی را برای کسی که قربانی نیافته تا به تنهایی قربانی کند، مجاز دانسته است. در قربانی کردن شتر و گاو تا جایی که بتواند شریک می شود.(3)

16. امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین حیوان یا حیوانات جهت قربانی کردن، ماده شتر و سپس نر آن، ماده گاو و نر آن سپس گوسفند و بز نر و سپس گوسفند و بز ماده است. و حیوان نر توانمند در هر کدام، بهتر است و سپس حیوان ماده و سپس حیوان اخته.(4)

17. امام صادق علیه السلام فرمود: آنچه در قربانی مجزی است، شتر ماده دو ساله، گاو مسن، بز دو ساله است و گوسفند، یک ساله آن را قربانی می کنند و اما یک ساله بز مجزی نیست. زیرا یک ساله گوسفند باردار می شود اما یک ساله دیگر حیوانات باردار نمی شود.(5)

18. امام صادق علیه السلام فرمود: مستحب است که قربانی قوچ شاخ داری باشد که در سبزه زار راه می رود، و در سبزه زار می خورد و در سبزه زار می بیند و در

-1 . دعائم الاسلام 1: 325
-2 . دعائم الاسلام 1: 325
-3 . دعائم الاسلام 1: 325
-4 . دعائم الاسلام 1: 326
-5 . دعائم الاسلام 1: 326

سبزه زار پشکل می کند. قوچی که بر حضرت ابراهیم و بر کوه ایمن در مسجد منی نازل شد این چنین بود و رسول خدا نیز قوچ هایی را که دارای این صفت بودند قربانی می کرد.(1)

19. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا از قربانی کردن «اعضب» نهی فرمودند و «اعضب» یعنی حیوان شکسته شاخ که کل شاخش از درون و برون شکسته باشد نهی کردند، و اگر تنها بیرون آن شکسته باشد، پس آن اقصم است.(2)

20. امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا فرمود هنگام انتخاب حیوان قربانی دقت کنید که چشم و گوشش سالم باشد.(3)

21. از علی علیه السلام روایت شده است که از ایشان درباره قربانی کردن حیوان لنگ سؤال کردند. ایشان فرمود: زمانی که به قربانگاه رسید، در صورتی که لنگی آن آشکار نباشد ایرادی ندارد. اگر لنگی آن آشکار باشد، قربانی کردن آن جایز نیست. همچنین قربانی کردن عجفاء یا همان حیوان لاغر جایز نیست.(4)

22. امام علی علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شتر جداء و جرباء را نباید قربانی کرد، و جداء ماده شتری است که نوک پستانهایش قطع شده و خشکیده پستان است و شتر جرباء آن است که به گری مبتلا شده است.(5)

23. امام علی علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت از قربانی کردن جدعاء و هرمه - پیر- نهی فرمود، جدعاء حیوانی است که گوشهایش قطع شده است.(6)

1- . دعائم الاسلام 1: 326
2- . دعائم الاسلام 1: 326
3- . دعائم الاسلام 1: 326
4- . دعائم الاسلام 1: 326
5- . دعائم الاسلام 1: 326
6- . دعائم الاسلام 1: 326

24. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که قربانی کردن مقابله، مدابره، شرقاء و خرقاء را مکروه و ناپسند دانست. مقابله حیوانی است که قدری از قسمت بالای گوشش قطع شده است و تکه گوش آن آویزان است. مدابره حیوانی است که انتهای گوشش قطع شده است. شرقاء حیوانی است که گوشش به دو قسمت شکافته شده و خرقاء حیوانی است که گوشش به صورت دایره سوراخ شده است.(1)

25. و فرمود: اگر فردی قربانی را سالم خریداری کند و آن را (با تقلید یا اشعار) واجب کند و پس از آن دچار عیب شود کفایت می کند و اگر آن را واجب نکرده، آن را عوض کند.واجب کردن قربانی، اشعار یا تقلید آن است.(2)

26. و فرمود: هر کس قربانی را بخرد و عیب آن را نداند اما وقتی بهای آن را پرداخت و آن را تحویل گرفت، عیب را ببیند؟ فرمود:قربانی کردن آن گوسفند جایز است و اگر پول آن را پرداخت نکرده، باید قربانی را بازگرداند و آن را عوض کند.(3)

27. و درباره قربانی که قبل از رسیدن به قربانگاه خسته و مانده شود فرمود: آن را نحر می کنند و به نعلی که به آن آویخته شده خون می مالند و سپس آن را رها می کنند تا کسی که از کنار آن عبور می کند بداند که آن حیوان قربانی شده است.پس اگر دوست داشت از گوشتش بخورد. اگر آن حیوان نذر یا کفاره باشد، آن قربانی مضمون است و بر اوست که به جای آن، یک قربانی دیگر بخرد و اگر مستحب باشد، تکلیف از او ساقط است. و از آنچه که مستحب است می خورد و از آنچه که بر او واجب بوده نمی خورد. و قربانی که خسته و مانده شده، فروخته نمی شود، چه واجب باشد یا غیر واجب و قربانی هر کس هلاک شود و حیوانی نیابد که به جای آن قربانی کند، خداوند نسبت به پذیرش عذر وی سزاوارتر است.(4)

1- . دعائم الاسلام 1: 326
2- . دعائم الاسلام 1: 326
3- . دعائم الاسلام 1: 326
4- . دعائم الاسلام 1: 327

28. و فرمود: هر کس که قربانی خود را گم کند و به جای آن قربانی بخرد و سپس آن را بیابد، اگر قربانی دوم را با اشعار و تقلید بر خود واجب کرده، هر دو آنها را نحر کند و اگر واجب نکرده، مختار است. اگر قربانی خود را نزد کسی بیابد که آن را خریده و نحر کرده، اگر بخواهد، آن را بگیرد و تکلیف از کسی که آن را نحر کرده ساقط نمی شود.(1)

29. و فرمود: هر کس که قربانی گمشده‌ای را بیابد باید اعلام کند و اگر صاحب آن را نیابد در آخرین روزهای نحر به نیابت از صاحبش آن را نحر کند.(2)

30. و فرمود: هر کس قربانی خود را نحر کند و دزدیده شود، تکلیف از او ساقط است.(3)

31. امام باقر علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد، هر کس قربانی همراه آورده،آن را تعریف کند، یعنی در عرفه و تمامی مناسک، آن را با خود ببرد.(4)

32. امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که قربانی خود را نحر کرد، دستور داد که از هر شتری قطعه ای بیاورند و پخته شود. سپس از گوشت آن خورد و به من دستور داد و من نیز از آن خوردم و از آبگوشت آن سرکشید و به من فرمان داد و نیز از آن سرکشیدم و در قربانی خود مرا شریک ساخت و فرمود: هر کس از آبگوشت بخورد، از گوشت خورده است.(5)

33. امام صادق علیه السلام فرمود: شایسته است کسی که قربانی مستحب می کند و یا حج گزاری که قربانی اش را ذبح می کند، از آن بخورد و سپس صدقه دهد

1- . دعائم الاسلام 1: 327
2- . دعائم الاسلام 1: 327
3- . دعائم الاسلام 1: 328
4- . دعائم الاسلام 1: 328
5- . دعائم الاسلام 1: 328

و این حد و اندازه خاصی ندارد، هر اندازه که دوست داشت می خورد و اطعام می دهد و هدیه و صدقه می دهد. خداوند عز و جل فرمود: «فَكُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْقانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ» و فرمود: «فَكُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِيرَ»{از آنها بخورید و به تنگدست سائل و به بینوای غیر سائل بخورانید.} و فرمود: {پس از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید.} (1)

34. امام علیه السلام فرمود: حج گزاری که ذبح می کند، یا این که قربانی می کند، نمی تواند از گوشت قربانی چیزی را از منی بیرون ببرد و ایرادی ندارد که از کوهان آن جهت درمان و دوا و پوست و پشم و مو و پی آن و چیزی که برایش سودمند است بردارد. مستحب است که پوست آن را صدقه دهد و ایرادی ندارد که پوست و گوشت و رو انداز آن را به عنوان دستمزد به قصاب بدهد.(2)

35. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هر کس قربانی را بخرد و قبل از خریدن خیال کند چاق است اما لاغر از کار دربیاید، تکلیف از او ساقط است و همچنین اگر قربانی را بخرد در حالی که به نظرش لاغر است و آن را چاق یابد، کفایت می کند.(3)

36. امام صادق علیه السلام فرمود: بر صاحب قربانی است که اگر آن را (با اشعار یا تقلید) بر خود واجب نکرده، آن را عوض کند.(4)

37. و درباره این سخن خداوند «لیشهدوا منافع لهم و یذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم من بعیمه الانعام»(5)، {تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی به خاطر نعمتهایی که از چهارپایان بر آنها روزی کرده، ذکر کنند.} فرمود: روزهای معلوم ایام تشریق است و همچنین روزهای شمارش شده نیز

1- . دعائم الاسلام 1: 328
2- . دعائم الاسلام 1: 328
3- . دعائم الاسلام 1: 328
4- . دعائم الاسلام 1: 328
5- . حج / 28

ایام تشریق می باشد و ایام تشریق سه روز پس از روز نحر است. گفته شده که به این دلیل آن را ایام تشریق نام نهاده اند که در این ایام، مردم سفرههای گوشت قربانی را آفتاب میکردند یعنی در مقابل خورشید پهن می کردند تا خشک شود. بنابراین روز نحر همان عید قربان و روز پس از آن اولین روز از ایام تشریق به حساب می آید که به آن یوم القر گفته می شود. بدین دلیل آن را یوم القر نام نهاده اند که مردم در آن روز در منی مستقر می شوند و عامه آن را یوم الرؤوس یا روز کلّه ها نام می نهند، زیرا آن روز، کله های قربانی را می خوردند. روز پس از آن را یوم النفر الاول نام نهاده اند و روز بعد آن را یوم النفر الآخر نام نهاده اند و آن آخرین روز از ایام تشریق می باشد.(1)

38. تفسیر علی بن ابراهیم: «ذلک و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب»(2)، {این

است فرائض خدا و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت آن حاکی از پاکی دلهاست.} فرمود: بزرگ بودن شتر و ممتاز بودن آن است. درباره این سخن خداوند «لَكُمْ فِيها مَنافِعُ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى» {برای شما در آن دامها تا مدتی معینی منافعی است.} فرمود: محرم از مکانی که در آن محرم می شود بر شتر سوار می شود و نباید به شتر ضرری برساند و نباید خشونت کند و اگر دارای شیر باشد، از شیر آن تا روز عید قربان می نوشد. سخن خداوند: «ثُمَّ مَحِلُّها إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ» {سپس جایگاه قربانی کردن آنها و سایر فرایض در خانه کهن کعبه است.} و این سخن خداوند: «فَلَهُ أَسْلِمُوا وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ» {پس به فرمان او گردن نهید و فروتنان را بشارت ده.} فرمود: عبادت کنندگان و سخن خداوند: «فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْها صَوافَّ» {پس نام خدا را بر آنها در حالی که برپای ایستاده اند ببرید} فرمود: ایستاده نحر می شوند. «فَإِذا وَجَبَتْ جُنُوبُها» {چون به پهلو در غلتیدند} یعنی بر زمین افتادند «فَكُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْقانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ» {از آنها بخورید و به تنگدست [سائل] و به بینوا[ی غیر سائل بخورانید].} فرمود: قانع کسی است که درخواست می کند و تو به

1- . دعائم الاسلام 1: 328
2- . حج/ 32

او می بخشی و معترِ کسی است که نیازمند کمک است اما درخواست نمی کند. سخن او «لَنْ يَنالَ اللّهَ لُحُومُها وَ لا دِماؤُها وَ لكِنْ يَنالُهُ التَّقْوى مِنْكُم» {هرگز نه گوشتهای آنها و نه خونهایشان به خدا نخواهد رسید و این تقوای شماست که به او می رسد.} یعنی اگر تقوی نداشته باشد، آنچه را که به واسطه آن به خدا تقرب می جویدبه خدا نمی رسد، هر چند آن را نحر کند، و خداوند تنها از پرهیزکاران می پذیرد.(1)

39. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش و او از امام علی علیهم السلام نقل کرده است که فرمود: محرم از فدیه و کفارات و کفاره شکار نمی خورد و از غیر آن می خورد.(2)

40. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادرش علیه السلام سؤال کرد که چطور باید شتر را نحر کرد؟ ایستاده یا خوابیده؟ فرمود: آن را می بندد، اگر خواست ایستاده یا خوابیده آن را نحر میکند.(3)

41. گفت: از ایشان درباره حیوان قربانی سؤال کردم که شخص نمی داند و آن را می خرد و پس از خرید آن می فهمد که یکچشم است،آیا تکلیف از او ساقط است؟ فرمود: آری، مگر این که هدی باشد، چرا که این در هدی جایز نیست.(4)

42. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: حیوان اخته برای قربانی کفایت نمیکند، زیرا دارای نقص است. حیوان موجوء - حیوانی که بیضه آن را فشار داده باشند - کفایت میکند، در صورتی که غیر از آن وجود نداشته باشد. و در آن آمده: قربانی کردن برای کسی که حج تمتع گزارده، واجب است.(5)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم: 440
2- . قرب الاسناد: 70
3- . قرب الاسناد: 104
4- . قرب الاسناد: 105
5- . الخصال 2: 394

43. علل الشرائع: امام باقر علیه السلام فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله از ذخیره کردن گوشت قربانیان جهت نیاز بیش از سه روز نهی کرده اند، اما امروز بلا اشکال است.(1)

44. المحاسن: جمیل از محمد بن مسلم این حدیث را نقل کرده است.(2)

45. علل الشرائع: جمیل گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ذخیره کردن گوشتهای حیوانات قربانی شده در منی بیش از سه روز سؤال کردم. فرمود: امروز ایرادی ندارد، رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابتدا از آن نهی کرد، زیرا مردم در آن روز در سختی و مشقت بودند، اما امروز ایرادی ندارد.(3)

46. امام صادق علیه السلام فرمود: پیشتر مردم را از بیرون بردن گوشت قربانیان بیش از سه روز به سبب کم بودن گوشت و کثرت جمعیت نهی می کردیم، اما امروز گوشت زیاد شده و مردم نیز کم شده اند، پس بیرون بردن ایرادی ندارد.(4)

47. المحاسن: یونس نیز این حدیث را تا این قسمت «اما امروز ایرادی ندارد»، نقل کرده است.(5)

48. علل الشرائع: امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از سه چیز شما را نهی کرده بودم: شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، از این پس زیارت کنید. و از ذخیره کردن گوشت قربانیان منی پس از سه روز، آگاه باشید بخورید و ذخیره کنید. و از در خمره ریختن شما را بر حذر داشته ام، آگاه باشید که می توانید در خمره بریزید ولی هر مسکری حرام است، یعنی آنچه که آن را صبح در

1- . علل الشرائع: 438
2- . المحاسن: 320
3- . علل الشرائع: 439
4- . علل الشرائع: 439
5- . المحاسن: 320

خمره می ریزند و شب می نوشند و یا شب می ریزند و در بامداد می نوشند، زمانی که به جوش آید حرام است.

49. السرائر: جمیل نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره متمتع سؤال کردم که چه مقدار باید کفاره دهد؟ فرمود: یک گوسفند. (1)

50. معانی الأخبار: علی علیه السلام فرمود: جبرئیل بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: اصحابت را به عج و ثج فرمان ده. عج به معنای بالا بردن صداها جهت لبیک گفتن و ثج، نحر شتر است.(2)

51. علل الشرائع: حارث بن مغیره نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که به نیابت از مادر خود حج تمتع گزارده و جهت انجام حج به نیابت از پدر خود آماده شده. فرمود: اگر قربانی کند برای او بهتر است و اگر قربانی نکند بر او چیزی نیست، زیرا وی به نیابت از مادر خود حج تمتع انجام داده و برای انجام حج به نیابت از پدر خود نیز آماده شده است.(3)

52. علل الشرائع: حماد بن عثمان نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: حداقل سنی که یک گوسفند جهت قربانی شدن باید داشته باشد؟ فرمود: گوسفند یک ساله. گفتم: بز یک ساله چطور؟ فرمود: جایز نیست. به امام گفتم: جانم به فدایت! علت آن چیست؟ فرمود: زیرا گوسفند یک ساله بارور می شود اما بز یک ساله خیر.(4)

53. المحاسن: پدرم از محمد بن یحیی این حدیث را نقل کرده است.(5)

1- . السرائر: 480
2- . معانی الاخبار: 223
3- . علل الشرائع: 441
4- . علل الشرائع: 441
5- . المحاسن: 340

54. معانی الأخبار: عبدالرحمن ابن ابی عبدلله نقل کرده است که امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «فَإِذا وَجَبَتْ جُنُوبُها» {چون به پهلو در غلتیدند. } فرمود: یعنی زمانی که بر زمین افتادند از آنها بخورید و درباره این گفته خدا «ِ فَکُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْقانِعَ وَ الْمُعْتَر» {از آنها بخورید و به تنگدست [سائل] و به بینوا[ی غیر سائل بخورانید]. }(1)

فرمود: قانع کسی است که بدان چه که بدو بخشی راضی می شود و ناراحت نمی شود و چهره در هم نمی کشد و دهانش از فرط خشم کف نمی کند و معتر کسی است که رهگذر استو تو او را اطعام می کنی.(2)

55. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: سعید بن عبدالملک به سفر حج رفت و با پدرم دیدار کرد و فرمود: من قربانی را همراه آوردم، چه کار کنم؟ فرمود: یک سوم آن را به خانواده خویش و یک سوم آن را به قانع و یک سوم آن را به مسکین بده. گفتم: آیا مسکین همان سائل است؟ فرمود: آری. قانع کسی است که با دادن اندک کالایی به او و نه بیشتر قانع می شود و معتر کسی است که در مسیر تو قرار میگیرد، اما درخواست کمک نمی کند.(3)

56. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شهادت مرد و زن خیانتکار، و کسی که با برادرش دشمنی دارد، و کسی که «الظنین فی الولاء و القرابه» است،و کسی که«القانع مع اهلالبیت معهم» است،پذیرفته نمی شود، اما خیانت علاوه بر خیانت در مال، موارد بسیاری را شامل می شود، از آن جمله این که: در مورد ناموسی به او اطمینان کنند، اما امانت را ادا نکند؛ یا رازی با وی در میان نهاده شود که اگر فاش شود امانت گذار هلاک می شود یا رسوا می شود؛ یا این که در حکمی میان دو نفر یا بیشتر به او اعتماد کنند اما وی به عدالت حکم نکند؛ یا این که در چیزی ازدارایی خیانت کند؛ یا این که شهادتی را کتمان کند؛ یا این که طرف مشورت قرار گیرد اما

1- . حج / 37
2- . معانی الاخبار: 208
3- . معانی الاخبار: 208

عمداً بر خلاف صواب و درستی مشورت دهد و مواردی شبیه به آن. غمر به معنای دشمنی و کینه توزی است و اما «ظنین فی الولاء و القرابه»، کسی است که متهم به این است که به غیر پدرش خوانده شده، یا آن است که متولّی بهغیر از موالی خود است، و گاهی بدین معناست که در شهادت دادن به نفع نزدیکان خود متهم شود. ظنین همچنین به معنای فردی است که در دین خود متهم است و «القانع مع اهلالبیت معهم» مردی است که در حاشیه خانواده ای به عنوان خادم، پیرو، و اجیر آنها و مانند آن زندگی می کند. قنوع در اصل، مردی است که همراه با مردی دیگر باشد و خواستار بخشش او باشد و با گفتهای، نیکی او را بطلبد، پس این فرد، هزینه زندگی خود را از این اشخاص طلب می کند، بنابراین شهادت وی برای آنان جایز نیست. خداوند متعال فرمود: «فَکُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْقانِعَ وَ الْمُعْتَر» {از آنها بخورید و به تنگدست [سائل] و به بینوا[ی غیر سائل بخورانید]. } قانع فردی است که بدان چه که به او می دهی قانع می شود و درخواست می کند و اما معتر کسی است که در مسیر قرار میگیرد و درخواست نمی کند. به این نوع قناعت گفته می شود: قنَع یقنَع قنوعا. اما فرد قانع و خشنود از آنچه که خداوند عز وجل به او عطا کرده از این دسته نیست و بدان گفته می شود: قنِعت اقنِع قناعه با کسر نون، در حالی که آن یکی با فتح است و آن یکی از قنوع گرفته شده و این از قناعت.(1)

57. قرب الإسناد: بزنطی گوید: از امام رضا علیه السلام درباره قانع و معتر سؤال کردم. فرمود: قانع کسی است که بدان چه که بدان بدهی قانع می شود و معتر کسی است که بر تو گذر می کند.(2)

58. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: علی بن الحسین علیه السلام فرمود: زمانی که حج گزار قربانی کند، فدیه او از آتش است - از آتش نجات می یابد -.(3)

1- . معانی الاخبار: 208
2- . قرب الاسناد: 155
3- . المحاسن: 67

59. المحاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به فاطمه سلام الله علیها فرمود: در صحنه ذبح قربانی حضور داشته باش، چرا که در ازای اولین قطره ای که از آن فرو می چکد، خداوند همه گناهانت را می بخشد و خطاهایت را نادیده می گیرد. برخی از مسلمانان شنیدند و گفتند: ای رسول خدا، آیا این تنها منحصر به خاندان توست؟ یا این که برای عموم مسلمانان است؟ فرمود: خداوند به من وعده داده که هیچ یک از افراد عترت و خاندان من را طعمه آتش نکند و این شامل همه مردم است.(1)

60. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند اطعام کردن غذا و ریختن خون در منی را دوست می دارد.(2)

61. فقه الرضا علیه السلام: هر شکاری که در زمان عمره یا حج تمتع مرتکب شدی، آنچه که از کفاره بر عهده توست در مکه در کنار حزّوره روبروی کعبه در قربانگاه، ذبح یا نحر کن؛ و اگر خواستی،نحر کردن آن را تا ایام تشریق به تاخیر می اندازی و در منی نحر می کنی. این نیز روایت شده است که اگر حج تمتع یا شبیه به آن از کفاره حج بر عهده تو واجب شد، آن را جز در منی ذبح نکن و اگر خونی واجب بر عهده توست، آن را قلاده میبندی یا جُلّ بر آن میاندازی یا اشعار میکنی.پس آن را جز در روز عید قربان در منی ذبح نکن و هرگاه خواستی که شترت را اشعار کنی، با یک تیغ از سمت راست بر کوهان آن می زنی، اگر تعداد شتران زیاد بود، در میان آنها داخل میشوی و از سمت چپ و راست با تیغ بر آنها بزن و هرگاه خواستی که آن را نحر کنی، پس در حالی نحر کن که ایستاده روبروی قبله باشد و هرگاه خوابیده باشد، آن را اشعار می کنی؛ و سپس از قربانی خود بخور و به قانع و معتر نیز از گوشت آن بخوران. قانع کسی است که بدان چه که به او می دهی قانع

1- . المحاسن: 67

2- . المحاسن: 388

می شود و معتر کسی است که بر تو گذر میکند. چیزی از گوشت قربانی را به قصاب نمی دهی و از کفاره

شکار نخور اگرچه ناچار شدی، زیرا که آن تمامیت حج توست.(1)

62. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که به منی آمدی، قربانی خود را بخر و آن را ذبح کن. زمانی که خواستی آن را ذبح یا نحر کنی بگو: رویم را به سمت کسی نموده ام که آسمان ها و زمین را آفرید، پیرو آیین حنیفم و از مشرکان نیستم. نماز، عبادت، زندگی و مرگم برای خداوند جهانیان است که شریکی ندارد، به این فرمان مأمور شده ام و از مسلمانانم. خدایا این از تو و برای تو و به تو و به سوی توست. به نام خداوند بخشنده مهربان. الله اکبر. پروردگارا ! از من بپذیر چنان که از ابراهیم دوستت و از موسی همسخنت و محمد حبیبت که درود خدا بر تمامی آنان باد پذیرفتی. چاقو را در گلوی قربانی بکشو تا قربانی نمرده، سر آن را جدا نکن و برای قربانی از شتر مجزی نیست مگر این که ثنی باشد و «ثنی» - آن شتری است که یک سال آن تمام شده و وارد دو سالگی شده است - باشد. وگوسفند نیز باید یک ساله باشد و گاو، پنج نفر را کفایت میکند.(2)

63. و روایت شده است اگر از یک خانواده باشند، هفت نفر را کفایت میکند.(3)

64. روایت شده است که تنها یک نفر را کفایت میکند، پس زمانی که قربانی ات را نحر کردی، از آن می خوری و بقیه را صدقه می دهی.(4)

65. روایت شده است که اگر قربانی وجود نداشته باشد، یک گوسفند، هفتاد نفر را کفایت میکند.(5)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 28
2- . فقه الرضا علیه السلام: 28
3- . فقه الرضا علیه السلام: 28
4- . فقه الرضا علیه السلام: 28
5- . فقه الرضا علیه السلام: 28

باب پنجاه و یکم : کسی که قربانی نیابد

روایات:

1. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام از پدر خود و ایشان از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است که درباره این گفته خداوند عز و جل «فَصِیامُ ثَلاثَهِ أَیَّامٍ فِی الْحَج» {باید در هنگام حج سه روز روزه بدارد.} فرمود: یک روز قبل از ترویه و روز ترویه و روز عرفه را روزه بدارد، هر کس این ایام از دست او رفت، باید در در لیله الحصبه که همان شب حرکت است سحری بخورد.(1)

2. قرب الإسناد: بزنطی نقل کرده است که از امام رضا علیه السلام درباره متمتع پرسیدم که غیر از لباسهایی که مورد نیاز اوست، لباس اضافی نیز دارد که ارزش این لباسهای اضافی صد درهم است؛ آیا چنین کسی از زمره افرادی است که قربانی کردن بر او واجب است؟ ایشان فرمود: میتواند کرایه و نفقه دهد؟ به امام گفتم: میتواند کرایه و نفقه دهد و هنوز به این لباسهای اضافی احتیاج ندارد. فرمود: با لباس صد درهمی چه چیزی میدهند؟! این مصداق افرادی است که خداوند درباره آنان فرمود: «فَمَنْ لَمْ یَجِدْ فَصِیامُ ثَلاثَهِ أَیَّامٍ فِی الْحَجِّ وَ سَبْعَهٍ إِذا رَجَعْتُمْ»(2) {و آن کس که قربانی نیافت، باید در هنگام حج سه روز روزه بدارد و چون برگشتید، هفت روز دیگر روزه بدارید.}(3)

ص: 410

1- . قرب الاسناد: 10
2- . بقره / 196
3- . قرب الاسناد: 174

3. قرب الإسناد: امام رضا علیه السلام فرمود: اگر حج تمتع گزار دو روز روزه بگیرد و در روز سوم روزه نگیرد، روزه گرفتن در سه روز از ایام حج را از دست داده و باید در مکه سه روز پیاپی روزه بگیرد، اگر نتواند و یا شرایط برایش فراهم نشود، پس باید در مسیر، سه روزه روزه بدارد و بر اوست که زمانی که به سوی خانواده خود بازگشت، ده روز پی در پی روزه بدارد.(1)

4. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که از قربانی کردن عاجز شدی و برایت ممکن نشد، روز قبل از ترویه و روز ترویه و روز عرفه را روزه می گیری و زمانی که به سوی خانواده خود بازگشتی، هفت روز دیگر را روزه می گیری. اگر موفق نشدی که در این سه روز روزه بداری، صبح لیله الحصبه و دو روز پس از آن را روزه می داری. اگر بهای قربانی را داشتی، اما قربانی نیافتی، پس پول خود را به یکی از اهالی مکه بسپار که آن را در در ماه ذی حجه خریداری کند و به نیابت از تو ذبح کند. اگر ماه ذی حجه سپری شد و برای تو قربانی نخرید،آن را تا ماه ذی حجه سال بعد به تعویق بینداز، چرا که آن ایام ذبح است.(2)

5. فقه الرضا علیه السلام: هر کس که حج تمتع گزار بوده، اما قربانی نیافته، باید سه روز در هنگام حج روزه بدارد و زمانی که به نزد خانواده خود بازگشت، هفت روز دیگر نیز روزه بدارد، این ده روز کامل است.(3)

6. تفسیر العیاشی :عبدالرحمن بن حجاج نقل کرده است: ایستاده نماز می خواندم، در حالی که امام موسی بن جعفر علیه السلام جلوی من نشسته بود و من نمی دانستم. عباد بصری به نزد امام آمد و بر ایشان سلام کرد و نشست و گفت: ای اباالحسن! چه می گویی درباره کسی که حج تمتع گزارده اما قربانی نداشته است؟ امام فرمود: در همان روزهایی که خداوند فرموده روزه می گیرد. به صحبتهای آن دو

1- . قرب الاسناد: 174
2- . فقه الرضا علیه السلام: 280
3- . فقه الرضا علیه السلام: 28

توجه کردم. عباد گفت: آن روزها کدام است؟ امام فرمود: قبل از ترویه، روز ترویه و روز عرفه. عباد گفت: اگر این روزها را از دست داد؟ امام فرمود: در صبحگاه حصبه و دو روز پس از آن روزه می گیرد. گفت: آیا شما آنگونه که عبدالله بن حسن فرمود نمی گویی؟ امام فرمود: ایشان چه گفت؟ عباد گفت: در ایام تشریق روزه می گیرد. امام فرمود: جعفر علیه السلام می فرمود: رسول خدا به بلال فرمان داد که ندا دهد که این روزهای خوردن و نوشیدن است و کسی هرگز روزه نگیرد. عباد گفت: ای ابا الحسن! خداوند فرمود: «فَصِیامُ ثَلاثَهِ أَیّامٍ فِی الْحَجِّ وَ سَبْعَهٍ إِذا رَجَعْتُمْ»(1) {آن کس که قربانی نیافت، باید در هنگام حج سه روز روزه بدارد و چون برگشتید، هفت روز دیگر روزه بدارید.}فرمود: همانا جعفر علیه السلام می فرمود: دو ماه ذی قعده و ذی حجه ماه های حج هستند.(2)

7. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که از اعمال عمره به حج پرداخت و قربانی همراه او نبود، قبل از ترویه و روز ترویه و روز عرفه را روزه بگیرد. اگر در این روزها روزه نگرفت، در مکه روزه بگیرد. اگر از مکه زود حرکت کردند، در راه روزه بگیرد و اگر در مکه به اندازه مسیر خود تا رسیدن به منزلش اقامت کرد و خواست که هفت روز روزه بگیرد، این کار را انجام دهد.(3)

8. تفسیر العیاشی: عبدالله بن جارود نقل کرده است که از امام کاظم علیه السلام درباره این سخن خداوند که فرمود: «فَصِیامُ ثَلاثَهِ أَیّامٍ فِی الْحَجِ» {در هنگام حج سه روز روزه بدارد.} سؤال کردم. ایشان فرمود: قبل از روز ترویه و روز ترویه و عرفه را روزه می گیرد. هر کس این روزها را از دست داد، باید قضای آن را در بازمانده ماه

1- . بقره / 196
2- . تفسیر العیاشی 1: 91
3- . تفسیر العیاشی 1: 92

ذی حجه بگیرد، زیرا که خداوند متعال فرمود: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُوماتٌ» {حج در ماه های معینی است}.(1)

9. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «فَصِیامُ ثَلاثَهِ أَیّامٍ فِی الْحَجِ» {در هنگام حج سه روز روزه بدارد.} فرمود: روز قبل از ترویه، و روز ترویه و عرفه را روزه می گیرد. هر کس این روزها را از دست داد، باید قضای آن را در بازمانده ماه ذی حجه بگیرد، زیرا که خداوند متعال فرمود: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُوماتٌ» {حج در ماه های معینی است}.

10. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «ِ فَصِیامُ ثَلاثَهِ أَیّامٍ فِی الْحَجِّ وَ سَبْعَهٍ إِذا رَجَعْتُم» {در هنگام حج سه روز روزه بدارد و چون برگشتید هفت روز دیگر روزه بدارید.} فرمود: زمانی که به سوی خانواده خود بازگشتی.(2)

11. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره کسی که سه روز روزه خود را در ماه ذی الحجه نگرفته تا این که هلال ظاهر شده فرمود: باید قربانی کند، زیرا خداوند فرمود: «فَصِیامُ ثَلاثَهِ أَیّامٍ فِی الْحَج» {در هنگام حج سه روز روزه بدارد.} یعنی در ماه ذی حجه. ابن ابی عمیر گفت: و هفت روزه از او ساقط می شود(3)

12. تفسیر العیاشی: علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره گرفتن سه روز روزه هنگام حج و هفت روز آن سؤال کرد که آیا پشت سرهم روزه بگیرد یا این که میان آنها فاصله اندازد؟ ایشان فرمود: سه روز را بدون فاصله می گیرد و سه روز و هفت روز را با هم جمع نمی کند.(4)

ص: 413

1- . تفسیر العیاشی 1: 92
2- . تفسیر العیاشی 1: 92
3- . تفسیر العیاشی 1: 92
4- . تفسیر العیاشی 1: 92

13. تفسیر العیاشی: علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره گرفتن سه روز روزه هنگام حج و هفت روز آن سؤال کردم که آیا پشت سرهم روزه بگیرد یا این که میان آنها فاصله اندازد؟ فرمود: سه روز و هفت روز را روزه می گیرد، میان هر یک از آنها فاصله نمی اندازد و این دو را، یعنی این سه روز و آن هفت روز را با یکدیگر جمع نمی کند.(1)

14. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام از پدر خود و ایشان از علی علیه السلام نقل کرده است که درباره گرفتن سه روز روزه زمان حج فرمود: یک روز قبل ترویه، روز ترویه و روز عرفه را روزه بگیرد. اگر فراموش کرد، شب حصبه را سحری بخورد.(2)

16. امام علی علیه السلام فرمود: زمانی که روزه گرفتن را فراموش کند، باید روزه خود را از یوم النفر آغاز کند.(3)

17. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام از پدر خود و ایشان از علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: تمتع گزار قبل از روز ترویه و در روز ترویه و روز عرفه روزه می گیرد. اگر فراموش کند که این سه روز در حج را روزه بگیرد و نتواند قربانی کند، وقتی ایام تشریق سپری شد روزه بگیرد، در شب حصبه سحری بخورد و در حال روزه صبح کند.(4)

1- . تفسیر العیاشی 1: 92
2- . تفسیر العیاشی 1: 93
3- . تفسیر العیاشی 1: 93
4- . تفسیر العیاشی 1: 93

باب پنجاه و دوم : قربانی و احکام آن

روایات:

1. قرب الإسناد: ابن بکیر نقل کرده است که در کنار امام صادق علیه السلام نشسته بودم. حفص بن قاسم از ایشان پرسید: آیا به نظر شما حیوان اخته را قربانی می کنند؟ فرمود: اگر تنها گوشت آن را می خواهید، پس انجام دهید(1)

2. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادرش علیه السلام درباره حیوان قربانی سؤال کرد که شخص نمی داند و حیوان را یک چشم می خرد و پس از خرید آن می فهمد که یکچشم است، آیا تکلیف از او ساقط است؟ فرمود: آری، مگر این که هدی باشد، زیرا این نقص در هدی جایز نیست. (2)

3. گوید: از ایشان درباره قربانی سؤال کردم که به اشتباه آن راذبح می کند و نام غیر صاحبش را می برد، آیا تکلیف از صاحب قربانی ساقط است؟ فرمود: آری فقط آن چیزی است که نیت کرده است.(3)

4. گفت: از ایشان درباره پوست قربانی سؤال کردم که آیا بر کسی که آن را قربانی کرده رواست که پوست آن را به کیف تبدیل کند؟ فرمود: روا نیست که آن را کیف قرار دهد مگر این که بهای آن را صدقه بدهد.(4)

1- 1. قرب الاسناد: 80
2- . قرب الاسناد: 105
3- . قرب الاسناد: 105
4- . قرب الاسناد: 106

5. گفت: از ایشان درباره ایام قربانی در غیر از روزهای منی سؤال کردم. فرمود: سه روز.(1)

6. گفت: از ایشان درباره مرد مسافری سؤال کردم که دو روز پس از گذشت موعد قربانی کردن آمده، آیا رواست که در روز سوم قربانی کند؟ فرمود: آری.(2)

7. الخصال: در آنچه که پیامبر در آن به علی علیه السلام سفارش کرده، آمده است: ای علی! در چهار چیز چانه نزن: خرید قربانی، کفن، برده و کرایه مکه.(3)

8. الخصال: محمد بن عیسی نیز در حدیثی از امام باقر علیه السلام مانند حدیث فوق را نقل کرده است.(4)

9. الخصال: حسین بن خالد نقل کرده است که به اباالحسن علیه السلام گفتم: قربانی یک شتر، تکلیف را ازچند نفر ساقط میکند؟ فرمود: یک نفر گفتم: گاو چه؟ فرمود: پنج نفر، اگر از یک سفره غذا بخورند. به امام گفتم: چگونه است که قربانی کردن شتر تنها برای یک نفر، اما گاو برای پنج نفر است؟ فرمود: زیرا سببی که در قربانی کردن گاو بوده در شتر نیست. همانا کسانی که به قوم موسی فرمان دادند که گوساله را بپرستند، پنج نفر بودند و خانوادهای بودند که از یک سفره غذا می خوردند و آنان اذینوه، میذویه، فرزند برادرش و دخترش با همسر او بودند که فرمان به پرستش گوساله دادند و نیز آنان همان کسانی بودند که گاوی را که خداوند عز و جل فرمان ذبح آن را داده بود، سر بریدند.(5)

10. المحاسن: حسین بن خالد مانند حدیث فوق را نقل کرده است.(6)

1- . قرب الاسناد: 106
2- . قرب الاسناد: 106
3- . الخصال 1: 167
4- . الخصال 1: 167
5- . الخصال 1: 204
6- . المحاسن: 318

شیخ صدوق که خداوند او را رحمت کند فرمود: این حدیث این گونه آمده بود و من نیز بدین خاطر که در آن عدد پنج ذکر شده بود آن را وارد کردم و فتوای من در مورد شتر این است که هفت نفر را کفایت میکند وهمچنین گاو، هفت نفر متفرّق را کفایت میکند. این اخبار متفاوت نیست، زیرا قربانی که برای هفت نفر کفایت کند، برای یک نفر و پنج نفر نیز کافی است و در این حدیث نیامده که قربانی شتر تنها برای یک نفر و گاو تنها برای پنج نفر می باشد.(1)

11. عیون اخبار الرضا علیه السلام، علل الشرائع: ابن معبد نیز مانند این حدیث را نقل کرده است.(2)

12. الخصال، علل الشرائع: ابو بصیر نقل کرده است که شتر و گاو زمانی که از اهل یک خانه و غیر آن باشند، برای هفت نفر است.(3)

13. الخصال، علل الشرائع: یونس بن یعقوب نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که قربانی کردن گاو برای چند نفر کفایت میکند؟ فرمود: برای هفت نفر متفرق مجزی است.(4)

14. عیون اخبار الرضا علیه السلام: امام رضا علیه السلام از پدران خود نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله دو قوچ شاخدار کبود رنگ را قربانی می کردند.(5)

مؤلف: برخی اخبار در باب قربانی گذشت.

1- . الخصال 1: 204

2- . علل الشرائع: 440، عیون أخبارالرضا علیه السلام 2: 83

3- .علل الشرائع: 441، الخصال 2: 110

4- . علل الشرائع: 441، الخصال 2: 110

5- . عیون اخبارالرضا علیه السلام 2: 63

15. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام از پدران خود نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند قربانی را تشریع نموده است تا تهیدستان مسلمان دسترسی به گوشت داشته باشند، لذا به نیازمندان بدهید.(1)

16. علل الشرائع: ابو جمیله نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره گوشت قربانیان سؤال کردم. فرمود: همانا امام زین العابدین و فرزند او محمد علیهما السلام یک سوم از گوشت قربانی را به همسایگان، یک سوم از آن را به بیچارگان صدقه می دادند و یک سوم آن را برای اهل خانه نگه می داشتند.(2)

17. علل الشرائع: ابوبصیر نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: فلسفه قربانی کردن چیست؟ فرمود: کسی که قربانی می کند، با اولین قطره خونی که از قربانی بر زمین فرو می چکد، گناه صاحبش آمرزیده می شود و برای این که، خداوند عز و جل کسی را که پنهانی تقوای او را پیشه می کند بشناسد. خداوند عز و جل فرمود: «لَنْ یَنالَ اللّٰهَ لُحُومُها وَ لا دِماؤُها وَ لکِنْ یَنالُهُ التَّقْوی مِنْکُمْ» {هرگز نه گوشتهای آنها و نه خونهایشان به خدا نخواهد رسید و این تقوای شماست که به او می رسد. } سپس فرمود: بنگر که چگونه خداوند قربانی هابیل را قبول کرد اما قربانی قابیل را نپذیرفت.(3)

18. علل الشرائع: امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قربانیان خود را خوب تیمار کنید چرا که آنان مرکبهای شمایند در پل صراط.(4)

19. علل الشرائع: رسول خدا صلی الله علیه و آله در جواب ام سلمه که به ایشان گفته بود: ای رسول خدا! روز قربانی فرا می رسد اما من چیزی ندارم که قربانی

1- . علل الشرائع: 437
2- . علل الشرائع: 438
3- . علل الشرائع: 437
4- . علل الشرائع: 438

کنم، آیا قرض کنم و قربانی کنم؟ فرمود: قرض کن زیرا که آن قرضی است که ادا شده است.(1)

20. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام از پدر خویش نقل کرده است که از علی علیه السلام سؤال کردند: آیا می توان بیچارگان را ازگوشت قربانی کفاره سوگند اطعام کرد؟ فرمود: خیر زیرا آن قربانی خداوند عز و جل است.(2)

21. علل الشرائع: صفوان بن یحیی ازرق نقل کرده است که به ابی ابراهیم علیه السلام گفتم: فردی پوست قربانی را به کسی که پوست آن را کنده می دهد. فرمود: ایرادی ندارد. خداوند عز و جل فرمود: {از آن بخورید و بخورانید. } و پوست نه خورده می شود و نه به عنوان طعام داده می شود.(3)

22. علل الشرائع: امام علی علیه السلام فرمود: اگر مردم پاداش قربانی کردن را می دانستند، حتما قرض می گرفتند و قربانی می کردند. همانا کسی که قربانی می کند، با اولین قطره خونی که از قربانی بر زمین فرو می چکد، گناهش آمرزیده می شود.(4)

23. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام از پدران خودش نقل کرده است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حیوانی که قربانی می شود، نباید از دسته حیوانات زیر باشد: حیوان لنگی که لنگی اش آشکار باشد. حیوان یکچشمی که یکچشمیاش واضح باشد. حیوان عضو شکسته ای که بهبود نمی یابد. حیوانی که مبتلا به گری باشد. حیوانی که شاخش شکسته باشد و گوشش بریده باشد.(5)

24. معانی الأخبار: علی علیه السلام فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ما امر نمودند که هنگام انتخاب حیوان قربانی دقت کنیم که چشم وگوش حیوان سالم

1- . علل الشرائع: 440
2- . علل الشرائع: 438
3- . علل الشرائع: 439

4- . علل الشرائع: 440
5- . معانی الاخبار: 221

باشد و ما را از قربانی کردن خرقاء و شرقاء و مقابله و مدابره نهی کردند. خرقاء حیوانی است که گوشش به شکل دایره سوراخ شده است، شرقاء در گوسفندان آن است که گوششبه دو قسمت پاره شده و به کنار رسیده باشد. مقابله آن است که مقداری از جلوی گوشش پاره شده و سپس تکه گوشش به صورت تکه ای بریده آویزان است و ظاهر نیست؛ گویی زنمه است و بدین شتر گفته می شود: مُزنّم و به آن تکه آویزان، رعل میگویند. مدابره آن است که همین بریدگی در انتهای گوش گوسفند باشد.(1)

25. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند قربانی را تشریع نموده است تا تهیدستان شما را از گوشت سیر کند، پس آنان را اطعام کنید.(2)

26. نوادر راوندی: امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز این حدیث را به نقل از پدران خود و ایشان نیز از رسول خدا علیهم السلام نقل کرده است.(3)

27. المحاسن: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: خداوند اطعام کردن و ریختن خون حیوان قربانی را دوست دارد.(4)

28. المحاسن: امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند ریختن خون قربانی و اطعام کردن را دوست دارد.(5)

29. المحاسن: ولید وصافی نیز این حدیث را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است.(6)

1- . معانی الاخبار: 222
2- . ثواب الأعمال: 54
3- . نوادر راوندی: 19
4- . المحاسن: 387
5- . المحاسن: 388
6- . المحاسن: 389

30. المحاسن: امام باقر علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ایمان، حسن خلق، اطعام غذا و ریختن خون قربانی است.(1)

31. تفسیر العیاشی: امام رضا علیه السلام فرمود: هنگام شب قربانی نمی کنند.(2)

32. تفسیر العیاشی: داود رقی نقل کرده است که برخی از خوارج از من درباره این سخن خداوند «مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْن»(3) {از

گوسفند دو تا و از بز دو تا بگو: آیا خدا نرهای آنها را حرام کرده یا ماده را؟ و از گاو دو تا. } سؤال کردند که خداوند کدام دسته از اینان را حلال کرده و کدام را حرام کرده است؟ در این باره چیزی نمی دانستم. وقتی به سفر حج رفتم، نزد امام صادق علیه السلام رفتم و این سؤال را از ایشان پرسیدم. امام فرمود: خداوند تبارک و تعالی از میان قربانیان، قربانی کردن شتر عراب را حلال و بخاتی را حرام کرده است و قربانی کردن گاو اهلی را حلال و گاو کوهی را حرام کرده است. به نزد آن مرد بازگشتم و او را از این پاسخ آگاه ساختم و او به من گفت: این سخن را شتران از حجاز برای مردی از خوارج اهل بصره آورده اند.(4)

33. تفسیر العیاشی: صفوان جمال نقل کرده است که تجارتم به سوی مصر بود، و در آنجا از خوارج دوستی داشتم. زمانی که خواستم به حج بروم نزد من آمد و گفت: آیا سخن امام صادق را درباره این گفته خداوند عز و جل که فرمود: «مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْن»(5) {از گوسفند دو تا و از بز دو تا بگو: آیا خدا نرهای آنان را حرام کرده یا ماده را؟ یا آنچه را که رحم آن دو ماده در برگرفته است؟ و از شتر دو و از گاو دو. } شنیده ای؟ کدام

1- . المحاسن: 389
2- . تفسیر العیاشی 1: 379
3- . انعام / 144
4- . تفسیر العیاشی 1: 381

5- . انعام / 144

حیوان را حلال و کدام یک را حرام کرده است؟ گفتم: در این باره از ایشان چیزی نشنیده ام. به من گفت: اکنون داری به نزد ایشان می روی. دوست دارم که در این باره از امام سؤال کنی. صفوان بن جمال گفت: حج گزاردم و نزد امام صادق علیه السلام رفتم و از او درباره سؤال آن فرد خارجی پرسیدم. ایشان فرمود: از بز و گوسفند نوع کوهی آن را حرام کرده و اهلی آن را برای قربانی کردن حلال کرده است. و از شتران، شتر عراب و گاو اهلی را حلال و گاو کوهی و شتر بخاتی را جهت قربانی حرام کرده است. صفوان گفت: بازگشتم و او را در این باره آگاه کردم. آن شخص گفت: آگاه باش که اگر جدّ وی خونها را نمیریخت، امامی غیر از او بر نمی گزیدم.(1)

34. نهج البلاغه: در خطبهای از امام علی علیه السلام در یادآوری عید قربان و خصوصیات قربانی است: قربانی کامل آن است که گوش و چشم آن وارسی شود، که اگر این دو عضو سالم باشد، قربانی سالم و کامل است، اگرچه شکسته شاخ و لنگان به سوی قربانگاه کشانده شود.(2)

35. الهدایه: در میان حیوانات جهت قربانی کردن، جز شتر ثنی یعنی شتری که که پنج سال داشته باشد یا وارد شش سالگی شده باشد جایز نیست و بز و گاو نیز در صورتی ساقط کننده تکلیف است که ثنی باشد؛ یعنی یک سال او تمام شده باشد و در دو سالگی وارد شود و گوسفند نیز گوسفند یک ساله، ساقط کننده تکلیف است. گاو، ساقط کننده تکلیف پنج نفر است، درصورتی که از اهل یک خانواده باشند.(3)

36. و روایت شده است که یک گاو برای هفت نفر و یک شتر یرای ده نفر متفرق، ساقط کننده تکلیف است و یک قوچ برای مرد و اهل خانه او مُجزی است و اگر قربانی کم باشد، یک گوسفند برای هفتاد نفر، مُجزی خواهد بود.(4)

ص: 422

1- . تفسیر العیاشی: 1: 381
2- . نهج البلاغه 1: 98
3- . الهدایه: 62
4- . الهدایه: 62

37. مصباح الانوار: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز عید قربان نزد فاطمه سلام الله علیها آمد و فرمود: ای فاطمه! برخیز و در صحنه ذبح قربانی خود حضور یاب، همانا در ازای هر قطره ای که از خون آن می چکد، کفاره همه گناهان است. اگاه باش که آن در روز قیامت آورده می شود و در ترازوی اعمالت قرار داده شده و به میزان هفتاد برابر می شود. مقداد بن اسود گفت: ای رسول خدا! این مخصوص به خاندان توست یا برای همه مؤمنین است؟ فرمود: بلکه برای خاندان محمد علیهم السلام و همه مؤمنان است.

38. کتاب الغایات: امام باقر علیه السلام فرمود: در روز عید قربان عملی بهتر از ریختن خون قربانی یا احسان به والدین یا صله با خویشاوندی که قطع رابطه کرده نیست. چیزی از آنچه اضافه دارد به او هدیه بدهد و در سلام کردن به او پیشدستی کند؛ یا مردی که از جای خوب قربانی خود اطعام کند و بر آنچه که از قربانی مانده است، همسایگان یتیم و مسکین و بردگان را به میهمانی دعوت کند و به اسرا سر بزند و از آنها دلجویی کند.

39. دعائم الاسلام: علی علیه السلام نقل کرده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که در روز عید قربان خطبه می خواند و می فرمود: امروز روز ثج و عج است، ثج همان خون قربانیانی است که می ریزید. اگر نیت کسی صادق باشد، ریختن اولین قطره خون قربانی، کفاره تمامی گناهان اوست و عج دعاست. پس به درگاه خداوند دعا کنید. قسم به کسی که جان محمد در دست اوست، از اینجا کسی باز نمی گردد مگر این که گناهش بخشوده می شود، به غیر از کسی که گناه کبیره انجام داده و بر آن اصرار ورزد و در دل خود نیز تصمیم بر ترک گناه نداشته باشد.(1)

40. دعائم الاسلام: از امام صادق علیه السلام برای ما روایت کرده اند که ایشان در باره بازگشت از مزدلفه فرمود: زمانی که وارد منی شدی قربانی را نحر کن و سر

1- . دعائم الاسلام 1: 184

خود را بتراش و از هر کدام که آغاز کردی ایرادی ندارد. و فرمود: تراشیدن موی سر از کوتاه کردن آن بهتر است، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله درحجه الوداع و عمره حدیبیه موی سرش را تراشید.(1)

41. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: انسان طاس، تیغ را بر روی سرش میکشد.(2)

42. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: زمانی زن از احرام خود بیرون آمده که موهای اطراف سرش را کوتاه کند.(3)

43. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: تیغ را تا دو استخوان بر آمده در زیر شقیقه می رساند.(4)

44. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس فراموش کرد در منی سرش را بتراشد، زمانی که در بین راه به یاد آورد بتراشد و اگر توانست، موهای خود را بفرستد و آن را درمنی بریزد، این کار را انجام دهد.(5)

45. از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل است که ایشان به دفن مو فرمان داد و فرمود: هر چیزی که از انسان فرو بیفتد مرده است. وقتی مُحرم حلق کرد، ناخنهای خود را کوتاه کند و منظور از حَلق، چیدن مو و از بیخ تراشیدن آن توسط تیغ از پوست سر است؛ و تقصیر، کوتاه کردن کم یا زیاد مو به وسیله قیچی است و چنان که پیشتر گفتیم، تراشیدن مو از کوتاه کردن آن بهتر است.(6)

46. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوندا، به کسانی که سرشان را می تراشند رحم کن، گفتند ای رسول خدا، کسانی که

1- . دعائم الاسلام 1: 329
2- . دعائم الاسلام 1: 329
3- . دعائم الاسلام 1: 329
4- . دعائم الاسلام 1: 329
5- . دعائم الاسلام 1: 329

6- . دعائم الاسلام 1: 329

موی سرشان را کوتاه می کنند چه؟ فرمود: کوتاه کردن در مرحله چهارم است، چرا که تراشیدن مو بهتر است و کوتاه کردن مو کفایت کننده است. همانا خداوند عز و جل فرمود: « لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ إِنْ شاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لا تَخافُون»(1) {حقا خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید که دیده بود: بدون شک به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی و ناخن کوتاه کرده اید، با خاطری آسوده در مسجد الحرام در خواهید آمد. } پس ازتراشیدن شروع کرد و آن بهتر است.(2)

ص: 425

1- . فتح / 27
2- . دعائم الاسلام 1: 330

باب پنجاه و سوم : حلق و تقصير و احكام آنها، و مواضع بيرون آمدن از احرام

روايات:

مؤلف: در باب لبيک گفتن با صدای بلند، دو روايت آمده بود که بر زنان تراشيدن مو لازم نيست و تنها موهای خود را کوتاه کنند.

1. قرب الإسناد: امام صادق از پدر خويش عليهما السلام نقل کرده است که فرمود: امام حسن و امام حسين عليهما السلام به دفن کردن موی خود در منی فرمان می دادند.(1)

2. الخصال: امام صادق عليه السلام فرمود: تراشيدن مو سنت است.(2)

مؤلف: در باب علل حج، ذکر آن گذشت.

3. سليمان بن مهران نقل کرده است که به امام صادق عليه السلام عرض کردم: چگونه است که تراشيدن موی سر بر کسی که اولين حج اوست واجب شد، اما بر کسی که قبلا حج گزارده واجب نشد؟ امام فرمود: تا نشانه ايمنهای نشاندار گردد. آيا سخن خداوند عز و جل را نمی شنوی که فرمود: «لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ إِنْ شاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لا تَخافُون»(3) {بدون شک به خواست خدا در حالی

1- . قرب الاسناد: 65
2- . الخصال 2: 394
3- . فتح / 27

که سر تراشیده و موی و ناخن کوتاه کرده اید، با خاطری آسوده در مسجد الحرام در خواهید آمد. }(1)

4. قرب الإسناد: علاء نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: اگر زمانی که تمتع میگذارم، موی سرم را حنا بمالم وسرم را بتراشم؟ فرمود: آری بدون آنکه چیزی از عطر بدان بمالی. گفتم: پیراهن بپوشم و صورتم را بپوشانم؟ فرمود: آری گفتم: قبل از این که به گرد کعبه طواف کنم؟ فرمود: آری.(2)

5. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام به نقل از پدر خود و او به نقل از امام علی علیهم السلام نقل کرده است که ایشان می فرمود: زمانی که به سوی جمره عقبه سنگ زدی، هر چیزی که بر تو حرام بوده است، حلال می شود جز زنان.(3)

6. قرب الإسناد: اسماعیل بن عبدالخالق نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: زمانی که ذبح کردم و موهای سرم را تراشیدم، کلاه و پیراهن بپوشم؟ فرمود: کسی که حج تمتع می گزارد خیر و کسی که حج افراد می گزارد آری.(4)

7. قرب الإسناد: بزنطی نقل کرده است که به امام رضا علیه السلام گفتم: جانم به فدایت! زمانی که ما از منی حرکت کردیم، چند روز را اقامت کردیم و سپس به خاطر لذت بردن سرم را تراشیدم و بدین خاطر احساسی به من دست داد. فرمود: ابوالحسن علیه السلام زمانی که از مکه خارج شد به سایه آمد و مویش را تراشید.(5)

8. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که سعی کردی، اطراف موهای سر و ابروانت و ریشت را کوتاه کن وتمامی محرمات احرام بر تو حلال می شود.(6)

1- . قرب الاسناد: 68
2- . قرب الاسناد: 16
3- . قرب الاسناد: 51
4- . قرب الاسناد: 59

5- . قرب الاسناد: 171
6- . فقه الرضا علیه السلام: 27

9. فقه الرضا علیه السلام: سپس موی سرت را بتراش، زمانی که خواستی موی سرت را بتراشی رو به قبله باش و ابتدا از موهای بالای پیشانی شروع کن و از جانب دو استخوان بر آمده روبروی دو گوش بتراش و بگو: خداوندا، به هر موی من نوری در قیامت عطا کن. سپس موی تراشیده شده را در منی دفن کن.(1)

10. و بدان زمانی که جمره عقبه را رمی کردی، هر چیزی جز عطر و زنان بر تو حلال می شود؛ و زمانی که طواف حج را انجام دادی، هر چیز جز زنان بر تو حلال می شود و زمانی که طواف نساء را انجام دادی، هر چیزی جز شکار بر تو حلال می گردد. همانا شکار در حرم بر کسی که از احرام بیرون آمده و بر محرم، چه در حرم وچه بیرون از حرم، حرام است.(2)

11. السرائر: جمیل نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: برای کسی که حج تمتع میگزارد، زمانی که موی سرش را بتراشد چه چیز حلال می شود؟ فرمود: همه چیز جز زنان و بوی خوش. گفتم: کسی که حج افراد میگزارد چطور؟ فرمود: همه چیز جز زنان. سپس گفت: گمان می کنم که می فرمود: بوی خوش، و آن را دارای اشکال نمی دید.(3)

12. السرائر: حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس موهایش را ببافد یا بلند کند، نمی تواند موهایش را کوتاه کند بلکه باید بتراشد، اما کسی که موهایش را نبافته، مختار است که اگر خواست موهایش را کوتاه کند، یا این که بتراشد؛ اما تراشیدن بهتر است.(4)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 28
2- . فقه الرضا علیه السلام: 29
3- . السرائر: 480
4- . السرائر: 480

13. الهدایه: سپس از موهای اطراف سر و ریشت را کوتاه کن و قدری از موی سبیلت و ناخن هایت را بگیر و قدری را برای حج خود نگاه دار. زمانی که این کار را کردی، تمامی محرمات احرام بر تو حلال می شود.(1)

14. الهدایه: زمانی که خواستی مویت را بتراشی رو به قبله کن و از موی پیشانی خود آغاز کن و از دو استخوان بر آمده از شقیقه روبروی برآمدگی جلوی گوش بتراش. زمانی که تراشیدی بگو: خدایا! برای هر مو به من نوری در روز قیامت عطا کن. و موی خود را در منی دفن کن.(2)

1- . الهدایه: 60

2- . الهدایه: 63

باب پنجاه و چهارم : سایر احکام منی همچون بیتوته و تکبیر و دیگر احکام و تفسیر «ایام معدودات» و «ایام معلومات» و احکام دو کوچ

آیات:

- فَإِذا قَضَيْتُمْ مَناسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آباءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْراً فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْيا وَ ما لَهُ فِی الْآخِرَهِ مِنْ خَلاقٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْيا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ أُولئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسابِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِی أَيَّامٍ مَعْدُوداتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی يَوْمَيْنِ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقى وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُون (1)

{و چون آداب ویژه حج خود را به جای آوردید، همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، با یاد کردنی بیشتر خدا را به یاد آورید و از مردم کسی است که می گوید: پروردگارا در همین دنیا به ما عطا کن حال آنکه برای او در آخرت نصیبی نیست. و برخی از آنان می گویند: پروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز عطا کن و ما را از عذاب آتش دور نگه دار.آنانند که از دستاوردشان بهره ای خواهند داشت و خدا زود شمار است.خدا را در روزهایی معین یاد کنید، پس هر کس شتاب کند و اعمال خود را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هر که تاخیر کند و اعمال را در سه روز انجام دهد، گناهی بر او نیست. این اختیار برای کسی است که از

1- . بقره / 200-203

محرمات پرهیز کرده باشد و از خدا پروا کنید و بدانید که شما به سوی او گرد آورده خواهید شد. }

- لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِى أَيَّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلى ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَهِ الْأَنْعامِ

إلى قوله تعالى

كَذلِكَ سَخَّرَها لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلى ما هَداكُم (1)

{تا شاهد منافع خويش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی به پاس آنچه از دامهای زبان بسته روزی آنان کرده است ببرند. }

تا اين سخن خداوند كه فرمود:

{اين گونه خداوند آنها را برای شما رام كرد تا خدا را به پاس آنكه شما را هدايت نموده، به بزرگی ياد كنيد. }

روايات:

1. قرب الإسناد: امام جعفر صادق عليه السلام از پدر خود و ايشان از علی عليهما السلام نقل كرده است كه درباره مردی كه به سوی مسجد الحرام روانه شده و خواب بر او غلبه كرده تا اين كه صبح كرده است فرمود: بر او ايرادی نيست، از خداوند آمرزش بخواهد و باز نگردد.(2)

2. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادرش عليه السلام درباره مردی سؤال كرد كه شبهای منی را تا صبح در مكه بخوابد. فرمود: اگر در روز به آنجا آمده و شب را تا صبح خوابيده، بايد خون يک گوسفند را بريزد و اگر پس از نيمه شب از منی خارج شده و در مكه صبح كرده، بر اوچيزی نيست.(3)

1- . حج / 28و37
2- . قرب الاسناد: 65
3- . قرب الاسناد: 106

3. علل الشرائع: امام باقر علیه السلام فرمود: عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله اجازه خواست که در شبهای منی در مکه بماند، و رسول خدا نیز به خاطر سیراب کردن حج گزاران پذیرفت.(1)

4. علل الشرائع: ابو عمیر از برخی از اصحاب و آنان از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که ایشان به من فرمود: آیا می دانی چرا روزهای منی را سه روز قرار داده اند؟ گفتم: جانم به فدایت! به چه دلیل و چرا؟ فرمود: هر کس چیزی از آن روزها را درک کند، حج را درک کرده است.(2)

5. قرب الإسناد: علی بن جعفر از برادرش علیه السلام درباره گفتن تکبیر در ایام تشریق سؤال کرد که آیا دو دست در آن بالا می رود یا خیر؟ فرمود: دستش را مقداری بالا ببرد یا حرکت دهد.(3)

6. گوید: از ایشان درباره گفتن تکبیر در ایام تشریق سؤال کردم که آیا واجب است؟ فرمود: مستحب است و اگر فراموش کرد، بر او چیزی نیست.(4)

7. گوید: از ایشان درباره مردی سؤال کردم که با امام وارد نماز می شود، در حالی که امام یک رکعت از او پیش افتاده. وقتی امام سلام داد، تکبیرات ایام تشریق را میگوید. این شخص باید چه کند؟ فرمود: می ایستد و آنچه را که در نماز از دست داده به جای می آورد. زمانی که فارغ شد، تکبیر می گوید.(5)

8. فرمود: از ایشان درباره مردی سؤال کردم که به تنهایی در روزهای تشریق نماز می خواند، آیا گفتن تکبیر بر او واجب است؟ فرمود: آری و اگر فراموش کرد ایرادی ندارد.(6)

1- . علل الشرائع: 451
2- . علل الشرائع: 450
3- . قرب الاسناد: 100
4- . قرب الاسناد: 100
5- . قرب الاسناد: 100

6- . قرب الاسناد: 100

9. گفت: از ایشان درباره قول ایام تشریق سؤال کردم که چیست؟ فرمود: می گویی: «الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله و الله اکبر. الله اکبر و لله الحمد، الله اکبر علی ما هدانا، الله اکبر علی ما رزقَنا من بهیمه الأنعام». خدا بزرگتر است. خدا بزرگتر است. معبودی جز الله نیست. و خدا بزرگتر است. خدا بزرگتر است و ستایش مخصوص خداست. خدا بزرگتر است به پاس آنچه که به ما از دامهای بی زبان روزی داد.(1)

10. گفت: از ایشان درباره زنان سؤال کردم که آیا خواندن نماز دو عید و تکبیر بر عهده آنان است؟ فرمود: آری.(2)

11. گفت: از ایشان درباره زنان سؤال کردم که آیا گفتن تکبیر در ایام تشریق بر آنها لازم است؟ فرمود: آری اما با صدای بلند و آشکار تکبیر نگویند.(3)

12. تفسیر علی بن ابراهیم: «و اذکروا الله فی ایام معدودات»،(4) {و خدا را در روزهای معینی یاد کنید.} فرمود: سه روز ایام تشریق و روزهای معین، ده روز ذی حجه است.(5)

13. الخصال: زراره نقل کرده است که به امام باقر علیه السلام عرض کردم: گفتن تکبیر در ایام تشریق پس از ادای نمازهاست؟ فرمود: تکبیر در منی پس از خواندن پانزده نماز و در سایر شهرها پس از ده نماز می باشد و اولین تکبیر پس از خواندن نماز ظهر در روز عید قربان است و می گویی: «الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله و الله اکبر. الله اکبر و لله الحمد، الله اکبر علی ما هدانا، الله اکبر علی ما رزقَنا من بهیمه الأنعام» و گفتن تکبیر در سایر شهرها از این رو پس از ده نماز می باشد که زمانی که

1- . قرب الاسناد: 100
2- . قرب الاسناد: 100
3- . قرب الاسناد: 100
4- . بقره / 203
5- . تفسیر علی بن ابراهیم: 61

مردم در روز اول حرکت کوچ کنند، اهل شهرها (به علت کوچ از منی) از گفتن تکبیر خودداری می کنند و اهل منی همواره تا روز آخر حرکت تکبیر می گویند.(1)

14. الخصال: معاویه بن عمار نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره گفتن تکبیر در ایام تشریق برای اهالی دیگر شهرها سؤال کردم. فرمود: در روز عید قربان از نماز ظهر تا اتمام ده نماز و برای اهل منی پس از پانزده نماز می باشد، اگر تا نماز ظهر و عصر در منی اقامت داشت، تکبیر گوید.(2)

15. علل الشرائع: زراره نقل کرده است که به امام باقر علیه السلام گفتم: گفتن تکبیر در ایام تشریق پس از پایان نمازهاست؟ فرمود: تکبیر در منی پس از پانزده نماز از نماز ظهر عید قربان تا نماز بامداد است. فرمود: در آن می گویی: «الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله و الله اکبر. الله اکبر و لله الحمد، الله اکبر علی ما هدانا، الله اکبر علی ما رزقَنا من بهیمه الأنعام و الحمد لله علی ما أبلانا». گفتن تکبیر در سایر شهرها از این رو پس از ده نماز می باشد که زمانی که مردم در روز اول حرکت کوچ کنند، اهالی سایر شهرها از گفتن تکبیر خودداری می کنند و اهل منی همواره تا روز آخر حرکت تکبیر می گویند.(3)

16. امالی الطوسی: بدیل بن ورقاء خزاعی نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به من فرمود: بر شتر کبود رنگ خود سوار شو و در میان مردم ندا ده: همانا روزهای تشریق روزهای خوردن و آشامیدن است. مرا در حالی که فریاد میزدم، در میان خیمه های آنان میدیدی، در حالی که می گفتم: من فرستاده رسول خدایم که خطاب به شما می گوید: همانا این روزها، روزهای خوردن و آشامیدن است

1- . الخصال 2: 274
2- . الخصال 2: 274
3- . علل الشرائع: 447

و این تعبیر به زبان قبیله خزاعه است و معنایش «اجتماع» است. از اینجا بود که ابوعمر خواند: «مانند نوشیدن اشتران تشنه».(1)

مؤلف: در باب علل حج آن را آوردیم.

17. ذوالنون مصری از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا روزه گرفتن در ایام تشریق ناپسند است؟ فرمود: زیرا مردم زائران خدا و میهمان او هستند و شایسته نیست که میهمان در نزد میزبان و کسی که او را مهمان کرده روزه بگیرد.

18. معانی الأخبار: رسول خداصلی الله علیه و آله بدیل بن ورقاء خزاعی را بر شتری کبود رنگ فرستاد و به او فرمان داد که در روزهای منی در میان مردم ندا دهد که این روزها را روزه نگیرید، چرا که آن روزهای خوردن و آشامیدن و بعال است؛ که منظور از بعال، آمیزش، و ملاعبه مرد با همسر خویش می باشد.(2)

19. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام فرمود: امام علی علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل «اذْکُرُوا اللَّهَ فِی أَیَّامٍ مَعْدُودات»(3) {خدا را در روزهای معینی یاد کنید. } فرمود: منظور ایام تشریق است.(4)

20. تفسیر العیاشی: حماد نیز مانند این حدیث را نقل کرده است.(5)

21. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام فرمود: امام علی علیه السلام درباره «الایام المعلومات» فرمود: روزهای معلومات، ده روز و معدودات، ایام تشریق است.(6)

22. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: امام علی علیه السلام درباره این سخن خداوند «وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَعْلُومات»(7) {نام خدا را در روزهای معینی ببرند. } فرمود: منظور ده روز است.(8)

1- . امالی الطوسی 1: 385
2- . معانی الاخبار: 300
3- . حج / 28
4- . قرب الاسناد: 10

5- . تفسير العياشى 1: 99
6- . قرب الاسناد: 81
7- . بقره / 203
8- . معانى الاخبار: 296

23. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: امام علی علیه السلام درباره این گفته خداوند «وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَعْلُومات»(1) {نام خدا را در روزهای معینی ببرند. } فرمود: منظور ایام تشریق است.(2)

24. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند«اذْکُرُوا اللَّهَ فِی أَیَّامٍ مَعْدُودات»(3) {و نام خدا را در روزهای معینی یاد کنید. } فرمود: معلومات و معدودات یکی هستند و منظور همان ایام تشریق است.(4)

25. تفسیر العیاشی: شحام مانند این حدیث را نقل کرده است.(5)

26. تفسیر العیاشی: رفاعه نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره «الایام المعدودات» سؤال کردم. فرمود: منظور ایام تشریق است.(6)

27. تفسیر العیاشی: محمد بن مسلم نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل که فرمود: «اذْکُرُوا اللَّهَ فِی أَیَّامٍ مَعْدُودات»(7) {خدا را در روزهای معینی یاد کنید. } سؤال کردم. فرمود: گفتن تکبیر در ایام تشریق پس از خواندن نمازهاست.(8)

28. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: گفتن تکبیر در دو عید واجب است، اما در عید فطر در پنج نماز، از نماز مغرب شب عید فطر تا نماز عصر روز فطر گفته می شود: «الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله و الله اکبر. الله اکبر و لله الحمد، الله اکبر

1- . بقره / 203
2- . معانی الاخبار: 297
3- . بقره / 203
4- . معانی الاخبار: 297
5- . تفسیر العیاشی 1: 99
6- . تفسیر العیاشی 1: 99
7- . بقره / 203
8- . تفسیر العیاشی 1: 99

على ما هدانا، و الحمد لله على ما أبلانا» به دليل اين فرموده خداى تعالى: «َّ وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتُكَبِّرُوا اللّهَ عَلى ما هَداكُم»(1) {تاعده سى روزه ماه را تكميل كرده باشيد و خدا را در برابر اين كه هدايتتان كرد تكبير گفته باشيد. }و در عيد قربان در شهرها پس از خواندن ده نماز، از نماز ظهر روز عيد قربان تا نماز صبح روز سوم و در منى پس از خواندن پانزده نماز يعنى از نماز ظهر روز عيد قربان تا نماز صبح روز چهارم و پس از گفتن آن تكبير مى گويى: الله اكبر على ما رزقَنا من بهيمه الأنعام.(2)

29. فقه الرضا عليه السلام: سپس به منى باز مى گردى و تا روز چهارم در آن اقامت مى كنى. وقتى در روز چهارم هنگام ظهر در آن رمى جمرات كردى، از آنجا به مكه برو و زمانى كه در مسجد حصباء وارد شدى، وارد آن مى شوى و در آن به پشت،به اندازه اى كه استراحت كنى دراز مى كشى، سپس با آرامش و وقار به مكه وارد مى شوى و هر آنچه كه خواستى به گرد كعبه طواف مستحب انجام مى دهى.(3)

30. هر كس كه در شبهاى منى در مكه بخوابد، در ازاى هر شب بايد قربانى كند.(4)

31. السرائر: امام عليه السلام فرمود: ايام تشريق در هر نماز تكبير گو. به او گفتم: چند بار؟ فرمود: هر اندازه كه خواستى، زيرا كه آن واجب نيست.(5)

32. السرائر: امام صادق عليه السلام درباره اين سخن خداوند«فَاذْكُرُوا اللّهَ كَذِكْرِكُمْ آباءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرا»(6) {همان

گونه كه پدران خود را به ياد مى آوريد، با ياد كردنى بيشتر خدا را به ياد آوريد. } فرمود: مشركان در منى، در ايام تشريق فخر مى فروختند و مى گفتند: پدر ما اين چنين و اين چنين بود و برترى پدران را به ياد

1- . بقره / 185
2- . الخصال 2: 338
3- . فقه الرضا عليه السلام: 29
4- . فقه الرضا عليه السلام 37 - 36

5- . السرائر: 480
6- . بقره / 200

می آوردند. پس فرمود: {همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید. } (1)

33. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آباءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْراً» (2) {همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید. } پرسیدم. فرمود: در زمان جاهلیت مردان می گفتند: پدرم این گونه و این چنین بود و این آیه بدین خاطر نازل شد. (3)

34. تفسیر العیاشی: امام باقر و امام صادق علیهما السلام در باره کلام خداوند «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آباءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْراً» (4) {همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید. }، فرمود: یعنی این که به پدران خود افتخار می کردند. می گفتند: پدرم که دیه ها را پرداخت و کسی که این گونه و این گونه جنگ کرد. زمانی که پس از نحر کردندر منی اقامت میکردند - به جان پدران خود سوگند می خوردند - و می گفتند: نه به جان پدرم، نه به جان پدرم. (5)

35. تفسیر العیاشی: زراره نقل کرده است که از امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند پرسیدم: «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آباءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْراً» (6) {همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید. }فرمود: اهل جاهلیت می گفتند: هرگز، قسم به جان پدرت! آری، قسم به جان پدرت! و فرمان یافتند که بگویند: نه به خدا، آری به خدا. (7)

1- . السرائر: 480
2- . بقره / 200
3- . تفسیر العیاشی 1: 98
4- . بقره / 200
5- . تفسیر العیاشی 1: 98
6- . بقره / 200
7- . تفسیر العیاشی 1: 98

36. تفسیر امام عسکری: امام درباره: «وَ اذْکُرُوا اللَّهَ فِی أَیَّامٍ مَعْدُودات»(1) {و خدا را در روزهای معینی یاد کنید.} فرمود:آن روزها، ایام تشریق پس از عید قربان است و این ذکر همان گفتن تکبیر پس از نمازهای واجب است که از نماز ظهر روز عید قربان آغاز می شود و تا نماز ظهر آخرین روز از ایام تشریق می باشد و می گویی: «الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله و الله اکبر. الله اکبر، و لله الحمد».(2)

37. الهدایه: سپس به منی بازگرد و در ایام تشریق شب را فقط در آنجا بخواب، اگر در جای دیگری خوابیدی، باید قربانی کنی. اگر در ابتدای شب خارج شدی، شب را جز در آنجا به نیمه نرسان و اگر در جای دیگر بخوابی باید قربانی کنی. اگر پس از نیمه شب خارج شدی، ایرادی ندارد که صبح در جای دیگری باشی و در هر روز پس از طلوع خورشید تا ظهر، رمی جمرات کن و هر چه قدر بیشتر به ظهر نزدیک شوی بهتر است و همان چیزی را بگو که در روز جمره عقبه رمی کردی و از جمره اول آغاز کن و هفت سنگ از روبرو به آن بزن و به طرف بالای آن پرتاب نکن. در بطن الوادی می ایستی و مانند آنچه که در روز عید قربان زمان رمی جمرات گفتی بگو. سپس بر سمت چپ جاده، رو به کعبه بایست و خداوند را شکر و ثنا کن و بر محمد صلی الله علیه و آله درود فرست و سپس کمی جلو برو و و خدا را بخوان و از او بخواه از تو قبول کند. سپس کمی جلو برو و خدا را بخوان. سپس باز هم کمی جلو برو. سپس این کار را در جمره وسطی انجام ده و هفت سنگ بدان بزن و همان کاری را انجام بده که در جمره اولی انجام دادی و می ایستی و خداوند را میخوانی، آنچنان که در جمره اول کردی و سپس با آرامش و وقار به جمره سوم برو و هفت سنگ به آن بزن و در کنار آن نایست. در یوم النفر آخر که روز چهارم قربانی است، وسایل سفرت را بردار و خارج شو و رمی جمرات کن آنگونه که در روز دوم و سوم

1- . بقره / 203

2- . تفسیر عسکری علیه السلام: 259

هفتاد سنگ پرتاب کردی. زمانی که از آن فراغت یافتی، رو به منی بایست و از خداوند بخواه که اعمال تو را بپذیرد و هر چه که دوست داشتی دعا کن.(1)

38. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که در روز عید قربان از مزدلفه کوچ کردی، به سمت جمره عقبه سنگ بزن و سپس زمانی که به منی آمدی، قربانی خود را نحر کن و سپس سرت را بتراش. (2)

39. امیر المؤمنین علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَ لْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»(3) {سپس باید آلودگی خود را بزدایند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد آن خانه کهن کعبه طواف به جا آورند. } فرمود: تفث یعنی رمی و تراشیدن و نذور برای کسی است که نذر کرده که راه برود و طواف همان طواف زیارت پس از ذبح و تراشیدن مو در عید قربان است و این طواف، طواف واجب است. (4)

40. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روز عید قربان به سمت کعبه روانه شد و نماز ظهر را در مکه خواند.(5)

41. امام صادق علیه السلام فرمود: تعجیل در زیارت و این کهاز روز عید قربان به تاخیر نیفتد، شایسته است و اگر تا فردای آن به تاخیر افتد، ایرادی ندارد.(6)

42. از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که انجام غسل جهت طواف زیارت را مستحب میدانست.(7)

1- . الهدایه: 64
2- . دعائم الاسلام 1: 330
3- . حج / 29
4- . دعائم الاسلام 1: 330
5- . دعائم الاسلام 1: 330
6- . دعائم الاسلام 1: 331

7- . دعائم الاسلام 1: 331

43. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر روز عید قربان زیارت کردی، طواف زیارت را انجام ده و آن همان طواف افاضه است که به گرد کعبه هفت دور طواف می کنی و در پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز می خوانی و میان صفا و مروه هفت بار سعی می کنی. زمانی که این کار را انجام دادی، بر تو پوشیدن لباس و زدن بوی خوش حلال می شود. سپس به کعبه بازگرد و هفت بار به گرد آن طواف کن که این همان طواف نساء است و عمل سعی در آن نیست، زمانی که این چنین کردی هر چیزی که بر محرم حرام بوده، اعم از زنان وغیره حلال میشود. در این صورت بر محرم فقط شکار حرام است، چرا که شکار تنها پس از حرکت از منی حلال می شود.(1)

44. از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که ایشان از این که احدی از حج گزاران در شبهای منی جز در منی بخوابد، نهی کرده اند.(2)

45. امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی کعبه را زیارت کردی به منی بازگرد و در ایام تشریق، شب را جز در منی نخواب و هر کس در شبهای منی به عمد از بیتوته در منی خودداری کند، باید برای هر شب قربانی کند و اگر ندانست یا این که فراموش کرد، ایرادی بر او نیست و از خداوند آمرزش بخواهد.(3)

46. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله، نماز را در منی شکسته خواند.(4)

47. امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل «فَإِذا قَضَیْتُمْ مَناسِکَکُمْ فَاذْکُرُوا اللّٰهَ کَذِکْرِکُمْ آباءَکُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِکْراً»(5) {همان

گونه که پدران خود را به یاد می آورید، با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید. } فرمود: مشرکان در منی در

1- . دعائم الاسلام 1: 331
2- . دعائم الاسلام 1: 331
3- . دعائم الاسلام 1: 331
4- . دعائم الاسلام 1: 331

5- . بقره / 200

ایام تشریق به پدران خود افتخار می کردند و پیشینیان خود و عظمت آنان را به یاد می آوردند؛ از این رو خداوند به آنان فرمان داد که به جای پدران خود، او را ذکر کنند.(1)

از اهل بیت علیهم السلام برای ما دعاهای مختلفی درباره ذکر خداوند در ایام تشریق ذکر کرده اند که ذکر آن به درازا می انجامد و چیزی از آنها واجب نیست و هر چه قدر مؤمن بیشتر ذکر گوید بهتر است و اگر خواست، هر روز کعبه را زیارت کند و تا آنجایی که توانست طواف مستحب به جا آورد و در آن روز به منی بازگردد و در آن بیتوته کند تا این که از آن کوچ کند.(2)

1- . دعائم الاسلام 1: 331

2- . دعائم الاسلام 1: 331

باب پنجاه و پنجم : بازگشت از منی به مکه برای زیارت و احکام دو روز کوچ و همچنین تفسیر سخن خداوند «فمن تعجل فی یومین» و معنای «قضاء التفث»

آیات:

-

ثُمَّ لْیَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْیُوفُوا نُذُورَهُمْ وَ لْیَطَّوَّفُوا بِالْبَیْتِ الْعَتِیقِ (1)

{سپس باید آلودگی خود را بزدایند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد آن خانه کهن کعبه طواف به جای آورند. }

روایات:

1. فقه الرضا علیه السلام: در روز عید قربان یا فردای آن، کعبه را زیارت کن و اگر تا آخرین روز آن را به تاخیر انداختی،تکلیفت را ساقط می کند و برای زیارت کعبه غسل میکنی و اگر در روز زیارت کردی و در مسیر خود یا هنگام طواف یا سعی در شب وارد شدی، تا زمانی که وضو داری ایرادی ندارد، اما اگر وضویت باطل شد، بار دیگر غسل کن. همچنین شب، زمانی که از منی خارج شدی و غسل کردی و در راه خود یا زمان طواف یا سعی، شب را به صبح رساندی، تا زمانی که وضویت باطل نشده، بر تو ایرادی نیست. اگر وضویت باطل شد، غسل را بار دیگر انجام ده و طواف زیارت که همان طواف حج می باشد را هفت دور به گرد کعبه انجام ده و در

1- . حج / 29

کنار مقام دو رکعت نماز بخوان و میان صفا و مروه سعی کن، همچنان که زمان عمره تمتع هفت دور سعی کردی و سپس به گرد کعبه طواف نساء را انجام ده و شب را در مکه نخواب، چرا که در این صورت، لازم است قربانی کنی.(1)

2. السرائر: معاویه بن عمار نقل کرده است: زمانی که خواستی کوچ کنی و به حصبه - که همان بطحاء است - رسیدی، اگر خواستی، به مقدار کمی در آن فرود بیا، زیرا امام صادق علیه السلام فرمود: همانا پدرم در آن فرود می آمد و سپس کوچ می کرد و بدون این که بخوابد وارد مکه می شد و فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا فرود آمد. زمانی که عایشه را همراه با برادرش عبدالرحمن به مسجد تنعیم فرستاد، وخود به خاطر بیماری که بدان دچار شد، عمره گزارد. ادامه روایت.(2)

3. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی یَوْمَیْنِ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ لِمَنِ اتَّقی»(3)

{پس هر کس شتاب کند و اعمال را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هر که تاخیر کند واعمال را در سه روز انجام دهد، گناهی بر او نیست، این برای کسی است که از محرمات پرهیز کرده باشد. } فرمود: از جمله محرمات شکار، دوری از آلودگی و فسوق و جدال و هر آن چیزی است که خداوند بر حج گزار در احرام، حرام کرده است.(4)

4. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی یَوْمَیْنِ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ »(5)

{پس هر کس شتاب کند و اعمال را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هر که تاخیر کند واعمال را در

1- . فقه الرضا علیه السلام: 29
2- . السرائر: 478
3- . بقره / 203
4- . تفسیر العیاشی 1: 99
5- . بقره / 203

سه روز انجام دهد، گناهی بر او نیست. } فرمود: آمرزیده باز می گردد، در حالی که گناهی بر او نیست.(1)

5. تفسیر العیاشی: ایوب خزاز نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: می خواهیم که شتاب کنیم. فرمود: در روز دوم تا هنگام ظهر کوچ نکنید اما در روز سوم در نیمه روز کوچ کنید چرا که خداوند می فرماید: «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی یَوْمَیْنِ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ»(2)

{هر کس شتاب کند و اعمال را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست. } و اگر سکوت کرده بود، هیچ کس باقی نمی ماند مگر این که شتاب میکرد ولی خداوند عز و جل فرمود: «وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ»(3) {و هر که تاخیر کند واعمال را در سه روز انجام دهد، گناهی بر او نیست }. (4)

6. تفسیر العیاشی: ابو بصیر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: همانا بنده مؤمن زمانی که برای انجام حج از خانه خویش خارج می شود، خود و مرکبش هیچ گامی را بر نمی دارد، مگر این که در ازای آن خداوند برایش حسنه ای می نویسد و گناهی را از او محو می کند و او را درجهای بالا می برد. زمانی که در عرفات وقوف کند، اگر گناهانش به تعداد خاکها باشد، چنان باز می گردد که مادرش او را به دنیا آورده است. سپس خطاب به او فرمود: عمل خود را از سر گیر، چرا که خداوند می فرماید: «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی یَوْمَیْنِ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ لِمَنِ اتَّقی»(5)

{پس هر کس شتاب کند و اعمال را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هر که تاخیر کند واعمال را در سه روز انجام دهد، گناهی بر او نیست، این برای کسی است که از محرمات پرهیز کرده باشد. } (6)

1- . تفسیر العیاشی 1: 99
2- . بقره / 203
3- . بقره / 203
4- . تفسیر العیاشی 1: 99
5- . بقره / 203

6- . تفسير العياشى 1: 100

7. تفسیر العیاشی: ابوبصیر در روایتی دیگر نقل کرده است که امام بر آن افزود: اگر سر خود را بتراشد، هیچ مویی از او نمی افتد مگر این که خداوند در روز قیامت آن را برایش نوری قرار خواهد داد و هر نفقه ای را که خرج کرده، برایش می نویسد و زمانی که به گرد کعبه طواف کند، همچون کودکی که مادرش او را به دنیا آورده است، بازمی گردد.(1)

8. تفسیر العیاشی: ابوحمزه ثمالی نقل کرده است که امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند«فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی یَوْمَیْنِ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ»(2) {پس هر کس شتاب کند و اعمال را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست. }فرمود: به خدا قسم، شما همانان هستید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جز انسانهای پرهیزگار بر ولایت علی علیه السلام، ثابت نمی مانند.(3)

9. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند «لمن اتّقی» {برای کسی است که از محرمات پرهیز کرده باشد. } فرمود: یعنی از شکار پرهیز کند، پس هر کس به واسطه شکار آزموده شود، فدیه بدهد، پس نمیتواند که در دو روز کوچ کند.(4)

10. تفسیر امام عسکری علیه السلام: سخن خداوند تعالی {پس هر کس شتاب کند و اعمال را در دو روز انجام دهد. } یعنی در ایام تشریق، پس از سفر حج خود، به سرزمین خویش که از آن خارج شده باز گردد {گناهی بر او نیست و هرکه تاخیر کند } تا پایان روز سوم، {گناهی بر او نیست. } یعنی از گناهان پیشین وی، زیرا به خاطر حج او تمامی آن گناهان بخشوده شده و این مقارنه به خاطر پشیمانی او بر گناهان و دوری کردن از آنهاست. {این اختیار برای کسی است که از محرمات پرهیز

1- . تفسیر العیاشی 1: 100
2- . بقره / 203
3- . تفسیر العسکری علیه السلام: 259
4- . تفسیر العیاشی 1: 100

کرده باشد. } یعنی از انجام گناهان هلاکت بار، و اگر انجام دهد گناهش بر عهده اوست و گناهان پیشین وی را با توبه ای که با انجام گناهان هلاکت بار پس از آن باطل ساخته، نخواهد بخشود و تنها با توبه ای که بار دیگر انجام می دهد می بخشد {و از خدا پروا کنید } ای حج گزاران که گناهان پیشین شما به واسطه حج همراه با توبه شما آمرزیده شد، مبادا که بار دیگر گناهان کبیره هلاکت بار را مرتکب شوید که در این صورت سنگینی آن به سوی شما باز می گردد و حمل آن بر شما سنگین می شود و جز با توبه پس از آن، شما را نمی بخشد و {بدانید که شما را به سوی او گرد آورده میشوید }و در اعمال شما می نگرد و به خاطر انجام آن شما را جزا میدهد.(1)

11. معانی الأخبار: امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُم»(2) {سپس

باید آلودگی خود را بزدایند. } فرمود: کوتاه کردن موی سبیل و ناخن است.(3)

12. معانی الأخبار: امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُم»(4) {سپس باید آلودگی خود را بزدایند. } فرمود: تفث زائل کردن بوی خوش از محرم است، زمانی که مناسک و عبادت خود را به انجام رساند، بوی خوش بر او حلال میشود.(5)

13. معانی الأخبار: ابن سنان نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره گفته خداوند «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُم»(6) {سپس باید آلودگی خود را بزدایند. }سؤال کردم. فرمود: تراشیدن مو و آنچه که بر روی پوست انسان است.(7)

1- . تفسیر عسکری: 259
2- . حج / 29
3- . معانی الأخبار: 338
4- . حج / 29
5- . معانی الأخبار: 338
6- . حج / 29

7- . معانى الأخبار: 338

14. عیون اخبار الرضا، معانی الأخبار: امام رضا علیه السلام درباره این سخن خداوند «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُم»(1) {سپس

باید آلودگی خود را بزدایند و به نذرهای خود وفا کنند.} فرمود: تفث کوتاه کردن ناخن، زدودن آلودگی و بیرون آمدن از احرام است.(2)

15. معانی الأخبار: ابوبصیر نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره سخن خداوند عز و جل «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُم»(3) {سپس باید آلودگی خود را بزدایند.} سؤال کردم. فرمود: آنچه که برای محرم در زمان احرام پیش آمده، زمانی که داخل مکه شود و طواف کند و سخن نیکو بگوید، کفاره گناهی است که انجام داده است.(4)

16. معانی الأخبار: عمر بن حنظله نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره تفث سؤال کردم. فرمود: زائل کردن موی سر است.(5)

17. معانی الأخبار: حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره معنای تفث سؤال کردم: تراشیدن مو و آنچه که در پوست انسان است.(6)

18. معانی الأخبار: معاویه بن عمار نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُم»(7) {سپس

باید آلودگی خود را بزدایند.} سؤال کردم. فرمود: تفث، پراکندگی و آشفتگی است. فرمود: و سخن زشت

1- . حج / 29
2- . معانی الأخبار: 339، عیون اخبار الرضا 1: 312
3- . حج / 29
4- . معانی الأخبار: 339
5- . معانی الأخبار: 339
6- . معانی الأخبار: 339
7- . حج / 29

گفتن در احرام نیز جزو آن است و زمانی که به مکه وارد شدی و به گرد کعبه طواف کردی و سخن نیکو بر زبان راندی، آن کفاره گناهت خواهد بود.(1)

19. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که وارد مکه شدی، یک درهم خرما بخر و به خاطر آنچه که از احرام برای عمره ات از تو سر زده است، صدقه بده. زمانی که حج خود را به پایان رساندی، به مقدار یک درهم خرما بخر و آن را صدقه بده، و زمانی که به مدینه وارد شدی نیز این کار را انجام ده.(2)

20. معانی الأخبار: ذریح محاربی نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: خداوند در کتاب خود مرا به انجام کاری فرمان داده است که دوست دارم آن را انجام دهم. امام فرمود: آن چیست؟ گفتم: سخن خداوند عز وجل «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُم»(3) {سپس

باید آلودگی خود را بزدایند و به نذرهای خود وفا کنند. } امام فرمود: این که فرمود {آلودگی خود را بزدایند }منظور دیدار امام و {به نذرهای خود وفا کنند }، مناسک و عبادات است.

عبدالله بن سنان گفت: نزد امام صادق علیه السلام رفتم وگفتم: خداوند مرا فدای تو گرداند ! سخن خداوند «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُم»(4) { {آلودگی

خود را بزدایند و به نذرهای خود وفا کنند. }چیست؟ فرمود:کوتاه کردن موی سبیل و ناخن و هر آنچه که شبیه بدان است. گفت: گفتم: جانم به فدایت ! همانا ذریح محاربی از شما برایم نقل کرد که شما فرمودهای، منظور از زدودن آلودگی، دیدار امام و وفا کردن به نذر، آن مناسک است. امام فرمود: هر دو شما،، هم ذریح و هم تو درست می گویید،

1- . معانی الأخبار: 339
2- . معانی الأخبار: 339
3- . حج / 29
4- . حج / 29

همانا قرآن ظاهر و باطنی دارد و چه کسی آن گونه که ذریح باطن قرآن را تحمل می کند تحمل خواهد کرد؟(1)

21. قرب الإسناد: بزنطی نقل کرده است که از امام رضا علیه السلام درباره این سخن خداوند متعال که فرمود: «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُم»(2) {سپس

باید آلودگی خود را بزدایند و به نذرهای خود وفا کنند.} پرسیدم. فرمود: کوتاه کردن ناخن و زدودن آلودگی از خود و خارج شدن از احرام است و منظور از{و بر گرد آن خانه کهن کعبه طواف به جای آورند.} طواف واجب است.(3)

22. الهدایه: سپس در روز عید قربان غسل کن و خانه خدا را در روز عید قربان زیارت کن و اگر آن را تا فردای آن روز به تاخیر انداختی، ایرادی ندارد و زیارت آن را از روزی که در آن هستی به فردا موکول نکن، زیرا برای کسی که حج تمتع انجام داده، روا نیست که آن را به تاخیر اندازد و اگر در روز عید قربان زیارت کردی، غسلی که برای سر تراشیدن انجام دادهای، بر تو کفایت می کند و اگر پس از آن زیارت کردی، برای زیارت غسل کن.

زیارت کعبه

زمانی که در روز عید قربان به کعبه آمدی و بر در مسجدالحرام ایستادی، می گویی: خدایا مرا بر انجام عباداتم یاری کن و آن را برای من و من را برای آن سالم دار. از تو می خواهم به سان خواستن فرد خوار و ذلیل و اعتراف کننده به گناه، که گناهم را ببخشی و حاجتم را برآورده سازی. خدایا! من بنده توام و این شهر سرزمین توست و این خانه از آن تو و آمده ام تا رحمت تو را طلب کنم و طاعت و فرمانبری تو را جویم و دستور تو را پیروی کنم و به عدل تو خشنود باشم، همچون خواستن

1- . معانی الأخبار: 340
2- . حج / 29
3- . قرب الاسناد: 157

فرد پریشان و فرمانبر و بیمناک از عذاب و کیفرت، از تو می خواهم که مرا به بخشش خود رسانی و با رحمتت از عذاب آتش در پناه گیری.

و سپس به کنار حجر الاسود می روی و آن را میبوسی. اگر نتوانستی، با دستت بر آن بکش و دستت را ببوس. اگر نتوانستی، رو به آن کن و با دستت بدان اشاره کن و آن را ببوس. و تکبیر بگو و همان چیزی را بگو که زمان ورود به مکه و طواف کردن گفتی و هفت دور به گرد آن طواف کن، آن گونه که برایت وصف کردم.آنگاه دو رکعت در کنار مقام ابراهیم بخوان و در آن «قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون را بخوان». سپس برگرد و اگر توانستی حجر الاسود را ببوس و بر آن دست بکش و تکبیرگو.

رفتن به صفا

سپس به سمت کوه صفا برو و از آن بالا رو و همان کاری را انجام ده که روز ورود به مکه انجام دادی. میان آن دو هفت بار سعی می کنی. از صفا شروع و به مروه ختم می کنی. زمانی که این کار را انجام دادی، هر آنچه که برایت حرام بود بر تو حلال می شود جز زنان. سپس به کعبه بازگرد و هفت بار به گرد آن طواف کن که این همان طواف نساء است و پس از آن دو رکعت نزد مقام ابراهیم یا هر جای مسجد که خواستی بخوان، سپس زنان بر تو حلال می شوند و از تمامی اعمال حجت فارغ شده ای به جز رمی جمرات، و همه چیزهایی که بر تو حرام بوده، حلال می شود.(1)

23. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خواستی در منی اقامت کنی، سه روز پس از روز عید قربان اقامت می کنی و اگر خواستی که کوچ را در دو روز با شتاب انجام دهی، می توانی. خداوند تعالی فرمود: «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی یَوْمَیْنِ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَیْه»(2) {پس

هر کس شتاب کند و اعمال را در دو

1- . الهدایه: 63
2- . بقره / 203

روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هر که تاخیر کند واعمال را در سه روز انجام دهد، گناهی بر او نیست. }(1)

24. و نیز از آن حضرت است که فرمود: هر کس شتاب کند و در روز دوم از ایام تشریق کوچ کند - روز سوم پس از عید قربان - تا زمانی که نماز ظهر را نخوانده و رمی جمرات نکرده، کوچ نکند. پس از آن اگر خواست، از ظهر تا غروب خورشید کوچ کند. زمانی که خورشید غروب کرد بخوابد و هر کس حرکت را تا روز سوم به تاخیر اندازد، می تواند هر زمان که خواست، از ابتدای روز پس از خواندن نماز صبح تا آخر روز، کوچ کند؛ و تا زمانی که رمی جمرات نکرده، کوچ نکند.(2)

25. از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که ایشان از این که کسی بار و بنه سفر خود را از مکه، قبل از روز حرکت پیش فرستد، نهی کرده اند. (3)

26. امام صادق علیه السلام فرمود: مستحب است کسی از منی کوچ کند و در محصب یا بطحاء فرود آید و در آن اندک زمانی درنگ کند، سپس به سوی مکه کوچ کند. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین کرد و امام باقر علیه السلام نیز این کار را انجام می داد.(4)

27. امام صادق علیه السلام فرمود: بر کسی که در روز حرکت شتاب کرده، ایرادی نیست که در مکه باقی بماند تا این که مردم به او بپیوندند. (5)

28. از امام صادق علیه السلام از ورود به کعبه سؤال شد. فرمود: آری، اگر توانستی این کار را انجام ده و اگر از ازدحام بیم داری، خود را به رنج میفکن. و فرمود: مستحب است بر کسی که بخواهد وارد کعبه شود، غسل کند.(6)

ص: 452

1- . دعائم الاسلام 1: 332
2- . دعائم الاسلام 1: 332
3- . دعائم الاسلام 1: 332
4- . دعائم الاسلام 1: 332

5- . دعائم الاسلام 1: 332
6- . دعائم الاسلام 1: 332

29. از اهل بیت علیهم السلام در باره دعا هنگام ورود به کعبه، دعا های مختلفی را روایت کرده اند که ذکر آنها به درازا می انجامد و هیچ کدام از آنها واجب نیست. اما هر کس که وارد شد، دعا می کند و در دعا کردن تلاش می کند.(1)

30. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در کعبه، میان دو ستون بر روی سنگ سرخ نماز خواند و رو به پشت کعبه، دو رکعت نماز خواند.(2)

31. امام صادق علیه السلام فرمود: نماز واجب را در داخل کعبه نمی خوانی.(3)

32. و فرمود: شایسته است ورود به کعبه پس از حرکت از منی باشد.(4)

33. و فرمود: بر کسی که پس از انجام حج خود می خواهد از مکه خارج شود، سزاوار است که در آخرین دیدار خود با خانه خدا، طواف وداع را انجام دهد و سپس با آن وداع کند و دستش را میان حجر الاسود و در کعبه بگذارد و دعا کند و وداع کند و بازگردد.(5)

34. از اهل بیت علیهم السلام در این باره گونه های مختلفی از دعا را روایت کرده اند که ذکر آنها به درازا می انجامد و هیچ یک از آنها واجب نیست.(6)

1- . دعائم الاسلام 1: 332

2- . دعائم الاسلام 1: 333

3- . دعائم الاسلام 1: 333

4- . دعائم الاسلام 1: 333

5- . دعائم الاسلام 1: 333

6- . دعائم الاسلام 1: 333

باب پنجاه و ششم : معنای حج اکبر

روایات:

1. معانی الأخبار: فضل بن عیاض نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره حج اکبر سؤال کردم. فرمود: آیا در این باره چیزی می دانی؟ گفتم: آری. ابن عباس می گفت: حج اکبر روز عرفه است، یعنی کسی که روز عرفه را تا طلوع سپیده دم روز عید قربان درک کند، حج را درک کرده و هر کس از دست بدهد، حج را از دست داده. از این رو شب عرفه برای قبل و برای پس از آن قرار داده شد و دلیلش این است که هر کس شب قربانی را تا زمان طلوع فجر درک کند، حج را درک کرده و بجای عرفه برای او کافی است. امام صادق به نقل از امیرالمؤمنین علیهما السلام فرمود: حج اکبر عید قربان است و این سخن خداوند عز وجل را دلیل آورد: «فَسِیحُوا فِی الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُر»(1) {پس چهارماه دیگر با امنیت کامل در زمین بگردید.} که آن بیست روز ذی حجه و محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز ربیع الاخر است و اگر حج اکبر روز عرفه باشد، سیاحت (گشتن) چهارماه و یک روز خواهد بود و این سخن خداوند را دلیل آورد «وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَر»(2) {و این آیات اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر.} و من اعلام در میان مردم بودم. به ایشان گفتم: پس معنای حج اکبر چیست؟ فرمود: از این

1- . توبه / 2
2- . توبه / 3

رو اکبر نامیده شده، که مسلمانان و مشرکان در آن روز حج کردند و مشرکان پس از آن سال، دیگر حج نگزاردند.(1)

2. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: حج اکبر روز عید قربان است.(2)

3. معانی الأخبار: معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام درباره حج اکبر سؤال کردم. فرمود: عید قربان است وحج اصغر حج عمره است.(3)

4. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: حج اکبر روز عید قربان است.(4)

5. معانی الأخبار: عبدالله بن سنان همین حدیث را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.(5)

6. معانی الأخبار: نضر نیز از ابن سنان همین حدیث را نقل کرده است.(6)

7. علل الشرائع: حفص نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل که فرمود: «وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ»(7) {و

این اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر.} سؤال کردم. ایشان فرمود که امیرالمؤمنین فرمود: من اعلام بین مردم بودم. گفتم: پس معنای حج اکبر چیست؟ فرمود: از این رو اکبر نامیده شده، که مسلمانان و مشرکان در آن روز حج کردند و مشرکان پس از آن سال دیگر حج نگزاردند.(8)

1- . معانی الأخبار: 296
2- . معانی الأخبار: 295
3- . معانی الأخبار: 295
4- . معانی الأخبار: 295
5- . معانی الأخبار: 295
6- . معانی الأخبار: 295

7- . توبه / 3
8- . علل الشرائع: 442

8. المحاسن: قاسانی نیز مانند این حدیث را نقل کرده است.(1)

9. قرب الإسناد: علی علیه السلام فرمود: حج اکبر عید قربان است.(2)

10. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: حج اکبر عید قربان است وحج اصغر عمره است.(3)

11. امام صادق علیه السلام فرمود: حج اکبر روز عرفه و جمع و رمی جمرات در منی می باشد و حج اصغر عمره است.(4)

12. امام صادق علیه السلام فرمود: حج اکبر وقوف در عرفات و جمع و رمی جمرات در منی می باشد و حج اصغر عمره است.(5)

13. امام صادق علیه السلام فرمود: روز حج اکبر عید قربان و روز حج اصغر روز عمره است.(6)

14. در روایتی فضیل بن عیاض نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره حج اکبر سؤال کردم. فرمود: ابن عباس می گفت روز عرفه است و امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود: حج اکبر عید قربان است و این سخن خداوند را دلیل می آورد: «فَسِيحُوا فِی الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُر»(7) {پس

چهار ماه دیگر با امنیت کامل در زمین بگردید.} بیست روز ذی حجه و محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز ربیع الاخر. و اگر حج اکبر در روز عرفه بود، چهار ماه و یک روز بود.

1- . المحاسن: 328

2- . قرب الاسناد: 65

3- . تفسیر العیاشی 2: 76

4- . تفسیر العیاشی 2: 76

5- . تفسیر العیاشی 2: 77

6- . تفسیر العیاشی 2: 77

7- . توبه / 2

باب پنجاه و هفتم : وقوفی که اگر انسان آن را انجام دهد، حج را درک کرده است

روایات:

1. علل الشرائع: ابن ابی عمیر از برخی اصحابش نقل کرده است که امام صادق علیه السلام خطاب به من فرمود: آیا می دانی که چرا ایام منی را سه روز قرار داده اند؟ به امام گفتم: جانم به فدایت! به چه علت؟ و برای چه؟ فرمود: هر کس که قدری از آن را درک کند، حج را درک کرده است. (1)

شیخ صدوق رحمه الله علیه فرمود: این حدیث بدین شکل آمده و من نیز بدین خاطر آن را در اینجا آوردم که در آن، علت ذکر شده و تنها ابراهیم بن هاشم این روایت را نقل کرده

و در نوادر خویش آورده و آنچه که من در مورد آن فتوا می دهم و در این معنا بدان تکیه می کنم، آن چیزی است که جمیل برای ما نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در عید قربان قبل از ظهر مشعر الحرام را درک کند، حج را درک کرده و هر کس آن را در روز عرفه قبل از ظهر درک کند، تمتع را درک کرده است.(2)

2. قرب الإسناد: امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس که قبل از طلوع خورشید به جمع بیاید و مردم در مشعر باشند، حج را از دست داده و آن عمره مفرده

1- . علل الشرائع: 450
2- . علل الشرائع: 451

به حساب می آید اگر بخواهد اقامت کند و اگر بخواهد، بازگردد و باید سال دیگر حج گزارد.(1)

مؤلف: در این معنی خبری را در باب حج اکبر آوردیم.

3. رجال الکشی: یونس نقل کرده است که حریز بن عبدالله از امام صادق علیه السلام جز یک حدیث یا دو حدیث نشنیده و همچنین عبدالله بن مسکان جز یک حدیث نشنیده است: هر کس مشعر را درک کند، حج را درک کرده. و کسی بود که اصحاب امام صادق علیه السلام را به نقل روایت وامیداشت و شیعیان می گفتند: هر کس قبل از طلوع خورشید مشعر را درک کند، حج را درک کرده است. و محمد بن ابی عمیر نقل کرده است که گمان می کنم ایشان برای وی روایت کرده باشد که هر کس قبل از ظهر عید قربان، مشعر را درک کند، حج را درک کرده است. (2)

4. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در روز عرفه در موقف، مردم را درک کند و قبل از کوچ اندکی با آنان وقوف کند، حج را درک کرده است. اگر مردم را زمانی درک کند که از عرفات کوچ کنند و در شب به عرفات آید و وقوف کند و خدا را یاد کند و سپس قبل از کوچ مردم از مزدلفه به جمع بیاید، حج را درک کرده است.(3)

5. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر قبل از طلوع سپیده دم به عرفات و پس از آن به جمع (مشعر) بیاید و به مردمی برسد که کوچ کرد ه اند و خورشید طلوع کند، حج را از دست داده و باید آن را عمره قرار دهد. و اگر زمانی به مردم رسد که کوچ نکرده اند، حج را درک کرده است و حج را از دست نمی دهد تا زمانی که مردم از مشعر الحرام کوچ کنند.(4)

1- . قرب الاسناد: 174
2- . رجال الکشی: 327
3- . دعائم الاسلام: 337
4- . دعائم الاسلام: 337

6. امام صادق علیه السلام درباره مردی که برای حج محرم شده اما وقوف در عرفه را درک نکرده و نرسید که نماز صبح را در مزذلفه بخواند، فرمود: حج را از دست داده و باید آن را عمره قرار دهد و سال دیگر حج کند.(1)

7. امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس که برای حج یا عمره تمتع محرم شود و جز در روز عید قربان به مکه نیاید. پس باید به گرد کعبه طواف کند و میان صفا و مروه سعی کند و از احرام بیرون آید و حج خود را عمره قرار دهد و هر کس حج تمتع گزارد یا آن دو را با یکدیگر قران کرد و به مکه نرسید، جز در زمانی که بیم دارد که اگر طواف کند و برای عمره سعی کند، حج را از دست بدهد، بشتابد و به موقف برسد و حج خود را به اتمام رساند و آن را حج افراد قرار دهد و پس از آن عمره را از سر گیرد و اگر شرط کرده که محل وی همان جایی است که بازداشته شده، پس آن عمره است و بر او چیزی نیست و اگر شرط نکرده، باید سال دیگر حج گزارد.(2)

1- . دعائم الاسلام 1: 338
2- . دعائم الاسلام 1: 338

باب پنجاه و هشتم : حکم حائض و نفساء و مستحاضه در حج

روایات:

1. فقه الرضا علیه السلام: اگر زن قبل از این که محرم شود، حائض گردد، بر اوست که زمانی که به میقات رسید، موضع خود را بپوشاند و غسل کند و لباس احرامش را بر تن کند و در حالی که محرم است وارد مکه شود و به مسجد الحرام نزدیک نگردد. اگر تا روز ترویه قبل از ظهر پاک شود، عمره تمتع خود را درک کرده است و بر اوست که غسل کند و به گرد کعبه طواف کند و میان صفا و مروه سعی کند و عباداتی را که بر عهده اوست انجام دهد. و اگر پس از ظهر روز ترویه پاک شود، عمره تمتع او باطل است و آن را حج افراد قرار می دهد. و اگر پس از سعی میان صفا و مروه حائض شود و از انجام تمامی عبادات و مناسک جز طواف به گرد کعبه فارغ شده، زمانی که پاک شود، طواف به گرد کعبه را انجام دهد و وی با عمره تمتع حج را انجام دهد و باید سه بار طواف کند: طواف عمره تمتع و طواف حج و طواف نساء. زمانی که مرد طواف نساء را انجام ندهد، زنان بر او حلال نیستند تا زمانی که طواف کند؛ و همچنین زن تا زمانی که طواف نساء را انجام نداده، همبستر شدن بر او جایز نیست و زمانی که زن در هنگام طواف حائض شود، از مسجد بیرون آید و اگر سه دور طواف کرده بود باید اعاده کند و اگر چهار دور طواف کرده بود، در منزلش بماند تا زمانی که پاک شد، بنا را بر چهار دور میگذارد و هر آنچه که از عبادات بر عهده او باقی مانده را انجام میدهد. و پس از حائض شدن از مسجد عبور نکند بلکه همان جا تیمّم کند و از مسجد خارج شود و همچنین اگر مرد در زمان طواف دچار بیماری

شود و نتواند طواف را به پایان برساند، خارج شود و پس از آن، طواف خود را اعاده کند، درصورتی که از نصف نگذشته باشد؛ و اگر از نصف گذشته باشد، بر اوست که بنا را بر آنچه که طواف کرده بگذارد.(1)

2. السرائر: معاویه بن عمار نقل کرده است: زمانی که خواستی کوچ کنی و به حصبه - که همان بطحاء است - رسیدی، اگر خواستی، در آن فرود بیا، زیرا امام صادق علیه السلام فرمود: همانا پدرم در آن فرود می آمد و سپس کوچ می کرد و بدون این که بخواهد وارد مکه می شد و فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان آنجا فرود آمد،و عایشه را همراه با برادرش عبدالرحمن به مسجد تنعیم فرستاد و خود به خاطر بیماری که در آنجا بدان دچار شد، عمره گزارد. زیرا (عایشه) خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: زنان تو با یک حج و یک عمره باز می گردند و من تنها با یک حج باز گردم؟! پس رسول خدا وی را بدانجا فرستاد، و زمانی که به مکه وارد شد و به گرد کعبه طواف کرد و در کنار مقام ابراهیم دو رکعت نماز خواند، سپس میان صفا و مروه سعی کرد، به نزد رسول خدا آمد و در آن روز کوچ کرد.(2)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 30
2- . سرائر: 487

باب پنجاه و نهم : محصور و مصدود

آیات:

-

فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْیُ مَحِلَّه (1)

{و اگر به علت موانعی بازداشته شدید، آنچه از قربانی میسر است قربانی کنید و تا قربانی به قربانگاه نرسیده، سر خود را متراشید. }

روایات:

1. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: محصور غیر از مصدود است. محصور همان مریض است و مصدود کسی است که مشرکان وی را بازگردانند همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله را باز گرداندند و به خاطر بیماری نیست. برای مصدود زنان حلال می شوند و برای محصور زنان حلال نمی گردند.(2)

2. تفسیر علی بن ابراهیم: «و اتموا الحج و العمره لله فان احصرتم فما استیسر من الهدی و لا تحلقوا رؤوسکم حتی یبلغ الهدی محله فمن کان منکم مریضا او به اذی من راسه ففدیه من صیام او صدقه او نسک»،(3) {برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید و اگر به علت موانعی بازداشته شدید، آنچه از قربانی میسر است قربانی کنید و تا قربانی به قربانگاه نرسیده، سر خود را متراشید. و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد (و ناچار شود در احرام سر بتراشد) به کفاره آن باید

1- . بقره / 196
2- . معانی الأخبار: 222
3- . بقره / 196

روزه ای بدارد یا صدقه ای دهد یا قربانی بکند.} زمانی که مرد تصمیم گرفت جهت اعمال عمره تا تمتع محرم شود و لباس احرام پوشید، اما در مسیر خود قبل از این که به مکه رسد دچار بیماری شد و نتوانست به راه خود ادامه دهد، وی در همان مکانی که از حرکت بازداشته شده اقامت می کند و از طرف خودش قربانی میفرستد؛ اگر ثروتمند است شتر و اگر متوسط است گاو. و اگر فقیر است، گوسفند را حتما باید بفرستد و هنوز در احرامش باقی است تا این که قربانی به قربانگاه برسد ولی اگر در سر درد یا ناراحتی یا زخمی داشته باشد، سرش را بتراشد و از احرام بیرون آید و لباسش را بر تن کند و فدیه دهد، و یا شش روز روزه گیرد یا به ده مسکین صدقه دهد یا قربانی کند و خون بریزد، بدین معنا که یک گوسفند ذبح کند.(1)

3. فقه الرضا علیه السلام: پس هر کس که حج و عمره را با یکدیگر قران کند و اگر به علتی محصور - بازداشته - شد، قربانی را همراه با قربانی دوستانش بفرستد و از احرام بیرون نیاید تا قربانی به قربانگاه برسد. زمانی که قربانی به قربانگاه رسید، از احرام بیرون آید و به سوی منزل خود بازگردد و باید سال دیگر حج گزارد و تا حج سال آینده نباید با زنان نزدیکی کند. اگر مردی از حج مصدود شد، در حالی که محرم شده بود، باید سال آینده حج به جا آورد و نزدیکی با زنان برای او ایرادی ندارد، زیرا که این فرد مصدود است و مانند محصور نیست. اگر حاکمی ظالم در مکه مردی را از انجام حج باز دارد، در حالی که وی با اتمام عمره تصمیم به انجام حج تمتع دارد، و در شب قربانی وی را آزاد کند، بر اوست که در جمع (مشعر) به سایر مردم بپیوندد و سپس به منی بازگردد و ذبح کند و موی سرش را بتراشد و چیزی بر عهده او نیست؛ اگر روز عید قربان بعد از ظهر او را آزاد کند، وی مصدود از حج به حساب می آید. اگر برای حج تمتع به مکه وارد شده، هفت دور طوافبه گرد کعبه کند و سپس هفت بار سعی کند و سرش را بتراشد و گوسفندی قربانی کند؛ و اگر برای حج افراد به مکه وارد شده بود، قربانی کردن بر عهده او نیست و هیچ چیزی بر عهده او نیست. (2)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم: 59
2- . فقه الرضا علیه السلام: 29

باب شصتم : کسی که قربانی می فرستد و در منزل خود محرم می شود

روایات:

1. تفسیر العیاشی: راوی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردند که قربانی خود را همراه با قومی بفرستد که قربانیان خود را همراه می برند و با آنان در روزی که قربانی اشان را تقلید می کنند و محرم می شوند وعده گذاشته است. امام فرمود: آن چیزی که بر محرم در روزی که با آنان وعده گذاشته حرام می باشد، بر وی نیز حرام است تا این که قربانی به قربانگاه برسد. گفتم: به نظر شما اگر آنان در زمان وعده تخلف کردند یا این که به کندی حرکت کردند، اگر در روزی که با آنان وعده گذاشته از احرام بیرون بیاید، گناه کرده؟ فرمود: خیر.(1)

2. دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال حدیبیه با بیش از هزار نفر از اصحابش از مدینه جهت انجام عمره خارج شد. زمانی که به ذوالحلیفه رسید احرام بست و اصحاب نیز محرم شدند و قربانی خود را تقلید کرد و آنان نیز تقلید و اشعار کردند. این امر قبل از فتح مکه بود. خبر آن به قریش رسید و جهت مقابله با رسول خدا گروهی گرد آوردند. زمانی که به ایشان به نزدیکی عسفان رسید، خبر اجتماع آنان به رسول خدا رسید و ایشان فرمود: ما جهت جنگ با کسی به اینجا نیامده ایم و تنها جهت انجام عمره آمده ایم؛ اگر قریش بخواهد،

1- . تفسیر العیاشی 1: 89

با آنان برای مدتی صلح می کنم، و راه را میان من و مردم باز گذارد؛ زمانی که راه آشکار شد، اگر خواستند، در آنچه که مردم در آن داخل شده اند، داخل شوند و اگر از دخول در اسلام خودداری کنند، با آنان می جنگم تا این که خداوند که خود برترین حاکمان است، میان ما حکم کند. فرستادگان میان او و قریش رفت و آمد کردند و با آنها صلح کرد با این شرط که در همان سال بازگردد و اگر خواست، سال بعد حج عمره گزارد. قریش گفتند: هرگز عرب نخواهد دید که به زور و اجبار بر ما وارد شوند و رسول خدا در جواب آنها فرمود: تا آن وقت. و شتری را که به آن مکان برده بود نحر کرد و سپس تقصیر کرد و بازگشت و مسلمانان نیز بازگشتند. این حکم کسی است که پس از این که حج و عمره یا همه آنها را بر خود واجب کرده، از کعبه بازداشته شود؛ تقصیر میکند و بازمیگردد و اگر قربانی همراه دارد، موهای خود را نمیتراشد، زیرا خداوند می فرماید: «وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْىُ مَحِلَّه»(1) {تا

قربانی به قربانگاه نرسیده، سر خود را متراشید.} و این تنها در صورتی است که پس از این که از میقات عبور کند و محرم شود و قربانی را در صورتی که همراه داشت بر خود واجب کرده باشد. و اگر آن قبل از میقات بود، بازگردد؛ چه محرم باشد یا نباشد و اگر قربانی همراه او باشد، قربانی را نحر نکن، چه آن را بر خود واجب کرده یا نکرده است، زیرا پیشتر نهی از محرم شدن قبل از میقات را ذکر کردیم و هر کس قبل از آن محرم شود و احرام خود را باطل ساخته، چیزی بر او نیست. و اما احصار، بیماری است؛ چنان که خداوند فرمود: «فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْى» {اگر به علت موانعی باز داشته شدید، آنچه از قربانی برایتان میسر شد، قربانی کنید.}(2)

3. از امام صادق علیه السلام برای ما نقل کرده اند که از ایشان درباره مردی سؤال شد که بازداشته شده و قربانی خود را فرستاده است. امام فرمود: با دوستان خود در جایی وعده می گذارد، اگر در حج باشد، محل قربانی روز عید قربان است و

1- . بقره / 196
2- . دعائم الاسلام 1: 334

اگر در عمره باشد، باید به وقت ورود دوستانش به مکه و ساعتی را که با آنان وعده گذاشته بنگرد، و سپس تقصیر کند و از احرام بیرون آید. اگر پس از آنکه محرم شد، در مسیر بیمار شود و بخواهد به سوی اهل خود باز گردد، بازگردد و شتری را نحر کند. اگر در حج باشد، باید سال دیگر حج کند و اگر در عمره باشد، عمره ای دیگر بر عهده اوست. همانا امام حسین علیه السلام برای عمره خارج شد و در راه بیمار شد. این موضوع به علی علیه السلام رسید در حالی که وی در مدینه بود، پس در جستجوی امام خارج شد و او را در سقیا درک کرد. امام (حسین علیه السلام) بیمار بود. امام علی علیه السلام فرمود: ای فرزندم! از چه دردی می نالی؟ فرمود: از درد سرم. علی علیه السلام در پی شتری فرستاد و آن را نحر کرد و سرش را تراشید و وی را به مدینه بازگرداند. زمانی که بیماری امام بهبود یافت، عمره گزارد.(1)

4. به امام صادق علیه السلام گفته شد: آیا زمانی که محرم از بیماری و درد بهبود یابد، زنان بر او حلال می شوند؟ فرمود: زنان بر او حلال نیستند، تا زمانی که به گرد کعبه طواف کند و میان صفا و مروه سعی کند. گفتند: پس به چه دلیل رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که از حدیبیه بازگشت، زنان بر او حلال شدند؟ در حالی که به گرد کعبه طواف نکرده بود؟ فرمود: این دو یکسان نیستند. رسول خدا صلی الله علیه و آله مصدود بود و امام حسین علیه السلام محصور. همه این احکام در مصدود است؛اما محصور، همچنان که ذکر کردیم، تنها در زمانی است که از میقات محرم شود؛ اما اگر آنچه که بدان دچار شده، نرسیده به میقات باشد، چیزی بر عهده او نیست و اگر خواست، بازگردد و چیزی بر عهده وی نیست، و اگر قربانی همراه وی باشد بفروشد یا با آن هر کاری را که دوست داشت انجام دهد، زیرا وی هنوز قربانی را بر خود واجب نکرده و واجب کردن قربانی، اشعار و تقلید آن می باشد و این امر تنها پس از بستن احرام از میقات صورت می پذیرد.(2)

1- . دعائم الاسلام 1: 334
2- . دعائم الاسلام 1: 336

باب شصت و یکم : عمره و احکام آن و فضیلت عمره در ماه رجب

آیات:

- وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّه (1)

{برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید. }

روایات:

1. قرب الإسناد: امام رضا علیه السلام فرمود: برای هر ماه یک عمره است.(2)

2. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام فرمود: انجام عمره بر انسان ها واجب است، همچون حج بر کسانی که توان آن را داشته باشند. خداوند می فرماید: «وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّه»(3) {و

برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید. }و دستور عمره در مدینه نازل شد و برترین عمره، عمره ماه رجب است.(4)

3. علل الشرائع: ابن اذینه گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل «وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلا»(5) {برای

خدا حج آن خانه بر عهده مردم است، البته بر کسی که بتواند به سوی او راه یابد. } سؤال

1- . بقره / 196
2- . قرب الاسناد: 62
3- . بقره / 196
4- . علل الشرائع: 408
5- . آل عمران / 97

کردم که آیا منظور تنها حج بدون عمره است؟ فرمود: خیر، منظور هر دو است، هم حج و هم عمره، زیرا که هر دو واجبند.(1)

4. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از برادر خود علیه السلام درباره عمره رجب سؤال کردم که منظور چیست؟ فرمود: اگر در رجب احرام بستی، حتی اگر یک روز از آن مانده باشد، عمره رجب را درک کرده ای واگر در رجب محرم شده باشیووارد ماه شعبان شوی، آن عمره رجب است.(2)

5. تفسیر العیاشی: عمر بن یزید نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «وَ لِلّٰهِ عَلَی النّٰاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطٰاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً»(3) {برای

خدا حج آن خانه بر عهده مردم است البته بر کسی که بتواند به سوی او راه یابد.} گفتم که آیا تنها منظور حج بدون عمره است؟ فرمود: منظور هر دو است، هم حج و هم عمره، زیرا که هر دو واجبند.(4)

6. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند«وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلّٰه»(5) {و برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید.} فرمود: اتمام آن دو زمانی است که آن دو را انجام دهد، و از آنچه که محرم درآن دو دوری می کند، دوری کند.(6)

7. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلّٰه»(7) {و برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید.} فرمود: حج، تمامی مناسک است و در عمره از مکه فراتر نمی رود.(8)

1- . عللل شرائع: 453
2- . علل الشرائع: 453
3- . آل عمران / 97
4- . تفسیر العیاشی 1: 191
5- . بقره / 196
6- . تفسیر العیاشی 1: 87

7- . بقره / 196
8- . تفسیر العیاشی 1: 88

8. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: انجام عمره بر انسان ها واجب می باشد و به منزله حج است.خداوند می فرماید: «وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَهَ لِلّه»(1) {و

برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید. } و آیه عمره در مدینه نازل شد و برترین عمره، عمره ماه رجب است.(2)

9. تفسیر العیاشی: فضل بن ابی عباس درباره این سخن خداوند«وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَهَ لِلّه» {و برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید. } گفت: هر دو آنها واجبند.(3)

10. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام فرمود: عمره همچون حج واجب است، زیرا خداوند می فرماید: «وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَهَ لِلّه» {و برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید. } و آن همچون حج، واجب است.(4)

11. دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: عمره همچون حج واجب است، زیرا خداوند می فرماید: «وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَهَ لِلّه» {و برای خدا حج و عمره را به پایان برسانید }.(5)

12. امام علی علیه السلام فرمود: عمره واجب است.(6)

مؤلف: در ابتدای سخن از حج، آنچه را که این سخن را تایید می کند ذکر کردیم و همچنین چگونگی انجام عمره را زمانی که با عمره تمتع تا حج همراه شود و با حج قران یا مفرده باشد، برای کسی که می خواهد قبل از حج و پس از آن حج مفرده انجام دهد، ذکر کردیم.

1- . بقره / 196
2- . تفسیر العیاشی 1: 88
3- . تفسیر العیاشی 1: 87
4- . دعائم الاسلام 1: 333
5- . دعائم الاسلام 1: 333
6- . دعائم الاسلام 1: 334

13. امام صادق علیه السلام فرمود: در هر ماهی که خواستی عمره انجام ده و برترین عمره، در ماه رجب است.(1)

14. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در ماه های حج عمره بگزارد، اگر بازگردد و حج نگزارد، پس آن عمره مفرده است و اگر حج گزارد، پس آن عمره تمتع حساب میشود.(2)

15. از ایشان درباره از عمره پس از حج سؤال شد. فرمود: وقتی ایام تشریق سپری شود و موی سرش را تراشید میتواند عمره انجام دهد.(3)

16. امام صادق علیه السلام فرمود:عمره جدا از حج آن است که شخص خانه خدا را طواف کند، میان صفا و مروه سعی کند و اگر خواست، همان ساعت از احرام درآید و زمانی که داخل حرم شد، لبیک گفتن را قطع کند. اگر عمره گزار طواف و سعی کرد، از احرام خود بیرون آمده است و اگر بخواهد، بازگردد و اگر قربانی همراه اوست، آن را در مکه نحر کند و اگر دوست داشت که پس از آن طواف مستحب انجام دهد، این کار را انجام دهد.(4)

1- . دعائم الاسلام 1: 334
2- . دعائم الاسلام 1: 334
3- . دعائم الاسلام 1: 334
4- . دعائم الاسلام 1: 334

باب شصت و دوم : شیوه انجام مناسک حج

روایات:

مؤلف: در برخی از نسخه های فقه رضوی علیه السلام فصلهایی را در مورد بیان اعمال حج و احکام آن یافتم که در نسخه تصحیح شده رسیده به دست ما که آن را در ابتدای کتاب وارد کردیم، موجود نبود، از این رو آن را در بابی جداگانه آوردیم تا از دیگر ابواب متمیز گردد.

فصل: زمانی که خواستی به حج روی با اهل خود وداع می کنی و وصیت می کنی و هر آنچه که از دین و قرض بر عهده توست ادا می کنی و به نیکی و درستی وصیت می کنی، زیرا که تو نمی دانی که چه می شود؟ شاید که از سفر خود باز نگردی. سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی: «خدایا از مشقت سفر و ناراحتی و اندوه به تو پناه می برم، خدایا مرا در سفرم حفظ کن و برای خانواده و فرزندانم برایم جانشین باش و در سلامت و تندرستی مرا به خانواده و موطنم باز گردان.» سپس بر مرکب خود سوار شو و بگو: «به نام خدا و به خدا، پاک و منزه است خدایی است که این مرکب را برای ما مسخر ساخت وگرنه ما توان آن را نداشتیم. سپاس خدایی را که این مرکب را برای ما مسخر و رام ساخت و بر محمد و خاندان او درود فرست.» زمانی که به مدینه الرسول صلی الله علیه و آله آمدی، قبل از ورود غسل کن یا وضو بگیر، سپس از مسجد آغاز می کنی و در آنجا و مسجد الحرام، تا توانستی نماز بخوان.

1. همانا این حدیث صحیح از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: خواندن یک نماز در مسجد الحرام معادل صد هزار نماز و در مسجد من برابر با هزار نماز است.

2. و روایت شده که برابر با پنجاه هزار نماز است.

3. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: مستحب است زمانی که فرد به مدینه الرسول صلی الله علیه و آله آید، اگر در آنجا اقامت کرد،سه روز روزه بگیرد وروزهاش را روز چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه قرار دهد.

4. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به زیارت قبر من آید، شفاعت من بر او روا گردد و هر کس پس از مرگ به دیدار من بیاید، گویی زمان زنده بودن مرا زیارت کرده است.

سپس در کنار محل سر پیامبر روبه قبله می ایستی و بگو: سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، ای ابا القاسم ! سلام بر تو ای سرور اولین و آخرین، سلام بر تو باد ای زینت قیامت، سلام بر تو ای شفاعت کننده روز قیامت، گواهی می دهم که معبود تنها خداست و شریکی برای اونیست و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست.رسالت را ابلاغ کردی و امانت را ادا کردی و امت خود را نصیحت کردی و در راه پروردگارت جهاد کردی تا این که یقین، تو را فرارسید. خدا بر تو و خاندانت درود فرستد و نیکو زنده بودی و نیکواز دنیا رفتی. خداوند بر تو و بر برادر و جانشین و پسر عمویت امیر المؤمنین و بر دخترت سرور زنان عالم و بر دو فرزندت حسن و حسین، برترین درودها و پاکترین تحیات و پاکیزهترین صلوات را فرستد و از ما بر شما سلام باد و رحمت خداوند و برکات او شامل حالتان باد. سپس برای خود دعا می کنی و برای دعا کردن بر مؤمنان و والدین خود بکوش؛ سپس در کنار ستون توبه و حنانه و در روضه متبرکه تا جایی که توانستی نماز می خوانی. سپس به سمت مقام جبرئیل بیا که کنار ناودان است و از دری خارج میشویکه به آن باب فاطمه گفته می شود و آن دری است که روبروی کوچه بقیع واقع شده، و در آنجا

دو رکعت نماز بخوان و بگو: ای بخشنده و ای کریم، ای نزدیکی که دور نیستی، از آنجایی که تو معبودی هستی که مانند تو نیست، از تو می خواهم که مرا از فرو رفتن در مهلکه ها و آفتهای دنیا و آخرت و رنج سفر و بدی عاقبت مرا حفظ کنی و پس از حجی مقبول و سعیی مشکور و عملی پذیرفته شده، مرا به موطنم سالم باز گردانی و این زیارت از حرمت و حرم رسولت را آخرین بار قرار ندهی. سپس به نزد قبور سروران و بزرگان بقیع و مسجد فاطمه بیا و دو رکعت نماز بخوان و قبر حمزه و شهیدان و قبر عروسین و مسجد فتح و سقیا و فضیخ و قبا را زیارت کن؛ چرا که در آنها فضیلت بسیاری است و سپس از مسجد خلوه و سقیفه بنی ساعده دیدن کن و خانه علی بن ابی طالب علیه السلام و جعفر بن محمد را که در کنار در مسجد واقع شده زیارت کن و بعد دو رکعت نماز در آن می خوانی و زمانی که خواستی از مدینه خارج شوی، با قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وداع کن و همان کاری را که در ابتدا انجام دادی انجام می دهی؛ سلام میدهی و سپس می گویی: خدایا ! این را آخرین دیدار و زیارت از قبر پیامبر خودت و حرم او قرار نده، همانا من در زندگیام گواهی می دهم که تنها معبود در زندگی ام خداست. اگر پیش از آنکه به زیارت آیم مرا میمیراندی، در حال مرگ به همان چیزی که در حال حیات شهادت می دادم،

گواهی می دادم که محمد بنده و فرستاده توست.

با قبر وداع نکن مگر این که غسل کرده باشی یا در صورتی که امکان غسل برایت مهیا نبود، وضو گرفته باشی، اما غسل بهتر است. زمانی که به قصد مکه از راه مدینه به میقات آمدی، به مسجد شجره که همان ذو الحلیفه است برو و از آنجا لباس احرام بر تن کن واگر از جاده آمدی، از ذات عرق لباس احرام بر تن کن؛ همانا رسول خدا برای اهالی مدینه ذی الحلیفه و برای اهل شام جحفه و برای اهل نجد قرن و برای یمن یلملم را میقات قرار داد.

5. و ابن عباس در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که برای اهل مشرق عقیق را میقات قرار داد.

6. و در حدیثی که عائشه نقل کرده است، برای اهالی عراق، ذات عرق را میقات قرار داد.

7. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره این میقات ها فرمود: آن میقات ها برای اهالی آنان و کسانی هستند که بر این مکان ها وارد می شوند، برای کسی که بخواهد حج و عمره گزارد. و هر کس منزلش قبل از میقات باشد، پس میقاتش از همان جایی است که آغاز کند تا جایی که اهل مکه از آن محرم میشوند. قبل از احرام، موی سبیلت و ناخنهایت را کوتاه کن و موهای زیر بغل و شرمگاهت را بزدای و موی سرت را برگیر و از هر کدام آنها شروع کنی ایرادی ندارد و و این برای راحتی محرم است و اگر تمامی این کارها را در مدینه الرسول انجام دهی جایز می باشد. سپس غسل کن یا وضو بگیر و غسل بهتر است و دو لباس احرام یا دو لباس جدید یا شسته شده خود را پس از آنکه تمیز و پاک شدند بر تن کن و زن نیز این کار را انجام می دهد و اگر قبل از این که محرم شوی، روغن و بوی خوش استفاده کنی، جایز می باشد. باید فراغ تو از این اعمال هنگام ظهر باشد تا نماز ظهر را بخوانی و یا این که اگر توانستی، پس از نماز واجب آن را انجام دهی، در غیر این صورت بر تو ایرادی نیست که دو رکعت یا شش رکعت نماز را در مسجد شجره بخوانی. زمانی که نمازت را به پایان رساندی، خداوند را حمد و ثنا گوی و بر محمد و خاندان او درود فرست. سپس اگر خواستی حج و عمره یا قران را انجام دهی بگو: «پروردگارا! می خواهم حج و عمره بگزارم، پس آن دو را بر من آسان ساز و بپذیر». زمانی که در حج قران وارد شدی، بر تو واجب است که از همان جایی که احرام بستی، قربانی به همراه خود داشته باشی، شتر و یا گاو، و آن را از همان جایی که احرام بستی تقلید و إشعار کنی. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذی الحلیفه نماز خواند و شتری را آورد و رویه کوهان سمت راستش را نشانه دار کرد و خون از آن جاری شد، سپس دو نعل به گردن آن انداخت. و ابن عمر شترش را رو به قبله می کرد و کوهان آن را نشانه دار می کرد و اگر گاو باشد یا حیوانی باشد که دارای کوهان نباشد، پس در جای

کوهان آن؛ و می گویی:«بسم الله و الله اکبر». و وقتی روز ترویه باشد، شترش را تجلیل کند (بر روی آن جهاز بگذارد) و آن را به منی، محل اشعار و عرفات برد. می گویند: هر کس شترش را در عرفه نگاه ندارد، هدی نیست بلکه تنها قربانی به شمار می آید و این مستحب است. زمانی که به منی رفتی یا هر زمانی که خواستی، با هر لباسی که خواستی آن را تجلیل کن. و زمانی که آن را ذبح کردی، پالان و نعل را بردار و آن را صدقه بده، یا یک گوسفند را به عنوان صدقه بده. برخی از علماء در قران، همراه نیاوردن قربانی را نیز مجاز دانسته اند، اما آنچه را که من بر می گزینم رابیان کردم. و اگر از همراه بردن قربانی که انتخاب کردی عاجز شدی می توانی حج عمره گزاری، زیرا رسول خدا فرمود: اگر من نیز پیشتر می دانستم، این چنین نمی کردم و قربانی را همراه نمی آوردم و زمانی که مردم از احرام بیرون آمدند من نیز بیرون می آمدم وآن را عمره قرار می دادم. این آخرین فرمان رسول خدا در انجام سنت تمتع بود و تا سال دیگر زنده نماند. زمانی که خواستی حج تمتع گزاری بگو: «خدایا ! من می خواهم به کتاب و سیره پیامبرت با عمره تمتع به حج روم، آن را بر من آسان ساز و بپذیر» و همین کفایت میکند و اگر جهت انجام حج افراد وارد شدی نیکوست و قربانی بر عهده تو نیست. می گویی: «خدایا من می خواهم حج گزارم، آن را بر من آسان ساز و بپذیر». اگر خواستی به نیابت از شخص دیگری حج گزاری، بگو: «خدایا من می خواهم به نیابت از فلانی فرزند فلان شخص حج گزارم - و نام او را می آوری - آن را بر من آسان ساز و از فلان کس بپذیر.» و اگر هر آنچه از حج نیت کرد ه ای، از حج افراد گرفته تا قران یا تمتع یا انجام حج به نیابت از شخص دیگر، تنها نیت کردی و بر زبان نیاوردی نیز کافی است. آنچه مابرمی گزینیم این است که آنچه را که از آن اراده میکنی بر زبان آوری. و سپس در این مرحله بگو: «خدایا،اگر مانعی از اتمام حجم جلوگیری کرد، همان جا مرا با تقدیری که برایم رقم زدهای از احرام خارج کن، خدایا اگر حج نصیبم نشد، پس عمره را نصیبم ساز. به خاطر تو مو، پوست، گوشت و استخوان و مغز و اعصاب و شهواتم را به زنان و بوی خوش و لباس ها و زینت و غیره

حرام می کنم و با این کار رضایت تو و سرای آخرت را می جویم. خدایی جز تو نیست. پروردگارا، از تو می خواهم که مرا در زمره کسانی قرار دهی که دعوت تو را اجابت کرد و به وعده ات ایمان آورد و از فرمانت پیروی کرد. همانا من بنده تو و فرزند بنده ات هستم و در اختیار توام. هیچ نگهداری نیست مگر آنچه را که تو نگهداری و گیرندهای نیست مگر آنچه را که تو عطا کنی، از تو می خواهم که تصمیم من را بر عمل به کتاب و سیره رسولت استوار سازی و بر آنچه که نسبت بدان ضعیف گشته ام قوت بخشی و مناسک و اعمالم را در گشایش و آسان گیری و گذشت بپذیری و مرا از آن دسته از میهمانانت قرار دهی که از ایشان راضی شده ای و عملشان را پسندیده ای و آنان را نام برده و نوشته ای. خدایا من از راه و مسافتی دور از موطنم خارج شده و به سوی تو آمده ام و تو را زیارت کردم و تو مرا خارج ساختی و برای تو به راه افتادم و تو مرا به راه انداختی و با اذن و منت نهادنت بر من، تو را فرمان بردم و با آگاهی تو نافرمانیات کردم، در حالی که تو بر من حجت داری و اکنون به خاطر انقطاع حجتم و غلبه حجت تو بر من، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و گناهم را ببخشی و از من بپذیری. خدایا حج و عمره ام را بر من کامل ساز و آنچه که انفاق کردم بر جای نه و در عمر بازمانده ام برکت قرار ده و مرا به سوی خانواده و فرزندانم بازگردان.» سپس در پایان نمازت بر مرکبت بنشین و پس از آنکه بر مرکبت قرار گرفتی، زمانی که به بالای شرف البیداء رسیدی و زمانی که به وی وادی سرازیر شدی و سواره ای را دیدی، لبیک گو و در لبیک خود می گویی: «لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد و النعمه لک و الملک لا شریک لک» که این همان لبیک گفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

8. و ابن عمر این کلمات را بدان می افزود: لبیک ای صاحب نعمت و بخشش نیکو لبیک، به تو مشتاقم و از تو بیم دارم، لبیک.

9. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که «لبیک اله الحق» از تلبیه ایشان بود.

ص: 476

10. و انس بن مالک به این جملات می افزود: «لبیک، حقا حقا تعبُّدا و رقّا».

11. و ابن عمر نیز بدان می افزود: لبیک و سعدیک. و نیکی در دستان توست و میل و رغبت به سوی توست.

12. و امام صادق و امام کاظم علیهما السلام این جملات را می افزودند: لبیک ای صاحب والایی ها، لبیک ای فراخواننده به خانه امن لبّیک، لبیک ای آمرزنده گناهان لبیک،لبّیک از تو بیم دارم و به تومشتاقم لبّیک، لبیک آغاز کننده ای و بازگشت به سوی توست لبّیک، بی نیازی و دیگران به تو محتاجند لبیک،لبّیک ای خدای حق لبیک، لبیک ای صاحب نعمت و بخشش نیکو لبیک، لبّیک ای برطرف کننده گرفتاری لبیک، لبیک بنده ات فراروی توست، ای کریم لبّیک.

و بر پیامبر خدا و خاندان او بسیار درود بفرست و از خداوند طلب بخشش و خشنودی و بهشت و مغفرت کن و از خشم وی و آتش جهنم به رحمتش پناه بر. و تا می توانی در حالت ایستاده، نشسته، سواره و پیاده و به پهلو خوابیده و وضو گرفته و در زمان بیداری و سحر و در هر حالتی لبیک گوی و صدایت را بالا بر.

13. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود: جبرئیل به نزد من آمد و گفت: اصحابت را فرمان داده که صدایشان را جهت گفتن لااله الا الله و لبیک گفتن بالا برند، چرا که آن از شعار حج است.

14. از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردند که کدامین حج برتر است؟ فرمود: عج و ثج. گفته شد: عج و ثج چیست؟ فرمود: عج یعنی سر و صدای ناله و بالا بردن صدا جهت لبیک گفتن است و منظور از ثج، قربانی و ذبح کردن است. زنان هنگام لبیک گفتن صدای خود را پایین بیاورند و زن صدای همانند خود را بشنود و اگر تنها ناله اش را بشنود کافی است. و از رفث و فسوق وجدال در حج دوری کن. فرمود: منظور از رفث، همبستر شدن با زنان و منظور از فسوق، فحش دادن و گفته شده منظور، گناهان است و جدال همان ستیزه و نزاع می باشد که با دوستت مشاجره و منازعه کنی تا این که وی را خشمگین کنی. و بر تو باد تواضع و خشوع و آرامش و

فروتنی. برخی از دانشمندان گفته اند که منظور از رفث، تعریض و کنایه به جماع و بوسیدن و اشاره با چشم و ابروست و تفسیر تعریض جهت جماع این است که مرد به همسرش بگوید: اگر حلال بود غسل می کردیم و انجام می دادیم و بگوید: وقتی به همدیگر حلال شویم با تو جماع می کنم و از این گونه سخن و الفاظ و گاهی تفسیر جدال، در گفتن فحش نمود مییابد.

شکار را مکش و از شکار کوچک و بزرگ آن دوری کن و بدان اشاره مکن و به مکان شکار کسی را راهنمایی نکن؛ولی درباره زاغ آری. و از گوشت شکار نخور و شکار را نخر تا زمانی که از احرام بیرون آمدی از آن بخوری، و آن را نترسان و به گرفتن آن فرمان نده. کشتن مار، عقرب، موش، زاغ، کلاغ و سگ هار ایرادی ندارد و کشتن آنان را در بیرون از حرم و در حرم مجاز دانسته اند و تابعین کشتن حیوانات دیگر همچون زنبور، وزغ و ساس و کک ها را مجاز دانسته اند و اگر حیوانی وحشی به تو حمله کرد آن را بکش و کفاره ای بر عهده تو نیست و اگر به تو حمله نکرد آن را نکش.

و از پوشیدن لباسهایی که رنگ آمیزی شده، دوری کن مگر این که دارای بو و رائحه نباشند. و از پوشیدن پیراهن، شلوار و عمامه و شب کلاه و چکمه و قبا دوری کن، مگر این که بر عکس باشد، در صورتی که غیر از آن چیزی برای پوشیدن نیابی؛ و اگر چیزی جهت پوشیدن پیدا نکند، شلوار را چاک دهد و آن را همچون لنگ قرار دهد و خود را بدان وسیله بپوشاند. همچنین اگر لباسی را که جهت احرام بسته ای آلوده شود بشویی یا این که زمانی که به پول آن نیاز داشتی آن را عوض کنی یا بفروشی و به جای آن لباس دیگری بپوشی، ایرادی ندارد. همچنین ایرادی بر تو نیست که محرم باشی و غسل کنی و آب را بر سرت بریزی و صورتت را بپوشانی، اما سرت را نپوشان و اگر سرت شکاف برداشت ایرادی ندارد که خرقه ای دور سرت ببندی. برای محرم ایرادی ندارد که داخل حمام شود و جایگاه حجامت را که نتراشیده حجامت کند و با هر دارویی که خواست درمان کند، به شرطی که بوی خوش ندهد و

محرم با هر سرمه ای که خواست سرمه کشد بدین شرط که عطر آگین نباشد و مالیدن إثمد(1)

برای زن مکروه می باشد هر چند عطر آگین نباشد، زیرا باعث زینت زن می گردد و پس از احرام به خود عطر نزند و به سرو ریشش روغن نمالد؛ اگر این کار را انجام دهد، باید فدیه بدهد. و اگر جسم خود را با هر روغنی که خواست چرب کند ایرادی ندارد مگر روغنی که بوی خوش بدهد. و اگر بدنت را بخارانی با مدارا باشد و همچنین با آن دو و با انگشتر و کمربند ایرادی ندارد. همچنین خوردن خبیص - نوعی حلوا - و سکباج - آش گوشت و سرکه - و نمک زرد اگر دارای بوی آشکاری نباشد، ایراد ندارد. برای محرم در مذهب ما داشتن چتر ایرادی ندارد و برخی از علما این عمل را مکروه می دانند.

15. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کردهاند که فرمود: هر کس هنگام روز تا زمان غروب محرم شود و آفتاب بر او بتابد، گناهانش پاک میشود همچون زمانی که مادرش او را به دنیا آورده است. زمانی که به ذی طوی رسیدی، برای ورود به مکه از چاه میمونه غسل کن یا پس از داخل شدن در مکه غسل کن و همچنین زن حائض نیز می تواند، چنان که رسول خدا به اسماء فرمان غسل داد؛ و همچنین به زن حائض نیز فرمود که هر آنچه که حج گزار انجام می دهد تو نیز انجام بده، جز این که به گرد کعبه طواف نکن. و ابن عمر قبل از ورود به مکه در ذی طوی غسل می کرد و نیز اغلب علما این کار را بزرگ می داشتند، و اگر هم غسل نکردی ایرادی ندارد.

16. نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله شب را در ذی طوی خوابید و در روز وارد مکه شد. و از جانب ثنیه علیا یا سفلی وارد می شد؛ پس وارد شدن از آن مستحب می باشد و زمان ورود به مکه بگو: خدایا ! این حرم و امانگاه توست، پس گوشت و خونم را بر آتش حرام کن و روز قیامت مرا ایمن بدار، خدایا از عذاب و خشمت مرا پناه ده. و اگر توانستی که دو جامه احرامت را عوض کنی و دو

1- . سنگی است که آن را نرم کرده و برای زینت به چشم می مالند.

لباس نو بر تن کنی، این کار را انجام ده، زیرا که بهتر است و اگر عوض کردن آن میسر نشد ایرادی ندارد و از جایی که دوست داشتی وارد می شوی و دستت را بالا مبر و روایت شده که دست را بالا برند و این امر ثابت نشده و جابر آن را رد کرده. و بگو: «بسم الله» و ابتدا پای راست خود را قبل از پای چپ قرار ده و بگو: خدایا ! گناهانم را بر من بیامرز و در های رحمت و فضل و پاداشها ی مغفرت خود را بر من بگشای و ما را از شر شیطان در پناه دار و مرا در جهت فرمانبری و خشنودی خود به کار گیر. زمانی که به کعبه نگاه کردی بگو: خداوندا تو سلامی و سلامتی از آن توست، پس ای پروردگار ما ! ما را با سلام تحیّت گوی. خدایا ! این خانه توست که بدان شرافت و عظمت و کرامت دادی، خدا بر شرافت و عظمت و تکریم و نکویی و شکوه و جلال آن بیفزای. زمانی که به حجر الاسود رسیدی دستانت را بالا بر و بگو: به نام خدا و خدا بزرگتر است. خدایا تنها برای ایمان به تو و تصدیق به کتاب تو و پیروی از سنتت و سنت پیامبرت و وفا کردن به پیمانت، به خدا ایمان آوردم و به جبت و طاغوت کفر ورزیدم. خدا بزرگتر است، معبود تنها اوست و خدا بزرگتر است. خدایا برای تو حج گزاردم و تنها تو را اجابت کردم و به سوی تو آمدم و تو را قصد کردم و به واسطه تو بی نیاز شدم و زیارتت را خواستار شدم و من در پیشگاه و حرمت و میهمانت و بر در خانه ات هستم، در پیشگاه و آستانه تو فرود آمدم، خدایا ! تنها تو پرودگار من و این خانه هستی. خداوندا ! همانا در این روز جماع ناپسند است و آلودگی زدوده می شود و قسم خوردن در آن نیک می شود و نفوس در آن آزاد می شوند،این خانه را عید(محل رجوع و تجمع مردم) و آن را وسیله تقرب به خود قرار دادی و محلی امن و اجتماع برای مردم و حج را در آن قرار دادی و به گرد آن طواف می کنند و فرد مقیم مجاور آن می شود و بیمناک در آن ایمن است. خدایا من از زمره کسانی هستم که به خاطر شوق و رغبت به تو و به دست آوردن رضایت و خشنودی ات و نادیده گرفتن خطاهایم حج گزاردم. خدایا ! از تو خواستار تندرستی با شکرگزاری و رهایی از آتش دوزخم، چرا که تو مهربان ترین مهربانانی. سپس به

حجر الاسود نزدیک می شوی و بر آن دست می کشی و می گویی: ستایش خدایی را که ما را بدین ره هدایت نمود و اگر خدا ما را رهبری نمی کرد، ما خود هدایت نمی یافتیم. در حقیقت فرستادگان پرودگارمان حق را آوردند. پاک و منزه است خدا و ستایش از آن اوست و تنها معبود خداست و او بزرگتر است. جز خدای یکتا معبودی نیست، شریکی ندارد، سلطنت و ستایش برای اوست، زنده می کند و می میراند و او زنده ای است که هرگز نمی میرد. خوبی و نیکی به دست اوست و او بر هر چیز تواناست. و درود خداوند بر محمد و خانوادهاش علیهم السلام. سپس اگر حج تمتع می گزاری، زمان دست کشیدن بر حجر الاسود، لبیک گفتن را قطع کن.

17. بر اساس آنچه که ابن عباس نقل کرده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان انجام عمره خود، لبیک گفتن را در آنجا قطع می کرد و ابن عباس و جابر اینگونه گفتهاند که ابن عمر و عایشه، قطع کردن لبیک را برای کسی که حج تمتع گزارده،در زمان دیدن خانه های مکه واجب می دانستتند و آنچه که ما برگزیدیم، همان چیزی است که برایت گفتیم و اختیار پذیرش آن با توست.

زمانی که به در کعبه رسیدی بگو: خدایا ! این خانه خانه ات و حرم حرمت و این بنده بنده توست، این جایگاه کسی است که از آتش دوزخ به تو پناه برده است. سپس طواف کن، زمانی که به رکن عراقی رسیدی بگو: خدایا ! از شک و تردید و شرک و اختلاف و خودنمایی و بدبختی و ترس از دشمن و عاقبت بد به تو پناه می برم. خدایا ! از فقر و ناداری و محرومیت و آرزو و فتنه و غلبه بدهکاری به تو پناه می برم، به تو و به رسول تو و ولیّ تو ایمان آوردم، به خداوند به عنوان پروردگار و به اسلام به عنوان دین و به محمد صلی الله علیه و آله به عنوان رسول و به علی علیه السلام به عنوان جانشین و امام و به مؤمنان به عنوان برادران، راضی و خشنودم.

زمانی که به زیر ناودان رسیدی بگو: خدایا ! در ذیل عرشت مرا در پناه دار، روزی که هیچ پناهگاهی جز سایه تو نیست. از ترس و وحشت روز قیامت مرا ایمن بدار و از آتش نجات ده و روزی حلال را بر من وسعت بخش و شر جن و انس و شر فاسقان

عرب و عجم را از من دور کن و گناهم را ببخشای و توبه ام را بپذیر، زیرا که تو توبه پذیر و مهربانی. زمانی که به رکن شامی رسیدی بگو: خدایا ! این را حجی پاداش یافته و گناهی آمرزیده و تلاشی سپاس یافته و عملی پذیرفته قرار ده، آن را از من بپذیر آنچنان که از خلیل خود ابراهیم و کلیم خود موسی و روحت عیسی و محبوبت محمد صلی الله علیه و آله پذیرفتی. زمانی که به رکن یمانی رسیدی بگو: خدایا ! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش حفظ کن. هفت دور به گرد آن طواف می کنی، در سه دور اول از این سنگ تا سنگ دیگر پویهکنان میروی. - رمل به معنای پویه کردن است و نه به شدت سعی - . اگر به خاطر ازدحام جمعیت نتوانستی با شتاب راه بروی، بایست، و وقتی راه باز شد، پویه میکنی. چهار دور باقی را در طواف راه برو، درحالی که باوقار هستی و نگاهت را مطیع گرداندهای، دو طرف لُنگت را جمع کن و آنها را بر از زیر شانه راستت به گردن بینداز، در حالی که شانه راستت باز باشد و تا می توانی سبحان الله ، الحمد الله، لا اله الا الله، لا حول و لا قوه الا بالله، لا اله الا الله وحده لا شریک له، را تکرار کن و بگو:«فرمانروایی وستایش از آن اوست، زنده می کند و می میراند در حالی که او خود زنده ایست که هرگز نمی میرد و تمامی نیکی ها به دست اوست و بر هر چیزی تواناست».و قرآن نخوان.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود: هر کس که در طواف خود ده بار بگوید: {گواهی می دهم که جز خدا معبودی نیست، یکتا و بی نیاز است. نزائیده و نه زاده شده و هیچ کس همتای او نیست، نه دوستی را بر خود برگزیده و نه فرزندی.} خداوند برای او چهل و پنج حسنه می نویسد. زمانی که در دور هفتم از طواف خود بودی، در کنار مستجار نزد رکن یمانی تا آخر کعبه به مقدار دو یا سه ذراع پیش بیا و اگر خواستی به کنار ملتزم برو و شکم خود را به کعبه بچسبان و به پرده های کعبه خود را بیاویز و صورت و کل بدنت را بدان بچسبان، و ایستاده می گویی: سپاس خدایی را که تو را کرامت و عظمت و شرف بخشید و تو را جایگاه اجتماع و امن قرار داد. خدایا این خانه خانه توست و بنده بنده توست و این امنیت

ص: 482

امنیت توست، . این حرم حرم توست. این جایگاه پناه آورنده به تو از آتش دوزخ است، از آتش به خدا پناه می برم. و در دعا کردن بکوش و تا می توانی بر رسول خدا درود فرست و برای خود و مردان و زنان مؤمن دعا کن و هر دعایی که خواستی بکن. زمانی که از طواف خود فارغ شدی، اگر خلوت بود به کنار مقام ابراهیم بیا، در غیر این صورت هر جای مسجد که خواستی برو و دو رکعت نماز بخوان. در رکعت اول سوره فاتحه الکتاب و «قل یا ایها الکافرون» و در دومی «قل هو الله احد» را بخوان. سپس دعا می کنی و به خداوند پناه میبری و در هر زمانی که خواستی، چه شب چه روز نماز می خوانی. سپس بار دیگر به سمت حجر الاسود باز گردی و زمانی که نماز خواندی، تا می توانی از او درخواست کن و دستانت را بالا گیر و حجرالاسود را ببوس یا این که به آن با دستت اشاره کن. سپس به کنار زمزم رو و از آب آن بنوش و با دستت دلوی را از آنجای زمزم که نزدیک به رکن حجر الاسود است برمی داری و می نوشی و میگویی: خدایا ! آن را علمی سودمند و روزی پربار و عملی پذیرفته و مایه شفای هر بیماری قرار ده. سپس از دری که در کنار دروازه بنی مخزوم، میان دو ستون در زیر دو چراغ قرار دارد، به صفا برو و اگر از در دیگری خارج شدی، ایرادی ندارد و بر آن از روبروی کعبه بالا رو و هفت یا سه بار تکبیر گو و بگو: تنها معبود خداست و او بزرگتر است، جز خدای یکتا معبودی نیست،شریکی ندارد، سلطنت و ستایش برای اوست، زنده می کند و می میراند و او زنده ای است که هرگز نمی میرد. هر خوبی و نیکی به دست اوست و او بر هر چیز تواناست. تنها معبود خداست و جز او را نمی پرستیم ودین را برای او خالص گردانیدیم. تنها معبود بی شریک است، به وعده هایش جامه عمل پوشانید و بنده اش را یاری کرد و به تنهایی تمامی احزاب را شکست داد، شریکی برای او نیست. و ایستادن بر آن را طولانی کن و سپس سه بار تکبیر بگو و بار دیگر سخن اول را تکرار کن و بر محمد و خاندان او درود فرست و بگو: خدایا ! بر دین و فرمانبرداری از تو و رسولت مرا حفظ کن و از مرزهای گناهت دور بدار. و تا می توانی برای خود و تمامی مؤمنان و پدر و مادرت دعا کن، سپس سه

بار تکبیر می گویی و بار دیگر می گویی: لا اله الا الله وحده لا شریک له، به همان ترتیبی که قبلا گفتی و از فضل خداوند درخواست کن و از آتش دوزخ به او پناه ببر و به سوی وی گریه و زاری کن و سه تا هفت بار تکبیر می گویی و در هر بار سه تکبیر می گویی و زمان وقوف و ایستادن تو بر کوه صفا و مروه باید به اندازه خواندن صد آیه از قرآن طول کشد و کمترین زمان آن به میزان خواندن بیست و پنج آیه است. ایرادی ندارد که زمان وقوف بر صفا و مروه لبیک گویی، چنان که ابن مسعود این کار را انجام داد و به انجام آن فرمان داد و گفت: آن استجابت است، همان که موسی از پروردگار خود خواست. و سپس به سمت مروه برو و باید زمان وقوفت بر صفا چهار بار و بر مروه چهار بار بشود. از صفا آغاز می کنی و به مروه ختم می کنی و باید آخرین دعایت این باشد: «خدایا مرا در راه عمل به سنت پیامبرت به کار گیر و مرا با آیین وی بمیران و از گمراهی های فتنه ها پناه ده.» و باید آخرین دعایت بر مروه این باشد: «خدایا! عاقبت من را ختم به خیر و نیکی کن، خدایا از انجام گناهان نگاه دار و در عمر بازمانده ام از ارتکاب آنان مصون بدار تا هرگز پس از این به سوی آنها بازنگردم، زیرا که تو حفظ کننده و ممانعت کننده از ارتکاب گناهی.» زمانی که از صفا پایین آمدی و آهنگ مروه کردی، به آرامی گام بردار و بگو:«خدایا! در راه فرمانبری خود ما را به کار گمار و ما را به عمل به سنت پیامبرت زنده نگاه دار و بر آیین رسولت بمیران و از آزمایشهای گمراه کننده پناه ده.» زمانی که در سعی به بطن الوادی رسیدی - و آنجا دو نشان سبز وجود دارد - میان آن دو هروله کن و در سعی خود بگو: به نام خدا وخدا بزرگتر است و بر محمد و خاندان او درود فرست. خدایا ببخش و رحم کن و آنچه را که می دانی نادیده بگیر و به راه استوارتر هدایت کن، زیرا که تو عزیزترین و کریم ترینی. تا زمانی که عبور کنی و دو میل را پشت سر گذاری. همانا رسول خدا راه می رفت تا جایی که جای پایش در دل زمین شنزار باقی می ماند و سپس سعی می کرد و می فرمود: جز سد نمی تواند جلوی شن و ماسه را اینگونه بگیرد. پس به مروه میآیی و موقع آمدن میگویی: «خدایا! از تو خیر آخرت و دنیا را

خواستارم و از شر آخرت و دنیا به تو پناه می برم.» سپس از آن بالا برو تا حدی که کعبه بر تو پدیدار شود و روبه آن کن و دستانت را بالا گیر و همان چیزی را که در صفا گفتی بگو و همان طور تکبیر گو. سپس از مروه پایین بیا و راه برو تا به بطن الوادی برسی، همان طور که از صفا به مروه هفت بار سعی کردی و هر سعی از صفا تا مروه یک دور به حساب می آید و از مروه به صفا دور دوم است که ابتدای آن از صفا و پایان آن به مروه ختم می شود؛ سپس، موی سرت را کوتاه کن، اگر حج تمتع می گزاری، یا بتراش و تراشیدن بهتر است و در ابتدا از نیمه راست و سپس از سمت چپ آغاز کن و موی خود را دفن کن. زمانی که این کار را انجام دادی، عمره ات را انجام داده ای و همه چیز مانند پوشیدن پیراهن و دیگر لباس ها و همبستر شدن با زنان تا روز ترویه بر تو حلال می گردد. اگر برای گزاردن حج افراد که همان قران است یا انجام حج مفرده وارد شدی، بر حالت احرام خود تا پایان روز عید قربان که زمان اتمام حجت است می مانی و تا آنجا که خواستی به گرد کعبه طواف کن و در آن با شتاب گام بر ندار. برخی از علماء معتقدند که قارن باید دو طواف و سعی انجام دهد.پس از آنکه از انجام هفت دور سعی میان صفا و مروه فارغ شود، به او امر میکنند که به کعبه برگردد و هفت دور طواف به گرد خانه خدا را با شتاب راه برود و میان صفا و مروه هفت دور دیگر سعی کند. طواف مرتبه اول و سعی اول را برای عمره خود و طواف و سعی دوم را برای حج خود قرار می دهد، اگر برای انجام حج و عمره وارد شده باشد. اما آنچه را که ما برمی گزینیم و معتقدیم، این است که هفت دور طواف به گرد کعبه و هفت بار سعی میان صفا و مروه کند؛ و این برای قارن و کسی که حج تمتع و افراد انجام می دهد، مجزی است.

18. به دلیل سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله به عایشه، زمانی که حج قران انجام میداد و به او فرمود: طواف برای انجام حج و عمره ات تو را کفایت میَ کند تا زمانی که به جمره عقبه سنگ بزنی و هر کس حج تمتع انجام می دهد. پیشتر بیان کردم که زمانی که بر حجر الاسود دست کشید، لبیک گفتن را قطع کند، سپس قارن بر

حالت احرام خود باقی بماند و کسی که حج تمتع گزارده، تا روز ترویه در مکه باقی بماند و خوب بنگر که تو در کجایی، همانا تو در حرم خداوند و در صحنه سرزمین خدایی که آن خانه عبادت می باشد. از این رو خود را به عبادت کردن عادت ده، زیرا ثواب خواندن نماز و گرفتن روزه و صدقه دادن و اعمال نیک چند برابر می شود و همچنین گناه و معصیت از جاهای دیگر عذابی بیشتر و چند برابر خواهد داشت. پس هر کس به انجام گناه همت گمارد ولی به گناه عمل نکند، برای وی گناه نوشته خواهد شد چنان که خداوند فرمود: {هر کس از امر ما منحرف شود، او را از عذابی دردناک می چشانیم.} و این عذاب در جایی دیگر غیر آن نیست و اصحاب فیل خواستند کعبه را ویران کنند، خداوند قبل از انجام این عمل آنان،به سبب اراده آنها،را به اراده خود مجازات کرد. خویشتن را بر پارسایی عادت ده و زبانت را حفظ کن و جز از آنچه که برای توست و نه علیه توست سخن مگو. و تا می توانی سبحان الله و لااله الا الله گو و بر محمد صلی الله علیه و آله درود فرست و امر به معروف و نهی از منکر کن و عمل نیک انجام ده. و بر تو باد خواندن نماز شب و طولانی کردن قنوت و کثرت طواف، و خارج شدن از مسجد را کم کن. همانا نگاه کردن به کعبه عبادت می باشد و همواره انسان در نماز است تا زمانی که انتظار نماز را می کشد.

19. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود: انجام طواف برای انسان غریب بهتر از خواندن نماز می باشد و برای اهالی مکه، خواندن نماز از طواف بهتر است.

مستحب است که انسان در مدت اقامت خود در مکه به تعداد روزهای سال، سیصد و شصت طواف کند و هر طواف هفت دور باشد و اگر نتوانست، سیصد و شصت دور و اگر نتوانست، تا مدت زمانی که در مکه است، تا می تواند طواف کند. اگر توانستی که تا ختم قرآن از مکه خارج نشوی، این کار را انجام ده، چرا که این امر مستحب می باشد و امام در روز هفتم ذی حجه پس از ظهر در مکه سخنرانی کند و

دستور دهد که صبح فردای آن روز به سمت منی حرکت کنند بطوری که تا هنگام ظهر به منی برسند و همراه با امام این کار را انجام دهد.

زمانی که روز ترویه فرارسید، بر کسی که حج تمتع می گزارد واجب است که موی سبیل و ناخنش را بگیرد و تنش را از مو پاک کند و سپس غسل کند و لباس احرام بر تن کند و وارد کعبه شود و از آنجا یا از حجر محرم شود، زیرا که حجر جزو کعبه می باشد و اگر از جایی دیگر از آنچه که ذکر کردم، همچون محل سکونت خود یا مسجد یا هر مکانی که خواست یا ابطح، جایز می باشد. سپس درزمان حرکت به سمت منی، به گرد کعبه هفت دور طواف وداع کن و نیازی نیست که در طوافت بدوی. و برای احرام شش رکعت نماز میخوانی، یا این که بعد از هر نماز واجب میتوانی محرم شوی. انجام سعی میان صفا و مروه بر تو لازم نیست، چه جهت انجام حج قران آمده باشی یا حج تمتع یا افراد، سپس می گویی: «خدایا! من می خواهم حج گزارم، پس آن را برای من آسان کن و از من بپذیر و هر جا که از رفتن به آن تقدیرت که بر من مقدر ساختی، مرا باز داشتی، از احرام به در آور.» سپس چنان که در ابتدا لبیک گفتی لبیک گو و اگر بگویی: «لبیک به حجی که کامل شدن و رساندنش بر توست»،تکلیف از تو ساقط است. و انجام طواف در حج خود را تا زمان بازگشت از منی به تاخیر بینداز و سپس با آرامش و وقار به سوی منی می روی، در حالی که با صدای بلند لبیک می گویی و در منی نماز ظهر و عشا و اول شب و صبح را می خوانی. اگر علتی مانع رفتن تو به منی قبل از ظهر گردید و پس از ظهر یا هر وقت دیگری تا هنگام سپیده دم به منی رفتی، کفایت می کند. اگر برایت میسر شد، در سمت راست منی فرود آی و هر جای آن که فرود آمدی کفایت می کند و درحالی که رو به کعبه کرده ای بگو: «خدایا! تنها به تو امید دارم و برای تو دعا می کنم؛ پس مرا به آرزویم برسان و کرده ام را نیکو ساز، خدایا این منی است و جایی است که ما را به آمدن بدان راهنمایی کردی و منتی که از سبقت گرفتن و آمدن بدان بر ما نهادی و از تو می خواهم که آن گونه بر ما در آن منت نهی که بر اولیای خویش و فرمانبرداران و

برگزیدان خلقت منت نهادی و همان طور که به بندگان صالحت توفیق دادی، ما را موفق گردانی، من تنها بنده تو و در اختیار تو هستم.» و تا می توانی بر رسول خدا درود بفرست چرا که این امر در آنجا مستحب است و اگر به مسجد خیف نزدیک باشی، نزد من دوست داشتنی تر است و اگر توانستی که تا مدت زمانی که در منی هستی جز در آن نماز نخوانی، این کار را انجام ده زیرا که در آن هفتاد پیامبر و به قول برخی هفتاد هزار پیامبر نماز خوانده اند.

20. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: همانا آدم علیه السلام در آن دفن شده است و قبر وی در آنجاست و اگر توانستی که در منی نخوابی و نماز بخوانی و تسبیح گویی و استغفار کنی، این کار را انجام ده. هنگامی که صبح شد و خورشید طلوع کرد، به سوی عرفات حرکت کن و تکبیر بگوی و اگر خواستی لبیک گو و بگو: «خدایا! تنها بر تو توکل کردم و از تو می خواهم که گناهانم را بر من ببخشی و درخواستم را به من عطا کنی و حاجتم را برآورده سازی و جسمم را بر من مبارک گردانی و مرا از افرادی قرار دهی که بدان افتخار می کنی، در حالی که او از من برتر است و هر جا که رو کردم، من را به سمت نیکی ببر.» زمانی که به عرفات آمدی، اگر توانستی در بطن نمره از پشت احواض فرود بیا یا نزدیک امام باش، زیرا که همه جای عرفات تا بطن عرنه محل وقوف است.

ص: 488

باب شصت و سوم : واجبات حج و آنچه در آن روی میدهد

روایات:

1. فقه الرضا: هر کس طوافی را فراموش کند و به نزد اهل خود بازگردد، زنان بر او حلال نیستند، مگر این که کعبه را زیارت کند؛ و اگر از دنیا رفت، به نیابت از وی طواف را ولیّ وی یا شخص دیگر انجام دهد. روا نیست که تا زمانی که او زنده است، به نیابت از وی طواف کنند و رمی جمرات همچون طواف نیست، زیرا رمی جمرات واجب نیست اما طواف واجب می باشد(1)

و اگر خواندن دو رکعت نماز طواف را فراموش کند، اگر از مکه خارج شده است، هر زمان که به یاد آورد آن را بخواند؛ اگر در مکه باشد، در پشت مقام ابراهیم نماز بخواند و تا زمانی که آن نماز را نخوانده، حرکت نکند. و هر کس بوی خوش استعمال کرده در حالی که محرم است، تنها از خدای خود آمرزش بخواهد.

زن می تواند بدون ولی حج گزارد، زمانی که اولیای وی از همراهی با او خودداری کنند و نمیتوانند او را از رفتن منع کنند و خود نیز به دلیل نیامدن ولی به همراه او، حق خودداری کردن ندارد و زن مطلقه در زمان عده خویش حج می گزارد. و سعی میان صفا و مروه با سوار شدن بر مرکب جایز است، اما راه رفتن نزد من دوست داشتنی تر است. و اگر زن را بدون هیچ بیماری، برای استلام حجرالاسود به خاطر ازدحام جمعیت، بر چیزی حمل کنند، ایرادی ندارد، اما در عین حال، من مکروه میدانم تا زمانی که بیماری نداشته باشد، برای طواف او را حمل کنند.

1- . فقه الرضا علیه السلام: 72

2. پدرم گفت: اسماء بنت عمیس، محمد بن ابی بکر را در بیداء، چهار روز مانده از ماه ذی قعده در حجه الوداع به دنیا آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمان داد و غسل کرد و بر خود پوشش گذاشت و لباس احرام بر تن کرد و همراه با رسول خدا و اصحاب ایشان لبیک گفت. زمانی که به مکه رسیدند، تا وقتی همه از منی کوچ کردند، از نفاس پاک نشد و در تمامی مواقف در عرفات و جمع حضور یافت و رمی جمرات کرد، اما به گرد کعبه طواف نکرد و میان صفا و مروه سعی نکرد. پس زمانی که اصحاب از منی کوچ کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به اسماء فرمان داد و او غسل کرد و به گرد کعبه طواف کرد و میان صفا و مروه سعی کرد و ایام نفاس وی چهار روز مانده از ماه ذی قعده و ده روز از ماه ذی حجه و سه روز ایام تشریق بود.

و فرمود: بهترین شتر و گاو جهت قربانی کردن، آن دسته است که ماده باشند و گاو و شتر نر جهت قربانی کفایت می کند و بهترین نوع شتران جهت قربانی کردن، جنس نر آن است. و زمانی که پس از احرام، قربانی دچار بیماری شود یا این که چشم آن آسیب بیند یا دچار مشکلات دیگر شود، اگر صاحبش قربانی را سالم به همراه آورده باشد، وی را از قربانی کردن کفایت می کند و همچنین اگر پس از این که قربانی را خرید، بمیرد، تکلیف از او ساقط است. در میان قربانیان، قربانی کردن بچه گوسفند جایز می باشد، اما قربانی کردن بچه بز جایز نیست. اگر قربانی شخصی دزدیده شود، تکلیف از او ساقط است، اما اگر به جای آن قربانی دیگری بخرد بهتر می باشد. و در سایر شهرها، تنها یک قربانی برای اهل یک خانواده کافی است، در صورتی که غیر از آن قربانی دیگری نیابند و قربانی کردن یک گاو برای پنج نفر که از یک خانواده باشند کفایت می کند. از پوست قربانی سود می برند و به واسطه آن کالا می خرند، اما اگر آن را صدقه دهند بهتر است. آن پوست را دباغی می کنند و از آن کیسه و جانماز درست می کنند و در حالی که محرمی، از گوشت شکار مخور، هر چند کسی که محرم نیست آن را هدف قرار داده باشد.

و بدان که دادن کفاره بر تو به خاطر چیزی که از روی جهل در حال احرام حجّت انجام داده ای، لازم نیست، مگر شکار که در این صورت چه از روی جهل و چه عمدا مرتکب شده باشی، باید کفاره دهی؛ و زمانی که تو محرم باشی و شکار را هدف قرار دهی، اگر در حرم باشد، کفاره آن دو برابر می باشد و اگر از احرام بیرون آمده باشی و آن را در حرم هدف قرار دهی، بهای یکی را دارد و اگر شکار را هدف قرار دهی و تو در بیرون از حرم و محرم باشی، باز پرداختن بهای یکی بر عهده توست. اگرگروهی محرم با همدیگر صیدی را شکار کنند، بر هر یک از آنان است که به بهای ارزش آن کفاره دهد و اگر محرم ناچار شود و شکار یا مرده ای را بیابد، می تواند از گوشت آن بخورد، زیرا کفاره آن در دارایی اوست و او تنها از دارایی خود می خورد. اگر گوشت شکار کسی که محرم نیست را بخورد و محرم آن را هدف قرار داده، ایرادی بر او نیست، زیرا دادن کفاره بر عهده محرم است.

کسی که حج افراد گزارده، پس از انجام طواف واجب، هر قدر که خواست طواف کند و بار دیگر پس از خواندن دو درکعت نماز، لبیک گوید و قارن نیز از همین منزلت برخوردار می باشد، جز لبیک گفتن بعد از طواف.

اگر برای کسی کبوتری اهلی را درحرم هدیه بیاورند و وی از چیزی از آن استفاده کند، باید به مقدار بهایی که در قیمت گذاری ارزیابی میشود، صدقه دهد.

هر کس که حج و عمره را قران کند و قربانی همراه داشته باشد و سپس بازداشته شود، بر او لازم نیست که قربانی دیگری را همراه قربانی خود بفرستد و تا زمانی که قربانی به قربانگاه نرسیده، از احرام بیرون نیاید؛ زمانی که قربانی به قربانگاه رسید از احرام بیرون آید و زمانی که بهبودی پیدا کرد، حج و عمره بر عهده اوست.

هر کس خواندن دو رکعت نماز واجب خود را فراموش کند تا این که وارد سعی شود، جایگاهی را که در آن نخواندن نماز به یادش آمده را به خاطر بسپارد و برگردد و دو رکعت نماز طواف را بخواند و برگردد و سعی خود را میان صفا و مروه به پایان رساند.

اگر زنی در مسیر میان صفا و مروه حائض شود، آنچه را که باقی مانده انجام دهد و به پایان رساند.

این سخن مرد که گوید: نه، قسم به جان خودم، جدال نیست، بلکه جدال تنها گفتن: نه به خدا قسم، بله به خدا قسم، است.

هر کس محرم باشد و به کسی غیر از همسر خود نگاه کند، باید یک شتر یا گاو قربانی کند، اگر نتوانست یک گوسفند قربانی کند و اگر به همسر خود نگاه کند و دچار انزال شود، چیزی بر عهده او نیست، غسل کند و از خداوند خود طلب آمرزش کند و اگر همسر خود را بدون قصد شهوت حمل کند و دچار انزال گردد، چیزی بر عهده او نیست، اما اگر از روی شهوت وی را حمل کند یا بر جایی از وی دست بگذارد و دچار انزال یا مذی شود، باید قربانی کند.

هر کس طواف واجب را انجام دهد و نداند که شش دور طواف کرده یا هفت دور، طواف خود را اعاده کند و اگر مقدار طواف خود را فراموش کند، چیزی بر عهده او نیست و خداوند فرمود: {نام خدا را در روزهایی معین یاد کنید.} که منظور ایام تشریق است و زمانی که اعراب به منی می رفتند به یکدیگر فخر می فروختند و خداوند فرمود:{زمانی که از عرفات کوچ کردید.} بنابراین کسی که حج تمتع گزارده در روز عید قربان و فردای آن کعبه را زیارت می کند و آن را به تاخیر نمی اندازد و قارن و کسی که حج افراد می گزارد، محدودیت وقت ندارند و می توانند هر زمان که خواستند کعبه را زیارت کنند و موقف، تنها کوه نیست.

پدرم در همان جایی که بیتوته میکرد وقوف می کرد و پس از انجام طواف واجب دو رکعت نماز آن نباید به تأخیر افتد.

زن حائض احرام بندد، هر چند نماز نخواند، و زمانی که وقت آن فرا رسید غسل کند و بر خود پوشش بگذارد و محرم شود.

اگر ریشه درخت در حرم و شاخه آن در بیرون از حرم باشد، به خاطر این که ریشه اش در حرم قرار دارد حرام است.اگر ریشه درخت در بیرون از حرم و شاخه آن

در حرم باشد نیز این چنین است. هرکس لباس خود را بر صورتش بمالد و محرم باشد، چیزی بر عهده او نیست و کفاره عمره را در مکه تعجیل کند و آن را تا منی به تاخیر نیندازد.(1)

3. پدرم از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز عرفه هنگام ظهر، لبیک گفتن را قطع کرد. به ایشان گفتم: برای ما نقل کرده اند که ابن عباس که در پشت رسول خدا بود، تا زمانی که جمره عقبه را رمی کرد، لبیک می گفت. امام باقر علیه السلام فرمود: این چیزی است که درباره ابن عباس می گویند یا در کتاب ها خوانده اید، رسول خدا در زمان بالا رفتن از عرفات، اسامه بن زید را در پس خود نشاند و زمانی که کوچ کرد، فضل بن عباس را در پس خود سوار کرد و او جوانی خوش چهره بود. سپس رسول خدا با فرد بادیه نشینی روبرو شد که خواهرش همراه وی بود و زنی بسیار زیبا بود. شخص بادیه نشین از رسول خدا سؤال می پرسید و فضل به خواهر او نگاه می کرد؛ رسول خدا دستش را بر صورت فضل قرار می داد تا مانع نگاه کردن وی شود، اما زمانی که از یک طرف مانع نگاه کردن می شد، فضل از طرف دیگر نگاه می کرد.تا زمانی که رسول خدا از سؤال آن فرد بادیه نشین فارغ گشت، به فضل نگاه کرد و شانه اش را گرفت و سپس فرمود: آیا ندانستی که این همان ایام معدودات و معلومات است و هیچ مردی در این روزها چشم بر نمی گیرد و زبان و دستش را باز نمی دارد، جز این که خداوند برای وی مثل حج سال آینده را برایش مینویسد؟ و رسول خدا صلی الله علیه و آله، لبیک گفتن را هنگام ظهر در روز عرفه قطع کرد.

حجر اسماعیل جزو کعبه نیست و در آن چیزی از کعبه نیست و آن را حطیم نام نهاده اند و گفته اند که مکانی برای گوسفندان اسماعیل بود، اما اسماعیل مادر خود را در آن دفن نمود و به خاطر این که کراهت داشت که بر قبرش پا بگذارند، به دور آن حصاری کشید و قبر پیامبران نیز در آن قرار دارد.

1- . فقه الرضا علیه السلام: 27

ایرادی ندارد که دو طواف هفتتایی را جمع کنی و چهار رکعت نماز در هر جای مسجد که خواستی بخوانی و اگر خواستی، می توانی در خانه ات بخوانی و نماز مستحب نیز به همین صورت است.

برای طواف واجب، دو رکعت نماز جز در کنار مقام خوانده نمیشود و ایرادی ندارد، زمانی که نماز عصر را خواندی طواف کنی و تا زمانی که رنگ خورشید درخشان و سپید رنگ است نماز بخوانی. زمانی که رنگ آن تغییر کرد، تا جایی که توانستی طواف می کنی و تعداد هفت دورهای خود را می شماری و زمانی که نماز مغرب را خواندی،برای هر هفت دور طواف دو رکعت نماز می خوانی؛ زنانی که با شما همراه هستند نیز همان کاری را انجام دهند که شما انجام می دهید و پوشش خود را جلو صورتشان بیندازند و اگر خواستند، آن را تا زیر گلو بپوشانند. و آن دسته از شما که کودکان همراه آنان می باشند، آنان را به جحفه یا بطن مر ببرید و همان کاری را با آنان انجام دهد که یک محرم انجام می دهد و به جای آنان طواف کند و رمی جمرات کند و هر کس قربانی نیافت، به جای آن روزه بدارد.

4. امام زین العابدین علیه السلام چاقو را به دست کودک می داد و مردی دست کودک را می گرفت و ذبح می کرد. و شتر را از سمت راست اشعار می کنند و مرد از سمت چپ آن می ایستد و آن را با نعلی کهنه که در آن نماز خوانده، تقلید می کند.

و اگر شتر هلاک شود در حالی که ضمانت شده باشد، باید به جای آن قربانی کنی و اگر غیر مضمون باشد، سپس بمیرد یا گم شود، چیزی بر عهده تو نیست و کسی که آن را می یابد باید آن را نحر کند. هر زمان که زنی به گرد کعبه طواف کرد و در حال طواف حائض شد، طواف به عهده اوست و از مکه خارج نشود تا این که این طواف را که واجب می باشد انجام دهد و اگر از مسجد خارج شد و میان صفا و مروه حائض شد، به سعی خود ادامه دهد. بر مرد و زن مستحب است که از مکه خارج نشوند تا این که به میزان یک درهم خرما بخرند و آن را در زمانی که در احرام و حرم خدا هستند، صدقه دهند.

ص: 494

5. پدرم فرمود: هر کس جمع (مشعر) را درک کند، حج را درک کرده است. قارن و کسی که حج افراد و تمتع گزارده، زمانی که حج او از دست برود، برای انجام عمره احرام بندد و هر جا که خواست برود و سال دیگر حج را انجام دهد. و بر امام است که نماز ظهر را در روز ترویه در مسجد خیف بخواند و روز حرکت را در مسجد الحرام بخواند. و هر کس حج افراد انجام دهد، عمره گزارد و هرگاه توانست موی سرش را بتراشد. ایرادی ندارد که زمانی که محرم هستی سرمه کشی، بدین شرط که بوی خوش قابل حسی نداشته باشد؛ اما اگر کشیدن سرمه برای زیبایی باشد، این کار را نکن.

6. پدرم فرمود: از ابن عباس سؤال کردند و به او گفتند: همانا قومی ادعا می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان داد که در طواف به گرد کعبه بدوند. گفت: راست گفتند و دروغ گفتند. پرسیدم چگونه؟ در جواب گفت: رسول خدا در عمره القضاء داخل مکه شد و ساکنان آن مشرک بودند و به گوش آنها رسانده بودند که یاران محمد صلی الله علیه و آله ضعیف و ناتوانند، از این رو رسول خدا فرمود: خداوند رحمت کند شخصی را که به آنان خودی نشان دهد. پس دستور داد بازوانشان را از لباس احرام خارج کرده و به دور خانه، سه دور بدوند، در حالی که رسول خدا سوار بر مرکبش بود و عبدالله بن رواحه نیز افسار آن را به دست گرفته بود و مشرکان در مقابل ناودان به آنان نگاه می کردند. پس از آن رسول خدا مناسک حج انجام داد، ولی ندوید و به آنان نیز چنین دستوری نداد؛ از این رو، در آن راست و در این دروغ گفتند.

7. پدرم از جد خویش و او از پدر خود نقل کرده است که فرمود: امام زین العابدین علیه السلام را دیدم که راه می رفت و نمیدوید.

8. ابوبصیر گفت: جانم به فدایت! همانا اهل مکه سه چیز را بر تو ناپسند دانسته اند. فرمود: چه چیز را؟ گفت: این که از جحفه احرام بستی، در حالی که می دانستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از ذو الحلیفه احرام بست. فرمود: رسول

خدا آنجا را میقات قرار داد و اینجا نیز میقات می باشد. همانا ما احرام بستیم و خودمان را تحت ضمانت خداوند درآوردیم. و ضمانت مسلمان بر عهده خداست، دچار بیماری نمی شود و خورشید بر وی بر نمی تابد، مگر آنکه برایش نوشته می شود، و آنچه که دانسته نمی شود، بیشتر است. گفت: بر تو ناپسند دانسته اند که قربانی خود را در مکه در منزل خود ذبح کردی. فرمود: تمامی مکه قربانگاه است. گفت: بر تو ناپسند دانسته اند که حجر الاسود را نبوسیدی در حالی که رسول خدا آن را بوسید. فرمود: رسول خدا زمانی که به سوی حجر الاسود می رفت، راه را برای او باز می کردند، اما آنان راه را برای ما باز نمی کنند.

9. پدرم فرمود: همانا عبدالرحمن غلام حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام در ابواء از دنیا رفت و امام حسن و امام حسین علیهما السلام و عبدالله بن جعفر و عبدالله بن عباس همراه او بودند، و همان کاری را با او انجام داد ند که با میت انجام می دهند، با این تفاوت که بوی خوش به او نرسانده و چهره اش پوشانده شد.

قارن و کسی که حج تمتع و افراد گزارده، زمانی که پیاده حج گزاردند و در روز عید قربان رمی جمرات کردند و سپس قربانی کردند و موهای خود را تراشیدند، اگر بخواهند بر مرکب سوار شوند، و هر چیز که بر آنان حرام بوده حلال می شود به جز زنان، تا این که کعبه را زیارت کنند. و برخی می گویند: بر کسی که حج تمتع گزارده، استعمال بوی خوش حلال است و برخی می گویند: تا زمانی که کعبه را زیارت نکرده، زنان و بوی خوش بر او حرام است

ایرادی ندارد که همه مناسک را بدون وضو انجام داد، جز طواف به گرد کعبه (و نماز طواف)، اما داشتن وضو بهتر است.

10. پدرم از پدر خویش نقل کرده است که ابن عباس از امام حسین علیه السلام پرسید: ای اباعبدالله ! منظور از سنگریزه هایی که به سوی جمرات می افکنند چیست، زیرا که ما دیر زمانی است که آنها را به سمت جمرات پرتاب می کنیم؟ امام به وی فرمود: هیچ جمره ای نیست، مگر این که در زیر آن فرشته ای و شیطانی نهفته

است، زمانی که مؤمن سنگ را بزند، فرشته آن را می بلعد و به سوی آسمان بالا می برد و اگر کافر پرتاب کند، شیطان به او می گوید: به نشیمن گاه خود افکندی.

11. از ایشان نقل کرده اند که فرمود: رکن یمانی دری از درهای بهشت است، از زمانی که خداوند آن را باز کرده، هرگز نبسته است و میان این دو رکن - اسود و یمانی - فرشته ای به نام هجیر قرار دارد که کارش آمین گفتن به دعای مؤمنان است.

12. گفت: امام زین العابدین علیه السلام موی خود را در خیمه خود دفن می نمود و مستحب است که بگوید: خدایا! در ازای هر تار مو، نوری در قیامت بر من عطا کن.

13. امام صادق علیه السلام خارج کردن مو را از منی ناپسند می دانست و می فرمود: کسی که آن را خارج کرده، باید بازگرداند.

14. پدرم از پدر خود نقل کرده است که ایرادی ندارد زمانی که برسرت حنا مالیدی، برای وضو گرفتن بر آن مسح کشی.

فردی بیست و یک سنگریزه برگیرد و رمی جمرات کند و یکی از آن ها را بازگرداند و نداند که کدام یک از آن ها ناقص مانده است؟ فرمود: باید بازگردد و به هر جمره ای یک سنگ بزند و اگر یک سنگ کم آورد و ندانست که آن کجاست، ایرادی ندارد که از زیر پاهای خود سنگی برگیرد و پرتاب کند. اگر سنگ را پرتاب کردی و در کجاوه ای افتاد، یکی دیگر به جای آن پرتاب کن. اگر به انسانی برخورد کند و سپس به شتری بخورد و بر زمین افتد، کفایت می کند.

شخصی که به جمره اول چهار سنگ پرتاب کند و سپس فراموش کند و به دو جمره دیگر هر کدام هفت سنگ بزند، بازگردد و پشت سر هم به هرسه جمره، هر کدام هفت سنگ بزند و اگر به جمره دوم سه سنگ زند و سپس به دو جمره دیگر سنگ زند، باید بازگردد و و به جمره میانی سنگ بزند. اگر سه سنگ زده، بازگردد و چهار سنگ دیگر بزند.

ص: 497

هر کس به گرد کعبه هشت دور طواف کند، شش دور دیگر به آن اضافه کند و چهار رکعت نماز بخواند. اگر در صفا و مروه، نُه بار سعی کرده، باید یکی را سعی قرار دهد و هشت تا از آن بکاهد و اگر هشت بار سعی کرده است، یکی از آن را بکاهد و هفت را حساب کند و اگر از مروه آغاز کرده، هر چه بخواهد بکاهد و از صفا آغاز کند.

فردی که عضوی از وی شکسته است را بر دوش حمل می کنند تا رمی جمرات کند و فردی که به درد شکم مبتلاست را به نیابت از وی رمی کنند و نماز خوانند.

فروختن لباسی که زمان احرام بر تن کرده مکروه است و کسی که طواف خود را از حجر تا حجر الاسود مختصر کند، همچنین.

15. مردی خطاب به امام صادق علیه السلام عرض کرد: چرا بر حجر و رکن یمانی دست می کشند و بر این دو رکن دست نمی کشند؟ فرمود: زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این دو رکن دست کشید و بر این دو دست نکشید، پس تو نیز متعرض چیزی نشو که رسول خدا متعرض آن نشده است.

هر کس قربانی بخرد و هلاک شود، باید قربانی دیگری بخرد، اگر قربانی خود را یافت، قربانی اول را ذبح کند و دومی را بفروشد و اگر هر دو قربانی شتر باشند، هر دو را نحر کند.(1)

زمانی که خواستی به نیابت از یکی از برادران خود طواف کنی، به کنار حجر الاسود رفته و می گویی: به نام خدا، خدایا ! از فلانی بپذیر.

16. پدرم در حالی که قصد رفتن به مکه را داشت، گفت: بر حذر باشید از خوردن غذاهایی که در آن زعفران می ریزند یا از این که در وسایل سفرم مواد خوشبو و عطر آگین قرار دهید که آن را بدانم یا از آن بخورم.(2)

1- . فقه الرضا علیه السلام: 73
2- . فقه الرضا علیه السلام: 74

17. سپس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار کعب بن عجره انصاری عبور کرد در حالی که شپش موی سر و ابرو و چشم او را خورده بود. رسول خدا فرمود: گمان نمی کردم که کار بدین جا رسد که اکنون می بینم. سپس فرمان داد برای او قربانی کنند و سرش را بتراشد. خداوند عز و جل فرمود: «فَمَنْ کانَ مِنْکُمْ مَرِیضاً أَوْ بِهِ أَذیً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْیَهٌ مِنْ صِیامٍ أَوْ صَدَقَهٍ أَوْ نُسُک»(1) {هر

کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی ای داشته باشد و ناچار شود در احرام سر بتراشد، به کفاره آن باید روزه ای بدارد یا صدقه ای دهد یا قربانی کند.} گرفتن روزه سه روز است و صدقه به شش فرد مسکین می باشد: به هر فرد مسکین دو مد طعام، و قربانی وی نیز یک گوسفند است و جز افراد بیچاره و نیازمند، نباید کسی از آن بخورد.

18. پدرم گفت: مردی که قبل از طواف نساء همسرش را ببوسد، باید یک شتر چاق قربانی کند و اگر نداند، چیزی بر عهده او نیست.

19. پدرم گفت: مردی که بعد از انجام طواف نساء همسر خود را ببوسد و او طواف نکرده باشد، باید از نزد خود قربانی کند.

20. پدرم گفت: مردی که محرم است و با همسر خود همبستر شود، باید یک شتر قربانی کند و سال دیگر به حج رود و اگر نداند چیزی بر گردن او نیست، زمانی که به مکانی آمد که با همسر خود همبستر شده، آن دو را از یکدیگر جدا کن و هرگز در خیمه ای گرد هم نیایند مگر این که فرد دیگری نیز همراه آنان باشند تا این که قربانی به قربانگاه رسد.

21. پدرم گفت: مردی که با همسر خود جماع کند ولی انزال نکند بر عهده اوست که یک شتر قربانی کند و ترسیدم که حج خود را در صورتی که عالم باشد بشکنند و اگر نداند، چیزی بر عهده وی نیست. هر کس کبوتری اهلی را در حرم به او هدیه دهند، اگر سالم باشد آن را رها کند و اگر سالم نبود، از آن به نیکویی مراقبت

1- . بقره / 196

کنند، بهبود یابد؛ سپس آن را رها کنند و این حدیث را امام باقر علیه السلام نقل کرده است.

22. پدرم گفت: کبوتری که در بیرون از حرم ذبح شده و داخل حرم شده، خوردن آن حتی بر محرم ایرادی ندارد و اگر داخل حرم شود و سپس ذبح شود، از گوشت آن نخورد، زیرا آن کبوتر پس از آن که به محل امن خود آمده، ذبح شده است.

هر کس مردی را در بیرون از حرم بکشد و سپس داخل حرم شود، او را نکشند و به او غذا و آب ندهند و به او پناه داده نشود تا این که از حرم بیرون آید و حد بر او جاری شود. و هر کس در حرم بکشد، حد در حرم بر او جاری می شود؛ زیرا که وی حرمت حرم را نگاه نداشته است. خداوند فرمود: «فَمَنِ اعْتَدی عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدی عَلَيْكُمْ»(1)

و فرمود: «فَلا عُدْوانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِين»(2) {پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید.} و فرمود: {تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.}

بوقلمون از زمره شکار به حساب نمی آید، شکار تنها آن است که میان آسمان و زمین پرواز کند و بالهایش را باز کند.

ایرادی ندارد که محرم بازوانش را از فرط گرمای خورشید بر روی سرش قرار دهد و ایرادی ندارد که توسط برخی از اعضای خود تنش را بپوشاند و هر کس که ناخنهایش بلند شده و شکسته چیزی از آن را کوتاه نکند، اما اگر او را آزار می دهد، آن قسمت را ببرد و در ازای کوتاه کردن هر یک از آن ها مشتی طعام دهد و فشردن دمل و بیرون آوردن چرک آن و بستن زخم ایرادی ندارد. هر کس جهت انجام حج افراد لبیک گوید و به مکه وارد شود و به گرد کعبه طواف کند و دو رکعت نماز در کنار مقام ابراهیم بخواند و میان صفا و مروه سعی کند، جایز است که از احرام

1- .بقره / 194
2- . بقره / 193

بیرون آید وآن را عمره تمتع قرار دهد، مگر این که قربانی همراه آورده باشد. همانا رسول خدا زمانی که به حج مأمور شد و این آیه بر او نازل شد: «وَ أَذِّنْ فِی النّٰاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجٰالاً وَ عَلیٰ کُلِّ ضٰامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ»(1) {درمیان مردم برای ادای حج بانگ بر آور تا زائران که پیاده و سوار بر هر شتر لاغری - که از هر راه دوری می آیند - به سوی تو روی آورند. } به جارچیان و مؤذنان فرمان داد که با رساترین صدای خود اعلام کنند: ای مردم! رسول خدا از امسال حج خواهد گزارد، و رسول خدا حج گزارد و حج خود را انجام داد.

23. پدرم از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: خواندن نماز واجب در درون کعبه روا نیست، همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان انجام عمره و حج وارد کعبه نشد و زمان فتح مکه به کعبه وارد شد و میان دو ستون کعبه دو رکعت نماز خواند و اسامه و فضل همراه ایشان بودند.

بر محرم، خوردن ملخ و کشتن آن روا نیست و هر کس ملخی را بکشد، خرما صدقه دهد، زیرا خرما از ملخ بهتر است و آن از دریاست. هر شکاری که از دریا به وجود آید و بین خشکی و دریا زندگی کند، بر محرم سزاوار نیست که آن را بکشد و اگر آن را کشت، چنان که خداوند فرموده، باید کفاره دهد. ایرادی ندارد که محرم اگر از جان خود بیم دارد، حجامت کند.

خداوند فرمود: «فَاذْکُرُوا اسْمَ اللّٰهِ عَلَیْهٰا صَوٰافَّ» {پس نام خدا را بر آن ها در حالی که بر پای ایستاده اند ببرید. }و منظور از صواف زمانی است که شتران برای نحر کردن به صف ایستاده باشند و در مورد آیه «فَإِذٰا وَجَبَتْ جُنُوبُهٰا» {و چون به پهلو در غلتیدند. } فرمود: زمانی که معلوم شد و بر پهلو افتادند، خداوند می فرماید: «فَکُلُوا مِنْهٰا وَ أَطْعِمُوا الْقٰانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ» {از آن ها بخورید و به تنگدست [سائل] و به بینوای غیر سائل بخورانید}. قانع کسی است که قانع می گردد و معتر کسی است که بر تو گذر میکند و سائل کسی است که با دست خود درخواست می کند و بائس همان فقیر

1- . حج / 27

می باشد؛ و نحر در گلوگاه شتر و ذبح در حلق است. برای محرم مکروه است که لباس خود را تا بالای بینی اش بکشد و ایرادی ندارد که لباسش را بالا کشد تا به بینی اش رسد.

24. رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که فرود می آمد تسبیح می گفت و زمانی که بالا می رفت تکبیر می گفت.

25. پدرم به من فرمود: مردی که در جمع (مشعر) امام را درک کند، اگر گمان کند که میتواند به عرفات بیاید و قدری وقوف کند و قبل از طلوع خورشید به مشعر به نزد او آید، چنین کند و اما اگر گمان کند که اگر به عرفات برود وقتی به مشعر می رسد که حجاج کوچ کرده اند نباید به عرفه برود و حجش تمام است.

26. پدرم گفت: مردی که از عرفات کوچ کرده و به منی آمده، بازگردد تا این که از جمع کوچ کند و در آن وقوف کند، هر چند مردم از مشعر کوچ کرده باشند.

27. پدرم فرمود: زنی که نداند رمی جمرات می باید کرد تا آن که از منی کوچ کند و به مکه رود، بازگردد و رمی کند،آنچنان که باید این کار را می کرد و مرد نیز این چنین است. زمان رمی جمرات از طلوع خورشید تا غروب آن است، عمره گزار پس از طواف واجب به گرد کعبه طواف نکند تا موهایش را کوتاه کند.

28. پدرم فرمود: زنی که از دنیا رفته و حج نگزارده، به نیابت از وی به حج روند، همانا ثواب آن برای آن زن و توست.

29. پدرم فرمود: مردی که ثروت دارد و از دنیا برود و حج را ترک گوید، از زمره همان افرادی است که خداوند در موردشان می فرماید: «وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيامَهِ أَعْمى»(1)

{روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم.} گفتم: کور؟ فرمود: خداوند وی را نسبت به راه خیر کور کرده است.روز حج اکبر همان روز عید قربان است و حج اصغر عمره است. کسی که ندای حج اکبر را سر داد، علی علیه السلامبود زمانی که از مشرکان برائت یافت و عهد آنان را به سویشان بازگرداند و برائت را بر آنان خواند.

ص: 502

1- . طه / 124

مشرکان گفتند: از تو و پسر عمویت محمد صلی الله علیه و آله جز در نبرد با نیزه و شمشیر بیزاری می جوییم؛ و آن یک سال قبل از حجه الوداع بود.

30. درباره مردی که قبل از این که مویش را کوتاه کند برای حج احرام بندد، پرسیدم؟ فرمود: ایرادی ندارد.

31. از ایشان درباره مردی سؤال کردم که دارایی ندارد که با آن به حج رود، و یکی از برادرانش به نیابت از وی به حج رفته است. فرمود: آن، حج واجب را کفایت میکند و نیز کسی که برای تجارت به مکه رود یا شتری داشته باشد که کرایه دهد وحج گزارد، حج وی حجی کامل خواهد بود.

32. پدرم درباره زنی که حیض شد و از حاضرین پرسید و آنها نگفتند وظیفهاش چیست؟ در نتیجه او بدون احرام وارد مکه شد، فرمود: اگر میتواند، به میقات برگردد، بدون این که حج را از دست بدهد، به میقات برگردد و اگر نشد به نزدیکترین میقات رود، در غیر این صورت، از حرم خارج شود و خارج حرم احرام بندد و غیر از آن کافی نیست. و محرم مویش را کوتاه نکند و قبل از این که محرم شود باید مسواک زند، سپس دو لباس احرام را بر تن کند. محرم ازدواج نکند و کسی را به عقد ازدواج درنیاورد، چرا که عمل نکاح باطل خواهد بود. محرم در آینه جهت زینتنگاه نکند، اگر نگاه کرد لبیک گوید. و اگر ملخی کوچک را خود و یا مرکبت زیر پا گیرد، کفاره آن بر عهده توست و کشتن پشه در حرم و جای دیگر ایرادی ندارد.

33. پدرم فرمود: مردی که بر احرام خود در مکه باقی مانده، تا زمانی که محرم است نماز خود را شکسته بخواند. برای تمتعگزار سزاوار است که وقتی که از احرام خارج شد، پیراهن نپوشد و شبیه به محرمان شود. برای اهل مکه نیز سزاوار است که این چنین باشند و بر حاکم رواست که آنان را بدین خاطر مؤاخذه کند.

34. از پدر عالمم شنیدم که در هنگام غروب خورشید این دعا را میخواند: خدایا! مرا از آتش نجات ده. و آن قدر این جمله را تکرار می کرد، تا زمانی که مردم اقامت گزینند. بدان که خواندن نماز در سه مکان از راه مکروه است: در بیداء که

شامل ذات الجیش، ذات السلاسل و ضجنان می شود. ایرادی ندارد که نماز را میان ظواهر بخواند که همان حرا و جواد الطریق است و مکروه است که بر جوادّ قدم نهد.

35. پدرم فرمود: مردی که از دنیا رفته و وصیت کرده که به نیابت از به وی حج روند و از تمامی دارایی وی هزینه کنند، زیرا که رفتن به سفر حج همچون دین و قرض می باشد که دادن آن از دارایی وی واجب است،اگر به حج رفته، از ثلث دارایی وی هزینه کنند.

36. پدرم فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله از گوسفندی که در بیابان گم شده سؤال کردند. ایشان به سؤال کننده فرمود: آن برای تو یا برادر توست، یا این که از آن گرگ خواهد بود و من دوست نمی دارم که آن را بگیرم.

37. از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره شتر گم شده در بیابان سؤال کردند. ایشان به فردی که این سؤال را پرسید فرمود: تو را بدان چه کار؟ سمش کفش او و مشک او شکمبه اوست، آن را رها کن.

هر کس بمیرد و حج واجب را نگزارد و جز به اندازه نفقه حج از خود باقی نگزارد، در حالی که دارای وارث باشد، پس وارثان نسبت به دارایی وی سزاوارترند، اگر خواستند از آن بخورند و اگر خواستند به نیابت از وی حج گزارند.

38. ایشان درباره مردی که حج بر عهده اوست فرمود: همانا حج واجب بر هر یک از مسلمانان که توان راه رفتن را داشته باشد واجب می باشد. بیشترین کسانی که همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله حج گزاردند، پیادگان بودند.

39. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جمعی از کسانی که پیاده سفر حج می گزاردند عبور کرد و آنان در کراع الغمیم بودند، از رنج سفر و خستگی به پیامبر شکوه کردند. رسول خدا فرمود: کمربندهایتان را محکم کنید و شکم خود را ببندید، آنان این کار را کردند و خستگی اشان رفع گردید.

ص: 504

ایرادی ندارد که محرم لباسهایی را که در آن محرم شده، مقارن کند، بدین شرط که پاک باشد؛ و اگر لباس های محرم آلوده بهجنابت شد، ایرادی بر او نیست، چرا که احرام او برای خدا است، آن را بشوید.

و بهای شکار را از همان جایی که آن را هدف قرار داده هدیه می کند و هر کس که شکاری را هدف قرار دهد، کفاره آن قربانی یک شتر چاق است؛ اگر نیافت، بر اوست که شصت مسکین را طعام دهد، برای هر مسکین یک مد طعام، در صورتی که نتوانست، به جای آن هجده روز روزه بدارد؛ به جای هر ده مسکین، سه روز روزه بدارد. هرکس که برای کفاره شکار باید یک گاو را قربانی کند،اگر نیافت، سی مسیکن را طعام دهد. اگر نیافت، نه روز را روزه بدارد. و هر کس که باید یک گوسفند قربانی کند، در صورتی که نیافت، ده مسکین را طعام دهد، اگر نیافت سه روز را در ایام حج روزه بدارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلام تنها از مدینه عمره گزارد. هرکس از دنیا رود و مالی برای قربانی نداشته باشد، ولیّ وی به نیابت از او روزه بگیرد. و زمانی که فرد محصور - باز داشته - شد، قربانی خود را بفرستد و با همراهان خود در میعادگاهی وعده گزارد؛ اگر در حج باشد، محل قربانی روز عید قربان است، زمانی که عید قربان فرارسید، پس باید موی سرش را کوتاه کند و تراشیدن مو تا زمانی که مناسک را انجام نداده بر او واجب نیست؛ اگر در عمره باشد، به مقدار ورود یاران خود به مکه و همچنین زمانی که در آن به آنان وعده می دهد، بنگرد، آنگاه که زمان آن فرارسید تقصیر کند و از احرام بیرون آید.اگر پس از آن که احرام بست بیمار شدو خواست که به سوی اهل خویش برگردد، باز گردد و شتری را نحر کند یا این که در مکان خود اقامت کند تا این که بهبود یابد، این در صورتی است که در عمره باشد. زمانی که بهبود یافت انجام عمره بر او واجب می باشد و اگر انجام حج بر عهده وی باشد یا این که اقامت کند و حج را از دست بدهد، باید سال دیگر حج گزارد.

40. پدرم فرمود: امام حسین علیه السلام جهت انجام عمره به راه افتاد، در مسیر بیمار شد و این موضوع به امام علی علیه السلام رسید در حالی که وی در

مدینه بود. پس در جستجوی ایشان از مدینه خارج شد و در سقیا به او رسید، در حالی که بیمار بود. امام علی علیه السلام فرمود: ای فرزندم ! از چه شکوه می کنی؟ فرمود: از درد سر می نالم. امام علی علیه السلام شتری را آورد و نحر کرد، موی سرش را تراشید و او را به مدینه باز گرداند. زمانی که امام حسین بهبود یافت، عمره گزارد.

فرمود: اگر پس از بهبودی از بیماری جهت انجام عمره خارج نشده بود، زنان بر او حلال نمی شدند تا این که به گرد کعبه و صفا طواف کند. گفتم: چرا زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از حدیبیه بازگشت، زنان بر وی حلال شدند؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مصدود و حسین علیه السلام محصور بود و این دو یکسان نیستند.

اگر حج گزار قربانی مستحبی را بفرستد و واجب نباشد، بلکه تنها بخواهد که داوطلبانه انجام دهد، با همراهان خود در فلان ساعت در روز وعده می گزارد و به آنان فرمان می دهد که قربانی را در آن ساعت تقلید کنند. زمانی که آن ساعت فرا رسید، از آنچه که محرم دوری می کند دوری کند تا این که عید قربان فرارسد. زمانی که عید قربان فرارسد، کفایت می کند.

41. فرمود: زمانی که مشرکان در روز حدیبیه سد راه رسول خدا شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله شتری را نحر کرد و از گوشت آن خورد و به مدینه بازگشت.

زمانی که فردی قربانی را همراه بیاورد و در طی راه عضوی از آن بشکند، اگر مضمون باشد - مضمون آن است که برای نذر یا کفاره باشد - بر او جایز نیست که از گوشت آن بخورد و باید فدیه دهد. و زمانی که شتر نحر شد، می تواند از گوشت آن بخورد، هر کس در عمره قربانی را همراه برد، باید قبل از این که موی سرش را بتراشد،آن را نحر کند.

ص: 506

42. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از اراک دوری کنید، از گوشت قربانی چیزی برده نشود و مستحب است زمان رمی جمرات وضو گرفت و همچنین مستحب است که در هر روز و شب، هفتهات را بشماری.

43. ابو زبیر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: مسئول شتر رسول خدا صلی الله علیه و آله ابن جندب خزاعی اسلمی بود. کسی که موهای پیامبر را در روز حدیبیه تراشید، حراش بن امیه خزاعی بود و شخصی که موهای ایشان را در حج او تراشید، معمر بن عبدالله بن حارثه بن نضره بن عوف بن عدی بن کعب بود.

44. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مکه حرم خدا است که ابراهیم علیه السلام آن را حرم قرار داد، و مدینه حرم بین دو لابت آن است درخت این منطقه بریده نمیشود و مابین دو لابت آن، یعنی مابین سایه کوه عیر تا سایه کوه وعیره. شکار آن مانند شکار مکه نیست، بلکه این شکارش خورده می شود و شکار آن خورده نمی شود.

45. پدرم گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به نظر شما عمره ای که امام علی علیه السلام دختر حمزه را آورد، کدامین عمره بود؟ فرمود: عمره صلح بود و آن عمره قضاء بود.

هر کس حج افراد را فراموش کرد، چیزی بر او نیست، باید دوباره لبیک گوید. و دو محرم زمانی که به نزد زنان خود آمدند، و یکی از آنان با همسر خود همبستر شده و دخول صورت گیرد و دیگری دخول نکند، یکسان نیستند، و کسی که با همسر خود آمیزش و دخول کرده، باید یک شتر قربانی کند و سال دیگر حج گزارد.

در روز اول نفر (حرکت)، اگر شب فرا رسید، شب را در منی بخواب، و نمی توانی که خارج شوی، اگر در روز اول حرکت کوچ کردی، می توانی در مکه اقامت کنی و در آن بخوابی و بهترین جای حرم - موقف در عرفات است - هر کس در ماه ذی القعده حج تمتع گزارد و قربانی نیابد، روزه نگیرد تا این کهوارد ماه بعدی شود و زمانی که ماه بعد شد، یک روز قبل از روز ترویه، روز ترویه و روز عرفه را

روزه بدارد، اگر بخواهد در آنجا اقامت کند؛ و بعد از ایام تشریق، هفت روز دیگر را روزه بدارد.

46. پدرم گفت: هر کس طواف واجب را انجام دهد و دو رکعت نماز بدون وضو بخواند، بار دیگر نماز بخواند و طواف را تکرار نکند.

47. پدرم گفت: مردی که قربانی مضمونی را همراه ببرد و در میانه راه صاحب بچه شود و خود و بچه اش از بین روند، باید به جای هر دو آن ها قربانی کند.

اگر شخصی دوست دارد که پدر و مادر خود را در حج شریک خود قرار دهد، این کار را بکند؛ زیرا که خداوند هم او و هم والدینش را پاداش خواهد داد بدون این که از اجر و پاداش او بکاهد، چرا که گاهی در قبر فرد میت، ثواب روزه، نماز، حج، صدقه و آزادی برده ای داخل می گردد.

عمره گزار زمانی که قربانی را همراه برد، قبل از قربانی کردن آن مویش را بتراشد و هر کس طواف را به عمد ترک کند، حجی برای او نیست. هر کس کعبه را زیارت کند و در طواف و سعی خود تا طلوع سپیده دم باقی بماند، چیزی بر عهده او نیست. هرکس در روز اول کوچ کند، حق شکار را ندارد تا این که روز سوم سپری شود.

اگر برده در روز عرفه آزاد شود، حج را درک کرده است؛ چرا که وی یکی از دو موقف را درک کرده است.

48. پدرم گفت: مردی که قبل از زیارت لباس بر تن کند کار بدی را مرتکب شده و چیزی بر عهده او نیست. هرکس در صفا و مروه سعی کند در حالی که لباس بر تن کرده، کار بدی را مرتکب شده و چیزی بر عهده او نیست. هر کس به عکس رمی جمرات کند، و در ابتدا در جمره عقبه و سپس جمره میانی و سپس جمره بزرگ رمی جمرات کند، به جمره وسطی و سپس به عقبه بازگردد، هر چند فردای آن باشد.

ص: 508

غسل بین عشاء و ثلث اول شب در شب مزدلفه ایرادی ندارد و هر کس که نماز را درک کند و در سعی باشد، آن را قطع کند و نماز بخواند و بر صفا و مروه جلوس کند، همچنان که سعی با سوار شدن بر چهارپایان نیز جایز است.

49. پدرم در باره زنی که وصیت کرد دارایی وی را در راه حج و صدقه و آزاد کردن برده خرج کنند، گفت: ابتدا از حج آغاز کند چرا که آن واجب است. اگر چیزی از دارایی او ماند، برخی را در صدقه و برخی را در آزاد کردن برده هزینه کنند.

50. پدرم گفت: به امام صادق علیه السلام گفتم: برای حج تمتع خود گاو قربانی کنم؟ پدرم به من گفت: ای فرزندم! امام صادق علیه السلام به من فرمود که قوچ چاق شاخداری را به دست آوردم که کمتر از گاو نبود، پس آن را قربانی کردم. گفتم: اگر قوچ چاق نیافتم چه کنم؟ فرمود: پس یک لاغر، و قربانی کردن یک گوسفند نیز در تمتع کفایت میکند.

51. گفتم: در مسجد مکه نماز می خوانم در حالی که زن جلوی من نشسته یا عبور می کند. فرمود: ایرادی ندارد، تنها بدین دلیل بکه نامیده شده که در آن زنان و مردان به یکدیگر فشار می آورند.

گفتم: آنان می گویند: حج مکی و عمره عراقی. فرمود: دروغ می گویند، زیرا که عمره گزار از مکه خارج نمی شود تا این که حج خود را انجام دهد. گفتم: کسی که حج تمتع می گزارد، اگر قربانی نیابد و روزه را از دست بدهد تا این که خارج شود و برای او اقامتی نباشد، فرمود: وی سه روز را در مسیر و هفت روز را در میان خانواده خود روزه بدارد.

هرکس یک مارمولک را بکشد، باید یک مشت طعام یا مشتی خرما کفاره دهد.

هر کس حج را از دست بدهد در حالی که بدان وارد شده و طواف هم نکرده باشد، پس همراه با مردم در ایام تشریق در حال احرام باشد، چرا که در آن عمره ای نیست؛ زمانی که ایام تشریق سپری شد طواف کند و سپس میان صفا و مروه سعی کند، و باید از همان جایی که محرم شده، سال دیگر حج گزارد.

پرنده اهلی مکه ذبح نمی شود و رسول خدا همراه با هر شتر، یک قوچ قربانی می کرد. حطیم میان در کعبه و حجر الاسود است.

ایرادی ندارد که زن محرم اگر سواره باشد، با لباسش صورتش را تا زیر گلویش بپوشاند.

هر کس زنبوری را بکشد، باید قدری طعام کفاره دهد؛ اگر زنبور قصد گزیدن او را داشته، چیزی بر او نیست

هر کس که از تنعیم عمره بگزارد، لبیک گفتن را قطع نکند تا مسجد الحرام را ببیند.

هر کس قربانی کردن را تا هنگام آمدن به مکه برای طواف زیارت فراموش کند، در مکه قربانی بخرد و آن را ذبح کند، کفایت می کند.

کسی که باز داشته شده، اگر قربانی به همراه نداشت، بخرد و بازگردد؛ اگر در آنجا قربانی نیافت، روزه بدارد.

هر کس که در ماه های حج عمره مفرده گزارد و سپس به نظرش رسید که اقامت کند تا حج گزارد، قربانی بر او نیست.

هر کس قربانی همراه برد و تقلید و اشعار نکند، کفایت می کند.

هر کس قصد حج کند و حج را از دست بدهد، اگر طواف و سعی کرده، به اهل خود ملحق شود، و اگر خواست از احرام درآید و آن را عمره قرار دهد و سال دیگر باید حج گزارد. اگر طواف و سعی نکرده به سمت منی رود، همراه با آنان اقامت کند تا این که کوچ کنند و سپس به گرد کعبه طواف وسپس سعی کند. همانا در ایام تشریق عمره نیست و باید سال دیگر حج گزارد و از هر جا باشد، لباس احرام به تن کرده، محرم شود.

فصل: زمانی که خواستی حج قران گزاری، بر تو واجب است که همراه با خودت قربانی را که شتر یا گاو باشد برده و از همان جایی که محرم شده ای آن را اشعار یا تقلید کنی. رسول خدا صلی الله علیه و آله از ذوالحلیفه احرام بست و شتر

خود را همراه برد و پهنای سمت راست کوهان شتر را اشعار کرد و خون از قربانی جاری شد، سپس با دو نعل، قربانی را تقلید کرد و برای گاو نیز همینگونه است و از جای کوهانش آن را اشعار می کنند. زمانی که روز ترویه فرا رسید، شتر خود را جهاز گذاشته و آن را به عرفات و منی ببرد.

52. روایت شده است که: اگر کسی در عرفات نتوانست شتر چاق به دست آورد، دیگر هدی نیست بلکه قربانی است و با هر پوششی که خواست، آن را میپوشاند و چون نحر شد، جُلّ و نعلین را برمیدارد و آن را صدقه میدهد یا به جای آن گوسفندی را صدقه میدهد.

برخی از علماء، انجام حج قران را بدون همراه بردن قربانی مجاز دانسته اند. اما ما همراه بردن قربانی را برگزیده ایم، و اگر از همراه بردن قربانی عاجز شدی، به جای حج قران، عمره گزار، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر من نیز این را پیشتر می دانستم، همان کاری را انجام می دادم که به شما دستور دادم. قربانی همراه نمی آوردم و همراه با دیگر مردم از احرام بیرون می آمدم که این امر از عمره بهتر می باشد.

53. در برخی از احادیث آمده که آن را عمره قرار می دادم، پس این فرمان گرفتن از رسول خدا صلی الله علیه و آله است برای سنت تمتع و ایشان تا سال بعد نزیست.

54. از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: کدام حج برتر است؟ فرمود: عج و ثج. از معنای آن سؤال کردند. فرمود: عج بالا بردن صدا جهت لبیک گفتن و ثج قربانی کردن است.

زمانی که وارد مکه شدی، در حالی که حج تمتع می گزاری، زمانی که حجر الاسود را استلام کردی، لبیک گفتن را قطع کن.

برخی از علما گفته اند: زمانی که خانه های مکه بر تو آشکار شد، لبیک گفتن را قطع کن و سپس به گرد کعبه طواف می کنی و میان صفا و مروه هفت بار سعی می کنی؛

سپس موی سرت را کوتاه می کنی و تراشیدن آن بهتر است. از سمت راست سرت شروع کن و سپس به سراغ سمت چپ برو و مویت را دفن کن؛ زمانی که این کار را انجام دهی، عمره خود را انجام داده ای و بر تو هر چیزی از پوشیدن پیراهن گرفته تا پوشیدن کفش و زدن عطر و آمیزش با زنان تا روز ترویه حلال می گردد. برخی از علما بر این باورند که بر قارن واجب است که دو طواف و سعی انجام دهد و پس از فراغ از سعی، وی را به بازگشت به سوی کعبه و هفت دور دیگر طواف به گرد کعبه فرمان می دهد که در آن بدود و سپس میان صفا و مروه هفت بار دیگر سعی کند، چنان که در بار اول این کار را انجام داده؛ و طواف و سعی اول را برای عمره و طواف و سعی دوم را برای حج خویش قرار می دهد. اگر برای انجام حج و عمره قران وارد مکه شود. ما بر آنیم که برای قران و متمتع و افراد، ابتدا یک طواف به گرد کعبه و یک سعی میان صفا و مروه کفایت میکند، به دلیل قول رسول خدا صلی الله علیه و آله به عایشه، زمانی که قارن بود و فرمود: یک طواف برای حج و عمره ات کفایت می کند.

اگر متمتع بودی، تا روز ترویه در مکه اقامت می کنی؛ زمانی که روز ترویه فرا رسید و تو حج تمتع می گزاردی و خواستی که به منی روی، موهای سبیل و ناخنت را برچین و غسل کن و لباس احرامت را بر تن کن. اگر خواستی از خانه ات محرم شوی یا از حجر یا از داخل کعبه یا مسجد یا ابطح و از هر مکانی که خواستی، کفایت می کند.

جهت وداع با کعبه به گرد خانه خدا، زمان خروج به سمت منی هفت دور طواف کن و و در آن طواف، دویدن نیست و دو رکعت نماز بخوان، و اگر خواستی چهار رکعت بخوان، قبل از این که خارج شوی و نیازی نیست که میان صفا و مروه سعی کنی، چه قارن باشی یا مفرد یا متمتع، سپس لبیک کنان می گویی:«لبیک برای حجی که اتمام و رساندن آن با توست» و اگر طواف برای حج خود را تا بازگشتت به سوی منی به تاخیر بیندازی خوب است.

سپس قصد منی کن و لبیک گویان به سوی آن برو و اگر برایت میسر شد، در سمت راست منی فرود بیا؛ و اگر میسر نشد، در هر جا که فرود آیی کفایت می کند؛ در منی می خوابی و صبح فردا به سوی عرفات حرکت میکنی و اگر خواستی، لبیک یا تکبیر گو.

زمانی که به عرفات رسیدی، اگر توانستی در بطن عرنه فراروی احواض فرود بیا و هر جای دیگر که فرود آمدی کفایت می کند،چرا که در پشت عرفات، همه جای آن تا بطن عرنه موقف است.

زمان ظهر غسل کن یا وضو بگیر، اما غسل بهتر است، سپس به مصلای امام برو و همراه با او نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه بخوان و اگر نماز را با امام درک نکردی، در چادر خود نماز بخوان و میان نماز عصر و ظهر را جمع کن. سپس به موقف بیا و در کنار صخره ها روبه قبله و نزدیک به امام وقوف کن؛ در غیر این صورت، هر جای دیگر که خواستی.زمانی که خورشید غروب کرد، به سمت مزدلفه کوچ کن، در حالی که بر تو آرامش و وقار و کثرت استغفار و لبیک گفتن باشد.

زمانی که از سمت راست بهتپه سرخ رسیدی بگو: «خدایا ! بر موقفم رحم کن و بر دانشم بیفزای». نماز مغرب را نخوان تا این که به جمع بیایی و از سمت راست جاده در بطن وادی فرود آی و کو ه ها و حیاض را پشت سر مگذار. نزدیک مشعر میباشی و نماز مغرب و عشاء را خوانده و آن دو را با یک اذان و دو اقامه همراه امام مشعر می کنی، اگر امام را درک کردی، یا این که به تنهایی می خوانی؛ و تا زمانی که نماز صبح را در آن نخوانده ای در آنجا بمان و قبل از امام باز نگرد و زمان آن، قبل از طلوع خورشید است، زمانی که صبح بدمد و روشنایی روز مشخص شود. همانا اهل جاهلیت تا طلوع خورشیداز جمع کوچ نمی کردند و می گفتند: ثبیر طلوع کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنان مخالفت کرد و قبل از طلوع خورشید باز گشت. سپس با آرامش راه برو تا این که به وادی محسر رسی و آن همان حد میان مزدلفه و

مناست و به منی نزدیکتر می باشد. پس تا رسیدن به منی سریع و با شتاب برو و آن را پشت سر بگذار. زمانی که به منی آمدی غسل کن یا این که وضو بگیر. زمانی که خورشید طلوع کرد به جمره بزرگ یا جمره عقبه بیا و هفت سنگ به آن بزن و لبیک گفتن را قطع کن و سپس خون قربانی را که همراه داری بریز - بچه گوسفند هفت ماه به بالا و بچه بز دوازده ماه به بالا و شتر باید پنج سال کامل و گوساله نیز باید سه سال کامل داشته باشد و اولین روزی باشد که وارد سال چهارم شده است - سپس موی سرت را بتراش و در این هنگام همه چیز جز بوی خوش و زنان بر تو حلال شده است.

برخی از علما تنها بوی خوش را حلال دانسته اند، زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از این که به گرد کعبه طواف کند، خود را خوش بو کرد، و برخی دیگر از علماء این کار را مکروه می دانند. پس زمانی که از ذبح فارغ شدی، به سوی محل سکونت خود برو و دو رکعت نماز بخوان و خداوند را بخوان و حاجتت را بخواه. در روز عید قربان بر تو چیزی نیست جز خواندن نماز واجب. زمانی که مویت را تراشیدی، در همان روز یا شب، کعبه را زیارت کن و اگر زیارت را تا روز حرکت به تاخیر انداختی، در صورتی که بوی خوش استعمال نکنی و با زنان آمیزش نکنی کفایت می کند.

زمانی که به مکه آمدی به گرد کعبه هفت دور طواف کن، چرا که آن همان طواف واجب است که خداوند فرمود: «وَ لْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيق»(1) {به

گرد آن خانه کهن [کعبه] طواف کنند}. در پشت مقام دو رکعت نماز بخوان؛ اگر قارن یا مفرد بودی، بر تو همه چیز حلال شده و سعی میان صفا و مروه لازم نیست. اگر متمتع باشی، هفت دور طواف جهت زیارت برای حج و زیارتت کفایت می کند و بنا بر نظر برخی از علما، باید میان صفا و مروه سعی کنی. برخی دیگر گفته اند: برای کسی که حج تمتع می گزارد، هفت بار سعی میان صفا و مروه جهت انجام عمره او در اولین رسیدنش

1- . حج / 29

کافی است، و هفت دور طواف به جای زیارت و حج کفایت می کند و در نزد آنان، بر تمتعگزارفقط طواف زیارت بدون انجام سعی می باشد.

سپس به منی بازگرد و در ایام تشریق در مکه نخواب. زمانی که روز دوم فرا رسید، تا زمان طلوع خورشید در آنجا می مانی، سپس غسل می کنی یا این که وضو می گیری و قبل از این که نماز ظهر را بخوانی، همراه با خود بیست و یک سنگریزه حمل کرده و رمی میکنی. ابتدا به سمت جمره اول که همان سعی می باشد و نزدیکترین مکان به مسجد منی است پرتاب می کنی، سر آن را هدف بگیر و با هفت سنگ آن را بزن و با هر پرتاب خود تکبیر گوی. زمانی که رمی جمار کردی بایست و جمره را در سمت چپ خود قرار ده، به گونه ای که رو به قبله باشی، خداوند را حمد و ثنا گوی و بر محمد و خاندان وی درود فرست و هفت تکبیر گوی و در کنار آن به اندازه زمان خواندن صد یا صد و پنجاه آیه از قرآن بایست؛ سپس به جمره وسطی بیا و به آن هفت سنگ پرتاب کن و همان کاری را که پیشتر انجام دادی انجام ده؛ سپس مقابل آن برو و در سمت چپ آن روبروی قبله بایست، چنان که در جمره دیگر ایستادی و به سپس به جمره عقبه برو و هفت سنگ بدان بزن و در کنار آن نایست. سپس بازگرد و نماز ظهر را بخوان و فردای آن روز همان کاری را انجام می دهی که در روز اول انجام دادی؛ اگر خواستی تعجیل کنی برایت جایز است، و اگر تاخیر را دوست داشتی تاخیر می کنی، و هر روز جز قبل از فرارسیدن ظهر، رمی جمرات نکن.

ص: 515

باب شصت و چهارم : ورود به کعبه و آداب آن

روایات:

1. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام از کعبه خارج شد در حالی که می گفت: {الله اکبر،الله اکبر الله اکبر، خدایا ! آزمایش ما را به مشقت میفکن و ما را دشمن شاد مکن، چرا که سود رسان و ضرر رسان تنها تویی.} سپس از پله پایین آمد و در کنار آن نزدیک به حجر الاسود دو رکعت نماز خواند، و میان او و کعبه کسی حائل نبود، سپس به سوی منزلش رفت.(1)

2. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام از پدر خود نقل کرده است که ایشان امام زین العابدین علیه السلام را دید که در کعبه دو رکعت نماز می خواند.(2)

مؤلف: مستحب بودن غسل جهت ورود به کعبه، در باب احرام با سندهای بسیار بیان گشت. همچنین موضوع ورود زنان به کعبه در باب لبیک گفتن با صدای آشکارا و بلند گذشت.

3. علل الشرائع: حلبی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: آیا زنان، زمانی که به کعبه آیند غسل می کنند؟ فرمود: آری، همانا خداوند عز و جل می فرماید: «أَنْ طَهِّرا بَیْتِیَ لِلطّائِفِینَ وَ الْعاکِفِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُود»(3) {خانه

مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنید.} برای بنده سزاوار

1- . قرب الاسناد: 4
2- . قرب الاسناد: 13
3- . بقره / 125

است که جز با وضو و پاکی وارد کعبه نشود و عرق و آلودگی را از تن خود بشوید و پاک شود.(1)

مؤلف: این امر در باب علت انجام حج بیان شد.

4. سلیمان بن مهران از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: به چه دلیل برای کسی که حج اول اوست، ورود به کعبه مستحب است؟ امام برای کسی که قبلا حج گزاردهاستفرمود: زیرا کسی که حج اول خود را انجام می دهد، حج واجب می گزارد و به حج خانه خدا فرا خوانده شده است؛ از این رو واجب است که وارد خانه ای شود که به سوی آن فرا خوانده شده تا وی را اکرام کنند.

5. ثواب الأعمال: عبد السلام بن نعیم نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: داخل کعبه شدم و جز صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان وی دعایی به خاطرم نیامد. امام صادق علیه السلام فرمود: آگاه باش! مانند تو در فضیلت و ثواب، کسی از خانه خدا بیرون نیامده است.(2)

6. المحاسن: امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که وارد کعبه گردد، در حالی وارد می شود که خداوند از او خشنود است و از گناهان خود پاک خارج می شود.(3)

7. تفسیر العیاشی: علی بن عبدالعزیز نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: جانم به فدایت! این سخن خداوند که فرمود: «آیاتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِنا»(4) {در آن نشانه های روشن از جمله مقام ابراهیم است و هر که در آن درآید در امان است.} با این وجود گاهی مرجی و قدری و حروری و کافری که به خدا ایمان ندارد وارد کعبه می شوند. فرمود: خیر، کرامتی برای آنان نیست. عرض کردم: جانم به فدایت! پس معنای آن چیست؟ فرمود:کسانی که عارف به حق ما باشند

1- . علل الشرائع: 411
2- . ثواب الأعمال: 140
3- . المحاسن برقی: 70

4- . آل عمران / 96

و هم جایگاه والای کعبه را بشناسند؛ این افراد اگر داخل کعبه شوند، از گناهان خود پاک شده و دنیا و آخرت آنان کفایت خواهد شد.(1)

8. به خط شیخ - قدس سره - نقل کرده اند که امام صادق علیه السلام فرمود: ورود به کعبه ورود به رحمت خداوند و خروج از آن، بیرون آمدن وپاک شدن از گناهان است. در عمر باقیمانده از گناه پاک بوده و گناهان گذشته اش بخشوده خواهد شد؛ هر کس همراه با آرامش و بدون تکبر و غرور وارد کعبه شود، آمرزیده می شود.

9. علل محمد بن علی بن ابراهیم: علت برتری امیر المؤمنین علیه السلام که هیچ کس قبل و پس از او این ویژگی را نداشته این است که ایشان در کعبه به دنیا آمد و این بدانگونه بود که زمانی که فاطمه بنت اسد دچار درد زایمان گردید و به دنیا آوردن فرزند بر او سخت گردید، ابوطالب در دل شب وی را بیرون برد و داخل کعبه کرد و امیر المؤمنین علی علیه السلام به دنیا آمد و جز او کسی در کعبه متولد نشد.

1- . تفسیر العیاشی 1: 190

باب شصت و پنجم : وداع با کعبه و مستحبات هنگام خروج از مکه و سایر اعمال مستحب در مکه

روایات:

1. عیون اخبار الرضا: امام رضا علیه السلام عمره گزارد، زمانی که با کعبه وداع کرد و به در حناطین رسید تا از آن خارج شود، در صحن مسجد در پشت کعبه نماز خواند، دستانش را بالا برد و دعا کرد و سپس به ما رو کرد و فرمود: بهترین چیزی که میتوان درخواست کرد، حاجتمندی از او است. خواندن نماز در آن، از خواندن در دیگر مکان ها به مدت شصت سال یا ماه بهتر است. زمانی که کنار در کعبه رسید گفت: خدایا! از مکه با این ذکر خارج شدم که «لا إله إلا أنت»، تنها معبود تویی.(1)

2. عیون اخبار الرضا: ابراهیم بن محمود نقل کرده است: امام رضا علیه السلام را دیدم که زمانی که خواست از در مسجد خارج شود، سجده کنان بر زمین افتاد و گفت: خدایا! من بر این عقیده بازمی گردم که «لا إله إلا أنت».(2)

3. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که وارد مکه شدی، به میزان یک درهم خرما بخر و به خاطر آنچه در حال احرامت از تو سر زده است، صدقه بده.زمانی که از حج خود فارغ شدی، به میزان یک درهم خرما بخر و صدقه بده و زمانی که وارد مدینه شدی نیز همین کار را انجام ده.

1- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 2: 17
2- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 2: 18

4. معانی الأخبار: امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس از روز جمعه تا جمعه دیگر یا کمتر یا بیشتر قرآن را ختم کند، و ختم وی در روز جمعه باشد، خداوند در ازای اولین جمعه ای که در دنیا بوده تا آخرین جمعه ای که در آن است، برایش ثواب و پاداش می نویسد و اگر در روزهای دیگر نیز ختم کند این چنین خواهد بود.(1)

5. فقه الرضا علیه السلام: زمانی که از انجام تمامی مناسک فارغ شدی و خواستی که از مکه خارج شوی، به میزان یک درهم خرما صدقه بده تا کفاره گناه و کاستی و خطایی باشد که زمان احرام خود مرتکب شدی، در حالی که تو از آن ها بی خبر بودی.(2)

زمانی که خواستی از مکه خارج شوی، جهت انجام طواف وداع، هفت دور به گرد کعبه طواف کن و در هر دور بر حجر الاسود و تمامی ارکان دست بکش و از خداوند درخواست می کنی که آن را آخرین بار قرار ندهد؛ زمانی که از طواف فارغ شدی روبه قبله کنار حجر الاسود بایست و خداوند را بسیار بخوان و در دعای خود بکوش،سپس حرکت می کنی و می گویی: باز می گردیم توبه کنان و عبادت کنان، باز می گردیم در حالی که پروردگار خویش را ستایشگریم و سپاس می گوییم و به سوی خدای خود مشتاقیم و به سوی او باز می گردیم. از قسمت پایین مکه خارج شو. زمانی که به در حناطین رسیدی، رویت را به سوی قبله می کنی و سجده کرده و از خداوند می خواهی که از تو بپذیرد و آن را آخرین بار قرار مدهد. سپس قبر رسول خدا صلی الله علیه وآله را زیارت می کنی، زیرا آن حضرت فرمود: هر کس حج گزارد و مرا زیارت نکند، به من ستم کرده است. قبور بزرگان را در مدینه نیز زیارت می کنی، در حالی که غسل کرده ای؛ و تمسک جستن تنها به سوی خداست و هیچ قوه و نیرویی جز با استعانت از خداوند بلند مرتبه و عظیم نیست.(3)

1- . ثواب الأعمال: 90
2- . فقه الرضا علیه السلام: 29
3- . فقه الرضا علیه السلام: 30

6. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند «لَیْسَ عَلَیْکُمْ جُناحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّکُم»(1) {بر

شما گناهی نیست که در [سفر حج] فضل پروردگارتان [روزی خویش را بطلبید]. } فرمود: منظور رزق و روزی است؛ زمانی که مرد از احرام خویش بیرون آید و اعمال خود را به پایان رساند، باید در موسم حج خرید و فروش کند.

7. الهدایه: کوچ از منی: سپس از منی به مکه برو در حالی که لا اله الا الله می گویی و خداوند را دعا گویان تمجید می کنی؛ زمانی که به مسجد النبی صلی الله علیه و آله یا همان مسجد حصبا رسیدی، بر پشت بخواب و قدری در آن استراحت کن؛ سپس با آرامش و وقار وارد مکه شو، در حالی که از هر عملی که انجام آن در زمان حج یا عمره بر عهده تو بوده فارغ شده ای، و به میزان یک درهم خرما بخر یا صدقه بده تا کفاره گناهی باشد که در زمان احرام خود ندانسته مرتکب شده ای؛ و اگر دوست داشتی که وارد کعبه شوی، قبل از ورود بدان غسل کن و سپس می گویی: خداوندا تو خود فرمودی: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً» {هر کس وارد کعبه شود ایمن خواهد بود. } پس مرا از عذاب آتش نجات ده؛ سپس میان دو ستون و بر سنگ سرخ دو رکعت نماز می خوانی؛ در رکعت اول سوره حم سجده و در رکعت دوم به تعداد آیات آن از قرآن میخوانی و در گوشه های آن نماز می خوانی و می گویی: خدایا هر کس برای رفتن به سوی مخلوقی به امید صله و عطایای او و طلب بخشش وجایزه او آماده و مهیا و توشه برمیدارد، پس مهیا شدن و ساز و برگ ساختن و آماده کردن و آماده شدن من امروز، به امید عفو و صله تو و طلب بخشش و جایزه تو است، ای سرور من، از این رو امروز امید مرا ناامید مکن، ای کسی که خواهان او هیچ گاه محروم نمی گردد و برخوردار از آن نمی کاهد؛ امروز به محضر تو نه کار شایسته ای آورده ام و نه به امید شفاعت کسی آمده ام، بلکه در حالی به نزدت آمده ام که بر ستم و

1- . تفسیر العیاشی 1: 96

بدی به خویشتن اعتراف می کنم. نه حجتی دارم و نه بهانه ای، ای کسی که تو این گونه هستی، می خواهم که خواسته ام را عطا کنی و لغزشم را ببخشایی و مرا تهی دست وناکام باز نگردانی، ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ؛ برای خواسته ای بزرگ به تو امید بسته ام و از تو می خواهم که ای بزرگ مرا ببخشایی؛ چرا که تنها معبود تویی. با فخر و غرور وارد کعبه نمی شوی و آب دهان و بینی در آن نمی اندازی.(1)

وداع با کعبه

زمانی که خواستی با کعبه وداع کنی، به گرد آن هفت دور طواف کن و دو رکعت نماز در هر جای مسجد که خواستی بخوان، سپس به خطیم برو - حطیم میان در کعبه و حجر واقع شده - و ایستاده به پرده های کعبه چنگ بزن و خداوند را حمد وثنا کن و بر محمد و خاندان او درود فرست و بگو:خداوندا من بنده توام، و بنده زاده توام که مادرم کنیز توست؛ مرا بر چهارپایان خود سوار کردی و در شهرهای خود گرداندی و به مسجد الحرام رسانیدی. خداوندا، امید و مرادی که داشتم و دارم این است که گناهان مرا بیامرزی، پس اگر مرا آمرزیدهای، رضایتت از مرا بیشتر کن و مرا به قرب خود برسان و اگر تا حال نیامرزیدهای، الحال بیامرز، پیش از آن که از خانه تو دور شده باشم، و رو از خانه تو نگردانیده ام و یا چیزی را بهتر از خانه تو نمیدانم؛ اکنون اگر اجازه دهی، زمان بازگشت من است. خدایا مرا از پیش رو و پشت سر و زیر و بالا و چپ و راستم حفظ کن، تا آنکه مرا به شایستگی به خانواده ام رسانی و وقتی مرا به خانوادهام رساندی، از هزینه بندگانت و خانواده ام کفایت کن.(2)

هنگامی که به در حناطین رسیدی، به کعبه نگاه کن و به سجده بیفت و از خداوند بخواه که آن را از تو قبول کند و آن را آخرین سفرت قرار ندهد. سپس در حالی که در سجدهای، بگو: بازگشت کنندهایم، توبه کنندهایم، ستایشگر پروردگارمان هستیم و شیفته خداوندیم و به سوی او بازمیگردیم. و درود و سلام بر محمد و آل او

1- . الهدایه: 65
2- . نفس الهدایه: 67

باد. سپس قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را در مدینه، در حالی که غسل کرده ای زیارت می کنی، چرا که رسول خدا فرمود: هر کس خانه پروردگارم را زیارت کند و به دیدار من نیاید، به من جفا کرده است. امام صادق علیه السلام فرمود: از مکه شروع کنید و به ما ختم کنید.

8. از امام حسین علیه السلام نقل کرده اند که خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: ای پدر! پاداش کسی که تو را زیارت کند چیست؟ فرمود: هر کس، زمانی که در دنیا باشم یا از دنیا رفته باشم مرا یا پدرت یا برادرت یا تو را زیارت کند، بر من سزاوار است که در روز قیامت به زیارت او روم و او را از گناهانش نجات دهم.(1)

1- . الهدایه: 68

باب شصت و ششم : کامل شدن حج، با دیدار امام و زیارت رسول خدا و ائمه علیهم السلام است

روایات:

1. علل الشرائع، عیون أخبار الرضا: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر یکی از شما به حج رود، باید حج خود را با زیارت ما به پایان رساند؛ چرا که دیدار با امام، به خاطر کامل شدن حج است. (1)

2. علل الشرائع، عیون أخبار الرضا: امام باقر علیه السلام فرمود: کامل شدن حج، دیدار با امام است. (2)

3. علل الشرائع، عیون أخبار الرضا: امام باقر علیه السلام فرمود: مردم مأمور شده اند که نزد سنگها بیایند و به گرد آنها طواف کنند و سپس به نزد ما بیایند و ولایت خود را به ما خبر دهند و یاری خویش را بر ما عرضه کنند. (3)

مؤلف: برخی اخبار، پیشتر در باب قضاء النفث بیان شد و اخبار مربوط به فضیلت زیارت در کتاب مزار بیان خواهد شد.

1- . علل الشرائع: 459، عیون الأخبار2: 262
2- . علل الشرائع: 459، عیون الأخبار2: 262
3- . علل الشرائع: 459، عیون الأخبار2: 262

باب شصت و هفتم : آداب فردی که از مکه میآید و آداب دیدار با او

روایات:

1. السرائر: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که با برادرت دیدار کردی و او از سفر حج بازگشته بود، بگو: سپاس خدایی را که راه تو را آسان ساخت و راه و راهنمایت را هدایت نمود و تو را باتندرستی بازآورد، حج را پایان داد و در سفر یاری نمود، خداوند از تو بپذیرد و هزینه آن را جایگزین سازد و آن را حجی نیکو و پاک کننده گناهانت قرار دهد.(1)

1- . السرائر: 483

آنچه به مدینه و غیر آن مربوط است

مؤلف: زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه و چهار تن از ائمه علیهم السلام و آداب زیارت آنان را در کتاب المزار آوردهایم.

باب یکم : فضیلت مدینه و حرم آن و آداب ورود به آن

روایات:

1. قرب الإسناد: یونس بن یعقوب نقل کرده است که از امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کردم: آیا آنچه در حرم خداوند عز و جل بر من حرام شده، در حرم رسول خدا نیز حرام است؟ فرمود: خیر.(1)

2. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: حد حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله از ذباب تا واقم و عریض و نقب از طرف مکه است.

3. و فرمود: حد حرم از صورین تا ثنیه است.(2)

4. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: نزد زیاد بن عبیدالله نشسته بودم و ربیعه الرای نیز در کنار او بود. زیاد خطاب به ربیعه گفت:ای ربیعه! رسول خدا صلی الله علیه و آله چه چیزی را از مدینه محرّم دانسته است؟ ربیعه گفت، پست خانهای تا پست خانه دیگر. به ربیعه گفتم: در زمان رسول الله پست خانه بود؟ ساکت شد و چیزی نگفت. امام فرمود: زیاد به طرف من رو کرد و گفت: ای ابا عبدالله، نظر تو چیست؟ پس گفتم: رسول خدا شکار کردن در مدینه میان دو تنگه آن را حرام کرد. زیاد گفت: دو تنگه آن چیست؟ گفتم: آنچه را که حرار احاطه کرده است. زیاد

1- . قرب الاسناد: 123
2- . معانی الأخبار: 338

گفت: رسول خدا از درخت چه چیزی را حرام کرده است؟ گفتم: از کوه عیر تا وعیره.(1)

راوی گوید: فردی از امام این سؤال را پرسید و من نشسته بودم. خطاب به ایشان گفت: منظور از دو تنگه آن کدام است؟ فرمود: مابین صورین تا تثنیه.(2)

5. معانی الأخبار: معاویه بن عمار نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: ما بین دو سنگستان مدینه از سایه کوه عیر تا سایه وعیره، حرم است. گفتم: پرنده آن نیز همچون پرنده مکه است؟ فرمود: خیر، و درخت این منطقه بریده نشود.(3)

6. روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شکار مدینه آنچه را که میان دو حرم شکار گردد، حرام دانسته است.(4)

مؤلف: در باب احرام، غسل جهت ورود به مدینه و حرم آن و فضیلت آن در باب نوادر بیان گردید.

7. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که به مکه وارد شدی یک درهم خرما بخر و آن را به خاطر آنچه در حال احرامت برای انجام عمره از تو سر زده است صدقه بده. زمانی که از حجت فارغ شدی یک درهم خرما بخر و آن را صدقه بده. زمانی که وارد مدینه شدی نیز این کار را انجام ده.

8. بصائر الدرجات: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند مکه را حرم قرار داده و رسول خدا صلی الله علیه و آله مدینه را حرم قرار داده و خداوند آن را برای اوتأیید کرده است.

مؤلف: احکام آن به طور کامل در باب التفویض بیان گردید.

1- . معانی الأخبار: 337
2- . معانی الأخبار: 337
3- . معانی الأخبار: 338
4- . معانی الأخبار: 338

9. کامل الزیارات: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: من هر چه داشتم تبدیل به طلا و نقره کردم و وسایل خانه را فروختم تا ساکن مکه شوم؟ ایشان فرمود: این کار را نکن؛ زیرا اهل مکه آشکارا به خداوند کفر میورزند. گفت: در حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله چه؟ فرمود: ساکنان آنجا از مکه بدترند. آن مرد گفت: پس کجا ساکن شوم؟ امام فرمود: بر تو باد عراق کوفه، همانا برکت در دوازده میلی آن، چنین و چنان است و در کنار آن قبری است که هیچ انسان غمدیده و ستمدیدهای نزد آن نرفت مگر این که خداوند اندوه وی را زدود.(1)

10. دعائم الاسلام: امام علی علیه السلام در خطبهای فرمود: مدینه از منطقه عیر تا ثور حرم است، پس هر کس در آن گناه یا قتلی مرتکب شود و یا قاتلی را پناه دهد، لعنت و نفرین خداوند و تمامی فرشتگان بر او باد.و خداوند از او نه عوضی و نه معادلی قبول نمیکند.(2)

11. امام صادق علیه السلام فرمود: میان دو سنگستان مدینه حرم است. به امام گفتند: پرنده آن همچون پرنده مکه است؟ فرمود: خیر و درخت آن قطع نمیشود. به امام گفتند: سنگستان آن کجاست؟ فرمود: همان جایی که حرّه آن را احاطه کرده، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را حرم قرار داد؛ شکارش رمانده نمیشود و درختش بریده نمیشود.(3)

12. امام علی علیه السلام فرمود: هر کس با بی میلی از مدینه خارج شود، خداوند چیز بدتری را جایگزین آن میکند.(4)

13. امام صادق علیه السلام فرمود: سزاوار است بر کسی که میخواهد برای زیارت وارد مدینه شود غسل کند.- و پیشتر بیان کردیم که این غسل و مانند آن

1- . کامل الزیارات: 169
2- . دعائم الاسلام 1: 295
3- . دعائم الاسلام 1: 296
4- . دعائم الاسلام 1: 296

ترجیح دارد و همچون غسل جنابت واجب نیست. - و شایسته است بر کسی که میخواهد برای زیارت وارد مدینه شود، پس از مراقبت از وسایل خود، در ابتدا از مسجد رسول خدا و زیارت قبر وی و خواندن نماز در مسجد او آغاز کند.(1)

14. از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت از پدرش از پدرانش نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نماز در مسجد مدینه برابر با ده هزار نماز است.

15. امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین جا برای خواندن نماز، کنار قبر رسول خداست و زمانی که وارد مدینه شدی غسل کن و به مسجد برو و ابتدا از زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز کن و در کنار آن بایست و بر رسول خدا درود فرست و بر رسالت او و ابلاغ رسالت از طرف وی شهادت بده و تا میتوانی بر او صلوات بفرست و تا جایی که خداوند برایت گشوده، دعا کن.

از اهل بیت علیهم السلام برای ما دعاهای متفاوتی در کنار قبر ایشان نقل کردهاند که از گنجایش این کتاب خارج است و هیچکدام واجب نیست.

16. از امام علی علیه السلام نقل کردهاند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس پس از این که از دنیا رفتم به زیارت قبر من آید، همچون کسی است که در دوران زنده بودنم به زیارت من آمده. هر کس نتوانست به زیارت قبر من بیاید؛ پس بر من درود و سلام فرستد چرا که آن به من میرسد.(2)

17. امام صادق علیه السلام فرمود: از جمله جاهایی که شایسته است به زیارت آن روند و در آن نماز خوانند و بر آن مراقبت کنند، مسجد قباست؛ و آن مسجدی است که بر اساس تقوی بنیان نهاده شده و - همچنین - مسجد فتح، مشربه أم ابراهیم، قبر حمزه و قبور شهیدان است.(3)

1- . دعائم الاسلام 1: 296
2- . دعائم الاسلام 1: 296
3- . دعائم الاسلام 1: 296

18. فرمود: بر زائر سزاوار است که آخرین دیدار و عهد وی قبل از خروج از مدینه، بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد؛ با ایشان همان طور وداع کند، چنان که روز ورود خود به مدینه انجام داده و همان چیزی را میگوید که روز اول گفته و تا آنجا که برای وی مهیا شد وداع کند و بازگردد. (1)

ص: 530

1- . دعائم الاسلام 1: 296

روایات:

مؤلف: برخی از اخبار مرتبط با آن در باب فضیلت مسجد الحرام بیان شد.

1. قرب الإسناد: علی بن جعفر گوید: از برادرم علیه السلام درباره خوابیدن در مسجد رسول سؤال کردم. فرمود: شایسته نیست.(1)

2. الخصال: امام علی علیه السلام فرمود: بارها را نمیبندند جز برای سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد رسول صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه.(2)

3. الخصال: امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمائه فرمود: خواندن نماز در دو حرم برابر با هزار نماز است.(3)

4. امالی الطوسی: امام رضا از پدران خود علیهم السلام نقل کرده است که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: چهار قصر بهشتی در دنیا هستند: مسجد الحرام؛ مسجد الرسول؛ مسجد بیت المقدس؛ مسجد کوفه (4)

5. معانی الأخبار: امام صادق علیه السلام فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله اول دیوار مسجد خود را با خشت (سمیط) بنا کرد و چون مسلمانان زیاد شدند گفتند: کاش می فرمودی مسجد را گسترش می دادند. فرمود: آری. پس فرمود که

1- . قرب الاسناد: 120
2- .الخصال 1: 94
3- . الخصال 2: 421
4- . امالی الطوسی 1: 379

مسجد را گسترش دادند و با یک خشت و نیم(سعیده) بنا کرد. پس باز مسلمانان زیاد شدند و گفتند: ای رسول خدا کاش میفرمودی که باز مسجد را گسترش می دادند. فرمود: آری. رسول خدا فرمود گسترش دادند و دیوارش را با دو خشت بر عکس یکدیگر(نر و ماده) ساختند، و چون گرما بر ایشان شدت پیدا کرد گفتند: یا رسول الله ! اگر می فرمودی که سقفی می ساختیم، از گرما حفظ می شدیم، پس امر فرمود که ستونها از چوب خرما بر پا کردند و به چوبها و برگهای خرما و علف اذخر سقف ساختند که در سایه آن به سر می بردند، تا آنکه باران آمد و بر ایشان چکه میکرد. گفتند: یا رسول الله ! اگر می فرمودی گلی بر روی این سقف می کشیدیم که آب به زیر نمی آمد، فرمود: نه ! سایبانی مانند سایبان موسی است؛ و پیوسته مسجد بر این هیئت بود تا ایشان از دنیا رفت و دیوار مسجد آن حضرت پیش از آنکه مسقف شود، به قدر یک قامت بود، و چون سایه دیوار به قدر یک ذراع به اندازه یک بز زانو زده می شد، نماز ظهر می خواندند، و چون به قدر دو ذراع - دو برابر - می شد، نماز عصر می خواندند. گفت: امام فرمود: سمیط خشت خشت و سعیده یک خشت و نیم بود و خشت ماده و نر، مخالف یکدیگرند.(1)

6. امام صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خواندن نماز در مسجد من در نزد خدا، برابر با ده هزار نماز در غیر آن است، جز مسجد الحرام که خواندن نماز در آن معادل صد هزار نماز است.(2)

7. ثواب الأعمال: وشاء نقل کرده است که از امام رضا علیه السلام درباره ثواب و ارزش نماز خواندن در مسجد الحرام و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم که آیا یکسان است؟ فرمود: آری و نماز خواندن در میان آن دو، معادل هزار نماز است.

1- . معانی الأخبار: 159
2- . ثواب الأعمال: 28

8. کامل الزیارات: حضرمی نقل کرده است که امام صادق علیه السلام به من فرمان داد که تا میتوانم در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز بخوانم و فرمود: چنین نیست که هر وقت بخواهی بتوانی.(1)

9. کامل الزیارات: ساباطی نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: آیا خواندن نماز در مدینه همچون نماز در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله است؟ فرمود: خیر. نماز خواندن در مسجد رسول خدا معادل با هزار نماز میباشد و نماز خواندن در مدینه همچون نماز در دیگر شهرهاست.(2)

10. کامل الزیارات: مرازم نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره ثواب نماز خواندن در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم. فرمود: رسول خدا فرمود: خواندن نماز در مسجد من برابر با هزار نماز در غیر آن، و نماز خواندن در مسجد الحرام معادل هزار برابر نماز در مسجد من است. سپس فرمود: خداوند مکه را فضیلت بخشید و بخشی از آن را برتر از بخشی دیگر قرار داد. خداوند تبارک و تعالی فرمود: «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى»(3) {در مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود اختیار کنید.} و فرمود: خداوند اقوامی را فضیلت داد و به پیروی از آنان و دوست داشتنشان در قرآن فرمان داد.(4)

11. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: خواندن نماز در مسجد النبی صلی الله علیه و آله برابر با ده هزار نماز است.(5)

12. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام خطاب به ابن ابی یعفور فرمود: تا میتوانی در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز بخوان؛ زیرا فرمود: خواندن

1- . کامل الزیارات: 12
2- . کامل الزیارات: 20
3- . بقره / 125
4- . کامل الزیارات: 20
5- . کامل الزیارات: 21

نماز در مسجد من برابر با هزار برابر در غیر آن است جز مسجد الحرام، که خواندن نماز در آن معادل هزار برابر مسجد من است.(1)

13. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام میفرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نماز خواندن در مسجد من برابر با هزار نماز در غیر آن است.(2)

14. کامل الزیارات: با سندی دیگر از امام صادق علیه السلام مانند حدیث فوق نقل شده است.(3)

15. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: نماز خواندن در مسجد مدینه برتر از هزار نماز در دیگر مساجد است.(4)

16. علل محمد بن ابراهیم: علت این که میان قبر پیامبر و منبر ایشان باغی از باغهای بهشت است این است که هر کسی خداوند را میان قبر و منبر عبادت کند و حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان را بشناسد و از دشمنانشان بیزاری جوید، در نزد خداوند عز و جل باغی از باغهای بهشت از آن وی خواهد بود و این امر برای وی در جای دیگر نخواهد بود.

1- . کامل الزیارات: 21
2- . کامل زیارات: 21
3- . کامل زیارات: 22
4- . کامل الزیارات: 22

باب سوم : نوادر و ذکر برخی از آداب فردی که از مکه میآید و آداب دیدار با او، علاوه بر آنچه در باب خودش ذکر شد.

روایات:

1. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو امیری که امیر نیستند: کسی که به دنبال جنازهای می رود و حق ندارد بازگردد تا این که جنازه را دفن کنند یا به وی اذن بازگشت داده شود. همچنین مردی که با همسر خود حج میگزارد، اجازه ندارد کوچ کند تا این که همسرش واجباتش را انجام دهد.(1)

2. الخصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار عمره گزارد: اول عمره حدیبیه، دوم عمره قضا در سال بعد، سوم از جعرانه و عمره چهارم که همراه با حج وی بود.(2)

3. الخصال: موسی بن بکر از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال از هر چیزی چهار تا انتخاب فرموده: از میان ف-رش-ت-گ-ان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ملک الموت (عزرائیل) را اختیار کرد و از انبیاء چهار تن را برای شمشیر برگزیده است: ابراهیم، داود، موسی و من. از خانهها چهار تای آنها را برگزید. خداوند عز و جل فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی

1- . الخصال 1: 122
2- . الخصال 1: 132

آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِين»(1) {به يقين خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهيم و خاندان عمران را بر جهانيان برترى داده است.} و از ميان شهرها چهار شهر را برگزيد. خداوند عز و جل فرمود: «وَ التِّينِ وَ الزَّيْتُونِ وَ طُورِ سِينِينَ وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِين»(2) {سوگند به تين و زيتون و طور سينا و اين شهر امن.} منظور از تين مدينه و از زيتون بيت المقدس و طور سينين كوفه و اين شهر امن، مكه ميباشد. و از زنان عالم چهار تن را برگزيده: مريم، آسيه، خديجه و فاطمه سلام الله عليها. از اعمال حج چهار تاى آن را برگزيده: ثج، عج، احرام و طواف. منظور از ثج قربانى كردن و عج بالا بردن صدا وقت لبيک گفتن است. از ماهها چهار ماه رجب، شوال، ذى قعده و ذى حجه را برگزيد و ازروزهاى سال چهار روز جمعه،يوم الترويه، عرفه و عيد قربان را بر ديگر روزها برترى داد.(3)

4. الخصال: در آنچه كه رسول خدا صلى الله عليه و آله على را بدان سفارش كرده آمده است: اى على! عبدالمطلب در دوران جاهليت پنج سنت را بنا نهاد كه خداوند براى او در اسلام به اجرا گذاشت: زنان پدران را بر فرزندان حرام كرد، پس خداوند اين آيه را نازل كرد: «وَ لا تَنْكِحُوا ما نَكَحَ آباؤُكُمْ مِنَ النِّساء»(4) {با

زنانى كه پدرانتان به نكاح خود درآوردهاند نكاح مكنيد.} گنجى يافت و از آن خمس را جدا ساخت و آن را صدقه داد و سپس خداوند اين آيه را نازل كرد: «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْ ءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ»(5) {و بدانيد كه هر چيزى را كه غنيمت گرفتيد، يک پنجم آن براى خداست.} و زمانى كه زمزم را حفر نمود آن را سقايه الحاج يا سيراب كننده حج گزاران نام نهاد و خداوند در پى آن آيه ذيل را فرود آورد: «أَ جَعَلْتُمْ سِقايَةَ الْحاجِّ

1- . آل عمران / 33
2- . تين / 1-3
3- . الخصال 1: 153
4- . نساء / 22
5- . انفال / 41

وَ عِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ»(1) {آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند کار کسی پنداشتهاید که به خدا و روز واپسین ایمان آورده است؟ } و در دیه قتل، نحر صد شتر را بنا نهاد و خداوند عز و جل آن را در اسلام به اجرا گذاشت. و طواف در نزد قریش تعداد خاصی نداشت، پس عبدالمطلب آن را هفت دور قرار داد و خداوند در اسلام به اجرا گذاشت. ای علی! عبدالمطلب مانند مردم زمان جاهلیت به وسیله تیرهای مخصوص قمار قرعه نمیزد و بتها را پرستش نمیکرد و از آنچه برای بتها بر چوبها میکشتند نمیخورد و میگفت: من بر دین پدرم ابراهیم هستم.(2)

5. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس با حج گزاری دیدار کند و با وی دست دهد، همچون کسی است که بر حجر الاسود دست کشیده است.(3)

6. الخصال: امام سجاد علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ولیمه در پنج مورد است: عرس، خرس، عذار، رکاز و وکار. منظور از عرس ازدواج و عروسی، و خرس تولّد نوزاد، و عذار ختنه کردن کودک، و وکار برای کسی است که خانه میخرد و رکاز کسی است که از سفر حجّ باز میگردد.

7. الخصال: در آنچه که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام وصیت کرده، این حدیث آمده است.(4)

8. معانی الأخبار: موسی بن بکر نیز مانند این حدیث را نقل کرده است.(5)

شیخ صدوق رحمه الله گوید: از برخی از اهل زبان شنیدم که درباره معنی واژه وکار میگفتند: به غذایی گفته میشود که زمان ساختن خانه و خریدن آن، مردم را به

1- . توبه / 19
2- . الخصال 1: 221
3- . امالی الصدوق: 586

4- . الخصال 1: 221
5- . معانى الأخبار: 272

آن دعوت میکنند و خریدار آن وکیر است و وکار نیز از آن برگرفته شده؛ و به طعامی که برای فردی که از سفر میآید میدهند نقیعه و رکاز نیز میگویند. رکاز غنیمت است گویی که منظورش این است که دادن طعام برای کسی که از مکه آمده، غنیمتی برای صاحبش و پاداش بسیار میباشد؛ و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در این باره آمده: روزه زمستان غنیمتی فرح بخش است و اهالی عراق گفتهاند: رکاز تمامی معادن است و مردم حجاز گفتهاند: رکاز دارایی مدفون ویژهای است که فرزندان آدم قبل از اسلام ذخیره نمودهاند و ابو عبید نیز این گونه ذکر کرده و توان و نیرویی جز از خداوند نیست. همچنین ابوالحسین محمد بن هارون زنجانی در نامهای که به من نوشته، از علی بن عبدالعزیز از ابو عبید قاسم بن سلام نقل کرده است.(1)

9. الخصال: امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمائه فرمود:همین که برادرت از مکّه آمد، بین دو چشمش و دهانش را ببوس که با آن حجر الأسود را بوسیده، همان حجرالأسودی که پیغمبر اسلام صلّی الله علیه و آله بوسیده است؛ و چشمی که با آن چشم به خانه خدا نظر کرده است و پیشانی و صورت او را ببوس و زمانی که به وی خوش آمد گفتید بگویید: خداوند عبادتت را از تو بپذیرد و بر سعیت رحمت دهد و هزینه سفر را برایت بازگرداند و آن را آخرین عهد و دیدارت با بیت الله الحرام قرار ندهد.(2)

10. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام نقل کردهاند که امام زین العابدین علیه السلام خطاب به فرزند خویش محمد، به هنگام وفات خویش فرمود: همانا من با این شتر خود، بیست حج گزارده ام و در این مدت، او را به تازیانه ای نزده ام؛ پس هنگامی که از بین رفت، آن را در زمین مدفون ساز تادرندگان گوشت او را نخورند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شتری که هفت بار برای انجام فریضه حج در عرفات بر آن وقوف کنند، خداوند او را از حیوانات بهشت قرار می دهد و به نسلش

1- . معانی الأخبار: 272
2- . الخصال 2: 431

برکت می بخشد. پس هنگامی که آن شتر مرد، پدرم زمین را کند و او را به خاک سپرد.(1)

11. المحاسن: برخی از اصحاب این حدیث را از امام صادق علیه السلام نقل کردهاند.(2)

12.ثواب الأعمال: هیچ شتری نیست که پنج بار با آن در عرفات وقوف شود جز این که از حیوانات بهشتی به حساب آید.(3)

13. المحاسن: ابن یزید نیز این حدیث را روایت کرده و برخی گفتهاند: سه بار در عرفات وقوف کند.(4)

14. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: امام زین العابدین علیه السلام میفرمود: ای کسانی که به سفر حج نرفتهاید، بشارت باد شما را به حج گزارانی که از سفر حج بازمیگردند! با آنان دیدار و مصافحه کنید و آنان را بزرگ بدارید تا در پاداش و ثواب حج آنان شریک باشید.(5)

15. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: همواره نور حج بر حج گزار است تا زمانی که گناه نکند.(6)

16. المحاسن: امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خویش علیهم السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به فردی که از مکه میآمد میفرمود: خداوند حج تو را بپذیرد و هزینه سفر حجت را جایگزین سازد و گناهت را ببخشاید.(7)

1- . ثواب الأعمال: 46
2- . المحاسن: 635
3- . ثواب الأعمال: 174
4- . المحاسن: 636
5- . المحاسن: 71
6- . المحاسن: 71
7- . المحاسن: 377

باب چهارم : ثواب کسی که در حرم یا بینالحرمین یا در راه از دنیا برود

روایات:

1. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در بینالحرمین از دنیا رود، خداوند در روز قیامت وی را در زمره کسانی قرار میدهد که در امن و امان هستند؛ بدانید که عبدالرحمن بن حجاج و ابو عبیده از آنانند.(1)

2. المحاسن: عبدالله بن هارون نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: کسی که در حرم دفن شود، از وحشت و هراس بزرگ روز قیامت در امان خواهد بود. گفتم: هم افراد نیکوکار و هم بدکار؟ فرمود: هم نیکوکار و هم بدکار.(2)

3. کامل الزیارات: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در یکی از دو حرم مکه یا مدینه از دنیا رود، او را بازخواست نخواهند کرد و هر کس از خانه خود

جهت کسب رضای الهی هجرت کند و در راه بمیرد، با اصحاب بدر محشور خواهد شد.

1- . المحاسن: 70
2- . المحاسن: 72

باب پنجم : کسی که در غیاب حاجی، احتیاجات خانوادهاش را تأمین کند

روایات:

1. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: امام زین العابدین علیه السلام فرمود:هر کس جای خالی حج گزار را در خانواده و دارایی اش پر کند، اجری مانند او دارد، تا آنجا که گویی سنگ های کعبه را لمس کرده است. (1)

2. عده الداعی: امام صادق علیه السلام فرمود: سه نفر دعایشان مستجاب است: اول حج گزار و عمره گزار، بنگرید که در غیاب آنان چگونه از خانوادهاش مراقبت میکنید. دوم: جهادگر در راه خدا، دقت کنید که در آنچه از او باقی مانده، چگونه جای او را پر میکنید.(2)

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

1- . المحاسن: 70
2- . عده الداعی: 72

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109